دودمان پهلوی

جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران

تاریخ و شرح حال خاندان سلطنتی

از نویسنده ملی دکتر جعفر شاهید

چاپ دوم

«تجدید چاپ کتاب»

چهارسال پیش که نخستین بار کتاب تاریخ «دودمان پهلوی» انتشار یافت نگارنده تصور نمیکرد که نتیجه زحمات و مطالعات چندین ساله او برای تهیه وتدوین تاریخ معاصرایران تا این پایه مورد استقبال عموم قرار گیرد.

ولی پس ازمدت کوتاهی که ازانتشار کتاب گذشت، و نسخ آن نایاب گردید. بمیزان علاقمندی هم‌میهنان ارجمند درباره آگاهی از تاریخ خاندان پهلوی وماجرای فداکاریهاواز خود گذشتگیهای اعلیحضرت رضاشاه کبیر سردودمان خاندان پهلوی، واعلیحضرت همایونشاهنشاهی «پهلوی دوم» درراه ایران عزیز پی برده موضوعی که موجب حسن استقبال عمومی این کتاب گردید، رنجها و کوششهائی بود که راقم این سطور درراه جمع آوری مطالب تاریخی، مصاحبه با رجال سیاسی وشخصیت های برجسته نیم قرن اخیرمتحمل شد زیرا تا قبل ازانتشاراین کتاب، علاقمندان بتاریخ معاصرایران وهمچنین بیگانگانی که مایل بدانستن شرح احوال خاندان سلطنتی وتحولات نیم قرن اخیر کشور بودند، بهیچوجه دسترسی بکتابی که ازهرحیث مستندباسناد و مدارك تاریخی باشد نداشتند.

ازاین رووقتی کتاب تاریخ «دودمان پهلوی» انتشار یافت، با وضع غیر منتظره ئی مورد توجه واقبال عامه قرار گرفت و در اندك مدت نسخه های آن بپایان رسید.

واما آنچه که موجب تجدید چاپ کتاب گردید دو موضوع بود. یکی مراجعات مداوم وپی درپی کسانیکه موفق بتهیه کتاب مزبور نشده وبلاانقطاع برای تجدید چاپ آن مراجعه میکردند.

دیگر نقیصه ئی که دراواخر کتاب وجود داشت. زیرا تاریخ دودمان پهلوی دراواخرسال ۱۳۲۸ انتشاریافت، ازاینروحوادثی که در خلال سالهای ۱۳۲۹ تا پایان سال ۱۳۳۲ درایران رویداد وقسمتی برازدواج «محمدرضاشاه» شاهنشاه باعلیاحضرت ملکه ثریا، و عقد قرار داد های تجارتی با کشور های دوست، و زمامداری

سپهبد رزم آرا و قتل وی، ماجرای ملی شدن صنعت نفت، وقطع رابطه ایران بادولت انگلیس و کشیده شدن دعوای دو کشور بشورای امنیت و دیوان بین المللی داد گستری لاهه، و ماجرای ۹ اسفند و انقلاب ۲۸ مرداد است ، ازهیچیك از آنهـا درنخستین چاپ کتاب سخنی بمیان نیامده بود . بدین لحاظ لازم بنظر میرسید که تجدید نظری در مندرجات کتاب مزبور بعمل آید ، وحوادث تاریخی فوق که قسمتی از آنها هم از نظر بین المللی وهم از لحاظ داخلی حائز اهمیت بسیار است بچاپ دوم اضافه شود .

اینك بعون اله تعالی ، و با تشکر بی پایان از هم میهنان عزیز ، مخصوصا هم قلمان ارجمند و فضلا و دانشمندان و ارباب جرایدی که با نگارش مقالات و مطالب فاضلانه خود در باب زحمات نگارنده اظهـار لطف کرده و اینجـانب را مشمول عنایات و الطاف بزرگوارانه خود قرارداده اند، چاپ دوم کتاب تاریخ دودمان پهلوی را بهم میهنان عزیز و دانش دوستان تقدیم میدارد وازارباب فضل ودانش تقاضا دارد درصورتیکه ضمن مطالعه مندرجات آن به نقیصه‌ئی برخوردند که رفع آن از لحاظ تاریخی ضرور بنظر میرسد ، اینجانب را مستحضر فرمایند تا درچاپهای بعدی رفع نقیصه شود و برای ثبت در تاریخ واطلاع نسل های آینده از تاریخ نیم قرن اخیر ایران ، مورد استفاده قرار گیرد .

سرآغاز

دودمان پهلوی

تاریخ دوهزار و پانصد ساله ایران، پر است از افتخارات جاویدان و فنا ناپذیر ملتی که قرنها مشعلدار تمدن دنیا بوده، و سهم بزرگی در تمدن کنونی جهان دارد.

متاسفانه گذشته ما غالباً بوسیله بیگانگان و بدست اجنبی نگارش یافته، و جز کتیبه ها و سنگ، نبشته هائی که از عهد باستان در سینه خاك، یا در پیشانی کوه های بلند باقیمانده چیزی دردست ما نیست.

از این رو تاریخ قرون اولیه ایران که مربوط به سلسله های هخامنشی و اشکانی وساسانی نیست، باهمهٔ عظمت و قدرت سلاطین آنعهد و جهانگشائیها و خدماتی که بفرهنگ و تمدن جهان کرده اند، آنطور که باید برای ما روشن نیست، زیرا از آثاری که در بارهٔ ایران بدست مورخان بیگانه نگارش یافته، غالباً آمیخته باغرض ورزی و کینه توزی و حق شکنی است. بطوریکه فتوحات و پیروزیهای درخشان ایران را کوچك و ناچیز نشان داده، ودرعوض موفقیت های عادی خویش را بصورت اعجاز وعملی خارق العاده جلوه گر ساخته اند.

اما تاریخ ایران دردورهٔ اسلامی اگرچه روشن تر از اعصار وازمنهٔ پیش از آن است، باوجود این در اثر تحولات بزرگ و تغییرات شگرفی که در طی قرون متمادی در این کشور رویداد و منجر بهجوم امپراطوریهای بزرگ و اقوام وطوائف وحشی بمیهن ما گردید، قسمت اعظم این آثار از بین رفت وجز معدودی کتب خطی ونسخ قدیمی چیزی برای ما باقی نماند.

بنابراین برای آنکه تاریخ معاصر که نسل کنونی شاهد وناظر آن بوده بطرز

جالب ومطلوبی انتشار یابد ، وقایع وحوادث مهم تاریخی بامرورزمان بدستخوش فراموشی سپرده نشود ، نگارندهٔ این کتاب تصمیم گرفت تاریخ زندگی خاندان پهلوی و علل انقراض سلسلهٔ قاجاروچگونگی تشکیل سلسلهٔ پهلوی را بامدارك صحیح و کامل انتشار دهد .

بطوریکه این مجموعه برای تمام کسانیکه بخواهند ازوقایع بعد از استبداد صغیر واواخر سلطنت احمد شاه و اوضاع سیاسی ونظامی واجتماعی ایران مطلع شوند ، بصورت یك سند مهم تاریخی مورد استفاده قرار گیرد .

این نکته نیز نا گفته نماند که نگارنده این کتاب نه تنها هیچگونه منظورو نفع شخصی از انتشار این تاریخ نداشته ، بلکه با صرف وقت ومرارتهای زیادو مراجعه بکلیهٔ تواریخ ومطبوعات ویادداشتهای رجال سیاسی ومطبوعات نیم قرن اخیر تاریخ مزبور را برشتهٔ تحریردرآورده ، وبا صرف مبالغ هنگفتی این کتاب رامنتشر ساخت .

وچون این رسم از دیربازه رسوم بوده که هرنویسنده ای اثرخودرا بعزیزترین و گرانبهاترین کسی که باو علاقمند بوده تقدیم میکرده است ، اینجانب نیزاثرناچیز خودرا به «ملت حقشناس ایران» که بیست و پنج سال باسرافرازی ونیکنامی دربرابر سهمگین ترین حوادث تاریخ پایداری کرده ، واززیرهمهٔ آن فشارها وشکنجه ها وسوانح خانمان برباده باموفقیت وکامیابی سرراست کرده است تقدیم میدارم ، و امیدوارم این هدیهٔ کوچك یکی از فرزندان این آب وخاك را بابزرگواری خود قبول فرمایند ، وازلغزشهائی که ممکنست درخلال نوشته های این کتاب ملاحظه فرمایند ، قلم عفو برروی آن بکشند

اسفند سال ۱۳۴۲ - دکتر جعفر شاهید

تحولات دنیا در قرن اخیر

قرن شانزدهم میلادی در تاریخ جهان مادر حوادث و آغاز تحولات عظیم سیاسی واجتماعی وعلمی وادبی بشمار میرود، زیرا از این قرن بود که اندك اندك تغییرات عمیقی در کلیه شئون زندگی ملل واقوام گیتی پدیدار شد، وبالاخره بتمدن درخشان و خیره کننده قرن بیستم منتهی گردید.

در اروپا پس از جنگها و خونریزیها و کشتارهای موحش دوران فئودالیته، و تاریکی وظلمت قرون وسطی بپایان رسید، باز تحولات جدیدی ریخته شد که منجر به پیدایش نوابغ بزرگی در صحنه‌های مختلف حیات بشری گردید، وتغییرات شگرفی در کلیه امور بین المللی، چه درمسائل سیاسی واجتماعی، وچه درموارد علمی و ادبی وصنعتی پدیدارشد.

توسعهٔ دانش بشر، ومسافرت جهانگردان، ودست اندازی دول بزرگ و نیرومند بقاره‌های دیگر، وکشف قارهٔ جدید آمریکا، دنیا را وارد مرحلهٔ تازه‌ای از حیات خود نمود ومبارزات ومنافشات محلی بمنازعات وکشمکشهای بین المللی وجهانی تبدیل گردید.
در آسیا وشرق نزدیك آثار این تحولات سیاسی از سه قرن اخیر بخوبی پدیدار گشت سرزمین افسانه‌ای که مورد توجه دول بزرگ بود، سبب شد که منطقهٔ خاورمیانه مخصوصاً ایران کانون مبارزات سیاسی دول بزرگ قرار گیرد، وصفحه جدیدی بر تاریخ این کشور که شاهراه بازرگانی دنیای کهن و دروازه آسیا باروپا است، گشوده شود:

پس از انقراض سلسله زندیه، وتشکیل سلسله قاجاریه این توجه دولتهای بزرگ مخصوصاً کشورهای انگلیس وفرانسه وروسیه بایران رو بازدیاد نهاد و کار بجائی کشید که علناً در پشت پرده درامور داخلی این کشور دخالت نموده وبرای پیشرفت منافع خود از هیچگونه اقدامی فروگذار نکردند.

امپراطوری روسیه تزاری که هزاران کیلومتر مرز مشترك با ایران داشت از زمان سلطنت پطر کبیر برای آنکه دست بدریای آزاد داشته باشد و راهی بهندوستان پیدا کند توجه خودرا بجانب ایران معطوف داشت و امپراطوران روسیه همگی برای اجرای وصیت معروف پطر کبیر مبنی بر رسیدن بآبهای گرم و دست یافتن بخلیج فارس شروع بفعالیت نمودند ، چون در آنهنگام پنبهٔ جهل و بیخبری در گوش زمامداران و پادشاهان قاجار چنان فرورفته بود که بهیچوجه غرش توپها وصدای مهیب انقلابات و تحولات بزرگ گیتی بگوش آنان نمیرسید باینجهت بزرگترین ضربت برحق حاکمیت واستقلال و تمامیت این کشور وارد آمد و طبق معاهدات ننگین ترکمانچای و گلستان که در تاریخ چهار هزار سالهٔ ایران بی نظیر و بیسابقه است ، سرزمینهای وسیعی از خاك ایران باآبادترین و پرجمعیت ترین شهرهای آن که مهد مدنیت ایران کهن بود همه از این کشور منتزع وجزو خاك امپراطوری روسیه گردید .

ازطرف دیگر حریف قوی پنجه‌ای مانند دولت بریتانیا برای آنکه خطررا ازجانب هندوستان دورنگهدارد و وقایعی نظیر پیش آمد لشکر کشی سلطانمحمود غزنوی ونادرشاه افشار بهندوستان تجدید نگردد ، میکوشید که ایران قدرت و توانائی دیرین خودرا بدست نیاورد ، وبرای اینکار عمال ومأمورین زبردست خویش را باین کشور گسیل داشت تا باایجاد اختلاف ونفاق ودسته بندی وجنگ خانگی این نقشهٔ عجیب و خطرناك را بمرحلهٔ عمل در آورد .

از سوی دیگر امپراطوری عثمانی که از سه قرن پیش با پادشاهان سلحشور ایران مانند شاه اسمعیل صفوی وشاه عباس کبیر ونادرشاه جنگها کرده و ضربات موحشی بآن کشور وارد آمده بود ، میل نداشت ایران دارای قدرت و عظمت دیرین بشود ، وچون خاری ازجانب خاور بپهلوی او فرو برود .

بدین ترتیب چنگالهای خونین از همه طرف ایران را احاطه کرده وبرای اضمحلال وانقراض این کشور باستانی بالاترین مساعی را بکار میبردند.

همین دستها بودند که مستقیماً یابطور غیرمستقیم بوسیلهٔ عمال ودست نشاندگان

خود مردان بزرگی مانند نادرشاه و لطفعلیخان زند و عباس میرزا و قائم مقام و امیر کبیر و صنیع الدوله و بهبهانی و طباطبائی و ستارخان و باقرخان و ثقة الاسلام و صور اسرافیل را نابود کرده و همه آنها را که ممکن بود ایران را باوج ترقی و تمدن برسانند فدای سیاست و منافع شوم خویش کردند .

هنگامیکه مشروطیت ایران ببهای خون بزرگترین و دلیرترین و لایق ترین و فداکارترین مردم ایران بدست آمد ، بازاین دستها و پنجه های خون آلود برای عقیم گذاردن سیر ترقی و پیشرفت ملت ایران وارد صحنه گردید ، وچون اوضاع ایران در آن هنگام بر اثر سهل انگاریها و سست عنصریها و ضعف نفس زمامداران و مسئولین عصر کاملا برای نقشه شوم آنان مساعد بود زیانهای جبران ناپذیری بملت و مملکت ایران وارد آوردند که اگر مردی فداکار و ازجان گذشته از میان مردم پاك نژاد ایرانی قیام نمیکرد و ایران را از آن ظلمت و وحشتزا و بلایا و محن نجات نمیداد ، بلا تردید امروزه نامی از ایران درنقشهٔ جغرافیای عالم وجود نداشت .

در یك چنین دوران تاریك و پرهرج ومرج و آشفته‌ای بود که جریان تاریخ ایران بدست یك سرباز شجاع ومیهن پرست عوض گردید، وتحولاتی دراین کشور بظهور پیوست که اگر قرار بود بحال عادی این تغییرات پدیدار شود ، یك قرن طول میکشید تا فرهنگ دانش وتمدن جدید به ایران راه یابد ، ویك ملت عقب افتاده که قرنها گرفتار جنگهای خانگی وحکومت های ملوك الطوایفی وجهل و بیسوادی و خرافات وموهوم پرستی بود ازثمرات آن بهره‌مند گردد .

یك نابغه

سپیده دم یکی ازروزهای بهار سال ۱۲۹۵ هجری ، دردامنهٔ کوهی سرسبز وباصفا، موجودی پابعرصه وجود گذاشت که بعدها یکی ازنوابغ بزرك جهان گردید

این موجود رضاخان ، فرزند عباسعلی خان پهلوی سرکرد فوج سواد کوه. که حکومت آن سامان رانیز بعهده داشت بود .

پدر عباسعلی خان ، یاور مرادعلیخان پهلوی ازدلیران ورادمردان روزگار بود

که درجنگ هرات پس از دلیریها وفداکاریهاشربت شهادت نوشید ، وروح وطن پرستی وشهامت رابفرزندخویش عباسعلیخان ونوهٔ خود **رضاخان پهلوی** بخشید .

سواد کوه موطن ومولدرضاخان، همانجائی بود که قرنها پیش ازاین پادشاهان وفرمانروایان بزرگ ایرانی دربرابر هجوم اقوام وملل مختلف گیتی ایستادگی کرده زانوی دشمنان ایران رادرآن سامان برزمین زدند .

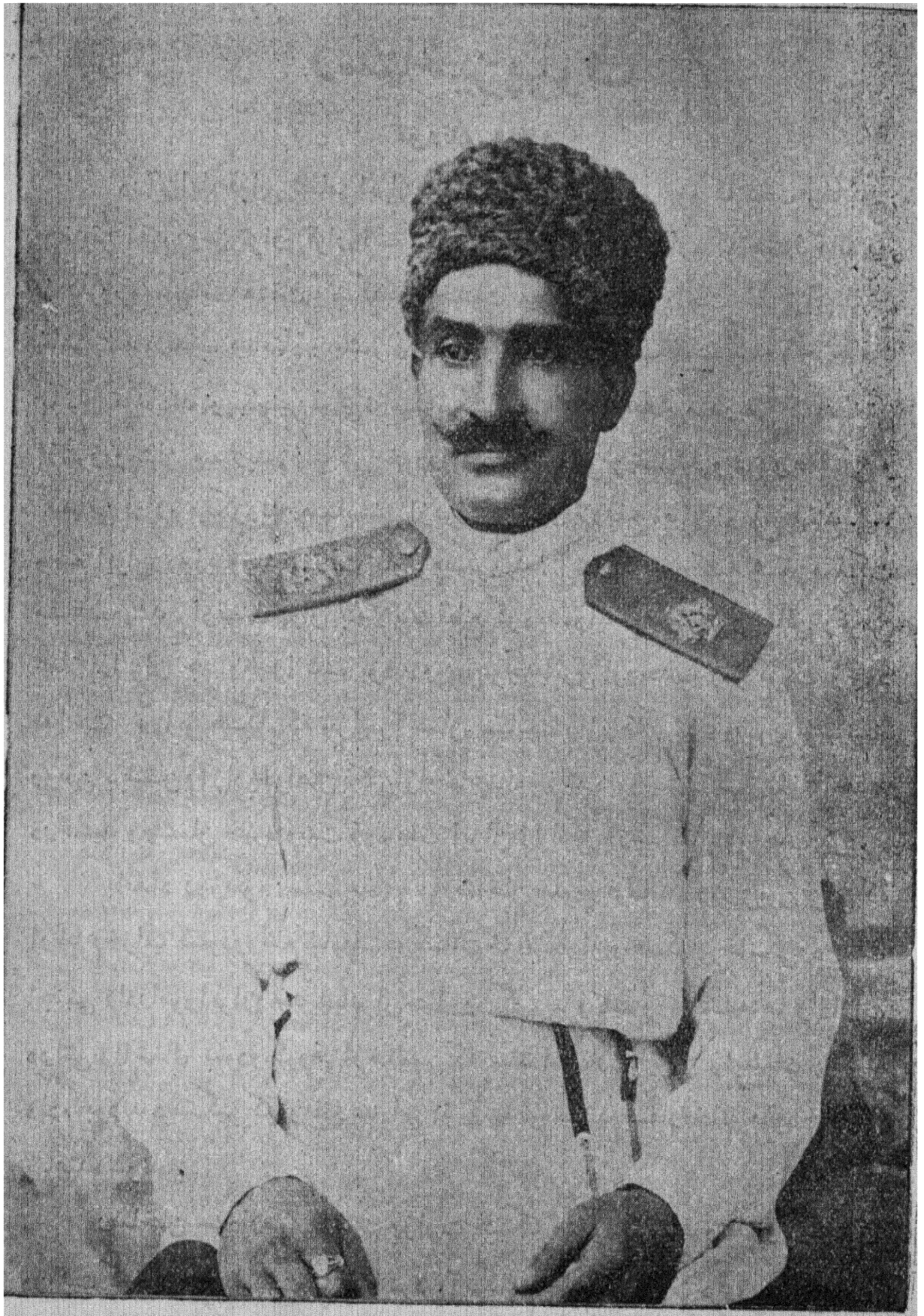
آنجاکانون دلاوران ورادمردانی ازسلسله اسپهبدان ،وآل زیار، وپادشاهان باوندبود ،و در همین نقطه بود که فریدون پادشاه پیشدادی باسپاه ضحاك وتازیان پیکار کرد و ضحاك رابه بندافکندواورادرچاهی برفراز البرز کوه زندانی ساخت.

رضاخان پهلوی درسال ۱۳۰۷ هنگامیکه فقط ۱۲ سال داشت وارد فوج سواد کوه گردید وپس ازآن بادرجه افسری مراحل مختلف راطی کردودرجنگهای بسیار شرکت نمود ورشادتها ازخود بروز داد .

اویك چند درتهران ، ومدتی درهمدان وپس ازآن روزگاری در کرمانشاه وسایر نقاط ماموریت داشت ، و درزدوخورد های محلی با یاغیان و کرد نکشان خدمات بزرگی بوحدت وحفظ استقلال ایران کرد .

درسال ۱۳۳۳ هجری ازهمدان برای تشکیل قسمت مسلسل قزاقخانه تهران بجانب پایتخت حرکت نمود ، وبعدازچندی مجدداً بریاست آتریاد همدان منصوب گشت .

در این هنگام اوضاع ایران سخت تیره وتار بود ، واز هرسوخان و رئیس ایل وحاکمی قیام کرده ، ودر مرزهای ایران نیز قوای بیگانه واردخاك کشور گردیده وشروع بدست اندازی بجان ومال وناموس مردم مینمودند . درتمام این ایام رضاخان پهلوی بافرماندهی فوج پیاده تهران مأمور سرکوبی یاغیان ومتجاسرین بود ودر همه جاآنهارا شکست داد



رضاشاه قبل از کودتا

رستاخیز پهلوی

کودتای ۱۲۹۹

درآن‌ایام قوای نظامی‌ایران مرکب ازعده ای‌قزاق بود که تحت‌فرماندهی
چندتن افسرروس تزاری‌قرارداشتند . همچنین‌یك‌عده ژاندارم که‌تحت فرماندهی
(گلروپ) بانهایت مشقت وتنگدستی‌خدمت میکردند،وپرداخت حقوق‌آنهااغلب
تاهشت ماه بعقب میافتاد وبیشتراوقات بجای جیره وماهیانه سنگ وآجروآهك
بآنان میدادند،ویکچنین قوای‌ناامید پریشانحالی‌باجامه های‌مندرسی که‌بدبختی
ازسروریشان میبارید وزندگی خودراباهیزم شکنی وذغال فروشی و عملگی و
گدائی اداره میکردند،میبایستی ازمرزهای بازوبلادفاع ایران دفاع کنند....
وضع ایران روزبروزبدتروروقت بارترمیگردید . آشفتگی در کلیه شئون‌مملکت
مشاهده‌میشد . ارتباط‌تهران بنولایات قطع گردیده‌وایالات‌جنوبی‌وشمالی وغربی
عملا ازایران جداومجزا شده بود ، وبهیچوجه اثری ازوحدت ومرکزیت وجود
نداشت . دراین هنگام که سراسرآسمان سیاست راابرهای تیره وتاری‌پوشانیده
ووطن پرستان‌وآزادیخواهان بکلی‌ازاوضاع ناامید شده‌بودند ، ناگهان‌بارقۀامیدی
درخشید وچشمان خیره وبهت زده ملت ایران را غرق درشگفتی واعجاب کرد.

بامداد روزسوم اسفند ماه۱۲۹۹رضاخان پهلوی فرمانده دیویزیون قزاق که
اوضاع‌خراب کشورووضع تباه‌ملت وخیانت‌خیانتکاران‌وجنگهای‌خانگی‌ودخالت
اجنبی رادرامورایران میدیدبتهران‌حمله ور گردید وکلیۀ وزارتخانه ها وادارات
دولتی رااشغال نمودو گروهی‌ازخائنین‌که سند استقلال ایران رابدست بیگانه
داده بودند دستگیر کردوفقط عده‌ای از آنها توانستند بسفارتخانه های خارجی
پناهنده شوند .

رضاخان سردارسپه باسمت وزارت جنگ مشغول کارشد ونظم و امنیت را
درمدت‌کوتاهی درپایتخت برقرارنمود .آنگاه برای‌سروصورت دادن بوضع‌درهم
و آشفته نظام شروع باقدامات اساسی کرد و"درقصر قاجار اردوئی تحت‌ریاست

سرلشکر احمد آقاخان تشکیل داد. پس از آن برای آنکه وزارت جنك را از حالت مسخره
و نامفهوم آنروزی که از یکنفر وزیر آخوند مآب نظام ندیده و بدون هیچ سرباز
تشکیل شده بود بیرون بیاورد، نقشهٔ وسیعی طرح کرد و خوددر رأس وزارت جنك
قرار گرفت، و قوای متفرق انتظامی را که از ژاندارم و قزاق و نظامی تشکیل شده
بود بصورت واحدی در آورد، و شاهزاده امان اله میرزا را که از افسران رشید و نجیب
بود بریاست ارکان حرب منصوب ساخت.

زد و خورد با اشرار شمال

وضع آشفتهٔ مملکت از مدتها پیش به خوانین محلی و رؤساء ایلات و عشایر و
حکام خودخواه و مستبد مجال داده بود که هریك از گوشه‌ای سر بلند کرده و برضد
حکومت مرکزی قیام کنند و برای خود بساط فرمانروائی و مطلق العنان بگسترانند
اینوضع در مدت کوتاهی بسراسر کشور سرایت کرد بطوریکه وقتی انسان پای
خودرا از دروازه‌های تهران بخارج مینهاد با تفنگچیها و افراد مسلح و دسته‌های مختلف
که بهیچوجه خودرا تابع حکومت مرکزی نمیدانستند مواجه میگردید.

برای خاتمه دادن باینهمه آشفتگی، و حفظ امنیت در کشور و نجات جان و مال
و نوامیس مردم از چنك یاغیان و گردنکشان وراهزنان. **سردار سپه** با جدیتی خستگی
ناپذیر شروع بکار نمود. نخست امیر مؤید و پسران اورا که در سواد کوه علم مخالفت
برافراشته بودند پس از چندین جنك منکوب و مغلوب کرد. پس از آن احسان الله خان
و ساعد الدوله را که در نواحی تنکابن قیام نموده بودند مورد حمله قرارداده و در چندین
جا آنهارا شکست داد. آنگاه عده‌ای از روسها را که با توپ و مسلسل از شورشیان
پشتیبانی میکردند مغلوب نموده و همگی را خلع سلاح کرد. در این اثناء میرزا
کوچك خان با گروهی از متمردین گیلان مازندران و قزاقهای روس همدست شده و
شروع به زدوخورد با قوای دولتی و در چندین نقطه دستبردهائی زد و شهر و نقاط
دیگررا تصرف کرد.

در این هنگام سردار سپه خود وارد عرصهٔ پیکار گشت و برای یکسره ساختن

غوغای جنگل ازتهران بطرف شمال عزیمت نمود. قوای دولتی پس ازجنگی خونین شهر رشت را تسخیروماسوله وجمعه بازاررا که مرکزجنگلیان بود اشغال کرد و میرزا کوچك خان در کوههای پربرف متواری شد وبراثرسرمای شدید در کوههای برف پوش طالش جان داد وسراورا نیزطالشیها بریدید .

سرکوبی اشرارسیمیتقو

پس ازآنکه امنیت وآرامش کامل درصفحهٔ گیلان ومازندران برقرار شد ، قوای دولتی بطرف ساوجبلاغ واردبیل که عمال اسمعیل آقا سیمیتقودرآن نقاط شقاوتها وبیرحمیها کرده بودندحرکت نمود . درقلعهٔ چهریق موجودی فرمانروائی میکرد که ازشنیدن نام او، لرزه براندام اهالی پاك نژادآذربایجان میافتاد، این مرد یعنی سیمیتقوروزی نبود که مردان وزنان وکودکان آن سامان راقربانی شقاوت وبیرحمی خودنکند ، وخون بیگناهی رابرزمین نریزد واموال بیچاره‌ای رابغارت نبرد ، وبعفت وعصمت زنان پاکدامن دست درازی نکند. اهالی بیگناه شهرهای ارومیه وخوی وسلماس وتبریزوسایرشهرهای آذربایجان درزیرچنگال اشرارسیمیتقو دست وپامیزدندودرهمین موقع بود که سیل خروشان قوای دولتی برای نابود کردن بنای پوشالی بیدادگران بجانب شمالغرب سرازیرگشت. دراین زمان لاهوتی نیز باقوای متجاسرین همدست شده وبرای افزودن آتش شورش وهرج ومرج بتبریزرفت.

قوای دولتی بشتاب بطرف تبریز عزیمت کردوپس ازجنك خونینی که بین طرفین درگرفت شهرتبریزآزاد وشورشیان منهزم گردیده ولاهوتی با چند تن از نزدیکان خود متواری گشتند.

پس ازآنکه تبریزازچنك متمردین آزاد شد خبرآوردند که سرزمین فارس درآتش هرج ومرج میسوزد، واهالی بنادرخلیج فارس جان ومال وناموسشان بازیچه دست اشراروراهزنان وایلات آشوبگراست. سردارسپه باآنکه هنوزکارآذربایجان را یکسره نکرده بود دستور داد که قوای دولتی دست متجاسرین را از دامان

مردمان بیگناه فارس کوتاه کنند وهمچنین درایالت خراسان ازتوسعه آتش شورش وهرج ومرج جلوگیری نمایند درخلال این اوضاع باردیگر خبررسید که سیدجلال چمنی ازنزدیکان وفدائیان میرزا کوچك خان درجنگل فتنهٔ دیرین را تجدید نموده وافراد پراکنده را بدور خود جمع کرده وبار دیگر مردم را از تبهکاریهای خویش بعذاب آورده است . هماندم قوای دولتی بتعقیب او وهمدستانش پرداخت وگروه انبوهی ازطاغیان وبرادران آنمرد را بقتل رساند وخود اورا نیز درطالش بکیفر رسانده وسرزمین زرخیز گیلان را ازشرآشوب گران بکلی نجات داد .

فاجعهٔ کوه مروارید

پس از پایان کار شمال عملیات نظامی درایالت فارس شروع شد و در آنجا قوای دولتی مشغول قلع وقمع اشرار بویراحمدی وطرفداران امامقلی درناحیه ممسنی گردید، ولی در راه کهکیلویه سیصد نفر ازنظامیان موقعیکه عازم بهبهان ورامهرمز بودند ناگهان باعده بسیارزیادی ازاشرار کوه مروارید مصادف شده وهمگی باوضع فجیعی قتل وعام گردیدند. دربارهٔ قتل این سیصد سرباز فداکار حکایتها نقل میکنند که چگونه اشرار اجساد نظامیان را قطعه قطعه کرده و بشدید ترین وجهی آنانرا نابود ساختند .

این پیش آمد سبب خشم و تعصب عموم وطنپرستان شد ونفرت وانزجار کلیه افراد کشور نسبت به یکچنین شقاوت وخونخواری که تا آنزمان کمتر نظیر آن دیده شده بود جلب گردید. در شهرهای جنوبی ایران هرج ومرج عجیبی حکمفرما بود وآتش فتنه وفساد وقتل وخونخوارگی در همه جا مشتعل گشت. بطوریکه روز روشن دربیرون دروازه های شیراز مردم را سرمیبریدند ومال افراد ورعایای بیگناه را غارت میکردند. قوای دولتی وارد کازرون شد وگروهی ازآنانرا در (دشتك) شکست دادند ویکعده دیگررا در (دالکی) تارومار ساختند.

شورش ایلات غرب

در حینی که نظامیان مشغول زدوخورد با اشرارجنوب بودند صفحات غرب

نیز در آتش بیداد میسوخت. طوایف و ایلات (زلقی) و (خواجه‌مکوئی) و (کلمباغی) و (مریوانی) و (سنجابی) و (چواری) و (کاکاوند) و (حسن‌وند) و (پیران‌وند) و (سکوند) و (چهار لنك) و قوای (سردار رشید) و (سیدطه) تمام صفحات غربی ایران را غرق در آتش وخون کرده بودند. کاروانی نبود که از یکی از نقاط بگذرد و غارت نشود. و مسافری نبود که از آن نواحی عبور کند و جان بسلامت بدربرد، و زنان و دختران بیگناهی نبودند که بسفر روند و دردرون دشتها و یابالای کوهها و یا در سر گردنه‌ها گوهر عصمت و ناموسشان برباد نرود.

اینوضع دیگر قابل تحمل نبود و رعب و وحشت در سراسر ایران از شنیدن نام این طوائف و قبائل حکمفرما گردید. دراینموقع سرلشکر احمد آقاخان فرمانده سپاه غرب بنابدستور سردارسپه مأمور سرکوبی اشرار گردید وطی چندین جنگ خونین قوای متمردین را تاومار کرد. این پیکارها خود احتیاج بشرح و بسط جداگانه دارد زیرا در هر قدم از کوهها و دره‌های باختر، ماجرائی بس شیرین از فداکاریها و جانبازیهای سربازان وجود دارد.

قتل وخونریزی درآذربایجان

دراین اوان خبرهای موحشی از صفحات شمالغرب میرسید وهمهٔ این خبرها حاکی بود که (سیمیتقو) و (مهرعلیخان امیرمنظم) و (شیخ عبیدالله) و (شیخ عبدالقادر) واشرار (شاهسون) و (الارلو) در شهرها و قصبات آذربایجان دست بچنان قتل وخون ریزی دراز کرده‌اند که فتنهٔ چنگیز و تیمور از خاطرها فراموش شده است. شیخ عبدالقادر در شهرمیاندوآب چهار نفر از اهالی را قتل وعام کرد، شیخ عبیدالله گروهی ازجوانمردان و دلیران ارومیه (رضائیه کنونی) را که دست و پایشان را با زنجیر بسته بود بدست خود همه را بضرب گلوله از پای درآورد ومریدان او اجساد مقتولین را باخنجر قطعه قطعه کرده وخون آنهارا بتصوّر ثواب بسر وروی خود میمالیدند. در سلماس خانه‌های مردم را آتش زده وزنان و کودکان را درآتش میسوزانند، درشهر خوی اطفال خردسال را سرمیبریدند و پیرمردان را خفه‌میکردند، جوانان دلیررا از

بالای کوه دست بسته باعماق دره سرنگون میساختند . بمحض رسیدن این اخبار وحشتناك سرتیپ امان الله میرزا رئیس ارکان حرب (ستاد ارتش) ازطرف وزیر جنگ (سردارسپه) مأمور قلع و قمع اشرار گردید، مشارالیه بانهایت تدبیر وازجان گذشتگی قدم بقدم یاغیان را تعقیب نموده و پی در پی آنهارا شکست داد و قسمت اعظم شهرهای اشغال شده راآزاد کرد ، و قلعهٔ چهریق را که مرکز و مأوای اشرار سیمیتقو بود تسخیر ساخت و سیمیتقو بااتباعش ناچار ازمرز گذشته وبخاك عثمانی پناه بردند .

قدردانی مجلس شورای ملی از سردارسپه

پس ازخاتمه کار یاغیان شمالغرب واستقرار امنیت درآذربایجان نوبت بصفحات شرق رسیدو قوای دولتی بلوچ هارا که آشوب بپا کرده بودند قلع و قمع نمودند. و پس ازبرقراری امنیت در کلیه آن صفحات ، مجلس شورای ملی ایران بپاس خدمات و فداکاری های سردارسپه رسماً بوسیلهٔ مؤتمن الملك پیرنیا رئیس مجلس ازخدمات این سردار بزرگ قدردانی نمود، در کلیه شهرهای ایران بشکرانه این جانبازیها جشنها برپا گردید وچراغانیها بعمل آمد .

استعفای سردارسپه

این موفقیت هاوافتخارات پی در پی که نصیب سردار سپه میگردید ، عده‌ای ازمفسدین و کسانی را که ازهرج ومرج ونا امنی استفاده میبردند ، برآن داشت که شروع به تفتین نموده وبرضد سپهسالار بزرگ وناجی ایران تبلیغات سوئی کنند. با این اندیشه روزنامه های مخالف وسران این گروه شروع بنگارش مطالب وایراد نطق هائی برضد حکومت نظامی که براثر جنگها وخونریزیها وقتل وغارت هاو نا امنی اشرار برقرارشده بود نمودند وتهمتها زدند، بطوریکه عواطف واحساسات سردار سپه راپس از آنهمه فداکاری وجانبازی سخت جریحه دار کردند ، بطوریکه سردار و ناجی بزرگ ایران درصدد برآمداز کار کناره گیری کند. بااین اندیشه، پس ازآنکه افسران وفرماندهان وامرای لشکررا درعمارت وزارت جنگ دعوت نمود ، پس از نطق آتشینی که دربارهٔ خدمات وفداکاری های خویش ایراد کرد اعلام داشت که

ازاین پس دیگردخالتی درامور مملکتی نخواهدنمودو بدین ترتیب استعفای خود
رااعلام داشت .

این خبر مانند بمب دربین افسران ودربین اهالی شهرها ومحافل مختلف صدا
کرد . بطوریکه افسران دلیری که انفجار بمب و خمپاره در روحیه آنها تأثیری
نمیبخشید ، براثرشنیدن این خبراشك از دیدگانشان سرازیر شد ، وسیل تلگرافها
از کلیه شهرستانهای ایران بجانب پایتخت سرازیر گردید. وسران وفرماندهان لشکر
هانیزاز کار کناره گیری کردند ،وتشنج عجیبی در سراسر مملکت ایجاد شد،وترس
ووحشت درهمه جا حکمفرما گردید . وبلافاصله اشرار ویاغیان وطاغیان بمحض
اطلاع ازجریان باردیگرسرراست کردند، وچیزی نمانده بود که مجدداً ایران مبدل
بکانون انقلاب ودریائی ازآتش شود ، که براثرفشارعناصر وطن پرست و تقاضاها
ها وتلگرافها وتحصن اهالی شهرستانها، سردارسپه باردیگرحاضر برای انجام خدمت
درراه وطن گردید .

شورش کردستان ولرستان

براثر انتشار خبر کناره گیری سردار سپه عده‌ای ازیاغیان که منتظر فرصت
بودنددر کردستان شروع بدست اندازی بشهرها و قصبات ونهب‌غارت وآدم کشی
کردند . باینجهت باردیگربنا بامرسردارسپه قوای نظامی در فرونت های متعدد
شروع بکار نمود . نخست نظامیان برای پایان دادن شورش و یاغیگری باقیمانده
سران شورشی کردستان عزیمت کردند وقوای سردار رشیدرا بکلی منهدم ساختند.
بعدعشایرسنجابی را که درمناطق مرزی دست بغارت وچپاول گشوده بودندسر کوبی
نمودند . آنگاه یکباردیگر قوای سردار رشیدرا کادرمرز کردستان عده زیادی را
جمع کرده ومشغول شرارت بود بکلی تارومارساختند بطوریکه مشارالیه ازبیم جان
مجبور گردید بخاك عراق عرب پناهنده شود .

قوای نظامی دراین هنگام سقزوبانه را که مدتها در دست یاغیان بوداشغال
نمودو قادرخان یکی ازرؤسای متمردین درحین زدو خورد کشته شد . پس از آن

نیروئی تحت فرماندهی امیرلشکر احمدآقاخان درلرستان شروع بپیشروی نمود و بقیه‌عشایرمتمردرا تنبیه کردو باموفقیت وارد بروجرد شد. مقارن‌همین اوقات سردار سپه شخصاً وارد صحنه‌های پیکار شدودر همه‌جا با استقبال بینظیر اهالی روبرو گردید، پس‌از آن یك‌ستون مأمور گردید که برای فتح قلعه(فلك‌الافلاك)عزیمت نماید، اما ستون مزبور در کوهستانهای سخت بوسیله گروه انبوهی از عشایرلر محاصره شدووضع آنهاسخت‌خطرناك گردید، ولی دراینموقع قوای کمکی ازپشت سررسیدو پس ازتلفات شدیدی که بیاغیان وارد آمد قلعه فلك‌الافلاك فتح شدومجسمه سردارسپه برفرازآن نصب گردیدوسران متمردین ازجمله(شیخه)و(علیمرادخان) بشدت کیفر یافتند.

هرج‌ومرج در آذربایجان و کردستان

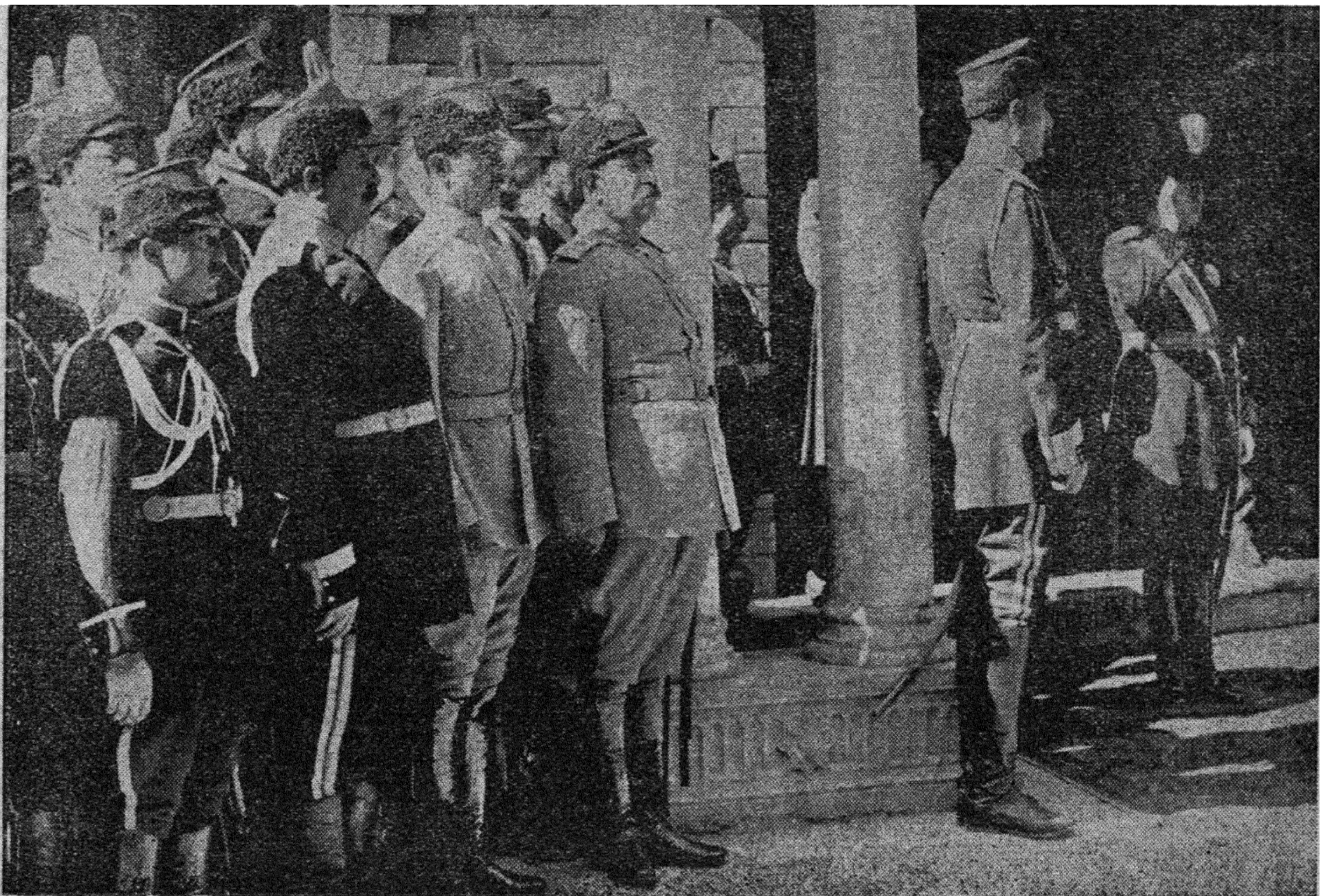
ازسوی‌دیگردرآذربایجان نیز براثرانتشارخبر کناره‌گیری سردارسپه، ازنو سران یاغی‌شروع بسرپیچی ازدولت‌مرکزی‌ودست درازی باموال‌و نوامیس مردم کردند. ازجمله‌امیرعشایرورشیدالممالك وامیرنصرت‌وامیرفیروز واقبال‌السلطنه ماکوئی‌و کاظم‌قوشچی هریك باعده‌ای سوارمسلح سراسر آنسامان‌راعرصهٔ تاخت و تاز ودزدی‌وغارتگری وخونریزی ساختند. دراینجانیز سپاه شمالغرب برای یکسره ساختن کار یاغیان شروع بکار کردو باکمال شدت عشایرمتمردرا یکی پس‌ازدیگری موردحملات شدیدقراردادو پس ازدادن تلفات سنگین‌وبدست‌آوردن مقدار زیادی اسلحه‌ومهمات، امنیت‌کامل‌رادرسرزمین‌آذرآبادگان برقرارنمود. دراینموقع از خراسان‌خبررسیدکه‌بر اثرزلزله‌شدیدی‌درتربت ونزدیکیهای‌آن‌گروه انبوهی ازمردم بیگناه تلف‌شده وبعلاوه عده‌ای از اشرارنیز دست‌تطاول بمال‌ونوامیس باقیمانده‌اهالی‌آن‌ایالت‌دراز کرده‌اند. همانـدم‌قوای‌نظامی‌درمدتی کوتاه‌متمردین را چنان چشم زخم رساندکه سراسر آن نواحی قرین آرامش گردیدو بلافاصله شروع بکمك‌ودستگیری‌از زلزله‌زدگان شدوبتدریج بوضع آشفته وناگوارآنها خاتمه‌داده شد.

نجات بلوچستان

پس از پایان کار کردستان و لرستان و آذربایجان و خراسان نوبت به بلوچستان رسید. در بلوچستان بر اثر لاابالیگری و سهل انگاری آخرین سلاطین قاجار مدت ۲۵ سال بود که حتی یکنفر از مامورین و سربازان ایرانی در آنجا مشاهده نمیشد. قسمتی از این سرزمین وسیع و زرخیز را قوای بیگانه تصرف کرده و بقیه نیز تحت حکومت مردی بنام بهرام خان قرار داشت. دولت مرکزی باندازه‌ای ضعف در آنسامان نشان داد که حتی پول ایران در آنجا اعتباری نداشت، بطوریکه سکه جداگانه در بلوچستان ضرب شد و مردم فقط با این سکه و با پول خارجی خرید و فروش میکردند. اینوضع آشفته و تأثرانگیز مدت ۲۵ سال در آنسامان برقرار بود تا آنکه در ۱۴ آبان ۱۳۰۲ بنا بفرمان سردار سپه عده‌ای از قوای نظامی با کمك عده‌ای از قوای چریك که تحت فرمان دولت بودند بفرماندهی (فیض محمد خان) و (کچی خان) بلوچ بآنسرزمین که از قدیمی‌ترین ایالات ایران بود حمله‌ور گردیده و اشرار و حکومت پوشالی آنمحل را بکلی منکوب ساخته و سراسر آن نواحی را از چنك متمردین نجات دادند هنگامیکه نظامیان وارد شهر دزداب گردیدند مردم بحدی خوشحال شدند که اغلب زنان و مردان و حتی پیران سالخورده از شدت شوق اشك میریختند و دست و صورت سربازان را می - بوسیدند و از اینکه مردی در ایران پیدا شده که بعد از ۲۵ سال بلوچستان و مردم بی‌پناه آنرا بآغوش مادر وطن باز گردانیده خداوند را شکر و سپاس میگفتند.

تقویت ارتش ایران

پس از آنکه بلوچستان آنیز آزاد شد و پرچم سه‌رنك ایران تقریباً در قسمت اعظم ایران بر فراز کوهها و دشتها باهتزاز در آمد، سردار سپه برای آنکه ارتش جوان ایران را که بافداکاریهای خود توانست کشور را از اضمحلال قطعی نجات دهد، و عشایر و اشرار و متمردین را بسختی منکوب سازد، از هر جهت نیرومند کند و آنرا با اسلوب و اصول مدرن ارتش‌های دنیا آشنا نماید، تصمیم گرفت عده‌ای از فارغ التحصیلهای مدارس نظام ایرانرا برای تکمیل معلومات خود باروپا اعزام دارد، و برای انجام این



سردار سپه با عده‌ای از افسران درحضور احمدشاه قاجار در موقع دفیله

منظور نخستین کاروان محصلین اعزامی ایران بریاست شاهزاده سرتیپ امان‌الله میرزا راه دیار مغرب را درپیش گرفته و بطرف فرانسه عزیمت کردند. از سوی دیگر تشکیلات مدارس نظام در داخل کشور بصورت آبرومندی درآمد وعدهٔ زیادی ازجوانان کشور درآن مشغول تحصیل و کسب فنون نظامی شدند، بطوریکه همین جوانان بعدها از برجسته‌ترین افسران وفرماندهان ارتش ایران گردیدند.

ریاست وزرائی سردارسپه

پس ازآنکه سردارسپه امنیت را درسراسر ایران برقرار کرد، وفئودالیسم، وحکومت خانخانی، وهرج ومرج را از بین برد، وارتشی نوین که ضامن استقلال ایران بود ایجاد نمود، ووحدت ومرکزیت را برقرار ساخت، وقدمهای بلندی درراه سعادت کشور برداشت، وسینهٔ خود را درتمام جنگها وپیکارها آماج گلولهٔ دشمنان داخلی و خارجی ساخت، رجال ملت ومملکت بپاس زحمات وخدمات وفداکاریهای او، ویرا بمقام ریاست وزرائی برگزیدند، وبدین ترتیب سردارسپه، علاوه برریاست دولت پست وزارت جنگ را نیز کماکان بعهده گرفت، وبا سری پرشور و ارادهٔ‌ای آهنین برای احیای ایران، وایجاد یك کشور مترقی ومتمدن درمغرب آسیا شروع بکار کرد.

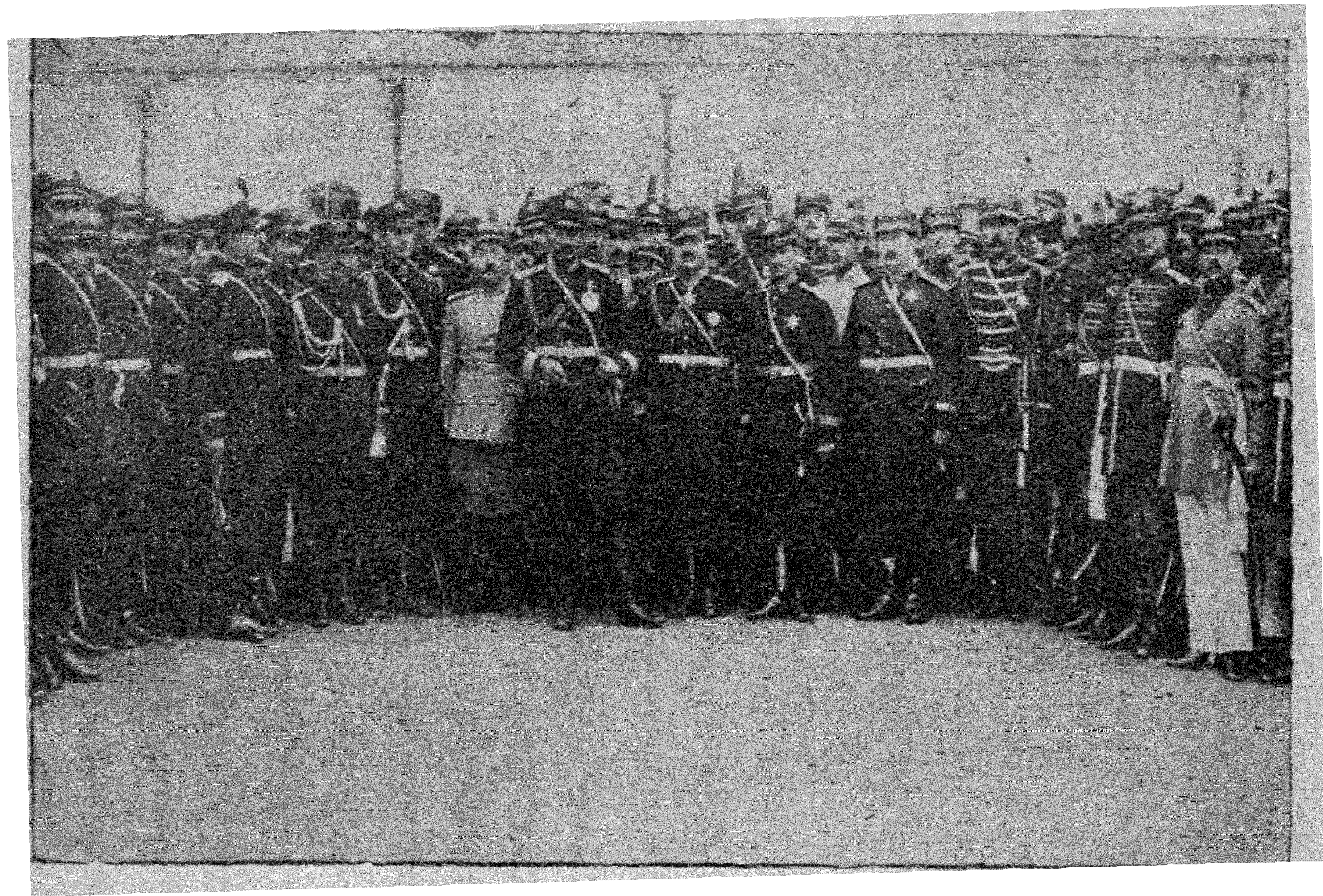
عقیده مردم نسبت بخانواده قاجار

این زمان ملت ایران که از نعمت استقلال وامنیت وآزادی برخوردار شده بود افکار جدیدی درمغزاو راه یافت وبرای سعادت ایران شروع بکار کرد وانزجار خود را نسبت بخانوادهٔ قاجار که مسبب همهٔ بدبختیهای ایران بودند ابراز داشت. مردم مشاهده میکردند درحالیکه بزرگترین رستاخیز سیاسی واجتماعی درکشورهای جهان جریان دارد، و زمامداران آن ممالك مشغول فداکاری درراه پیشرفت وترقی وطن خویش هستند، پادشاه ایران سلطان احمدشاه بجای رسیدگی بدردها وآلام وبدبختی های مردم وحفظ استقلال وتمامیت ارضی ایران و کشورداری وملت نوازی وایجاد امنیت ونظم درمملکت، دراروپا مشغول عیش وعشرت وخوشگذرانی است، وبا آنکه

پی در پی اورا ازوضع آشفته کشور آگاه میساختند وهیئت دولت ومجلس تقاضای مراجعت اورا میکردند، معهذا او کوچکترین اهمیتی بتقاضای دولت ومجلس نداده بازقاصه های پاریس سرگرم عشقبازی وخوشگذرانی بود.

مردم میدیدند پدراو محمدعلی میرزا بزرگترین ضربت را بآزادی ومشروطیت زدو مجلس شورای ملی رابتوپ بست، ومردم بیگناه را که تقاضای حق وعدالت و آزادی داشتند، گلوله بخوردشان داد، بعد بدامان تزار پناه برد، و بازمیدیدند پس ازآنکه پسرخردسال او احمد میرزا بسلطنت ایران رسید، بهیچوجه توجهی بوضع مملکت و بدبختی مردم نداشت. تازمانیکه طفل بود فقط فکرش این بود که لله باشی او را الاغ سواری بدهد، وبعد که بسن رشد رسید بجای رسیدگی بامور مملکت بسفر فرنگ رفت ودرایامی که مردم بی پناه ایران خون دل میخوردند و گلولهٔ اشرار و یاغیان درسینه آنها جای میگرفت، اوباده های ارغوانی مینوشید، وپری پیکران پاریسی را درآغوش خویش میفشرد. بعدهم که بایران مراجعت کرد، چنان خاطرات دوران عیش وطرب دراروپا اوراتهییج نمود که بازرخت سفر بربست وباقرض و گدائی و خالی کردن خزانهٔ فقیر مملکت بدیداریاران دیرین شتافت وزندگی عاشقانهٔ خودرا درکنار امواج رودسن ، ودر زیر درختهای جنگل ورسای وبولونی باردیگر آغاز کرد ....

اوسرگرم عیش وعشرت بود، درحالیکه دولت های بیگانه چون گرگهای درنده دندانهای تیزخودرا برای بلعیدن این لقمهٔ چرب آماده میکردند ... او نواهای عاشقانه وآهنگهای نغزودلپذیرماهرویان فرانسوی را گوش میکرد، وحال آنکه ملت بدبخت ایران صدای صفیر گلوله یاغیان ، وفریادضجه وناله زنان وکودکان بدبخت وبینوارا که درجنگ اشرارخونخوارد ست وپامیزدند گوش میکرد ... این صحنه های تراژیك ، واین لاابالیگریها ، این بی اعتنائی نسبت بمقدرات ملت ومملکت سبب گشت که نفرت و کینه‌ای خارق العاده در دلهای مردم زجردیده وستمکشیده



سردار سپه پس از استعفاء با فرماندهان ارتش برای خدا حافظی بمنظور حرکت برودهن دیده میشود

ایران نسبت بخانواده قاجار ایجاد شود ؛ ودرعوض محبت وعلاقه های بی حدحصر نسبت بسردار بزرگ ملی خود که ازدوران کودکی تمام ساعات عمرخودرا در میان باران گلوله گذرانده وسینهٔ خودرا سپربلای ملت و مملکت ساخته ، و با چهرهٔ گشاده برای سعادت ایران باستقبال مرگ رفته بود پیدا کنند .

کناره گیری دوم سردارسپه

این اندیشه ها سبب گردید که کم کم زمزمه جمهوری طلبی در محافل ومجامع بلندشد و پس ازچندی طرفداران جمهوری علناً شروع به تبلیغ برضد سلطنت و پشتیبانی ازجمهوریت کردند. سردارسپه برای آنکه مبادا دربعضی از اذهان تولید شبهه شود وبین عناصروطنپرست دودستگی و تفرقه ایجاد گردد ، اعلامیه‌ای مبنی برخود داری جمهوری طلبان از تبلیغ این مرام صادر کرد . باوجوداین مخالفین سردارسپه وآنانکه طرفدار هرج ومرج وفئودالیسم ودغلی وناپاکی بودند چنین وانمود ساختند که رئیس الوزراء دراین جنبشها دخیل است وباصلاحدید او این فعالیتها انجام شده است باینجهت سردارسپه درحالیکه ازناسپاسی وحق ناشناسی این گروه ناجوانمرد سخت آزرده خاطر شده بود تصمیم بکناره گیری از کار گرفت ، ودرشب ۱۸ فروردین رسماً استعفای خود راتقدیم مجلس شورایملی نمود ، ودرحالی که طی اعلامیه‌ای علت کناره گیری خودرا پس ازآنهمه فداکاری ومبارزه باجانب شرح داد ، وارتش را بافسران ارشد وآنهارا نیز بخدا سپرد شبانه بسوی (رودهن) عزیمت کرد .

این خبر در سراسر کشور برای دومین بار با بهت وحیرت عجیبی منعکس گردید وقلوب حق شناس میهن پرستان راسخت جریحه دار ساخت ، وچون وضع مملکت بسیار باریك ، وسران لشگرها تصمیم داشتند که لشگرهای خودرا رهانموده و بمرکز عزیمت کنند ، ودرنتیجه کشور یکبار دیگر مبدل بکانون هرج ومرج میشد ، رجال مملکت وعده‌ای ازنمایندگان مجلس وگروهی ازبزرگان ومعاریف کشور برودهن عزیمت کرده وبااصرار وتقاضای بسیار سردارسپه را وادار ساختند که مجدداً زمام امور کشور را بدست گیرد .



سردار سپه درزمان رئیس الوزرائی

مجلس شورای ملی نیز باا کثریت تام برئیس الوزراء رای اعتماد داد ودر نتیجه سردار و پیشوای بزرك کشور پهلوی بار دیگر آماده فدا کاری وجانبازی شد.

قتل ماژور ایمبری

درخلال این احوال مخالفین سردار سپه مخصوصا شاهزادگان قاجاودر باریان که موفقیتهای رئیس الوزارا عزاروزافزون میدیدند. حتی طنین دلیریها و فداکاریها و اقدامات مشعشع او در دنیای غرب منعکس شده بود، در صدد برآمد بهر قیمت که شده ضربتی موحش بسردارسپه وارد آورند.

یکی از این اقدامات ایجاد بلوا و جنجال بدست یکعده از عوام الناس در سقاخانه آقا شیخ هادی بود.

مامورین دربار قاجار بین مردم چنین شهرت دادند که سقاخانه آ شیخ هادی معجز کرده است. مردم نیز دسته راه انداخته ودر جلو سقاخانه اجتماع کردند. در خلال این احوال ماوژر (ایمبری) کنسول امریکادر تهران مسیو (سیمور) یکی از اتباع آن دولت همانروز یعنی روز ۲۷ تیرماه ۱۳۰۳ برای برداشتن عکس جاو سقاخانه رفتند. مردم ممانعت کرده و بر اثر تحریك چند نفر، عده‌ای از عوام الناس ماژور ایمبری را چنان مضروب ساختند که بقتل او منتهی شد، ومسیو سیمور نیز در این کشاکش سخت زخمی گردید.

این امر سبب شد که علاوه بر دولت امریکا، سفیر ترکیه بنمایندگی از طرف سفرای آلمان و شوروی وانگلیس و فرانسه و ایتالیا و بلژیك و افغانستان یاد داشت اعتراضیه‌ای نسبت بفاجعهٔ فوق بدولت ایران تسلیم کرد دولت نیز که در مقابل کار انجام شده ای قرار گرفته بود بلا فاصله مرتکبین دستگیر و سه تن را اعدام نمود و مبلغ صدو بیست هزار دلار خونبهای ماژور ایمبری بدولت امریکا و شصت هزار دلار نیز بهمسر او پرداخته وجنازه مقتول را بااحترامات نظامی با مریکا فرستاد.

بدین ترتیب مخالفین سردار سپه نخستین ضربت ناجوانمردانه خود را وارد آوردند تا صدای دولتهای بیگانه را بلند کنند و باوجود این باز مترصد بودند بار دیگر ضربتی موحش تراز مرتبهٔ پیشین وارد آورند.

آخرین شورش لرستان

دراین موقع بر اثر تحریکاتی که بین ایلات عشایر میشد، مجدداً خبر رسید که در صفحات لرستان کلیه ایلات عشایر قیام کرده .

نیروی نظامی و شهر خرم آباد را محاصره نموده اند. وارتباط پادگان خرم آباد (تحت فرماندهی سرتیپ شاه بختی) را باخارج بکلی قطع ساخته اند. بلا فاصله بفرمان رئیس الوزراء قوای نظامی مجهز ببهترین سلاحها با پشتیبانی زره پوش و ارابه جنگی برای نجات قوه محاصره شده عزیمت نمودند جنگ بسیار شدیدی در کوهها و دره های لرستان بین طرفین در گرفت و هواپیماهای جنگی نیز کلیه خطوط دفاعی و استحکامات اشرار را بسختی بمباران کردند. سردار سپه فرمانداد که این بار یاغیان چنان سر کوب شوند که دیگر نتوانند از امر دولت مرکزی سر پیچی نموده نظامیان را بقتل رسانده و بمال و ناموس مردم دست درازی نمایند .

دراین کشاکش سرلشکر احمد آقاخان شجاعت بسیار ابراز داشت و بالاخره روز ۲۳ مرداد ۱۳۰۳ پس از جنگ خونینی بر اثر فداکاری سربازان و نظامیان، اشرار دچار چنان شکستی شدند که دیگر نتوانستند کمر راست کنند و در نتیجه لرستان بکلی از چنگال آنان نجات یافت .

احمد شاه چه میکند ؟ !

در آنروزهای تیره و تاری که ملت ایران در دروازهٔ مرگ وزندگی قرار داشت ودولتهای بزرگ استعماری درصدد بلع این لقمهٔ چرب بودند احمد شاه قاجار در پاریس و نیس سرگرم عیش و عشرت بود.

در آنهنگام ایران در زیر چنگال فقر، گرسنگی، قحطی، ناامنی دست و پامیزد و هر دم بیم آن میرفت که شیرازهٔ امور کشور بکلی ازهم گسیخته شود، و استقلال سه هزار سالهٔ این سرزمین باستانی محو و نابود گردد.

ولی شاه قاجار توجهی باین امور نداشت و کشتی نیم شکسته وطوفان زدهٔ

ایرانرا بدست حوادث سپرد، و اگرراد مردی از میان یك ملت دردمند و بینوا برنمیخاست و با کلیهٔ عوامل مخالف ودشمنان ایران مبارزه نمیکرد، مرگ واضمحلال کشور کوروش وداریوش قطعی بود.

موفقیتهای این سردار بزرگ وفرزند برومند ایران سبب شد که ترس ووحشی بی مانند، دردلهای سیاه مخالفین ایجاد شود. ازاینرو درجمادی الاول سال ۱۳۰۳ یعنی همان هنگامیکه سردارسپه سینهٔ خودرا آماج گلولههای خائنین قرارداده وشب و روز بجبهههای شرق وغرب وشمال وجنوب میپرداخت وبرای استقلال وعظمت ایران فداکاری میکرد، احمد شاه درپاریس ومحمدحسن میرزا برادرو ولیعهداو درتهران میکوشیدند که با کمك دولتین انگلیس وروسیه سردار سپه رااز بین برده و کشور ایرانرا بلردیگر عرصهٔ قتل وغارت وخونریزی سازند، ودریك چنین محیط خون آلود بسلطنت وحکومت خود ادامه دهند.

درپاریس شاهزاده نصرت السلطنه ازطرف احمد شاه مامورشد که بلندن رفته وکمك دولت انگلیس را بجانب اوجلب کند، ولی نصرت السلطنه بحدی ازطرف مقامات دولت انگلیس مورد تحقیر وبی اعتنائی قرار گرفت که باسرافکندگی وبدون اخذ نتیجه بپاریس بازگشت.

این امر نشان میدهد که ضعف نفس ولا ابالیگری شاه قاجار بحدی بود که حتی یکدولت بیگانه برای حفظ منافع خودهم نتوانست ازاو پشتیبانی کندوخویشتن را مورد نفرت وانزجار ملت ایران قراردهد.

آنکسانیکه درآن ایام اوضاع ایرانرا مورد مطالعه قرارداده بودند، از خونسردی احمدشاه که باوجود تقاضاهای بیدربی شاهزادگان قاجار برای مراجعت بایران، بازهمچنان درفکر خوشگذرانی بود، دچار تعجب وحیرت گردیدند.

درپاریس وسایرنقاط اروپا روزنامه ها و سیاسیون عقیده داشتند که چون ایران خیلی متشتت است، و فئودالیسم وهرج ومرج و بیچارگی و بدبختی بحد کمال درآنجا وجوددارد، اگرانقلابی روی ندهد ویانابغهای درآنسرزمین ظهور

نکند، بطور قطع آن کشور باستانی تجزیه خواهد شد .

مخصوصاً قراردادهای ننگین سال ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ و ۱۹۱۹ که همهٔ آنها برای تجزیه وتقسیم ایران آماده شده بود، بیشتر این نظریه را تأیید میکرد ، وهمه انتظار داشتند که سیاست خارجی ازاینموقعیت دقیق وحساس استفاده کندو کار ایران را که هم ازلحاظ سوق الجیشی ، وهم ازنظر منابع تحت الارضی بسیار گرانبها بود یکسره نماید .

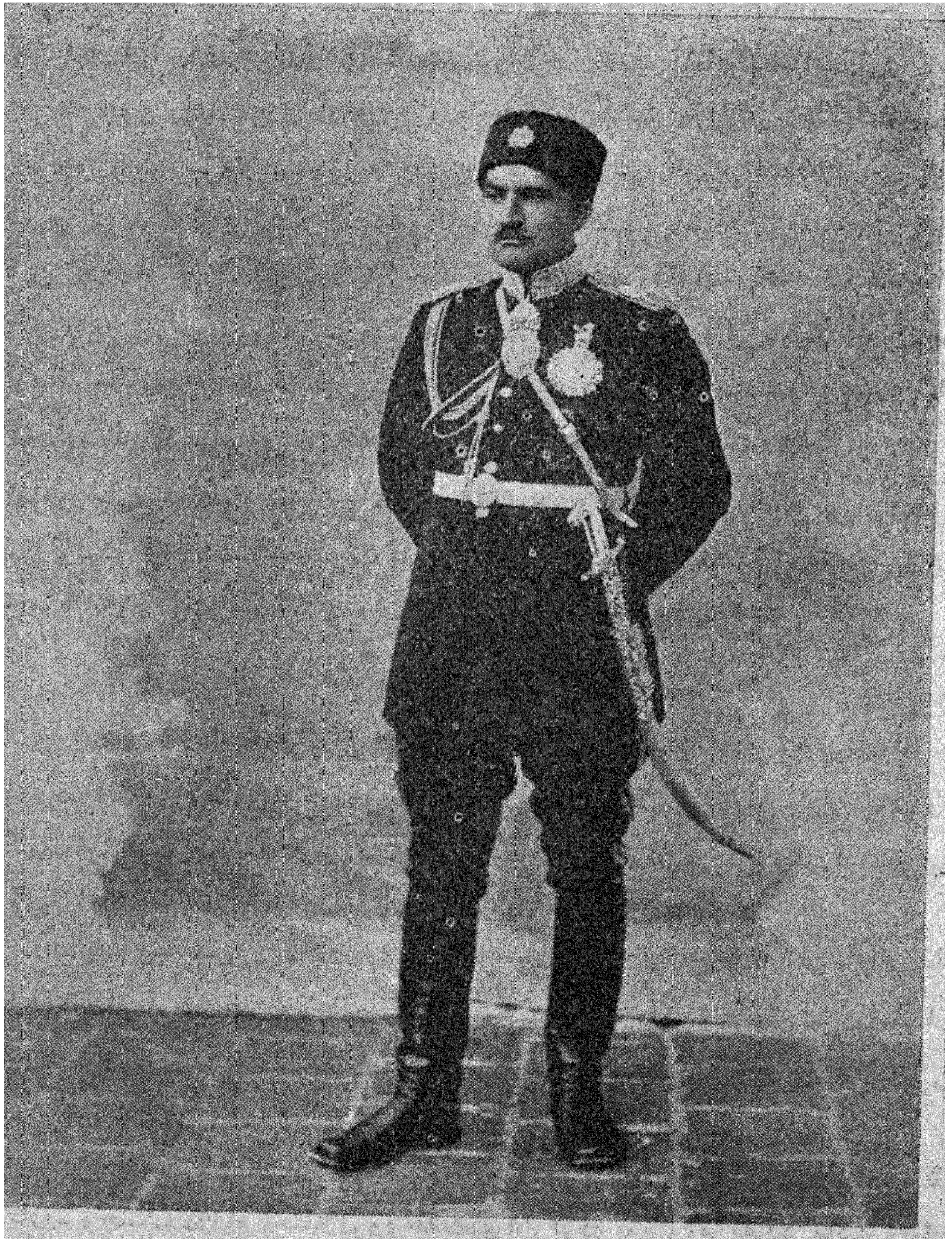
احمدشاه گاه درپاریس و گاه در شهر نیس روزگار خوشی را میگذراند و از حال ملت ومملکت خود بیخبر بود . اودرمقابل خواهش ها وتمناهای فرستادگان مخصوص دربار برای بازگشت بایران بهیچوجه روی خوشی نشان نمیداد ، حتی تلگرافهای سردارسپه را نیز که اورا بایران دعوت میکرد پاسخ نمیداد .

یکروز هنگامیکه رحیمزاده صفوی تازه ازایران وارد شهر نیس شده و ازطرف محمدحسن میرزا ولیعهد برای او پیغام آورده بود که یا بایران مراجعت کند ویا سلطنت را بولیعهد خویش واگذار نماید ، احمدشاه با خونسردی اشاره به کارناوال مجلل وبا شکوهی که دختران وزنان زیبای فرانسوی درآن سرگرم خواندن و رقصیدن بودند نموده گفت : آیاهیچ آدم عاقلی ازاین مناظر قشنگ چشم میپوشد ووقت خودرا صرف کارهای یك مملکت شلوغ و عقب افتاده که در آن جنگ و خونریزی بین ایلات وعشایر جریان دارد میکند ؟...

درشهر (نیس) روزها و شبها اوقات پادشاه قاجار صرف دیدو بازدید شاهزادگان و کنتس ها ودوشس های اروپائی میشد. گاهی نیز با حاکم وفرمانروای قمارخانه معروف اروپا (مونت کارلو) ملاقات میکرد ....

درپاریس نیز بیشتر اوقات در (هتل ماژستیك) بسر میبرد ، وخبرنگاران فرانسوی اورامیدیدند که با رفیقه‌های خود درجنگل (بولونی) یا (ورسای) مشغول تفریح است ....

کم کم کار بجائی کشید که اطرافیان او نیز از این وضع دلسرد شدند وهمگی



سردار سپه قبل ازعزیمت به خوزستان

اعتراف کردند که احمدشاه و خانواده قاجار براثر سهل انگاری و ضعف نفس و بی اعتنائی بکشور و ملت ایران مورد تنفر و انزجار عمومی قرار گرفته است.

چون درباریان و اطرافیان شاه قاجار از بازگشت او بایران نومید گشتند، در صدد برآمدند سردار سپه را که روز بروز برمحبوبیتش افزوده میشد بنحو دیگری از بین ببرند، و برای اینکار نقشهٔ ترور او را در کاخ گلستان طرح کردند، وحتی برای این کار چندتن از افسران کاخ سلطنتی قاجار را انتخاب نمودند. آنگاه برای انجام این امر جریان را در شهر نیس باحمدشاه اطلاع دادند، ولی شاه قاجار از ترس آنکه مبادا این توطئهٔ ننگین کشف شود و آبروی او و حکومت صد و پنجاه سالهٔ قاجار بکلی از بین برود با این نقشه موافقت نکرده بدین ترتیب احمدشاه در اروپا فارغ از امور ملت و مملکت سرگرم کارهای خود بود، و بقول یکروزنامه نویس فرانسوی «با آنکه او پادشاه یك مملکت پانزده میلیونی بود، معهذا ترجیح میداد پادشاه مهمانخانه (نیس) و قمارخانه (مونت کارلو) باشد، و شاه ایران نباشد...»

لشگرکشی بخوزستان

روز ۳ مردادماه سال ۱۳۰۳ بود که بتهران خبر رسید که شیخ خزعل ملقب به (سردار اقدس) باطایفه خود موسوم به (بنی کعب) و عده‌ای از سرداران بختیاری کمیته‌ای بنام (کمیتهٔ سعادت) تشکیل داد و برضد حکومت مرکزی و سردار سپه قیام کرده اند.

پهلوی رئیس الوزراء و سردار سپه دانست که بالاخره شاهزادگان قاجار از یك طرف و سیاست خارجی از طرف دیگر، بدست یك شیخ جیره خوار اجنبی در صفحات جنوب آشوب بپا کرده، و درصدد تجزیه خوزستان والحاق آن به اتحادیه عرب (پان آرابیسم) میباشد.

بدیهیست سردار سپه که تا آن تاریخ عمر و حیات و آسایش خود را وقف مبارزه و جنگ درراه استقلال و وحدت ایران کرده بود، این بار نیز مانند دفعات پیش تصمیم خود را گرفت و برای منکوب کردن قوائی که علناً از طرف بیگانگان پشتیبانی میشد آماده پیکار گردید.

شیخ خزعل برای آنکه بتواند ارتش جوان و نیرومند سردار سپه‌را بکلی قلع و قمع کند، علاوه بر اسلحه و مهماتی که از خارج از کشور باور سید، باعده‌ای از مشایخ خوزستان و همچنین باجمعی از روسای ایل بختیاری متحد شد، و بدین ترتیب توانست بیست هزار جنگجوی عرب، و پانزده هزار تن از افراد مسلح بختیاری بریاست (امیر مجاهد بختیاری) آماده نموده و جمعاً باسی و پنجهزار مرد مسلح با دولت مرکزی بجنگ بپردازد. بغیراز ین عده متجاوز بر شصت هزار تن از افراد ایلات کرد و قشقائی و بویراحمدی نیز منتظر بودند که بمحض حمله نیروهای خزعل، آنها نیز سراسر صفحات جنوب وغرب ایرانرا غرق در آتش وخون کنند.

بدین ترتیب سردار سپه میبایستی با ارتش جوان خود با قریب صد هزار جنگجوی مختلف که علناً خوزستان و کردستان و لرستان‌را از ایران جدا نموده و برای بخشیدن معادن گرانبهای نفت به بیگانگان شروع بکار کرده بودند، درجبهه و پشت جبهه به نبرد پردازد، و واضحست که این کار در آن دوران تاریك و وحشتزا، کاری بس دشوار و از عجایب لشکر کشی نیمقرن اخیر ایران بشمار میرود.

جلوگیری از دخالت بیگانگان

ازطرف دیگر تشبثات و آنتریکهائی که بوسیله دستهای مرموزی انجام میبافت هر لحظه کار را مشکل‌تر میساخت.

نماینده سفارت انگلیس طی ملاقاتی که با سردار سپه کرد، ظاهراً بعنوان دلسوزی گفت چون شماره افراد کمیته سعادت خیلی زیاد است، و از طرف دیگر ممکن است بر اثر افروخته شدن آتش جنگ بلوله‌های نفت جنوب زیان وارد آید، و از این راه بمنافع دولت امپراطوری بریتانیا لطمه‌ای برسد، باینجهت صلاح نیست دولت ایران از راه جنگ و خونریزی داخل شود، و گرنه انگلستان چون در این امر ذینفع است، مجبور خواهد شد که در این قضیه دخالت کند.

سردار سپه که تا آنوقت گوشش باولتیماتوم و سخنان کنایه آمیز بیگانگان عادت نکرده بود گفت من نمیتوانم مملکت‌را در آشوب و هرج و مرج بجای گذارم، و در

حالیکه روزنامه‌های بین‌النهرین و سوریه و مصر، ایالت خوزستان را یك کشور جدید التأسیس عربی مینامند، و آنرا قلمرو امیرنشین خزعل میدانند. مملکت را بدست خائنین بسپارم وازمقدرات ملت و مملکت ایران چشم بپوشم آنگاه بدون آنکه توجهی بآنمرد بیگانه نماید تصمیم خودرا بمورد اجرا گذاشت ویکعده‌ازنظامیان را بفرماندهی سرتیپ فضل‌الله زاهدی مأمور کرد که از کهکیلویه بطرف بهبهان و فریدن عزیمت کنند. واردوی دیگری ازراه ساوجبلاغ و کردستان و کرمانشاه به - پشتکوه فرستاد. یکعده‌ازسپاهیان رانیزمأمور کرد که ازراه خرم‌آباد بدزفول بروند و گروهی‌را نیزازاصفهان به‌بختیاری و بهبهان ورامهرمز اعزام داشت. خود سردار سپه‌نیزتصمیم گرفت بطرف جنوب حرکت کرده‌و ببوشهر برود. آنگاه ازراه دریا بقوای خزعل حمله کند و بدینترتیب بانیروی خود ازهمه طرف اشرار ومتجاسرین را محاصره نماید.

این اندیشه بزودی بمرحله عمل درآمد، وروز ۱۳ آبان سال ۱۳۰۳ سردار سپه بطرف جنوب حرکت کرد. ودرحین حرکت این جمله تاریخی‌را برزبان راند:

«میروم یاآخرین نغمهٔ ملوك‌الطوایفی‌راازمیان برده، ویادرزیرخرابه‌های شوش مدفون شوم.»

سردارسپه ازتهران باصفهان، وازآنجا بشیرازرفت. درشیرازخبربرخورد قوای نظامی بااشرار درکلیهٔ جبهه ها رسید. این خبرها همگی حاکی بود که‌نیروی دولتی باکمال موفقیت درفرونت های مختلف مشغول پیشروی‌است.

پاسخ دندان شکن

چون اثرات شکست در قوای متجاسرین نمودار گردید. یکباردیگر کنسول انگلیس سردارسپه‌را ملاقات کردو این‌بار بالحن جدی‌تر ازدفعه سابق متذکرشد که چون خزعل تحت‌الحمایه‌انگلیس‌است باینجهت ماه‌مجبوریم‌ازتحت‌الحمایهٔ‌خود جداً پشتیبانی نمائیم وازورود قوای دولتی بخوزستان جلوگیری کنیم. زیرا انگلستان علاوه برموقعیت سیاسی، وضع خاصی درناحیهٔ خوزستان دارد، ولوله‌های کمپانی

نفت براثر لشکر کشی و جنگ در این سامان ممکن است صدمه به بیند و باینجهت دولت بریتانیا خودرا ناگزیر می بیند که در قضایای آن منطقه دخالت نماید.

سردار سپه باعصبانیت پاسخ داد که اولا در مورد لولههای نفت بهانههای شما کودکانه است و من ملزم میشوم که اگر براثر این لشکر کشی صدمهای بآن وارد آمد غرامت آنرا بپردازم، وثانیاً اگر از این پس یکبار دیگر بایك چنین لهجه و با این طرز با من سخن بگوئید، من مجبور خواهم شد مناسبات خودرا با کلیهٔ مأمورین دولت انگلیس قطع کنم.

شما باید بدانید که خوزستان یکی از ایالات ایرانست وخزعل نیز یکنفر رعیت ایران میباشد اگر اوخودرا تحت الحمایه شمامعرفی کرده خائن است ومن نمیتوانم دراینمورد لاقید باشم، باینجهت اجازه نمیدهم دیگردرحضورمن ازاین گونه سخنها بمیان آید.

پس از بیان این پاسخ دندان شکر درحضور کنسول انگلیس فرمان داد که کلیهٔ همراهان فردا صبح برای عزیمت بخوزستان آماده باشند. شهامت وسخنان سخت سردارسپه دربرابر نماینده یکدولت مقتدر بیگانه، کنسول انگلیس را در جای خود میخکوب کرد بطوریکه دیگر نتوانست سخنی بگوید.

یکچنین مردانگی ورشادت وصراحت لهجه درعرض صدو پنجاه سال گذشته که دولت بریتانیا درشرق وشرق نزدیك روز بروز نفوذ و قدرت روزافزون مییافت بی-سابقه بود، وتاآنروزهیچ رئیس الوزراء وصدر اعظمی این قسم شخصیت ملی خود را در برابر بیگانگان نشان ندادهو بایك نماینده خارجی اینطورصحبت نکرده بود.

من در حال حرکت بفرونت هستم

صبح روز بعد هنگامیکه سردارسپه عازم حرکت ازشیراز بوشهر بود دستور دادهواپیماهای بمب افکن ازشیراز پرواز کرده مواضع متجاسرین را بسختی بکوبند. پس ازآنکه سردارسپه وارد بوشهر شدخبرآوردند که هیئت دولت ازتهران تقاضای مخابره حضوری دارند. همانده کهرئیس الوزراء درتلگرافخانه حضور یافت ومطلع



سردارسپه قبل ازعزیمت به شیراز

شد که از طرف سفارت انگلیس در تهران یادداشت شدیداللحن و تندی بدولت ایران تسلیم گردیده وطی آن ازاینکه رئیس الوزرای ایران فرمان لشگرکشی بجنوب را صادر کرده خشمناك شده ومتذکر شده بودند که چون دولت انگلیس در نوامبر سال ۱۹۱٤ بشیخ خزعل معروف به (شیخ محمره) وعده داد که برای حفظ جان ومال او واتباعش در هنگام خطر اقدام جدی بعمل آورد ، باینجهت دولت امپراطوری برای اجراء تعهدات خود نسبت بشیخ محمره وهمچنین برای حفظ وحراست جان ومنافع اتباع خویش مجبوراست که هرگونه اقدامی را که لازم میداند بعمل آورد.

چون سردار سپه ازمفاد این یادداشت استحضار حاصل نمود دستورداد فوراً از طرف او پاسخی باین شرح بدهند :

«من عادت ندارم ونمیتوانم اینگونه یادداشتهار ادر کابینهٔ خود بپذیرم. معتقدات من همین است که بارها گفته ام وعجالتاً هم در حال حرکت بفرونت هستم.»

تقاضای تسلیم بی قید وشرط

پس از آن بلافاصله از بوشهر سوار کشتی شده بطرف بندر دیلم عزیمت کرده در تمام این احوال ستونهای نظامی در کلیه جبهه‌ها بسرعت پیش رفته وقوای اعراب و ایلات را منهزم میساختند.

در این هنگام ازطرف شیخ خزعل تلگرافی بعنوان سردار سپه واصل شد که تقاضای تسلیم بلاقیدوشرط رابه نیروی ایران میکردوضمناً استدعا مینمود که مورد عفو سردارسپه قرار گیرد.

سردار سپه بدون آنکه فرصت خودآرائی بقوای اشرار بدهد سخت آنهارا از همه طرف مورد حمله قرارداد وخود از دیلم بهزیدون واز آنجا بجبهه رفت. نظامیان وجب بوجب درآنجا جنگیده وتمام اراضی را از چنگ قوای شیخ وعشایر وایلات متمرد خارج ساخته بودند.

شیخ خزعل وامیر مجاهد وسرهنگ ارغون فرماندهٔ قوای اعراب که ازهمه سو

درمنگنهٔ قوای دولتی قرار گرفته و لحظه بلحظه حلقه پولادین بدور آنها تنگ‌تر میشد هیچگاه باور نمیکردند در ایامی که احمد شاه قاجار در پاریس سرگرم خوشگذرانیست رئیس‌الوزراء مملکت خرد بجبهه آمده و در برابر آنهمه فشار های نمایندگان سیاسی خارجی مقاومت کند :

درعرض یك قرن و نیم اخیر سابقه نداشت که صدر اعظمی از دارالخلافهٔ تهران از آغوش زنان و کنیزکان و دختر کان خوبروی حرم خارج شده و بمیدان جنگ برود .

سردارسپه پس از آنکه تمام اراضی تسخیر شده ، و سنگرها و قلاع اشرار را بازدید کرد تقاضای تسلیم خزعل را پذیرفت و باعده‌ای ازهمراهان خود بشهر ناصری رفت . ناصری مرکز و مسقط الرأس اعراب و شیخ خزعل بود . تمام کوچه‌ها و خیابان ها و بام و خانه‌ها غرق اعراب مسلح بود و با این وضع سردارسپه با شهامتی بی مانند از میان تفنگداران روی بستهٔ عرب گذشت و در کاخ پر از شکوه و جلال شیخ خزعل وارد گردید .

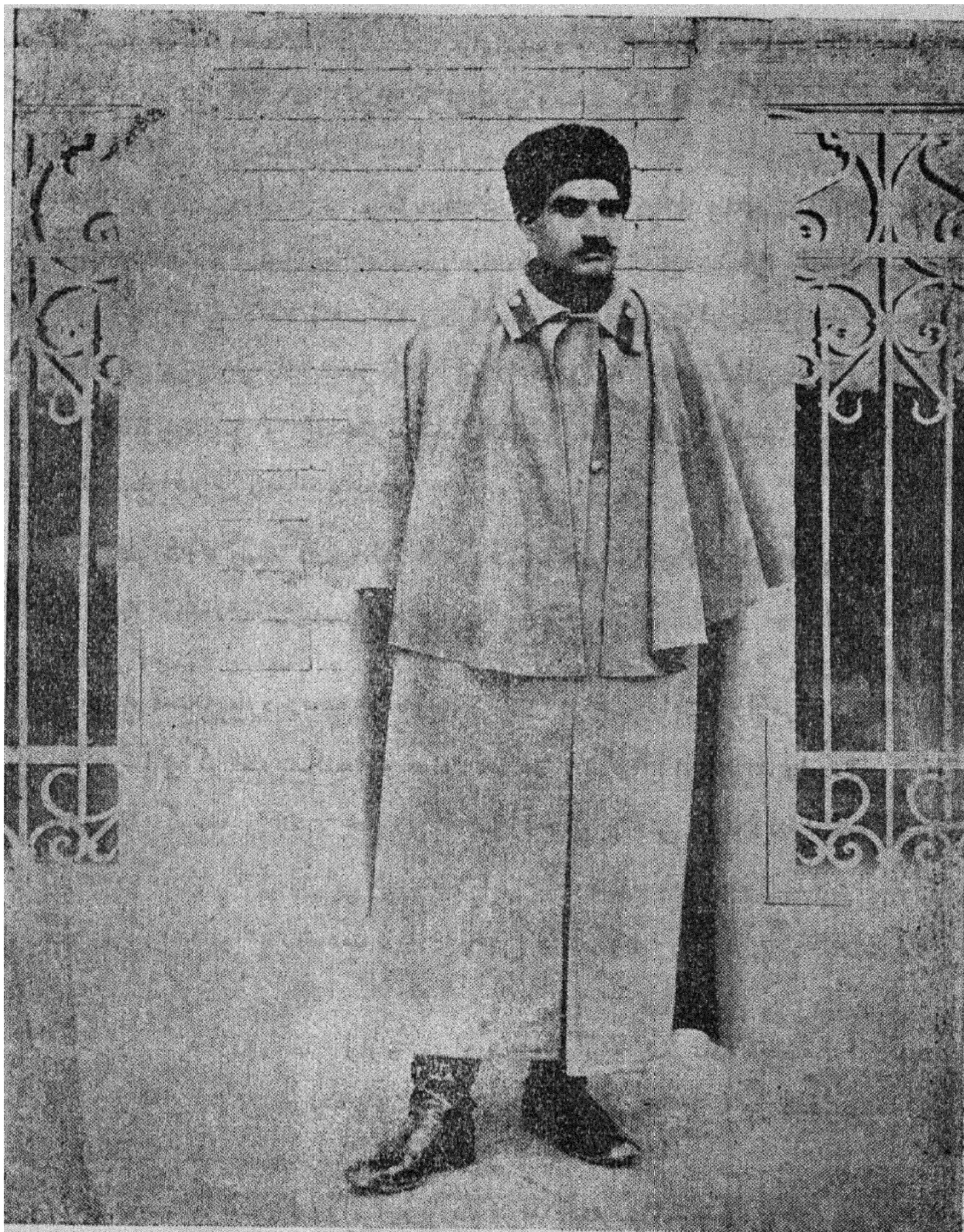
خزعل چکمه های سردار سپه را میبوسید

در اینجا مردی که تا چندروز پیش خود را فرمانروای مطلق خوزستان میدانست و در درون قصر خویش مانند خلفای افسانه‌ای هزارویکشب زندگی میکرد و کشتی های او برروی رود کارون مانند زورق‌های هارون الرشید برروی دجله غرق نور و روشنائی بود ، با برومندترین فرزندان کشور رو برو گردید .

این پیرمرد ٦٥ ساله که تا یکروز پیش در قصر فرعونی خود حتی بفلك هم اعتنا نمیکرد ، بمحض آنکه سردارسپه را در برابر خود دید خویشتن را بپای او افکند و چکمه‌هایش را بوسید و با لحن تضرع آمیزی تقاضای بخشش کرد .

سردارسپه اورا از خاك بلند ساخت و با نهایت جوانمردی وی را استمالت نمود و باو گفت که از این پس دیگر باید چشمانش متوجه تهران باشد نه جای دیگر .

بدین ترتیب رئیس‌الوزراء و سردار بزرگ ایران پس از آنکه مدت یکماه از



سردارسپه با شنل مخصوص خود

پایتخت خارج شد وصد ها فرسنگ راه پیمود و کوهها و دره‌ها و دشتها را پشت سر گذاشت و در میدان جنگ ازمیان غرش توپ وصفیر گلوله ها گذشت. روز ۱۳ آذر ۱۳۰۳ کار انقلاب خوزستان را پایان رساند

سردارسپه توانست در عرض یك چنین مدت کوتاه وارد سرزمینی شود که روزگاری گاهوارهٔ تمدن ایران باستان ومدفن بزرگترین شاهان وقهرمانان ایران بود. او برسرزمینی دست یافت که یادگار قدیمی‌ترین دوران مجد وعظمت وجلال و شکوه ایران بود. ولی یك شیخ عرب آنجارا بصورت کشورمستقلی درآورده وحدود آن را ازخاور بفارس و ازباختر به شط العرب و ازشمال بکوههای بختیاری واز جنوب بخلیج فارس رسانده بود.

سردار سپه گفت من باید قربانی ملت ایران بشوم

زیارت عتبات

پس ازآنکه سردارسپه از کارخوزستان فراغت یافت، وازمردم رنجدیدهٔ آن سامان که سالها گرفتارشکنجه وعذاب خزعل وپیروان او بودند دلجوئی کرد واز ده هاهزار کارگرمعادن نفت جنوب که سردرخاك راهش میسردند استمالت نمود و یادگارها وآثارتاریخی ایران کهن را دید، حکومت نظامی خوزستان را به سرتیپ فضل الله خان زاهدی که رشادت زیادی بخرج داده بود سپرد وآنگاه برای زیارت عتبات عزیمت کرد.

سردارسپه ازراه بصره وارد بغداد شد واز آنجا بکربلا و نجف مشرف گردید. احساساتی که ایرانیان مقیم عراق درطول مسافرت سردارسپه درکلیهٔ شهرها ازخود نشان دادند بی نظیرو بی مانند بود.

هنگامیکه رئیس الوزراء اززیارت مرقد حضرت امام حسین (ع) بزیارت حرم حضرت ابوالفضل میرفت علاوه برصدها گوسفند که قدم بقدم درراه رشیدترین فرزند ایران قربانی میشد، مردی دو فرزند خودرا درسرراه او افکند ودرحالیکه می گفت «من فرزندان خودرادرراه کسی قربانی میکنم که وطن مرا پاینده نگهداشت وآبروی

مرادر انظار بیگانگان حفظ کرد . » میخواست کاردرا بطرف حلقوم کودکان خود نزدیک کند که هماندم سردار سپه درحالیکه از شدت هیجان اشك ازدیدگانش جاری شده بود دست اورا گرفته گفت « من بایستی قربانی ملت ایران بشوم . »

پس ازآن بحرم مطهر حضرت ابوالفضل رفت . درآنجا سردار رشید که یکی از رؤسای طوائف کرد بود ودوبار برضد سردار سپه بجنگ پرداخت وهردوبار بشدت شکست خورد ، درحالیکه بایکدست قرآن وبادست دیگر دامان رئیس الوزراء را گرفته بود ، باو سوگند داد که از گناه وی درگذرد وازخطاهایش چشم بپوشد .

اونیز باکرامت همیشگی خود سردار رشید را بخشید و بوی اجازه داد که بایران باز گردد .

تقدیرملت حق‌شناس از یك سردار بزرك

سردارسپه پس از زیارت عتبات ازراه قصر شیرین و کرمانشاه وهمدان بطرف پایتخت رهسپار گشت . روز ۱۱ دی ۱۳۰۳ بود که سردار سپه وارد تهران شد و بپاس فداکاریها وازجان گذشتگیهایش که استقلال کشوررا محفوظ داشت وحیثیت ایران را در سراسر عالم حفظ کرد وصفحات جنوب را ازچنگ صدهزار مرد مسلح نجات داد وخوزستان را بایران باز گرداند ، طاق نصرتها برپا ساختند وچراغانیها کردند وقربانیها نمودند وتاسه روز جشن وسرور و شادمانی درهمه جا برقرار بود .

روز ۲۵ بهمن سال ۱۳۰۳ نیز مجلس شورای ملی ایران بپاس فداکاریهای سردارسپه اورا به « فرماندهی کل قوا » که مختص شاه مملکت است منصوب کرد و باو اختیارات تام داد .

حکومت موقتی

موفقیت‌ها ومحبوبیت‌های سردار سپه هرقدر بیشتر میشد بهمان اندازه مخالفین او بیشتر میکوشیدند که بموقعیت وجان سردار بزرگ آسیب و گزند برسانند . در حینی که تشبثات وکینه توزیهای مخالفین استقلال ایران درخفا جریان داشت ملت ایران ازناجی حقیقی خویش روز بروز بیشتر تقدیر و تکریم مینمود ، بطوریکه از کلیه

شهرستانهای ایران تلگرافها ونامه های زیادی برضد خانواده قاجار واصل شدو گروه انبوهی از اهالی ولایات که شنیده بودند ممکنست احمد شاه ازسفر فرنگ مراجعت کند همگی در تلگرافخانه ها و دارالحکومه ها تحصن اختیار کرده و انزجار شدید خودرا نسبت بقاجارا براز داشتند .

این امرهمچنان دوام داشت تا آنکه روز۹آبان سال ١٣٠٤ فرارسید .

دراین روزدرمجلس شورای ملی جوش وخروش و غلغله عجیبی برپا بود و پیشنهادی بشرح ذیل از طرف عده ای ازنمایندگان مجلس شورای ملی بمجلس تقدیم گردید :

« نظر باینکه عدم رضایت از سلطنت قاجاریه وشکایاتی که ازاین خانواده »
« میشود ، بدرجه ای رسیده که مملکت را بمخاطره میکشاند ، ونظر باینکه »
« حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظورو اولین وظیفه مجلس شورایملی »
« است وهرچه زودتر بحران فعلی خاتمه باید داد ، امضاء کنندگان »
« باید دوفوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورایملی تصمیم ذیل رااتخاذنماید » :
« ماده واحده — مجلس شورایملی بنام سعادت ملت ، انقراض سلطنت »
« قاجاریه را اعلام نموده وحکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و »
« قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی واگذار مینماید »
« تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای »
« تغییر مواد ٣٦ - ٣٧ - ٣٨ - ٤٠ متمم قانون اساسی تشکیل میشود »

دراین جلسه تاریخی نطق های مفصل وپرحرارتی ازطرف موافقین ومخالفین ایراد شد . وحتی آن کسانیکه بااین امر موافق نبودند در ضمن نطق خود از لاابالیگری های خانواده قاجاریه انتقاد نموده وازخدمات وفداکاری های سردار سپه ستایشها کردند . ازجمله دکترمصدق که جزواین گروه بود ضمن نطق خود چنین گفت : راجع بسلاطین قاجاریه بنده عرض میکنم که کاملا از آنها مأیوس هستم . زیرا دراین مملکت خدماتی نکرده اند که بنده بتوانم اینجا ازآنها دفاع کنم وگمان هم نمیکنم کسی منکراین باشد . همین سلطان احمد شاه قاجار بنده را درفارس گرفتارسه هزاروپانصد پلیس جنوب کرد

بنده مدافع اینطور اشخاص نیستم . بنده مدافع اشخاصیکه برای وطن خودشان کار نمیکنند و جرات و جسارت حفظ مملکتشان را نداشته باشند و در موقع خوب از مملکت استفاده نموده و در موقع بد از مملکت غائب شوند نیستم

آقای رضا خان پهلوی خدماتی بمملکت کرده اند که گمان نمیکنم بر احدی پوشیده باشد وضع مملکت وضعی بود که همه میدانید . اگر کسی میخواست مسافرت کند اطمینان نداشت . اگر کسی مالك بود ودهی داشت بایستی چند نفر تفنگچی داشته باشد تا بتواند محصول خودش را حفظ کند ولی از وقتیکه ایشان زمام امور مملکت را در دست گرفته اند خدماتی بمملکت کرده اند که گمان نمیکنم بر کسی مستور باشد و البته برای حفظ خودم و خانه و کسان و خویشان خودم مشتاق و مایل هستم که شخص رئیس الوزراء رضا خان پهلوی در این مملکت باشد . برای اینکه من در این مملکت امنیت و آسایش میخواهم و در حقیقت از پرتو وجود ایشان ما در ظرف این دو سه سال اینطور چیزها را داشته ایم و اوقاتمان صرف خیر عمومی و منافع عامه شده و بحمدالله از برکت وجود ایشان خیالمان راحت شده و میخواهیم یك کار های اساسی بکنیم . »

بغیر از دکتر مصدق السلطنه ، حاج میرزا یحیی دولت آبادی نیز که جزو گروه مخالفان بود در همان جلسه مجلس شورای ملی درباره خانواده قاجار و سردار سپه ضمن نطق خود چنین اظهار داشت :

« چندی پیش من به حاج مخبر السلطنه گفتم سلطنت قاجاریه منقرض است . زیرا احمد شاه خودش بدست خودش این حق را از خودش سلب کرد و رفت زیر بیرق اجنبی نشست . بنده همیشه میدانستم که این سلطنت از ابتدا اساس نداشت و حالا هم هم اساسی ندارد . ما دچار گرفتاریها و ابتلائات و پریشانیها و کشمکش های زیادی بودیم ، تا آنکه خدا خواست و شخص آقای پهلوی در این مملکت پیدا شد . پس از آنکه با ایشان آشنا شدم دیدم مردی است که بمملکت علاقه دار و دلش میخواهد مملکت ترقی کند ، و جرأت و قوت هم دارد . یك عملیات و کارهائی کرد که امروز

مردمی که بمملکت علاقه‌دارند، دلشان میخواهد این مملکت نیز همرنگ دنیا شود، دلشان میخواهد ازاین ذلت و کثافت بیرون بیایند وباو متوسل شده‌اند ومیگویند آقا بیا وببدبختی ما خاتمه بده ویك چاره‌ای برای ما بکن- چرا درخانه من و شما نمیآیند ؟... چرا میروند وباو میگویند ؟ ... برای اینکه قدرت وتوانائی در او می بینند ودرمن نمی بینند.

مانمیخواهیم برویم متوسل شویم به‌آن شاه پوسیده وبه آن درباری که وقتی رفتیم باید اشك بریزیم بحال آن دربار ؟...»

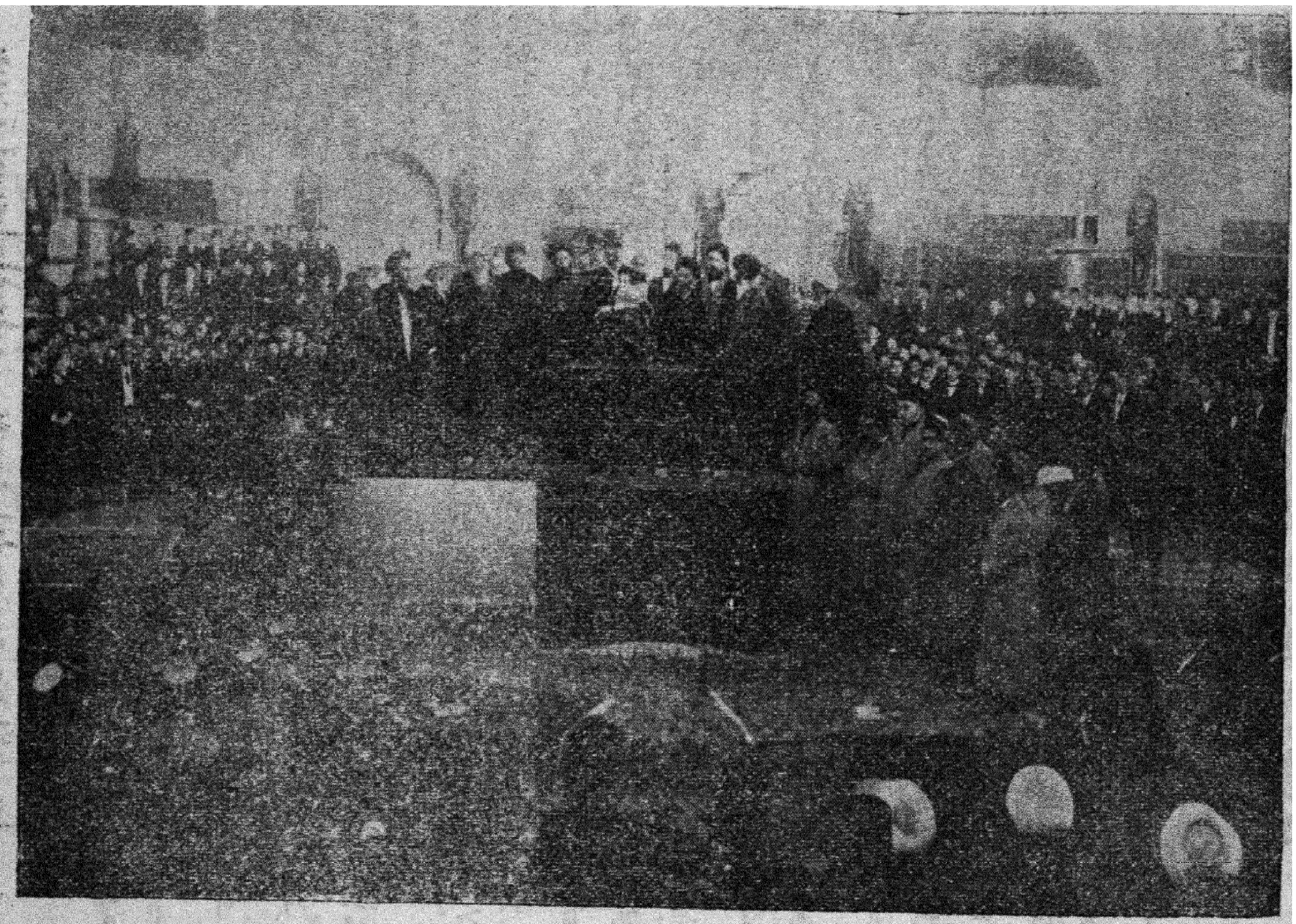
سرانجام پس از نطقهائی که از طرف نمایندگان مجلس شدو عموم آنها عدم لیاقت خانوادهٔ قاجاریه را علناً ضمن بیانات خود ابرازداشتند ماده واحده انقراض سلطنت قاجاریه‌با کثریت آراء تصویب شدو بدین ترتیب سلطنت قاجاریه در تاریخ ۹ آبانماه ۱۳۰٤ منقرض گردید.

غروب همان روز هیئت رئیسه مجلس شورا یملی مادهٔ واحده را که بتصویب پارلمان رسیده بود برئیس الوزراء ابلاغ کردند وسردارسپه نیز نطقی باین شرح ایراد کرد:

«ازاین قدم مهم تاریخی که دردوره پنجم مجلس شورایملی در راه»
«سعادت ایران وانقراض سلطنت قاجاریه برداشته وبحیثیات سیاسی این»
«مملکت یکروح جدیدی بخشیده‌است وفوق‌العاده مسرورم واز این حسن»
«توجهی که دراعطای ریاست حکومت وسرپرستی ایران به‌بنده نموده اند»
«بی اندازه ممنون هستم و امیدوارم مجلس پنجم که قدمهای بزرگی»
«برای آبادی و ترقی ایران برداشته است درآتیه نیز موفقیت‌های بزرگی»
«احراز نماید. دوره پنجم در تاریخ مشروطیت ایران علاوه بر این اقدام»
«بزرگ خدمات مهمی بمملکت نموده واسم مهمی در صفحات تاریخ از»
«خود بیادگار گذارده است و من همیشه این حسن نیت نمایندگان دوره»
«پنجم وروابط حسنه‌ای راکه با آقایان دارم فراموش نخواهم نمود.»

روز ۹ آبان ۱۳۰٤ باشلیك توپ، خلع سلطنت قاجاریه وتشکیل حکومت موقتی اعلام گردید.

رضاخان پهلوی رئیس حکومت موقتی اعلامیه‌ها وابلاغیه‌ها بعنوان مأمورین لشگری وکشوری صادر کردو تأکید نمود که درراه حفظ نظم وامنیت وتامین آسایش



تشکیل مجلس مؤسسان و تعیین تکلیف ملت و مملکت

مردم واحترام بشعائر اسلامی نهایت سعی و کوشش ومجاهدت رابعمل آوردند

آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی

روزیکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۰٤ مجلس موسسان بوسیله رئیس حکومت موقتی افتتاح گردید ، ومیرزا صادق خان مستشارالدوله بریاست مجلس مؤسسان انتخاب شد مذاکرات مفصلی درمحیط پرهیجان مجالس انجام گشت وبالاخره پس از چندین جلسه روز ۲۱ آذر ۱۳۰٤ مجلس مؤسسان باا کثریت ۲۵۷ نفراز ۲٦۰ نفرعده حاضر سلطنت مشروطه ایران طبق اصل ۳٦ **قانون اساسی باعلیحضرت رضاشاه پهلوی تفویض شد** ومواد ۳٦ - ۳۷ - ۳۸ - ٤۰ متمم قانون را بصورت ذیل اصلاح و تصویب کرد :

اصل ۳٦- سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت ، بوسیلۀ مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت رضاشاه پهلوی تفویض شده ودراعقاب ذکور ایشان نسلا بعد نسل برقرار خواهد بود .

اصل ۳۷- ولایتعهد باپسر بزرگ پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود ،درصورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد ، تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس شورایملی خواهد بود . مشروط برآنکه آن ولیعهد ازخانواده قاجاریه نباشد، ولی درهرموقعیکه پسری برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایتعهدی با او خواهد بود .

اصل ۳۸- درمواقع انتقال سلطنت ،ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد . چنانچه باین سن نرسیده باشد باتصویب مجلس شورایملی نایب السلطنه ازغیر خانواده قاجاریه برای او انتخاب خواهد شد

اصل ٤۰- همینطور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد .

بدین ترتیب سلسلۀ پهلوی ، بدست اعلیحضرت رضاشاه پهلوی فرزند برومند

میهن و یادگار شاهنشاهان برعظمت ایران باستان تشکیل گردید. وروز سه شنبه ۲۴ آذر برای ادای مراسم تحلیف از کاخ گلستان بمجلس شورای ملی رفت، وروز چهار شنبه ۲۵ آذر رسماً برتخت سلطنت جلوس کرد، و روز ۲۹ آذر نخستین کابینه شاهنشاه پهلوی بریاست مرحوم ذکاءالملک فروغی تشکیل گردید.

دراینموقع ازداخل وخارج مملکت هزاران تلگراف تبریک بمناسبت تشکیل سلسله پهلوی مخابره شد ودرتمام شهرستانهای ایران جشن‌ها برپا گردیدو چراغانیها شد و پادشاهان ورؤسای جمهوری و نخست وزیران ممالک مختلف تلگرافهای شادباش مخابره کردند.

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی پس از انجام مراسم تحلیف قبل ازهرکار تصمیم گرفت دوقدم بزرگ برای استقلال مملکت و احیای کشوربردارد یکی محو بقایای حکومتهای خانخانی وملوك الطوایفی ودیگری سروصورت دادن بوضع بودجه و مالیه مملکت.

مقارن این ایام ناامنی‌هائی از طرف عده‌ای هرج و مرج طلب در گیلان و آذربایجان و خراسان شد و عده‌ای از ایلات خوزستان و لرستان وبلوچستان حسب المعمول باز شروع بتجاوزاتی کردند

رضا شاه بریگاد مرکزی وژاندارم را ضمیمه قزاق کرد ، واز آن ارتش متحد الشکل ومجهز نوین راایجاد نمود، آنگاه کلیه شورشیان وهرج و مرج طلبان و یاغیان را سرکوبی کرد و امنیت رادرسراسر ایران برقرارساخت وبدین ترتیب حکومت ملوك الطوایفی را بکلی از بین برد.

اصلاحات

همین زمان مستشاران امریکائی مشغول سروصورت دادن وضع مالیه بودند رضاشاه برای آنکه هرچه زودتر اصلاحات مملکتی جامه عمل پوشدو ایران بیش از این قافلهٔ تمدن عقب نماند جداً شروع بکار کرد راههای شوسه درسراسر کشور ایجاد نمود، تابدینوسیله اقتصاد و بازرگانی ایران را زنده نگهدارد.

آنگاه مدارس نظام و دانشکده صاحبمنصبی برای تربیت افسران لایق ایجاد نمود. تلگراف بی‌سیم، کشتیهای جنگی، اتومبیلهای زره‌پوش، کامیونهای نظامی، تانك، هواپیما، کارخانه‌های اسلحه سازی، کارخانهای صنعتی از خارج کشور وارد ساخت و محیط مرده و مفلوك و عقب‌مانده ایران را بمرکز کار و تلاش و فعالیت مبدل کرد. محصلین فارغ التحصیل ایرانی را برای تکمیل معلومات باروپا فرستاد، در تمام شهرها ذخیره خواربار و برنج و گندم تهیه نمود و مقدار زیادی محصول و خشکبار و مواد خام و مواد صنعتی که مورد نیاز کشور نبود بخارج صادر کرد. تهران خراب و منحلاب را که مایه ننك مملکت بود بصورت یکی از بهترین شهرهای دنیا در آورد. شهری جدید در نقاط مختلف کشور بنا ساخت و بر فراز ویرانه‌های قرون گذشته مراکز تمدن جدید ایجاد کرد.

در سال ۱۳۰٤ هنگامیکه خشکسالی شد و قحطی پیش آمد، دولت چنان وسائل کار را قبلا آماده نموده بود که در کمال قدرت پانزده کرور تومان برای تهیه ارزاق بمصرف رساند و حال آنکه در قحطی زمان احمد شاه باندازه‌ای رقت بار و اسف انگیز بود که تنها در تهران ده هزار نفر از گرسنگی مردند و احمد میرزا قاجار به نبارداری و گندم فروشی اشتغال داشت.

در زمان سلطنت قاجاریه پادشاهان آن سلسله از بانکهای خارجی پول قرض نموده و یا با گرو گذاشتن تاج و جواهر و شمشیر و حمایل سلطنتی بفرنگ میرفتند و در آنجا بعیش و عشرت و خوشگذرانی مشغول بودند... در آنزمان سربازان ایرانی باهیزم شکنی و کاه و آجر فروشی امرار معاش میکردند... ولی بمحض آنکه رضاشاه پهلوی بسلطنت رسید، بطوری براوضاع مسلط شد و شالودهٔ کار را محکم ریخت که نه تنها مایه اعجاب کلیه رجال ملی و اصلاح طلبان داخلی گردید، بلکه محافل خارجی را نیز دچار حیرت ساخت.

عقیدهٔ بیگانگان در بارهٔ رضا شاه

در آن هنگام آوازه شهرت رضاشاه پهلوی و اقدامات مشعشع او در کلیه کشور

های متمدن گیتی پیچید، وروزنامه هاومطبوعات جهان مطالب مبسوطی راجع بایران انتشار داده. ورجال وسیاستمداران اغلب طی سخنرانیهای خوداز اوضاع ایران و اقدامات رضاشاه پهلوی که توانست بزرگترین تحولات تاریخی رادر ایران بوجود آورد سخن میگفتند .

ازجمله (پروفسور هوپ) یکی ازرجال معروف امریکائی درانجمن بازرگانی امریکادرواشنگتن نطق مفصلی ایراد کرده است که خلاصه‌ای از آنرا ذیلا نقل میکنیم:

«رضاشاه پادشاه جدید ایران، یکی ازپهلوانان برجسته وآباد کنندهٔ دنیای قدیم است که بتازگی ظهور نموده، وخیلی‌ها این پادشاه را (موسولینی) آسیامینامند ولی مقایسهٔ مزبورمنصفانه نیست. شاه ایران مردیست بزرگتر وعاقلتر از دیکتاتور ایتالیا - موسولینی ازناپلئون تقلید میکند، ولی پادشاه جدید ایران روش مستقل دیگری داردو شب وروز برای سعادت ملت خود کارمیکند او شخصی است مهربان وفعال وعلاقمند بآبادی

امروزه ایران یکی ازجالب ترین ممالک دنیاست این مملکت قدیمترین واز بعضی جهات جوانترین کشورهای روی زمین است. ایران تقریباً درطول چهارهزار سال پیش آهنگ قسمتی ازاساسی ترین عقائد علمی وصنعتی دنیا بوده که یا خود مبتکرآن بشمارمیرفته ویا ازدیگران کسب کرده وبعد بسایرین اهدا نموده است. ایران اعصار پرافتخاروباشکوه بسیار دارد. این کشور تامدت چند قرن ملکهٔ آسیای غربی بوده وامپراطوری روم رامغلوب نموده، وتمدن اسلامی راتحت نفوذواستیلای خویش درآورده تااندازه‌ای نهضت صنعتی اروپارا بقالب ریخته است درعین حال حوادث ناگوارو بدبختیهای بزرگی هم گریبانگیر آن شده، ولی باتمام این احوال همواره بااستقامت واستعداد فوق العاده دوباره قدراست کرده وزندگی تازه خودرا شروع نموده است .

اکنون نیز پس ازیکدوره جنگها وخونریزی های ویران کننده، شروع بتجدید

سعادت خود کرده است واین تحولات برای سایر کشورها مخصوصاً امریکائیها قابل توجه میباشد . ایران نوین که بسرعت هرچه تمامتر مشغول اخذ اصول تمدن جدید است از پیشرفت ها و ترقیات ودموکراسی امریکا پیروی میکند این کشور اکنون در رأس حکومت خود پادشاهی دارد که یکی از بزرگترین قهرمانان مولود جنگ است وعملیات او مورد حیرت وتحسین عموم میباشد ، بطوریکه میتوان گفت یکی ازبزرگترین فرمانروا یانیست که ایران طی هرچند قرن یکبار در دامان خود پرورش میدهد . سلسله ای که سابقاً در این کشور حکومت میکردند از اعقاب ترکمنان بودند که افراد آن ضعیف وخود پرست و نالایق بشمار میرفتند و یک رژیم ترکمانی در این کشور ایجاد کردند . اکنون بجای این افراد پادشاهی در ایران حکومت میکند که جرأت وپشتکار وکیاست واشتیاق او بترقی وسعادت مملکت درخور عالیترین ستایشهاست ، او سیاستمداران ورجال فاسد وخائن را که میخواستند کشور را باجانب تسلیم کنند از میان برداشت ، وبدین ترتیب ایران جدیدی ایجاد نمود . مستشاران مالی امریکائی اکنون در آن کشور مشغول کارند ، وبراثر جدیت ومساعی دکتر میلسپو رئیس مستشاران امریکائی مالیهٔ مملکت براساس صحیحی استوار گشته است . ایرانیها از حیث نژاد با ما یکی هستند وخیلی باهوش ومهمان نواز بشمار میروند ونسبت بعملیات معارف پرورانهٔ میسیونهای امریکائی شکرگزارند وتاکنون هیچ ملتی مثل ملت ایران امریکائی را مورد اعتماد وتمجید قرار نداده است .

تعیین ولایتعهد

روز پنجشنبه ٨ بهمن ماه ١٣٠٤ جشن باشکوهی با حضور کلیهٔ رجال و سیاستمداران داخلی وخارجی ومعاریف مملکت درکاخ گلستان برپا گردید ، ودر آنجا فرمان ولایتعهدی شاهپور محمد رضا پهلوی ، فرزند ارجمند و والاگهر رضا شاه پهلوی قرائت شد

پس از تعیین ولایتعهد ، بار دیگر مراتب حق شناسی ایران از اطراف واکناف کشور

تلگرافها و نامه‌ها و چکامه های شادباش بپدر تاجدار خود مخابره کرده و از انتخاب ولیعهد اظهار مسرت و شادمانی نمود وتامدتی مجالس جشن وخوشحالی در تهران وولایات برپا بود .

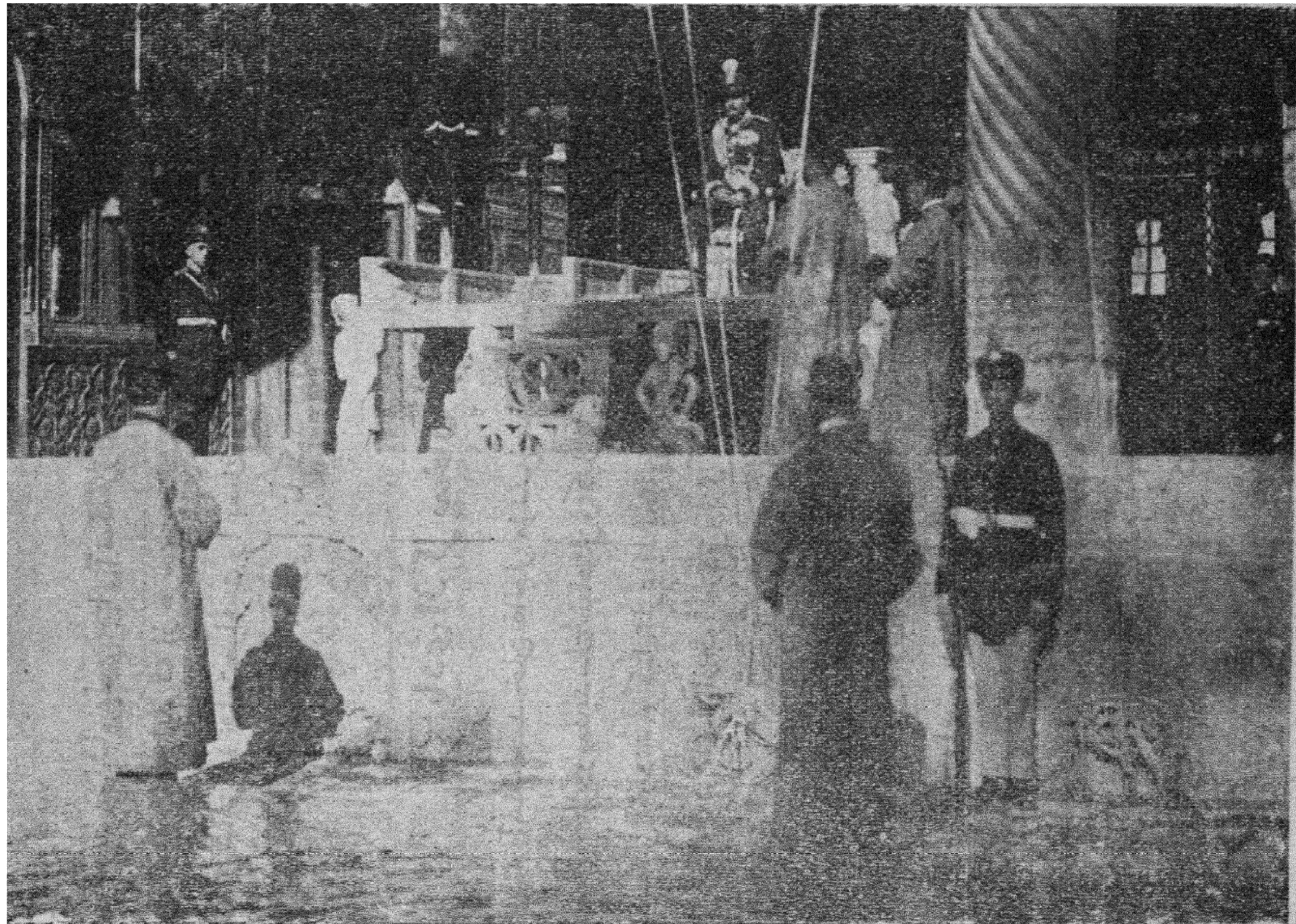
اعلیحضرت رضاشاه پهلوی برای آنکه فرزند ارجمند وولیعهد ایران راطوری بزیوردانش وکمالات بیاراید که از هرجهت جانشین باکفایتی برای او بشمار رود در تعلیم وتربیت آن شاهزاده نهایت مراقبت را بعمل آورد واستادان بزرگ برای تعلیم او تعیین کرد و علاوه بر دانش اندوزی ، تأکید نمود که از کلیه فنون نیز باید بهره‌مند گردد .

یادی از کریمخان زند

میگویند آغا محمد خان قاجار مؤسس سلسلهٔ قاجاریه ، زمانیکه برضد کریمخان زند قیام کردو بعد بدست سپاهیان وکیل الرعایا شکست خوردواورا بعنوان اسیر نزد کریمخان آوردند، وکیل الرعایا بحدی باو رأفت ومهربانی کرد که عموم درباریان ونزدیکان کریمخان ازجوانمردی وبزرگواری او ستایشهاوتمجیدها کردند.

این موضوع راخود آغامحمدخان نیز بعدها که بسلطنت رسید برای اطرافیان خود تعریف مینمود وروزی برای آنها گفت با آنکه کریمخان بامن بالاترین محبتها ومهربانیهارا کرد ، معهذا من بدون آنکه خود از علت آن باخبرباشم کینه خاندان زندرا بدل داشتم ومیخواستم بهرطریقی شده چشم زخم وزیانی بآنها وارد آورم و چون در آن هنگام دستم ازهمه جا کوتاه بود بانوك قلمتراش خودتاروپود قالیهای گرانبهای دربار سلطنتی را پاره میکردم واکنون که آن قالیهای نفیس بدست خودم افتاده از این کینه‌توزی خودتأسف میخورم که چرابایددست بچنین کاری دراز کنم!

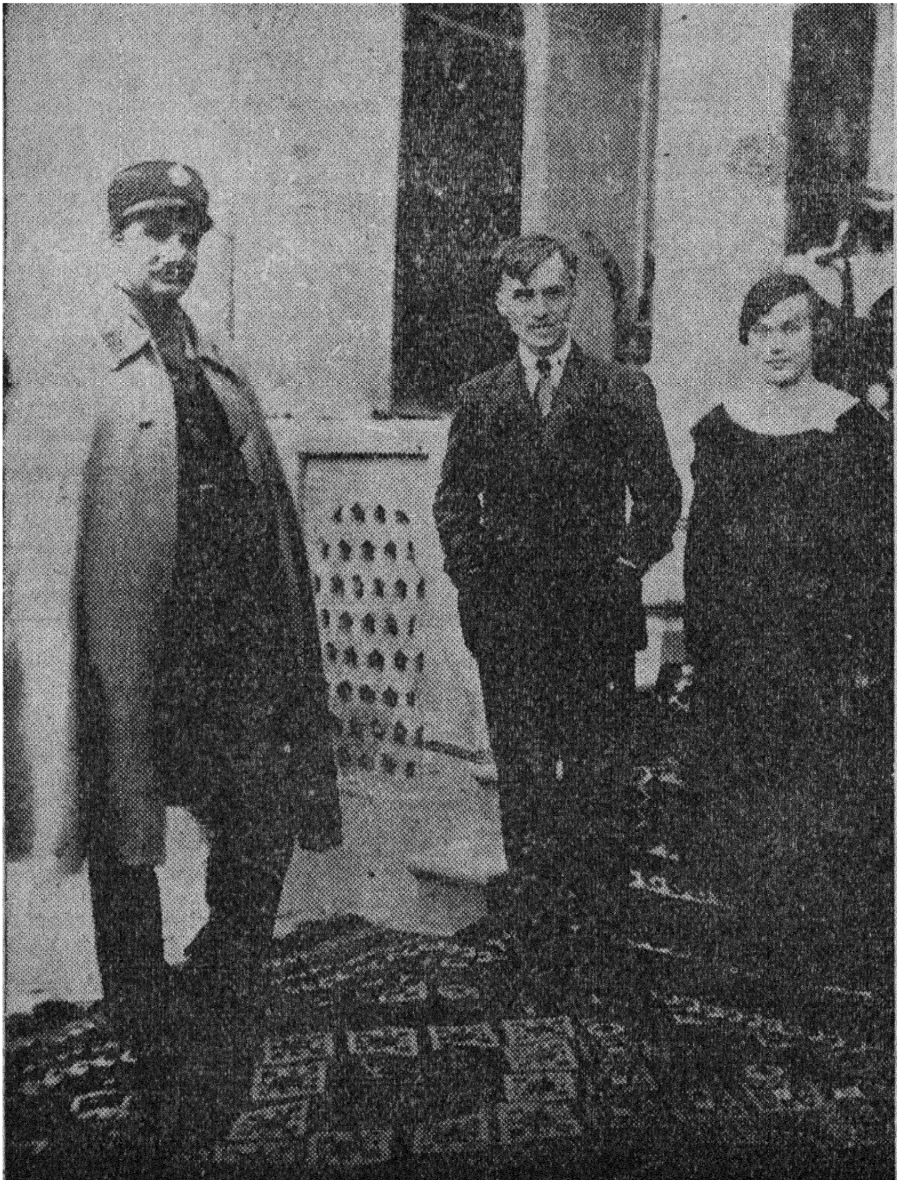
آغامحمدخان قاجار بایك چنین خصلتی که خوداواز آن متعجب ودرشگفت بود، پس ازآنکه بالاترین ضربتهارا بخاندان زند زدولطفعلیخان پهلوان دلیرزند را کور کرد وبیست هزار جفت چشم ازمردم شهر کرمان درآورد ، دستور داد که استخوانهای کریمخان وکیل الرعایا را ازقبرخارج کرده ودرمحلی درزیرپای وی



اعلیحضرت رضا شاه پهلوی درکاخ دره‌ر دیه‌مجلس رسمی

دفن کنند تاروزها هنگامیکه برتخت سلطنت می نشیند ،استخوانهای کریمخان در زیرپای اوباشد ...

این سبعیت ووحشیگری که در تاریخ زندگی بشری کمتر نظیر دارد ،همچنان



رضاشاه قبل ازتاجگذاری سفیر انگلیس اورا ملاقات وراجع بآزادی شیخ محمره (خزعل) مذاکره می نماید

دوام داشت ،تاآنکه سلسله قاجاریه منقرض گردید واعلیحضرت رضاشاه پهلوی بر

تخت سلطنت جلوس نمود. و بیاد آن رادمرد دلیری افتاد که عمر خود را در راه خدمت بملت ایران صرف کرد. و با آنکه بمقام پادشاهی رسیده بود، معهذا تنها بنام وکیل-الرعایا کتفا نمود.



پهلوی اول با افسرانیکه در کودتا شرکت کرده‌اند
رضاشاه فقید با علامت (+) مشخص شده است.

اعلیحضرت رضاشاه فرمان داد که استخوانهای پوسیده کریمخان زند را که یکقرن و نیم پایکوب بی‌عدالتی خانواده قاجار شده بود از زیر پا بیرون آورند و آن را در آرامگاه و محل مناسبی که سزاوار آن مرد بزرگ بود با تجلیل و احترام دفن کردند و خود نیز بر مزار کریمخان زند رفت و بر روان آن رادمرد درود هدیه فرستاد.

خاندان زند که یکچنین بزرگواری را از پدر ملت و سردودمان سلسلهٔ پهلوی مشاهده نمودند، برسم حق‌شناسی شمشیر کریمخان زند را به پیشگاه شاهنشاه تقدیم کردند.



اعلیحضرت رضاشاه پهلوی اول پس از تاجگذاری

تاجگذاری

رضا شاه پهلوی پس ازانجام امور فوری مملکت وبنیان نهادن شالوده ترقیات وپیشرفتهای آینده ،روزیکشنبه ٤ اردی بهشت ١٣٠٥ درکاخ گلستان حضوریافت، وبا حضور بزرگان مملکت،ورجال داخلی وخارجی مراسم تاجگذاری، باشکوه بسیارانجام یافت .

آنگاه برای تقویت بنیهٔ مالی مملکت دستورهای اکیدصادر نمودودر نتیجه درمدت کوتاهی چرخ های فعالهٔ کشوربکارافتاد وسربازان و نظامیان که درراه استقلال وطن واحیای ایران جانبازیها کرده بودند، بجای گچ وآجروآهك که در زمان قاجاریه میگرفتند،ازحقوق ومزایای حقهٔ خود بهره مند شدند ووضع مالیات درسراسر کشور سروصورتی بخود گرفت .

پس از آن رضاشاه کاپیتولاسیون را که بزرگترین ننگ ملی بود لغو کرد ، و رسماً افرادملت ایران را بااتباع بیگانه از لحاظ حقوقی در کلیهٔ اموربرا بردانست و بدین ترتیب بدنیای متمدن اعلام کرد که ایران وایرانی زنده شده ودیگردوران نکبت بار پیشین برای همیشه ازاین کشور رخت بربسته است .

شانزده سال سلطنت

رضاشاه کبیرطی شانزده سال سلطنت خود،از ١٣٠٤ تا ١٣٢٠ شمسی، خدمات گرانبهائی با یران وملت ایران انجام داد .

رضاشاه یك کشورمنحط ومضمحل را که درآستانهٔ نیستی قرارداشت،ودولت های بزرگ خارجی چندباردر صدد تجزیه وتقسیم آن بین خود برآمدند وقرارداد هائی هم در اینخصوص در سالهای ١٩٠٧ و ١٩١٩ منعقد گردیدازخطرنجات داد ، وبار دیگرپرچم بخاك افتاده ایران را بلندنمودوآنرا برفراز قلل کوهها ودردل صحاری وسیع،ودر طول مرزهای ایران برافراشت.

رضاشاه حکومت ملوك الطوایفی وفئودالیسم را که چون موریانه ریشهٔ استقلال

ایران را میخورد ، ومملکت را با آستانهٔ فنا نزدیك میکرد از بین برد ، ودست خائنین داخلی را که با کمال شقاوت حلقوم ملت را میفشردند قطع کرد . ویاغیان وطاغیان و متنفذین محلی وسران گردنکش ایلات وعشایر ، وجیره خواران بیگانه ، وحکام خود خواه مستبد را سرکوب کرد ، وامنیت را که درآنهنگام درهیچ نقطه کشور معنی و مفهومی نداشت ، درسراسر مملکت برقرار نمود .

رضاشاه وحدت ومرکزیت وتمامیت ارضی ایران را حفظ کرد ، وآبرو وحیثیت ازدست رفتهٔ ایران را مجدداً بدست آورد ، وایران را در نزد بیگانگان سرافراز و مفتخر ساخت ، وروابط دوستانه با کشورهای همسایه وممالك معظم ومتمدن جهان برقرار نمود .

رضاشاه کشور عقب افتاده ومردم بیسواد ایران را که از تمدن غرب کاملا بی بهره بوده وگوئی هنوز دردوران قرون وسطی زندگی میکنند ، ازمدنیت قرن بیستم ودانش وفرهنگ جهان متمدن جدید برخوردار ساخت ، وبرفراز ویرانه‌های قدیم ، شهرهای آباد وکارخانه‌ها ومراکز مهم علمی وصنعتی وکشاورزی ایجاد کرد .

رضاشاه باتقویت ارتش وحفظ مرزهای ایران جان تازه ای درکالبد بی جان ایران دمید وهستی وموجودیت ایران را در برابر مطامع دول بیگانه حفظ نمود .

خدمات رضا شاه نه تنها از لحاظ ملت ایران ، بلکه از لحاظ بین المللی نیز حائز اهمیت است ، زیرا او بود که یکی ازمقتدر ترین ممالك دنیای قدیم را بار دیگر درمنطقهٔ خاور میانه زنده کرد ، و امنیت این ناحیه حساس را با سیاست و تدبیر و کاردانی مخصوص خود حفظ نمود بطوریکه اقدامات او در محافل سیاسی خارجی ودر مطبوعات بیگانه همواره مورد بحث قرار داشت .

اینك درباره یکایك اقدامات این مرد بزرگ که سراسر عمر خود را صرف مبارزه وجهاد بافساد وتأمین آسایش ورفاه ملت و آبادی وعمران کشور کرد بطور اختصار سخن میگوئیم .

خدمات فرهنگی

ایرانیها ، صددرصد بیسوادند !!

زمانیکه سلطان احمد شاه در پاریس ، فارغ از ملت ومملکت در هتل ماژستیك ودراپرای بزرك آنشهر سرگرم عشقبازی بارقاصه های طلائی بود، درهمانموقع ملت فقیرومستمند وبینوای او درجهل وبیسوادی وبدبختی دست وپا میزدند .

یك سیاح فرانسوی که در آنزمان بایران آمده بود واوضاع رقت بار این کشور را ازنظر گذرانده ، درمراجعت شرح خجالت آوری درباره ایران نوشت که موجب سرافکندگی و شرمساری هر فرد میهن پرستی میشود. این جهانگرد نوشته بود:

«آن چیز هائی که من در تاریخ ایران قدیم خوانده بودم ، وآن مطالبی که»
«هرودوت»و«گزنفون» و«پلوتارك» درباره این قوم باستانی نوشته بودند بهیچوجه»
« باوضع کنونی ایران وفق نمیداد.»

« اگر بایرانیان که هنوز درمهمان نوازی سنن وخوی دیرین را حفظ کرده اند»
«برنخورد وازمن نرنجند ، باید بگویم مردمی که امروزه درایران زندگی میکنند»
«یکمشت قاطرچی ، ورمال ، وروضه خوان، وآخوند بیسواد هستند که از فرهنك»
«وتمدن بهیچوجه خبری ندارند!»

«اینان درجهل وتعصب عمیقی بسرمیبرند که مشکل است باین زودیها بتوان»
«آنهارا ازاین خواب عمیق بیدار کرد ، واگر بگویم دربین هرصد نفر ایرانی ، همهٔ»
«آنها بیسوادند گزاف نگفته ام !!»

این بود نظریهٔ یکی از بیگانگان که وضع ایران و مردم اینکشور رادرعهد سلطنت آخرین پادشاه قاجار دیده ،وملتی را که بینانگزار تمدن دنیای کهن بوده و بعد بآن تباهی وخواری افتاده ، آنطور معرفی کرده است .

ولی روزیکه رضاشاه رویکار آمد ودست باقدامات اصلاحی زد، نخستین کاری که کرد این بود که آن ملت عاطل وباطل وبیسواد را که نه از اوضاع داخلی خود

ونه‌از اوضاع دنیای خارج اطلاعی داشتند ، ومعلومات آنها فقط منحصر بهمان داستانهای شاهنامه بود که‌درقهوه خانه‌هامیشدند ، باعلم‌وفرهنگ آشنا کندو بر کالبد بیجان آنان روحی تازه بدمد .



اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر هنگام افتتاح هنرسرای عالی دختران

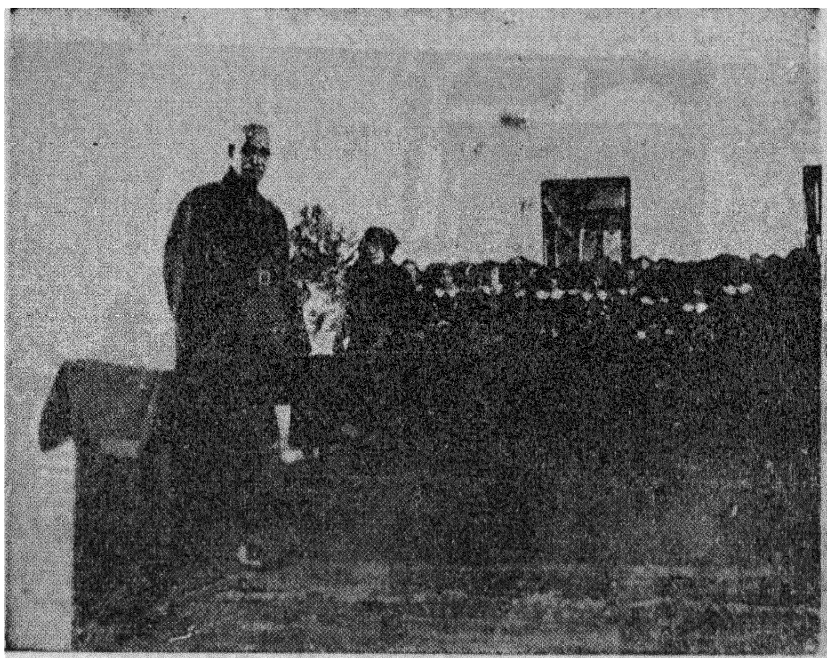
برای‌انجام این منظور شروع بکار کرد ، وبجای‌مکتب‌خانه‌هامدارس نوین ایجاد نمود ، وکودکان ونونهالان میهن‌را که‌درمیان‌ولگردان و رجاله هادرس ناپاکی ورزالت‌میخواندند ، درمدارس بتعلیم‌علم ودانش‌وادار ساخت .

کم کم درشهرها ودهات دوردست نیزمدرسه‌هاایجادشد ، وکاربجائی کشید که‌حتی‌بچه چوپانها ، واطفال‌زارعین ، وکودکان‌پنبه‌دوزهاوسبزی فروشهاوافراد طبقه سوم همه بامیل‌ورغبت مشغول فراگرفتن‌علم‌ودانش‌شدند

آنگاه دانشکده‌ها ایجادشد ، جوانانیکه‌آرزوی‌آموختن‌علوم‌وفنون عالی را داشتند درانشگاه مشغول تحصیل دررشته‌های‌مختلف‌شدند .

گروهی نیز که‌علاقمند بودند دارالعلمهاودانشگاههای بزرگ خارجی را ببینیدهمه ساله بخارج کشور برای تحصیل دانش اعزام میگشتند

بطوریکه بجای ملاها و آخوندهای قدیمی ، مهندسین و پزشکان و حقوق دانها
و دکترهای متخصص در رشته‌های اقتصاد ، ادبیات ، علوم ، صنایع ظریفه ، راهسازی
معدن شناسی ، برق ، شیمی ، فیزیك رویکار آمدند .



اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر در هنرسرای عالی دختران

در مدارس بجای ملاباجی ها و روضه خوانهای بیسواد ، استادان عالیقدر
و تحصیل کرده مشغول کار شدند و بآموزش و پرورش جوانان پرداختند .

رضاشاه با بنیان گذاشتن فرهنگ نوین بزرگترین خدمت را بایران کرد
بطوریکه امروز این همه مهندس و پزشك و حقوق دان و نویسنده و ریاضی دان و افراد
دانشمند که در کشور وجود دارند ، همه کسانی هستند که از کارخانه آدم سازی او
بیرون آمده اند و همینها هستند که شالودهٔ سعادت آینده کشور و نسلهای آینده را
خواهند ریخت .

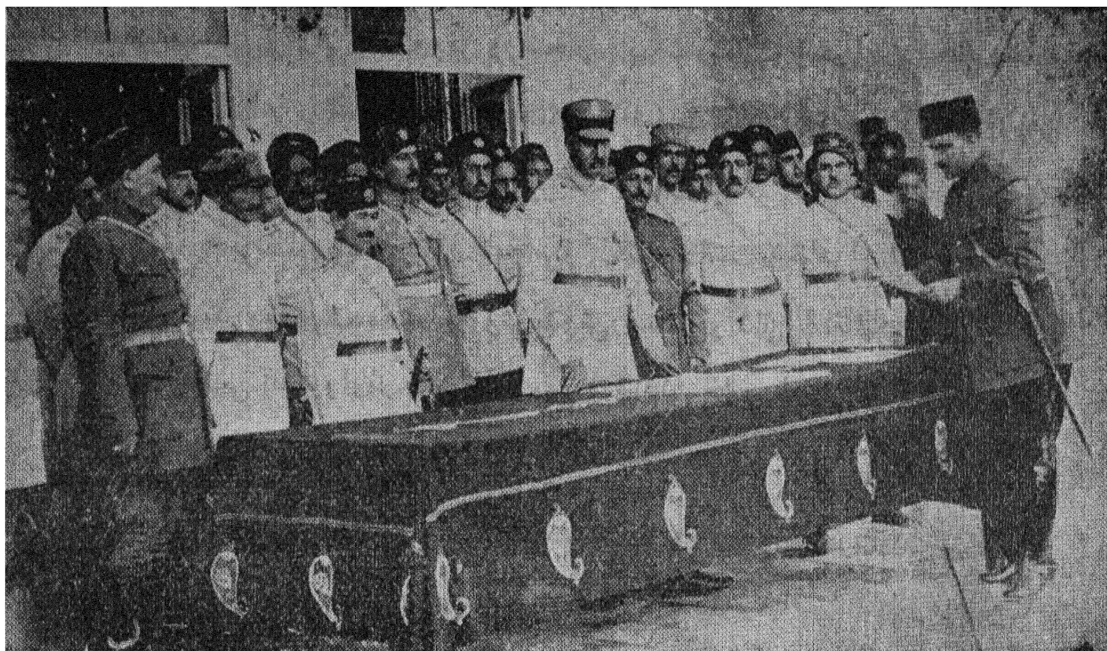
ایجاد ارتش نوین

ایران قویترین کشور شرق میانه است

خسارات و زیانهائیکه بر اثر لاابالیگری و ضعف سلاطین قاجار بایران وارد آمد

شاید در تاریخ اینکشور کمتر نظیر داشته باشد .

زیرا بر اثر عدم توجه بقوای نظامی وضعف نیروی دفاعی واشتغال بعیش و عشرت و سر گرم بودن درحرمسراها و کنیزکان ماهرو وشهوترانیهای بی حد و حصر قسمتی از خاك ایران در قفقاز و ترکستان و افغانستان و بلوچستان و عراق از اینکشور



پهلوی اول رضاشاه فقید با نفرات ژاندارم و قزاق یك سازمان قوی تشکیل داد

منتزع شد و ضمیمه خاك دول خارجی گردید .

از این رو هیچ مورخ میهن پرست و هیچ محقق با انصافی نمیتواند اینهمه ضعف و سستی و بی ارادگی ولاابالیگری را که در عرض تقریباً یکقرن و نیم حکومت قاجار در اینکشور وجود داشت نادیده انگارند و از اظهار تأسف و تأثر خودداری کنند .

رضاشاه برای جبران گذشته های تاریك . وجلوگیری از آن وضع اسفناك دست به تشکیل یك ارتش نوین وقوی زد و بوسیلهٔ همین ارتش بود که حکومتهای ملوك الطوایفی را از ایران برانداخت وقوای بیگانه را از مرزهای کشور بیرون رانده واستقلال و تمامیت ارضی ایرانرا حفظ کرد .

پس از آنکه بر تخت سلطنت جلوس نمود برای تقویت ارتش قدمهای بلندی برداشت و افرادی را که بفنون نظامی بهیچوجه آشنائی نداشتند وحتی طرز بدست گرفتن تفنك را نمیدانستند در سربازخانه ها به آموختن فنون نظامی وادار کرد .

جوانانی را که غالباً در حجره های تنك و تاريك و در دهليزهای خاموش بازارها ساعتها ساکت و آرام نشسته و یا در صحاری بکشاورزی و شخم زدن زمین و یا در سر گردنه ها براهزنی اشتغال داشتند ، همه را با تعلیمات نظامی افرادی ورزیده و کاردان وچست وچالاك و با احساسات ومیهن پرست بار آورد .

با ایجاد نظام وظیفه اختلاف طبقاتی را از بین برداشت ، و شاهزادگان و فرزندان رجال عالیقدر و معاریف مملکت را دوش بدوش روستازادگان و اطفال کارگر و پیشه ور بخدمت مقدس نظام وادار کرد وحتی بین فرزندان خود باسایر جوانان فرق و تفاوتی ننهاد .

قوای نظامی را که در گذشته فاقد شخصیت و آبرو بود و قدرت نداشت حتی در برابر قلع وقمع دسته های چهار پنجنفری دزدان کفایت و لیاقتی نشان دهد و بجای حقوق کاه و آجر و یونجه دریافت میکرد وغالباً به هیزم شکنی عملگی امرار معاش مینمود بصورت مجهزترین ارتشهای دنیا درآورد .

بطوریکه قوای پیاده نظام و سواره نظام و توپخانهٔ ایران در کلیهٔ جنك های داخلی لیاقت وشایستگی فوق العاده خود رانشانداد .

پس از آنکه اوضاع کشور آرام شد ، روز بروز نواقص این نیروها مرتفع گردید ودر تقویت آنها کوشش بعمل آمد .

بعلاوه نیروهای موتوریزه ومکانیزه وقوای هوائی وضع ارتش ایران را بکلی دگرگون ساخت وقدرت ونیروی فوق العاده بقوای دفاعی ایران بخشید .

از اینها گذشته نیروی دریائی و نیروی هوائی را ایجاد کرد و روز بروز در تقویت آنها کوشید بطوریکه علاوه بر وارد نمودن هواپیماهای جنگی از خارج کشور ، کارخانه های هواپیماسازی شهباز را در تهران ایجاد کرد که محصول آن در سالهای

اولیه وتهیه اشیاء وابزار یدکی شایان توجه بود.

برای تربیت افسران مجرب وآزموده دبیرستان نظام ودانشکده افسری را ایجاد نمود که همه ساله عده زیادی افسران لایق و کاردان از آن فارغ التحصیل میشوند و در نقاط مختلف کشور در پادگانها و سربازخانه ها مشغول انجام وظیفه هستند. بعلاوه عده ای از افسران را برای تکمیل تحصیلات خود باروپا فرستاد. بطوریکه اکنون جمعی از بهترین سران نظامی ما همان کسانی هستند که در دانشگاههای اروپا تحصیل کرده اند.

برای حفظ امنیت درداخل کشور، قوای ژاندارمری وتشکیلات شهربانی را ایجاد کرد وآنهارا بصورت آبرومندی درآورد، بطوریکه درمملکتی که در پشت دروازه های پایتخت آن همه روزه قتل وآدم کشی ودزدی میشد واشرار حتی تادروازه



شاه فقید درکلیه جشنها حاضر وبکلیه امورشخصاً رسیدگی ودستورات متین وپرمغز صادرمیکرد

های تهران پیش می آمدند، چنان نظم و امنیت برقرار گردید که اگر کسی از مرزهای شرقی بمرزهای غربی کشورمیرفت، وصحاری وسیع وکوههای مرتفع را زیرپا میگذاشت حتی ازبینی اویك قطره خون نمیآمد وازجان ومال ونوامیس

خود اطمینان کامل داشتند .

برای تأمین احتیاجات نظامی و تهیهٔ اسلحه و ابزار جنگی گذشته از سفارشهائی که بکشورهای خارجه داده شد ، کارخانه‌های اسلحه سازی متعددی ایجاد کرد و مقدار زیادی از سلاحهای جنگی و مواد مورد نیاز را در داخل کشور تهیه نمود .

در نقاط مختلف کشور فرودگاه‌های مختلف هوائی ، و سربازخانه های متعدد بوجود آورد و بدین ترتیب شالودهٔ یك ارتش مجهز و نیرومند را ریخت بطوریکه وزیر مختار ایتالیا در ایران طی گزارشی که راجع بوضع وقوای دفاعی این کشور برای دولت ایتالیا فرستاد متذکر شد که ایران قوی‌ترین کشور شرق میانه است و جلب دوستی ایران برای دولتهای محور ، آلمان و ایتالیا و ژاپن ، سود بسیار خواهد داشت

ایجاد طرق و شوارع

رضاشاه خلیج فارس را ببحر خزر متصل کرد

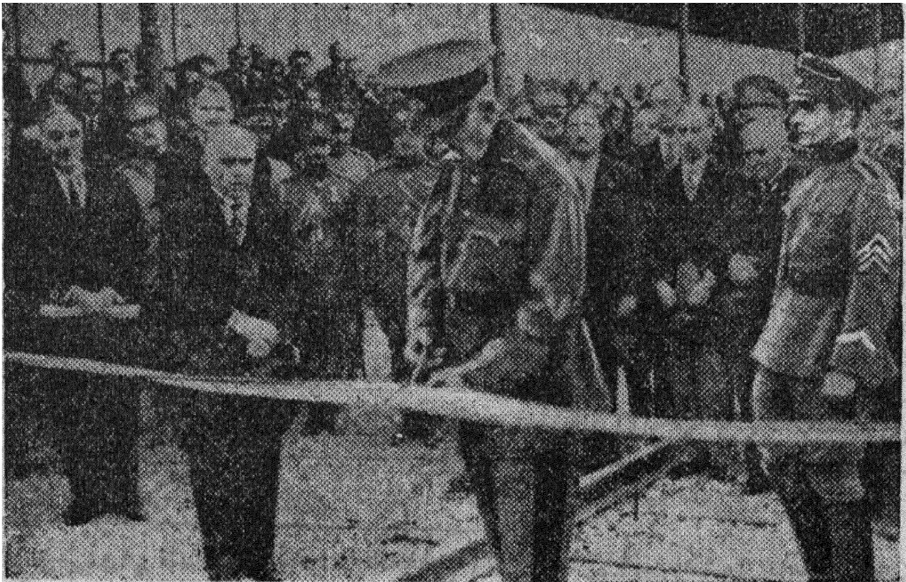
در یك کشور پهناور مثل ایران که مساحت آن متجاوز بر یك میلیون و ششصد



پس از اتمام راه آهن سرتاسری ، در اولین مسافرت شاه فقید ، والا حضرت ولایتعهد نیز همراه پدر تاجدار خود بود.

هزار کیلومتر مربع است ، ارتباط شهرها ونقاط حساس ومهم بیکدیگر یکی از کارهای بسیار مشکل بشمار میرود . زیرا ایران درزمانیکه رضاشاه تازه برتخت سلطنت جلوس کرده بود هنوز دارای همان راههای کاروان رو قدیم عهد کوروش وداریوش بود وهمان پالکی ها وکجاوه های عجیب وغریب دراین راههای باریك وخطرناك ازفراز کوه ها وگردنه های صعب العبور وصحاری خشك وکویرهای پهناور میبایستی عبور کند ، و غالباً در فصل زمستان بواسطه مسدود بودن راهها تلفات زیادی در برف وسرما ویخبندان بمسافرین وارد می آمد وآنها که موفق میشدند از موانع طبیعی جان سالم بدر برند ، مواجه شدن با دزدان وراهزنان هر دم عفریت مرگ را دربرابر آنان ظاهر میساخت.

ولی رضاشاه این مشکل را نیز باسرپنجه تدبیر خود حل کرد و باایجاد راههای شوسه درسراسر کشور ، وتبدیل جاده های کاروان رو بجاده های اتومبیل رو بزرگترین خدمت را باقتصاد وبازرگانی وسلامت مسافرین کرد و شرائین کشور را بکار انداخت ، وارتباط نزدیك ودائمی بین کلیهٔ شهرها خصوصاً شهرهای دور دست بامرکز برقرار ساخت .



رضاشاه کبیر درموقع افتتاح راه آهن واتصال خط جنوب بشمال

گذشته از این با کشیدن خط آهن از شمال بجنوب یك خدمت درخشان تاریخی

بکشور عقب افتاده ایران کرد، و با رخنه نمودن در دل کوههای عظیم ، و ایجاد تونل های بزرك و پل های متعدد که هریك شاهکار فن مهندسی ومعماری بشمار میرفت نظر اعجاب وشگفتی کلیه خارجیانی را که بایران میآمدند جلب کرد وبدین ترتیب عملا خلیج فارس را بدریای خزر متصل نمود .

همین راه آهن سراسری ایران بود که در دوران جنك بزرگترین خدمت را بمتفقین کرد ونقش عمده ای در پیروزی ملل متفق ایفاء نمود وبهمین جهت ایران ملقب به « پل پیروزی» شد .

بعلاوه خطوط هوائی ودریائی نیز ایجاد نمود ، وبالنتیجه از راه زمین ودریا وهوا دیوار آهنینی را که بدور ایران کشیده شده بود شکست و این کشوررا از همه جهت بادنیای خارج ارتباط داد .

ایران از لحاظ سیاست خارجی

دست آتاترك را فشرد و بادولت فرانسه قطع رابطه کرد !

خدمات رضاشاه ازلحاظ سیاست خارجی ، بهمان اندازه گرانبها و پرارزش بود که درداخل کشور شالوده وبنیان اصلاحات اساسی را کار گذاشت .

زیرا مسافرتهای پی درپی سلاطین قاجار بممالك اروپا، آنهم با گرو گذاشتن جواهرات سلطنتی وخالی کردن خزانه دولت و فقیر کردن ملت و نشان دادن عدم لیاقت خود در مجامع بین المللی ، بحدی آبرو و حیثیت ایران را درانظار خارجی ها لکه دار ساخت که بسیاری از روزنامه نویسهای اروپائی ایران را بصورت یك کشورعقب افتاده ونیمه متمدن میشناختند وتصور میکردند که هنوز آداب واخلاق ورسوم دوران خلفای عباسی و حکمرانان و گردن کشان دوران قرون وسطی در این سر زمین برقرار است .

ولی رضاشاه نشانداد که اندیشه های آنها درباره این کشور باستانی جزوهم وخیال چیز دیگر نیست ، بلکه ایران پس از خدمات گرانبهائی که دراعصار گذشته بتمدن جهان کهن کرداکنون نیز مجدداً نقش خودرا دراجتماع ملل دنیا انجام خواهد

دادو درمقابل نوشته‌های موهن يك روز نامه فرانسوی روابط سیاسی خودرا بادولت فرانسه قطع کرد وخاطر نشان نمود مادام که دول خارجی بشخصیت ایران احترام نگذارند ورعایت آداب ورسوم بین المللی را نکرده وبرروی اصل احترام متقابل عمل ننمایند دولت ایران حاضر نیست باهیچ کشور خارجی مناسبات سیاسی داشته باشد .

ولی پس از آنکه دولت ورئیس جمهوری فرانسه از این پیش آمد رسماً عذر خواستند ومسیو «لوبرون» رئیس جمهوری فرانسه نامهٔ خصوصی بعنوان رضا شاه نوشت، وپس ازاظهار تأسف دراین مورد ، تقاضای تجدید روابط بین دو کشور را نمود. باردیگر روابط حسنه بین ایران وفرانسه برقرار گردید .

رضاشاه کاپیتولاسیون را که سند بربریت وبندگی ملت ایران رادر برابر دول خارجی بود لغو کرد وبدنیا اخطار نمود که ملت ایران در کلیهٔ شئون باسایر ملل برابر است وباید ازهمه گونه حقوق حقهٔ خود برخوردار گردد .

رضاشاه تشکیلات وزارت امور خارجه راوسعت داد و مأمورین عالیرتبهٔ سیاسی و نمایندگان فوق العاده بممالك بزرگ اعزام داشت ، وباعده‌ای ازدولتهای مترقی که تاآنوقت باایران روابط سیاسی نداشتند مناسبات دوستانه برقرار کردو برای شناساندن ایران ببیگانگان ، شخصیتهای برجسته‌ای را بخارج کشور فرستاد وانتشارات گرانبهائی راجع بایران کنونی و ایران باستان انتشارداد .

درزمان سلطنت رضاشاه کبیر امان الله خان پادشاه اسبق افغانستان ملك فیصل پادشاه عراق وپس ازچندی ملك غازی فرزنداوو ولیعهد سوئد بایران مسافرت کردند ومورد پذیرائی های گرم قرار گرفتند، ومناسبات دوستانه ایران باکشورهای همسایه براثر حسن تدبیروسیاست عاقلانه پیش ازپیش بهبود یافت .

آنگاه اعلیحضرت رضاشاه مسافرتی بترکیه کرد ودست مصطفی کمال پاشا «آتاتورك» رئیس جمهوری وقائد بزرگ ترکیه‌را فشردومورد پذیرائیهای بسیار گرم ملت ترکیه قرار گرفت .

براثر همین حسن سیاست وحسن تدبیر بود که پیمان سعدآباد بین دولت-

های فوق الذکر منعقد گردید و صلح شرق میانه بدین ترتیب بیش ازپیش تأمین گردید.

رضاشاه برای حفظ منافع ایران در مورد نفت جنوب اقدامات مجدانه و سودمندی بعمل آورد وچون شرکت نفت جنوب با پشتیبانی دولت انگلیس نمی خواست بحقوق حقهٔ ایران توجهی کند، بنابفرمان رضا شاه نماینده ایران در جامعهٔ ملل این موضوع رامطرح کرد،ودربرابر «سرجان سیمون» وزیر امورخارجه وقت وسیاستمدار معروف انگلیس، ازحقوق ایران با کمال قدرت دفاع نمودوتوجه نمایندگان کلیهٔ ملل دنیارا بجانب ایران جلب نمود، وبدین ترتیب تاآنجا که ممکن بودسود بیشتری از نفت جنوب نصیب ملت ایران کرد.

تقویت بودجه کشور

روزیکه سردارسپه بفرماندهی کل قوا منصوب شد، وضع آشفتهٔ مملکت ازلحاظ مالی فوق العاده رقت بارواسف انگیز بود. مامورین دولت درشهرهای دور دست اغلب هشت الی نه ماه ازسال گذشته هنوز موفق بدریافت حقوق فروردین خود نشده بودند باینجهت رشوه خواری وغارتگری وتجاوز بمال مردم از امور عادی و معمولی بشمارمیرفت.

روزیکه احمدشاه میخواست برای باردوم بفرنگ برود بحدی وضع مملکتی خراب بود که حتی مخارج ایاب وذهاب او باهمراهانش تأمین نمیشد. ازاین رودرصدد برآمدند جواهرات سلطنتی را نزدیک تاجر کلیمی گروگذارده و مبلغی از او پول دریافت نمایند ومخارج مسافرت راتأمین کنند.

ولی ازسال ۱۳۰٤ ببعدروز بروزوضع مالیه کشوربهبود یافت و اعتبارات مالی مملکت بالارفت وحوائج گوناگون از قبیل اسلحه و مهمات و تانك و هواپیما باپول نقد خریداری شد وحقوق سربازان و مأمورین دولت در اقصی نقاط کشور پرداخت گردید وهزینه راهسازی وبنای مدارس و عمران و آبادی شهرها و غیره تأمین شد.

وضع صادرات وواردات بهبود یافت، بطوریکه اجناس صنعتی و خشکبار و امتعهٔ ایرانی در بازارهای بین المللی مورد توجه فوق العاده قرار گرفت و خریدار بسیار یافت .

قالیهای ایران ونقره کاری ومنبت کاری واشیاء واجناس دیگر که اززیر پنجه های هنرمند افراد ایرانی خارج میشد در نمایشگاههای بزرك جهان مورد تماشا قرار میگرفت، وبدین ترتیب همه ساله مبالغ هنگفتی بابت امتعهٔ ایرانی از کشور های بیگانه وارد خزانهٔ کشور میگردید.

این وضع آنقدر دوام یافت تارضاشاه درسایه تدبیرو کفایت خود توانست ایران را از فقرو ورشکستگی و دربدری بکلی نجات داده ویک مملکت غنی و خوشبخت وثروتمند سازد.

توسعه صنایع

سرزمین ایران که ازروزگاران باستان همواره مهد هنرودانش وفرهنگ بود، بر اثر حوادث خارجی و خونریزیها ، مواریث پرافتخار گذشته را از دست داد و روزبروز ضعف وانحطاط در کلیهٔ شئون آن پدیدار گردید .

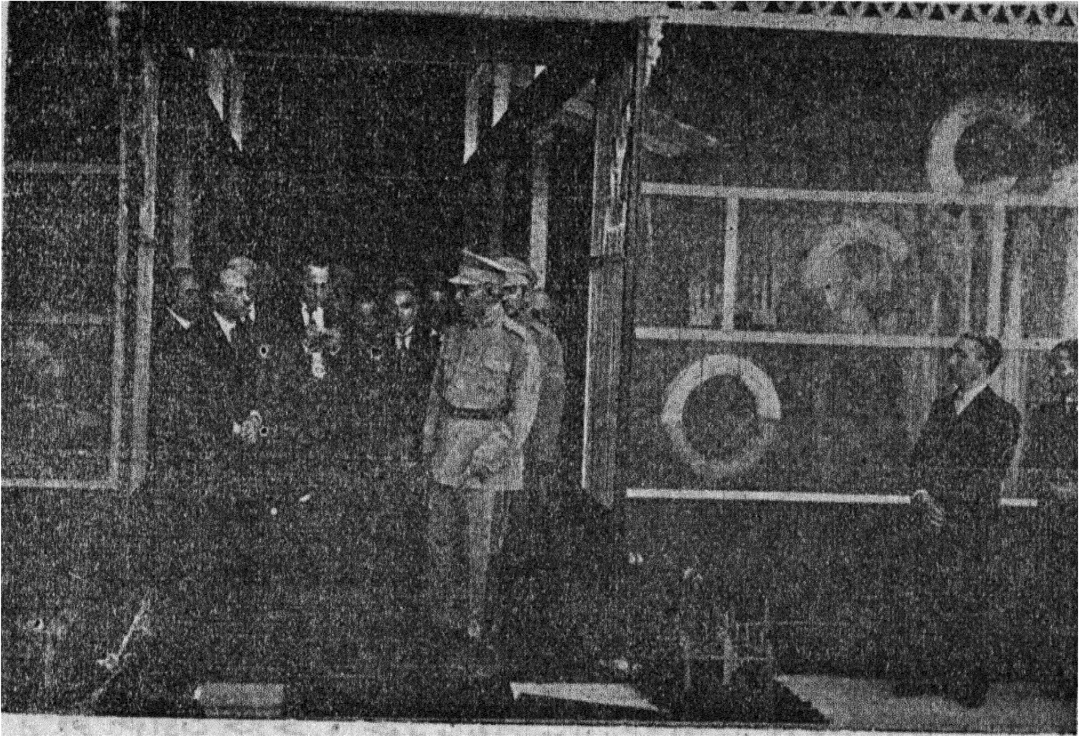
این ضعف وعقب افتادگی پس از مرك نادرشاه روز بروزبیشتر ظاهر و هویدا میشد تا آنکه درزمان قاجاریه بحد اعلای خود رسید .

عدم امنیت ونبودن قشون وبی اعتنائی بهنروصنعت کسانی را که عمری درراه هنرصرف کرده بودند از کارخود بیزار ساخت وآنها وادار کرد که بامور و مشاغل عادی بپردازند.

لیکن از روزیکه سلسله پهلوی تشکیل گردید وضع صنایع بکلی تغییر کردو باردیگر اهل هنر بساختن مصنوعات گرانبها وپرارزش خودهمت گماشتند تاآنجا که صنایع قدیمی ایران که درموزه های بزرگ دنیا بانهایت دقت ومراقبت نگهداری میشد باردیگر زنده شدوتجار بیگانه بااشتیاق فراوان اجناس مزبور راخریداری

کرده و بعنوان بهترین ارمغان بکشورهای خود میبردند.

علاوه براین رضاشاه پهلوی برای توسعه صنایع داخلی نمایشگاهی درتهران تشکیل



پهلوی اول باتشویق تجار و تشکیل نمایشگاه کالا میزان صادرات را ترقی داد.وازاینراه درسال مبالغ زیادی بربودجه کشورافزود



اعلیحضرت رضاشاه درروزافتتاح کارخانه دخانیات باتفاق والاحضرت ولایتعهد

داد که درآن انواع واقسام صنایع ظریفه وکالاهای گوناگون ایرانی بجالب ترین وضعی درآن بمعرض نمایش گذاشته میشد ، وسال بسال راه ترقی و تکامل میپیمود.

گذشته ازاینها کارخانه‌های متعدد اسلحه‌سازی ، هواپیماسازی ، ذوب آهن ذوب مس ، سیمان ، قند ، نساجی و برق وانواع کارخانه های سنگین دیگراز خارج کشوروارد نمود ، بطوریکه اینموضوع در روزنامه های آن‌ایام مورد بحث بود که ایران باید یك کشور صنعتی باشد یا یك کشور کشاورزی . . .

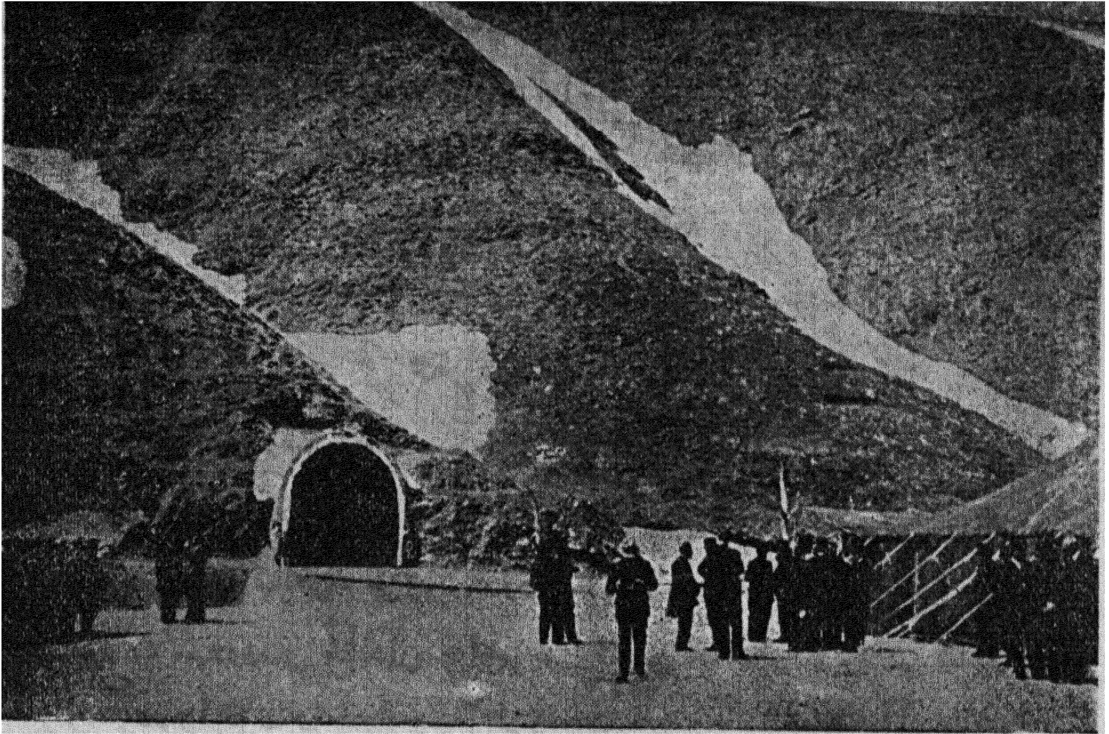
عمران وآبادی

پس ازآنکه رضا شاه درسال ۱۳۲۰ خاك وطن را ترك گفت و بسرزمینهای دورافتاده مهاجرت کرد ، تنها چیزی که‌چه نویسندگان خارجی وچه‌نویسندگان داخلی وحتی آنها که‌اهل غرض و کینه ودشمنی بودند ، نتوانستند منکرآن شوند این بود که سردودمان خاندان پهلوی بزرگترین خدمت‌را بآبادانی کشور کرد وایران مرده وفرتوت را بسرزمینی آباد ونعمت خیز وسبزوخرم مبدل ساخت .

درهیچ گوشهٔ ایران نیست که یادگاری‌ازرضاشاه نباشد ، وبنائی باشکوه نساخته باشد بسیاری‌ازبنادر شمال‌را بااسکله ها وباراندازها وتأسیسات مختلف رضا شاه ایجاد نمود . شهرهای متعددی نیزدرنقاط مختلف کشوربنا کرد ، و بر روی ویرانه های قدیمی نیزمراکزمهم تمدن ایجاد نمود که حتی قرنها پس ازاین نیز پایدارخواهد ماند .

دبستانهاودبیرستانهاوتوانخانه ها وسربازخانه‌ها وعمارات متعددوباشکوه برای وزارتخانه ها وادارات ومؤسسات دولتی وبانکها بنا کرد ، وکارخانه های برق وارد نمود ورونقی‌تازه برکالبد بیجان ایران دمید .

درسراسرنقاط کشور برای توسعهٔ کشاورزی ودفع آفات نباتی وخشکاندن باطلاقها اقدامات گرانبهائی انجام‌داد ، وجنگلهای مصنوعی ایجاد کرد ، وروز مخصوصی را درسال برای جشن درختکاری اختصاص داد وبدین ترتیب چرخهای فعاله کشور را بکارانداخت ومملکتی‌را که بااصول فئودالیسم باسیستم حکومتهای قرون وسطی اداره‌میشد ، بصورت یك کشورمترقی ومتمدن وآباد درآورد ، بطوریکه جهانگردان



پهلوی اول رضاشاه کبیر موقعیکه تونل کندوان باتمام رسید پس از افتتاح با اتومبیل داخل تونل شد

وپادشاهان ورجال نامی که بایران آمدند وشهرهای نوساز ایران مخصوصا رامسر وچالوس وبابلسرو کشتزارهای وسیع و سرسبزوحاصلخیزرا دیدندتصدیق کردند که قسمتی ازایران نمونه کاملی ازتمدن غرب است .

آزادی زنان

چگونه نیمی ازبدن فلج شدهٔ ایران بکار افتاد

دردورانی که در کشورهای اروپا وامریکا، زنان دوش بدوش مردان در کارهای اجتماعی وسیاسی و علمی وادبی مشغول کار وفعالیت بوده ونیمی ازامورمیهن خود را بعهده داشتند درهمان هنگام در کشورما زنان ودختران درسیاه چادرها مثل مردم ششهزارسال پیش زندگی میکردند .

اینان ازکلیهٔ اموراجتماعی بر کنار بودند وکارشان خانه نشینی وتحمل زجر ومحنت ومصیبت وغوطه ورشدن درجهل وخرافات وموهومات بود. عده‌ای ازمردان

جاهل ونادان زنان را محکوم و برده و کنیز و زرخرید خود میدانستند و از هیچگونه ظلم و شقاوت و بیرحمی نسبت بآنان فروگذار نمیکردند. حتی قتل وجرح و همه گونه شکنجه وعذابی رادرمورد آنها مجری میداشتند. بدین ترتیب نیمی از بدن ایران فلج شده ودر شدید ترین محرومیتها وناکامیها بسر میبرد.

برای بیگانگانی که بایران میآمدند، زندگی زنان ایرانی وافکار وعقاید عجیب وغریب آنها مایهٔ تعجب وحیرتشان میشد و پس از بازگشت بمیهن خود در باره آنها افسانه های شگفت انگیز انتشار میدادند.

این موضوع رقت بار توجه رضاشاه راجلب کرد و برای آزادی زنان که در آن هنگام بااوضاع نامناسب وجهل وتعصب اکثریت مردم از مشکل ترین کارها محسوب میشد شروع بکار نمود.

بالاخره روز ۱۷ دی ۱۳۱٤ فرا رسید، ودراین روز میلیونها تن از زنان ودوشیزگان ایرانی که ازهمه چیز محروم بودند، پردهٔ جهل و خرافات را بیکسو زدند و مردانه قدم پیش گذاشتند ودر کلیهٔ امور اجتماعی دوش بدوش مردان مشغول بکار شدند.

امروزه از بین همان طبقه‌ای که بیست سال پیش معلوماتشان از چهاردیوارخانه وسحر وجادو ومطالبی که از روضه خوانها میشنیدند تجاوز نمیکرد، وچشمشان بجز تکیهٔ محل وحسینیه ومجالس روضه خوانی جائی را ندیده بود، زنان ودخترانی پا بمیدان گذاشته اند که کرسی استادی دانشکده را اشغال کرده واز بهترین پزشکان کشور محسوب شده و بامور سیاسی واقتصادی واجتماعی و بین المللی مانند مسائل عادی اطلاعات کامل ومبسوط دارند.

رضاشاه باآزادی بانوان خدمت بزرگی بملت ایران کرد وبااین اقدام در تحول اوضاع اجتماعی ایران وتربیت نسل آینده قدم بزرگی برداشت.

پست و تلگراف و تلفن و بی سیم و رادیو

بجای چاپار و پالکی و کجاوه!...

از زمان داریوش کبیر وخشایارشا که پیکها وچاپارخانها وسیله ارتباط بین

شهرها و کشور ها بودند ونامه ها واخبار ازدیاری بدیاردیگر میبردند تا دوران سلطنت قاجاریه همواره این روش در ایران مرسوم بود وچه بسا تحولات و تغییرات فوق العاده که درجهان روی میداد وحال آنکه ماهها بعد مردم ایران از آن مطلع میشدند . کجاوه ها و پالکی ها و گاریها نیز تنها وسیلهٔ مسافرت از شهری بشهر دیگر بشمار میرفتند وچه بسا مسافران واژگون بخت که در گرمای تابستان وسرمای زمستان در راههای دورو دراز جان میدادند و آرزوی رسیدن بسرمنزل مقصود را بگور میبردند.

در دوران سلطنت احمد شاه نیز بمناسبت نبودن وسائط نقلیهٔ موتوری وجاده های شوسه اینوضع همچنان دوام داشت وروزی نبود که درصحراها و گردنه ها خون عده ای ازمسافرین بدست راهزنان ویاغیان ریخته نشود واموال آنها بغارت نرود.

اما پس از آنکه سردار سپه اشرار ومتجاسرین را قلع وقمع کرد وامنیت را در سراسر نقاط کشور برقرار نمود درصدد برآمد باین وضع آشفته پایان دهد، از این رو جاده های گوناگون ایجاد کرد وسائط نقلیهٔ موتوری برای حمل و نقل مسافرین وبردن محمولات وپست ازشهری بشهر دیگر آماده نمود ؛ و پس از مدت کوتاهی درسراسر کشور تلفن خانه ها وتلگرافخانه های متعدد درست کرد و بیسیم ورادیو را که برای مردم آنزمان مایهٔ اعجاب وشگفتی بود ایجاد نمودو بدین ترتیب فواصل را ازمیان برداشت وبین شرق وغرب وشمال وجنوب ارتباط تلفونی وتلگرافی برقرار ساخت وبابیسیم ورادیو ایران را بادنیای متمدن مربوط کرد.

اینهمه پیشرفتها وترقیات وآثار تمدن غرب که امروزه درسراسر کشور در شهرستانها و نقاط دور افتاده مملکت دیده میشود همه نتیجه رنجها و زحمت های مردیست که عمری را برای آسایش ورفاه ملت ایران فدا کرد ومرارتها و ناکامیهای بسیاررا هموار نمودو باطبیعت درجنگ و ستیز شد ودرسینهٔ کوههای بلند نفوذ کرد وبردل صحراهای وسیع وبیکران نفوذ یافت ورشتهٔ ارتباط را بین کلیه شهرستانهای ایران بایکدیگر برقرار ساخت وباین ترتیب شالوده و بنیان یك ایران نوین را بنانهاد

ورستاخیز بزرگی در کلیه شئون کشورچه‌ازلحاظ اقتصادی واجتماعی وچه‌ازنظر فرهنگی ونظامی وصنعت آغازنمود.

خدمات رضا شاه سردودمان خاندان پهلوی در دورانی که ایران تاریك ترین ادوار تاریخ خود را طی میکرد وچه از داخل وچه ازخارج کشور در معرض خطرات قرار داشت و برلب پرتگاه مرگ قرارگرفته بود ، شباهت‌زیادی بخدمات ژرژواشنگتن درامریکاودیزرائیلی درانگلستان وفردریك کبیردرآلمان وشارلمانی درفرانسه وپطر کبیردرروسیه وآتاتورك درترکیه‌داشت **زیرا این مردان بزرگ تاریخ هنگامی زمام امور کشور خود را بدست گرفتند که میهنشان برلب پرتگاه سقوط قرارداشت، واگرهمت مردانه وفداکاریها وازخودگذشتگیها وتدبیروکفایت آنان نبود چه بسا که‌امروزه نامی‌ازاین ممالك درروی نقشهٔ جغرافیا دیده نمیشد .**

سوم شهریور ۱۳۲۰

حمله متفقین بخاك ایران

درتاریخ سیاسی جهان‌همیشه‌این‌رسم‌برقراربوده که دولتهای کوچك‌وضعیف مقهورومغلوب مطامع دولتهای‌بزرگ میشدند وباجزئی‌بهانه استقلال وآزادی و تمامیت‌ارضی‌آنان دستخوش تجاوزدول نیرومند میگردید .

کشور ایران نیز که قرون متمادی براثر دخالتهای بیگانگان از کاروان تمدن دنیا عقب‌افتاده‌استقلال وموجودیت‌آن درمعرض‌خطرقرارگرفته‌بودبوسیله رضاشاه‌باردیگراستقلال ازدست رفتهٔ خود را بازیافت ، وجنبشی درکلیه‌شئون اجتماعی وفرهنگی‌ونظامی‌وصنعتی‌وکشاورزی وآبادی وعمران آن پدیدارگردید اما دیری نپائید، پس‌ازبیست سال که ازدوران زمامداری رضاشاه گذشت‌بازهم این‌کشور درگرداب سیاست بین‌المللی گرفتارشد وقربانی مطامع دولت های بزرگ گردید .

(انگلیسها)

انگلیسها که ازدوقرن پیش روزبروزنفوذ خود رادرمنطقهٔ خاورمیانه‌بیشتر

میکردند، ودراغلب کشورهای این ناحیه عمال ودست نشاندگان آنهافرمانروائی مینمودند، هیچگاه نمیتوانستندتحمل کنند که درایران مردی دررأس امور کشور باشد که علناً باآنهامخالفت نماید وریشهٔ نفوذآنهارا قطع کند ودارای سیاست مستقل وخاصی باشد که در مورد قضیهٔ نفت جنوب بجامعهٔ ملل شکایت کند ...

دولت بریتانیا میخواست ایران بصورت یکی ازتحت الحمایه های آنکشور اداره شود ومانند مصروماوراء اردن وعراق ویمن تحت نفوذ امپراطوری انگلیس باشدوهروقت که سیاستمداران آنکشورصلاح دانستندخاك اینکشوررااشغال نموده آزادانه هرکاری که میخواهند انجام دهند.

انگلستان برای دفاع ازهند، وحفظ منافع خوددرشرق نزدیك وشرق میانه ودفاع ازچاههای نفت این منطقه اصرارزیادی داشته که کسانی براین کشورحکومت کنند که مطیع اوامروزارتخارجه ووزارت مستعمرات انگلیس باشند.

پرواضحست که درآنهنگام سرداررشید وپادشاه مقتدر ومیهن پرستی مانند رضاشاه که درمدتی کوتاه تحولی بزرگ ورستاخیزی عظیم دراین کشورایجاد نمود ممکن نبود زیربار یکدولت خارجی برود.

ازاین روازتابستان سال ۱۳۲۰ دولت انگلستان شروع ببدرفتاری بادولت ایران کرد، وزمزمه های مخالف آغازنمود، ورادیو ومطبوعات آنکشوربا گوشه وکنایه شروع بانتقاد ازوضع ایران ورژیم اینکشور کردند. ساعت ۱۰ صبح روز ۲۸ تیرماه وساعت ۱۱ بامداد روز ۲۶ مرداد بترتیب دویادداشت ازطرف سفارت کبرای انگلیس وشوروی بوزارت امورخارجهٔ ایران رسید ونسبت بحضورعده‌ای کارشناس آلمانی درایران اظهارنگرانی کرده بودند.

درآن هنگام جنگ عالمسوزدوم درسراسرجهان زبانه کشیده و مخصوصا دراروپا وافریقا وآسیاخونین ترین پیکارهای تاریخ جریان داشت.

قارهٔ اروپادرزیرچکمه‌های ارتش قهارآلمان قرارداشت، وسپاهیان آنکشور ازیکسرتادروازه های مسکو ورود ولگا وکوههای پربرف قفقاز وازسوی دیگر

تادروازه‌های اسکندریه پیش رفته بودند .

ارتش سرخ دچار وضع بسیار بدی شده وشکستهای پی در پی، ونبودن اسلحه ومهمات کافی روسیه شوروی را در دروزاهٔ فنا واضمحلال قرارداده بود .

ازطرف دیگر ژاپونیها نیزدر شرق دوربپیشرفتهای سریع خود ادامه داده وبطرف هندوستان پیش میرفتند، ودر نظرداشتند ازآنجا بانیروی آلمان که قرار بود ازقفقاز بایران وازایران ببلوچستان وهندوستان برود ملحق گردند .

این نقشهٔ عجیب واین اوضاع ناگوار امپراطوری بریتانیا ودولت اتحاد جماهیر شوروی‌را دچار مشکل ترین وخطرناك ترین حوادث تاریخ کرد ، بطوریکه دو کشور سخت درمعرض خطر قرار گرفته بودند ، ازاین رو لازم میدیدند بهر قیمت شده ارتباطی بین قوای انگلیس وارتش سرخ ایجاد کنند وباارسال اسلحه ومهمات کافی باینوضع آشفته وناگوار خاتمه دهند وموجودیت خودرا حفظ نمایند .

برای انجام این منظور یك قربانی لازم بود ، واین قربانی ایران بشمار میرفت. بطوریکه گفته شد رادیوها ومطبوعات بیگانه ازاوایل تابستان سال ۱۳۲۰ جسته و گریخته ازاوضاع ایران انتقادمیکردند وضمناً مینوشتند که ایران کانون فعالیت جاسوسان آلمانی شده‌واوضاع خطرناکی‌را برای متفقین ایجاد کرده است .

این انتشارات روزبروز شدیدترمیشد ، ولحن نوشته ها وبیانات مطبوعات ورادیوهای خارجی لحظه بلحظه شدیدتر وخشن ترمیگردید ، تاآنجا که دو یادداشت ازسفارت کبرای انگلیس وشوروی واصل شد ورضاشاه متوجه گردید حوادث مهمی در شرف وقوعست ، ومیهن اودرآستانه تغییرات وتحولات شگرفی قرار گرفته که بعید نیست حیات استقلال اینکشور راسخت درمعرض خطر قراردهد .

باینجهت فوری درصدد تقویت مرزها برآمد و قوای احتیاطی برای مقابله باحوادث ناگوارآماده کرد ، وموارد‌ی را که مورد بهانهٔ بیگانگان بودتاآنجا که امکان داشت مرتفع ساخت . ولی کلیه این اقدامات دربرابر نقشه‌های دودولت همسایه که ازبین بردن مرد مقتدر وپادشاه مصلح ومیهن پرست ایران یعنی رضاشاه بود نقش برآب

گردید. درنتیجه روز سوم شهریور ۱۳۲۰ نیروهای انگلیس ازخلیج فارس وشط العرب بسرحدات غربی ، وقوای شوروی ازمرزارس وبحر خزر و ترکستان بخاك ایران تجاوز نموده وباجدیدترین ومجهزترین قوای موتومکانیزه شروع بپشروی درخاك ایران کردند . عده ای ازشهرهای ایران بمباران وگروهی ازافسران وسربازان ایرانی درمرزها درنخستین برخورد قربانی شدند .

رضاشاه که همواره بفکرآسایش وسعادت ملت وآبادی وعمران کشور بود و درعرض بیست سال باندازهٔ یك قرن برای ایران زحمت کشید ،چون ازاین عمل ناجوانمردانه دوهمسایهٔ شمالی وجنوبی آگاه شد ،ومقاومت رادربرابربزرگترین نیروهای نظامی دنیا بیهوده دید وحتی یقین داشت درصورت پایداری ، صدها هزار نفر از جوانان این کشور قربانی شده ، وشهرهای ایران ویران گردیده ، واستقلال ایران نابودشده وایران بصورت مستعمره درخواهدآمد ، باینجهت فرمان عدم مقاومت صادر کردودستورداد دولت ایران ازراه دوستی واردمذاکره بادودولت بیگانه شود وبرای حفظ استقلال وتمامیت ایران تاآنجاکه امکان دارد تلاش وکوشش نماید .

مهاجرت ازایران

وتبعید بجزیزه موریس

اندیشهٔ صائب وفکرمتین رضاشاه برای نجات جان صدها هزار تن از مردم ایران وحفظ شهرها ودهات وقصبات ازخطرخانمان براندازجنگ وحفظ استقلال ایران اثرخودرابخشید، ومتفقین حاضرشدندچشم طمع بخاك ایران ندوزندواستقلال این کشور رامحترم شمارند .

اما چون انگلیسها وروسهاازبدوسلطنت رضاشاه دل پر خونی از این مرد میهن پرست وسردار بزرگ داشتند ، و او را بزرگترین مانع اجرای سیاستهای خاص ومنافع خود میدیدند اعلام کردند که رضاشاه بایددست ازسلطنت بشویدو خاك ایران را ترك گوید .

در حقیقت برای رضا شاه نیز که یك عمر در ایران فداکاری کرده بود

همکاری با بیگانگانی که بیطرفی کشورش را نقض کرده، ومملکت را اشغال نموده واستقلال ایران را زیرپا گذاشته بودند محال بود .

او بهیچ قیمت حاضر نبود اختیار ملت ومملکتی را که دو هزار و پانصد سال باامپراطوریهای بزرگ جهان جنگیده ، وباطوایف واقوام وقبایل بزرگ وخونخواری دست وپنجه نرم کرده وازهمه این پیکارها وطوفانهای سهمگین تاریخ سرافراز بیرون آمده بدست بیگانگان بسپارد .

بنابراین ترجیح داد که خوددست ازتاج و تخت سلطنت بشوید، و خاك میهن وزنان وفرزندان وهم میهنان خود راوداع گوید، وبنقطهٔ دورافتاده ومجهولی برود ودرعوض ایران عزیزرا ازچنگ خطرات ومطامع بیگانگان ایمن نگهدارد

بااین اندیشه درحالیکه این سردار بزرگ یك عمر در راه عظمت و اعتلاء ایران زحمت کشید ، وسراسر حیات خودرا وقف آبادی وعمران و پیشرفت میهن و سعادت هم میهنان خود نمود پس ازشانزده سال سلطنت، استعفاء خودرا از این مقام نوشت وسلطنت را بپسرارشد و ولیعهد والاتبار خود محمد رضا شاه پهلوی تفویض کرد . آنگاه بااعضاء خاندان سلطنتی ازراه اصفهان ویزدو کرمان بطرف بندرعباس عزیمت نمود .

درباره این لحظات حساس تاریخی باید کتابها نوشت .وماجرای حیات مردی را که همه چیزخودرا در راه ایران دادوسرانجام هم ازخاك میهنش تبعید شد تشریح وتوصیف کرد . ولی چون این کارازوظیفهٔ ما که نوشتن تاریخ وجریان زندگی این مرد بزرگ است باینجهت باصل موضوع میپردازیم .

در کرمان شاه دچار بیماری شدیدی گردید و با آنکه اطباء تجویز کردند اعلیحضرت چند روزی استراحت کند ، معهذا کنسول دولت انگلیس با اصرار تمام متذکرشد که شاه بایدفوراً بطرف بندر عباس حرکت نماید، زیرا کشتی که خانواده سلطنتی را بایدازایران ببرد نمیتوانند زیاددرسواحل ایران توقف کنند :

رضا شاه درا ینموقع پس از بیست سال زمامداری ویك عمر فداکاری حتی مخارج

سفر خود را نداشت ، بطوریکه وقتی کنسول دولت انگلیس خاطرنشان کرد که اعلیحضرت باید زودتر حرکت کنند ، رضاشاه اظهارداشت :

« کجابروم ؟ .. پنج ریال پول درجیبم نیست ... اقلا باید فرصت داشته باشم که وسائل سفرم آماده شود » .

این پایان زندگی مردیست که جوانی وعمروزندگی وهستی خود را در راه ایران وایرانی دادوخود بادست خالی ازاین مملکت رفت بالاخره اعلیحضرت باهمان وضع بطرف بندرعباس عزیمت کرد ، درآنجابشاه گفتند که اگرشب را در کشتی استراحت کنند بهتراست ولی شاه که درآنموقع سخت ترین ودشوارترین لحظات حیات را میگذراند اظهار داشت :

« بگذارید آخرین شبی را که درخاك میهن هستم ، در همینجا بگذرانم » .

بامدادروزبعد درحالیکه عده ای ازسربازان موزیك سلام رامینواختند رضاشاه بالباس شخصی سوار قایق موتوری شدوبطرف کشتی رهسپار گردید کشتی که برای مسافرت اعلیحضرت وخاندان سلطنتی اختصاص داده بودند یك کشتی پنجهزارتنی موسوم به « بندرا » بود . دراینموقع صدای سوت کشتی بلند شدوهمانده ساحل را ترك گفته ودرسینهٔ دریامشغول شناوری گشت .

رضاشاه درتمام این مدت چشم بساحل دوخته وتازمانیکه در کرانهٔ افق خاك ایران نمایان بود چشم ازخاك ایران برنمیداشت .

کسانیکه درآن لحظه مواظب شاه بودند ، میدیدنداین مردی که دربرابر سهمگین ترین حوادث تاریخ ودرمقابل انفجار بمب هاوخمپاره هاوصفیرمسلسل ها کوچك ترین ترس ووحشتی نداشت ، اکنون چگونه قطرات اشک از چشمانش سرازیر میشود .

کشتی بندرا بطرف سواحل هندوستان عزیمت کرد . سرنشینان کشتی نخست تصورمیکردندمقامات انگلیسی موافقت خواهندنمود که آنها بیکی از کشورهای امریکابروند ، ولی وقتیکه بسواحل بمبئی رسیدند بایشان اطلاع دادند که دولت

بریتانیا جزیرهٔ موریس را برای اقامت پادشاه ایران اختصاص داده‌است .

واضحست که شنیدن این خبر برای آنها تا چه‌اندازه ناگوار وغیر منتظره بود ولی چون جز این راه‌چاره نداشتند ، باینجهت تن برضا دادند . کشتی بندر امدت پنج روز در ساحل بمبئی لنگر انداخت تا کشتی دیگری برای بردن خاندان سلطنتی ایران بجزیرهٔ موریس بیاید .

در این ایام رضاشاه همواره میکوشید که قلوب افراد خانواده سلطنتی را تسلی دهد و آنها را برای مواجهه باحوادث ناگوار آماده سازد وغم واندوه را از قلب آنان بزداید یکروز هنگامیکه یکی از همراهان دردرون کشتی باپیانو یکی از آهنگهای غم انگیز را مینواخت ، اعلیحضرت گفت :

«این چه آهنگی است می‌زنید ؟.. مارش به‌زنید... یك آهنك زنده بنوازید»
این کلمات نشان میداد که‌هنوز درزیر قیافهٔ آرام این مرد تاریخی ، طوفان بزرگی نهفته‌است باآنکه دشمن بدست و پای او زنجیر افکنده ، هنوز روح سلحشوری ومردانگی خود را ازدست نداده‌است .

بالاخره کشتی جدید بنام «برمه» رسیدومسافرین سوار آن شدند. برمه‌مدت ده‌روز آبهای اقیانوس هندرا میشکافت و پیش میرفت تاآنکه از خط استوا گذشت ودرمشرق جزیرهٔ «ماداگاسکار» بجزیرهٔ موریس رسید .

خاطرات جزیره موریس

بامداد روز ۲۳ مهرماه بود که دورنمای جزیرهٔ موریس، بصورت یك سرزمین افسانه‌ای ، مانند خرمنی از گل و گیاه ازدوردیده میشد .

کشتی بساحل رسید و ساعت چهار بعدازظهر آنروز فرماندار جزیرهٔ موریس «سربید کلیفرد» بارجال جزیره بالباس رسمی باستقبال شاه آمدند و باتفاق اعلیحضرت به‌بندر «پورت لوئی» پایتخت جزیره وارد شدند .

جزیرهٔ موریس ۳۸۰ هزار نفر جمعیت دارد و وسعت آن ۱۸۶۵ کیلو متر مربع است .

این جزیره نخست درسال ۱۵۱۰ بوسیلهٔ پرتقالیها کشف شدو نود سال دردست آنهابود و بعد بدست هلندیها افتاد و ۱۱۲ سال نیز هلندیها بر آن حکومت کردند، ودرسال ۱۷۲۱ بچنگ فرانسویها افتاد ، وسرانجام درسال ۱۸۱۰ انگلیسیها آنجا را تصرف نمودند .

موریس دارای آب وهوای بسیار گرم و ناسالم است . باران های سیل آسا ، وهوائی خفه ومرطوب دارد . پشه ها و مورچه های بالدار آن بزرگترین دشمن آدمی است ولی درعوض در ودیوار وزمین آن جزیره پوشیده از گل وسبزه است .

محلی که برای اقامت رضاشاه وفرزاندنش اختصاص داشت ، باغ سرسبز و خرمی بود که سراسر آن از انواع و اقسام درختان مناطق حاره و گلها و گیاهان استوائی پوشیده شده بود . این باغ دو عمارت داشت ، یك عمارت دو طبقه که اختصاص به اعلیحضرت و شاهپورها داشت ، ودیگری یك ساختمان کوچك که مخصوص همراهان شاه و مستخدمین بود .

شاه دردوران اقامت درجزیرهٔ موریس بسیار رنج میبرد . بیشتر اوقات در خیابان های باغ قدم میزد و بیاد سرزمینی که بخاطر آن دوران جوانی و سراسر عمر وآسایش وحیات خودرا صرف کرده بود میافتاد . جنگها و مبارزه ها و فداکاری های خودرا بخاطر می آورد که چگونه ایران منحط و تجزیه شده را بیك ایران مستقل و آزاد وآباد مبدل کرد و سرانجام براثر عهدشکنی و تجاوز همسایه های شمالی وجنوبی آن همه زحمات برباد رفت، واستقلال کشور بازیچهٔ دست آنان گردید .

چیزی که بیش از همه شاه را درآن جزیرهٔ دور افتاده وآتش زا رنج میداد ، دوری ازوطن و بی خبری ازوضع اعلیحضرت محمد رضاشاه و همچنین ملت ایران بود که نمیدانست متفقین برسر آنان چامی آورند وچاوقایعی دراین کشور جریان دارد ، این ناراحتی سبب شد که شاه غالباً شبها نمی خوابید و همواره از خستگی و ناراحتی خود شکوه میکرد . رنج واندوه شاه را پایانی نبود و با همهٔ کوششها برای آسایش خیال او، معهذا همچنان خواب ازدیده اش فراری بود ، بطوریکه هر وقت

همراهان در چهرهٔ آن مرد مینگریستند ، آثاریك رنج عمیق و یك اندوه بزرگ را درچشمانش میخواندند .

شاه‌درموریس نیزاصرارداشت که‌فرزندانش‌از کمالات گوناگون بهره مند شوند وبتحصیلات ناتمام خود ادامه‌دهندوروی‌همین نظربود که‌شاهپورهارامکلف کرد ، زبان‌های خارجی‌خودراتکمیل کنندومخصوصاً ادبیات‌وزبان فارسی‌را که سرچشمهٔ فنا ناپذیری بود بخوبی‌فرا گیرند .

رفتارمامورین انگلیسی درجزیرهٔ موریس نسبت بسردودمان خاندان پهلوی و فرزندانش رضایت بخش‌نبود ،وآنها را درمحدودیت شدیدی قرارداده‌ومانع مکاتبه ورسیدن نامه ازایران واعلیحضرت‌محمدرضاشاه بپدرش بودند.

ولی‌وقتی پیمان سه گانه بین‌ایران‌ومتفقین‌امضاء شد ودولت ایران هم در حلقه‌اتحاددول متفق درآمد ناگهان طرز رفتار مامورین‌نسبت بشاه وهمراهان او تغییر کردو برای نخستین‌بار نامه‌های متعددی‌ازاعلیحضرت‌محمدرضا شاه‌وعلیاحضرت ملکه مادر ووالاحضرت‌اشرف برای‌شاه‌وشاهپورهارسید .

بمحض‌اینکه شاه‌بخط فرزندش‌اعلیحضرت محمد رضاشاه افتاد ، برقی در چشمانش درخشید که‌قلب‌خانوادهٔ سلطنتی و کسانی‌را که‌در آنجا حضور داشتند آتش‌زد . بادستی لرزان‌وحالتی که‌هرگز بوصف‌نمی گنجد چشم‌بآن سطوردوخت وخدامیداند که‌چند بار آن نامه‌را قرائت کرد . نکته‌ایکه‌قلب‌رضارشاه را مرتعش ساخت آن‌قسمت‌ازنامه‌بود که‌فرزندتاجدارش باو‌ه نوشته بود :

«آن عظمت‌وشوکتی که‌وجوداعلیحضرت بایران بخشیده بود ، از این کشور رخت بربست» .

شاه‌هیچگاه این‌قسمت‌ازنامه رافراموش نمیکرد و همواره بیاد آن رنجهاو مرارتهاوجانفشانی‌های‌بربادرفته‌ای بود که درراه‌عظمت و شوکت ایران متحمل شده‌بود .

یاد وطن و فرزندان

ناراحتی شاه درجزیرهٔ موریس روزبروز شدیدترمیشد ولحظه بلحظه آثار کسالت وضعف وبیماری درچهره‌اش بیشترنمودار می گردید. معهذاهیچگاه اظهار عجزنمیکرد ، بلکه همواره میکوشید فرزاندن خودرا که‌درآن جزیرهٔ دور افتاده دردل اقیانوس اظهاردلتنگی میکردند، دلداری‌داده‌وآنهارا برای مواجهه باحوادث آماده‌سازد . برای اینکار و برای آنکه فرزندان خودرا سرگرم کند بیشتر اوقات داستان‌های شنیدنی وسرگذشت‌های جالب دوران سربازی وجنگهائی که‌درمیدان های پیکار کرده بودوهریك ازآنها بزرگترین درس وطن پرستی وجانبازی برای فرزندانش بود برایشان شرح میداد و روح واراده‌ٔ آنهارا قوی میکرد .

باآنکه رضاشاه نسبت بعموم کسانیکه درموریس با او بودند ابراز محبت و ملاطفت می نمود وآنهارا دلداری میداد. معهذا برخی اوقات چنان دردریای اندیشه غوطه‌ورمی گردید وچنان ازپیش‌آمدحوادث متأثر میشد که عموم را دچار غم و اندوه‌میساخت .

حساس ترین لحظه‌ایکه درآندم رضاشاه ازهمیشه غمگین‌تر بنظر میرسید حتی قطرات اشك ازچشمان نافذش جاری میشد، موقعی بود که‌والاحضرت شاهدخت شمس درنظرداشت موریس‌راترك گفته وبایران‌حرکت کند . در آن موقع شاه با والاحضرت شاهدخت دریکی ازخیابان‌های باغ قدم میزد وآرزوهای خویش را برای اوشرح میداد . میگفت :

«دوچیزدراین‌دنیا نزدمن‌عزیزبودوبس... یکی وطنم که «عزیزترین‌چیزها»
«نزدمن‌بود ودیگری بچه‌هایم . برای‌وطنم آرزوی سعادت‌ونیك‌بختی داشته ودارم»
«من تاآنجا که درقوه‌وقدرتم‌بود، وازقوه‌وقدرت‌هرکس‌خارج‌بود، برای سعادت»
«وطنم کوشیدم ولی افسوس که نقشه‌ها وفکرهایم عملی نشدوبسیاری‌ازاقداماتم»
«ناتمام ماند .»

«پیام‌من‌باعلیحضرت همایون برادرت اینست که در دنبال اقدامات من‌در»
«راه سعادت وترقی وطن عزیز کوشش کندو همانطوری که من‌ایران را دوست»

«داشته‌ام اوهم دوست بدارد ، وایران وایرانی رادرجهان سر بلندنماید .»

«برای شما فرزاندانم که بعد از وطنم عزیز تر از هرچیز هستید ، یك آرزو»
«دارم وآن اینست که متحدومتفق باشید. رضایت خاطرمن دراینست که‌شماهمیشه»
«همدیگررا دوست بدارید .»

این کلمات واین خاطرات که‌ازیادداشتهای والاحضرت شمس پهلوی که‌در تمام لحظات بهترین یارویاور وانیس ومونس پدربزرگوار خودبود، اقتباس شده‌نشان میدهد که‌این‌مرد بزرگ تاریخی حتی‌تا آخرین لحظه‌حیات‌ازیادوطن‌غافل نبود وخاك میهن‌را عزیز ترین وگرانبهاترین چیزهامیدانست .

ناپلئون‌ورضاشاه

سنت‌هلن ژموریس

تبعید رضاشاه بجزیرهٔ موریس ، شباهت‌زیادی به‌تبعیدناپلئون بجزیرهٔ سنت هلن‌داشت ، زیراهمانگونه که‌انگلیس‌ها تقریباً یك‌قرن‌ونیم پیش بواسطه وحشتی که‌از امپراطور فرانسه داشتند او را بیکی از جزائر غربی افریقا فرستاده و در آنجا محبوس ساختند ،همانطور هم‌رضاشاه‌را که‌یکی‌ازمقتدرترین‌سلاطین ایران وموجد یك کشور مترقی ومؤسس یك سلسله نوین ، و بقول یکی از مستشرقین امریکائی ،یکی‌ازسرداران‌بزرگ آسیابود،بیکی‌ازجزایر دورافتادهٔ‌مشرق‌افریقا تبعید کردند ، تامبادا باردیگربایران بازگردد وتحول ورستاخیزی‌را که‌حملهٔ ناگهانی قوای‌بیگانه مانع‌انجام‌آن شده بود ازسرگیرد .

بهرحال پس‌ازآنکه والاحضرت شاهدخت‌شمس‌با یازده‌تن‌ازهمراهان‌خود جزیره موریس راترك نمود ،غم‌واندوه‌شاه فزونی‌یافت.روزبروزبیماری‌و کسالت شاه بیشتر میشدوضعف‌وناتوانی براو مستولی‌میگردید ، وبا آنکه همراهان سعی میکردند پزشکی برای معالجه شاه حاضرنمایند ، معهذا اوحاضرنمیشدومیگفت: «عمری که‌درخدمت کشور صرف نشود بدردنمیخورد » بالاخره پس ازپافشاریهای زیادپس ازآنکه یکی از پزشکان متخصص شاه را معاینه کرد اظهار داشت که

اعلیحضرت مبتلا به بیماری قلبی شدیدی میباشد

یکروز بعد رادیو لندن خبر بیماری شاه را منتشر کرد و بمحض آنکه او این خبر را شنید اظهار داشت :

«مرگ برای من وقتی بود که از مطامع بیگانگان تبعیت میکردم ولی چون «در برابر اجنبی سر اطاعت فرود نیاوردم ، از مردن وحشتی ندارم بلکه مرگ اکنون «آرزوی قلبی منست . من خیلی از این وضعی که برایم پیش آمده خرسندم ، زیرا «نخواستم نفوذ خارجی در کشورم راه یابد، و این حادثه ایکه برایم رویداده بخاطر «سعادت وطنم بوده و بهمین جهت است که امروز دچار این همه رنج و تعب هستم .»

روزها از این ماجر گذشت تا آنکه نوروز سال ۱۳۲۱ فرا رسید شب عید اعلیحضرت بیکی از رادیوهای بیگانه گوش میداد ، و رادیوی مزبور با گوشه و کنایه نسبت برضا شاه سخن میگفت : در این موقع رضا شاه لبخند تلخی برلب رانده و اظهار داشت :

«اینها همه از من بدشان میآید وحق دارند از من بد بگویند زیرا نمیخواستند «در این مملکت لجام گسیخته کسی باشد که از آنها مؤاخذه و بازخواست کند و خود را «در برابر او مسئول بدانند .»

بامداد نوروز نیز یکی از تلخ ترین و دردناکترین لحظات حیات رضاشاه بود زیرا همه ساله در آن روز درخاك میهن ، درمیان فرزندان و خانواده خود ، و در بین هموطنان خویش بسر میبرد ، و نقشه ها برای اقدامات اصلاحی و سعادت ملت خود در سال نو طرح میکرد .ولی در آن دم از همهٔ اینها محروم بود باین جهت موقعی که یکی از نزدیکان شاه برای عرض تبریك نزد اعلیحضرت رفت ، شاه با بیانی تأثرانگیز گفت :

«امسال عید ما دور از وطن ، دور از فرزندان گذشت . گمان نمیکنم در این روز عید و اول سال نه من و نه هیچ ایرانی وطن پرستی بتواند آرزوئی بهتر از این داشته باشد که از خداوند درخواست کنیم امسال تحت توجهات شاه موجبات آسایش و سعادت ملت و مردم ایران فراهم شود .»

بالاخره نارضایتی شاه از اقامت درموریس وتذکرات پی در پی دراین باره سبب شد که انگلیسها موافقت کردند شاه جزیره موریس را ترك کرده وبه بندر «دوربان» واقع درجنوب شرقی افریقا برود .

مسافرت از موریس به دوربان وژهانسبورك

روز ششم فروردین اعلیحضرت شهر «پرت لوئی» وجزیره موریس راترك کرد وپس ازهشت شبانه‌روز دریانوردی ، کشتی درساحل دوربان لنگرانداخت.

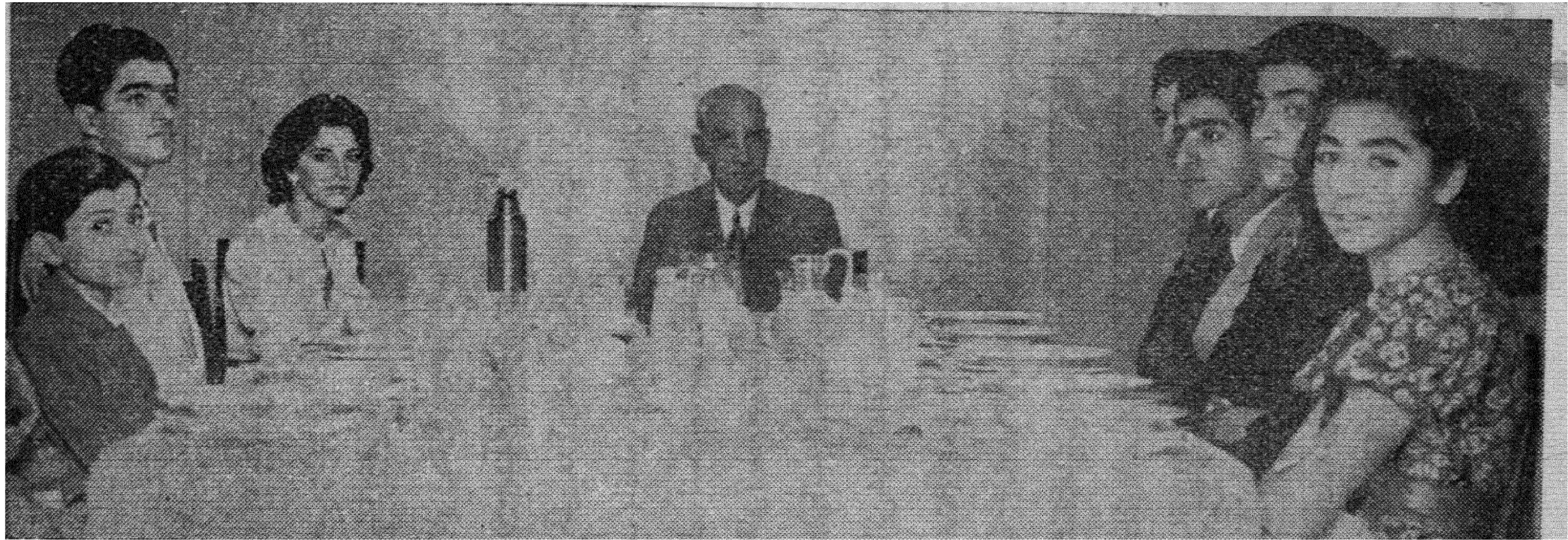
دوربان یکی ازشهرهای آباد وبنادر مهم جنوب شرقی افریقاست. این شهر بازیباترین وباشکوه‌ترین بنادر اروپا وآمریکا لاف برابری میزند .معهذا شاه در دروبان نیزناراحت بودوازوضع خود درآن شهر رضایت نداشت. باین جهت پس از دوماه اقامت دردوربان اعلیحضرت باتفاق والاحضرت شاهپور ها ازآنشهر بطرف ژهانسبورگ عزیمت کرده‌ودرهتل «لنگهام» بطور ناشناس اقامت نمود.

ژهانسبورگ یکی ازشهرهای آبادوخوش آب‌وهوای افریقای جنوبی است. این شهر پس ازآنکه کانهای طلا درترانسوال کشف شدبوسیله مهاجرین اروپائی بنا گردید . بناهای زیباوچندطبقهٔ این شهر که‌اغلب باسنگ ساخته شده وخیابانهای قشنگ ، وگردشگاههای متعدد ، وباغهای دلگشا وپراز گل ، شهرژهانسبورگ‌را بصورت یکی ازبهترین‌وزیباترین شهرهای جهان درآورده است .

تنهاسرگرمی رضاشاه دراین شهراین بود که گاهگاه برای تماشای باغ وحش بزرگی که‌انواع واقسام حیوانات درنده افریقائی درآن‌جای داشتند میرفت و با تماشای آنها ومناظر عجیب وتماشائی باغ‌وحش خودراسر گرم میساخت .

ارمغانهای گران بها

پس ازچندی شاه باهمراهان خودازهتل بدوخانه‌تازه‌ساز رفتندودرآنجااقامت گزیدند. دراین هنگام پیش آمدی که‌تااندازه‌ای شاه‌رامشغول داشت رسیدن مقداری کتابهای مختلف‌تاریخ ایران بود که‌غالب اوقات اعلیحضرت باخواندن آنهاخویشتن را مشغول میداشت. چندروزی بعدنامه‌ای ازطرف اعلیحضرت محمدرضاشاه با ارمغان



اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر در سر میز نهار با فرزندان خود

از راست بچپ : والاحضرت شاهدخت فاطمه ـ والاحضرت شاهپور محمود رضا ـ والاحضرت شاهپور احمد رضا والاحضرت شاهپور غلامرضا ـ اعلیحضرت فقید ـ والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ـ والاحضرت شاهپور عبدالرضا والاحضرت شاهپور حمید رضا .

تنها مایه تسلی شاه فقید موقعی بود که در میان فرزندان خود بسر میبرد

گرانبهائی ازایران برای رضاشاه رسید .

این ارمغان یك مشتی ازخاك وطن ، ودیگری پرچم سه رنگ ایران بود .

شاه بمحض دیدن این ارمغانها اشگ ازدیده جاری ساخت ، وآنهارا باطاق خود برد . خاك رادرجعبه‌ای مخصوص جای دادوپرچم را زینت بخش اطاق خود کرد . کسالت شاه روزبروز بیشتر میشدو بیماری قلبی با وضعی خطرناك روبشدت می‌نهاد . مقارن این ایام که مصادف بابهار سال ۱۳۲۲ بود والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ازایران برای دیدار اعلیحضرت پدرش واردژهانسبورك گردیدو نامه هاوهدایائی نیزبرای اعلیحضرت آورد .



شاه فقید در اوقات بیکاری با والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی مشغول گردش میشد

درمیان هدایاچیزی که بیش از همه خاطر شاه را بخود مشغول داشت عکس والاحضرت شهنازبود اعلیحضرت با محبت خاصی مدتها عکس والاحضرت شهناز را مینگریست وروزها اغلب ازخاطرات دوران کودکی والاحضرت سخن میگفت . یاد والاحضرت شهناز چنان خاطر شاه را بخود مشغول داشت که اغلب اوقات در کوچه‌ها و خیابانها هروقت دختربچه‌ای رابسن وسال والاحضرت میدید ، او را نوازش میکردمدت یك ماه ونیم که والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در ژهانسبورك نزداعلیحضرت بسر میبرد ، شاه آرامش خاطرزیادی در خویشتن احساس میکرد. ولی پس

از اصرارها و پافشاریهای شاه برای بازگشت والاحضرت بایران که منجر بعزیمت والاحضرت اشرف بایران شد، رنج و اندوه اعلیحضرت تجدید گردید.

یکروز هنگامیکه شاه باخبار رادیو تهران گوش میداد شنید که در تهران قحطی شدیدی روی داده و مردم در عسرت و سختی بسر میبرند. شاه از شنیدن این خبر غرق در بهت و حیرت شد و پی در پی باخشم و عصبانیت باخود میگفت:

«قحطی در تهران؟! قحطی یعنی چه؟! مگر نان خارجیها را هم باید ایرانیها بدهند؟ آنها که ادعا میکردند برای مردم ایران نان می آورند!! می گفتند آمده اند که وضعشان را درست کنند! عجب درست کردند! میخواستند مرا مفتضح کنند!...»

پایان زندگی یك مرد بزرك

یك چند از این ماجرا سپری شد. شاه اغلب روزها احساس دل دردهای شدید میکرد، و چشمان او نیز روز بروز ضعیف تر میگشت. کم کم کار بجائی کشید که اعلیحضرت از شدت ضعف در اطاق خود قادر براه رفتن نبود.

بامدادیکی از این روزها شاه بطور ناگهانی دچار حمله قلبی شد، بطوری که بشدت برزمین خورد و یکدست و صورت شاه زخمی گردید. بلافاصله پزشکان شاه را مورد معاینه قرار دادند و از وضع او اظهار نگرانی کردند. معهذا بمعالجهٔ او پرداخته و در نتیجه مدت هشت روز اعلیحضرت بستری بود.

پس از آن حال شاه بهتر شد و مخصوصاً چون در این موقع والاحضرت شاهدخت شمس برای دیدار پدرش وارد ژهانسبورك شده بود وضع شاه بنحو محسوسی بهبود یافت

یکشب که حال مزاجی اعلیحضرت از همیشه بهتر بود، والاحضرت شمس و یکی از نزدیکان خود را پیش خوانده و با سرور و شادی غیر قابل تصوری از هر دری سخن میگفت و با بیانات شیرین و نغز خاطر آنها را مشغول میداشت.

فردای آنروز ساعت شش بامداد یکی از مستخدمین مخصوص شاه، در حالیکه اضطراب خاطر و نگرانی زیادی از چهره اش نمودار بود اطلاع داد که «اعلیحضرت از خواب بیدار نمیشوند!»

پس از لحظه‌ای والاحضرتها و پزشک مخصوص شاه بربالین اعلیحضرت جمع شدند و پس از معاینه‌ای که پزشک کرد اطلاع داد که در ساعت پنج بامداد اعلیحضرت بر اثر حمله قلبی شدیدی جهان را بدرود گفته است.

این خبر چون صاعقه درمغز تمام اطرافیان شاه صدا کرد. رضا شاه مؤسس خاندان پهلوی و یکی از بزرگترین شاهنشاهان ایران، پس از یك عمر فداکاری و جانبازی وخدمت درراه میهن، در دیار غربت دور از وطن و فرزندان و هموطنان برای همیشه دیده ازجهان فرو بست و بسرای جاوید شتافت.

درآن هنگام هنوز تنها یادگار و مایه دلخوشی آن مرد بزرگ. یعنی پرچم سه رنگ ویك مشت خاك ایران در اطاق شاه دربرابر جسد او دیده میشد.

پس ازمرگ رضاشاه وانجام مراسم مذهبی، جنازه را مومیائی کردند واورا درددرون تابوتی جای دادند.

یك هفتهٔ بعد والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی و والاحضرت شاهپورها برای آخرین بار برای زیارت پدربزرگوارخود، باچشمان اشکبار و دسته‌های گل رفتند ودر برابر جسد او زانو برزمین زدند. ووالاحضرت شاهدخت شمس گلی بسینهٔ پدر خود نصب کرد.

چندروز بعدوالاحضرتها بطرف مصرحرکت نمودند وپس ازآن جنازه بقاهره حمل گردید.

درقاهره جنازه شاه باتشریفات واحترامات بی نظیری بروی ارابه توپ حمل گردیدورجال وزمامداران مصرواهالی قاهره آنرا تشییع کردندوآنگاه تابوت شاه برسم امانت درآنجاماند تاپس ازساختن آرامگاه مناسبی برای اعلیحضرت فقید بایران حمل گردد.

رضا شاه در نظر بیگانگان

حکومت بیست ساله رضاشاه درایران وتحولاتیکه این مردبزرگ دراوضاع اجتماعی وسیاسی واقتصادی وفرهنگی وصنعتی ونظامی کشور بوجود آورد سبب

گردید که مطبوعات و رجال سیاسی دنیا در پیرامون این تحولات قلمفرسائی کرده و از شخصیت مردی که موجد ایران نوین بود سخن بگویند .

نظریه محافل خارجی در باره مؤسس سلسلهٔ پهلوی و خدمات شاهنشاه ایران عموماً منصفانه بود و همگی از سیاست و تدبیر و مملکتداری رضاشاه ستایش کرده و وی را یکی از مردان بزرگ مشرق زمین و ایران و دنیا بشمار آورند .

بسیاری از روزنامه نگاران بیگانه و جهانگردانی که دوران سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بایران آمدند ، این سرزمین را یك کشور مترقی دانسته و ایران را قوی ترین دولت شرق میانه معرفی کردند .

گروهی دیگر رضاشاه را باسایر پادشاهان بزرگ مشرق زمین مقایسه کرده و اورا بعلل مختلف از بسیاری از آنها برتر و بالاتر دانسته اند . از جمله متذکر گردیدند که رضاشاه مانند ناپلئون مردی بود که از سربازی با مپراطوری یك کشور باستانی رسید ، و بعلاوه در سخت ترین و دشوارترین ادوار تاریخ که استقلال ایران دستخوش فنا و اضمحلال شده بود زمام امور کشور را بدست گرفت و توانست از یك مملکت منحط و عقب افتاده و ویران و مضمحل ، یك کشور آباد و آزاد و مستقل و مترقی بوجود آورد و برای میهن خود در جامعهٔ کشورهای جهانی حیثیت و آبرو کسب کند

جهانگردانی که ایران را قبل از کودتای ۱۲۹۹ دیده و بعد در زمان سلطنت رضاشاه نیز بایران آمدند و اینکشور را طی دورانی کوتاه باهم مقایسه کردند با حیرت و اعجاب پیشوای ایران را یکی از مصلحین بزرگ قارهٔ آسیا دانستند و متذکر شدند که این مرد کاری را که لااقل نیم قرن صرف وقت لازم داشت درعرض ۱۰ سال در ایران انجام داد و این کشور را بپای ممالك متمدن اروپای شرقی رساند ، و نیز در مقالات و سفرنامه های خود نوشتند که وقتی انسان وارد ایران میشود بهیچوجه خود را غریب و بیگانه نمی بیند زیرا براثر فرهنگ دوستی رضاشاه ، جوانان ایرانی عموماً بزبان های خارجی مخصوصاً فرانسه و انگلیسی آشنائی دارند و موقعیکه آدمی با آنها مواجه



رضا شاه در بستر مرگ

میشود از هوش وذکاوت ودانش آنها دچار حیرت میگردد . بعلاوه در ایران شهرهای آباد و مهمانخانه‌های بزرگ و کارخانه‌های متعدد وجود دارد که نظیر بعضی از آنها فقط در کشورهای درجه اول جهان یافت میشود .

رضا شاه قدر ومنزلت ممالک مشرق زمین را بالا برد

نظریه سیاستمداران ورجال بزرگ و پیشوایان ملل بیطرف نیز نسبت برضاشاه خیلی خوب بود وهمه اورا بادیدهٔ احترام واکرام مینگریستند و وی را پادشاه مصلح ومقتدر ولایق و کاردان میشمردند وحتی دوستی او را برای خود مغتنم میدانستند، چنانکه وقتی رضاشاه روابط خودرا بادولت فرانسه قطع کرد ، مطبوعات ورجال فرانسوی سخت ازاین امر ناراضی و متأثر شدند و رئیس جمهوری فرانسه مسیو «لوبرون» طی نامهٔ خصوصی رسماً ازاعلیحضرت رضاشاه معذرت خواست و تقاضا کرد که مجدداً بابرقراری روابط دوستانه بین دو کشور موافقت نماید .

اینموضوع سبب گردید که قدرومنزلت و شخصیت دولت وملت ایران دراجتماع ملل بالا رفت ومخصوصاً بعضی از رجال برجسته سیاسی کشورهای اسلامی از صمیم قلب شخصیت برجسته ولیاقت وشایستگی اورا میستودند ومیگفتند رضاشاه آبروی ممالک مشرق زمین رادردنیاحفظ کرد وبرای ملل اسلامی مقام ومنزلت بزرگی کسب نمود ،وکاررا بجائی رساند که رئیس جمهوری فرانسه ازاو معذرت خواست .

لیکن پس از آنکه رضاشاه براثر حمله نا جوانمردانه همسایگان شمالی و جنوبی مجبور بترک ایران گردید، مطبوعات انگلیسی وروسی دوراز حق وعدالت و انصاف نسبت باو قضاوت کرده ودرصدد تحقیر وتخفیف وی برآمدند .

روزنامه‌های انگلیسی مخصوصاً سعی داشتند رضاشاه رادست نشاندهٔ خود محسوب کنند وبگویند که این مرد براثر کمک ومساعدت ما بسلطنت ایران رسید ولی پس از آنکه در کارخود موفق شد دیگر بما اعتنائی نکرد .

محافل بیطرف میگویند بر فرض آنکه روزی این سردار بزرگ باسیاست و وتدبیر خود بخاطر نجات میهن ازچنگال بیگانگان موقتاً باانگلیسها کنار آمد

ولی بمحض آنکه قدرت دردست گرفت بتصدیق خود انگلیسها بآنها پشت پازد واین بزرگترین سند وطن پرستی ولیاقت و کاردانی رضاشاه است که زیر بار نفوذ بیگانه نرفت ویکه وتنها ایران رابآن درجه قدرت وترقی رساند .

همین رضاشاه بود که درزمان سردار سپهی وقتی خزعل درخوزستان علم طغیان برافراشت وخواست آن خطهٔ زرخیزرا ازایران مجزا نموده وضمیمه ممالك عربی نماید ، اوتصمیم گرفت یاخوزستان را ازچنگ مزدوران خارجی نجات دهدو یاخود دراین راه سرببازد ، وباآنکه بارها سفیر و کنسولهای انگلیسی اورا تهدید کردند که حمله بخوزستان صلاح نیست زیرا امپراطوری بریتانیا مجبور است بخزعل کمك نظامی نموده وازاو پشتیبانی کند ، باوجود این سردار سپه باتغیر نمایندگان انگلیس را ازخوددور کرد وبخوزستان حمله نمود وآن ایالت زرخیزرا ازچنگ خزعل و قوای مسلح اونجات داد .

بعدها که رضاشاه بسلطنت رسیدو قدمهای بلندی درراه اصلاح مملکت برداشت هنگامیکه بین ایران ودولت انگلیس برسر قضیه نفت جنوب اختلاف افتاد ، بازرضا شاه علناً برضد دولت نیرومند بریتانیا بمبارزه برخاست وبجامعه ملل شکایت کرد ونگذاشت که کانهای نفت جنوب یکباره بکام آن دولت فرورود .

پس ازآنکه جنگ عالمگیر دوم نیز شروع شد ، باآنکه دولت انگلیس علاقمند بود دولت ایران هم ازبیطرفی خوددست کشیده وجزو متفقین در آید ، معهذا رضا شاه باسیاست خاص ومستقل خود بیطرفی ایران راحفظ کردوحاضر نشد میهن او بخاطر منافع دیگران وارد جنگ شود وزیانهای جانی ومادی جبران ناپذیری بآن وارد آید .

چرچیل اسرار را فاش میکند

پایداری ومقاومت رضا شاه در برابر مطامع بیگانگان ، واتخاذ یك سیاست مستقل وروشن انگلیسها را متوجه این موضوع کرد که سرسلسهٔ دودمان پهلوی نه

تنها مردی نیست که مانند سایر رجال ممالك خاور میانه از سیاست بریتانیا پیروی نماید بلکه اساساً مخالف کوچکترین دخالت بیگانگان در امور داخلی ایرانست ، و باینجهت درصدد برآمدند که این پیشوای بزرگ و شاهنشاه مقتدر را باقوای قهریه خود ازمیان بردارند ، تابتوانند بمنظورهای خویش نائل شوند .

باین جهت طبق یادداشتهائی که چرچیل نخست وزیر انگلستان ، پس از پایان جنگ منتشر نموده اسرار فعالیتهای روس و انگلیس را برای برانداختن سلطنت رضا شاه فاش کرده ومینویسد :

دولت بریتانیا بدولت شوروی پیشنهاد کرد که مشترکاً علیه ایران وارد جنگ شوند . چرچیل مینویسد ، من دراین باره وحشت واضطراب داشتم ولی چون چاره نبود واین موضوع برای ما اهمیت حیاتی داشت مجبور بودیم این کار را بانجام رسانیم پس از آن ژنرال «ویول» را مأمور کردیم که نقشهٔ حمله بایران راتهیه کند، ازطرف دیگر درروز ١٣ فوریه ١٩٤١ ایدن وزیرخارجه انگیس با «مائیسکی» سفیر کبیر شوروی در لندن درکاخ وزارت خارجه بریتانیا ملاقات کردو باهم قرار گذاشتند که مشترکاً یاد داشتی بدولت ایران تسلیم نمایند، وموضوع وجودعده‌ای ازمهندسین وکارشناسان آلمانی را درایران بهانه قراردهند .

رؤسای ستادارتش ما مخصوصاً توصیه کرده بودند، که رفتاردولت انگلیس بایدخیلی خشن باشد تادولت ایران راوادار بعمل مقابله بمثل کند وبدین ترتیب جنگ ونزاع بین طرفین آغازشود وآنگاه قوای نظامی انگلیس وشوروی مشترکاً بایران حمله‌ور شوند ، بدین ترتیب چرچیل اعتراف کرد که دولتین انگلیس وشوروی برای حمله بایران بایکدیگر تبانی کردند .

روسها هم برای حملهٔ خود بایران دربی محملی گشتند ومدتی مشغول مطالعه بودند وبالاخره تصمیم گرفتند آنها نیز موضوع وجود پنجاه وشش مهندس آلمانی از جمله، فن رادانوییچ ، و ، لاگاموتا ، و ، میبر ، و ، و یاهلم سایف ، و ، گوستاوبور ، و ، هینریخ

کلینگر» و«ترایه» را در ایران بهانه قرار داده ومتذکر شوند که افراد فوق یادر بنگاه راه آهن یا درمؤسسات نظامی ایران ویا در تجارتخانه هائی مانند «آ. ا. گ.» و «فرشتال» و «مرسدس» و «زیمنس» بعنوان مهندس مشغول کارند وحال آنکه همگی از جاسوسان زبردست آلمانی بشمار میروند که برای انجام منظورهای خاصی بایران آمده اند واز جمله پنجاه تن مواد منفجره درنزدیکی شهر «میانه» تهیه کرده اند تا پلها وکارخانه ها وخطوط ارتباطیه را منفجر کنند. و ضمناً درصددند ایران را بصورت تکیه گاهی برای حمله وهجوم بخاك شوروی مبدل سازند.

باین جهت دولت شوروی برای رفع خطر مزبور طبق قرارداد سال ۱۹۲۱ که بین ایران وشوروی منعقد گردیده بخاك ایران قوای نظامی داخل میکند. ماده ٦ قرارداد مزبور حاکیست که:

«دولتین معظمتین متعاهدتین قبول مینمایند که اگر دولت ثالثی قصدداشته باشد بوسیله مداخله نظامی سیاست غاصبانه وتجاوزکارانه ای را در ایران مجرا سازد وخاك ایران را مرکز حملات لشکری خود برضد روسیه قرار دهد، و در اینصورت مخاطرات وتهدیدی متوجه سرحدات جمهوری متحده شوروی سوسیالستی روسیه و دول متفق آن بشود، ودرصورتیکه پس از اخطار دولت شوروی بدولت ایران، خود دولت قادر به برطرف ساختن مخاطرات فوق الذکر نباشد، آنوقت دولت شوروی حق خواهد داشت ارتش خودرا بخاك ایران وارد نماید، تا بمنظور دفاع از خود، اقدامات لازمه را بعمل آورد.

دولت شوروی متعهد میشود همینکه مخاطره مزبور برطرف شد، فوراً ارتش خود را ازحدود ایران خارج نماید.»

پس از آنکه مقدمات کار آماده شد، وهر یك ازدولتین انگلیس وشوروی بهانه هائی برای حمله بایران طرح کردند سه یادداشت درسه تاریخ مختلف بدولت ایران تسلیم شد، وآخرین یادداشت در تاریخ ۱۷ اوت ۱۹٤۱ بود.

امارضاشاه متوجه بود که این یادداشتها ومطالب مندرجه در آن همه بهانه است

چنانکه بارها گفته بودم اینها بیخود بهانه جوئی میکنند، من خوب میدانم که اینها منظور های دیگری دارند . وموضوع آلمانها بهانه است، این سفرای ما هم که در لندن ومسکو نشسته اند هیچ غلطی نمی کنند و ما را ازجریان اوضاع مطلع نمیسازند و بااین وضع بالاخره برای ما مصیبتی درست خواهد شد .

اما ما باید سعی کنیم بهانه‌ای بدست آنها ندهیم - دل من باین خوشست که وعده صریح داده‌اند بیطرفی مارامحترم خواهند شمرد . ماهم باید باکمال دقت از حدود بیطرفی خارج نشویم تاخودمان راانشاءالله سالم ازاین بلا نجات دهیم ، امابا همه این احوال متفقین بالاخره کارخودرا کردند ودرسپیده‌دم روز ۲۵ اوت مطابق سوم شهریور ۱۳۲۰ نیروهای آنها ازمرزهای ایران گذشتند، وچون رضاشاه خودرادر مقابل کارانجام شده‌ای دید . وبعلاوه مقاومت رادربرابر ارتش بزرگترین دولتهای دنیا بیهوده میدانست فرمان ترك مخاصمه صادر کردتاالااقل بنفوس بیگناه وشهرها وقصبات ایران زیانی وارد نیاید .

اماقوای نظامی روس وانگلیس وقتی وارد خاك ایران شدند ، علاوه براستفاده از راهها ومنابع ایران خیال دیگری نیزداشتندوآن انتقام ازرضاشاه بود که مدت بیست سال جداً بانفوذ ومطامع آنها مبارزه میکرد و باینجهت شاهنشاه فداکار و وطن پرست ایران را وادار بکناره گیری ازسلطنت نمودندو پس ازآن اتباع آلمانی مقیم ایران رادستگیر کرده وسفارتخانه‌های آلمان وایتالیا و رومانی ومجارستان وبلغارستان وفنلاند را که تاآن تاریخ جزومتحدین آلمان بودنداشغال نمودند.

این خلاصه‌ای بودازروابط سیاسی ایران بادولتهای انگلیس وشوروی درآخرین سال سلطنت رضاشاه که منجر بحادثهٔ شوم سوم شهریور گردید .

روزنامه های خارجی و رضا شاه

رضا شاه طی ۲۰ سال سلطنت خودهمواره بانفوذهای خارجی مبارزه میکرد وازمنافع ایران جداً دفاع مینمود تابالاخره بهمین جهت دشمنان ایران بزوروسرنیزه وبا قوای نظامی درصدد برآمدندااین پیشوای بزرگ را که خارراه آنها بودازمیان بردارند

روز نامه مشهور « لندن نیوز » باتمام کینه‌ای که انگلیسها نسبت برضاشاه داشتند معهذا نتوانسته است منکر شخصیت و لیاقت و وطن پرستی این مرد بزرگ شود چنانکه دراین باره مینویسد :

« رضا شاه پهلوی در آغاز کار سرباز سوار نظامی بیش نبود ، ولی »
« اخیراً بزرگترین دیکتاتور شرق شده بود . اوزندگانی خودرامانندیك سرباز »
« فدا کار شروع کردو کم کم خودرا بمقامات عالی رساند . ولی (ژنرال ایرن ساید) »
« انگلیسی بترقیات او کمك شایانی کرد . رضاخان پهلوی درسال ۱۹۲۵ بسلطنت »
« ایران رسید . ولی هیچیك از فرمانروایان مشرق زمین باندازه او دوستی »
« ما را با ابراز خصومت پاسخ نداد . کشور فقیر ایران بدست وی ترقی »
« کردو روبتمدن پیش رفت و پول شرکت نفت نیز در این کمکها مؤثر بود . »
« رضا شاه راه آهن سراسری ایران را ساخت ، مدارس متعدد ایجاد کرد ، »
« راههای مختلف بوجود آورد ، ارتش کامل و کافی درست کرد ، هتل ها »
« و بنا های آبرومند بصورت مؤسسات اروپائی بوجود آورد . آلمانیها »
« در کشوروی راه یافتند ووعده‌های خوبی برای آبادی مملکت دادند و کم کم »
« دراین کشورنفوذ یافتند » .

« درسال ۱۹۳۲ رضا شاه امتیاز شرکت نفت را که مبلغ چهل میلیون »
« لیره انگلیسی درآن خفته‌بود لغو کردو کاربجامعه ملل کشید . در آنموقع »
« وزیر خارجه بریتانیا سرجان سیمون بود » .

« بالاخره دولت انگلیس حاضر بپرداخت حق الامتیاز بیشتری گردید و »
« بعلاوه مبلغ سه‌میلیون لیره نیز برای تجدیدامتیازداده شد . ایران باآنکه قریب »
« پنج برابر فرانسه وسعت دارد باوجود این فقط پانزده میلیون نفرجمعیت دارد »
« این کشور تحت راهنمائی رضا شاه پهلوی ترقیات زیادی کرد و ایران »
در زمان او بپیشرفتهای بزرگی نائل شد ، اما چون حاضر بکوتاه کردن «



زندگی یك نابغه شرق پهلوی اول به پایان رسید در کشور بیگانه جان سپرد و در تاریخ هفدهم اردیبهشت
سال یکهزار و سیصد و بیست و نه با تشریفات رسمی جنازه نامبرده در شهرری بخاك سپرده شد.

« دست آلمانیها در ایران نشد ، قوای روس و انگلیس از سه طرف بکشور او داخل «
« شدند. ایران در آنموقع صد و پنجاه هزار سرباز داشت که چندین قسمت مجهز و تعلیم «
« دیدهٔ خوب ، در بین آنها بود و بعلاوه یك بریگاد مسلح خوب هم داشت. نیروی هوائی «
« ایران از دویست هواپیما تشکیل شده بود که اغلب آنها از سیستمهای قدیمی بشمار میرفت «

مطالب فوق که در یك مجله انگلیسی منتشر شده نشان میدهد که با همهٔ کینه و عداوتی که انگلیسها نسبت برضاشاه داشتند معهذا از لیاقت و کاردانی او ستایش کرده و خدمات وی را در راه ترقی و پیشرفت ایران ستوده اند وضمناً مخالفت رضاشاه را با خود ضمن «لغو نا گهانی امتیاز شرکت نفت» وهمچنین آنجائی که متذکر شدند «در مشرق زمین هیچ فرمانروائی باندازهٔ او با ما مخالفت نکرد» شرح داده اند.

پس از آنکه رضاشاه در ژوهانسبورگ جهان را بدرود گفت، باردیگر مطبوعات انگلستان دربارهٔ شخصیت سر سلسله خاندان پهلوی مطالبی انتشار دادند ، از جمله مجله سیاسی «ایلوستریتد لندن نیوز» در این باره نوشت:

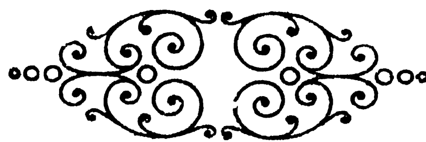
«رضا شاه پهلوی ، پادشاه سابق ایران که پس از استعفاء از مقام سلطنت از ۱۶ «
« سپتامبر ۱۹٤۱ بجنوب افریقا رفت در ۲٦ ژویه وفات یافت . وی در دسامبر سال «
« ۱۹۲۵ بر تخت سلطنت نشست و در آوریل سال ۱۹۲٦ تاجگذاری نمود رضاشاه «
« خدمات زیادی بایران و ایرانیان کرد ، ولی همکاریش در سال ۱۹٤۱ آنطور که «
« انتظار میرفت با متفقین صمیمانه نبود و اینموضوع سبب شد که قوای دول متفق از «
« مرزهای ایران گذشته وارد خاك آن کشور شوند » .

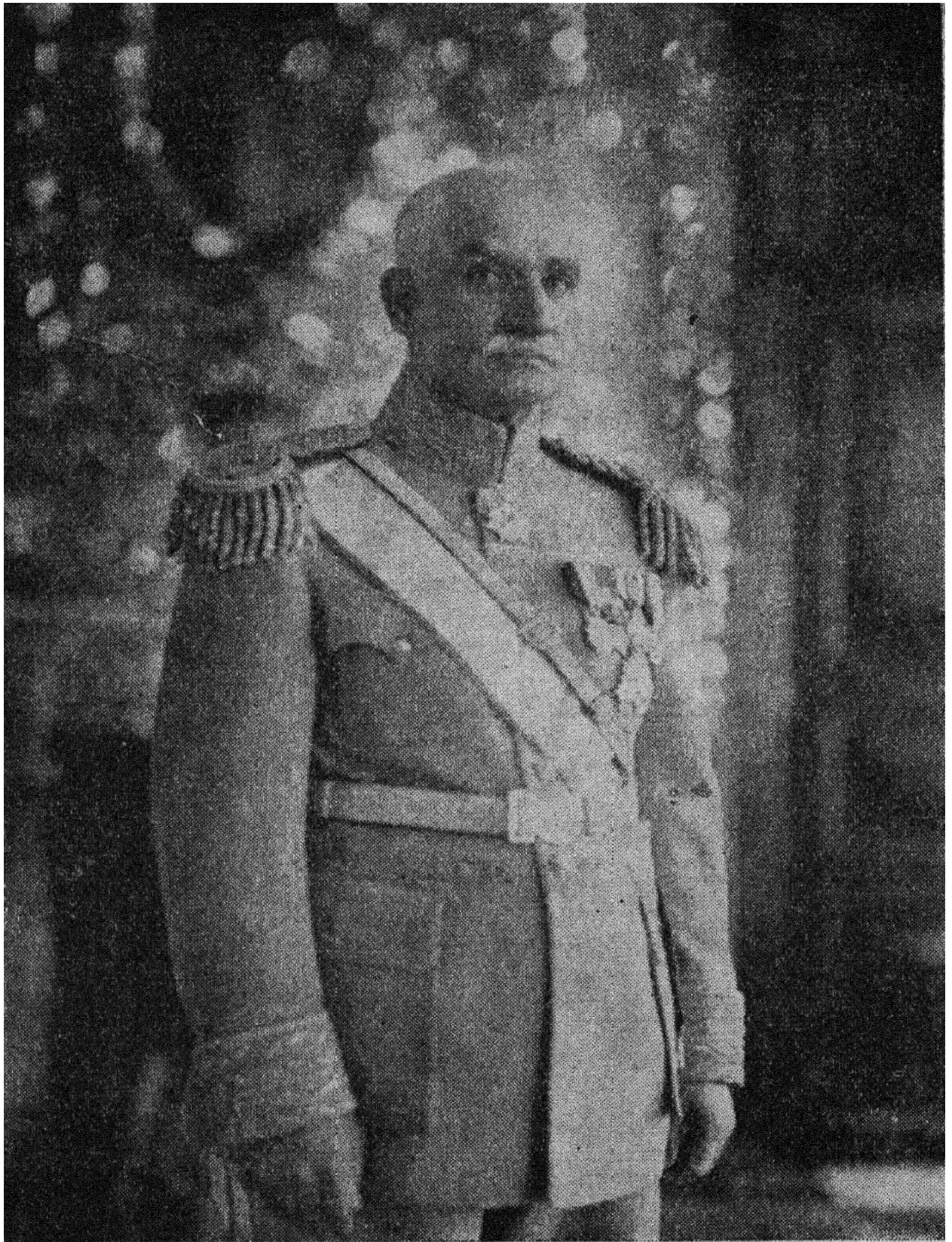
یکی از استادان دانشگاه پاریس پس از آنکه شاهنشاه بزرگ ایران در ژوهانسبورگ وفات یافت در کنفرانسی که برای دانشجویان دانشگاه راجع بایران و رضاشاه پهلوی میداد ، پس از مقدمات تاریخی چنین گفت :

« رضا شاه در طول مدت زمامدای خود خدمات درخشانی بایران «
« کرد . او یك مرد مثبت بود و پرده خرافات و موهومات را که بزرگترین «
« سد پیشرفت ملل مشرق زمین است از هم درید . وی دریك موقع بحرانی «

«زمامدار ایران شد و میهن خودرا از خطر نیستی نجات داد. ولی ایران که در سه «
«قرن اخیر همواره بازیچهٔ سیاستهای خارجی بود با وجود آنکه در مدت بیست سال «
«زمامداری پهلوی از دسائس بیگانگان بر کنار ماند معهذا در سال ۱۹٤۱ با حمله «
«قوای مسلح انگلیس و شوروی بآن کشور عظمت و قدرت خودرا از دست داد.«
«پهلوی نیز در کشاکش این سیل بنیان کن از ایران بجزیرهٔ موریس تبعید شد.
«و با رفتن او ترقیات و پیشرفتهای ایران نیز همه از بین رفت»

در دورانی که هنوز رضاشاه پهلوی بمقام سلطنت نرسیده بود و سمت سردار سپهی داشت مطبوعات مغرب زمین از جمله امریکا راجع باین مرد بزرگ مطالب مهمی انتشار دادند که تهیه و جمع آوری آنها مدتها وقت لازم خواهد داشت از جمله پرفسور «هوپ» یکی از دانشمندان امریکائی در انجمن بازرگانی شهر «شیکاگو» نطقی درباره شخصیت و خدمات رضاشاه ایراد کرد که متن آن در صفحات قبل ذکر شد. مجموع این گفته ها و نوشته ها حاکیست که رضاشاه یکی از بزرگترین پادشاهان مصلح و فرهنگ دوست و کاردان و وطن پرست ایران بشمار میرفته و یکی از برجسته ترین سرداران و پیشوایان قارهٔ آسیا محسوب میشود.





شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر در آخرین روزهای سلطنت

رضاخان میرپنج که در جنگهادلیریها بخرج داده و بارها برای حفظ استقلال میهن باستقبال مرگ رفته بود . وقتی این اوضاع دلخراش را مینگریست چنان خونش بجوش میآمد که ازخود بیخود میشدواین محیط و فضای خفه کننده را برای خود بسیار جانفرسا وغیر قابل تحمل میدید .

ازاین روچندصدبار درصدد برآمد برای نجات ایران مردانه قدم پیش گذارد ودراین راه ازبذل جان ومال مضایقه نکند . ولی هربار پیش آمدی او را ازانجام مقصودش بازمیداشت ، تاآنکه بالاخره تصمیم خودرا گرفت و برای واژگون ساختن کاخ ظلم و بیداد ومبارزه بارجال مفسدو نالایق وعناصر خائن وآشوب طلب نقشه خودراطرح کردومیخواست بهر قیمت شده باین وضع آشفته و در هم خاتمه دهد که ناگهان پیش آمدی موقتاً اورا از انجام مقصودش بازداشت.

این حادثه بجهان آمدن طفل نوزادی بود که افکارواندیشه‌های سرداربزرگ مارا تامدتی تحت الشعاع خویش قرارداد .

تولد

سپیده دم روز چهارم آبان ۱۲۹۸ ، درآنهنگام که بانگ مؤذنین ازبالای گلدسته‌های مساجددرفضای تهران می پیچید، ودرآنموقع که خروس سحری بانگ (الله اکبر) برمیآورد ،ودرافق خاور سپیده بامدادی آسمان وزمین راروشن میکرد درخانه رضاخان میرپنج افسردلیرو فداکار، ازبانو تاج الملوك همسر گرامیش که سومین فرزندمرحوم تیمورخان میرپنج بوددو کودك نوزادپابجهان گذاشتند که دل ودیدهٔ پدرومادر خودرا ازوجودخویش روشنی بخشیدندو قلوب افراد و اعضاء خانواده را نیز غرق درسرورو شادی کردند .

دوران کودکی

هیچکس نمیدانست که برپیشانی این دو کودك نوزادقلم تقدیرچه چیز ها نوشته وچگونه آنهارا برای ایجاد یك تحول بزرگ و ایجاد یك نقش فوق العاده مأمور کرده است .



والاحضرت محمد رضا پهلوی ـ والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی
والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ـ والاحضرت شاهپور علیرضا
پهلوی ـ والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی وبانوارفع

هیچکس نمیدانست که یکی از این دو روزی براورنگ شاهنشاهی پادشاهان کیان تکیه خواهد زد و ایران را از سخت‌ترین و دشوار ترین بن بست های تاریخ بطرف سعادت و نیکبختی سوق خواهدداد ، و دیگری چون فرشتهٔ رحمت در زندگی مردم بینوا و رنجدیدهٔ این کشور تحول بزرگی ایجاد خواهد کرد و رنج ها و آلام و مصائب آنان را تسکین خواهد داد و شالودهٔ بزرگترین مؤسسات خیریه و اجتماعی را خواهد ریخت .

آنروز وقتی این دو برادر و خواهر توأمان پا بجهان نهادند کسی این چیزها را نمیدانست ولی همهٔ افراد خانوادهٔ آنها بشکرانهٔ این دو نوزاد شادیها کردند و مجالس عیش و سرور برپا ساختند و از بسیاری از خانواده‌های مستمند و بینوا دستگیری کردند

رضاخان پهلوی این دو فرشتهٔ کوچك آسمانی را چون جان شیرین عزیز میداشت و وجود آنها و خواهر بزرگترشان (شمس) را طلیعهٔ خوشبختی و سعادت خود میدانست از این رو بدرگاه حضرت احدیت نیایش کرد و چون اعتقاد و ایمان زیادی بدین حنیف اسلام و ائمه اطهار ، مخصوصاً حضرت رضا علیه السلام داشت ، از این رو نام فرزند پسر را محمدرضا و نام دختر را اشرف نهاد .

روزها تنها سرگرمی و مایهٔ سعادت و مایهٔ دلخوشی این سردار بزرگ این بود که پسر و دو دختر عزیز خود را درآغوش میفشرد و ساعتها درخانه شخصی خود که در نزدیکی باغشاه و روبروی مدرسه نظام قرار داشت با آنها خود را سرگرم میساخت .

چندماه بعد پهلوی مأموریت یافت که از تهران خارج شود و برای انجام کارهای فوری بقزوین برود . پهلوی مدتی درهمدان و قزوین بسر میبرد و در آنجا فرماندهی دیویزیون قزاق را داشت . یکسال پس از این حادثه بود که ناگهان نیمه شبی این سردار نامدار بتهران حمله‌ور گردید و درسوم اسفند ۱۲۹۹ کودتا کرد و ایران را از اضمحلال و فنای محض نجات داد .

از آن پس همانطور که پیش بینی شده بود براثر قدم میمون و طالع فرخنده این دو کودك خردسال روز بروز موفقیت‌های تازه‌ای نصیب پهلوی میگردید ، چنانکه پس از فتح تهران و کودتا ، بمقام سردار سپهی و بعد وزارت جنگ و پس از آن فرماندهی

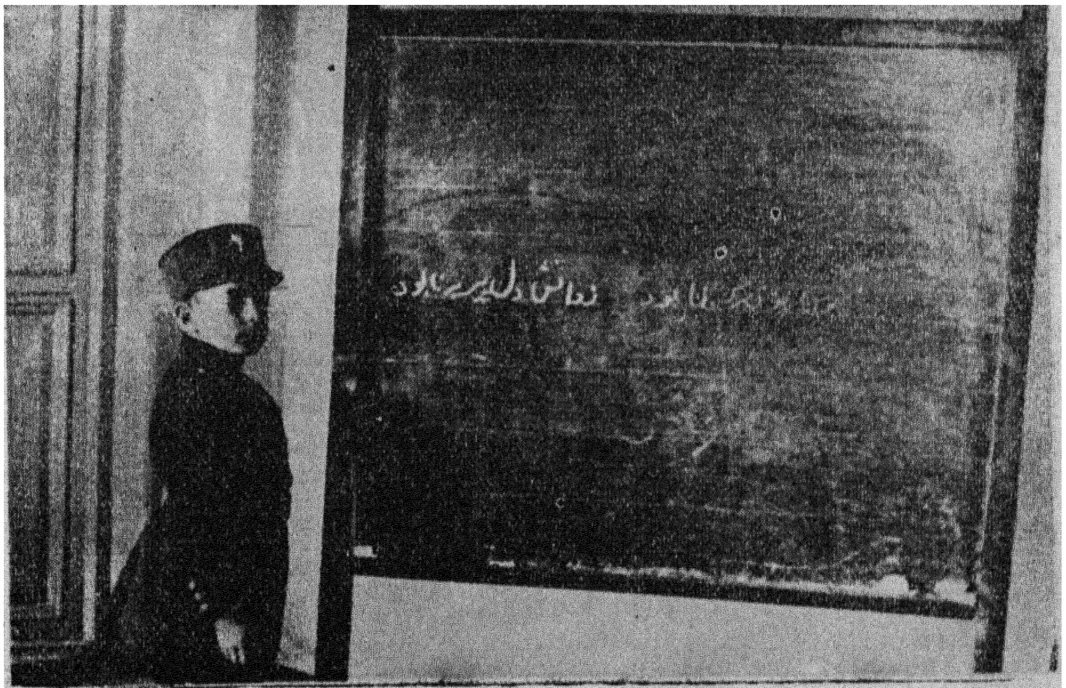


شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر ـ والاحضرت شاهپور محمد رضا ـ والاحضرت شاهدخت شمس ـ والاحضرت شاهدخت اشرف ـ والاحضرت شاهپور علیرضا ـ والاحضرت شاهپور غلامرضا

کل قوا و سپس ریاست وزراء و آنگاه ریاست حکومت موقتی و بالاخره بشاهنشاهی ایران و تشکیل سلسلهٔ پهلوی نائل گردید .

سردار سپه در تمام روزهای سخت و دشواری که در جبهه‌های جنگ با دشمنان وطن میجنگید آنی از فکر نوردیدگان خود غافل نبود و همیشه یاد چهرهٔ ملکوتی و چشمان درخشان و هوش و ذکاوت فرزندان خردسالش که بزرگترین مایهٔ تسلی او بشمار میرفت بود مخصوصاً توصیه کرده بود که فرزندانش در غیاب وی بزیور کمالات آراسته شوند و بکسب تحصیل اشتغال ورزند .

فرزند کامکار سردار سپه شش ساله بود که پدر دلیر و کاردانش بعد از یک عمر فداکاری و جانبازی از طرف ملت ایران بشاهنشاهی این کشور باستانی برگزیده شد و پس از چندی او نیز از طرف رضاشاه پهلوی بعنوان ولیعهد انتخاب گردید و در روز پنجشنبه ۸ بهمن فرمان ولایتعهدی صادر شد .



والاحضرت ولایتعهد هنگام تحصیل در دبستان نظام

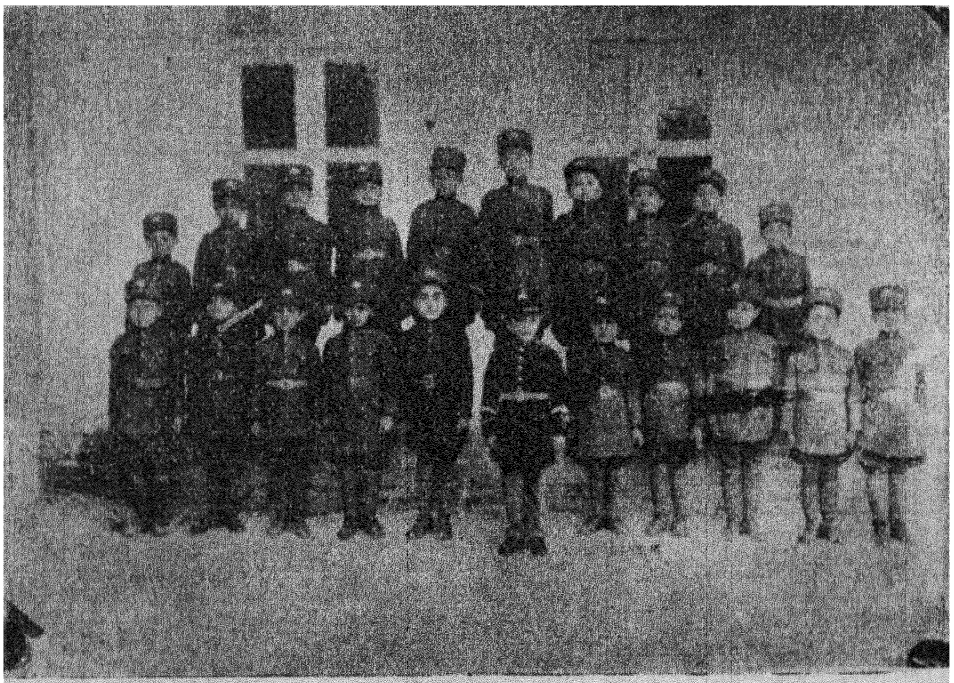
والاحضرت ولایتعهد یکسال از موعد مقرر، یعنی در شش سالگی در دبستان

نظام مشغول تحصیل شدو مدت شش سال در کلاس مخصوص بتحصیل اشتغال داشت در ۱۴ خرداد ۱۳۱۰ امتحانات نهائی دبستان نظام را بامعدل ۱۹/۲ بانهایت موفقیت بپایان رساند .

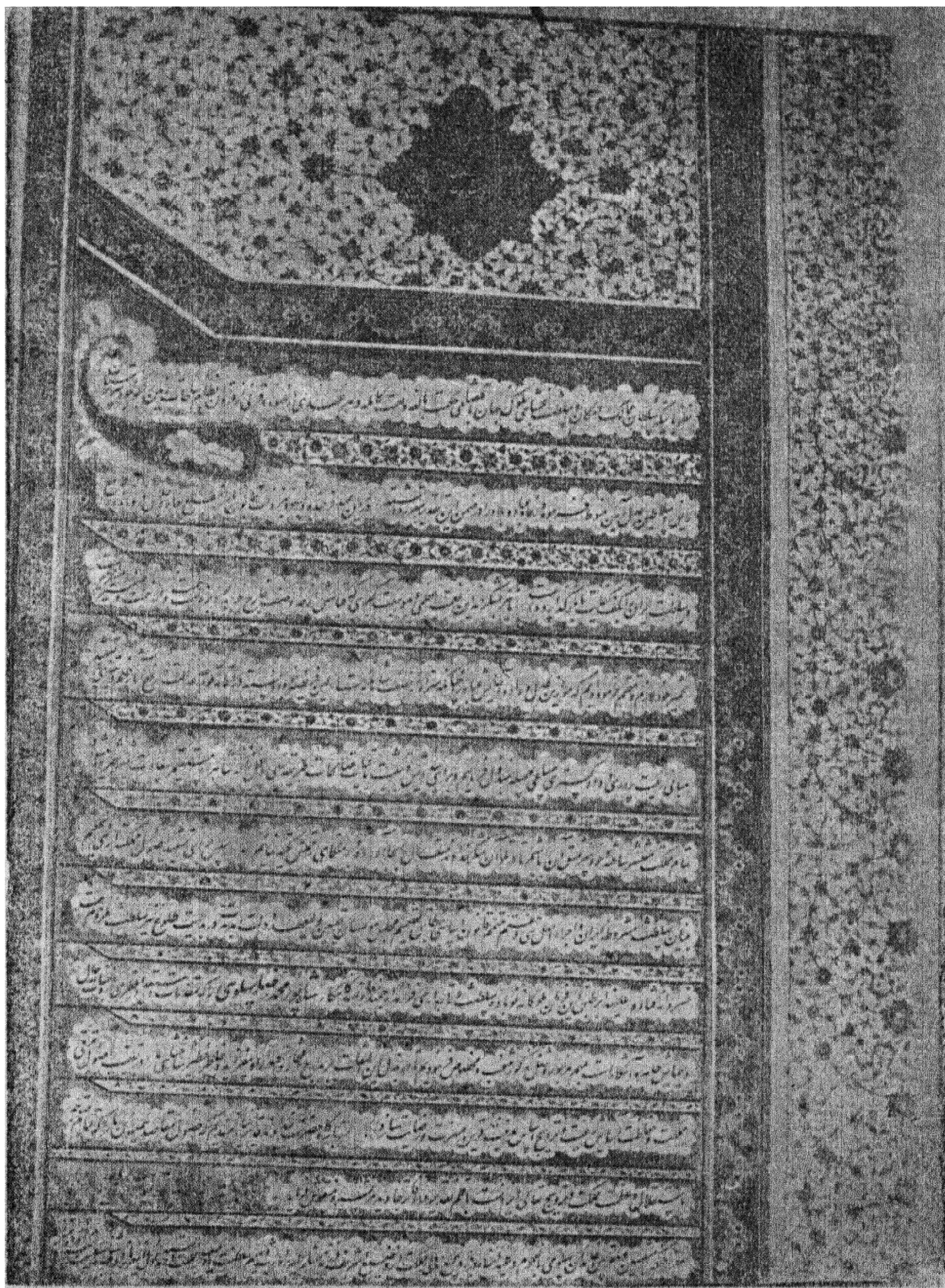
زندگی خصوصی خاندان سلطنتی

اعلیحضرت رضاشاه کبیر علاوه برعلاقه‌ای که نسبت بتحصیل فرزندان خود داشت سعی مینمود که ولیعهد کشور را از کودکی برموز مملکتداری واقف وآشنا سازد . ازاین‌رو درغالب جریانات ومراسم رسمی اورا باخود میبرد تا از نزدیك ناظر اموباشد . ازجمله هرسال درمراسم سلام عام که در کاخ گلستان برپا میشد با پدر تاجدارش درمراسم مزبور شرکت میکرد .

رضاشاه درجهان دوچیزرا بیشتر ازهمه چیز دوست داشت، یکی وطن ودیگری فرزندان خودرا . صبحها وقتی میخواست از کاخ سلطنتی خارج شود سه فرزند کوچکش را ازخواب بیدارمیکردو پس ازآنکه آنان رامیبوسیدو نوازششان میکرد ازخانه خارج میشد ،



والاحضرت درمیان محصلین دبستان نظام



متن فرمان صادره ولایتعهدی بنام والاحضرت محمدرضا پهلوی

ولیعهد ایران در هنگام تحصیل علاوه بر آنچه که در دبستان میآموخت، در خانه نزد استادان مخصوص خویش نیز غالب اوقات بآموختن علوم و فنون مختلف میپرداخت ومخصوصاً شوق زائدالوصفی نسبت بآموختن تاریخ ایران و شرح زندگانی شاهنشاهان و سرداران بزرگ گیتی ابراز میداشت، و گاهی اوقات نیز زندگی پرماجرای پدرخود را که همواره در جنگهای و پیکارها صرف مبارزه باد شمنان ایران میشد از نظر میگذراند واز آن نکته‌ها میآموخت.

رضاشاه بسیار علاقمند بود که فرزندانش نیز مانند او سحرخیز باشند و از ورزشهای مختلف اطلاع کافی داشته باشند، باینجهت هنگامیکه والاحضرت ولایتعهد نزد استاد ورزش خود بکارهای ورزشی میپرداخت و در تیر اندازی، واسب سواری و رانندگی، و شناوری و سایر ورزشهای بدنی مهارت بسیار از خود ابراز میداشت مایهٔ شگفت اعضاء خانواده سلطنتی، ومورد تحسین پدر تاجدارش میشد.

رضاشاه همانگونه که خود یك سرباز فداکار و از جان گذشته بود و زندگانیش عاری از تکلف بود. سعی بسیار داشت که زندگانی فرزندانش نیز از هر جهت ساده و بی پیرایه وعاری از تکلف و قیود باشد، ولی از حیث نظم و ترتیب وانضباط در کار، برای سایرین سرمشق بشمار رود.



روزهائیکه والاحضرت ولایتعهد بخارج از شهر میرفتند باسایر شاهپورها مشغول شکار میشدند

روزهای سیزده نوروز که خانوادهٔ سلطنتی ایران بامین آباد ورامین میرفتند تنها سرگرمی رضاشاه بسر بردن بافرزندانش بود که در کشتزارهای سبز و خرم مراسم سیزده نوروز را بخوشی و شادمانی میگذراندند.

رضاشاه نسبت بولیعهد خود بی نهایت علاقمند بود و بارها این نکته را بنزدیکان



والاحضرت ولایتعهد بالباس رسمی

خود اعتراف کرده گفته بود: «من هر وقت ولیعهدرا می بینم مثل اینستکه روح تازه‌ای درکالبدم دمیده میشود، زیرا تمام افکارمتوجه اوست».

وقتی علاقه و محبت شاهنشاه نسبت بفرزندار جمند خودرو بشدت مینهاد که از استادان او میشنید ولیعهد چه در امور تحصیلی وچه در سایرامور لیاقت و شایستگی فوق العاده ابراز داشته وهیچگاه جزعدالت وراستی ودرستی واحترام بقوانین از او مشاهده نشده است.

بمن دعا نکنید، بفرزندم دعا کنید

رضاشاه عموم فرزندان خودرا دوست میداشت ودرتعلیم و تربیت آنها می کوشید اعلیحضرت رضاشاه ازعلیاحضرت ملکه ایران بانو، تاج الملوك، دو پسر ودو دختر داشت که بترتیب سن عبارت بودنداز: والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی، اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی، والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی، والاحضرت شاهپورعلیرضا پهلوی، علیاحضرت ملکه ایران نیز دربین فرزندان خود بولیعهد کشورعلاقهٔ بسیارداشت وچون بانوئی خیراندیش ونیکوکار و مهربان ونوعپرور بود وهمیشه ازبیچارگان ودرماندگان دستگیری میکرد، ازاین رویقین داشت که خداوند فرزندان والاگهر اورانیز ازشرآفات حفظ خواهد کردوآنهارا سعادتمند خواهدساخت.

علیاحضرت ملکه پهلوی هروقت به بینوایان ومستمندان کمك میکرد و آنها نیز باودعا مینمودند علیاحضرت ازشدت علاقه ایکه بولیعهدداشت میگفت: «بمن دعا نکنید، بفرزندم دعا کنید که خداوند بیش ازپیش توفیق ونصرتش بدهد».

ولیعهدایران باآنکه کودکی بیش نبود، معهذا از شش سالگی بواسطه علاقه‌ای که پدرتاجدارش بسربازی داشت، اونیزجامهٔ سربازی بتن کرده و ازعهد صباوت برای فداکاری وجانبازی درراه میهن آماده شده بود.

هوش سرشارواستعداد وذوق وقریحهٔ فوق العاده والاحضرت ولایتعهد بمسائل گوناگون مایه بهت واعجاب عموم معلمین گردید، و مخصوصاً گاهی اوقات که

والاحضرت سؤالات عمیقی ازاستادان خودمیکردآنها دردادن پاسخ دچار اشکال میشدندومجبوربودند بهنگام فراغت بکتابخانه مراجعه‌نموده‌خود را برای پاسخ بسؤالات شاهنشاهزاده خویش‌آماده سازند .

والاحضرت علاوه بر کتب تاریخ ، بآثار گرانبهای ادبی ، دیوان نظم ونثر نویسندگان وشعرای نامدار ایران بسیارعلاقمندبود ، چنانکه‌بانهایت دقت کتب کلیله‌ودمنه و کلیات سعدی وسایر آثار گرانبهای سخن گستران نامی‌ایران را نزد استادان فن می‌آموخت .

درچهرهٔ‌زیباوجذاب ومتین و موقر والاحضرت ولایتعهد ، از همان دوران کودکی‌آثار نبوغ وبزرگی نمودار بود . ادب‌واحترام‌ومتانت او بحدی بود که هیچگاه باطرافیان خود حتی‌بخدمتگزاران‌ومستخدمین «تو» خطاب نمیکرد.
هروقت پدرتاجدارش نسبت بگناهکاری خشمگین میشد ، والاحضرت باروح



والاحضرت ولایتعهد قبل ازعزیمت بسویس در سعدآباد

حساس وقلب مهربانی که‌داشت ازاعلیحضرت پدرش تقاضا میکرد که ازگناه او درگذرد و وی‌را مورد عفووبخشش قراردهد

والاحضرت مانند پدرتاجدار ومادر والاگهر خود ازدوران کودکی بمبانی مذهبی ایمان وعقیده بسیارداشت . چنانکه درایامی که هنوزخیلی کوچك بود دعای چهل بسم الله بر گردن اومیآویختند وهمیشه قرآن کوچکی بهمراه داشت وبعدها که کمی بزرگترشد همه ساله روزهای اول نوروز وهمچنین ایام عاشورارا بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها وزیارت حضرت عبدالعظیم میرفت .

حرکت بسویس

والاحضرت ولایتعهد پس ازآنکه در۱۶ خرداد ۱۳۱۰ امتحانات نهائی دبستان نظام را با موفقیت بی نظیری بپایان رساند ، در ۱۳ شهریورماه همان سال درحالیکه دوازده سال از عمرش میگذشت ، برای تکمیل تحصیلات خود بسویس عزیمت کرد.

والاحضرت در شهرلوزان در دبیرستان «شایبی» مشغول تحصیل گردید. استعداد و لیاقت شاهزادهٔ ایرانی از نخستین روزهائیکه وارد مدرسه شد برهمهٔ معلمین ودانش آموزان آشکارشد . اوزبان فرانسه را بخوبی وزبان روسی راا ندکی درایران آموخته بود ازاینرو بانهایت آسانی درآنجا بزبان فرانسه تکلم میکردو دروس خودرا میخواند.

والاحضرت ولایتعهد
درسویس میان ورزشکاران

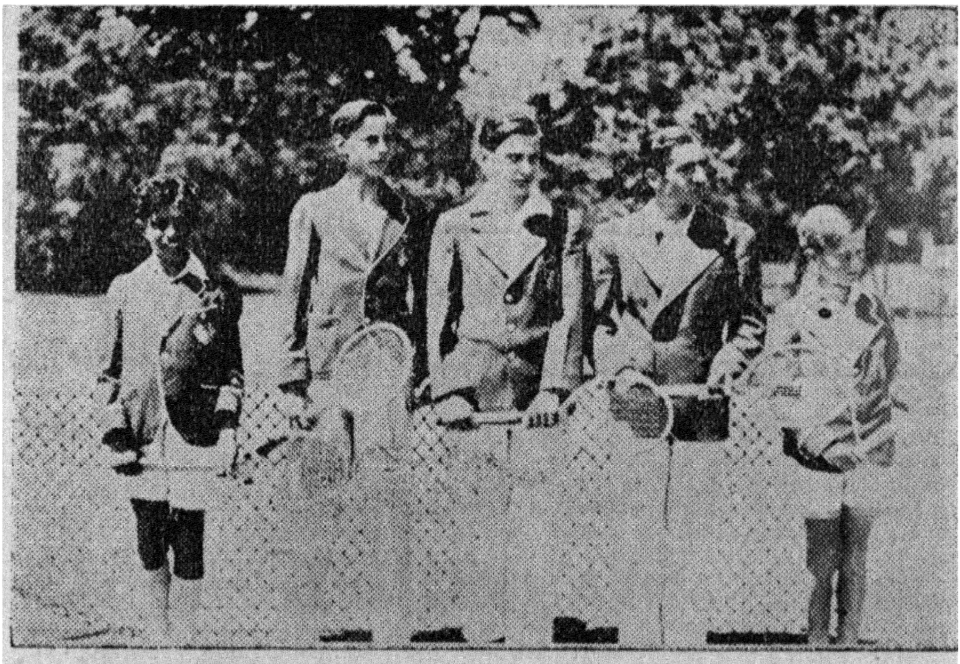
والاحضرت علاوه برتحصیل دانش ، درمواقع فراغت بآموختن ورزشهای مختلف میپرداخت ، چنانکه دربازی فوتبال وباسکتبال وشنا کمترنظیرداشت.

غالب اوقات درفصل زمستان والاحضرت روزهای تعطیل رادردامنه‌های پربرف کوههای آلپ میگذراند .

شاهزاده خردسال ایرانی درسویس تحت تعلیمات استادان معروف وبرجسته طوری تربیت شد که هرکس بااو روبرو میگشت درنخستین برخورد پی بشخصیت برجسته ومقام شامخ وی میبرد ، وبی اختیارنسبت باو احترام میگذاشت . والاحضرت باآنکه یك شاهزادهٔ شرقی بود معهذا هیچگونه تکلف وپیرایه‌ای نداشت ومخصوصاً

بسیار میکوشید که از حیث لباس و اخلاق و رفتار از هر جهت مانند فرد عادی جلوه گر شود . سادگی و مهربانی و روح عدالت پروری و حق دوستی والاحضرت او را محبوب و مورد ستایش عموم کرده بود.

والاحضرت یکسال در لوزان و چهار سال در شهر کوچك رول ، در مدرسه (روزه) مشغول تحصیل بود ، زبان و ادبیات فارسی را نیز در آنجا نزد مرحوم مستشار الملك که از دانشمندان ایران بود میآموخت تا از اندوخته های دانش و فرهنگ میهن خویش



والاحضرت ولایتعهد در سویس با یکعده از محصلین ورزشکار

بی بهره نماند ، و آنچه را که در سالهای پیش در سینهٔ خود جمع کرده بود فراموش نکنند . والاحضرت نسبت بمرحوم دکتر مؤدب الدوله نفیسی که پیشکار و مربی او بود و از رجال و دانشمندان کشور بشمار میرفت خیلی علاقمند بود ، زیرا مرحوم مؤدب الدوله که مردی جهاندیده و مجرب و باتدبیر بود همواره بانهایت دلسوزی و صمیمیت بشاهزاده خردسال ایرانی خدمت میکرد.

بدین ترتیب مدت پنج سال والاحضرت ولایتعهد در سویس که کانون فرهنگ

ودانش وتمدن جهان بود، بتحصیل اشتغال داشت واصول دموکراسی وآزادمنشی وعدالت طلبی رادرآنسرزمین آموخت، تا درسال ۱۳۱۵ پس ازپایان دوره متوسطه بطرف ایران عزیمت کرد ودرروز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ پا بخاك میهن عزیز گذاشت ووارد بندرپهلوی گردید.

دو سال در دانشکده افسری

ولیعهد ایران پس ازورود بتهران ازطرف اهالی پایتخت مورد استقبال صمیمانه وباشکوهی قرار گرفت، اعلیحضرت رضا شاه فرزند تحصیل کرده ودانش پژوه خویش را که پنج سال ازخاك میهن واز کنار پدرومادرو برادران وخواهران خود بدور بوددرآغوش فشرد.



آنگاه برای تکمیل تحصیلات نظامی خوددرهمانسال واردد انشکده افسری گردید ودوش بدوش سایر دانشجویان بدون آنکه کوچکترین رجحانی برای خویش قائل شود در قسمت پیاده نظام مشغول خدمت شد.

مدت دوسالی که والاحضرت درد انشکده افسری مشغول خدمت بود، بزرگترین نمونهٔ نظم وانضباط برای سایرین بشمار میرفت. درمانورهای دانشکده افسری که همه ساله در فصل تابستان انجام میشد، اعلیحضرت رضا شاه درمحل مانور حضور می یافت وازنزدیك باکمال دقت جریان مانوررا ازنظرمیگذراند، وفرزند عزیزخویش را میدید که بین سایردانشجویان درمیان گرد وغبارازتپه‌ای به‌تپهٔ دیگربالارفته، گاه بحال درازکش ازسنگری بسنگردیگرمیرفت، وزمانی باسرنیزه وبمب دستی و نارنجك بسنگردشمن حمله‌ورمیگردید.

والاحضرت ولایتعهد در سویس

لباس و کفش و کلاه والاحضرت باسایر دانشجویان هیچگونه تفاوتی نداشت همان لباس سربازی و همان پارچه وطنی و همان پوتین های معمولی که سایرین داشتند اوهم داشت. همانطور که سایرین تعلیمات نظامی می آموختند والاحضرت نیز دوش بدوش آنان درمیدانهای وسیع یا درروی نیمکتهای کلاس درس مشغول آموختن دروس بود.

هیچگاه دیده نشد والاحضرت نسبت بیکی ازدانشجویان خشونت یاتندی کند بلکه درمواقعی که دانشجوئی در کار خود سستی واهمال میکرد والاحضرت سعی مینمود بابیان مؤثر ومنطقی اورا براه راست هدایت کند و باو درس کار و کوشش ومردی و مردانگی بیاموزد، چه بسا که همین راهنمائی دراینگونه افراد چنان مؤثر واقع میشد که بکلی تغییر رویه داده وجزو بهترین وآزموده ترین دانشجویان بشمار میرفتند.

والاحضرت نسبت بکلیه دروس مخصوصاً تاریخ نظامی علاقه خاصی ابراز میداشت شرح احوال وزندگی بزرگترین سرداران وفرماندهان نظامی جهان را از بدو تاریخ تا کنون با کمال دقت میخواند ومخصوصاً درنقشه های استراتژیکی سرداران وفاتحین بزرگ کلدنیامدتهامطالعه میکرد. همیشه یکدوره تاریخ نظامی که جریان لشگرکشی های بزرگ تاریخ درآن جمع بود در کتابخانه خصوصی والاحضرت دردسترس او قرار داشت.

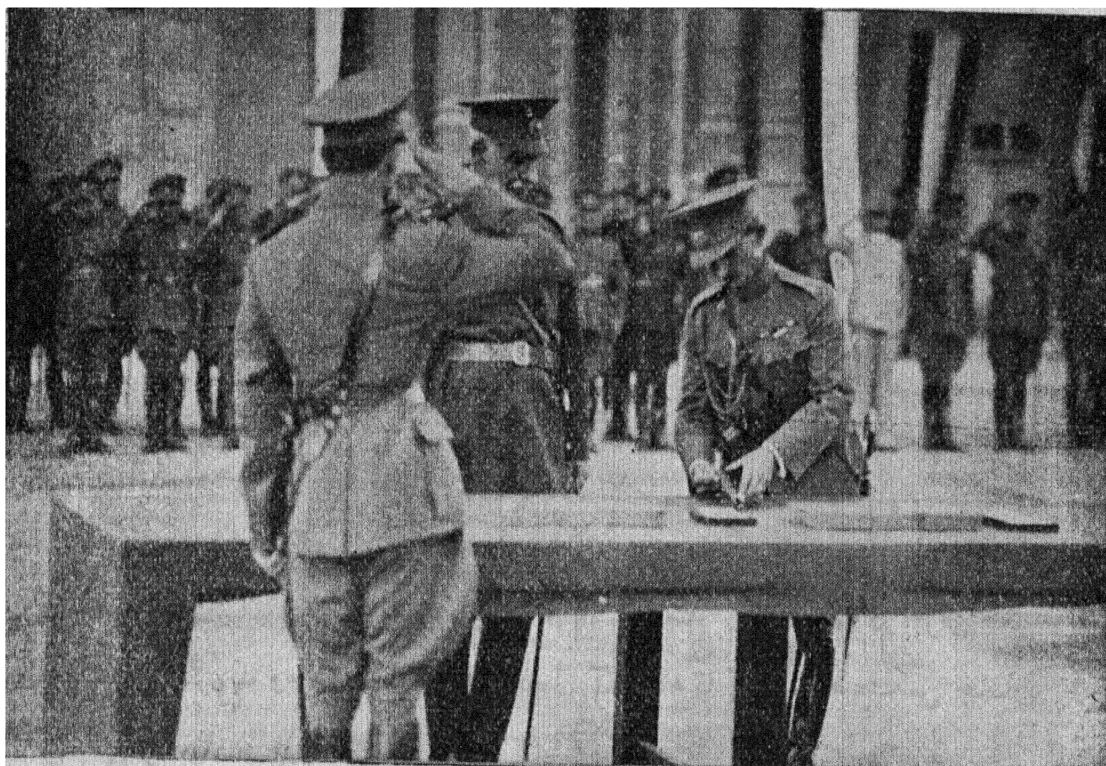
والاحضرت ضمناً بوقایعی که درآن ایام دراروپاوآسیاروی میداد ازقبیل جنگ ایتالیا وحبشه و جنگهای داخلی اسپانیاوپیکارهای شرق دور توجه خاصی مبذول میداشت وتکنیک وتاکتیک جنگهای جدیدرا باعلاقه ودقت کامل از نظر میگذراند.

والاحضرت دردانشکده افسری بهترین تیرانداز، و بهترین سوارکار، و بهترین دانشجو بشمار میرفت. رفتار و کرداراو برای عموم همدوره های والاحضرت بهترین سرمشق بشمار میرفت. والاحضرت ولایتعهد در خرداد ۱۳۱۷ دوره دانشکده افسری را با موفقیت کامل بپایان رساند، ودرمهرماه همان سال بدست پدرتاجدارش بدرجه ستوان دومی مفتخر گردید. اعلیحضرت رضاشاه پهلوی فرمان افسری را باین شرح بولیعهد خود اعطا نمود:

«نظر باینکه گرامی فرزند کامکار شاهپور محمد رضا پهلوی ولیعهد کشور شاهنشاهی ایران دوره دانشکده افسری را در سال ۱۳۱۷ باموفقیت بپایان رسانیده بموجب این فرمان همایون مشارالیه را بدرجه ستوان دومی قرین افتخار مینمائیم»

اعلیحضرت رضاشاه در این روز بسیار خوشحال بنظر میرسید و در حالیکه بسایر افسران فارغ التحصیل مینگریست گفت:

«همینقدر سربلندی و سرافرازی برای شما بس که ولیعهد کشور نیز در این



والاحضرت ولایتعهد در موقع اخذ دیپلم از دست پدر تاجدارش در دانشکده افسری

دوسال موافق تمام شرایط و قواعد نظام، دوره دانشکده افسری راطی نمود در تمام تمرینات و تعلیمات ارتشی دانشکده شرکت کرد و این خود بهترین سرمشق فداکاری و وظیفه شناسی برای شما میباشد.»

در همین روز رضاشاه، یك قطعه نشان لیاقت، بدست خود بسینهٔ فرزندش نصب کرد ولیعهد ایران بدین ترتیب وارد زندگی اجتماعی و خدمت بمیهن گردید، وتحت

نظر مستقیم پدر تاجدارش برای سلطنت تربیت میشد. در تمام مسافرتها او در کلیهٔ بازدیدها ولیعهد باشاه همراه بود و کلیهٔ فنون و راه و رسم مملکت داری را از شاهنشاه می آموخت .

ملکه فوزیه

و شاهزاده خانم شهناز پهلوی

سال ۱۳۱۸ یعنی یکسال پس از آنکه ولیعهد ایران از دانشکدهٔ افسری فارغ التحصیل گردید، بنا باراده اعلیحضرت رضا شاه پهلوی، مقرر شد بین خاندان سلطنتی ایران و خاندان سلطنتی مصر وصلتی انجام یابد، و شاهزادهٔ خانم فوزیه دختر ملك فواد و خواهر بزرگ ملك فاروق بعقد ازدواج والاحضرت ولایعهد ایران درآید .

برای انجام این منظور ولیعهد کشور با هیئتی از رجال برجسته مملکت مسافرتی بمصر نمود و در آن کشور مورد استقبال بی‌نظیر اهالی قرار گرفت و طی مراسم با شکوهی مراسم عقد ازدواج انجام شد .

آنگاه ولیعهد باتفاق همسر خود بخاك میهن بازگشت و در ایران در تمام خط سیر والاحضرتین استقبال بی‌نظیری از آنان شد ، مخصوصاً در تهران طاق نصرتها برپا گردید و مراسم باشکوهی بعمل آمد که تا آنوقت هیچکس چنان مراسمی را بیاد ندارد .

سال بعد یعنی در روز یکشنبه ٥ آبان ۱۳۱۹ ، شاهزاده خانم شهناز پهلوی درتهران متولد گردید .

والاحضرت شهناز در همان نخستین روزهای تولد توجه کلیهٔ افراد خاندان سلطنتی را بجانب خود جلب کرد و چشم و چراغ پدر و مادر و مخصوصاً اعلیحضرت رضا شاه قرار گرفت .

اعلیحضرت رضا شاه نسبت بوالاحضرت شهناز مهر و علاقه زائدالوصفی داشت

بطوریکه همواره اورا «شهنازمن» خطاب میکردوروزی نبود که اورادرآغوش محبت خود نفشارد وچهرهٔ اورا نبوسد . پس ازوقایع شهریورماه نیز که شاهنشاه ایران مجبور بترك وطن گردید ، بازدرسرزمینهای دوردست ، درجزیرهٔ آتش زای موریس ودرشهرهای دوربان ، وژهانسبورك همواره بیاد شهناز کوچك خود میافتاد وقلب قوی ومردانه‌اش مالامال ازمحبت میگردید وچشمانش دراشك غوطه میخورد .



علیاحضرت ملکه فوزیه مادروالاحضرت شهناز ایران

درژهانسبورگ بطوریکه در فصل گذشته ذکرشد وقتی یك قطعه عکس والاحضرت شهنازرا بدست پدر بزرگ ، وسردودمان سلسلهٔ پهلوی دادند چنان تحت تأثیر قرار گرفت که مدتها بیاد وطن و بفکر این عزیزدورافتادهٔ خود بود، هنگامی که درخیابانها طفل خردسالی را میدید همانندم شهناز کوچك درنظرش مجسم میشد ونسبت بآن طفل ابرازمحبت ومرحمت میکرد .

روزچهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۲٤ علیاحضرت ملکه فوزیه پهلوی برای دیدار خانواده سلطنتی مصرازفرودگاه مهرآباد بسوی آنکشور پرواز کرد وپس ازمدتی اقامت چون آب وهوای ایران باوضع مزاجی ملکه فوزیه سازگارنبود از اینرو طبق موازین شرع بین طرفین طلاق انجام یافت .

والاحضرت شهنازدرتهران بوسیلهٔ مربیان آزموده تحت تعلیم قرار میگرفت ودرنتیجه بزودی زبانهای فرانسه وانگلیسی راآموخت وخلاصه ای ازتاریخ وجغرافیای کشورخویش را یادگرفت . روزهاوالاحضرت شهنازپهلوی که یگانه مایهٔ تسلی خاطر پدرتاجدارش بود درکاخ «شهوند» در همان مکانی که زمانی رضاشاه کبیر روزگارمیگذراند بسرمیبرد و زیرهمان درختانی که شاهنشاه فقید هنگام حیات خود شهناز کوچك را درآغوش داشت ، ببازی میپرداخت .

والاحضرت شهناز پهلوی تاسن هفت سالگی درکانون پر ازمهر و محبت خانوادگی خود بسرمیبرد ، وپس ازآن بنابارادهٔ پدرتاجدارش برای کسب دانش به سویس، یعنی همان کشوریکه مدت پنجسال پدرش درآنجا مشغول تحصیل بود رفت .

والاحضرت شهناز درشهر لوزان درمدرسه «ماری ژوزه» بتحصیل اشتغال ورزید و اکنون هرساله برای دیدار پدرتاجدارش بایران مسافرت میکند .

والاحضرت شهناز ایران

محبتی که اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی، چه در دوران ولایتعهدی وچه در زمان سلطنت نسبت بنوردیدهٔ خودوالاحضرت شاهزاده خانم شهناز پهلوی دارد بحدی است که بوصف نمیگنجد.

*



والاحضرت شهناز ایران

والاحضرت در میان کلیهٔ افراد خاندان سلطنتی ودر بین افراد ملت ایران محبوب ومورد علاقهٔ همه است حتی در سویس هم بازیها وهمدرسهای والاحضرت شهناز، این شاهزاده خانم زیبا وقشنگ و رئوف ومهربان شرقی را بسیار دوست میدارند وهمه پروانه‌وار دور اوجمع میشوند.

فاجعه سوم شهریور ۱۳۲۰

بطوریکه ضمن شرح احوال رضاشاه کبیر ذکر شد، واقعه سوم شهریور ۱۳۲۰ وحملهٔ ناجوانمردانه وخیانتکارانه دو دولت بیگانه کلیهٔ نقشه‌های اصلاحی اعلیحضرت رضاشاه را عقیم گذاشت وضربتی مهلك براستقلال وحق حاکمیت وتمامیت ارضی ایران وارد آورد.

عبور نیروهای مسلح بیگانه ازمرزهای ایران واشغال شهرها ومراکز نظامی و کلیهٔ مناطق حساس کشور، چرخهای فعالهٔ مملکت را ازحرکت بازداشت واوضاع درهم وآشفته‌ای بوجود آورد که همه کس نسبت بسرنوشت خود وملت ومملکت قطع امید کرد. دولتهای انگلیس وشوروی بامقدمات وطرحهای اولیه بنای کار را طوری گذاشتند که ایران را بدومنطقه شمالی وجنوبی تقسیم کرد، وهر قسمت را تحت الحمایه وجزومتصرفات خویش سازند، قسمت شمالی که از خراسان وگرگان ومازندران و گیلان وآذربایجان تشکیل میشد جزو روسیه وقسمت غربی و جنوبی که شامل کردستان ولرستان وخوزستان وفارس وبلوچستان میشد جزو انگلستان میگشت فقط دروسط يك ناحیه محدودو کوچك را که ازقم تااصفهان وازاصفهان تا کوههای بختیاری منتهی میشدو کویرلوت نیزجزوآن بود بنام «ایران» باقی گذاشتند تا این قطعه خاك مانع برخورد واصطکاك منافع طرفین باشد...

قوای مسلح بیگانه کلیهٔ مراکز حساس کشور ازقبیل سربازخانه‌ها، کارخانه‌های اسلحه سازی، فرودگاهها، بنادر، راه‌آهن ومؤسسات دولتی را تصرف کرده وهر گونه حرکت وجنبش را ازملت ایران سلب کردند.

اعلیحضرت رضاشاه که تنها حامی وپشتیبان ومقتدرترین مرد کشور بود و بیست سال باکمال سرافرازی براین سرزمین حکومت کردو ایران منحط ومنقرض و

مضمحل را ایرانی آباد و آزاد و مستقل کرده بود براثر فشار بیگانگان مجبور به ترك وطن گردید ، وارتش ایران نیز منحل شد و کوچکترین نشانه از آزادی واستقلال برای ایران باقی نماند ورجال ایران نیز در این گیرودار عده ای خاك وطن را ترك کرده وعده ای نیز در کنج خانه ها پناهنده شدند .

تنها کسیکه در این ماجرای دردناك و در این حادثه ناگوار برای ایران وملت ایران باقیمانده ولیعهد جوان و بی یا رویاور ایران بود که پس از عزیمت اعلیحضرت رضاشاه ازتهران واستعفاء ازمقام سلطنت ، در تاریخ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ بجای پدر برتخت سلطنت نشست .

اکنون برای آنکه اوضاع کشور درایام تیره و تار شهریور ۱۳۲۰ ودر آن روزهائی که ولیعهد بیست و دوساله ایران در سخت‌ترین لحظات تاریخ زمام امور را بدست گرفت روشن شود ، بذکر برخی از حوادث مهم ودرج بعضی از اسناد تاریخی مبادرت میورزیم .

وقایع قبل از سلطنت محمد رضا شاه پهلوی

بامداد روز سوم شهریور ۱۳۲۰ ، هنگامیکه آقای علی منصور نخست وزیر وقت خبر تجاوز قوای مسلح بیگانه را بمرزهای ایران باطلاع اعلیحضرت رضا شاه رساند و پس از آنکه ولیعهد جوان ایران از این حادثه غم انگیز اطلاع یافت بزرگترین انقلاب روحی باو دست داد .

در تمام مدت دوران حیات خود هیچگاه یك چنین سانحهٔ عظیمی برای اوپیش نیامده بود که شاهد و ناظر دردناك ترین صحنه های تاریخ شده و میهن خود را مورد تعرض قوای بیگانه ببیند .

ساعت دوونیم بعد از ظهر آن روز جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی تشکیل شد و آقای علی منصور جریان این حادثه ناگوار را باین شرح باطلاع نمایندگان مجلس رساند :

«مطالبی که حالا باطلاع آقایان نمایندگان میرسد فقط برای گزارش جریانات

اخیر و وقایعی میباشد که رویداده است . آقایان نمایندگان در این موضوع هر گونه اظهاراتی داشته باشند تمنا میشود بجلسات بعد موکول دارند .

بطوریکه از ابتدای وقوع جنگ کنونی بنا بفرمان ملوکانه مقرر گردید ، دولت شاهنشاهی بیطرفی ایران را اعلام نموده باتمام وسائل و قوای خود دقیقاً این سیاست را پیروی وبموقع اجرا گذاشته وبایك رویه صریح وروشنی در حفظ کشور از خطر سرایت وقایع جنگ ودر صیانت حقوق مشروع تمام دول که باایران روابط دارند ، بویژه دول همسایه کوشیده ،چنانکه تاحال بهیچوجه خطری درایران از هیچ طرف بهیچیك از آنها متوجه نگردیده است ، بااین حال دولت انگلیس و بعد از اتفاق آندولت بادولت شوروی هردو متفقاً اظهاراتی مبنی بر نگرانی از وجود یکمده آلمانی درایران نمودند ، ودونوبت در تاریخ ۲۸ تیرماه وتاریخ ۲۵ مرداد ماه همین سال مرطبق اظهارات مزبور بوسیله نمایندگان خود تذکاریه هائی تسلیم داشتند که اخراج قسمت عمدهٔ آلمانیهای مقیم ایران رادرخواست میکردند .

در پاسخ این اظهارات چه ضمن اظهارات عدیدهٔ شفاهی وچه طبق تذکارهای تاریخ هفتم مرداد وتاریخ سی ام مرداد کتباً اطمینان کافی درمراقبت های دولت ایران نسبت برفتار کلیه اتباع بیگانه وعدم امکان بروز مخاطراتی از عدهٔ محدودی آلمانی که درایران مشغول کارهای معینی هستند داده شد وبرای مزید اطلاع دو دولت ، اقدامات مقتضی برای کاستن عدهٔ معتنابهی از شماره آلمانها بعمل آمده وبجریان افتاد ومراتب مکرر چه در تهران وچه در مسکو ودر لندن بمقامات دولت انگلستان و شوروی خاطرنشان شدوآنچه ممکن بود برای حصول اطمینان وروشن ساختن نظریه آنها کوشش گردید . متأسفانه باتمام این مجاهدات که دولت ایران بمنظور حفظ امنیت وآسایش کشور ورفع نگرانی دو دولت همسایهٔ خود نمود ودرعوض حسن تفاهم وتسویه مسالمت آمیز قضیه ، نتیجه این شد که نمایندگان شوروی وانگلیس ساعت چهار صبح امروز بمنزل بنده آمده وهر کدام یادداشتی مبنی برتکرار مطالب گذشته که جواب آنها بااقدامات اطمینان بخش داده شده بود ودراین یادداشتها توسل

خود را به نیروی نظامی اخطار کرده اند و مطابق گزارشهای رسیده معلوم شد نیروی نظامی آنها در همان ساعت که نمایندگان در منزل من مشغول مذاکره بودند از مرزهای ایران عبور نموده و نیروی هوائی شوروی در آذربایجان به بمباران شهر ها پرداخته و قوای زیادی از جلفا بسمت تبریز اعزام شده . در خوزستان قوای انگلیس به بندر شاهپور و خرمشهر حمله نموده و کشتی هـای ما را غافلگیر نموده و صدمه زده اند . نیروی هوائی آن دولت باهواز بمب ریخته همچنین قوای انگلیس بـا وسائل موتوریزه فوق العاده زیاد از طرف قصر شیرین بسمت کرمانشاه در حرکت میباشد . قوای متجاوز در هر نقطه که با نیروی ارتش مواجه شده اند طبعا تصادم و زد و خوردی هم رخ داده است . دولت برای روشن ساختن علت و منظور این تجاوزات بفوریت مذاکرات و اقداماتی بعمل آورده و منتظر نتیجه میباشد که البته باستحضار مجلس شورای ملی خواهد رسید . چون فعلا منتظر نتیجه مذاکرات هستیم تقاضا شد در این جلسه غیر از استماع گزارش ، صحبتی نشود . بعد بموقع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهیم داد .

دولت لازم میداند بعموم افراد کشور توصیه و تأکید نماید که در این موقع با کمال خونسردی متانت را رعایت نموده و بانهایت آرامش رفتار نمایند .»

بیانات آقای منصور که باتأثر خاصی ایراد میشد ، عموم نمایندگان را از این حادثه اسف انگیز متأثر ساخت و بهت و حیرت عجیبی از این حمله وهجوم غیر منتظره بهمه دست داد .

پس از این حادثه وحشت و اضطراب و نگرانی فوق العاده ای بهمه دست داد ، ولی درمقابل کار انجام یافته دیگر هیچگونه اقدامی امکان پذیر نبود تأثر عمومی هنگامی بمنتها درجه رسید که اعلامیه شماره یك ارتش نیز منتشر شد و بمباران شهر های بـلا دفاع را بوسیله قوای دو دولت متجاوز بـاطلاع عمـوم رسانده بود . اعلامیه مزبور حاکی بود :

۱ - ساعت چهار روز سوم شهریور ماه ، ارتش شوروی در شمال و ارتش انگلیس

در باختروجنوب باختری مرزهای کشور راموردتجاوزوتعرض قرارداده‌اند.

۲ - شهرهای تبریز ،اردبیل،رضائیه، خوی،اهر، میاندوآب، ماکو،مهاباد بناب، رشت، حسن کیاده، میانه ،اهواز ،بندر پهلوی مورد بمباران هوائی واقع وتلفات وارده نسبت بمردم غیر نظامی زیادونسبت بنظامیان باوجودیکه سربازخانه ها رابمباران مینمودندمعذالك تلفات نسبتاً کم بوده است .

یك هواپیمای مهاجم درناحیه تبریز درنتیجه‌تیراندازی توپخانه ضد هوائی سرنگون شده است.

۳ - نیروی موتوریزه ومکانیزه شوروی‌در محور جلفا - مرند - پل‌دشت - ماکو- وقره‌ضیاءالدین،ونیروی‌موتوریزه‌ومکانیزه‌ارتش انگلیس درمحورخانقین- قصر شیرین - نفتخانه - گیلان - آبادان - بندر شاهپور وقصر شیخ بتعرض پرداخته‌اند .

٤-نیروی‌دریائی شوروی در کرانه دریای خزرونیروی‌دریائی‌انگلیس دربندر خرمشهرو شاهپورتعرض نموده‌اند.

٥ - واحدهای ارتش شاهنشاهی‌غافلگیر شده‌اند در حدود امکان باستقبال آنهاشتافتند،در نقاط مختلف باآنها تماس حاصل نموده‌وبدفاع پرداخته‌اندودوارابهٔ زره پوش مهاجم درمنطقهٔ باختر مورد اصابت وازکارافتاده وپیشروی مهاجمین را متوقف ساختداند .

٦ - در کلیه‌مناطق شمالی‌وباختری‌روحیه اهالی بسیارخوب‌وعموماً تقاضای دخول‌درصفوف ارتش‌وحرکت‌بجبهه رابرای‌دفاع‌ازمیهن مینمایند .

انتشاراعلامیه‌ستاد ارتش باآنکه‌حاکی ازمقاومت قوای نظامی‌بود ،معهذا نشان‌میداد که‌باحمله‌ناگهانی‌وغیرمترقبه‌دوارتش‌منظم‌ونیرومند دنیاقادربمقاومت نخواهدبود .

تأثر اعلیحضرت رضاشاه ووالاحضرت‌ولایتعهدازاین پیش‌آمدبیش ازهرفرد میهن پرست دیگر بودزیرابچشم‌خودمیدیدند که با همهٔ فداکاریهائی که‌برای حفظ

بیطرفی ایران بکار برده شده بود ، معهذا آتش جنگ بداخلهٔ مرزهای ایران سرایت کرده و زحمات بیست ساله اعلیحضرت رضاشاه مواجه با این حادثه نا گوار گردیده است

اما کسانیکه باوضاع بین المللی آگاهی داشتند عموماً معتقد بودند که با شرایط فعلی مقاومت ارتش ایران کاری بیهوده وزیانبخش است ، زیرادر جنگ عالم سوزی که ارتش یك کشور سی و پنج میلیونی مانند لهستان هفده روز ، وارتش هلند چهار روز ، وارتش بلژیك هفت روز ، وارتش بزرگ فرانسه فقط درحدود چهل روز توانست جنگ کند ، واضحست که ارتش کوچك ایران قادر به نبرد با قوای مجهز بیگانه آنهم درچند جبهه نبود .

بهر حال تیرگی و وخامت اوضاع سبب گردید که آقای علی منصور با آنکه مردی لایق وسیاستمدار و مدبر بود از کار کناره گیری کند ، و مرحوم فروغی بجای وی مأمور تشکیل کابینه شد .

فرمان ترك مقاومت

یکروز پس از تشکیل کابینه جدید یعنی درروز ششم شهریورماه دولت ایران نامه‌ای بشرح ذیل برای « اسمیرنوف » سفیر کبیر دولت شوروی و « سرریدر بولارد » وزیر مختار دولت انگلیس فرستاد :

« خاطر آن جناب مستحضر است که دولت شاهنشاهی ایران با رعایت سیاست بیطرفی پیوسته کوشش داشته است مناسبات دوستانه خود را بویژه بادولتهای همسایه خود محفوظ بدارد . دراینموقع هم که نیروی جنگی اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس وارد خاك ایران گردیده اند دولت ایران برای ابراز کمال حسن نیت و حفظ مناسبات همجواری مبادرت بجنگ ننموده است . با اینحال قوای آن دولت اقدام بعملیات جنگی و بمباران شهرها نموده و نیروی پادگان ایران نیز در شهرستانها هم طبعاً در مقابل حمله ایکه بآنها شده است ناگزیر از خود دفاع و مقاومت نموده اند . اینك باستحضار خاطر عالی میرساند که دولت شاهنشاهی ایران برای اثبات نیت صلح خواهانه خود دستور داد نیروی دولتی بکلی ترك مقاومت نموده وازهر گونه اقدامی خودداری نمایند .

انتظار دارد قوای آن دولت هم حرکت خود را متوقف ساخته و عملیات جنگی را متروک دارند . این تصمیم باطلاع نمایندگان دول دیگر هم میرسد .»

دو روز بعد . یعنی ساعت یازده صبح روز ۸ شهریورماه وزیر مختار انگلیس وسفیر کبیر شوروی پاسخ نامه فوق را بشرح ذیل بآقای فروغی تسلیم کردند .

متن نامه سفارت انگلیس ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰

آقای وزیر محترما بطوریکه قبلا هم تذکر داده شد ، خاطر جنابعالی را مستحضر میداریم که دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی هیچ نقشه‌ای بر علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران ندارند وعلت اینکه مجبور شده اند اقدامات نظامی بعمل آورند این بوده است که دولت ایران توجهی به پیشنهادات دوستانه آنها ننموده است لیکن اینگونه اقدامات بر علیه خود ایران اتخاذ نگردیده بلکه فقط بر علیه تهدید اقدامات ممکنه آلمانی ها بوده که در نقاط مهم کشور ایران قرار گرفته بوده اند چنانکه دولت ایران فعلا حاضر بتشریک مساعی باشد علت ندارد که عملیات خصمانه ادامه پیدا نماید .

۱ ـ دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی خواستار بعضی ضمانت هائی میباشند که فعلا دولت ایران درحقیقت مایل بانجام تقاضاهای عادلانه آنها هستند تقاضاهای مزبور بقرار ذیل است :

الف ـ دولت ایران بایداامر صادر نماید که قشون ایران بدون مقاومت بیشتری از شمال و شرق خطی که از خانقین، کرمانشاه ، خرم آباد ، مسجدسلیمان ، هفتکل ، گچساران واز آنجا به بندر دیلم که در خلیج فارس واقع شده است عقب نشینی نمایند. در شمال قشون ایران بایداز نقاط اشنو، حیدرآباد، میاندوآب، زنجان، قزوین، خرم آباد ، زیراب ، سمنان ، شاهرود علی آباد عقب نشینی کنند نقاط نامبرده بالا موقتاً بوسیله قشون انگلیس و شوروی اشغال خواهد شد.

ب ـ دولت ایران بایستی درعرض یکهفته کلیه اتباع آلمانی باستثنای اعضای رسمی سفارت آلمان وچندین نفراشخاص فنی که در بنگاه‌های مخابرات نظامی نباشند

ازایران خارج نموده وصورت اسامی آلمانی‌های مزبوررا برای موافقت بنمایندگان سیاسی انگلیس وشوروی درتهران تسلیم نمایند.

ج- دولت ایران بایستی تعهد نماید که اتباع آلمانی دیگر بخاك ایران وارد نشوند.

د- دولت ایران باید تعهدنماید که مانعی درراه حمل ونقل لوازمی که شامل ادوات جنگی نیزخواهد شد وازوسط خاك ایران بین نیروهای انگلیس وشوروی بعمل خواهدآمد قرار نداده بلکه تعهد نماید وسائل تسهیل حمل ونقل این قبیل لوازم راکه‌یا بوسیله راه خط‌آهن ویاازطریق هواحمل میشوند فراهم سازد.

درمقابل دولتین انگلیس وشوروی موافقت مینمایند که:

الف- حقوق مربوط بنفت وغیره ایران را کمافی‌السابق بپردازند.

ب- وسایل تسهیل لوازم مورداحتیاجات اقتصادی ایران رافراهم‌سازند.

ج- پیشروی زیادترنیروهای خود را متوقف ساخته وبمحض اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد قشون خود راازخاك ایران خارج نمایند.

۲- علاوه براین دولت ایران تعهدمینماید که بیطرفی خودراادامه داده‌وهیچ گونه عملی که برخلاف منافع دولتین انگلیس‌یاشوروی باشددراین‌مبارزه که‌براثر تجاوزآلمان برآنهاتحمیل گردیده‌است ننماید. موقع‌رامغتنم شمرده‌احترامات فائقه خود را تقدیم مینماید.

وزیر مختارانگلیس

ریدرزبولارد

نامه سفارت کبرای شوروی بدولت ایران

مورخه ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰

دولت اتحادجماهیرشوروی ودولت بریتانیای کبیرچنانکه درنامه‌مورخ۲۵ اوت سال جاری خودا شعارداشته‌اندهیچگونه مقاصدی که مخالف‌استقلال ایران و یا تمامیت ارضی‌آن باشد ندارند آنها مجبورشدند بعملیات نظامی درخاك ایران مبادرت ورزندچونکه دولت ایران بپیشنهادات دوستانه‌آنها عطف‌توجه‌ننمود بااین

حال این اقدامات بهیچوجه متوجه خود ایران نیست این اقدامات فقط متوجه تهدیداتی است که بامنیت دولت جماهیر شوروی و انگلستان و خود ایران بوسیلهٔ عملیات آلمانی هائی که مقامات برجسته‌ای را در تمام ایران اشغال نموده اند وارد گردیده چنانکه در حال حاضر دولت ایران حاضر بهمکاری باشد هیچ سببی برای اینکه عملیات جنگی ادامه داشته باشد وجود نخواهد داشت ولی دولت شوروی و دولت بریتانیای کبیر در نظر دارند که از دولت ایران تضمینات معینه راجع باینکه دولت ایران اکنون حقیقتاً مایل است منافع حقه آنها را تأمین نماید بگیرند تضمینات از اینقرار است:

الف- دولت ایران باید قوای خود را در جنوب خطی که از جنوب بشرق از نقاط زیر میگذرد عقب ببرد قصبه اشنو، در جنوب غربی دریاچه رضائیه، حیدرآباد و میاندوآب، در جنوب دریاچه رضائیه، وزنجان و قزوین و خرم آباد، ساحل جنوبی دریای خزر، و بابل وزیرآب وسمنان وشاهرود و در شرق علی آباد - نواحی واقعه در شمال این خط باید موقتاً در تصرف نیروی شوروی باشد.

دولت ایران باید بنیروی خود امر بدهد که در شمال ومشرق خطی که از نقاط زیر بگذرد عقب بنشیند خانقین و کرمانشاه وخرم آباد و مسجد سلیمان وهفت گل و گچساران ورام هرمز و بندر دیلم و نواحی واقعه در جنوب ومغرب آن خطی را که موقتاً قشون انگلیس اشغال مینماید.

ب- دولت ایران باید درظرف یك هفته تمام اتباع آلمانی را باستثنای هیئت سفارت آلمان وچند نفر از تکنیسین های متخصص که مشاغل آنها مربوط بوسائل ارتباطی و یا مؤسساتی که جنبه نظامی دارند نباشد خارج نماید سیاهه آلمانی هائی که در ایران خواهند ماند، واز آن جمله کارمندان سفارت آلمان خواهند بود، باید با موافقت سفارت شوروی وسفارت انگلیس در تهران تنظیم شود.

ج- دولت ایران باید تعهد نماید که آلمانی ها را در آینده بخاك ایران راه ندهد.

د - دولت ایران باید تعهد نماید هیچگونه موانعی برای حمل و نقل کالاهائی که از جمله مواد جنگی، بمقصد اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر حمل میشود ایجاد ننماید.

همچنین حمل کالاها و موادی را که در راههای شوسه و راه آهن های ایران و یا درخطوط هوائی حمل میشود تسهیل نماید.

ه - به بنگاههای اتحاد جماهیر شوروی برای توسعه نفت در کویرخوریان مطابق قرارداد ایران و شوروی و همچنین برای توسعه امور شیلات در سواحل جنوبی دریای خزر مطابق قرارداد ایران و شوروی و راجع به شیلات بذل مساعدت نماید.

و - دولت ایران باید تعهد نماید که بیطرفی را حفظ نماید و برضرر منافع شوروی و انگلستان درمخاصمه‌ای که نتیجه تجاوزات آلمانیها میباشد بهیچ عنوان اقدامی ننماید. دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلسان از طرف خود در مطالب زیر موافقت مینمایند:

۱ - بدولت ایران در انجام امور اقتصادی کمك و مساعدت نمایند

۲- حرکت نیروی انگلیس را در آینده متوقف سازند و بمحض اینکه وضعیت جنگی اجازه دهد نیروی خود را از خاك ایران خارج سازند.

۳- دولت شوروی همچنین موافقت دارد پرداخت حق الامتیاز شیلات سواحل جنوبی بحر خزر را بر وفق قرارداد ایران و شوروی مورخ ۱ اکتبر ۱۹۲۷ ادامه دهد

دولت بریتانیای کبیر موافقت دارد:

پرداخت حقوقی را که ازبابت اجاره بهای نقاط نفت خیز و غیره بطوری که تا کنون معمول بوده ادامه دهد.»

عصر روز نهم شهریور ماه نامهٔ دیگری از طرف سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه ایران رسید که طی آن دولت مزبور خواستار شده بود کلیهٔ اتباع آلمان در ایران بقوای انگلیس یا شوروی تسلیم شوند.

متن نامه مزبور باین شرح بود:

یادداشت سفارت انگلیس

مورخه ۹ شهریورماه - سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تعارفات خودرا بوزارت امورخارجه شاهنشاهی اظهار ومحترماً اشعار میدارد که نظر بحوادث وجریانات چندروز گذشته که درنتیجهٔ کلیه طرقی که آلمانها از آن میتوانند از ایران خارج شوند برروی آنها بسته شده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حال مایلند که آلمانها بعوض اینکه توسط دولت شاهنشاهی ایران خارج شوند بقوای انگلیس یاسویت تسلیم گردند .

بنابراین جمله (ب) نامه که وزیرمختاراعلیحضرت پادشاه انگلستان محترما درتاریخ ۳۰ اوت ۸ شهریورماه ۱۳۲۰ بجناب آقای نخست وزیرتسلیم نمودند بقرار ذیل است :

دولت ایران بایستی درظرف یکهفته کلیه اتباع آلمان باستثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان وچند نفراشخاص فنی را که دربنگاههای مخابرات یا نظامی باشند بقوای انگلیس یاسویت تحویل وصورت آلمانیهای مزبور که باموافقت سفارتخانه های انگلیس وسویت تنظیم میشود بمیسیونهای مزبورتسلیم کنند .

پس ازآنکه یادداشتهای دولتین انگلیس وشوروی واصل گردیدهیئت دولت تامدتی مشغول مطالعه وبررسی نامه های مزبوربودند . پس ازآن به تهیه پاسخ آن مبادرت ورزید ودرنتیجه دونامه بشرح ذیل ازطرف وزارت امورخارجه ایران بسفارت انگلیس وسفارت کبرای شوروی تسلیم شد :

نامه وزارت امورخارجه ایران بسفارت انگلیس

آقای وزیرمختار .

محترماً درپاسخ نامه مورخه ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ ، ۳۰ اوت ۱۹۴۱ ، اشعارمیدارد :

اینکه مرقوم شده است دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان واتحاد جماهیر شوروی هیچ قصدی علیه استقلال وتمامیت خاک ایران ندارند وعملیاتی که اخیراً واقع

شده برضد استقلال نیست و در صورتیکه دولت ایران حاضر برای همکاری باشد عملیات خصمانه ادامه نخواهد یافت ،دولت ایران از این اظهارات رسمی اتخاذ سند مینماید و با اعتماد کامل انتظار دارد از اقدامات آن دو دولت که صریحاً وعده داده اند هیچ نوع لطمه ای باستقلال کامل و تمامیت خاك ایران وارد نخواهد آمد و اینکه اظهار کرده اند که دولت ایران تضمین کند که منافع حقه آنهارا رعایت خواهد کرد دولت شاهنشاهی ایران کاملا اطمینان میدهد که نه در گذشته و نه در آینده هیچ قصد نداشته و ندارد که منافع آن دو دولت در ایران مختل شود یا اقدامی برخلاف دوستی و مناسبات همجواری که در بین بوده و هست بعمل آید.

اما در باب تقاضاهائی که در نامه مزبور از دولت ایران نموده اند:

۱ - تقاضا کرده اند دولت ایران بقوای خود امر دهد که بطرف شمال و مشرق خطی که از نقاط خانقین، کرمانشاه، خرم آباد و مسجدسلیمان وهفت گل و گچساران و رامهرمز و بندر دیلم میگذرد عقب بکشد وقوای دولت انگلستان در نواحی جنوبی وغربی این خط اقامت کند و نیز دولت ایران قوای خودرا بطرف جنوب خطی که ازمغرب بمشرق از قصبه اشنو «درجنوب غربی رضائیه» و حیدر آباد و میاندو آب «درجنوب دریاچه رضائیه» وزنجان و قزوین و خرم آباد «در جنوب دریای خزر» و بابل وزیر آب و سمنان و شاهرود و علی آباد «در مشرق میگذرد عقب بکشند وقوای شوروی موقتاً در نواحی واقعه در شمال این خط اقامت کنند اظهار میشود که دولت ایران اصولا این پیشنهادرا برای مدتی که اوضاع جنگ کنونی ایجاب میکند می پذیرد وضمنا چون یقین دارد که خود دولتین هم قصد ندارند نواحی که در آنجا قوای خودرا موقتاً اقامت میدهند وسیع باشد و نیز نظر بملاحظاتی که شفاهاً گفته شد تقاضامیکند در قسمت جنوبی حدود ناحیه منظور نظر طوری معین شود که شهر های خرم آباد و دزفول در آن ناحیه واقع نشود در قسمت شمال هم شهر های قزوین و سمنان و شاهرود از این خط خارج شود دراین موقع لازم میداند نکات زیررا اشعار دارد:

الف : دولت شاهنشاهی ایران تصور میکند و دولت انگلستان موافقت دارد که قوای ایران شهر کرمانشاه را تخلیه نکنند.

ب : بنابر اصلی که آندو دولت در آغاز نامه خود تصریح کرده اند مسلم است که در نواحی که قوای دولت بریتانیای کبیر یا شوروی اقامت خواهند کرد متعلقات ملت و دولت ایران کاملا محفوظ و اختیارات دولت ایران برحسب استقلال تامه خود راجع بوظایفی که نسبت بامور کشور عهده دارد برقرار خواهد بود و از طرف قوای آن دو دولت بهیچوجه عملیاتی که منافی با آن اختیارات باشد واقع نخواهد شد و ادارات دولتی و ملی ایران آزادانه وظایف خود را مطابق مقرارت کشور ایران عمل خواهند کرد و قوای شهربانی و امنیه نیز مشمول همین اصل خواهند بود.

ج - قوای انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی هرجا اقامت دارند از حیث تدارک خوار بار و لوازم زندگی و مسکن و سایر حوائج بر دولت ایران تحمیلی نخواهند داشت وتهیه وسائل مزبور برعهده خودشان خواهد بود و در قسمتی که از داخله تهیه بنمایند باید مطابق مقررات کشور بطریقی باشد که مضیقه‌ای پیش نیاید و مأمورین دولتین انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی در نقاطی که قوای آنها اقامت دارند دستورهای لازم خواهند داد باینکه قوای مزبور و افراد آنها حتی الامکان تماس با اهالی نداشته باشند تا از وقوع احتمالی قضایای نامطلوب احتراز شود.

۲ - باینکه تقاضا کرده اند دولت ایران در ظرف یك هفته تمام آلمانی ها را باستثنای کارمندان سفارت آلمان و بعضی از متخصصین فنی که کار آنها مربوط به وسایل ارتباط با اعمال نظامی نباشد از ایران خارج نماید اشعار میدارد:

دولت ایران موافقت خود را با این تقاضا اعلام میکند و چون خروج آنها از راههائی باید بشود که قوای آن دو دولت در آنجا اقامت دارند البته اقدام خواهند نمود که اتباع آلمانی که خارج میشوند بدون مزاحمت از آن نواحی عبور نمایند و از طرف قوا و مأمورین آندو دولت تعرضی نسبت به آنها نشود راجع باینکه بعد از این

دولت ایران اجازه ندهد اتباع آلمانی بخاک ایران وارد بشوند اشکالی نیست و بدیهی است این قید محدود بمدتی است که مخاصمه فعلی بین آندودولت و دولت آلمان ادامه دارد .

٤ - این که تقاضا کرده اند دولت ایران بهیچوجه اشکالی برای حمل اجناس ومهمات جنگی بمقصد بریتانیای کبیرواتحاد جماهیرشوروی پیش نیاورد وحمل آنرا بوسیله راههای شوسه وراههای آهن و یاراههای هوائی تسهیل نماید دولت شاهنشاهی موافقت خود را دراین باب اشعار میدارد البته تسهیلاتی که دولت ایران خواهد نمود دوحدود تمکن وموجودیت وسایل خواهد بود بطوریکه مایه تضییقی برای دولت ایران وایرانیان فراهم نشود .

٥ - اینکه اظهارداشته اند که دولت ایران تعهد کند که بیطرف مانده و اقدامی نکند که بمنافع دولت انگلستان واتحاد جماهیر شوروی دراین منازعه آنها بادولت آلمان خللی وارد آورد لزوماً اشعارمیدارد که راجع به بیطرفی بطوری که اطلاع دارند دولت ایران ازآغازجنگ اروپا بطیب خاطر بیطرفی خود را اعلام داشته وبهیچوجه ازشرایط این بیطرفی تخلف نکرده بود و بعد هانیزدراین تصمیم خود باقی خواهد بود ونیزدولت ایران هیچگاه راضی نبوده ونخواهد بود که بمنافع حقه آن دودولت خللی واردآید وامیدواراست اولیاء آن دودولت در تفسیراین عبارت وتطبیق این معنی با مواردعمل حسن تفاهم را ازمدنظردور ندارند تا ازبروزهرگونه مشکلاتی اجتناب شود .

٦- بطوریکه درنامه خودوعده داده اند که بدولت ایران درحوائج اقتصادی مساعدت نمایند یقین است که دراجرای این مقصود خرید کالاهای صادراتی ایران را نیزمنظور داشته واقدام لازم بعمل خواهند آورد که اجناس متعلق بایران که تاکنون درحدود متصرفات انگلستان ویا خاک دولت شوروی موجود ومتوقف مانده هرچه زودتر بایران حمل شود وازاین جهت برای اینکشور گشایشی دست دهد .

٧- نسبت بوعده صریحی که آن دولت داده اند پیشرفت قوای انگلیس و شوروی

را متوقف سازند و هر روزی که اوضاع جنگ کنونی اجازه دهد آنها را از خاک ایران بیرون ببرند دولت ایران از این فقره اتخاذ سند مینماید و اعتماد خود را نسبت باین اظهارات دو دولت اشعار میدارد .

۸ - اینکه اظهار داشته اند حق الامتیاز نفت شرکت ایران و انگلیس مانند گذشته پرداخته خواهد شد و دولت شوروی هم موافق قرارداد ایران و شوروی مورخ اول اکتبر ۱۹۴۷ حقوق دولت ایران را از بابت شیلات سواحل جنوبی بحر خزر کماکان خواهد پرداخت موجب امتنان است .

۹ - درخاتمه اشعار میدارد که چون درضمن عملیاتیکه از روز ۳ شهریور ببعد واقع شده ممکن است اسلحه و مهمات و اشیائی از قوا و متعلقات ایران بدست قوای آندو دولت افتاده باشد نظر بعوالم دوستی که فیمابین این دولت با بریتانیای کبیر و با دولت اتحاد جماهیر شوروی برقرار است دولت ایران انتظار دارد که مسترد سازند وچون نیز درضمن عملیات قوای آندو دولت خسارات مالی و خرابیها و اتلاف نفوس واقع شده است امیدوار است از طرف آن دو دولت نیات دوستانه و مشفقانه در باره ترمیم آنها ابراز شود و قسمتی از این قضایای ناگوار پس از آن روی داده است که دولت ایران بقوای خود امر بترک مقاومت نموده بود .

نامه وزارت امور خارجه ایران بسفارت کبرای شوروی

دولت شاهنشاهی ایران درجواب یادداشت ۸ شهریورماه ۱۳۲۰ ، ۳۰ اوت ۱۹۴۱ ، دولت اتحاد جماهیر شوروی اشعار میدارد :

اینکه مرقوم شده است دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هیچ قصدی بر علیه استقلال و تمامیت خاک ایران ندارند و عملیاتی که اخیراً واقع شده برضد ایران نیست و درصورتیکه دولت ایران حاضر برای همکاری باشد عملیات خصمانه ادامه نخواهد یافت دولت ایران از این اظهار رسمی اتخاذ سند مینماید. وبا اعتماد کامل انتظار دارد از اقدامات آن دو دولت چنانکه صریحا وعده داده اند

هیچ نوع لطمه‌ای باستقلال کامل و تمامیت خاك ایران وارد نخواهد آمد و اینکه اظهار کرده‌اند که دولت ایران تضمین کند که منافع حقه آنها را رعایت خواهد کرد دولت شاهنشاهی ایران کاملا اطمینان میدهد که نه در گذشته و نه در آینده هیچ قصدی نداشته و ندارد که منافع حقه آن دو دولت در ایران مختل شود و یا اقدامی برخلاف دوستی و مناسبات همجواری که در بین بوده و هست بعمل آید.

۱- اینکه تقاضا کرده‌اند که دولت ایران فوری قوای خود را بطرف جنوب خطی که از مغرب بمشرق و از قصبهٔ اشنو در جنوب غربی رضائیه و حیدرآباد و میاندوآب در جنوب دریاچه رضائیه و زنجان و قزوین و خرم‌آباد و در جنوب دریای خزر و بابل و زیرآب و سمنان و شاهرود و علی‌آباد در مشرق میگذرد عقب بکشند و قوای شوروی موقتاً در نواحی واقعه شمال این خط اقامت کنند و نیز دولت ایران بقوای خود امر دهد که بطرف شمال و مشرق خطی که از نقاط خانقین و کرمانشاه و خرم‌آباد و مسجد سلیمان و هفت‌گل و گچساران و رام‌هرمز و بندر دیلم میگذرد عقب بکشد و قوای انگلستان در نواحی جنوبی و غربی این خط اقامت کنند اخطار میشود که دولت ایران اصولا این پیشنهاد را برای مدتی که اوضاع جنگ ایجاب میکند میپذیرد.

ضمنا چون یقین دارد که خود دولتین قصد دارند نواحی که قوای خود را در آنجا موقتاً اقامت می‌دهند وسیع نباشد و نیز نظر بملاحظاتی که شفاهاً گفته شد تقاضا میکند که در قسمت شمال شهرهای قزوین ـ سمنان ـ شاهرود از این خط خارج شود و در قسمت جنوبی هم حدود ناحیه منظور نظر طوری معین شود که شهرهای خرم‌آباد و دزفول در آن ناحیه واقع نشود و در اینجا لازم میداند نکات زیر را اشعار دارد:

الف - دولت شاهنشاهی ایران تصور میکند که دولت انگلستان موافقت دارد که قوای ایران شهر کرمانشاه را تخلیه نکنند.

ب- بنابر اصلی که آن دو دولت در آغاز نامهٔ خود تصریح کرده‌اند مسلم است که در نواحی که قوای دولت شوروی یا بریتانیای کبیر اقامت خواهند کرد متعلقات دولت و ملت ایران کاملا محفوظ و اختیارات دولت ایران برحسب استقلال تام خود راجع

بوظایفی که نسبت بامور کشور برعهده دارد کاملا برقرار خواهد بود و از طرف قوای آن دو دولت بهیچوجه عملیاتی که منافی با این اختیارات باشد واقع نخواهد شد وادارات دولتی وملی ایران درادامه وظایف خود مطابق مقررات کشور ایران عمل خواهند کرد و قوای شهربانی وامنیه نیز مشمول همین اصل خواهند بود.

ج - قوای دولتین اتحاد جماهیر شوروی وانگلستان هرجا اقامت دارند ازحیث تدارك خواربار ولوازم زندگی وسایر حوائج بردولت ایران تحمیلی نخواهند داشت وتهیهٔ وسایل مزبور برعهده خودشان خواهد بود وقسمتی که از داخله کشور تهیه مینمایند باید مطابق مقررات کشور وبطریقی باشد که مضیقه‌ای پیش نیاید

د - مأمورین دولتین اتحاد جماهیر شوروی وانگلستان درنقاطی که قوای آنها اقامت دارد دستورهای لازم خواهند داد باین که قوای مزبور با افراد آنها حتی الامکان تماس با اهالی نداشته باشند تا از وقوع احتمالی قضایای نامطلوب احتراز شود.،

پس از تسلیم یادداشتهای فوق، دولت برای آنکه قوای نظامی انگلیس و شوروی وارد تهران نشوند با نمایندگان دو دولت مذکور وارد مذاکره شد. نگرانی مردم همچنان دوام داشت ومیدانستند باوجود توافق نمایندگان سیاسی دو دولت همسایه با دولت ایران، معهذا روزهای سخت ودشواری درپیش است.

خبرهائیکه از شهرستانها میرسید بیش از پیش باعث تأسف وتأثر وطن پرستان میگردید، زیرا خبرهای مزبور حاکی بود که عده‌ای از افسران وسربازان درنخستین برخورد و پیش از دریافت فرمان ترك مقاومت درحین انجام وظیفه کشته شده‌اند وقوای بیگانه اغلب شهرهارا اشغال کرده وهمچنان بطرف پایتخت پیش میآید.

بالاخره روز ۱۵ شهریورماه بار دیگر نمایندگان دو دولت درکاخ وزارت امور خارجه حضور یافته پاسخ یادداشتهای دولت ایران را تسلیم کردند. یادداشت سفارت انگلیس باین شرح بود:

یادداشت سفارت انگلیس

مورخه ۱۵ شهریور ماه ۱۳۲۰

جناب آقای علی سهیلی وزیر امورخارجه دولت شاهنشاهی - تهران

آقای وزیر :...

درپاسخ نامه شماره ۳۶۱۵ مورخ ۱۰ شهریور ماه جاری برابر اول سپتامبر محترماً مراتب زیررا باستحضار خاطر آن جناب میرسانم .

درعرض چندروز گذشته اوضاع محلی بنحوی تغییریافته که در زمانی که دولت متبوعه دوستدار تعلیماتی را که نامهٔ اینجانب مورخهٔ ۳۰ اوت ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ برآن مبنی بود تنظیم نمودند پیش بینی نکردیده بود ازلحاظ اینکه تصفیه امرجهت دولت ایران آسان تر گردد قوای متحدین شهرتهران را اشغال ننمودند لیکن سفارتخانه‌های دول محور این خودداری را فقط علامت ضعف پنداشته از آزادی که ازاین رهگذر جهت آنها پیش آمده بود استفاده نموده بوسیله هجو و تنقید دولتین اعلیحضرت پادشاهی انگلستان واتحاد جماهیرشوروی و تخدیش اذهان عمومی توسط تبلیغات محلی ورادیو های آلمان وایتالیا موجبات زحمت و اشکال دولت ایران را فراهم نمودند. بنابراین دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان ناگزیر بدولت ایران اطلاع میدهد که لازم است باسرع اوقات ممکنه سفارت آلمان بانضمام سفارتخانه های دیگر که تحت اراده آلمان میباشند یعنی سفارتخانه‌های ایتالیا ومجارستان و رومانی و بلغار برچیده شوند این تقاضا امروز صبح شفاهاً بجنابعالی ابلاغ گردید لیکن مقتضی میدانم آنرا کتباً نیز اظهار داشته وخاطر آن جناب را متذکر شوم که تازمانی که سفارتخانه‌های نامبرده بسته نشده دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان ازدولت ایران تقاضامینماید کلیه تسهیلات مربوط به پیك ورمزرا موقوف نموده ونگذارند سفارتخانه های مزبور از دستگاههای بی سیم وفرستنده خود استفاده کنندومورد اشخاصیکه باسفارتخانه‌ها ایاب وذهاب مینمایند وهمچنین درباب عملیات واقدامات این سفارتخانه ها که مورد سوء ظن است مراقبت وتفتیش کاملی بعمل آورند.

اکنون مشروحاً به جواب نامه فوق الذکر جنابعالی مبادرت مینمایم.

بند اول

الف - گرچه دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان حاضر نیستند هیچیك از شهرهای مقرره ومصرحه را از نواحی متصرفی که قبلا بدولت ایران ابلاغ گردیده مجزا نمایند اصولا ایرادی ندارند باینکه درمحل ترتیبی فیمابین مأمورین نظامی انگلیس ومأمورین وابسته ایران داده شود که برطبق آن عده‌ای ازارتش یاامنیه برای تأمین نظم وآرامش دردزفول وخرم آباد و کرمانشاهان بوده باشند معذالك درصورتی که احتیاجات نظامی انگلیس ایجاب نماید ترتیب نامبرده ممکن است مورد تجدید نظر واقع شود.

ب - درنواحی متصرفی لازم خواهد بود مأمورین اداری ایران مشاغل و وظایف جاریه خودرا بامعاضدت کامل مأمورین انگلیس انجام دهند مأمورین نظامی نامبرده بسهم خود سعی خواهند نمود که بادر نظر گرفتن احتیاجات نظامی انگلیس موافقت نمایند تمایلات حقانی اولیای امور اداری ایران را انجام دهند.

ج - مأمورین نظامی انگلیس هیچ میل ندارند ازحیث آذوقه و مسکن و سایر احتیاجات تحمیلی بردولت ایران بوده باشند و با معاضدت مأمورین اداره ایران ترتیباتی داده خواهد شد که احتیاجات مأمورین نظامی انگلیس در این مورد بنحوی تأمین شود که مضیقه‌ای جهت آن کشور تولید نگردد.

د - هرگونه اقدامات لازم بعمل خواهد آمد که از حوادث ناگوار فیمابین قوای متصرفی وساکنین محل جلوگیری شود.

بند ۲

٤- رویه‌ای را که درباب آلمانها اتخاذ نموده‌ایم درنامه دوستدار مورخه ۳۰ اوت ۸ شهریور ذکر شده ودریادداشتی که روز بعد تسلیم نمودم تغییر یافته امروز صبح محترماً نظریات پادشاه انگلستان را برای جنابعالی تشریح نمودم باستثنای اشخاصی که ممکن است مورد تصویب میسیون های سیاسی انگلیس وسویت درتهران واقع

شوند هیئت آلمانی ها ، غیرازسفارت آلمان که در فوق اشعار گردید ، بایستی بمأمورین انگلیس یابمأمورین سویت تحویل گردد .

بند ۳

۵ - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان موافقت دارند کـه تضییق مربوط بورودآلمانیهاباایران فقط محدود بطول مدت جنگ باآلمان بوده باشد .

بند ۴

٦ - تسهیلات راجع به ترانزیت کالاها ومهمات جنگی برطبق احتیاجات نظامی خواهد شد لکن دولت ایران میتواند اطمینان داشته باشد که اقداماتی برای اصلاح وتکمیل وسایل‌ومرابط ومخابره که‌اکنون موجوداست بعمل‌خواهد آمدونیزسعی‌خواهد شدجهت دولت شاهنشاهی وملت ایران‌مضیقه‌ای‌تولید نشود .

بند ۵

۷ - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بالزوم حفظ داشتن حسن تفاهم ذات‌البین بمنظوراحترازهرگونه اشکالی موافقت دارند .

بند ٦

۸ - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان باتقاضای دولت ایران دائربااین که معاضدت‌اقتصادی شامل خرید صادرات ایران بوده باشد بانظرمساعد وهمدردی ناظربوده وآنچه رامیتوانند برای انجام این تقاضابعمل خواهد آورد امادرباب تقاضای دیگرممکن است برای رهاکردن کالاهای متعلق بایران کـه الحال در خاك انگلیس میباشدبعمل‌آیدلازم‌خواهدبود قضایای‌انفرادی‌بمناسبت خصوصیات هریك مورد مطالعه ورسیدگی واقع شود لکن سعی خواهد شد این قبیل کالاها درهرجاممکن باشدآزاد شود .

بند ۹

۹ - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضرخواهندبود موضوع‌ارجاع اسلحه جات ومهمات جنگی‌رادرموقع مناسب مورد مطالعه‌قراردهند ونیزحاضر

خواهند بود که وقتی قوای متصرفی انگلیس از ایران خارج شدند تقاضاهای عادلانه ای را که ممکن است دولت ایران بابت غرامت وخسارت وارد بـا تباع ایران درطی مدت اشغال بنماید مورد رسیدگی وملاحظه قراردهند .

موقع رامغتنم شمرده واحترامات فائقه خودرا تجدید مینمایم .

وزیرمختارانگلیس

ریدروز بولارد

نامه سفارت دولت شوروی بوزارت امورخارجه

آقای وزیر

درجواب یاداشت شماره ٣٦١٤ مورخه اول سپتامبرجاری افتخاردارم مطالب زیررا باطلاع جنابعالی برسانم :

در ظرف چند روزاخیروضعیت ایران درجهتی بکلی مخالف آنچه درموقعی که دولت این جانب شرائط مندرجه دریادداشت سی ام اوت ١٩٤١ را تشریح نموده ومبنای مذاکرات دولتین شوروی وبریتانیای کبیر بادولت شاهنشاهی بود سیرنموده است . برای اینکه حل قضیه برای دولت ایران سهل شود قشون شوروی وانگلیس ازاشغال تهران خودداری نمودند سفارتهای دول محوراین عمل نجیبانه رانشانه ضعف دانسته وازموقع استفاده نمودند که دولت ایران درمحظورقرارداده ودول شوروی وانگلستان رابی اعتبارنموده وبه تبلیغات خوددرایران چه درمحل وچه بوسیله رادیوهای آلمان وایتالیاتوسعه دهند . نظربهاین قضیه دولت شوروی مجبوراست درمقابل دولت ایران راجع بلزوم خارج نمودن سفارت آلمان وسفارت هائیکه تحت نظارت آلمان هستند یعنی سفارتهای ایتالیاومجارستان اصرار ورزد .

دولت ایران عهده داراست حتی قبل ازعزیمت این سفارتخانه ها ازایران آنهاراازارتباط بوسیله پیك ورمزواستعمال ایستگاه های فرستنده ممنوع سازد ونظارت جدی راجع باشخاصی که باین سفارتخانه ها میروند و رفتار آنها طرف سوء ظن است بعمل آورد .

راجع بتقاضای دولت ایران مندرج دریادداشت بشماره ۳٦۱٤ مورخ اول سپتامبر دولت شوروی اینجانب را مامور نموده که پاسخ زیررا بشما ابلاغ نمایم :

۱ - دریادداشت حکومت شوروی مورخ ۳۰ اوت سال جاری خط مرزی نواحی ایران که ازطرف نیروی شوروی اشغال شده بطوردقت تشریح شده و دولت شوروی نمیتواند بهیچ تغییری دراین خط رضایت بدهد باین جهت تقاضای دولت ایران درخروج شهرهای قزوین وسمنان وشاهرود ازاینمنطقه نمیتواند صورت بگیرد.

۲ - درنواحی اشغال شده ازطرف نیروی شوروی ادارات محلی ایرانی شامل شهربانی وامنیه وظایف معمولی خودرا انجام خواهندداد درعین حال دولت شوروی انتظاردارد که اولیای امور محلی معاضدت کامل بافرماندهی نظامی ارتش سرخ راجع برفع حوائج آن مخصوصاً جادادن آن بعمل آورند.

اولیای نظامی شوروی حاضرخواهندبود تقاضاهای حقه اولیای امور ایرانی را تا حدیکه بانظریات فرماندهی ارتش سرخ وفق دهد موردتوجه قراردهند.

۳- فرماندهی نظامی شوروی هیچ درنظرندارد که راجع باحتیاجات ارتش خود سربار دولت ایران بشود همکاری مابین فرماندهی قشون سرخ واولیای امور محلی ایران برای رفع احتیاجات ارتش سرخ برقرارخواهدشد بنحوی که این احتیاجات موجب مشکلات برای کشور ایران نشود.

٤ - اولیای امورنظامی شوروی رژیم مناسبی برای قشون خود برقرار خواهند نمود ونیز اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد که ازحوادث ناگوار جلوگیری شود و دولت شوروی نمیتواند رژیمی را قبول کند که بکلی قوای مارا ازمردم جداسازد

٥ - اتباع آلمان درایران میبایستی تسلیم اولیای شوروی و انگلستان بشوند. باستثنای آنهائیکه مخصوصاً ازطرف سفارتکبرای شوروی و سفارت انگلیس در تهران معین کردند .

٦ - دولت شوروی موافقت دارد که منع ورود آلمانیها درایران فقط محدود به مدت جنگ با آلمان خواهدبود

۷ - درموقع ترانزیت کالاها وموادجنگی شوروی بایران لزوم جلوگیری از اختلال درحمل ونقل داخلی موردتوجه قرار خواهد گرفت.

معاضدتی که ازطرف دولت ایران راجع بهترانزیت کالاها وموادجنگی شوروی که بوسیله راه‌های شوسه وراه آهن وهمچنین راههای هوائی فرستاده میشوند تقاضا شده برطبق احتیاجات نظامی تعیین خواهدشد.

۸ - دولت شوروی ازحاضربودن دولت ایران در انعقاد قرارداد جدیدی برای استخراج نفت کویرخوریان که پیشرفت آن درمدت چندین سال ازطرف دولت ایران مختل شده بود اتخاذسند مینماید.

مهیابودن دولت ایران درمشارکت سهامی شیلات و از بین بردن موانعی که تابحال برای این شرکت ازطرف اولیای امورمحلی ومرکزی ایجاد میشد بسیار موردتقدیر است.

۹ - دولت شوروی هرچه‌ممکن باشد برای مساعدت اقتصادی با ایران من جمله خرید کالاهای ایران که درخاك شوروی هستند هرقسمت باید ازنظر کیفیت خاص آن مورد بررسی قرار گیرد ودرهرموردی که ممکن باشد پروانه عبور برای رساندن آن کالاها بایران داده خواهد شد.

۱۰ - دولت شوروی حاضرخواهدبود وقتیکه ضرورت توقف ارتش سرخ در خاك ایران مرتفع شود موضوع پس دادن تسلیحات ارتش ایران را مورد بررسی قراردهدوتا آن موقع این تسلیحات درتصرف ارتش شوروی واقع خواهدبود.

راجع بجبران خسارت وارده بواسطه جنگ وبمباران‌ها این تقاضای دولت ایران نمیتواند مورد قبول واقع شودزیرا این جنك مادامی دوام داشت که ارتش ایران درمقابل ارتش ما مقاومت میکردند.

پس ازوصول یادداشتهای مزبور باردیگردولت ببررسی ومطالعهٔ آن‌ها پرداخت وآنگاه پاسخ دولتین انگلیس و شوروی را باین مضمون داد:

جناب آقای سر ریدر بولارد وزیر مختار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

آقای وزیر مختار

در پاسخ نامه مورخه ۱۵ شهریور ماه جاری ٦ سپتامبر ۱۹٤۱ جنابعالی و در تعقیب نامهٔ شماره ۳٦۱۵ خود راجع بحل مسائلی که برخلاف انتظار بر اثر ورود قوای نظامی دولت انگلستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی بخاک ایران پیش آمده و مطرح گردیده است این جانب اختیار دارد مطالب زیر را که منتهای حسن اراده دولت شاهنشاهی ایران بر اصلاح ذات البین می باشد باستحضار آن جناب برساند.

البته راجع ببرچیدن سفارت خانه‌های آلمان وایطالی و رومانی و مجارستان و اقداماتی که در نامهٔ آن جناب خواسته بودید نسبت بسفارت خانه‌ها و اتباع آلمان بعمل آید خاطر شمارا مستحضر میدارد که برای ابراز کمال حسن نیت و مساعدت نسبت برفع نگرانی دولت انگلستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی دولت شاهنشاهی ایران نظر بوضعیت فعلی ناگزیر موافقت نمود و اقدام فوری بعمل آورده که ترتیب انجام تقاضاهای آن دو دولت در این قسمت برای مرتفع ساختن هر سوء تفاهمی زودتر داده شود ولی لازم میداند متذکر گردد علاوه بر پیش بینی های گذشته با اقداماتی که از طرف دولت همین چندروزه نیز برای جلوگیری از هرگونه سوء القاآتی بعمل آمده تغییری در اوضاع محلی رخ نداده و مشکلاتی هم بر اثر اقدامات آلمانی ها وایطالیائی های مقیم تهران برای دولت ایران ایجاد نشده است تا جای آن باشد که موضوع عدم ورود قوای دولتین انگلستان و شوروی را بتهران که هیچگونه سبب و بهانه‌ای هم برای آن نبود و نیست تذکر دهید.

۲ - دولت شاهنشاهی ایران متأسف است که دولت انگلستان و دولت جماهیر شوروی نخواسته‌اند مختصر تقاضای ایران راحتی در خارج ساختن شهرهای سمنان و شاهرود و قزوین و خرم آباد و دزفول از خطی که در یادداشت اولی خود معین

کرده بودند بپذیرند گرچه بنظر دولت ایران موجبی برای رد این تقاضا نبوده است و باینکه موافقت نموده اند در نقاط خرم آباد و دزفول و کرمانشاهان ترتیبی بین مامورین نظامی انگلیس و مامورین وابسته ایران داده شود که برطبق آن عده ارتش یاامنیه ایران برای تامین نظم و آرامش دردزفول وخرم آباد و کرمانشاهان بوده باشند دولت شاهنشاهی ایران بااطمینان از آنکه نظم وآرامش درهمه جا مورد توجه وعلاقه دولت انگلستان میباشد امیدوار است موافقت خواهد نمود که همین رویه درنقاط دیگرهم که طبق یادداشت اول آن دولت موقتاًدر آنجا متوقف می گردند برقرار شود ضمنا باین نکته نیز جلب توجه مینماید که موضوع لزوم وجود امنیه درسایر نقاط محل توقف قوای دولتین هم همواره مورد موافقت بوده ومحرز میباشد .

۳ ـ راجع بمعاضدت متقابل ادارات کشوری دولتی از جمله امنیه و شهربانی با قوای نظامی دولتین در نقاطی که محل توقف آنها میباشد دولت ایران امیدوار است رویه حسن تفاهم بین آنها کاملا استقرار یابد که احتیاجات حقه قوای طرفین برآورده شود و مامورین ایرانی هم مطابق مقررات کشور بدون زحمت ازعهده وظائف خود برآیند.

بنابر مراتب بالا دولت شاهنشاهی ایران یقین دارد اکنون که از هر جهت وسایل اطمینان خاطر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی فراهم گردیده است اوامر فوری مؤثر بقوای آن دولت صادر خواهند نمود که درحدود موافقت های حاصله عمل نمایند مأمورین دولت ایران درآن نقاط برای اعاده وضعیت عادی وانجام وظائف خود منظماً اقدام نمایند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

جناب آقای اسمیرنوف سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - تهران

آقای سفیر کبیر

در پاسخ نامه مورخه ۱۵ شهریورماه جاری «۶ دسامبر ۱۹۴۱» و در تعقیب نامه مورخه ۱۰ شهریورماه جاری شماره «۳۶۱۴» اینجانب راجع بحل مسائلی که بر خلاف انتظار براثر ورود قوای نظامی دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان بخاک ایران پیش آمد و مطرح گردیده است اختیار دارد مطالب زیر را که دلیل منتهای حسن اراده دولت شاهنشاهی ایران بر اصلاح ذات البین میباشد باستحضار آن جناب برساند:

۱ - راجع به برچیدن سفارتخانه‌های آلمان و ایتالیا و رومانی و مجارستان و اقداماتیکه در نامه آن جناب خواسته بودند نسبت بآن سفارتخانه‌ها و اتباع آلمان بعمل آید خاطر شما را مستحضر میدارد که برای ابراز کمال حسن نیت و مساعدت نسبت برفع نگرانی دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان و دولت شاهنشاهی ایران نظر بوضعیت فعلی ناگزیر موافقت نموده و اقدام فوری بعمل آورد که ترتیب انجام تقاضای آن دو دولت در این قسمت برای مرتفع ساختن هر سوء تفاهمی هرچه زودتر داده شود ولی لازم میداند متذکر گردد که علاوه بر پیش بینی های گذشته با اقداماتیکه از طرف دولت در همین چندروزه نیز برای جلوگیری از هرگونه سوء اتفاقات بعمل آمده تغییری در اوضاع محلی رخ نداده و مشکلاتی هم براثر اقدامات آلمانها و ایتالیائی های مقیم تهران برای دولت ایران ایجاد نشده است تا جای آن باشد که موضوع عدم ورود قوای دولتین شوروی و انگلستان را بتهران که هیچگونه سبب و بهانه‌ای هم برای آن نبوده و نیست تذکر دهید.

۲ - دولت شاهنشاهی ایران متأسف است که دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان نخواسته اند مختصر تقاضاهای ایران راحتی در خارج ساختن شهرهای سمنان و شاهرود و قزوین و خرم آباد و دزفول از خطی که در یادداشت اولی خود معین

کرده بودند بپذیرند هرچند بنظر دولت ایران موجبی برای رد این تقاضا نبوده است .

۳ - راجع بمعاضدت متقابل ادارات کشوری دولتی (از جمله امنیه و شهربانی) باقوای نظامی دولتین درنقاطی که محل توقف آنها میباشد دولت ایران امیدوار است رویه حسن تفاهم بین آنها کاملا استقرار یابد که احتیاجات حقه دولتین برآورده شود ومأمورین ایرانی هم مطابق مقررات کشور بدون مانع ازعهده وظایف خود برآیند .

٤ - راجع بجبران غرامت خسارت وارده که باستناد مقاومت قوای ایران در مقابل قوای شوروی اشعار داشته‌اند نمیتوانند استرضای خاطر دولت ایران را ازاین حیث فراهم نمایند لازم میداند این نکته را تذکر دهد که چون آغاز مخاصمه از طرف قوای ایران بعمل نیامده وورود قوای شوروی هم بدون اطلاع قبلی بوده مقاومت بدوی پادگانها هم برای دفاع خویش طبعاً صورت گرفته دولت ایران هم باقتضای حسن نیت خود درصلح طلبی وحفظ مناسبات دیرینه باآن دولت بلافاصله دستور ترك مقاومت داده است وقسمت مهم خسارت وارده پس از اعلان ترك مقاومت بود بنابراین دولت ایران حقاً انتظار دارد که موضوع غرامت مورد تجدید نظر و توجه خاص دولت شوروی واقع شود .

٥ - باحسن مناسبات موجوده وترتیباتی که اینك برقرار میگردد دولت شاهنشاهی برای نگاهداری اسلحه ومهماتی که از قوای ایران گرفته شده است موجبی نمی بینند با این حال اگر دولت اتحاد جماهیر شوروی اصرار در این نگاهداری موقت داشته باشند اقتضا دارد فهرستی از اسلحه ومهمات مزبور باحضور نمایندگان طرفین تنظیم گردد تابعد ازجنگ یادرموقع مناسب دیگری پیش از پایان جنگ بدولت ایران مسترد گردد .

بنابراین دولت شاهنشاهی یقین دارد اکنون که ازهرجهت وسایل اطمینان خاطر دولت جماهیر شوروی ودولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان فراهم گردیده است اوامر فوری مؤثر بقوای آن دولت صادر خواهند نمود که درحدود موافقتهای حاصله

عمل نمایند تامأمورین دولت ایران در آن نقاط برای اعاده وضعیت عادی وانجام وظایف خود منظما اقدام نمایند.

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه راتجدید می نماید.

آغاز سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی

حوادث تلخ ودردناك فوق برای اعلیحضرت رضاشاه پهلوی که یك عمردرراه ایران عزیز فداکاری وجانبازی کرده بود بحدی مؤثروا قع شدکه تصمیم گرفت بااوضاع نامطلوب کشور ومخالفت شدید بیگانگان بااواز سلطنت کناره کند، وتاج وتخت کیان را بفرزند والا گهرخود بسپارد.

ازاینروروز ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ اعلیحضرت رضاشاه مؤسس و سرسلسله خاندان پهلوی پس از بیست سال فرمانروائی پرافتخارازسلطنت کناره گرفت واستعفا نامه خود رابااین شرح امضاء کرد:

نظر باینکه من همه قوای خود را دراین چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده ام حس میکنم که اینك وقت آن رسیده است که یك قوه و بنیه جوان تری بکار های کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد و اسباب سعادت ورفاه ملت را فراهم آورد.

بنابراین امور سلطنت رابولیعهد و جانشین خود تفویض کردم و از کار کناره نمودم ازامروز که روز ۲٦ شهریورماه ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشگری ولیعهد مرا باید بسلطنت بشناسند وآنچه ازپیروی مصالح کشور نسبت بمن میکردند نسبت بایشان منظوردارند.

کاخ مرمرتهران

۲۵ شهریورماه ۱۳۲۰ است- امضا

پس ازآنکه اعلیحضرت محمد رضاشاه بر تخت سلطنت جلوس کرد، ازنخستین روزبمشکلات بزرگی که درسرراه او وجود داشت پی برد و متوجه گردید که در یکی ازحساس ترین ودشوارترین لحظات تاریخ زمام امورازهم گسیخته ایران بکف او سپرده شده است.

باوجود این تصمیم گرفت باکلیهٔ عوامل مخالف و مشکلات گوناگون مبارزه نموده و کشور باستانی ایران را که دوهزارو پانصد سال در برابر سخت ترین و هولناك ترین سوانح تاریخ مقاومت کرده بود و از زیر بار آنهمه حوادث بزرگ باسرفرازی سر راست کرد، از انقراض و تجزیه نجات دهد.

خبرهائی که در آن ایام از شهرستانها میرسید همگی حاکی از آشفتگی اوضاع وهرج ومرج بود. از گوشه و کنار رؤسای ایلات وعشایر سر راست کردند و مردان بانفوذ وملاکین در املاك واراضی متصرفی خویش حکومت خود مختار و مستقلی ایجاد نمودند.

ناامنی درراه ها شروع شد، قتل وآدم کشی و قحطی و گرسنگی و بیماری ودربدری باردیگر تجدید گردید. حکومت مرکزی قدرت خودرا ازدست دادو قوای بیگانه با همه مواعیدی که نمایندگان دول همسایه درباره عدم مداخله در امور داخلی ایران داده بودند، برهمه چیزمردم حکومت میکردند. گندم و برنج وخواربار مردم ازمرزهابیرون برده میشد. مهاجرین وفراریان جنگ ازنقاط مختلف بایران روی آورده و قحطی و گرسنگی را تشدید کردند.

احزاب دست نشانده وجیره خوارشروع بفعالیت نمودند. نسبت بمقدسات ملی واستقلال وآزادی ایران بزرگترین توهین هارا کردند. انتقاد از اوضاع گذشته ومنفی بافی وفحش ودشنام برجال وخدمتگذاران میهن و کسانی که یك عمردرراه ملت ومملکت فداکاری کرده بودند شروع شد. قوای مجریه وقضائیه ومقننه قوت و قدرت خودرا ازدست دادند. تشتت وتفرقه وهرج ومرج وجدائی وپراکندگی عجیبی در کلیهٔ شئون پدیدار گردید.

دربرابر همهٔ این عوامل مخالف پادشاه جوان ایران میبایستی مانند یک دیپلمات جهاندیده وزبردست، چنان باسیاست وتدبیر عاقلانه با دشمنان خارجی وداخلی رفتار کند که این بنای نیمه ویران بکلی واژگون نشود وکاخ استقلال ایران سرنگون نگردد.

زمستان سال ۱۳۲۰ زمستان یخبندان و سختی بود . سرایت آتش جنك بداخل مرزهای ایران و آشفتگی وضع مملکت سبب شد که عده زیادی از قحطی و سرما مردند ، وقسمت اعظم افراد کشور نیز درنهایت محرومیت و سختی بسر بردند .

شاه در تمام این احوال یگانه یار و غمخوار ملت خود بود ، باپای خود بهمه جا میرفت . اوضاع را از نزدیك میدید . ازمستمندان و دردمندان دلجوئی میکرد به بینوایان کمك مینمود . پی درپی برای آوارگان و مستمندان اعانات هنگفتی از جیب خود اعطا میکرد .

دراین موقع جنك درنهایت شدت در کشور شوروی جریان داشت . سیل اسلحه ومهمات ازخلیج فارس توسط راه آهن سراسری ایران وجاده های شوسه بطرف مرزهای شوروی جاری بود . اعلیحضرت محمد رضاشاه احساس کرد که برای حفظ استقلال ایران وجلب دوستی دول متفق که درآن ایام درمشکل ترین لحظات تاریخ بسرمیبردند ایران بایدقدری بآنها نزدیکتر شود . ازاین رو بامشورت رجال کاردیده و مجرب مملکت تصمیم گرفت پیمانی بادو دولت همسایه منعقد کند و در حلقهٔ اتحاد دول متفق درآید .

از این رو در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۲۰ بادولتهای انگلیس و شوروی پیمان اتحادی منعقد کرد ، والحاق خودرا بمنشور آتلانتیك اعلام داشت اکنون متن پیمان اتحاد سه گانه .

پیمان اتحاد سه گانه

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران ازیك طرف ، واعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر وایرلند ومستملکات انگلیس ماوراء بحار و امپراطور هندوستان ، وهیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ازطرف دیگر ، نظر باصل منشور اتلانتیك که رئیس جمهوری دول متحده امریکا ونخست وزیر دولت انگلستان در چهاردهم اوت ۱۹۴۱ برآن توافق کرده وبجهان اعلام نموده اند ودولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز دربیست وچهارم سپتامبر ۱۹۴۱ اصل مزبور راتأیید نموده و

دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران هم توافق کامل خودرا باآن اصل ابراز مینمایند ومایلند که باملل دیگرجهان بطور یکسان از آن بهره مندشوند وچون آرزومندمیباشند که رشته دوستی وحسن تفاهم فیمابین استوارشودونظر باینکه این مقاصد بوسیله عقدپیمان اتخاذ بهتر حاصل میشود ، توافق نمودند که برای این منظور پیمانی منعقدسازند ونمایندگان مختار خودرا ازاین قرار تعیین نمودند :

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

جناب آقای علی سهیلی وزیرامورخارجه شاهنشاهی :

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر وایرلند ومستملکات انگلیس و ماوراء بحار و امپراطور هندوستان بنام مملکت متحده بریتانیای کبیر وایرلند شمالی :

جناب آقای سرریدرویلیام بولارد وزیرمختارونمایندهٔ فوق العاده اعلیحضرت پادشاه انگلستان درایران

هیئت رئیسه شورایعالی اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی :

جناب آقای آندرویویچ اسمیرنوف سفیر کبیرفوق العاده اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی درایران .

ونمایندگان مزبور اختیارات تامهٔخود را ارائه نمودند که صحیح ومعتبر بوده وبرمقررات ذیل موافقت کردند :

فصل اول

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر وایرلندومستملکات انگلیس ماوراءبحار وامپراطور هندوستان ، وهیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی « که از این پس آنها را دول متحده خواهیم نامید » مشترکاً و هر یك منفرد اً تعهد میکنند که تمامیت خاك ایران وحاکمیت واستقلال سیاسی ایران را محترم بدارند .

فصل دوم

مابین دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران ازیکطرف ودول متحده از طرف دیگر پیمان اتحادی بسته میشود

فصل سوم

۱ - دول متحده مشترکا وهریك منفرداً متعهد میشوند که بجمیع وسائلی که دراختیاردارند ایران رادرمقابل هرتجاوزی ازجانب آلمان یاهردولت دیگر دفاع نمایند .

۲ - اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران متعهد میشوند که :

الف - بجمیع وسائلی که دردست‌دارند وبهروجه ممکن‌شودبادول متحده همکاری کنند تعهد فوق انجام یابد ولیکن معاضدت قوای ایرانی محدودبحفظ امنیت داخلی درخاك ایران خواهد بود .

ب - برای عبورلشکریان یامهمات ازیك دولت متحد بدولت متحددیگریا برای‌مقاصد مشابه‌دیگربدول متحده حق غیرمحدود بدهند که آنها جمیع وسائل ارتباطی رادرخاك ایران‌بکار ببرند ونگاهداری کنند وحفظ بنمایند ودرصورتیکه ضرورت نظامی ایجاب نماید بهرنحوی که‌مقتضی بدانند‌دردست بگیرند .راههای آهن وراههاورودخانه هاومیدانهای هواپیمائی وبنادرولوله های نفت وتأسیسات تلفنی وتلگرافی وبی‌سیم مشمول این‌فقره میباشند .

ج - هرنوع مساعدت وتسهیلات ممکنه بنمایند که برای منظورنگاهداری وبهبود وسائل ارتباطیهٔ مذکوردرفقرهٔ (ب) مصالح وکارگرفراهم شود .

د - باتفاق دول متحده‌هر گونه عملیات سانسوری که‌نسبت‌بوسائل‌ارتباطیهٔ مذکوردرفقرهٔ (ب) لازم بدانند برقرار کنند ونگاه بدارند .

۳ - واضح ومسلم‌است که دراجرای‌فقرات (ب - ج - د) ازبنددوم این‌فصل دول متحده حوائج ضروری ایران راکاملا منظورنظرخواهند داشت .

فصل چهارم

۱- دول متحده‌میتوانند درخاك‌ایران قوای‌زمینی ودریائی وهوائی بعده‌ای که لازم بدانند نگاه دارندوتاجائیکه مقتضیات استراتژیك اجازه‌بدهد نقاطیکه

این قوا آنجا نگاهداشته خواهند شد باموافقت دولت ایران تعیین خواهد شد .

جمیع مسائل مربوط بروابط بین قوای دول متحده وادارات دولت ایران حتی الامکان باهمکاری ادارات ایران تسویه خواهد شد بنحویکه مأمونیت قوای مزبور محفوظ باشد .

مسلم است که حضور این قوا درخاك ایران اشغال نظامی نخواهد بود ونسبت بادارات وقوای تأمینیه ایران وزندگانی اقتصادی کشور ورفت وآمد عادی سکنه واجرای قوانین ومقررات ایران هرقدر ممکن باشد کمتر مزاحمت خواهند نمود .

۲ - هرچه زودتر ممکن شود بعد ازاعتبار یافتن این پیمان یك یا چند قرارداد راجع بتعهدات مالی که دول متحده بسبب مقررات این فصل وفقره (ب -ج-د) ازبند دوم فصل سوم برعهده خواهند داشت دراموری ازقبیل خریدهای محلی واجارهٔ ابنیه وتأسیسات صنعتی وبکار گرفتن کارگران ومخارج حمل ونقل وامثال آن فیمابین منعقد خواهد شد .

قرارداد مخصوص منعقد خواهد شد مابین دول متحده ودولت شاهنشاهی ایران که معین خواهد کرد بعد از جنگ ابنیه واصلاحات دیگری که دول متحده درخاك ایران انجام داده باشند بچه شرایط بدولت شاهنشاهی ایران واگذار میشود .

درقرارداد های مزبور مصونیت هائی هم که قوای دول متحده درایران ازآن برخوردار خواهند بود مقرر خواهد گردید .

فصل پنجم

پس ازآنکه کلیه مخاصمه مابین دول متحده بادولت آلمان وشرکای آن بموجب یك یا چند قرارداد متارکهٔ جنگ متوقف شد دول متحده درمدتیکه زیاده ازششماه نباشد قوای خودرا ازخاك ایران بیرون خواهند برد واگر پیمان صلح مابین آنها بسته شد ولواینکه قبل ازششماه بعدازمتارکه باشد بلافاصله قوای خودرا بیرون خواهند برد . مقصود ازشرکای دولت آلمان هردولت دیگری است که اکنون یادرآینده با یکی ازدول متحده بنای مخاصمه گذاشته یا بگذارد .

فصل ششم

۱- دول متحده متعهد می شوند که درروابط خودباکشورهای دیگرروشی اختیارنکنند که به تمامیت خاك وحاکمیت یااستقلال سیاسی ایران مضرباشد و پیمان‌هائی نبندند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد ومتعهد می شوند که درهرامری مرتبط باشد بادولت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشاوره نمایند.

۲- اعلیحضرت همایون شاهنشاهی متعهد می‌شوند که در روابط خود با کشورهای دیگرروشی اختیارنکنند که با اتحاد منافی باشد یا پیمانهائی منعقد نکنند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد.

فصل هفتم

دول متحده مشترکا متعهد میشوند که بهترین مساعی خودرا بکاربرند که حیات اقتصادی ملت ایران را درمقابل تضییقات واشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند.

پس ازآنکه این پیمان اعتبار یافت برای بهترین وجه عمل کردن باین تعهد مابین دولت ایران ودول متحده مذاکرات شروع خواهدشد.

فصل هشتم

مقررات این پیمان مابین اعلیحضرت همایون شاهنشاه وهریك ازدوطرف معظم متعاهد دیگرمانند تعهدات دوطرفی یکسان الزام‌آوراست.

فصل نهم

این پیمان پس از امضاء معتبراست وتاتاریخی که برای بیرون بردن قوای دول متحده ازخاك ایران برطبق فصل پنجم مقرر شده باعتبار باقی خواهدبود.

بنابراین نمایندگان مختارمذکور درفوق این پیمان را امضاء ومهر کرده‌اند درتهران به نسخه فارسی وانگلیسی وروسی تحریرشد وهرسه نسخه یکسان معتبر خواهدبود.

علی سهیلی
ر. دبلیو . بولارد
ا. اسمیرنوف

ضمیمه اول

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران تهران ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲.

جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران - تهران باعطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد مفتخر اً از جانب دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بجنابعالی اطمینان میدهم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی میکنند که آن مقررات بهر کنفرانس صلحی خواه یك کنفرانس خواه کنفرانسهای متعدد که در پایان جنگ حاضر منعقد شود وهمچنین بکنفرانس های بین المللی دیگر تعلق خواهد گرفت و بنابراین متعهد می شوند که در کنفرانسهای مزبور هیچ امری را که به تمامیت خاك ایران وحاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب ننماید ونیز در کنفرانسهای مزبور وارد هیچ مذاکره ای نشوند که بمنافع مستقیم ایران مرتبط باشد مگر اینکه با دولت ایران مشاوره کنند.

علاوه براین دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نهایت کوشش را بکار خواهد برد که ایران در مذاکرات صلحی که مستقیماً بمنافع او مرتبط باشد با دول دیگر بطور تساوی نماینده داشته باشد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

ا. اسمیر اوف

ضمیمه اول

سفارت انگلیس - تهران - ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران - تهران

باعطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد مفتخر اً از جانب دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بجنابعالی اطمینان میدهم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی میکنند که آن مقررات بهر کنفرانس خواه کنفرانسهای متعدد که در پایان جنگ حاضر منعقد شود وهمچنین بکنفرانسهای بین المللی دیگر

تعلق خواهد گرفت وبنابراین متعهدمیشوند که در کنفرانسهای مزبورهیچ امری‌را
که بتمامیت خاك ایران وحاکمیت یااستقلال سیاسی ایـران مضرباشد تصویب
ننمایند ونیزدر کنفرانسهای مزبوروارد هیچ مذاکره‌ای نشوند که بمنافع‌مستقیم
ایران مرتبط باشد مگراینکه بادولت ایران مشاوره کنند .

علاوه براین‌دولت‌اعلیحضرت‌پادشاه‌انگلستان نهایت‌کوشش‌رابکارخواهند
برد که ایران‌درمذاکرات صلحی که مستقیماً بمنافع او مرتبط‌باشد بادول دیگر
بطورتساوی‌نماینده‌داشته‌باشد .

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه‌راتجدید مینماید .

ر . دبلیو . بولارد

ضمیمه دوم

وزارت امورخارجه ـ شماره ۴۹۵۲ ـ تاریخ ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای آندره‌آندریویچ اسمیرنوف سفیر کبیردولت‌اتحادجماهیر شوروی
سوسیالیستی ـ تهران

باعطف به بند دوم از فصل ششم‌ازپیمان اتحادی که امروزامضاء شدمفتخراً
ازجانب دولت ایران بجنابعالی اطمینان میدهم که دولت ایران بنابربند مـزبور
خلاف تعهدات خود میداند که چنانچه این دودولت‌هردو بادولت دیگری روابط
سیاسی نداشته‌باشنددولت‌ایران‌باآندولت‌روابط‌سیاسی نگاه بدارد .

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه رانجدید مینماید .

علی سهیلی

ضمیمه دوم

وزارت امورخارجه ـ شماره ۴۹۵۲ ـ تاریخ ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای سرریدرویلیام بولاردوزیرمختارو نماینده‌فوق‌العاده‌اعلیحضرت
پادشاه انگلستان ـ تهران

باعطف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شده مفتخراً
ازجانب دولت ایران بجنابعالی اطمینان میدهم که دولت ایران بنابر بند مزبور
خلاف تعهدات خود میداند که چنانچه این دو دولت هردو یا دولتی روابط سیاسی
نداشته باشند دولت ایران باآن دولت روابط سیاسی نگاه بدارد .

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه راتجدید مینماید

علی سهیلی

ضمیمه سوم

سفارت کبرای اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی در ایران - تهران ۲۹
ژانویه ۱۹۴۲ .

جناب آقای علی سهیلی وزیرامورخارجهٔ دولت شاهنشاهی ایران - تهران

افتخاردارم ازطرف دولت (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) بجنابعالی
اطمینانهای زیررا ابلاغ نمایم :

۱ - راجع بفقرهٔ (۲) فصل سوم ازپیمان اتحادی که امروزامضاء شده است
دول متحده ازدولت ایران معاضدت قوای نظامی اورادرهیچ جنگ ویا عملیات
نظامی برضد یك یاچند دولت خارجه تقاضانخواهد نمود .

۲ - راجع بفقره (۲) فصل ٤ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست
که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحد برای مقاصد
نظامی خود انجام داده باشند و برای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شوند .

۳- مسلم است درصورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل ازانعقاد
صلح ازدرجهٔ اعتبارساقط شود ضمیمهٔ یك بازبقوت خود باقی خواهد ماند .

موقع رامغتنم شمرده احترمات فائقه راتجدید مینماید .

ا٠ا اسمیرنوف

ضمیمه سوم

سفارت انگلیس - تهران - ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای علی سهیلی وزیرامورخارجه دولت شاهنشاهی ایران -تهران

افتخاردارم ازطرف دولت (اعلیحضرت پادشاه انگلستان درممالك متحده) بجنابعالی اطمینانهای زیررا ابلاغ نمایم :

۱ - راجع بفقرهٔ (۲) فصل سوم ازپیمان اتحادی که امروزامضاء شده است دول متحده ازدولت ایران معاضدت قوای نظامی اورا درهیچ جنگ ویاعملیات نظامی برضد یك یاچند دولت خارجه تقاضا نخواهند نمود .

۲ - راجع بفقره (۲) فصل ٤ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند و برای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شود

۳ - مسلم است درصورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل از انعقاد صلح ازدرجهٔ اعتبار ساقط شود ضمیمهٔ یك باز بقوت خود باقی خواهد ماند .

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

ر . دبلیو . بولارد

پس ازامضای پیمان سه گانه تلگرافهائی نیز باین شرح بین نخست وزیران سه کشور مخابره گردید :

جناب آقای استالین رئیس شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - مسکو .

اجازه میخواهم مراتب تقدیر کامل واحساسات قلبی خودرا بمناسبت امضای پیمان اتحاد بین ایران واتحاد جماهیر شوروی وانگلستان بجنابعالی اظهار دارم . یقین دارم که این پیمان موجب تشیید مناسبات دوستی وحسن تفاهم بین دو کشور ما خواهد شد وایران واتحاد جماهیر شوروی ازمزایای همکاری که براساس احترام منافع متقابل استوار است بهره مند خواهد گردید .

م . ع . فروغی

۱۳۲۰/۱۱/۱۱ نخست وزیر ایران

جناب آقای فروغی نخست وزیر ایران

جناب آقای نخست وزیر ، بمناسبت امضای پیمان اتحاد بین اتحاد جماهیر شوروی

سوسیالیستی و بریتانیای کبیروایران بجنابعالی و بوسیله آنجناب بدولت ایران صمیمانه شادباش میگویم قویاً اطمینان دارم که مناسبات اتحاد نوین بین کشورهای ما دوستی بین مردم ایران و مردم اتحاد جماهیر شوروی را تحکیم مینماید و بنفع کشورهای ما باموفقیت توسعه خواهد یافت .

ی - استالین ۱۳۲۰/۱۱/۱۲
رئیس شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی

جناب آقای وینستون چرچیل - لندن

بمناسبت امضای پیمان اتحاد بین بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و ایران بدینوسیله استظهار خودرا ابراز وامیدوارم که این پیمان منافع متقابله را دربرداشته وموجب تشیید مناسبات دوستانه وحسن تفاهم بین دو کشور خواهد بود. ضمناً اجازه میخواهم که مراتب تقدیر کامل واحساسات قلبی خودرا بمناسبت تشریك مساعی آنجناب درحفظ منافع ایران تقدیم دارم .

م.ع.فروغی ۱۳۲۰/۱۱/۱۱
نخست وزیر ایران

جناب آقای محمد علی فروغی نخست وزیر ایران - تهران

از تلگراف شادباش جنابعالی بمناسبت امضای پیمان اتحاد نهایت متشکرم- این نخستین مرتبه ایست که ایران و بریتانیای کبیر واتحاد جماهیر شوروی گرد هم جمع آمده وبرای منظور مشترك ومنافع متقابله متعهد گشته اند مساعی جمیله‌ای که جنابعالی در ایجاد این حسن تفاهم بکار برده اید فال نیکی است برای آینده .

وینستون چرچیل ۱۳۲۰/۱۱/۱۲

قحطی و کمیابی نان در ۱۷ آذر

پس از انعقاد پیمان سه گانه، طرز رفتار مقامات انگلیسی و شوروی نسبت بایران تغییر کرد ، وتسهیلاتی برای ملت ایران قائل شدند ورفتار دوستانه تری در پیش گرفتند .

ولی ورود عده زیادی از مهاجرین لهستانی از خاك شوروی بایران وخروج گندم از مرزهای ایران سبب گردید که قحطی و کمیابی بی نظیری در شهرهای ایران روی داد . وضع آذوقه وارزاق روز بروز بدتر میشد، بطوریکه در سال ۱۳۲۱ عموم طبقات دچار مضیقه گردیدند . عدهٔ زیادی از روستائیان از دهات بشهرها روی آوردند و درنتیجه وضع فلاحت و کشاورزی بکلی مختل شد . عده‌ای دیگر از روستائیان چنان دچار قحطی و گرسنگی شدند که از ریشهٔ گیاهان و برگ درختان و آرد هستهٔ خرما تغذیه میکردند .

این اوضاع سبب شد که دولت درصدد برآمد آذوقهٔ وخواربار اهالی را جیره بندی کند . درنتیجه در تهران معجون و مخلوطی از خاك وشن و کاه وارزن بنام نان بمردم میدادند .

تازه برای بدست آوردن همین معجون چه بسیار مردان وزنان که سپیده‌دم بجلو دکانهای نانوائی میرفتند وپشت سرهم صف میکشیدند تانوبت آنها فرا رسد، ولی پاسی ازظهر گذشته بآنها خبر میدادند که نان تمام شده . در اینموقع ناله‌ها و زاریها و تضرعها شروع میگشت - چه بسا تجمع وازدحام گرسنگان درپشت دکانهای نانوائی منجر بزدوخورد و قتل عده‌ای بینوا میگردید .

روزنامه های آن ایام روزی نبود که خبر سقط جنین زن حامله یا خفه شدن کودك، یا زخمی شدن ، یا کشته شدن مردی را منتشر نمیکردند .

این اوضاع سبب گردید که مأمورین انتظامی نیز در این هیاهو وهمهمه دخالت میکردند و چندین بار اتفاق افتاد کسانیکه برای بدست آوردن لقمه‌ای نان بدکانهای نانوائی مراجعه میکردند، بجای نان گلوله بخورد آنها داده میشد .

این اوضاع آشفته درزمان حکومت قوام السلطنه بمنتهای شدت خود رسید قوام السلطنه مردی مستبد وخودخواه بودو پس ازمدتها کناره گیری از سیاست میخواست قدرت ونفوذ خود را نشان دهد ، باین جهت درصدد برآمد پاسخ نامه‌های مردم گرسنه و بی پناه را باسر نیزه و گلوله بدهد! این سیاست سخت وخشن سبب گردید

که مردم ناراضی و قحطی زده روز ۱۷ آذر برای دادخواهی بطرف مجلس شورا یملی روی آورده وعده‌ای برضد دولت که قادر بتهیه نان مردم نبود و مرزهای ایران را چنان باز گذاشته بود که قوای خارجی و قاچاقچیان آذوقه مردم را بکشورهای بیگانه میبردند نطق هائی کردند .

دراینموقع قوای مسلح برای متفرق ساختن مردم دست باسلحه بردند. نخست چند تیر بهوا خالی کردند ولی مؤثر واقع نشد و مردم جری تر شدند . ازاینرو نظامیان درحالیکه چندین تانك و زره پوش بهمراه داشتند جمعیت را محاصره کرده و باسر نیزه بطرف آنها حمله‌ور گردیدند . مردم نیز با کمال جسارت بطرف آنان هجوم برده و در نتیجه صدای شلیك تیر در فضای شهر طنین انداز شد .

دراین اثناء عده‌ای از سربازان بیگانه که با کامیون های خود برای تماشا به میدان بهارستان آمده بودند چون وضع را وخیم دیدند و تیراندازی شدید نظامیان آنها را متوحش کرده بود ، فوراً درصدد دفاع برآمده و چند نفر از آنان در پشت درختها و درون جوی خیابان شاه‌آباد پنهان شده و برای موعوب ساختن مردم چند تیر شلیك نمودند . این تیراندازی سبب قتل یکزن و یك مرد گردید. درهمین لحظه چند نظامی که برروی بالکون یکی ازعمارات شاه‌آباد ناظراین صحنه بودند بیدرنگ بطرف سربازان بیگانه تیراندازی کرده و در نتیجه چند سرباز استرالیائی و کانادائی کشته شدند .

ازطرف دیگر عده‌ای درحدود سی و پنج نفر براثر تیراندازی کشته و زخمی گردیدند .

این امر سبب شد که مردم خشمگین ظاهراً از میدان بهارستان پراکنده گشتند ولی درخیابان شاه‌آباد مجدداً بیکدیگر پیوستند عده‌ای از توده‌ایها و مهاجرین و رجالدها هم که منتظر یك چنین آشوب و هرج و مرج بودند ، ازموقعیت استفاده کرده وشروع بغارت و چپاول مغازه‌های خیابان شاه‌آباد و اسلامبول ولاله‌زار و سپه و چهارراه حسن‌آباد کردند و این وضع تانیمه‌شب همچنان دوام داشت.

در این اثناء گروهی ازمردم بطرف خانه قوام رفته ومنزل اورا آتش زده و قسمتی ازاثاثیهٔ خانه اورا بغارت بردند.

سیاست خشك وخشن ومستبدانه قوام السلطنه سبب گردید که علاوه بر قتل عده‌ای زن ومرد بیگناه واعتراض شدید مقامات خارجی برای قتل چند سرباز بیگانه وضع دولت نیز سخت متزلزل گردیدو بالاخره هم همین موضوع سبب سقوط کابینه قوام السلطنه شد.

اعلان جنك ایران بآلمان

ازوقایع مهمی که در سال ۱۳۲۲ روی داد، اعلان جنگ ایران بآلمان بود.

روز ۱۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ یعنی درست دو سال و چهارده روز بعد ازحمله متفقین بخاك ایران آقای علی سهیلی نخست وزیر وقت باهیئت وزیران درمجلس شورای ملی حضور یافت ونطقی بشرح ذیل در باره صدور فرمان همایون راجع باعلان جنك ایران بآلمان ایراد کرد:

بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است دولت شاهنشاهی درآغاز جنك کنونی بیطرفی خودرا بدول متخاصم اعلام ودرحفظ شرایط آن نهایت مراقبت را معمول داشت ولی درنتیجهٔ پیش آمدهائی که منتهی بوقایع شهریور ۱۳۲۰ گردید پیمانی بین دولت ایران ازیکطرف ودولتین انگلیس وشوروی ازطرف دیگر منعقد شد واز آن پس این قرارداد مبنای سیاست خارجی نسبت بمتخاصمین قرار گرفت و رویه دولت شاهنشاهی درمقابل دول محور روشن و اعلام شدوانتظار میرفت دول محور با درنظر گرفتن وضع خاص ایران وتعهداتی که این کشور درمقابل متفقین دارد مبادرت باقدامات وعملیاتی ننمایند که بالنتیجه موجب انحراف دولت ایران از تعقیب رویه‌ایکه درپیمان سه گانه اتخاذ نموده گردد.

لیکن وقایعی که اخیراً بروز کرده وشواهد ومدارکی که دردست است منجمله تحریك جمعی ازعشایر برعلیه دولت که منجر بوقایع اسف آوری گردید و همچنین اعزام افراد مخصوص بوسیله هواپیماها بمنظور تخریب راه آهن وقطع وسایط ارتباطیه

وتشکیل سازمان های جاسوسی و سایر اقداماتی که نمایندگان محترم از چگونگی آنها آگاه میباشد آشکار ساخت که عمال آلمانی برخلاف انتظار دست بفعالیتهای وخیمی در ایران زده و سعی کرده اند با ایجاد اختلاف و تفرقه بین مردم این کشور آتش فتنه و انقلاب داخلی را برپا ساخته وموجبات سلب آسایش عامه و اختلال امنیت مملکت را فراهم کنند.

دولت ایران این قبیل عملیات نامشروع دولت آلمان را درداخله ایران خصمانه تلقی کرده و تحریکات ودسائسی راهم که بمنظور ایجاد فتنه و آشوب در سراسر کشور بعمل آمده است مخاطره آمیز تشخیص و برای حفظ مصالح عالیه کشور خود حقاً موظف میباشد اقداماتی درخاتمه دادن باینوضعیت و اوضاع ناگوار که مورد انزجار قاطبهٔ ملت ایران است بعمل آورد.

بنابراین دولت بامداقه در جمیع جهات امر و تشخیص منافع مملکت در حال و استقبال خود را ناگزیر دید بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی حالت مخاصمه را بین ایران و آلمان اعلام دارد و درهمین حال الحاق خود را باعلامیه مشترك ملل متفق مورخ اول ژانویه ۱۹۴۳ اعلام میدارد. سپس متن فرمان همایونی را بشرح ذیل قرائت نمود:

«باتأییدات خداوند متعال ـ ما محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران بنابپیشنهاد»
«دولت و برطبق اصل پنجاه و یکم قانون اساسی از تاریخ هفده شهریور ۱۳۲۲ حالت»
«جنگ را بین کشور خودمان و آلمان مقرر و اعلام میداریم.»

«۱۷ شهریور ۱۳۲۲ محل صحه همایونی»

پس از آنکه فرمان همایونی قرائت شد نمایندگان مجلس شورای ملی همگی کف زدند ومجلس سیاست دولت را درباره اعلان جنگ ایران با آلمان تصویب نمود

چون دولت سوئد از طرف دولت آلمان حافظ منافع آن کشور در ایران بود، واز سوی دیگر دولت سویس حافظ منافع ایران در آلمان بود، ازینرو نامه هائی بشرح

ذیل بنمایندگان دول سوئد وسویس درایران تسلیم گردید تااعلان جنگ ایران را بآلمان باطلاع آندولت برسانند.

«آقای کاردارعزیزم - احتراماًرونوشت اعلامیه‌ای را که جناب آقای نخست وزیر امروز در مجلس شورایملی راجع باعلام وجود حالت مخاصمه بین ایران و آلمان و الحاق دولت شاهنشاهی باعلامیه دول متحده مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ ایراد نموده‌اند برای اطلاع و استحضار آن جناب به پیوست ارسال میدارد. خواهشمند است مراتب مندرج دراعلامیه را باطلاع دولت سوئد برسانند، تا لطفاً مقامات وابسته‌آلمان را ازآن آگاه نمایند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.»

محمد ساعد

پس ازآنکه اعلان جنگ بآلمان باطلاع آن دولت رسید، دولت ایران نمایندگان دول امضا کنندهٔ پیمان سعدآباد یعنی کشورهای ترکیه‌وعراق‌وافغانستان را بکاخ وزارت امورخارجه دعوت نمود وعلل اعلام‌وجودمخاصمه بین‌ایران وآلمان را باطلاع آنان رسانیدومراتب دوستی ومودت ایران بادول امضاء کنندهٔ پیمان سعد آباد راتأیید کرد.

الحاق ایران باعلامیه ملل متحد

پس ازاعلان جنگ بآلمان دولت ایران الحاق‌خود را باعلامیه ملل متحد که درتاریخ اول ژانویه ۱۹۴۲ مطابق ۱۱دی‌ماه ۱۳۲۰ در واشنگتن بین بیست و شش کشورمتحد علیه‌دول محورامضاء گردد، اعلام داشت و درتاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۲۲ وزیرمختارایران درامریکانسخه اصلی آنرا ازطرف دولت ایران امضاء کرد.

اکنون متن اعلامیهٔ ملل متحده:

«نظر باینکه‌دول امضاء کننده ببرنامه مشترك اصول ومقاصدمندرجه‌دراعلامیه رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکاونخست وزیربریتانیای کبیر وایرلند شمالی

مورخ ۱٤ اوت ۱۹٤۱ معروف بمنشور آتلانتیك ملحق شده اند و نظر باینکه یقین دارند دفاع از جان و آزادی و استقلال و حریت مذهبی و همچنین صیانت حقوق بشر و اجرای عدالت در کشورهای خود و کشورهای دیگر مستلزم اینست که بر دشمنان خود کاملا مظفر و پیروز گردند، و نظر باینکه هم اکنون مشترکا بمبارزه بر علیه قوای خشن و وحشی که درصدد است دنیا را تحت سلطه و انقیاد خود درآورد مشغول هستند علیهذا اعلام میدارند :

۱ - هریك از دول امضاء کننده متعهد میشود کلیه منابع اقتصادی و نظامی خود را بر علیه آن عضو یا اعضای دول پیمان سه گانه و متحدینشان که با آنها در حال جنك است بکار برد .

۲ - هریك از دول امضاء کننده متعهد میشود با سایر دول امضاء کننده همکاری کرده بترك مخاصمه و صلح جداگانه با دشمنان مشترك مبادرت ننماید .

ملل دیگری که هم اکنون در این مبارزه بر علیه هیتلریسم کمك مادی و مساعدت های دیگری مینمایند، یا ممکنست بعداً باین اقدام مبادرت نمایند میتوانند باین اعلامیه ملحق شوند .

درتاریخ اول ژانویه ۱۹٤۲ درواشنگتن تحریریافت .

محل امضاء نمایندگان دول متحد

پس از آنکه دولت ایران باعلامیه ملل متحد ملحق گردید دولتهای امریکا و انگلیس و شوروی نکات ذیل را بدولت ایران اطلاع دادند :

۱ - هر گاه ایران بایك یا بیشتر از ملل محور وارد مرحلهٔ جنك گردد با این اقدام میتواند باعلامیه ملل متحده ملحق شود .

۲ - ایران صرفاً با الحاق باعلامیه، تعهدات نظامی یا اقتصادی اضافه بعهده نخواهد گرفت لیکن امید میرود که از آن پس جدی ترین اقدامات ممکنه را در داخل حدود ایران برای همکاری مادی بعمل آورد و از مبارزه و تلاشی که برای پیروزی بر هیتلریسم میشود کمک نماید .

۳ - مزیائی که در الحاق نصیب ایران میگردد واضح است همان مزایائی خواهد بود که از شرکت رسمی و کامل باسی و دو دولت متحده در این جنگ ناشی خواهد گردید.

٤ - همینکه ایران باعلامیه ملحق گردد در شرکت کنفرانسهای مناسب مربوطهٔ صلح همان حقوقی را خواهد داشت که سایر ملل متحد دارا میباشند.

کنفرانس تهران

در پائیز سال ۱۳۲۲ ایران شاهد یکی از مهمترین وقایع سیاسی دوران جنگ بین المللی دوم بود.

این واقعه حضور پیشوایان سه کشور بزرگ، امریکا و شوروی و انگلیس، در تهران بود که منجر به صدور اعلامیه‌ای درباره ایران گردید.

برای آنکه جریان کنفرانس تاریخی عیناً در صفحات این کتاب درج گردد، عین مطالبی را که دراین باب در نشریه وزارت امور خارجه چاپ شده ذیلا نقل میکنیم:

درحالیکه دنیای خارج کمترین اطلاعی نداشت که پایتخت کشور شاهنشاهی ناظر چه وقایع عظیم تاریخی است، سه مرد و سه پیشوای بزرگ که صلح آتیه جهان ورفاه آسایش بشر بسته بمساعی خستگی ناپذیر واحساسات و عواطف نوع پروری آنان است از راههای دور و دراز با تحمل رنج و تعب فراوان بتهران آمده و برای تأمین پیروزی ملل متحده وصلح آتیه دنیا دور یک میز گرد برای مشاوره جمع شده بودند.

مقدمات تشکیل این اجتماع که به انجمن تهران معروف شده در کنفرانس های سابق طرح ریزی و در کنفراس مسکو اساس و پایه آن استوار گردیده بود.

مارشال استالین روز جمعه چهارم آذر ساعت چهار بعد از ظهر با همراهان بپایتخت ایران وارد شدند.

آقای روزولت رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا و آقای چرچیل نخست وزیر انگلستان باتفاق فرماندهان پس از برگزار شدن کنفرانس قاهره باهواپیما

رهسپار تهران وروز شنبه پنجم آذر ۱۳۲۲، ۲۶ نوامبر ۱۹۴۳، در حدوود ساعت سه بعداز ظهر بفرودگاه وارد شدند .

کنفرانس سه دولت[۱] درتهران چهارروزدوام داشت و پایتخت ایران ازداشتن چنین مهمانان عظیم الشان غرق شادی ومسرت بودو بابی صبری تمام میخواست احساسات سرشارومراتب مهمان[۲] نوازی خودرا باتظاهرات دوستی ابراز دارد. لیکن باحترام



رؤسای سه کشور درموقع مذاکره در تهران
خبرنگاران داخلی و خارجی مشغول فیلم برداری هستند

تمایل خود مهمانان نمیخواستنداجتماع آنها درتهران آشکارشودمسرت و نشاط خود را مستور وتادقیقه آخراز ابراز ونمایاندن احساسات نسبت به سه پیشوای بزرگ دول متفق که این سرزمین باستانی رابرای تشکیل این کنفرانس بی نظیر برگزیده بودندخودداری کرد.

درمدت جریان کنفرانس بین اعلیحضرت همایون شاهنشاهی وآقای روزولت

رئیس جمهوری آمریکا و مارشال استالین وآقای وینستون چرچیل ملاقاتهائی بعمل آمد .

آقای سهیلی نخست وزیر وآقای ساعد وزیر امور خارجه نیز با آقای مولوتف کمیسر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی وآقای ایدن وزیر امور خارجه انگلستان وژنرال هورلی نماینده مخصوص رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا ملاقات و دیدو بازدید نمودند.

درتمام این جلسات حسن تفاهم کامل بین ایران ومتفقین بزرگ خود موجود ومذاکراتی که بعمل آمد نهایت مودت آمیز و در محیط بسیار گرم و دوستانه انجام پذیرفت دراثر این دیدو بازدیدها وملاقاتها روابط دوستانه موجود بین ایران و کشور بزرگ اتحاد جماهیر شوروی وممالك متحده آمریکا و انگلستان روی پایهٔ محکم خلل ناپذیری استوار گردیده وموفقیتی نصیب ایران شد که جمیع طبقات مردم ایران راغرق شادی ومسرت ساخت و ایرانیان رابیش از پیش بنظریات دوستانه ومساعدت سه دولت دربارهٔ ایران مطمئن واز تصمیم آنها وجبران سختی ها ومشقاتیکه در راه پیروزی ملل متحده تحمل کردند خرسند وامیدوار نمود .

تذکاریه

روز نهم آذر ماه ۱۳۲۲ آقای ساعد وزیر امور خارجه ضمن نامه‌ای تذکاریه‌ای برای مولوتف کمیسر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی وایدن وزیر امور خارجه انگلستان فرستادو چون کردل هول وزیر امور خارجه امریکا دراینموقع در تهران نبود نسخه‌ای از آنرا نیز برای دریفوس وزیر مختار امریکا ارسال داشت.

برای تنظیم اعلامیه راجع بایران که درجای خود متن آن درج شده است یك سلسله مذاکرات بین مولوتف وایدن و ژنرال هورلی بعمل آمد و بالاخره شب نهم آذر اعلامیه معروف راجع بایران بامضای روزولت ، مارشال استالین، چرچیل رسید قبل از امضاء ژنرال هورلی ودریفوس که درمذاکرات قبلی شرکت نموده بودند بدیدن آقای ساعد وزیر امور خارجه رفته موافقت اورا با آخرین طرح اعلامیه جلب نمودند.

اکنون متن تذکاریه وزیرامور خارجه ایران :

دراینموقع که بیاری خداوند متعال این سعادت وافتخار نصیب سرزمین ایران باستان میهن عزیز ماشده است که محل ملاقات پیشوایان معظم سه دولت بزرگ متفق ایران واقع گردد ویکی ازوقایع مهم تاریخی این عصر برای حل مشکلات بین المللی و استقرار صلح وصفای دائم وتأمین زندگانی آتیهٔ کلیهٔ ملل جهان بر پایهٔ عدالت ومساوات که کمال مطلوب ملل متحده است ومنشور اتلانتیك بر آن استوار گردیده درایران روی میدهد بهترین فرصت مناسبی است که آرزوهای ملت ایران را بآگاهی برساند.

وضعیت کنونی ایران که براثر مجاهدات وزحمات وازخود گذشتگیهای چندین ساله تمام طبقات این کشور ایجاد گردیده ومورد استفادهٔ کامل متفقین برای پیشرفت مقصود وتسریع پیروزی واقع شده ایجاب مینماید که دولت وملت ایران یقین داشته باشند که متفقین در کمك بایران درحال و آتیه از بذل هرگونه مساعدتی مضایقه نخواهند نمود.

ایران ازنظر تمایلات قلبی و قدمهای برجسته ومؤثری که در کمك بمتفقین برداشته عملا آرزوی خودرا نشان داده است که جنگ کنونی باپیروزی متفقین هرچه زودتر انجام یابد .

ایران که باابراز همکاری صمیمانه وخالصانه طبق پیمان سه گانه وتشریك مساعی کامل بامتفقین دراین ظفرو فیروزی سهیم میباشد قطع دارد که متفقین تمام زحمات و خساراتی را که از اوضاع جنگ بایران وارد آمد کاملا درنظر خواهند گرفت.

باامتحاناتیکه دولت وملت ایران در اینمدت از همکاری صمیمانه وتشریك مساعی خالصانه خود درتمام شئون ومراحل نشان داده وبرای تأمین پیروزی متفقین وبرافکندن ریشهٔ ظلم وستم از جهان مافوق قدرت وتوانائی خودو باتحمل مشکلات اقتصادی بیشمار بذل مساعی نموده وبالنتیجه بااعلان جنگ بآلمان اعتماد واطمینان کامل متفقین راجلب نموده انتظاردارد که متفقین درتحویل رشته‌های حیاتی مملکتی که فعلا دردست آنها است و واگذاری امنیت کشور بقواء نظامی و انتظامی خود

ایران وتأمین جمیع وسائل این کار اهتمام خاص معمول دارند تا بدین نحو اعتماد واطمینان موجوده صورت عمل بخود گیرد.

دولت وملت ایران رجاء واثق دارند که تعهدات کتبی واطمینان‌های شفاهی که از طرف متفقین نسبت بتمامیت واستقلال کامل ایران داده شده است با کمك ومساعدتهای مادی ومعنوی در تمام رشته های سیاسی تقویت یافته وایران بتواند بدین وسیله نقش باافتخاری را که در گذشته بین کشورهای متمدن جهان بعهده داشته در آتیه نیز ادامه دهد.

دولت وملت ایران درقبال این ابراز صمیمیت ویگانگی اطمینان میدهند همانطور که درسخت‌ترین موقع جنگ درهمکاری صمیمانه ودوستی صادقانه برای پیروزی عاجل متفقین خودداری ننموده از این پس نیز این رویه دیرینه را در مسائل مربوطه بین‌المللی ادامه داده وبا متفقین خود تشریك مساعی کامل بنمایند.

دولت وملت ایران انتظار دارند در اینموقع که پیشوایان معظم سه‌دولت بزرك در ایران اقامت دارند برای تایید مراتب بالا اعلامیه‌ای صادر وبدینوسیله حسن نیتی را که کراراً کتباً وشفاها نسبت بایران ابراز داشته‌اند باردیگر تصریح نمایند.

تهران بتاریخ ۹ آذرماه ۱۳۲۲

شرح جریان دید وبازدیدها ومذاکرات که منتهی بصدور اعلامیه سه دولت راجع بایران گردید درنطقی که آقای نخست‌وزیر روز یکشنبه ۱۳ آذر ۱۳۲۲ پس از حرکت پیشوایان سه‌دولت در تالار سخنرانی وزارت امور خارجه درحضور هیئت دولت ونمایندگان مجلس وسران لشکر ورجال ایران ایراد نموده ذکر شده است که در اینجا درج میشود.

بیانات نخست‌وزیر راجع بکنفرانس تهران

«بطوریکه همه آقایان استحضار دارند بعد از کنفرانس مسکو مذاکراتی در تمام محافل سیاسی در اطراف تشکیل یك کنفرانس عالی بشرکت رؤسای سه‌دولت

دریکی ازنقاط دنیاجریان داشت ولی محل کنفرانس غیرمعلوم بود وشاید تاختم کنفرانس هم همینطوراین محل مجهول باقی ماند.

اکنون که کنفرانس تمام شده وهمه اشخاص عالیمقام که در آن کنفرانس شرکت داشته اند بکشورهای خود بازگشت نموده اند اینجانب در کمال خوشوقتی رسماً اظهار میدارم که کنفرانس عالی سه دولت درتهران تشکیل شد وتهران پایتخت شاهنشاهی این مزیت و امتیازرا حاصل نمود که رؤسای کشورهای بزرگ دوست و متحد ما دراینجا ومرکزاین حکومت اساس وپایه های محکم آزادی وآسایش ملل راطرح ریزی نموده اند.

شرح مختصرازترتیب تشکیل وجریان این کنفرانس درآن حد که می توانم باطلاع آقایان برسانم بقرارزیراست:

در۲۹ آبانماه ۱۳۲۲ آقای کاردار شوروی ملاقاتی ازاینجانب نموده موضوع تشکیل کنفرانس سه دولت رااطلاع داد.

اینجانب مسرت وخوشوقتی دولت ایران راازاین حسن نظر که نسبت بکشور شاهنشاهی ابراز نموده اند اظهارداشتم.

روزچهارم آذرماه سفارت کبرای شوروی خبرورود مارشال استالین وموتولف کمیسرخارجه وهمراهان رااطلاع داد ونامه زیررا به آقای ساعدوزیرامورخارجه رسانید:

آقای وزیر.

افتخاردارم باطلاع شما برسانم که امروز ۲٦ نوامبرمارشال اتحاد شوروی یوسف ویساریانویچ استالین رئیس کمیسرهای ملی اتحاد جماهیرسوسیالیستی و کمیسرملی امورخارجه آقای ویاچسلاو میخائیلویچ مولوتف با نمایندگان هیئت اعزامی شوروی وارد تهران شدند.

بنابدستور و.م مولوتف کمیسرملی امورخارجه اتحاد جماهیرشوروی افتخار

دارم بنام مارشال اتحاد شوروی یوسف ویساریا نوبچ استالین و شخص ایشان نیات حسنه مارشال را بحضور اعلیحضرت شاهنشاه ایران تقدیم ومراتب را با آقای نخست‌وزیر و شخص شما ابلاغ نمایم

موقع را مغتنم شمرده خواهشمندم احترامات فائقه را نسبت بخودتان قبول فرمائید .»

همانروز اطلاع دیگری رسید که آقای روزولت رئیس جمهور دول متحده امریکاو آقای چرچیل نخست‌وزیر انگلستان‌هم روز پنجم وارد خواهند شد وروز پنجم هم وارد شدند.

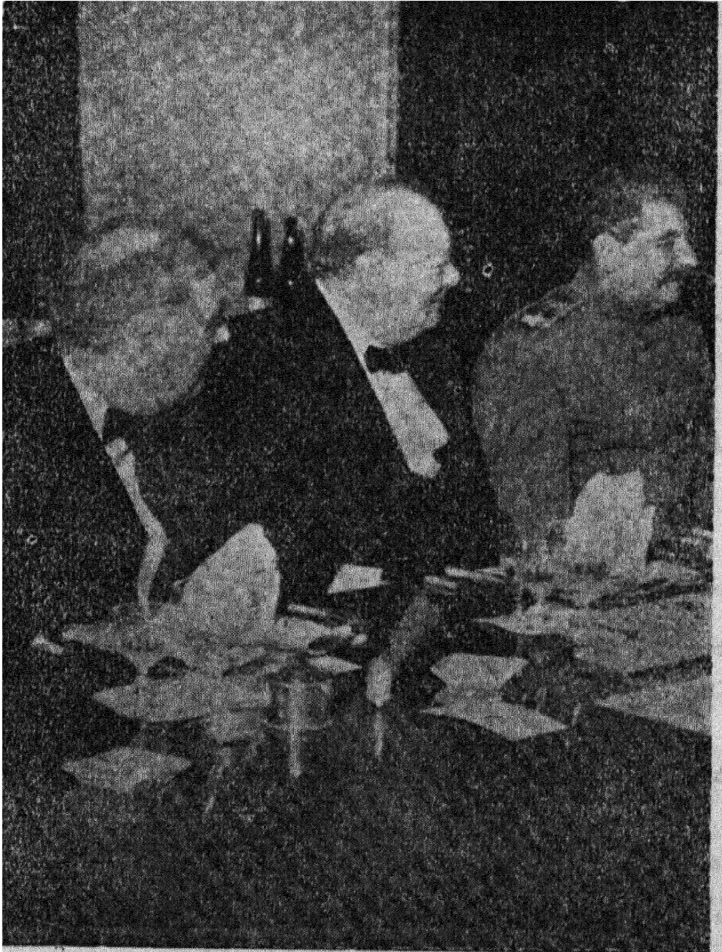
روز هشتم آذر ماه مذاکراتی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با آقای روزولت رئیس جمهوری آمریکا باحضور اینجانب و آقای وزیر دربار شاهنشاهی و وزیر امور خارجه و وزیر مختار امریکا در تهران بعمل آوردند کاملا درمحیط دوستانه انجام یافت.

درهمانروزمذاکراتی‌هم باآقای چرچیل باحضوروزیرمختارانگلیس راجع بایران بعمل آمد که حسن تفاهم کامل حاصل بود.

روزنهم آذرماه که مارشال استالین رئیس کمیسرهای اتحاد جماهیر شوروی باحضور آقایان مولوتف کمیسر ملی امور خارجه شوروی و ماکسیموف کاردار - سفارت کبرای شوروی از اعلیحضرت همایونی دیدن نمودند نیزمذاکرات دوستانه و صمیمانه بین طرفین بعمل آمد و حسن مناسبات و روابط وداد بین دو کشور تأییدشد.

روزنهم آذرساعت ۱۲ ملاقاتی‌هم اینجانب و وزیرامورخارجه از آقای مارشال استالین با حضور آقایان مولوتف کمیسرملی امور خارجه شوروی وماکسیموف کاردار سفارت کبرای شوروی بعمل آورده مجدداً پیام دوستانه اعلیحضرت همایونی را بمارشال استالین ابلاغ وراجع باموبرمربوط بایران تبادل نظرهائی در زمینه حسن مناسبات بین دو کشور بعمل آمد.

درملاقاتهای دیگری هم که آقای مولوتف کمیسر ملی امور خارجه ازاینجانب ووزیرامور خارجه نمودند وهمچنین ملاقاتیکه آقای ایدن وزیر امور خارجه انگلستان بعمل آوردند در باب روابط ومناسبات ایران ومتفقین درحال و بعد از جنگ مذاکرات لازم بعمل آمد و نمایندگان آن دو دولت حسن نیت خود را نسبت بامور مربوطه بایران کاملا آشکار ساختند.



در کنفرانس تهران چرچیل در شب تولدخود رئیس جمهور امریکا و مارشال استالین را بشام دعوت نمود

درتعقیب تمام این ملاقاتها ومذاکرات وتذکاریه‌ایکه ازطرف وزیر امور خارجه ایران ضمن نامه‌دوستانه بعنوان وزراء امور خارجه شوروی وانگلیس و وزیر

مختار امریکا در تهران (چون وزیر امور خارجه امریکا در تهران نبود) فرستاده شده بود، بامضای رؤسای کشورهای متفق مانظریات ایران با حسن قبول تلقی و اعلامیه مبنی بر تصدیق همکاری ایران و کمکهای آتیه دول مزبور با ایران و استقلال و حاکمیت وتمامیت ارضی ایران صادر گردید.

در اینموقع نخست وزیر اعلامیه سه دولت را بشرح ذیل قرائت کرد:

اعلامیه سه دولت راجع با یران

مورخ اول دسامبر ۱۹۴۳ - نهم آذرماه ۱۳۲۲

رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا، نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی ونخست وزیر ممالك متحده انگلستان پس از مشورت بین خود و با نخست وزیر ایران مایلند موافقت سه دولت را راجع بمناسبات خود با ایران اعلام دارند.

دولتهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالك متحده انگلستان کمك هائی را که ایران در تعقیب جنگ بر علیه دشمن مشترك ومخصوصاً در قسمت تسهیل وسائل حمل و نقل مهمات از ممالك ماوراء بحار باتحاد جماهیر شوروی بعمل آورده تصدیق دارند.

سه دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای ایران فراهم آورده وموافقت دارند که با در نظر گرفتن احتیاجات سنگینی که عملیات جنگی جهانی بر آنها تحمیل میکند و کمی وسائل حمل و نقل در دنیا وهمچنین کمی مواد خام وسایر حوائج کشوری کمك های اقتصادی خود را تا حد امکان بدولت ایران ادامه دهند.

راجع بدورهٔ بعد از جنگ دول کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی وممالك متحده انگلستان با دولت ایران موافقت دارند که هر نوع مسائل اقتصادی که در پایان مخاصمات ایران با آن مواجه باشد از طرف کنفرانسها یا مجامع بین المللی که برای مطالعهٔ مسائل اقتصادی بین المللی تشکیل یا ایجاد شود با مسائل اقتصادی سایر ملل متحده مورد توجه کامل قرار گیرد.

دولتهای کشور متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالك متحدهٔ انگلستان درحفظ استقلال وحاکمیت وتمامیت ارضی ایران با دولت ایران اتفاق نظردارند وبمشارکت ایران باسایر ملل صلح دوست در برقراری صلح بین المللی وامنیت وسعادت بعد ازجنگ برطبق اصول منشور آتلانتیك که مورد قبول هرچهار دولت است استظهاردارند.

وینستون چرچیل
ژ . و . استالین
فرانکلین . د . روزولت

پس ازآن ، نخست وزیر به بیانات خود ادامه داده گفت:

«صبح روزدهم آذرماه رؤسای کشورهای متفق ما وهمراهان آنها باهواپیما بمقصد کشورهای خود عزیمت نمودند.

دولت ایران خوشوقت است که محل وقوع این کنفرانس تاریخی نصیب کشور ما ودرتهران بعمل آمد ونهایت مسرت دارد که توافق نظر سه دولت بزرك درمنویات خود بمنظورنیل به پیروزی وبرقراری صلح جهانی دراینجا منظور گردیده است وباز خوشوقت است که منافع عالیه ایران رامتفقین ما همیشه منظورنظرداشته ومساعدتها وزحمات ماموردتصدیق رؤسای معظم سه دولت بزرگ قرار گرفته است.

دولت آتیهٔ خوشی را برای سعادت ملت ایران نویدمیدهد وامیدواری کامل دارد که این ملت اززحمات خود نتایج ذیقیمت ورضایت بخش بگیرد.

اگرمجلس شورای ملی مفتوح بود جاداشت این مطالب واظهارات مسرت انگیز رسماً بمجلس شورایملی گزارش شود و چون مجلس چهاردهم هنوز افتتاح نیافته بآقایان زحمت داد که ازجریان امرمستحضر گردند. باین وسیله بدیهی است مراتب باطلاع عموم هم خواهد رسید.»

نطق نخست وزیر با کف زدن ممتد حضار پایان یافت.



پس ازبیانات نخست وزیر آقای دکتر طاهری نماینده دورهٔ چهاردهم تقنینیه بیانات زیررا ایراد نمود:

«دراینموقع که درپایان کنفرانس عالی سه دولت ومذاکرات راجع بایران آقای نخست وزیراین بشارت مسرت بخش راازطرف پیشوایان کشورهای دوست وهم عهد ما رئیس جمهور کشورهای متحده امریکا ونخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی ونخست وزیرممالك متحده انگلستان نسبت بصدور اعلامیهٔ رسمی درزمینهٔ ابراز دوستی وصمیمیت وعلاقمندی مخصوص بشئون ومصالح عالیه کشورشاهنشاهی میدهند چقدرخوب وبجاوباعث کمال خوشوقتی بوداگرمجلس شورایملی دائرونمایندگان ملت میتوانستنداز فراز کرسیهای مجلس پاسخ شادمانی باین حسن نظرهاواطمینانات روح بخش ازطرف قاطبهٔ ملت داده دست وداد وصمیمیت خودرا بسمت رؤساء عالی مقام کشورهای بزرگ ودوست ومتحد دراز کرده سپاسگزاری کنند. ایران این کشور کهن وملت ایران باآنهمه صفحات تاریخ پرافتخارچندهزار ساله درکشاکش روزگار خیلی فرازونشیب دیده خیلی هم باحوادث دست بگریبان شده است.

ولی خداوند بالاوپستی همیشه این کشور ومردم آنرا درپرتوهدایت صراط مستقیم وباپیروی راستی وراست کرداری ازنیستی وپرتگاههای بس خطرناك حفاظت واین ملت راپیوسته دردامن امن وامان خود پناه داده است. ایرانی بدوستیها و همراهیهای تاریخی قدرومنزلت مخصوصی داده ودست برادری را که ازدور ونزدیك بسوی او درازشده وصمیمیتهائی را که پیوسته ابرازوادامه دارددرحال وآینده وبرای همیشه فراموش نمیکنند.

ایرانی بشئون کشورخودعلاقه دارد، استقلال وتمامیت ایران ازمقدسات غیر قابل انکار وجزء روح وایمان خود قرارداده است بنابراین دراینموقع که مقامات عالیه وپیشوایان کشورهای دوست وهم عهدمادر اثرموافقتها ومساعدتهای قبلی و با ایمان ملت ودولت ایران که ازبذل هرنوع وسیله واسباب درراه تسهیل وسایل پیروزی متفقین خودمضایقه نکردیم بموجب اعلامیه مخصوص حفاظت و صیانت و مقدسات ایران را وجههٔ همت و مشی ورویه خود قرارداده اند البته این حسن نظرمورداحترام تمام طبقات این کشور واقع شده وتا ابددوستی و همکاری وصمیمیت دولت و ملت ایران ضامن این افکارعالیه خواهد بود.

اینجانب در مقابل این ابلاغیه که بامضای عالی پیشوایان سه دولت بزرگ رسیده مراتب سپاسگذاری خود و نمایندگان محترم را تقدیم و از هیئت دولت مخصوصاً آقای نخست وزیر و آقای وزیر امور خارجه که قدر و اهمیت ساعات تاریخی ایران را شناخته و بامراقبت و همت خستگی ناپذیر در تحت هدایت و تشویق اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بموفقیتهائی در مصالح عالیهٔ کشور نائل میشوند قدردانی میکنم.

قبل از خاتمه اظهارات خود هم این مطلب را باطلاع آقایان حضار محترم میرسانم. که در موقع ورود میهمان های عالیمقام که پیشوایان سه دولت دوست و همعهد ما هستند و همچنین در مدت اقامت آنها باهمه استتاری که موضوع داشته و همه هم مقید بودیم بنا بمیل مهمانهای عزیز و عالیمقام خودمان مطلب بمصلحت کار پیوسته مستور بماند بسیاری از اشخاص در ایران بمقامات دولتی مراجعه و درخواست نمودند اجازه داده شود یك سلسله تظاهرات دوستی عمومی و ملی بافتخار مهمانان و بافتخار تشکیل این کنفرانس عالی در تهران پایتخت شاهنشاهی بجا آید ولی همیشه تا دقیقه آخر از طرف اولیای دولت بهمان علت که مستور ماندن موضوع را تا خاتمه کنفرانس و بازگشت مهمانها صلاح و مقتضی میدانستند اجازهٔ تظاهرات داده نشد.



اجتماع سه پیشوای بزرگ در تهران و صدور اعلامیهٔ راجع بایران در کلیهٔ طبقات ایرانیان اثر فوق العاده نیکی بخشید و مندرجات اعلامیه که موجب خرسندی ورضایت قلبی عموم ایرانیان شده بود در هر مجلس و محفل مورد مذاکره واقع گشته وتمام روزنامه‌های کشور در پایتخت و استانها و شهرستانها تصمیمات متخذه رهبران ملل بزرگ جهان را که با شور و موافقت اولیای دولت شاهنشاهی اتخاذ شده بود مورد بحث و مداقه قرار داده و مقالاتی مبنی بر تقدیر و رضامندی ملت ایران انتشار دادند.



در کشورهای دوست و متفق هم اعلامیه راجع بایران موجب خوشوقتی و رضای

خاطرواقع شده‌وروزنامه هاومطبوعات آنها تصمیمات متخذه را حسن‌استقبال و بآینده جهان بیش از پیش امیدوار گردیدند .



موقع حرکت از طهران روزولت‌رئیس جمهوری کشورهای‌متحده‌آمریکا درطی نامه‌ای باعلیحضرت همایون‌شاهنشاهی نگاشت :

«نمیتوانم‌تشریح کنم‌تاچه‌اندازه‌اینهمه‌ابرازدوستی‌حقیقی‌ازطرف‌اعلیحضرت مایه مسرت قلبی‌شده است. عزیمتم‌ازایران آمیخته‌بتأسف‌خواهدبود که نتوانستم بیش از این بااعلیحضرت آشنائی پیدا کنم‌و کشوروملت شمارا ازنزدیکتر به‌بینم سالهاست که مردم‌آمریکااز نیات واحساسات‌دوستی ملت‌ایران آگاه‌میباشند.

مهمان نوازی‌اعلیحضرت‌همایونی بنام‌ایرانیان‌این‌احساسات را برای‌سالهای متمادی درخاطر ملت آمریکا زنده‌وجاوید نگاه خواهدداشت.

ایران در قلوب‌آمریکائیهاهمیشه‌محبوبیت‌داشته‌وامروز که‌درجنگ کنونی مقام برادری احراز نموده‌ایم‌این محبوبیت‌تشییدوتحکیم گردیده است. ماازسهمی که ایران‌دراین کارزارمشترك داردمستحضر میباشیم‌وامیدواریم که پس‌ازبرقراری صلح‌روح‌همکاری کنونی بدون‌عایق‌ومانع‌در عملیات‌وایام‌صلح نیزبین‌دوملت‌ادامه داشته باشد. موقع راغنیمت‌شمرده‌تشکرات خودراازابرازمودت‌ومهمان‌نوازیهائی که ازطرف‌اعلیحضرت نصیب من شده است اظهار و بزرگترین‌سعادت را برای اعلیحضرت واهالی‌این‌سرزمین باستانی‌مسئلت‌دارم. خیلی‌امیدوارم که مسافرتی بواشنگتن فرموده وازاین محبت مارا مسرور فرمائید»



آقای‌چرچیل نخست‌وزیر انگلستان‌ضمن‌نامه گرم‌وصمیمانه‌ای به‌اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نگاشت :

«همیشه خاطره روزهای درخشانی را که در کشوراعلیحضرت همایون شاهنشاهی بسر برده‌ام درنظر داشته ورجاء واثق دارم که‌این‌روزهای‌درخشان‌در

شکست سریع دشمن مشترك خودمان وطلوع دوره صلح و سعادت گیتی عامل مؤثری خواهد بود ،

در قسمت آخر نامه نیز اظهار امیدواری نموده اند که اعلامیه سه کشور درخصوص تمامیت ارضی ومصالح ومنافع ایران موجب رضایت خاطر اعلیحضرت همایونی وملت ایران بوده باشد .



تلگراف استالین

جناب آقای سهیلی رئیس هیئت وزیران ایران

هنگامیکه خاك ایران متحدو دوست را که در آنجا پیشوایان دولت سه گانه کارهای کنفرانسی خودرا باموفقیت بپایان رسانیده اند ترك میکنم جناب آقای نخست وزیرمایلم سپاسگذاری خودرا ازمهمان نوازی که نسبت بمن وهمراهانم در پایتخت شما بعمل آمده است ابراز دارم وخواهشمندم همین مراتب را باستحضار اعلیحضرت شاهنشاه برسانید .

بهترین آرزوها ، نیکبختی و سعادت را برای ملت ایران خواستارم .

۲ دسامبر ۱۹۴۳

ای ٠ استالین



تلگراف مولوتف

جناب آقای ساعد وزیر امور خارجه ایران

آقای وزیر از جنابعالی خواهشمندم مراتب سپاسگذاری مراازمهمان نوازی گرمی که در ایران نسبت بنمایندگان اتحادجماهیر شوروی شرکت کنندگان در کنفرانس پیشوایان دولتهای سه گانه بعمل آمده است قبول فرمائید .

یقین دارم که حضور نمایندگان دولت شوروی در تهران وملاقاتهای شخصی آنان با شاهنشاه ایران و هیئت دولت ایران برای توسعه وتحکیم رشته دوستی و

همکاری بین ایران واتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مبارزه برعلیه دشمن مشترك یعنی آلمان هیتلری وبمنظور نیکبختی ملتهای ما کمك خواهد نمود.

۲دسامبر ۱۹۴۳

و.مولوتف



ضیافت در وزارت امور خارجه

پس از آنکه زمامداران سه متفق بزرگ ایران پایتخت راترك گفتند و لزوم استتاراقامت ایشان در طهران رفع گردید آقای نخست وزیر محض ابرازمسرت دولت ایران ازمقدم مهمانان معظم چهارروزبعدازحرکت ایشان شب نشینی بسیار مجللی درکاخ وزارت امورخارجه داد که هیئت دولت ونمایندگان سیاسی خارجه درطهران ونمایندگان مجلس وسران لشکرورجال درآن شرکت داشتند وقبل ازآنکه مدعوین بسرمیز دعوت شوند نخست وزیر نطق زیر را خطاب به سرریدر بولارد وزیر مختار انگلستان ودریفوس وزیرمختار آمریکا وماکسیموف کاردار اتحاد جماهیر شوروی ایراد نمودند :

خانمها وآقایان

درضیافت امشب که بافتخار تشکیل کنفرانس سه دولت وبیاد اجتماع پیشوایان عالیمقام کشورهای دوست ومتحد مادرتهران داده میشود بابیانات دیروز که البته همه استحضارفرموده‌اند وجرائد هم باطلاع عامه رسانیده اند شاید دیگرایراد نطقی ضرورنبودولی بااهمیت این موضوع اینطوربنظر آمد که حیف است موقع راازدست داده سعی نکنیم هرچه بیشترازاین واقعه نیك ومهم تاریخی که نصیب عظمت تهران شده اثروآثار نگذاریم .

چه این قبیل گفتارهادراین مواقع وبرای این قبیل حوادث عظیم تاریخی که ازامروزتاصدها سال دیگرماواولادهای ماپشت درپشت وتمامی بشرعلاقمند هستند ازجزئیات آن آگاه شوندیك کمکهای تاریخی است واغلب متن این سخنرانی

هاا گربعد هابدست آید باعث راهنمائی وهدایت مورخین میشودوچه بسا اوقات که آنهارااز خیلی گمراهی هاهم نجات میدهد.

جناب آقای سرریدر بولارد وزیرمختاراعلیحضرت پادشاه انگلستان
جناب آقای دریفوس وزیرمختار کشورهای متحده آمریکا
جناب آقای ماکسیموف کاردار سفارت کبرای اتحاد جماهیرشوروی

خطاب من بیشتربشما آقایان بنمایندگی از کشورهای بزرگ خودتان است.

حق این بود تهران پایتخت ایران بافتخار ورودواقامت پیشوایان عالیمقام کشورهای شماوتشکیل این کنفرانس بزرگ ضیافتهاومجالس شادمانی برپا کرده تظاهرات عمومی وملی دردوستی وهمکاری واحترام افکارعالیه که رؤسای سه کشور عظیم وهم عهدنسبت بایران باستان واین ملت ابرازداشته اندبنماید واجرای آنرا هم ساکنین این شهردرنظرداشتند ولی چنانکه خود میدانید بمصلحت کاروبرای حسن پیشرفت مقاصدمشترکی که داریم ازاولین دقیقه این بشارت تاموقع ورودودر تمام مدت اقامت وحتی برای هنگام عزیمت پیوسته تصمیم ماوشما بمستورماندن موضوع بود که بهتروخوبتروبافراغت خاطربرسیدگی وحل مسائل منظوره برسند این بود که دیگرموقع ومجالی بدست نیامد که تجلیل مقام ازمهمانهای عزیزشده و مجالس بزرگ برای ضیافت بافتخارآنهاوتشکیل این کنفرانس ترتیب داده شود.

اینست امشت مادراینجاازموفقیت های عظیم کشورهای متحد خودوبشکرانه بازگشت اولیای عالیمقام کشورهای سه گانه که بخوشی وخرمی بمراکزخودرسیده اند وبرای سعادت وپیشرفت ملل متحده ومقاصد مشترکی که داریم باراده اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مجلس سروروضیافت برپا کرده ایم وازدورهم احساسات صمیمانه خودرا برای سلامت سه پیشوای عظیم الشأن که هفته گذشته تهران بوده اندبدرقه میفرستیم وموفقیت آنهارادرمقاصد مشترکی که داریم خواستارهستیم (کف زدن ممتد حضار) روابط معنوی وسیاسی دوستی ونزدیکی ملت ودولت ایران باکشور های اتحاد جماهیرشوروی وانگلستان وممالك متحده امریکاازقدیم وعلاقمندی

بادامه آن وقدرومنزلتی که ملتهای ماوشمابرای تمدن وادبیات وفرهنگ یکدیگر حقاً وبجا وبموقع قائل هستیم صفحات تاریخ وکتب علمی وادبی دنیارا پرکرده وزحمات وجدیت های نویسندگان ومستشرقین هم اهمیت وعظمت آنرا بخوبی درنظر جهانیان آشکار ساخته است . اما عهد وپیمان های امروزما وشما ونزدیکی ها که مارا با دولتهای شما ومتحدین دیگر خودمان مربوط ودرراه مقاصد مشترک برای سعادت ورفاه وآزادی بشر رهسپار یک منظور نموده خیلی مهم وعظیم میباشد.

حالا دیگر تاریخ معاصرما باشما مخلوط شده وهمه هم درموفقیتها وافتخاراتی که حاصل نموده وخواهیم نمود شریک وسهیم هستیم.

عزم راسخ وتغییر ناپذیر همه ماهم به پیروزی وموفقیت در پیشرفت مقاصد عالیه است که بصلاح بشر وبرای خلاصی از گرفتاریها واشکالات ملل درراه ترقی وتعالی خواهد بود.

خیلی هم بدیهیست که در پایان این جنگ عظیم ودرنتیجه این فداکاریها ومحرومیتها وسختیها همه دول وملل متحده باید بهم کمک ومساعدت کرده اشکالات اقتصادی دنیا را مرتفع ووسائل آسایش عمومی را فراهم نمایند .

امیدوارهم هستیم بیاری قادرمتعال ودراثر مساعی همگانی هرچه زودتر با پیروزی بمنظور مقدس ومشترکی که داریم برسیم (کف زدن ممتد حضار)

نطق نمایندگان سیاسی خارجی

بعد از بیانات نخست وزیر سرریدربولارد دریفوس وماکسیموف به ترتیب بیاناتی نمودند که ذیلا درج میشود :

بیانات سرریدربولارد وزیرمختار انگلستان :

جناب آقای نخست وزیر

درغیاب سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی اینجانب خودرا موظف میدانم درپاسخ بیانات فصیح جنابعالی وبرای تشکر ازانعقاد این ضیافت بمناسبت انتشار اعلامیه مربوط بایران که چندروز قبل درتهران امضا شده است مطالبی اظهار دارم :

در بدو امر میل دارم از مهمان نوازیهای گرم دولت شاهنشاهی ایران که از خصایص دیرین ایرانیان است و نسبت بنمایندگان کنفرانس ابراز گردید اظهار تشکر کنم . بجنابعالی اطمینان میدهم که آقای چرچیل و آقای ایدن از دعوتهای صمیمانه که نسبت بایشان بعمل آمد بی اندازه ممنون بوده اند و نهایت تأسف داشتند بجهاتیکه خود جنابعالی هم بآن اشاره فرمودید نتوانسته اند از این دعوتها استفاده کنند مثلا نهایت خوشوقت میشدند که در چنین شب نشینی مجللی شرکت داشته و در شادمانی ایرانیان بمناسبت انعقاد این کنفرانس تاریخی در این کشور باستانی سهیم باشند از اعلامیه‌ای که جنابعالی دیروز منتشر فرمودید کاملا آشکار است که ایران نیز در این کنفرانس فراموش نشده بود من خود را خوشوقت میدانم که در پیش آمد سه واقعه مهمی که در دو سال اخیر نشانه پیشرفتهای ایران بوده است شخصاً حاضر بوده‌ام .

این سه واقعه از این قرار است اول پیمان سه گانه ژانویه ۱۹۴۲ دوم اعلان جنگ ایران با آلمان در ماه اوت ۱۹۴۳ که بموجب آن ایران در صف ملل متفق قرار گرفت سوم این اعلامیه که بموجب آن ایران در همکاری اقتصادی که امیدواریم بعد از جنگ برقرار شود شرکت خواهد کرد .

در نتیجه امضای اعلامیه مربوط بایران بوسیله دولت معظم جمهوری کشورهای متحده آمریکا امضاء کنندگان سه گانه پیمان دو سال قبل پشتیبانی نیرومندی بدست آورند و سایر ملل متفق با این گروه همراه میباشند امیدواریم که همکاری که در این اعلامیه پیش بینی شده است آنقدر بسط پیدا کند که نه تنها ملل متفق بلکه تمام کشورها و ملل روی زمین را شامل گردد .

☆ ☆ ☆

بعد از نطق وزیر مختار انگلیس دریفوس وزیر مختار آمریکا بیاناتی باین مضمون ایراد نمود :

جناب آقای نخست وزیر

خانمها و آقایان محترم

بینهایت خوشوقتم که در مجلس جشنی که امشب بمناسبت اعلامیه دول سه گانه راجع بایران تشکیل یافته است شرکت دارم .

یکماه قبل درچنین موقع در مراکش وعازم مسافرت بامریکا بودم ولی بدلائلی که امروز روشن گردیده است فراخوانده شدم . مایه مسرت و خوشوقتی من است که درموقع امضاء چنین اعلامیه مهمی درایران حضور داشتم این دفعه اول است که کشورمن بادومتفق بزرگ خویش درابرازدوستی نسبت بملت ایران دریك اعلامیه برجسته شرکت داشته است .

تقریباً درهفته قبل بار دیگر ایران مرکز ثقل سیاست دنیا قرار گرفت ووقایع تاریخی باسرعت خیره کننده‌ای جریان یافت .

دراین چهارراه تاریخ خاور وباختر باهم تلاقی نمودند تاآنکه اساس صلح وآزادی جهان را طرح ریزی نمایند .

باید تصدیق کنیم که ایران جاویدان دراین جنك مقدس که برعلیه جنك وبرای تامین صلح است سهم بزرگی داشته است ، کشورزیبای شما با گذشته پر افتخاری که داشته وخدماتیکه بفرهنك جهان و فضیلت بشر نموده مجدداً مقامی را که شایسته آنست بدست آورده است درسرزمین مهمان نواز ودلربای شما بود که پیشوایان بزرگ ماخوشبختانه موفق شدند افکارونیات خودرا متحدساخته ومقاصد عالی خودرا که افتخارحفظ دفاع آنرادارند تا پیروزی نهائی پیش برند .

احساسات صمیمی و تمنیات قلبی خودرا برای جنابعالی و سلامتی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اظهارمیدارد .



پس ازبیانات دریفوس ، ماکسیموف کاردار سفارت کبرای شوروی بیانات زیررا ایراد نمود :

بسیارسعادتمندم که دراین ضیافت مجللی که از طرف جناب آقای سهیلی نخست وزیرواعضاء هیئت دولت ایران بمناسبت انجمن پیشوایان سه کشورمتفق درطهران برپا شده شرکت نمایم .

رؤسای سه کشور معظم متفق کشورهای متحدآمریکا واتحادجماهیر شوروی وبریتانیای کبیر بمنظورمشترك مبارزه برعلیه فاشیسم منفورآلمان درتهران پایتخت

کشوردوست ومتفق گرد آمدند تامسائل راجع باداره جنگ برعلیه آلمان فاشیست وهمچنین مسائل سیاسی دیگری را موردبحث قراردهند .

این واقعه تاریخی یکدفعه دیگر نیات اتحاد ملل شیفته آزادی وسرشار ازیک تصمیم جدی برای مبارزه بجهت شرافت وآزادی و استقلال وبرای سعادت تمام ملل جهان وبرعلیه فاشیسم راکه وحشیگری ورقیت وویرانی رابرای عالم بشریت بارمغان میآورند بثبوت میرساند .

اینکه کنفرانس پیشوایان سه کشورمعظم دموکرات درپایتخت ایران دوست ومتفق که مدت دوسال درمبارزه برعلیه بیدادگری هیتلری بامتفقین کمک نموده در تهران تشکیل یافت نشانه بارزدوستی وقدردانی متفقین نسبت بملت باستانی ایران می باشد .

آقای نخست وزیر، اجازه بدهید از تمنیات دوستانه شما تشکر نمایم و بنوبه خود برای زمامداران دوست ایران سلامتی وموفقیت درتحقق منظورهای مشترک تمنی نمایم.

اجازه فرمائید که موفقیت وسعادت وکامیابی ملت دوست ایران را که درمبارزه برای آزادی ونیکبختی عالم بشریت سهیم میباشد وهمچنین توسعه بعدی روابط سیاسی واقتصادی کشورهای خودرا آرزونمایم .



سرورونشاط خاصی دراین مجلس حکمفرما بود ونخست وزیر ووزیر امور خارجه تا ساعت دوبعدازنصف شب ازمهمانان پذیرائی مینمودند .



اعلامیه انجمن تهران

درتاریخ دهم آذرماه ۱۳۱۲ موقعیکه زمامداران سه کشوربپایتختهای خود مراجعت یا هنوزدرراه بودند اعلامیه عمومی انجمن تهران که دنیا درانتظارش بود از طرف خبرگزاری های انگلیس وامریکا وشوروی بشرح زیر در سراسر جهان منتشر گردید :

رئیس جمهوری امریکا ونخست وزیر انگلیس ونخست وزیر اتحاد جماهیر

شوروی در این چهارروز اخیردر پایتخت ایران متفق خودمان گرد آمده و سیاست مشترك خودرا تنظیم وتأئید نمودیم. ماتصمیم گرفتیم که ملت‌های ما در دوره جنك وسپس دردوران صلح باتفاق و همراهی یکدیگر کار کنند راجع بمسائل جنك افسران ستاد درمذاکرات شرکت نموده و بمنظور انهدام نیروهای آلمانی نقشه‌های لازم راطرح و تنظیم کردیم. درخصوص کیفیت وموقع اجرای عملیات ازجهات خاور وباختر وجنوب موافقت نظر کامل حاصل گردید.

این حسن تفاهم مشترك تضمین میکند که پیروزی ازآن ما خواهد بود. راجع بصلح هم مااطمینان داریم که در پرتو اتفاق مایك صلح پایداری برقرار خواهد گردید.

راجع باستقرار یك صلحی که ناشی از حسن نیت توده ملل جهان بوده وتاچندین نسل خطر وبیم جنك رامرتفع دارد ماکاملا بمسئولیت قطعی خود وتمام ملتهای متفق معترف وواقف میباشیم.

مامسائل آینده را باکمك رایزنان سیاسی خود تحت مطالعه درآوردیم ما ازکلیه کشورهای بزرگ و کوچك که اهالی آنها نیزمانند اهالی کشور های ما قلباً وروحاً تصمیم گرفته‌اند اصول ظلم و ستمگری وبردگی وآزار واذیت را از صفحه جهان برچینند متوقع همکاری ومشارکت عملی بوده وخواهیم بود و ابراز موافقت والحاق آنها را بحلقه ملت‌های دموکرات جهان باکمال مسرت استقبال خواهیم کرد درخصوص اضمحلال ونابودی ارتشهای آلمان وزیردریائی‌ها وصنایع جنگی هوائی آن هیچ دولتی درروی زمین قادر به جلوگیری از تصمیم ما نخواهد بود. حملات ما بی‌رحمانه وروزافزون خواهد بود مابا کمال اعتماد منتظر روزی هستیم که در پرتو این انجمن‌های دوستانه کلیه ملت‌های جهان بتوانند به آزادی زندگی نموده ودستخوش ظلم وستم واقع نگردیده و در آمال و آرزوهای خود کامیاب گردند. ما باتصمیم وامید بطهران وارد شده واینك در حالی که حقیقتاً در روح وقصد رفیق یکدیگریم اینجارا ترك میگوئیم.

امضاء: چرچیل- استالین- روزولت

تاریخ اول دسامبر ۱۹۴۳

مراسم تقدیم شمشیر استالین گراد

هنگامیکه کنفرانس تهران جریان داشت وقایعی در کنفرانس مزبور روی داد که در اینجا بطور اختصار بشرح آن میپردازیم:

سپاسگذاری و ستایش انگلستان نسبت به بزرگترین پیروزی نظامی جنگ بامراسمی ساده در اطاق کنفرانس سفارت کبرای شوروی در تهران در موقع ملاقات سران ملل متفق در موقعیکه مستر وینستون چرچیل از طرف اعلیحضرت ژرژ شمشیر استالین گراد را بآقای مارشال استالین تقدیم داشت بعمل آمد.



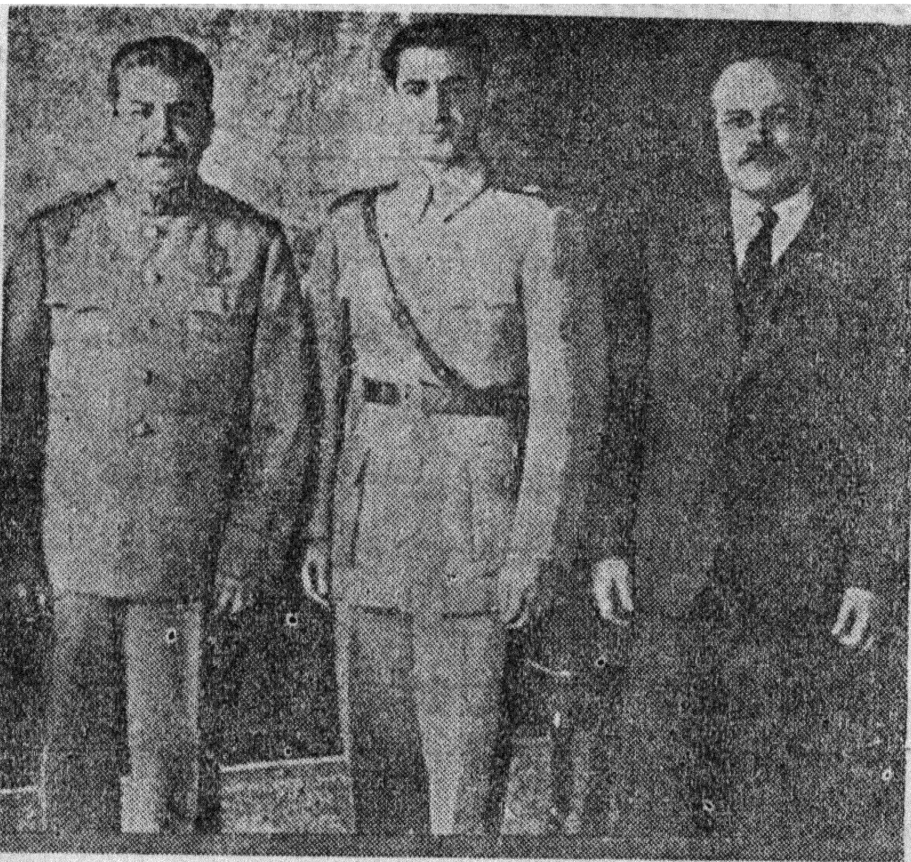
مراسم تقدیم شمشیر استالینگراد در سفارت شوروی بوسیلهٔ چرچیل

غیرممکن است مراسم تسلیم شمشیر را شرح داد بدون آنکه بغض حاکی از شعف گلوی شخص را نگیرد. برای مدت بیست دقیقه در اطاقیکه بزرگترین تصمیمهای تاریخی جهان در آن گرفته شده بود قسمت سیاسی جنگ فراموش شده و اطاق محل ملاقات دوملت بزرگ جنگجو گردید که بوسیلهٔ معدودی از سربازان خود بایکدیگر روبرو شده بودند.

حق شناسی بریتانیای کبیر نسبت بمردم باشهامت استالینگراد بشکل شمشیر قهرمانیکه بوسیله دوستوان و دو پیشوای سیاسی و قهرمانی استالینگراد مبادله گردید بعمل آمد .

شمشیر درحضور سران هیئت نمایندگان سه دولت دراطاقیکه بزحمت در آن جا گرفته بودند تسلیم گردید.

این محل سالون کنفرانس بود که در وسط آن میز بزرگ مدوری قرار داشت



پس از خاتمه کنفرانس تهران مارشال استالین و مولوتف اعلیحضرت همایونی راملاقات کردند

دردوطرف میز بیست سرباز انگلیسی و بیست سربازروسی صف کشیده بودند در انتهای صف سربازان انگلیسی که بلباس جنگی خود ملبس بودند وتفنگ داشتند افسری

بود که شمشیر استالینگراد را بدست داشت. درمقابل سربازان انگلیسی سربازان روسی در دو صف ایستاده بودند و پیراهن خاکی و شلوار سورمه‌ئی بر و چکمه مشکی بپا داشتند. ناگهان مارشال استالین که موی خاکستری دارد بدون کلاه وارد اطاق شد.

چند لحظه ایستاد و سررا بطرف راست خم کرد سپس بطرف راست میز درمقابل صف سربازان روسی قرار گرفت بعدازاو مارشال وروشیلوف و آقای مولوتف وارد شدند که درسمت راست و چپ او قرار گرفتند.

استالین اونیفورم مارشال اتحاد جماهیر شوروی را پوشیده بود که عبارت بود از فرنج کرم رنگ و شلوار کرم که دو نوار پهن قرمز داشت تنها علامت و نشانی که همراه داشت عبارت از نوار قرمز و ستاره طلائی نشان لنین بود.

درست درهمان لحظه مستر چرچیل از درمقابل وارد شد. لباس فرمانده نیروی هوائی سلطنتی انگلیس رادر برداشت و کلاه نداشت. مستر ایدن پشت سراو بود. از میان جمع عبور کرده و درآنطرف میز بفاصله کمتر از دو متر از آقای استالین ایستاد. دو پیشوا یك لحظه درمقابل هم ایستادند و سپس دسته موزیك ارتش سرخ که در اطاق مجاور بود سرود انترناسیونال و سرود ملی انگلیس را نواخت در موقعیکه موزیك نواخته میشد مستر چرچیل بحالت سلام ایستاد و استالین دست راست خودرا بلند کرده وانگشتان خودرا بعلامت سلام نیمه خم کرده بود. سپس مستر چرچیل اظهار داشت:

«مارشال استالین من از طرف اعلیحضرت ژرژ ششم مأموریت دارم این شمشیر افتخاررا که خود اعلیحضرت طرح و نقشه آنرا پسندیده‌اند بشما تقدیم دارم که بشهر استالینگراد بدهید. روی تیغه آن نوشته شده است: «هدیه ژرژ ششم باهالی باشهامت ودلیر شهر استالینگراد بعلامت احترام و سپاسگذاری ملت انگلیس».

مارشال استالین باصدای ملایم و بوسیله مترجم جواب داد و مراتب تقدیر و سپاسگذاری مردم اتحاد جماهیر شوروی را از این عمل ملت انگلیس اظهار داشت.

سپس افسر انگلیسی حامل شمشیر بجلو آمده و شمشیر را بدست مستر چرچیل داد .
مستر چرچیل شمشیر را بدو دست گرفته و بمارشال استالین تسلیم کرد .

مارشال استالین شمشیر را بلند کرده بوسیده و آنرا بمارشال وروشیلوف داد او نیز آنرا بافسر روسی که از جلوی صف سربازان خود بجلو آمده بود داد .

وقتی این مراسم تمام شد یك لحظه سکوت اطاق را فرا گرفت مثل اینکه پیشوایان دو ملت متأثرتر از آن بودند که بتوانند صحبت کنند ، سپس مارشال استالین و مستر چرچیل بگوشهٔ اطاق ، جائیکه مستر روزولت نشسته و مراسم را تماشا می کرد رفتند . مارشال استالین شمشیر را از افسر روسی گرفته برای تماشا به مستر روزولت داد رئیس جمهور با دقت آنرا نگریسته گفت «واقعاً که دلی از پولاد داشتند» بعد شمشیر بافسر روسی داده شد و او با اسکورتی مرکب از چهار سرباز روسی با تشریفات لازم از اطاق کنفرانس خارج شد .

جشن شصت و نهمین سال تولد چرچیل

روز سه شنبه ۸ آذرماه شصت و نهمین سال تولد مستر چرچیل بود و پیامهای شادباش بسیاری از دوستان و همکارانش از انگلستان برای او رسیده بود . اولین پیامی را که باز کرد از طرف خانم خود میسیز چرچیل بود . پیامی نیز از زنان کارمند کمك نیروی دریائی که در دایرهٔ رمز هیئت نمایندگی کار میکردند رسیده بود .

در بین هدایای بسیاری که برای مستر چرچیل رسیده بود هدایای زیر جالب توجه بود .

۱- یك قطعه قالی خراسان خیلی عالی از طرف اعلیحضرت پادشاه ایران .

۲ - یك سکه نقره اسکندری متعلق به ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح و چهاردرهم عتیقه کاملی که در محل خریداری شده بود بوسیله میسیز الیور .

۳ - یك کاسه سفید آبی رنگ متعلق به قرن ۱۳ یا ۱٤ از طرف مستر روزولت با پیامی بدین مضمون « برای مستر وینستون چرچیل در روز شصت و نهمین سال

تولد او درطهران ایران ۳۰ نوامبر ۱۹٤۳ با تقدیم احترامات دوستانه امید است که سالیان دراز باهم باشیم . »

٤ـ قسمتی از یك قطعه قلمکار قدیمی اصفهان متعلق بسال ۱۸۷٤ از طرف مستر هاریمن باپیامی بدین مضمون ، ازطرف اوریل ،

٥ ـ یك کلاه سیاه قفقازی که مخصوص نخست وزیر درتهران ساخته شده بود ازطرف هیئت نمایندگی مطبوعات .

همان شب مستر چرچیل مهمانی شامی درسفارت انگلیس داد که قریب سی نفر درآن حضورداشتند .

سه شنبه ـ شب

ساعت هشت وچهل دقیقه نخست وزیر پائین آمده و باتفاق افسر قسمت میز های شام رابازدید کرد زیرپنجره درسمت چپ هفت صندلی قرار داشت پس از آن صندلی نخست وزیر وبعد صندلی روزولت وچهار صندلی دیگر در سمت راست او قرار داشت . طرف مقابل ۱۵ صندلی بود ودرانتهای میز هر یك سه صندلی . مستر چرچیل نقش میزبان کامل را بخوبی انجام میداد . تمام صندلی ها راباز دید کرد و متوجه بود که مهمانان اوهمه راحت باشند. درقسمت تعیین جاازمیسیز الیور مشورت میکرد . پس از بازدید اطاق ناهارخوری باطاق پذیرائی رفت وهمه چیز راسر کشی کرد . اسموکینك پوشیده بود .

درساعت هشت وچهل وسه دقیقه اولین مهمان یعنی مستر روزولت وارد شد وسایرمهمانهانیزآمدند . مستر ایدن ، مستر هاری هاپکینز ، ادمیرال اندرو کانیکهام وادمیرال لهی باهم آمدند . مستر چرچیل ازاطاق پذیرائی خارج شدتادرباره ورود مستر استالین تحقیق کند . همینکه مهمانهادراطاق پذیرائی جمع میشدندمارشال استالین وارد شد . گارداحترام پیش فنك کردومراسم احترام را بجای آوردومارشال ازهفت پلکان بالاآمد . پالتوی خودرا درآورد وزیر نشان و علامت سفارت انگلیس برای عکس توقف کرد .

مهمانان دراطاق باگرمی ودوستانه صحبت میکردند . مترجم اظهارشادباش مارشال استالین رابهمه حضارابلاغ کرد .

سپس چند لحظه مهم تاریخی واقع شد . مارشال جام خودرا برداشت وبسلامتی مستر چرچیل که بعداً اورا بنام دوست جنگجوی خود خطاب کرد نوشید.

درساعت هشت وپنجاه دقیقه میهمانان بسرمیز شام رفتند . روی میز فقط دو هدیه قرارداشت اولی یك کاسه چینی کار ایران بود که بارنگ سیاه تزئین شده بود ودرداخل کاسه کاغذی بود که روی آن نوشته بود : « باتقدیم احترامات دوستانه امیداست سالهای دراز باهم باشیم . امضا : فرانکلن د. روزولت »

هدیه دیگرازطرف اوریل بود وعبارت بودازیك قطعه قلمکاری متعلق بسال ۱۲۱۳ هجری ۱۷۸٤ میلادی این قطعه قلمکار عالی کارایران در مقابل صندلی مستر چرچیل تا شده بود .

تنها خانمی که دراین جشن روزتولد مستر چرچیل حضورداشت میسیزالیور بود . کیك روزتولد درمقابل مستر چرچیل قرارداشت . این کیك که بوسیله آشپز سفارت پخته شده بود بقطر ۱۵ اینج وبلندی آن ۲۱ اینج بود علامت پیروزی یعنی (V) روی آن بود ۹٦ شمع دور تادورآن قرارداشت وشمع هاراروشن کردند ومهمانی شروع شد .

نخست وزیرانگلستان ومارشال استالین باهم وارد اطاق شدند .

مارشال استالین که فوق العاده سرنشاط بود سمت چپ مستر چرچیل نشست مدعوین عبارت بودندازآقای مولوتف - ژنرال وروشیلوف - مستر ایدن - مستر هاریمن - ژنرال آرنولد - ادمیرال کنینگهام - ژنرال مارشال هورلی - سرچارلز پورتال - سرالکساندر کاردوگان - سرریدر بولارد - مسترهاری هاپکینز - سر کلارك کار - ژنرال سامرول - مستر واینانت - ژنرال ایسمی - فیلدمارشال سرجان دیل - سرالن بروك .

پس ازنوشیدن بسلامتی اعلیحضرت ژرژ ششم - رئیس جمهور کالینین - رئیس

جمهور روزولت جامهائی بسلامتی مهمانان عمده نوشیده شد دو بار بسلامتی روزولت جام برداشته شد یکدفعه بسلامتی روزولت رئیس جمهور و یکبار بسلامتی روزولت خودش . نخست وزیر بسلامتی استالین نوشیدو اورا استالین کبیر خواند، روزولت واستالین بسلامتی چرچیل نوشیدند . قبل از شروع بصرف شام مستر چرچیل گفته بود که میل دارد مطابق قواعد وآداب روس مشروب بنوشند و مسترا ستالین که بنشاط آمده بود هر بار برمیخواست و گیلاسهارا بسلامتی یکدیگر بهم میزدند .

مارشال در کمال نشاط و مسرت بود و درمدت شام چندین بار مستر چرچیل را « دوست جنگجوی من» خطاب کرد در صمیمیت روابط بین سه نفراز پیشوایان هیچ جای شك و شبهه نبود ، بیش از شش بار مستر استالین دوستی خودرا باچرچیل وروزولت خاطر نشان کردو مستر چرچیل حضار را متذکر شد که آنها در حضور استالین بزرگ هستند.

شام ساده وعبارت بود از يك سوپ ایرانی ، ماهی که از دریای خزر گرفته شده بود ، کیك درموقع دسر صرف شد و مهمانی بعداز نیمه شب پایان یافت .



خیابان های روزولت وچرچیل و استالین در تهران

بمناسبت اقامت چندروزه سران سه دولت در تهران ومحض یاد بود و قدردانی ازاین افتخار که در پایتخت ایران سه مرد بزرگ جهان سرنوشت جنگ را تعیین کردند انجمن تهران براین شد که سه خیابان پایتخت را باسم سه مرد بزرگ نامگذاری کند ودر جلسه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۳ از طرف رئیس انجمن شهر موضوع پیشنهاد وازطرف انجمن شهر تصویب و بشهرداری تهران ابلاغ گردید که مقدمات مراسم نامگذاری راتهیه نماید . شهرداری تهران پس ازانجام مقدمات وتهیهٔ وسائل اجرای مراسم روزاول تیرماه ۱۳۲۳ جشن باشکوهی درعمارت شهرداری ترتیب داد و شهردارتهران نطقی باین شرح ایراد نمود :

« پایتخت ما دریکموقع مرکز تنظیم بزرگترین نقشه‌های جاوید جهان گردید

که نتیجه آن اضمحلال ابدی روح پلید فاشیست میباشد.

تهران افتخار آنرا دارد سه تن از بزرگترین رادمردان جهان که دنیای مدنیت مرهون اقدام آنان میباشد وامید و سعادت بشر بهمت وجسارت وجرأت آنان است در آن بایکدیگر ملاقات نمودند واز اندیشه‌ها ونقشه‌های مشترك آنان درآنروز های ملاقات در تهران است که امروز تهران بحیرت آمده وبا گشایش جبههٔ دوم مقدمات عملی شدن حسن ختام جنگ که کمال مطلوب عالم بشریت است آشکار وهویدا گردیده است... بافتخار آنروزهای تاریخی انجمن شهر تهران تصمیم گرفت سه خیابان بزرگ پایتخت که مجاور سفارتخانه‌های دولت های جمهوری امریکا و دولت امپراطوری انگلستان باشد بنام این سه تن پیشوای حریت و آزادی نامیده شود.

این تصمیم باحسن قبول ایرانیان تلقی ومقدمات آن فراهم وپلاك‌های آن تهیه وامروز اینجانب افتخار دارم بنام شهر تهران باطلاع نمایندگان سیاسی دولت های دوست ومتفق خودمان برسانم که از این تاریخ مقدمات این افتتاح رسمی فراهم شده خیابانهای هفدهم دی وقاآنی ورفائیل بنام خیابان پرزیدنت روزولت و مارشال استالین وچرچیل نامیده خواهد شد.

در اینوقت شهردار با اشاره بپلاکهائی که برای این خیابانها تهیه شده توجه حضار را که سفیر کبیر انگلیس وسفیر کبیر شوروی و کاردار امریکا نیز درمیان آنها دیده میشدند بسوی این سه پلاك جلب کرده وسپس بنطق خود ادامه داده و گفت:

«البته شهر ما از این افتخار که نصیب آن گردیده ودر محیط آن شالوده طرح آزادی دنیا ریخته شده است تجلیلات بیشتر وبهتری در موقع خود باید بجا میآورد ولی چنانکه آقایان اطلاع دارند چون وضعیت جنگ اقتضا داشت که کنفرانس تهران و آن مجالس مشورتی مخفی بماند در آن موقع آنطور که آرزوی ما وانجمن شهر بوده وهست تشریفاتی که مناسب اینموقعیت بود انجام نشد لیکن تصور میرود با نصب پلاکها نام این پیشوایان بزرگ برای همیشه در قلب ما ایرانیان ومخصوصاً اهل تهران نقش بسته وبارث نیز باخلاف ما برسد چه آنکه فرزندان ما از روزیکه بدبستان

میروند تا موقعیکه از جهان رخت بربندند هرروز چندبار چشمشان باسامی این بزرگان برمیخورد بنظرمیآورند کادراثر همت و فداکاری این رادمردان ومجاهدین آزادی بوده که بامشارکت یکدیگرو ازخودگذشتگی ملتهای نجیب خودوهمدستی باملل متحده دنیائی را ازقیداسارت وبربریت رهائی داده وتا ابد پرچم آزادی را برفراز اقیانوسها ودشتها وطلال برافراشته وماایرانیان را نیز ازاین نعمت برخوردار نموده‌اند.»



پس ازپایان بیانات شهردارتهران سفیر کبیر انگلیس وسفیر کبیرشوروی وکاردارسفارت امریکا هریك نطق‌هائی ایراد کردند وازاین اقدام شهرداری تهران تشکروقدردانی کردند.

«این بود شرحی که درنشریه وزارت امورخارجه راجع بکنفرانس تهران منتشرشده بود.»

درخواست امتیازنفت ازطرف دولت شوروی

پس ازامضای اعلامیه سه‌دولت دربارهٔ ایران وپایان کنفرانس تهران امیدواری‌های ملت ایران روز بروز بیشتر گردید.

زیرا تاآنهنگام معلوم نبود که متفقین چه تصمیمی در باره ایران اتخاذ خواهند کردوچه نقشه‌هائی در پشت پرده سیاست درجریان است. درخلال این احوال حمل اسلحه ومهمات ازخلیج فارس بمرزهای شمالی ایران شب وروز بلاانقطاع جریان داشت وبدون آنکه کوچکترین اختلالی دراین امرروی دهد سلاحهای جنگ ازخاك ایران گذشته وبجبهه‌های جنگ شوروی ارسال میشد.

کابینه سهیلی تا۲۵ اسفند ۱۳۲۲ مشغول بکاربود ولی در این تاریخ مجبور بکناره گیری شد ودرنتیجه روز۲۷ اسفند ۲۲ ساعدوزیر امورخارجهٔ کابینهٔ قبلی مأمور تشکیل کابینهٔ جدیدی گردید.

از وقایع مهمی که درزمان کابینه اول ساعد رویداد مسافرت هیئتی ازرجال سیاسی واقتصادی شوروی بایران بود.

هیئت مزبور بریاست «کافتارادزه» پس از آنکه وارد تهران شدند پیشنهادهائی راجع باعطاء امتیازنفت شمال بدولت ایران دادند.

در پیشنهاد فوق متذکر شده بودند که دولت شوروی حاضر است پنجاه‌ویك درصدسود حاصله‌را بدولت ایران بدهد وبعلاوه عده زیادی از مهندسین ایرانی را برای استخراج معادن نفت استخدام کند وقریب یك ملیون نفراز کارگران ایرانی‌را نیز درنقاط مختلف بکار بگمارد.

اگرچه این پیشنهاد بهتر ازامتیازاتی بود که شرکت نفت انگلیس بدولت ایران میداد، ولی‌رجال سیاسی چنین تشخیص دادند که در پشت پردهٔ نفت نقشه‌هائی برای توسعه‌نفوذ شوروی درایالات شمالی ایران‌واستعمارقسمتی‌ازاین کشور وجوددارد، ازاینروبا پیشنهادهای دولت شوروی‌مخالفت کردند.

نمایندگان اقلیت وطرفداران سیاست شوروی‌درمجلس برعکس موافق‌اعطاء امتیاز نفت بودند ومیگفتند همانگونه که نفت جنوب بدولت انگلیس‌داده شده، نفت شمال نیز بایدبهمسایهٔ شمالی‌داده شود تابدین ترتیب‌رفع دلتنگی‌های گذشته دولت‌شوروی ازایران بشود.

روزنامه‌های‌دست چپ‌مخصوصاً نشریات‌حزب‌توده بیش ازهمه درباره‌اعطاء امتیاز نفت شمال پافشاری‌میکردندومخالفین‌را بباد فحش ودشنام وافترا گرفته‌و ملت‌ایران را از عواقب‌وخیم عدم‌اعطاء‌امتیازنفت‌تهدیدمینمودند.

ازطرف‌دیگرحزب توده‌واتحادیه کارگران درخیابانهای‌تهران‌دست بتظاهرات بزرگی‌زده وباشعارهای «مرده‌بادساعد» و «ایران طرفداردوستی بااتحاد جماهیر شوروی است» و «امتیازنفت شمال باید بدولت شوروی داده‌شود» میکوشیدند که هرچه زودتراین‌امر جامهٔ عمل پوشد.

ولی عده‌ای از نمایندگان مجلس جداً بادادن این امتیاز مخالفت ورزیدند وبالاخره باتصویب پیشنهاد دکتر مصدق در باره منع مذاکره راجع به امتیاز و انحصار نفت ، آرزوی حزب توده وروسها در بارهٔ نفت نقش برآب گردید .

ازاین تاریخ مبارزه شدیدی بین روسها بادولت ایران آغاز گردیدوهرچند روز یکبار ببهانه‌ای درصدد فشاروآزار ملت ودولت ایران برآمدند.

عامل نقشه های دولت شوروی عده‌ای از سرجنبانان حزب توده بودند که برای حفظ منافع همسایه شمالی واستعمار و بربادادن استقلال ایران از هیچگونه تلاش و فعالیت خودداری نمیکردند.

اگرچه حزب توده ظاهراً یك حزب افراطی دست چپ بود ، ولی کسانیکه این حزب رادرایران ایجاد کردندهمگی از ملاکین وسرمایه‌داران وعاملین سیاست بودند که دستورهای خودرامرتباً ازسفارت انگلیس ومامورین زبردست انگلیسی میگرفتند اینان با تشکیل حزب توده چنین وانمود کردند که از رژیم سوسیالیسم پیروی میکنند وطرفدارجدی سیاست دولت شوروی هستند .روسها نیز که ازدیرباز علاقمند بودند نفوذخودرا درایران توسعه داده ویك حزب کمونیست دراینکشور تشکیل دهند ، چون ملاحظه کردند که حزب توده ظاهراً مجری منویات آنهاست شروع به‌تقویت حزب مزبور کردند تا بدانجا که درزمان کابینهٔ ساعد علناً کامیون های حامل سرباز مسلح ارتش سرخ در خیابانها از اعضاء حزب توده که درخیابانها متینك میدادند پشتیبانی میکردند.

بدین ترتیب پس از مدت کوتاهی حزب توده در سراسر ایران یك حزب چپ وطرفدار دولت شوروی شناخته‌شد، وحال آنکه‌عاملین وسر جنبانان این حزب همگی آنگلوفیل بودند ودر پشت پرده باکمال مهارت دستورهای سفارت انگلیس را برای ضربت زدن بسیاست شوروی ولجن مال کردن آندولت درایران اجرا میکردند.

کابینه ساعد بالاخره در ۱۸ آبان ۱۳۲۳ از کار بر کنار رفت وبیات مأمور تشکیل کابینه جدید گردید.

کابینهٔ بیات نیز بیش از پنج ماه عمر نکرد ودر ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲٤ حکیم الملك کابینهٔ تازه راتشکیل داد. حکیم الملك در برابر مشکلات اوضاع نتوانست مقاومت نماید باینجهت پس از یکماه او نیز از کار کناره گرفت و صدرالاشراف بمقام نخست وزیری رسید.

وقایع آذربایجان

هنگامیکه کابینهٔ صدر تشکیل گردید اوضاع آذربایجان روز بروز رو بوخامت میرفت وآشفتگی وهرج ومرج عجیبی در آن سامان برقرار میگردید.

چندین ماه بود که این استان بزرگ وحساس کشور استاندار نداشت و مامورین شوروی وحزب توده موقع را برای اختلال اوضاع آن منطقه کاملا مناسب دیدند. روسها که پس از قضیهٔ نفت سخت عصبانی شده بودند وهردم انتظار آنرا داشتند که ضربتی بر پیکر ایران زده وانتقام خودرا بگیرند نقشه وسیعی برای گرفتن انتقام طرح کردند.

حزب توده وو کلای اقلیت آذربایجان رعایارا علیه مالکین و کارگران را برضد صاحبان کارخانه‌ها برمیانگیختند.

کشاورزان وکارگران ساده لوح نیز که گرفتار محرومیتهای دوران جنگ شده بودند فریب تبلیغات سوء آنانرا خورده وعلم عصیان را برافراشتند.

دراین میانه نخستین کسیکه قربانی این نقشه شوم گردید حاجی احتشام لیقوانی بود.

از طرف دیگر پیشه‌وری مدیر روزنامه آژیر ویکی از نمایندگان آذربایجان که مخالفین اعتبارنامه اورا در مجلس چهاردهم رد کرده وروزنامه‌اش را نیز توقیف نموده بودند از تهران بطرف تبریز عزیمت کرد ودر آنجا بامیرزا علی شبستری که از مدتها پیش بایکدیگر دوستی داشتند وصادق پادگان یکی دیگر از هواخواهان وجیره خواران شوروی نقشهٔ طغیان آذربایجان راطرح کرده وروز ۱۲ شهریور ۱۳۲٤ بیانیه‌ای

در بارهٔ تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان انتشار دادند.

مواد اول وچهارم این بیانیه که راجع به محو زبان فارسی و تجزیه آذربایجان بود بزرگترین ضربت را بر وحدت واستقلال ایران وایرانی میزد.

پس از انتشار بیانیه مزبور روز ۲۲ شهریورماه هیئت مؤسسان تشکیل گردید و پس از اخذ آراء پیشه‌وری بعنوان صدر فرقه دموکرات آذربایجان انتخاب شد.

درهمین موقع حزب توده آذربایجان نیز الحاق خودرا بفرقه دموکرات اعلام کرد و بدین ترتیب روز بروز قدرت وقوت این فرقه نوظهور باپشتیبانی سرنیزه قوای بیگانه بیشتر میشد.

تاروز ۲۴ آبانماه سران فرقه دموکرات درخفا مشغول اقدامات محرمانه و وسیعی بودند ولی کسی ازجزئیات آن اطلاعی نداشت ـ ولی درروز مزبور قوای نظامی فرقه بنام «فدائیان» باحمله بمیانه وتصرف اینشهر مردم را متوجه این نکته ساخت که فرقهٔ دموکرات تنها یك حزب وجمعیت عادی نیست بلکه هدف بزرگی درپیش دارد وآن قیام مسلحانه وتجزیه آذربایجان ازایرانست .

خبرهائیکه ازشهرهای مختلف آذربایجان به تبریز میرسید حاکی بود که کامیونهای ناشناسی بین اهالی اغلب شهرهای این استان اسلحه ومهمات توزیع میکند.

نخستین گزارش تلگرافی که ازطرف لشگر سه تبریز دراین باره به ستاد ارتش مخابره شد تااندازه‌ای فعالیت فرقهٔ دموکرات راروشن می کند ـ گزارش مزبور چنین حاکی بود:

ستاد ارتش

گزارشات رسیده بژاندارمری وگزارش فرمانده پادگان مراغه حاکیست:

۱ـ ازقریه قلی کندی بین میاندوآب ومراغه عده‌ای مسلح شده اند ژاندارمری برای تحقیق مأمور بمحل اعزام میدارد . بمحض نزدیك شدن ، مامورین ژاندارم مورد شلیك واقع میشوند ، درنتیجه دو نفر مسلح بتفنك برنو جلب وبمراغه می آورند. مقامات شوروی اصرار دارند دستگیر شدگان مرخص شوند .

۲ - درمحل «دیزبار» دو کامیون اسلحه تقسیم شده ، رعایا بدسته ژاندرمری «عجب شیر» حمله و فعلا درمحاصره ، زدوخورد ادامه دارد . شورویها از خروج ژاندارمها برای تقویت پاسگاههای خود ازمراغه جداً مخالفت مینمایند .

۳ - درده اونیق بین ترکمانچای و میانه عده ای ازرعایا مسلح و راه را مسدود و از عبور و مرور جلوگیری و یکنفر استوار را که بمرخصی میرفته ازاتوبوس پائین کشیده و شدیداً کتک زده اند . چون سیم تلگراف میانه قطع شده ، لذا این اطلاع بوسیله تلفن داده شده است .

رئیس ناحیهٔ ژاندارمری و کفیل استانداری امروزصبح بفرماندهی آمده پس از مذاکره درباب اطلاعات بالا ، رئیس ناحیه اظهارمیکرد دو روزاست ازخروج حتی یکنفر ژاندارم ازتبریز جلوگیری نموده و محتاج به پروانه عبور ازمقامات شوروی میباشد و مقامات شوروی بعناوین مختلف ازدادن جواز دفع الوقت مینمایند.

قرارشد ازطرف کفیل استانداری مراتب بژنرال کنسولگری شوروی نوشته شود ، نتیجه اقدامات و اطلاع بعداً بعرض خواهد رسید .

ضمناً بعرض میرساند ممکن است در نقاط دیگرنیز اتفاقاتی افتاده باشد و بواسطه خرابی سیم تلگراف اطلاعی در دست نیست .

سرتیپ درخشانی

روزبیست و پنجم آبان که هنوز میانه بتصرف افراد فرقه درنیامده بود ستاد ارتش دستور ذیل را بفرمانده لشگرآذربایجان داد :

« ساعت ۱۸ روز ۲۴/۸/۲۵ لازم است طبق دستورات قبلی با تحت امر گرفتن ژاندارمری و شهربانی درشهرهای اردبیل - تبریز - رضائیه و سایرنقاط ، مسلحانه تاآخرین قطره خون افسران وافراد ، ازاماکن دولتی مخصوصاً عمارت استانداری شهربانی - ژاندارمری و سربازخانه ها و تلگرافخانه بدون رعایت اخطارهای مقامات غیر مسئول وغیرازستاد ارتش دفاع نموده و آرامش را درشهر برقرار واز هرگونه انقلاب جلوگیری کنید .

لازم است خود شما و افسران مربوطه تا دستور ثانوی شبها نیز در سربازخانه‌ها حاضر و آماده باشید و ارتباط کامل بین اماکن دولتی که تحت اشغال قوای انتظامی است برقرار و حفظ نمائید .

ضمناً نظر باینکه ممکن است وضعیت ناامنی مشکل و طوری ایجاد شود که واحدها و پادگانها در حال محاصره قرار گیرند که چندروز هم بطول انجامد، فوراً خوار بار لازم و همچنین احتیاجات دیگر را پیش بینی و در سربازخانه ذخیره کنید.

سرلشگر ارفع

با آنکه از طرف ستاد ارتش و اداره کل شهربانی وژاندارمری دستورهائی برای حفظ نظم و امنیت شهرهای مختلف آذربایجان صادر گردید، معهذا بر اثر دخالت های مستقیم ژنرال «کلینسکی» فرمانده نیروهای شوروی در تبریز اوضاع روز بروز وخیمتر میشد .

باینجهت روز ٢٦ آبان دولت تصمیم گرفت که رسماً با مأمورین فوق العاده شوروی در ایران راجع باینموضوع وارد مذاکره شود وزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش وقت با وابسته نظامی سفارت کبرای شوروی وارد مذاکره شدند و بلا فاصله در روز ٢٧ آبان یك ستون مأمور حرکت بطرف تبریز گردید.

ولی روز ٢٩ آبان ستون مزبور در شریف آباد بوسیله نیروی شوروی متوقف ماند و فرمانده قوای شوروی بفرمانده ستون اعزامی اعلام کرد که حرکت آنها از این نقطه بطرف قزوین جداً ممنوعست و در صورتیکه بخواهند به پیشروی خود ادامه دهند سربازان ارتش سرخ مجبور باستعمال اسلحه بر ضد سربازان ایرانی خواهند شد و بنابراین برای جلوگیری از هرگونه پیش آمد ناگواری باید تا دو ساعت بعد از این نقطه بطرف تهران مراجعت کنند؛ . . .

ولی ستون مزبور از بازگشت بپایتخت تا وصول دستور از مرکز خودداری کرد و منتظر وصول دستور از ستاد ارتش گردید.

از طرف دیگر زد و خورد های دسته های مختلف فرقه دموکرات با قوای دولتی

اثرات ناگواری درازدهان بخشید و دخالتهای علنی ارتش سرخ در این زد و خوردها در محافل داخلی و خارجی مورد بحث و تفسیر قرار گرفت .

دولتین آمریکا و انگلستان که از دور ناظر اوضاع بودند در صدد برآمدند که دولت شوروی را متوجه عواقب وخیم دخالتهای ناهنجار خود در امور داخلی ایران کنند و دولت ایران نیز روز ۲۶ آبانماه یادداشتی بشرح ذیل به سفارت شوروی تسلیم کرد :

یادداشت وزارت امور خارجه

بسفارت کبرای شوروی

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خودرا بسفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اظهار داشته و پیرو یادداشتهای عدیده و مذاکرات حضوری راجع بآزادی عمل ارتش و قوای تأمینیه ایران در استانهای شمالی کشور که عدم توافق نظر مقامات شوروی نسبت به آن سبب شده است که قوای مزبور نتوانسته‌اند در یك مدت طولانی بکوچك‌ترین عملی برای حفظ امنیت و استقرار نظم و جلوگیری از عناصر مفسده جو مبادرت نمایند با کمال احترام زحمت افزا میشود .

اطلاعاتی که از وزارت کشور و وزارت جنگ و وزارت دادگستری رسیده حاکی است :

۱- عده‌ای از رؤسای کرد مقیمین در استان ٤ و مهاباد بتحریك دستجات محدودی که مقاصدی مخالف تمامیت خاك ایران درسر دارند بفعالیتهائی شروع نموده و بوسایل مختلف تهیه اسلحه و مهمات مینمایند که خود را برای انجام منظور آماده سازند .

۲- رؤسای اکراد مزبور برای پیشرفت مقاصد خود و ایجاد بی‌نظمی و فتنه انگیزی درصدد برآمده‌اند از راه مطبوعات افکار کردهای صلح جورا مشوب نموده و دامنه اغتشاش را در کردستان ایران توسعه دهند و برای این منظور یکدستگاه ماشین

-چاپ ومقادیر زیادی کاغذ روزنامه از خاك شوروی بدست آورده اند .

۳ - چند نفر از رؤسای کردهای مهاباد و ساکنین قسمتهای باختری آذربایجان بدون رعایت مقررات گذرنامه ورواديد، برای پیشرفت عملیات خود بباد کوبه رفته و مراجعت نموده اند .

٤- ملامصطفی بارزانی که از خاك عراق با کسان خود فرار اختیار و بایران آمده است درنقاط کردنشین ایران سکنی نموده وچون مسلح هستند ظن قوی میرود دامنه بی نظمی را توسعه داده و باعناصر مفسده جو امنیت وانتظامات قسمت باختری استان ٤ وحدود مهابادرا مختل سازند .

افراد مسلح بعنوان دادن میتینگ می خواهند به سراب رفته ادارات دولتی را اشغال نمایند.

در قریه «اونیك» بین ترکمان ، و میانه عده‌ای مسلح تلگراف را قطع و اتومبیل هاراکاوش ویکنفر استوار را که بمرخصی میرفته شدیداً کتك زده اند و سیمبانی که برای درست کردن سیم رفته ،مورد تهاجم عده‌ای مسلح قرار گرفته فرار نموده است .

٥ - از تبریز اطلاع میدهند مأمورین شوروی ازپاسبانانی که برای مراقبت ساختمان زندان میروند جلوگیری مینمایند. درصورتیکه حزب نامبرده بالا آزادانه مشغول اقدام است،عده‌ای را مسلح کرده به بی نظمی تحریک میکنند، مامورین دولتی را از اقدامات متقابله مانع میشوند در مذاکراتی هم که بامقامات شوروی برای جلوگیری از این اقدامات می شود نتیجه مثبتی بدست نمی آید، در شهرهای خوی وماکو ورضائیه نیز حال بدینمنوال است ،بنا بمراتب مسطوره که حتی در اخبار جهانی منعکس شده است وباعث نگرانی دولت شاهنشاهی گردیده و بوزارتخانه‌های مربوطه دستور صادر شده است که دراسراع اوقات استاندار و فرماندار و سایر مأمورینی که لازم میدانند به

پست‌هائیکه چندی‌است بعلل مذکور بلامتصدی مانده اعزام و قوای تأمینیه و ارتش را در حدود احتیاجاتیکه برای حفظ امنیت و استقرار نظم در استانهای مزبور ضرورت دارد تکمیل نمایند .

لذا وزارت امور خارجه شاهنشاهی با ستظهار اینکه دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باامضای پیمان سه گانه تعهد نموده است تمامیت خاك ایرانرا محترم بدارد ونسبت بادارات وقوای تأمینیه ایران وزندگانی اقتصادی کشور مزاحمتی ننماید. در این موقع که اوضاع واحوال در استان های شمالی طوریست که هرگاه توجه عاجلی در جلوگیری از بی‌نظمی ها بوسیله اعزام قوای تأمینیه کشور بآن نقاط نشود، ممکن است مفاسدی پیش آید که البته مخالف میل دولتین است وچون دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی همواره در تحسین روابط خود با ایران ساعی ومقید بوده ودولت شاهنشاهی نیز بحسن نیت دولت همجوار ومتفق ودوست خود معتقد و مستظهر است، از سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی خواهشمند است دستورات لازمه بمقامات نظامی شوروی صادر فرمایند که باآزادی عمل ارتش وقوای تأمینیه ایران در استان های شمالی موافقت نموده وتوافق نظر خود را زودتر اعلام دارند ولطفاً از نتیجه اقدامات حسنه که در این باره مبذول خواهند داشت وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایند تا باقداماتی که برای حفظ آرامش وجلوگیری از توسعه بی‌نظمی ها لازمست مبادرت شود .

چه هرگاه دولت شاهنشاهی نتواند بجلوگیری از پیش‌آمد های نامطلوب مزبور بعلت نداشتن آزادی عمل ارتش وقوای تأمینیه ایران موفق گردد ، بدیهی است آثار ناشیه از آنرا حقاً میتواند متوجه مأمورین نظامی شوروی بداند.

درخاتمه باستحضار میرساند که فعلا دولت شاهنشاهی ایران برای جلوگیری از توسعه عملیات متجاسرین که نتوانند با دستجات مأمورین تأمینیه مواجهه و قسمت های کوچك را منفرداً خلع سلاح کنند تصمیم گرفته دو گردان پیاده ویکدسته

تانك سبك و يك گروهان ژاندارم بالوازم ومهمات از تهران و قزوین و زنجان بسمت میانه و تبریز اعزام نماید که قوای تأمینیه استانهای ۳ و ٤ تقویت شوند .

بطوریکه آقای وزیرجنگ با آقای وابسته نظامی سفارت کبرای دراین خصوص مذاکره نموده‌اند خواهشمند است هرچه زودتر مراتب را بمقامات مربوطه شوروی آگهی دهید که از مطلب قبلا استحضار داشته باشند .

تهران بتاریخ بیست و هشتم آبانماه ۱۳۲٤

یادداشت جوابیه دولت شوروی

روز پنجم آذر ۱۳۲٤ سفارت کبرای شوروی پاسخ یادداشت دولت ایران را بشرح ذیل بوزارت امورخارجه تسلیم کرد .

سفارت کبرای دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بااظهار تعارفات خود بوزارت امور خارجه ایران در پاسخ یادداشت شماره ۵۳۷ مورخ نوامبره ۱۹٤۵ افتخار دارد مطالب زیر را اطلاع بدهد .

اظهار وزارت امور خارجه دراینکه مأمورین شوروی درامور داخلی ایران دخالت مینمایند صورت عمل پیدا نکرده و باحقیقت امر وفق نمیدهد .

همچنین موضوع مساعدت مقامات شوروی بکردها نسبت بفعالیتهای سیاسی کردها درآن نواحی بکلی بی‌اساس است و مخصوصاً مقامات شوروی هیچگونه رابطهٔ بافعالیت‌های رؤسای کرد های مقیمین آستان ٤ (مهاباد) نداشته‌اند و نیز در امر عبور ملامصطفی بارزانی از خاك عراق بایران که دریادداشت وزارت امورخارجه بآن اشاره شده هیچگونه دخالتی ننموده‌اند .

بسفارت کبرای شوروی بدون تردید معلوم است که نمایندگان شوروی تقاضای آزاد نمودن احدی را که از طرف ژاندارمها در قلی کندی بازداشت شده و دریادداشت وزارت امورخارجه اشاره شده است ، ننموده‌اند و همچنین موضوع بازداشت مستحفظین نظامی ایرانی که در تبریز بطرف بنای زندان میرفتند از طرف مقامات شوروی وقوع نیافته است .

تأیید باینکه مقامات شوروی ازرفت وآمد اتباع ایران دراستان های شمالی ممانعت مینمایند باحقیقت امر وفق نمیکند. بدیهی است که ترتیب صدورجوازموقع رفت وآمد بنقاط شمالی ایران که نیروی شوروی درآن نقاط توقف دارند، مربوط بافراد کشورهای ثالثی میباشد.

تأیید یادداشت وزارت امور خارجه راجع باینکه مأمورین شوروی در زندگی اقتصادی استانهای شمالی مداخله مینمایند بی اساس میباشد.

ازطرف دیگرواضح است که دولت شوروی طبق وظیفه دوستی خوددر ماه مه ۱۹۴۳در سختترین مواقع ، حتی برای دولت شوروی ، ۲۵هزارتن گندم برای اهالی پایتخت ایران - تهران - بایران مساعدت کرد.

تشکیلات بازرگانی شوروی باواردنمودن کالاهای دیگر خود وضعیت پخش کالا رابرای اهالی ایران درموقع جنگ بهبودی بخشید.

بدیهی است که ازنبودن استاندار وسایر کارمندان دولتی دراستانهای شمالی مسئولیتی متوجه دولت شوروی نمیشود.

اماآنچه مربوط بعزیمت این کارمندان بمحل است، دراینخصوص تشکیلات حمل ونقل شوروی همواره بادولت ایران مساعدت نموده است . حتی چندروزپیش سفارت شوروی درتهیه هواپیما برای عزیمت آقای بیات استاندار تبریز، مساعدت خودرا ابرازداشته است.

وزارت امورخارجه بدون نظرعمیقانه موضوع حفاظت مرزهای ایران وترکیه را مطرح مینماید.

مقامات مربوط ایران کراراً باطلاع مأمورین شوروی رسانده اند که استقرار پاسگاههای مرزی در مرز ایران و ترکیه برای مقامات مزبور اشکال فوق العاده دارد ودرموقع خودازحفاظت این مرز باوجود اصرار وپیشنهادمکرر مأمورین شوروی دراینخصوص استنکاف ورزیده اند.

بااین وضعیت اعتراضات وزارت امورخارجه راجع بنبودن پاسگاههای ژاندار

درمرز ایران وترکیه نمیتوان صحیح تلقی نمود.

اظهارمبنی براینکه گویا مقامات شوروی در امور قضائی ایران دخالت نموده ومانع ازاجرای کیفرقانونی نسبت باتباع ایران بوده اندنظر به بی اساس ومخالف بودن آن باحقیقت امر باعث تعجب میگردد واز طرفی هم نمیتوان ازنظر دورداشت که مأمورین محلی ایرانی کراراً درموضوع پیدا کردن عناصرتبه کارموانعی بوجود آورده وقضات محلی نیزمکرر آنان را تبرئه کرده وبااینکه علیه افراد مخالف نظم وآسایش درنواحی محل اقامت نیروی شوروی ومرتکبین سرقت اموال نظامی شوروی وحتی قاتلین افراد مأمورین نظامی شوروی عمداً احکام خفیفی صادر می نمودند ،باوجود این مأمورین نظامی شوروی روش دخالت درجریان قضائی ایران راپیش نگرفته ومنافع اتباع ومؤسسات شوروی راطبق قوانین جاریه ایران پیش نگرفته ومنافع اتباع ومؤسسات شوروی راطبق قوانین جاریه ایران خواستاربودند ومسلم است که مأمورین شوروی نمی توانستند ازجریان بازجوئی وطرزدادرسی که بوسیله مأمورین ایرانی نسبت بایرانیانی که مرتکب تبهکاریهای مهم برعلیه پارهٔ ازمأمورین شوروی ونظامیان آن شده بودند صرف نظر نمایند ، معذلك این امر رابهیچوجه نمیتوان دخالت درامور دادرسی (قضائی) ایران تلقی نمود.

دریادداشت وزارت امورخارجه راجع بفعالیت پارهٔ از دستجات سیاسی ایرانی دراستانهای شمالی ایران ،ازجمله راجع بحوادثی که درمیانه ومراغه رخ داده اشعارشده است ویادداشت مزبور آنهارا بحزب دموکرات آذربایجان ایران نسبت میدهد ،اطلاعاتی که سفارت شوروی دردست دارد مسائل مزبوره را که دریادداشت بالا درج شده تأیید نمینماید.

درهرحال حوادث استان‌های شمالی ایران که با فعالیت احزاب سیاسی بستگی دارد ،محققاً ازمسائل داخلی ایران است. مأمورین شوروی ومقامات نظامی آن درزندگی سیاسی داخلی استان‌های شمالی دخالت ننموده ونمی نمایند.

لذا سفارت شوروی اهتمامی راکه درانتقال مسئولیت وقوع این حوادث از

مقامات ایرانی ، بمأمورین شوروی که بهیچوجه در این حوادث دخالت ندارند بعمل می آید ، جداً رد میکند .

چون وزارت امور خارجه برای تأیید اظهارات خود لازم دانسته بپیمان سه گانه متکی شود ، سفارت ناگزیراست اشعار دارد که پیمان نامبرده مورخ ۱۹٤۲ کاملا ودقیقاًازطرف شوروی رعایت می‌شودودرعین حال سفارت ناگزیر است خاطر نشان نماید که‌پیمان مزبوردرآنقسمت که مربوط بتأمین امنیت‌داخلی خاك ایران میباشد ، غالباً ازطرف مأمورین‌ایران رعایت نمیشود ورفتارپاره‌ای ازمأمورین دستجات نظامی وژاندارم باوضعیت برقراری‌امنیت درحوزه‌مأموریتی که اعزام میشوند ، مناسب نبوده واین موضوع بموقع خوددریادداشت شماره ۳۶۲ مورخ ۲۰ اوت ۱۹٤٤ وسپس درمکاتبات بعدی سفارت شوروی اشعار شده است . اطلاعاتی که‌سفارت دردست داردشاهد آنست که اخیراً پارهٔ ازمأمورین ژاندامری ایران نه‌فقط برای برقراری امنیت ونظم‌استانهای شمالی ایران کمکی نکرده اند بلکه‌بیشتر ازاوقات درنتیجه رفتارخود باعث وقوع‌حوادث نامطلوبی بین سکنه محلی شده‌اند .

راجع باظهارات آنوزارت مبنی برورودنیروی‌نظامی تکمیلی باستانهای شمالی ایران سفارت شوروی آن وزارت رابنکات زیرمتوجه میسازد .

بادرنظر گرفتن اینکه ازهرگونه حوادث نامطلوب برای دولت ایران و همچنین برای دولت شوروی باید احتراز کردواین موضوع باورود نیروی‌نظامی تازه ایرانی باستانهای شمالی ایران بستگی دارد .

دولت‌شوروی دراینموقع انجام‌این امرراصلاح نمیداند وبایددرنظر گرفت که چنانچه نیروی‌تازه علاوه برارتش منظم‌ایرانی وژاندارم که درنواحی‌مزبور میباشند وارد شود. آنگاه این عمل باعث اغتشاشات و خونریزی دراستان های شمالی ایران خواهد گردید وباین مناسبت دولت شوروی هم ناگزیرخواهد بود که بمنظورحفاظت نظم وتأمین امنیت برای پادگان شوروی‌نیروی تکمیلی خود

را بایران وارد نماید و چون دولت شوروی بورود نیروی تکمیلی خود بایران مایل نیست باین لحاظ ورود نیروی تکمیلی ایرانرا باستانهای شمالی ایران در اینموقع صلاح نمیداند.

مهر سفارت شوروی

پس از آنکه یادداشت سفارت کبرای شوروی واصل گردید و لحن تند و زننده آن مورد مطالعه و مداقه قرار گرفت، این نکته مسلم شد که دولت شوروی جداً در صدد است در امور داخلی آذربایجان دخالت کند، و حتی دولت ایران را تهدید نموده است که در صورت اعزام نیروی تکمیلی از تهران بآذربایجان دولت شوروی نیز نیروی تکمیلی خود را از کشور شوروی بآذربایجان وارد خواهد کرد.

از اینرو دولت ایران یادداشت مفصلی بعنوان دولتین انگلیس و امریکا که امضاء کننده اعلامیه سه دولت بودند تهیه کرد و ضمن آن توجه دو دولت فوق الذکر را بمفاد اعلامیه کنفرانس تهران راجع بحفظ تمامیت ارضی و استقلال ایران جلب کرد.

دولتهای امریکا و انگلیس نیز پس از دریافت یادداشت مزبور هر یك یادداشت هائی در روز ۲۶ نوامبر بکمیسر امور خارجه شوروی در مسکو تسلیم نمودند که اکنون بدرج عین آنها مبادرت میشود.

یادداشت دولت امریکا

بکمیسار های امور خارجه شوروی درباره ایران

دولت ایران بدولت کشورهای متحد امریکا اطلاع داده است در نواحی شمالی ایران که نیروی شوروی قرار گرفته قیام های مسلحانه‌ای بوقوع پیوسته است و دولت ایران دستور داده است قسمتی از نیروهای مسلح وی بمنظور تجدید استقرار امنیت داخلی و قدرت دولت وارد آن نواحی شود و فرماندهان نظامی اجازه نداده اند قوای مزبور بحرکت خود ادامه دهد و در نتیجه دولت ایران قادر نبوده است مسئولیتی را که برای نگهداری صلح و آرامش در خاك ایران برعهده دارد انجام دهد.

بایستی بخاطر آورد که در اول ماه دسامبر ۱۹۴۳ مارشال استالین، نخست وزیر

چرچیل و پرزیدنت روزولت اعلامیه‌ای درتهران امضاء نموده ودر آن اظهار داشتند که دولتهای آنها با دولت ایران درتمایل حفظ استقلال وحاکمیت وتمامیت ارضی ایران اتفاق نظردارند.

این دولت کاملا اطمینان دارد که دولتهای شوروی و بریتانیای کبیر باندازه دولت کشورهای متحده امریکا شور و علاقه دارند که باکمال دقت طبق قوانین مندرج دراین اعلامیه رفتار نمایند.

بعقیده دولت امریکا انجام این قول وتعهد مستلزم اینست که دولت ایران بتواند برای حفظ اقتدار خود وبرای استقرار امنیت داخلی باکمال آزادی بدون مداخله مقامات نظامی یا کشوری شوروی وانگلستان ویاامریکا نیروهای مسلح خودرا بطوری که لازم میداند درایران بحرکت آورد.

دولت کشورهای متحده امریکا چنین استنباط می کند که هریك از فرماندهان شوروی که ازحرکت آزادانه نیروهای ایران جلوگیری نموده باشند ممکن است بدون تصویب دولت شوروی اقدام کرده باشند.

چنانچه فرماندهان شوروی دراین خصوص بدون دستورعمل نموده‌اند چنین تصور میشود که دولت شوروی تعلیماتی بروفق اعلامیه مذکور برای آنها صادر نماید. بهرصورت وضعیتی که فعلا ایجاد شده است دولت امریکا را متقاعد ساخته است که منافع مشترك همه‌در اینست که نیروهای شوروی وانگلیسی وامریکائی بیدرنك ایران را تخلیه نمایند.

تا وقتیکه یکی از این نیروها درخاك یکدولت دوست باقی باشد حوادث و سوء تفاهمات ممکن است واقع شود.

دولت کشورهای متحده امریکا تاکنون نیروهای خودرا درایران درطی سال جاری ازحداکثر ۲۸ هزارتن بکمتر از ٦ هزارنفرتقلیل داده وفعلا درایران نیروی جنگی امریکائی موجود نیست.

آنهائیکه در ایران مانده‌اند بکارهای تصفیه و فروش لوازم جنگی و بعضی نقل و انتقالات مهمی مربوط بانحلال تجهیزات قشونی اشتغال دارند.

با اینکه تخلیه فوری این نیروها باعث ناراحتی قابل ملاحظه‌ای برای این دولت خواهد بود، معهذا تعلیماتی بمقامات نظامی امریکائی مقیم ایران صادر می گردد که اقدامات فوری بعمل آورند که کلیه نیروهای امریکائی تا اول ژانویه ۱۹۴۶ کاملا ایران را تخلیه نمایند.

دولت امریکا پیشنهاد مینماید که دولتین انگلیس و شوروی تعلیمات مشابهی برای فرماندهان خود صادر و ترتیب فوری برای تخلیه کامل ایران از کلیه نیروهای خارجی تا اول ژانویه ۱۹۴۶ داده شود.

اقدامات فوری برای تخلیه ایران هرگونه تردیدی را راجع بمقاصد سه دولت درباره انجام تعهدات خود برطرف خواهد نمود، با دادن این پیشنهاد دولت امریکا آگاه است که هیچگونه علتی که نیروهای مزبور را مجبور کند که تا تاریخ مذکور در ایران بماند نمی بیند.

دولت امریکا معتقد است که اقدامات فوری برای تخلیه ایران از این نیروها تا تاریخ اول ژانویه نه تنها سوء تفاهمات احتمالی را مرتفع خواهد ساخت، بلکه این حقشناسی بپاس خدمات و کمکهای قابل ملاحظه‌ای خواهد بود که ایران با حسن شهرت و مقامی که بسمت یکی از اعضای ملل متفق دارا می باشد، در راه جنگ مشترک بعمل آورده است.

ملتهائی مانند ایران در کنفرانس ملل متفق سان فرانسیسکو تشویق شدند که نسبت بمقاصد دوستانه و حسن نیت اعضای دائمی شورای امنیت اعتماد کامل داشته باشند.

دولت کشورهای متحده امریکا اطمینان دارد که اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر نیز کمتر از کشورهای متحده امریکا ذیعلاقه نیستند که در رفتارشان با مللی مانند ایران رویه‌ای پیش گیرند و ثابت نمایند که اعتماد این ملل درباره اعضاء دائمی شورای امنیت بیجا نبوده است.

یادداشت دولت انگلیس

بکمیسر امور خارجه شوروی راجع بآذربایجان

درهمانحال که دولت امریکا یادداشت اعتراضیه‌ای بدولت شوروی تسلیم کرد سفیر کبیر بریتانیا در مسکو «سرارچیبالد کلارك کر» نیز یادداشتی باین شرح راجع بآذربایجان بمولوتف کمیسر امورخارجه شوروی تسلیم نمود :

«من ازطرف دولت متبوعه خود مأمور شده‌ام بشما اطلاع دهم که دولت انگلستان ازاینکه مطلع شده‌اند، نیروهائی که دولت ایران میخواسته ازتهران بآذربایجان بفرستند، دربین راه ازطرف مقامات نظامی شوروی متوقف شده‌اند.

بنظردولت متبوعه من کاملا بجاست که دولت ایران درخاك خود خواهان استقرار نظم باشند وکاملا مشروع استکه نیروهای تأمینی خود را باینمنظور در سراسر کشور حرکت دهند.

طبق مادهٔ یك عهدنامه بین دولت شوروی وانگلستان وایران مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ دولت شوروی وانگلستان متعهد بمحترم داشتن تمامیت ارضی وحق حاکمیت واستقلال سیاسی ایران شده‌اندوماده چهارمین پیمان مشعر است براینکه «حضور نیروهای متفقین درخاك ایران جنبه اشغال نظامی نداردو تامیتوان ازمداخله در اداره امور ونیز امورنیروهای تأمینی ایران حذر خواهد شد.»

بعلاوه دراعلامیهٔ سه‌دولت بزرگ درباره ایران که درتهران در اول دسامبر ۱۹۴۳ صادرشده است، اتحادجماهیر شوروی وانگلستان وامریکاعلاقهٔ خودرا در استقلال وحق حاکمیت وتمامیت ارضی ایران ابرازداشتند، لذا دولت متبوعهٔ من احساس میکنند که عمل مقامات نظامی شوروی درمتوقف ساختن نیروهای ایرانی هنگامیکه بسوی آذربایجان میرفته‌اند، براثر سوءتفاهمی درمحل بوده است.

دولت متبوعهٔ من اعتماد دارد که‌دولت شوروی خودرا قادر خواهدداست که بفرماندهی خود در ایران دستوردهد آزادی عمل نیروهای ایران‌را سلب نکنند و مداخلهٔ در اعمال حق حاکمیت دراستقرارنظم درخاك ایران ننمایند.»

یادداشت مجدد دولت ایران

بدولت اتحاد جماهیر شوروی

پس ازآنکه یادداشتهای دولتین بریتانیا و امریکا بدولت شوروی واصل گردید دولت ایران نیز مجدداً یادداشتی بشرح ذیل برای دولت شوروی ارسال داشت:

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خودرا بسفرای کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اظهار ودر پاسخ یادداشت ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ برابر پنجم آذرماه ۱۳۲۴ شماره (۵۲۶) محترماً مراتب زیر را باستحضار میرساند:

ازمندرجات یادداشت جوابیهٔ که مرقوم فرموده‌اند، دخالت مأمورین شوروی درامور داخلی ایران دراستانهای شمالی حقیقت ندارد، نظر باینکه وزارت امور خارجه فعلا نمیخواهد توضیحات بیشتری دراینباره بدهد و سوابق امر را کاملا روشن نماید وازآنچه اشعار داشته‌اند معلوم میشود من بعد اقدامات مزبور تکرار نخواهد شد، اظهارخوشوقتی مینماید، وازینکه اشعارداشته‌اند که مأمورین شوروی مقررات پیمان سه گانه واعلامیهٔ سران سه کشور بزرگ ومتحد ایرانرا که در تهران امضاء وانتشاریافته کاملا محترم میدارند، اظهار مسرت مینماید.

وزارت امورخارجه امیدوار است بامساعدت آن سفارت کبری درضمن تخلیه سریع وکامل خاك ایران ازنظامیان شوروی که همین انتظاررا ازدودولت دوست ومتحد دیگر نیزداریم، دیگر ازاینگونه اقدامات ازطرف مأمورین نظامی شوروی دراستانهای شمالی صورت وقوع نیابد، تادوستی خلل ناپذیر ایران واتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روزبروزافزون شود واینکه اشعارداشته‌اند دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مسئول عواقب وخیم نبودن مأمورین ایران درنقاط لازمه استانهای شمالی نیست، لزوماً باستحضار آن سفارت کبری میرساند: وجود مأمور درصورتی مفیدومؤثر استکه قوای تأمینه دراختیار استانهاوشهرستانهابوده ونقل و انتقال قوای مزبورهم ازمحلی که مورداحتیاج نیست، بنقطه مورد احتیاج میسر

باشدا گرمأموین رسمی دولت دست بسته ومحصور وآنها که درصدد ایجاد ناامنی هستند آزاد باشند و قوای تأمینیه کشور هم آزادی عمل وارتباط بامرکز نداشته باشند، طبعاً سلب امنیت ازمردم شده ومأمورین دولت مانند سایر اهالی استان های شمالی درمعرض خطر تجاوز وتعدی وجرح وقتل خواهند بود . چنانکه بارها وقایع قابل تأسف در اثر همین وضعیات اتفاق افتاده است .

وزارت امورخارجهٔ شاهنشاهی امیدواراست چنانکه سفارت کبری مرقوم داشته‌اند، مداخله درامور استانهای شمالی خاتمه یافته باشدو قوای تأمینیه کشور درنقل وانتقال آزاد باشند، تا امنیت وانتظام درآن نواحی استقرار یابد .ضمناً به استحضار سفارت کبری میرساند که تقویت قوای تأمینیه کشور در استانها چنانکه اظهار نموده‌اند مورد نگرانی نیست و بهیچوجه نبایدو سیلهٔ آمدن قوای تازه از کشور اتحادجماهیر شوروی بایران شود . زیرا مورد درخواست دولت شاهنشاهی اینست که قوای موجود شوروی که درایران هنوزمانده‌اند، همچنین قوای سایر کشور های متحدما هرچه زودتر ایران راتخلیه وبکشور های خودبرگردند تادولت ایران بتواند موجبات آسایش وراحتی عموم ایرانیان را فراهم آورد .منظور قوای تأمینیه یا ارتش دولت شاهنشاهی ستیزه بامردم نبوده ونیست بلکه مقصود ازتقویت قوای تأمینیه دراستانها فقط جلوگیری از بی‌نظمی وتعدی و تجاوز و مراقبت در تأمین آسایش مردم است وبااین ترتیب بزودی موجبات آرامش نواحی شمالی کشورفراهم ومأمورین دولت نیزخواهندتوانست باظهارات حقه هرکس برطبق قانون اساسی وسایر قوانین موضوعه کشور رسیدگی نمایند. بنابراین خواهشمنداست، آن سفارت کبری ازاقدامات سریع خودشان برای آزادی عمل مأمورین لشکری وکشوری ایران دراستانهای شمالی ونقل وانتقال قوای تأمینیه وارتش کشور شاهنشاهی عموماً و بخصوص عده‌ایکه فعلادرشریف آبادمعطل وعازم استانهای سه وچهار هستند هرچه زودتر وزارت امورخارجه‌را مستحضر فرمایند، اسباب مزیدامتنان خواهدشد».

مسئله آذربایجان در مجامع بین‌المللی

پس از آنکه یادداشت فوق برای دولت شوروی ارسال شد ، تا مدتی دولت و ملت ایران در انتظار عکس‌العمل مساعد کشور همسایه شمالی بودند ، ولی چون هیچگونه اثری در این باره مشاهده نشد، درمحافل سیاسی و مجامع ملی اغلب چنین اظهارعقیده میشد که اینموضوع باید بسازمان ملل متحد و شورای امنیت که ضامن و حافظ صلح جهان و استقلال و آزادی کشورهاست ارجاع شود.

درخلال این اوضاع رادیوها و مطبوعات بیگانه مرتباً اخبار و حوادث مربوط بایران را منتشر میساختند.

درمحافل و مجامع سیاسی بین‌المللی نیز وقایع ایران مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

ازجمله در پارلمان انگلستان عده‌ای از نمایندگان از دولت خواستار شدند که اطلاعاتی راجع باوضاع ایران بدهد و «بوین» وزیر امور خارجه آنکشور نیز شرح مبسوطی درباره حوادث ایران بیان کرد و خاطر نشان نمود که حفظ نظم و استقرار امنیت در آذربایجان از امور داخلی ایرانست و هیچ دولت دیگر حق دخالت در این قضیه راندارد و تصمیم دولت ایران دائر بر تأمین نظم در آن سامان که قسمتی از خاك ایرانست بامفاد پیمان سه گانه توافق و بستگی کامل دارد و مخصوصاً برای اجرای این امر دولت انگلیس بمأمورین نظامی خود دستور داده است که مفاد پیمان سه دولت را نصب‌العین خویش قرار دهند و بنابراین امید میرود که دولت ایران در انجام این منظور توفیق یابد .

بغیر از وزیر امور خارجه انگلیس «ایدن» نماینده پارلمان و وزیر امور خارجه پیشین بریتانیا نیز بیاناتی باین شرح درباره اوضاع ایران در پارلمان ایراد کرد.

«بنظر اینجانب این دفعه اولین بار نیست که مقامات شوروی از حرکت نیرو و ژاندارمری دولت ایران بنواحی تحت اشغال خود جلوگیری نموده و اجازه حرکت

بآن سامان رانداده اند، بالنتیجه هرآینه اختلافی بظهور رسیده باشد چندان شگفت انگیز نمیباشد.

دولتهای متفق برای آن بخاك ایران قدم نهادند که مسئله ارسال خواربارو مهمات بخاك اتحاد جماهیر شوروی تأمین گردد وهرگز مایل نیستند که دوباره در ایران بسیاست منفور گذشته که بنام مناطق نفوذ سیاسی نامیده میشد باز گشت نمایند.

دراینموقع ایدن اضافه کرد که، دولت اتحاد جماهیر شوروی برای رفع سوء ظن و بدگمانی میتواند تصمیم زیر را اتخاذ واظهار کند که با حرکت آزادانه قوای ایران درنواحی مورد بحث مخالفتی ندارد واضافه نماید که حاضر است میدان عمل را برای فعالیتهای این نیروها درمناطق مزبور باز گذارد وبدانها کمك ومساعدت نماید. من میتوانم بگویم که دولت اتحاد جماهیر شوروی خبرنگاران جراید دنیارا دعوت کند که بآن سامان رفته واز نزدیك اوضاع آن سامانرا مشاهده نمایند وبدانها اجازه دهد که مشاهدات خودرا آزادانه منتشر سازند تابدین ترتیب ازخود رفع سوء ظن نموده وموقع خودرا بیش از پیش مستحکم سازد.»

از سوی دیگر دولت امریکا نیز یادداشتهائی برای دولتین بریتانیا و شوروی، ارسال داشت و ضمن آن تأکید کرد که قوای نظامی دولت باید تا آغاز ژانویه ۱۹٤٦ خاك ایرانرا تخلیه کنند، ضمناً قوای نظامی خود در ایران نیز دستور داد که هرچه زودتر خاك ایران را ترك نمایند.

وخامت اوضاع آذربایجان

درخلال این احوال روز بروز اوضاع آذربایجان بدتر میشد وافراد مسلح فرقه دموکرات اقدام باشغال نقاط مختلف آذربایجان میکردند. چنانکه اکنون بعنوان نمونه عین گزارش فرمانده تیپ اردبیل را که برای فرمانده لشکر ۳ آذربایجان ارسال داشته ذکر میکنیم:

از اردبیل به تبریز

فرماندهی لشگر ۳ آذربایجان

ازصبح جمعه ۲۵ ماه جاری اطلاعات متعاقب یکدیگر رسیده حاکیست که در

ظرف ۴۸ ساعت اخیر در تمام دهات اردبیل و سراب و نمین و مشکین شهر و فولادلو بعناصر حزب توده از طرف روسها اسلحه داده شده که تعداد تقریبی اسلحه پخش شده طبق اطلاع درحدود هشت هزار تفنگ برنو و بهر نفر دویست تیر فشنگ داده شده که از دیروز در محل بتمرین تیراندازی شروع نمودند .

هدف این اقدام بطوریکه اطلاع واصله تأیید مینماید این بوده که دفعتا حمله نموده قبلا زندان شهربانی و بانک ملی و تلگرافخانه را اشغال نمایند .

دیروز فرماندار با کنسول شوروی ملاقات و در اطراف اطلاعات رسیده مذاکره نمود ، کنسول شوروی اظهار داشته منهم خبرهائی شنیده ام و بدژبانی شوروی دستور میدهم که بتعداد گشتی ها اضافه و مراقب اوضاع باشد.

طبق اطلاع رسیده شب گذشته درحدود پانصد نفر مسلح پادگان ژاندارمری سراب را محاصره، پس از سه ساعت زدوخورد خلع سلاح و فرمانده پادگان ستوان یکم ضیائی مهر ، و فرمانده دسته ژاندارمری ستوان یکم فاطمی دستگیر، در ساعت چهار بعداز نصف شب از سراب خارج شده اند .

دستهٔ ژندارمری نمین درمحاصره است ، چون عامل اصلی شورویها هستند تعیین تکلیف سریع مورد استدعاست.

سرهنگ زریو

در تعقیب این گزارش ، خبرهای واصلهٔ دیگر همگی از وخامت اوضاع حکایت میکرد ، تاآنکه رسماً اطلاع رسید شهرهای سراب، عجب شیر، اهر ، میانه یکی پس ازدیگری سقوط کرده وبدست متجاسرین افتاده اند.

روز ۴ آذرماه نیز خبر رسید که عده ای متجاوز بردویست نفر ازافراد مسلح فرقه دموکرات ناگهان وارد شهرزنجان شده وافراد ژاندارمری و پاسبانان شهربانی وسربازان نظام وظیفه را خلع سلاح کرده وشهررا اشغال کردند .

تنها کسانیکه زیربار افراد فرقه دموکرات نرفتند عده ای ازمیهن پرستان زنجان

وخمسه و گروس و نواحی پیرامون همدان بودند که تاآخرین لحظه با فدائیان فرقه بجنگ وستیز پرداختند .

شب ۲ آذرماه خبر رسید که متجاسرین یحیی سالاری فرماندار مراغه را درخانه‌اش بقتل رسانده‌اند، وسرهنگ معین آزاد را درحین عبوراز خیابان هدف گلوله قرار دادند .

شب ۵ آذرماه پانصد نفر از فدائیان بشهرآستارا حمله‌ور گردیده عده‌ای از پاسبان شهرو سپس سرهنگ ظهیرنیا وده نفرژاندارم و جمعی از وطن پرستان و معاریف محل را درخانه‌هایشان کشتند و آنگاه از آستارا بطرف گیلان سرازیر گردیدند .

دخالت سربازان ارتش سرخ ومأمورین شوروی درآذربایجان و کمک‌های علنی آنان بفرقه دمکرات سبب شد که عموم اهالی متوجه گردیدند که آذربایجان دستخوش مطالع یکی ازدول بیگانه شده و موجودیت آن جداً درمعرض خطر قرار گرفته است.

این موضوع از گزارشی که فرمانده تیپ اردبیل بستادارتش ارسال داشته روشن میشود :

از اردبیل - خیلی خیلی فوری

ریاست ستاد ارتش

محترماً معروض میدارد - چند روزقبل کنسولگری شوروی بوسیله محمد جلیلی ساریخان بیگلو جمعی ازرؤسای طوایف شاهسون رابه‌بهانهٔ پرداخت بهای گوسفندی که بشوروی فروخته‌اند باردبیل احضار، دیروزحاضرین که عبارت ازحاتم رئیس طایفه گیگلو ، فضل‌الله طالش میکائیل لو- رستم‌عیسی لو- مراد خلیفه لو- بیوك سفانلو- محمدقلی ساریخانلو بوده‌اند، به کنسولگری دعوت وبطورمحرمانه بانها تکلیف نموده‌اند که جهت اخذدستورات ازمیر باقراف رئیس جمهوری آذربایجان شوروی درخصوص استقلال داخلی آذربایجان بباکو بروند .

نامبردگان درپاسخ دستورات کنسولگری، رفتن باکورا باجازه دولت ایران،

محو کول نموده و کنسولگری جواب تحقیر آمیزی بشمارالهیم داده دولت ایران را دولت پوشالی بآنان معرفی و باتهدید گوشزد نموده اند که این امر حتماً باید بطور محرمانه عملی شود ازقرار معلوم منظور اصلی کنسولگری روانه کردن حاتم گیکلو و فضل الله طالش میکائیل لو- رستم عیسی لو میباشد که بدین وسیله روحیه طوایف اهالی میهن پرست را متزلزل و برای اجرای منظور حزب توده که اخیر آماسک دمکرات را بصورت زده اند، زمینه را مساعد نمایند.

بمحض اینکه از این جریان اطلاع حاصل نمودم ابلاغیه‌ای بشرح زیر پیوست بفرد فرد رؤسای طوائف نامبرده که در شهر حضور دارند صادر و بسروان ادیب امینی نیز دستور داده شد، حضور نامبردگان را در رأس ایل مربوطه مراقبت نمایند.

باعرض مراتب بالا، بطوریکه خاطر مبارك مستحضر است، روز بروز دامنه اقدامات وتحریکات مقامات شوروی زیاد میشود و یقیناً چنانچه بزودی باقدامات و تحریکات آنها خاتمه داده نشود، عواقب وخیمی برای این منطقه و تمامی آذربایجان دربرخواهد داشت لذا مستدعی است مقرر فرمائید که اقدامات سیاسی در این مورد ازطرف مقامات سیاسی ایران معمول ورفع بحران کنونی بشود.

سرهنگ زریو

گزارش بعدی چنین حاکیست:

تیمسار ریاست ستاد ارتش - محترماً معروض میدارد:

۱- فرقه دموکرات آذربایجان مصمم است باتشکیل انجمن ایالتی وولایتی شروع بانتخابات نموده ومنتخبین (مثلا ازاردبیل بازرگانی رئیس کشاورزی استان ۳ واز مشکین شهر حسن جودت) را بمرکز اعزام، چنانکه مورد قبول واقع نگردید، با کمك بیگانه منظور خودرا بحکومت مرکزی تحمیل نمایند.

۲- روز گذشته آقای داود سلیمانی (امیرالممالك یمین) را بکنسولگری احضار پس ازبدگوئی ازفرماندار وفرمانده تیپ، مشارالیه را بقبول عضویت فرقه دمکرات دعوت، چون مرام فرقه معروضه خود بخود پیشرفت نمیکند، مقامات شوروی باقسام

مختلفه مشغول فعالیت هستند.

از جمله ساعت ۱۷٫۵ روز ۱٫۷٫۲۴ سرهنگ فرمانفرمائیان رئیس منطقه نظام‌وظیفه استان ۳ موقع ورود باردبیل و پیاده‌شدن ازماشین درچهارراه‌خیابان پهلوی دونفرسربازمسلح شوروی بنامبرده مصادف‌واورا به کماندانی جلب‌مینمایند، دونفر ازمأمورین‌انتظامی تیپ که سرهنگ مزبور راشناخته بودند عقب مشارالیه به کماندانی میروند که دخالت نمایند، یکی‌ازسربازان شوروی یکی‌ازمأمورین انتظامی تیپ‌را باقنداق تفنگ تهدیدو بروی ستون فقراتش میزنند وبلافاصله سرهنگ مزبوررامرخص مینمایند.

ضمن مذاکرات حضوری روز۲٫۸٫۲۴ عطفاً بگزارش رمزمورخه ۲٫۸٫۲۴ این تیپ مراتب مطرح، دژبان شوروی اظهار نموده چون سرهنگ مورد بحث روی لباسش پالتوبارانی پوشیده بود، سربازان اورا نشناختندوجلب کرده بودندوهمینطور درموارداحضارسربازان کمك شهربانی (موضوع گزارشات رمز۲٫۸٫۲۴و۶٫۸٫۲۴) دلیل باتخاذ روش بالا بوده، بطوریکه‌مفهوم میشودمقامات شوروی‌ازمحبوبیت‌تیپ بین‌مردم‌متأثروبعناوین‌مختلفه‌سعی مینمایند که‌نسبت بافسران‌وافراددرانظارعمومی اهانت وآنهارا تحقیرنمایند وبدین‌وسیله اهالی شاهدوست‌ومیهن‌پرست‌را مغلوب نفوذ وقدرت خودنموده، دامنه عملیات خائنین‌داخلی‌را توسعه دهند.

۳ ـ چندروزاست عده گشتی‌های سوار وپیاده‌شوروی‌افزایش یافته و شب وروز در فعالیت بوده، درخیابانهاو کوچه های‌شهر گردش می نمایند.

فرمانده تیپ اردبیل

بیانیه فرقه دموکرات

درآنروزهای سخت‌وآشفته‌ای که هرروزخبرهای بدی‌ازآذربایجان میرسید وقوای‌مسلح فرقهٔ‌دموکرات باپشتیبانی نیروی بیگانه یك‌یك شهرهای آزادو بلادفاع آذربایجان رااشغال میکردند، فرقهٔ‌دموکرات باردیگرمبادرت بانتشاربیانیه‌ای‌نمود که‌منظورهای‌شوم این‌جمعیت‌درخلال آن بخوبی‌خوانده‌میشود، اکنون متن بیانیه:

«درروزهای ۲۹و۳۰ آبانماه سال جاری هفتصد نفر که طبق امضای یکصد و پنجاه هزار نفر شرکت کنندگان درمتینگ های عمومی شهرها و حومه های آذربایجان بنمایندگی انتخاب شده بودند کنگرهٔ ملی بزرگ خلق را تشکیل دادند و در چهارمین اجلاس خود باتفاق آراء تصمیم گرفت که نکات عمده تقاضای خود را بوسیله اعلامیه حاوی مواد زیر بحکومت مرکزی ایران اعلام دارد :

۱- مردم آذربایجان بنابعلل وحوادث بیشمار تاریخی که در اینجا فرصت ذکرآنها نیست، دارای ملیت، زبان، آداب ورسوم وخصوصیات مربوط بخود است واین خصوصیات بوی حق میدهد که بامراعات استقلال و تمامیت ایران مانند تمام ملتهای جهان بموجب منشور اتلانتیك در تعیین مقدرات خویش آزاد و مختار خود باشد .

۲- کنگره با در نظر گرفتن روابط سیاسی اقتصادی ومدنی مردم آذربایجان با ایالات وولایات دیگر ایران ، فداکاریهای مردم آذربایجان را در تأسیس دولت کنونی ایران (حقیقتاً دولت فعلی ایران بوسیلهٔ آذربایجان تأسیس شده) در نظر گرفته وبهیچوجه نمیخواهد که انجام تقاضاهای قانونی و مشروعش که عبارت از خودمختاری ملی است، بمرزهای ایران لطمه بزندو براساس تجزیه آن قرار گیرد.

۳- مردم آذربایجان باتمام قوا طرفدار دموکراسی بشکل مشروطه است. مردم آذربایجان مانند ایالات وولایات ایران ، بمجلس شورایملی ایران نماینده خواهد فرستاد ودر پرداخت مالیات های عادلانه شرکت خواهد کرد.

٤ - مردم آذربایجان رسماً وعلناً اعلام میکنند که مانند تمام ملل دیگر(با مراعات تمامیت واستقلال ایران) برای اداره امور داخلی خود، حق ایجاد یك حکومت ملی دارد وچنین حکومتی میتواند بامراعات استقلال وتمامیت ایران آذربایجان را باروش دموکراسی وحاکمیت ملی اداره کند.

٥ - مردم آذربایجان بعلت زحمت فراوانی که در راه آزادی، دمکراسی متحمل شده وبعلت قربانی های زیادی که در این راه داده ، میخواهد حکومت خودمختاری براساس دموکراسی تشکیل دهد.

بنابراین طبق نظامنامه داخلی خود که از طرف کنگره تصویب شده است، مجلس ملی خود را انتخاب کرده، لازم میداند که حکومت ملی وداخلی را ازمیان نمایندگان این مجلس انتخاب ودر برابر آن مجلس مسئول باشد.

۶- مردم آذربایجان بزبان ملی ومادری خود علاقه خاصی دارند، تحمیل زبان دیگران آنهارا ازکاروان ترقی وتمدن عقب گذاشته وراه فرهنگ ومعارف ملی را بروی آنها بسته است.

برای ممانعت ازاین تحمیلات نارواوایجاد وسائل ترقی آذربایجان کنگره ملی بهیئت ملی دستور میدهد که در کوتاه ترین مدت زبان آذربایجان را در ادارات دولتی مرسوم وتدریس آنرا درتمام مدارس (دولتی وملی) عملی سازد.

۷- کنگره ملی که باعتبار صدو پنجاه هزار امضا وباشتراك هفتصد نماینده تشکیل یافت ، بنا باراده ملت آذربایجان خود رابعنوان مجلس مؤسسان اعلام کرده وبرای اداره امور داخلی آذربایجان یك هیئت ملی ، مرکب از سی ونه نفر انتخاب کرده ، بآنها اختیار میدهد که درراه اجرای تقاضاهای ملی تدابیر لازم اتخاذ نموده ، بامقامات صلاحیتدار وارد مذاکره شوند ودرعین حال انتخابات مجلس ملی آذربایجان وهمچنین انتخابات مجلس شورایملی را عملی کنند.

در پایان ، کنگره نظردولت ایران وتمام دول دموکراتیك رابمطالب مذکور در فوق جلب میکند واعلام میدارد برای اجرای این مقاصدفقط بوسیله تبلیغ و تشکیلات اقدام خواهد کرد وجنگ داخلی و برادر کشی رااجازه نخواهدداد ، ولی اگر دولت مرکزی بخواهد حق قانونی مردم رابزور اسلحه وقهر وغلبه ازبین ببرد، دراین صورت بهرقیمتی باشد ، از حقوق خود دفاع خواهد کرد و تایکفرد آذربایجانی زنده است ، در راه خود مختاری ملی مبارزه خواهد نمود.

مجلس مؤسسان (کنگره ملی) بهیئت ملی اختیار میدهد که برای تامین خود مختاری آذربایجان ، بامقامات صلاحیتدار تماس بگیرد ومسئله را ازطریق صلح ومسالمت حل کنند ، ولی هیئت ملی اختیار ندارد که ازخود مختاری وحق

حکومت ملی آذر بایجان صرفنظر کند وتمامیت استقلال ایران رابرهم بزنند .

آرزو مندیم - جهان دمکرات بداند که دردنیا ملتی هست که حاضر شده است باتمام قوا ازحقوق خود دفاع کند و در یك گوشه آسیا پرچم دمکراسی و آزادی برافرازد وفقط بانیروی خود ،آزادی خویش راتامین کند .

امیدواریم مقامات صلاحیتدار ایران ودول بزرگ دموکراتیك برای اجرای مقصد ملی ما ، ازکمك‌های نوعپرورانه متکی بمنشور آتلانتیك مضایقه نکنند.

هیئت رئیسه مجلس مؤسسان «کنگره ملی»

مخالفت باتقاضاهای فرقه دموکرات

هنگامیکه وقایع فوق روی میداد کابینه صدرالاشراف ازکاربر کنار گردید وبجای آن حکیم‌الملك مامور تشکیل کابینه شد .

دراین اوان ازطرف دولت ،آقای بیات بعنوان نماینده فوق العاده واستاندار آذربایجان باهیئتی بطرف تبریزعزیمت کرد وروز ۷ آذر ۱۳۲۴ وارد تبریز گردید.

چند روز پس از ورود بیات ، امیرمالك رئیس رمزشهربانی آذربایجان در خیابان بدست ناشناسی کشته شد .

دراینموقع بیات برای حل قضیه آذربایجان باسران فرقهٔ دموکرات مشغول مذاکره بودوباآنکه هیئت اعزامی نهایت کوشش دابرای حل قضیه بکار بردمعهذا هیچگونه موفقیتی درکارخودبدست نیاورد ، زیراسران فرقه جداً تقاضا داشتند که اولا بجای زبان فارسی زبان ترکی درآذربایجان معمول شود . ثانیاً خود مختاری عملی گردد ،بدیهی است که باانجام این دومنظور آذر بایجان رسماًوعملا از ایران جدا میشد .

ولی هیئت اعزامی جداً باتقاضاهای فرقه مخالفت میورزید وآنرا مخالف با اصول ومواد قانون اساسی میدانست .

درخلال این احوال درشهرهای آذربایجان ترور وقتل باوضع وحشتناکی همچنان ادامه داشت.

فرقه دموکرات چون هیئت اعزامی را جداً با تقاضاهای خود مخالف دید در صدد برآمد که با تهدید آنها را وادار بموافقت با درخواستهای خود کند. ازاین رو روز ۱۷ آذر قبل ازهمه سلطان علی اکبرو کیلی قربانی نقشهٔ شوم فرقه واقع گردیدو موقعیکه ازمنزل خود بطرف اداره شهربانی میرفت در بین راه مورد حمله ۵ نفر قرار گرفت وبضرب دوازده گلوله کشته شد.

پس از قتل فوق جنایات دیگری در نقاط مختلف تبریز وسایر شهر های آذربایجان رویداد که ترس ووحشت عجیبی درهمه جابرقرار گردید.

دراین موقع خبرناگواردیگری رسید دائربراینکه شهربانی وژاندارمری اردبیل بدست متجاسرین تسلیم گردید.

این وقایع تأثرانگیز وترورهای پی درپی و عملیات ناهنجارافراد فدائی نسبت بافسران وسربازان ومحترمین ومیهن پرستان سبب گردید که عده‌ای ازمعاریف شهر تبریز اجتماع کرده و سوگند یاد کردند که دوش بدوش سربازان برضد فرقه دموکرات وارد زدوخورد شوند.

درتعقیب این تصمیم عده‌ای متجاوز برپانزده هزار نفرازاهالی تبریز چلوار های بزرگی را امضاء کردند که بمحض اعلام جهاد همگی برای جانبازی ومبارزه بر ضد متجاسرین آماده شوند.

جنایات فرقه دموکرات

یکی ازوقایع تأثرانگیزی که همواره قلوب افراد آذربایجان وهر ایرانی وطن پرستی را جریحه‌دار میسازد، واقعه تأثرانگیز کشتار فجیع دسته‌جمعی افسران و سربازان درمشکین شهراست.

شب ۱۸ آذر بود که قوای فدائی برای نابود کردن قوای نظامی و تصرف مشکین شهر بجانب اینشهر حمله‌ور گردید.

قوای مسلح فدائی نخست با ۲۷ واگون مشکین شهر را محاصره نموده آنگاه با مسلسل وبمب دستی بجانب شهر حمله‌ور گردیدند و قبل ازهمه بجانب اداره ژاندارمری

هجوم برده و پس از زد و خورد خونین و کشته شدن عده زیادی از افراد متجاسرین ستوان یکم اردبیلی را با یازده نفر ژاندارم دستگیر کردند، آنگاه دو ساعت آنها را زجر و شکنجه داده و چندین بار با نهایت شدت مضروب ساختند بطوریکه همه تقاضا میکردند که آنها را بکشند و اینقدر شکنجه و عذابشان ندهند.

بالاخره آنهارا پس از دشنام زیاد و کتک زدن با مسلسل چنان تیرباران کردند که بدن هایشان قطعه قطعه شد و انجام مراسم مذهبی و غسل درباره آنها غیرممکن گردید.

فدائیان پس از تصرف ژاندارمری بطرف سربازخانه حمله‌ور گردیدند ولی با مقاومت شدید سربازان مواجه شدند و تلفات سنگینی دادند.

فرماندهی پادگان مشگین شهر را ستوان یکم صدوقی بعهده داشت که با نود سرباز خود با نهایت شجاعت در برابر گروه انبوهی از قوای مسلح فدائیان مقاومت کرد و در نتیجهٔ چون افراد فرقه از طرف سربازخانه نا امید شدند متوسل به نیرنگ گردیده و قرآنی مهر کردند و سوگند خوردند که چون وضع پادگان مشگین شهر خوب نیست و از همه طرف محاصره شده و از هیچ طرف قوای کمکی با آنها نخواهد رسید لهذا در صورتی که تسلیم شوند بهیچ یك از افراد و افسران کوچکترین صدمه‌ای وارد نخواهند آورد.

فرمانده پادگان هم سوگند آنها را قبول کرد و با چند نفر از درجه‌داران از سربازخانه خارج شد ولی ناگهان از پشت سر آنهارا آماج گلوله قرارداده و در دم همگی جان سپردند. آنگاه فدائیان چند افسر و درجه‌دار دیگر را دستگیر کرده و بخارج شهر برده و آنهارا نیز با وضع فجیعی کشتند و اجسادشان را طوری درخاك کردند که پاهای آنها از خاك بیرون آمده و درهوا نمایان بود.

این جنایت فجیع و ناجوانمردانه و کشتن سربازان و افسران درمیانه و سراب و سایر نقاط آذربایجان حس نفرت و انزجار عجیبی در قلوب عموم افراد ایجاد کرد بطوریکه همه مترصد بدست آوردن فرصت مناسبی بودند تا انتقام این شهدای راه میهن را از مشتی اجنبی پرست بیابانگرد بگیرند.

شاه و آذربایجان

در آن لحظات حساس و دقیقی که اوضاع آذربایجان مورد توجه دنیا قرار گرفته و آژانسها و رادیوها و مطبوعات کشورهای مختلف مرتباً اخبار مربوط بایران را پخش میکردند ، درهمان اوقات درداخل کاخ سلطنتی شاهنشاه ایران بیش ازهرکس مواظب ومراقب اوضاع این استان زرخیز بود وبانهایت دقت میکوشید قضیه آذربایجان را که ازصورت محلی خارج شده ویك مسئله بین المللی شده بود با سیاست وتدبیرخاصی حل نماید .

عدم موفقیت دولتها ورجال ایران وهمچنین بی اعتنائی روسها بیاداشتهای دولتین انگلیس وامریکا هیچیك نتوانست کوچکترین تزلزلی دراراده شاهنشاه برای حل قضیه آذربایجان ایجاد کند .

اعلیحضرت همایونی همه روزه بوسیله ستاد ارتش ازجزئیات وقایع آذربایجان آگاه میشدودرهرقسمت دستورهای لازم صادرمیکرد .

دراینموقع خبرناگواری بتهران رسید و آن تسلیم لشکرسه تبریز بود که بواسطهٔ قطع ارتباط بامرکزومحاصره شدن بوسیله قوای فرقه دموکرات وارتش سرخ مجبور گردید اسلحه را بزمین گذارد .

پس ازاین واقعه مجدداً خبررسید که تیپ اردبیل و پس از آن پادگان اهر و پادگان میاندوآب ومراغه نیز سقوط کردو فرماندارمراغه (یحیی سالاری) و سرهنك معین آزاد نیز با وضع فجیعی بقتل رسیدند .

درخلال این احوال موضوعی که ناگهان مورد توجه محافل خودی وبیگانه قرار گرفت وحتی رادیوها و خبرگزاریهای خارجی باشرح وبسط دراطراف آن شروع به بحث وتبلیغ کردند ، موضوع پیکار ومقاومت دلیرانه تیپ رضائیه بود که بانهایت از جان گذشتگی تاآخرین لحظه باقوائی بمراتب بیشتروقوی ترازخود به نبرد ادامه داده است .

جنگهای رضائیه ازروزه ۱۵ آذر چه درداخل و چه در خارج این شهر آغاز گردید و سرهنگ زنگنه فرمانده تیپ بانهایت سرسختی وازجان گذشتگی در مقابل قوای دشمن مقاومت کردوباوجودتسلیم لشگرسه تبریزو تیپ اردبیل وسایرپادگانها ، همچنان بپایداری رشیدانه خود ادامه میداد .

مقاومت تیپ رضائیه ازروزه ۱۵ آذرتا روز ۲۷ آذربا نهایت شدت ادامه داشت تاآنکه ازطرف پادگان شوروی دررضائیه علناً سربازان مورد تهدید قرار گرفتندو چون بیش ازاین مقاومت فایده نداشت وراه ارتباط از همه طرف مسدود شده بود زاینرو سربازان مشغول ازبین بردن اسلحه ومهمات خود گردیده و قسمت اعظم آنها پس ازآنکه لباسهای خود راازتن بیرون آوردند شبانه ازشهرخارج گردیدند.

ولی سرهنگ زنگنه فرمانده تیپ و سرهنگ نوربخش فرمانده ژاندارمری وسرگرد بهارونددرئیس ستاد تیپ بوسیله سربازان شوروی دستگیروزندانی گردیدند وبعدآنهارا به تبریز منتقل ساختند ودر آنجا درداد گاه صحرائی همگی محکوم باعدام شدند .

ولی براثروقایع سیاسی که بعداً رویداد حکم مزبوراجرانشد وپس ازچندی همگی ازچنگ دژخیم مرگ نجات یافتند .

در پیکاررضائیه تلفات فدائیان فوق العاده زیادبودوطبق آماریکه بدست آمده ریب دوهزاروسیصد نفرازافراد فرقه دراین نبرد کشته شدند وازنظامیان دویست وپنجاه نفربقتل رسیدند .

قوای مسلح فرقه دموکرات

نیروی نظامی فرقه دموکرات آذربایجان که ازدوقسمت فدائی وقزلباش تشکیل شده بود، تحت نظرمستقیم عده‌ای ازافسران ارتش سرخ ومهاجرین شوروی تعلیم یافته ومجهزبسلاحهای نوین بودند .

اسلحه افراد فرقه ازچندین هزارتفنگ برنوواتومات های روسی وچندین هزارنارنجك دستی ومسلسل آلمانی وچندین میلیون فشنك ودوهزاراسلحه کمری

کات وششصد بطری محتوی مایع مخصوص احتراق تانك ویك آتشبار کامل توپخانه وهشتصد گلوله توپ وشش ارابه جنگی وچهار خمپاره انداز وسلاحهای انفرادی مخصوصاً تفنك ونارنجك واتومات که برای مسلح ساختن قریب هشتادهزار نفر کفایت میکرد تشکیل شده بود .

تعداد افراد قوای دموکرات هیجده هزار نفر مسلح بود که هشت هزار آن فدائی وده هزار نفر دیگر قزلباش بشمار میرفت .

تشکیلات قوای فرقه دموکرات عبارت بود از شش گردان مستقل ودو تیپ و یك گردان سوار ویك هنگ واحدهای متفرقه ویك گردان باربری ویك گروهان مخابرات که بوسیله هفتصد وپنجاه ودو نفر افسر اداره میشد .

روحیه این افراد ظاهراً خوب بود وتعلیمات ومقررات وتشکیلات ولباس آنها با تعلیمات وتشکیلات ارتش سرخ هماهنگی وبستگی کامل داشت .

اعمال ورفتار فدائیان بحدی خشن ودور از اصول انسانیت ومردانگی و مقررات وقوانین بین المللی بود که حس نفرت وانزجار عموم را جلب کرد .

کشتارهای دسته جمعی وقتل عام سربازان وافسران وژاندارم ها وترورهای وحشتناك آنها کار را بجائی کشاند که علاوه بر تنفر اهالی آذربایجان صدای اعتراض مطبوعات خارجی را نیز بلند کرد وهمگی اینگونه اعمال وحشیانه را که یادگار دوران قرون وسطی وعهد توحش بود تقبیح نمودند .

اوضاع کردستان

درهمان ایامی که قتل وجنایت وخونریزی درآذربایجان جریان داشت واین استان زرخیز عملا از خاك ایران تجزیه گردید دریك قسمت دیگر از این کشور یعنی کردستان که مهد ایرانیت ومحل نشو ونمای گروهی از نجیب ترین ودلیرترین اقوام ایرانی بود ، جمعی از دست نشاندگان بیگانه ضربت دیگری بر وحدت واستقلال ایران وارد آورده ودرصدد ایجاد حکومت خودمختاری در کردستان برآمدند .

دراواخر پائیز سال ۱۳۲٤ وخامت اوضاع کردستان بمنتها درجه رسید .

حزبی بنام حزب کومله مرکب ازمعاریف محل تشکیل گردید وروزنامه‌ای موسوم به «کردستان» انتشاردادند .

پس ازآنکه لشکرسه آذربایجان اسلحه برزمین نهاد ، روز ۲۱ آذرهیئتی به ریاست محمد حسین سیف قاضی ازطرف قاضی محمد به تبریزرفت وتشکیل فرقه دموکرات آذربایجان رابه پیشه وری وسران فرقه تبریك گفتند :

روز ۲٦ آذربنابامرقاضی محمد پرچم سه رنگ قرمزوسفید وسبزکه تصویر خوشه گندم وخورشید وقلم برآن نقش شده بود ، بجای پرچم ایران برفرازادارات دولتی مهاباد باهتزازدرآمد .

روز ۲ بهمن ۱۳۲٤ نیزدریك اجتماع بزرگ مرکب ازمعاریف ومحترمین ورؤسای عشایرکردستان حکومت مستقل جمهوری کردستان رسماً اعلام گردید وقاضی محمد بعنوان پیشواورئیس جمهوری کردستان مستقل معرفی شد .

کشمکشهای سیاسی درشورای امنیت

فجایع وکشتارهای خونین حکومت های دست نشانده بیگانگان درخلال سال ۱۳۲٤ و۱۳۲٥ بحدی بود که صدای شکوه وناله ونارضایتی عموم ازهمه طرف بلند شد .

روزنامه‌هاورادیوهای کشورهای خارجی بلاانقطاع دراطراف حوادث خونین آذربایجان وکردستان سخن میگفتند، ونمایندگان ایران درسازمان ملل متحد وکنفرانسهای سیاسی درلندن وواشنگتن ونیویورك علیه سیاست استعمارطلبانه همسایه شمالی ودخالت دراوضاع آذربایجان نطق های شدیدی ایراد کردند .

چون دولت ایران مشاهده کرد که بهیچوجه و بهیچ قیمت نمیتواند دولت شوروی راوادار بکناره گیری ازدخالت درامورداخلی این کشورنماید بناچار نمایندهٔ خودرادرشورای امنیت مأمور کرد که ازدخالتهای بیجای مقامات شوروی درامور داخلی ایران شکایت کنند .

مدتی نیز بدینمنوال سپری شد واز کشمکشهای سیاسی وجنگهای سرد بین

نمایندگان ایران وشوروی درشورای امنیت نیز کاری ساخته نشد.

درخلال این اوضاع زدوخوردهای محلی شدیدی بین عده‌ای از ایلات وعشایر رشید ومیهن پرست ایران بافرقه دموکرات درنواحی خمسه، میانه، زنجان، تبریز رضائیه، میاندوآب، مراغه جریان داشت وتلفات شدیدی بفدائیان وارد آمد بطوری که قوای نظامی فرقه دموکرات را مستأصل ساخت.

این اوقات مصادف باروی کارآمدن قوام گردید وروز ۲۸ بهمن مشارالیه کابینه خودرا بمجلس معرفی کرد.

قوام السلطنه که مردی خودپرست وخودخواه بود وطرفداران او ویرامردی دیپلمات ومجرب میدانستند بتصور آنکه قضیه آذربایجان را میتواند با مذاکرات حضوری درمسکو حل کند روز دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۲٤ باهیئتی از ایران بپایتخت کشورهای اتحاد جماهیر شوروی پرواز کرد.

مذاکرات رجال سیاسی دو کشور درمسکو برخلاف انتظار قوام بجائی نرسید ومنتج به نتیجه‌ای نشد باینجهت هیئت مزبور مجبور ببازگشت گردید.

پس ازمراجعت بایران بار دیگر قوام درصدد برآمد بامذاکره مستقیم با سران فرقه دموکرات قضیه آذربایجان را فیصل دهد، ازاینرو هیئتی بریاست پیشه‌وری از آذربایجان بتهران وارد شد ومدتی بامقامات دولتی مشغول مذاکره گردید.

ولی دعاوی و تقاضای هیئت مزبور طوری بود که موافقت با آن درحکم تجزیه آذربایجان ازایران بود باین جهت هیئت مزبور بدون اخذ نتیجه به تبریز مراجعت کرد.

حاضرم از سلطنت کناره گیری کنم ولی اقدامی بضرر کشور ننمایم

پس ازمدتی مجدداً مذاکره بین طرفین آغاز شد واین بار هیئتی ازتهران به تبریز عزیمت نموده وبعدازپاره‌ای مذاکرات موافقتنامه‌ای بین طرفین امضاء گردید که مخالف باشئون دولت مرکزی واستقلال وتمامیت ارضی ایران بود. ازینرو پس ازبازگشت هیئت فوق الذکر بتهران درجلسه‌ای مرکب ازنمایندگان فرقه ودولت

مرکزی که در حضور نخست‌وزیر تشکیل گردید سرلشگر رزم‌آراء رئیس ستاد ارتش مطالبی باین شرح ایراد کرد:

این پیشنهادها بنابر آنچه توجه میشود متضمن حکم قطعی انحلال ارتش ایران است. زیرا افسرانیکه اسم برده شده جز پناهیان که حاضر میباشد عموماً افسرانی هستند که از ارتش ایران فرار و برضد حکومت مرکزی قیام کرده‌اند و تمام افسران از سوء اعمال ورفتار آنها با خبر میباشند.

پذیرفتن چنین عناصری باسم افسر بزرگترین لطمه را بارتش وارد خواهد ساخت. از طرف دیگر درجه دادن ببعضی اشخاص از لحاظ احتیاج و فنی بودن برخلاف مقررات ارتش است و بهیچوجه نمیتوان آنهارا باآن درجات پذیرفت.

راجع بگروهبانانیکه افسر شده یا دانشکده افسری را دیده‌اند، بایستی دید. اولا حائز شرایط هستند یاخیر و بعداً هم باید امتحانات لازمه از آنها بشود و در غیر اینصورت بهیچوجه پذیرفتن این پیشنهادها برای ارتش ایران قبول نیست و قبول چنین پیشنهادهائی بمنزله خیانت رسمی بکشور و تاریخ ایران خواهد بود.»

اینمطالب برای هیئت اعزامی بسیار نامطلوب بودو گفتند درصورتیکه نهضت از طرف نخست‌وزیر وقت برسمیت شناخته شده پس آنهاعموماً حائز رسمیت میباشند مظفر فیروز در این جلسات طرفداری زیادی از نمایندگان آذربایجان کرد و هر روز فشار شدیدی برای قبول این پیشنهادها وارد مینمود.

با آنکه بیش از ۱۰ جلسه در منزل نخست‌وزیر و در وزارت کار تشکیل گردید مقامات ارتش جداً بااین پیشنهادهای مزبور مخالفت نمودند و حتی در یکی دو جلسه مذاکره بمباحثه سخت و شدید خاتمه یافت.

چون ازینمذاکرات نتیجه‌ای حاصل نشد هیئت اعزامی باقوام ومظفر فیروز بحضور شاهنشاه رفته و تقاضاهای تصویب پیشنهادهای فرقه را کردند.

درمقابل این تقاضا اعلیحضرت شاهنشاه اظهار داشت: بهیچ قدرت من بادادن چنین اجازه‌ای که برخلاف مقررات ارتش میباشد نمیتوانم موافقت نمایم و بلافاصله

اعلیحضرت بوزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش گفت :

«بما چنین پیشنهادهائی داده شده ولی باید بدانید که این پیشنهادها متضمن خیانت‌های مسلم به کشور و میهن است و من بهیچوجه آنهارا نمی‌پذیرم و با تمام قوا رد خواهم کرد چه بمیهن و ارتش علاقمندم وحتی حاضرم از سلطنت درصورت اجبار کناره گیری کنم ولی اقدامی که بضرر کشور و ارتش باشد مرتکب نشوم.»

هیئت مزبور چند ماه در تهران متوقف ماند و در اینمدت نخست وزیر و مظفر فیروز آنچه در قدرت داشتند برای عملی کردن تقاضای مذکور سعی وجدیت نمودند وحتی نخست‌وزیر التماس وتضرع کرد تا درخواستهای پیشنهادی پذیرفته شود، ولی شاهنشاه گفت:

«دست من بریده میشود ، ولی چنین فرمان خیانت آمیزی را امضاء نمیکنم.»

نخست‌وزیر اجازه خواست بمسئولیت خود این کاررا انجام دهد، ولی اعلیحضرت باتشدد و تعصب با این امر نیز مخالفت کرد.

فاتله جنوب

درخلال این احوال درجنوب کشور نیز آتش فتنه و طغیان برضد استقلال ایران شعله‌ور گردید وایلات وعشایرجنوب دست اتحاد بیکدیگر داده و تقاضاهائی نظیر آنچه فرقه دمو کرات کرده بود ازدولت مرکزی نمودند.

ضمناً قوای مسلح عشایر چندین شهر و بندررا تصرف کرده وشیراز را محاصره نموده وجداً این شهررا درمعرض خطر قرارداد.

ازطرف دولت سرلشکرزاهدی که ازافسران قدیمی ایران بود ودرزمان رضا شاه کبیر ودوران سردارسپهی او درنقاط مختلف مخصوصاً درجنگهای خوزستان شجاعتهای زیادی ابرازداشت مأمور دفاع ازشیراز گردید.

سرلشکرزاهدی باتدبیر وسیاست خاصی درشیراز مشغول اداره امور گردید و باسران ایلات وعشایر وارد مذاکره شدو کاری کرد که احتیاج بهیچ گونه قوای کمکی ازمرکز نباشد.

زیرا درصورت اعزام قوا ازتهران بشیراز بدون شك پادگان تهران ضعیف میشدو با تهدیدهای شبانه روزی قوای مسلح فرقه دموکرات وچندین هزار عناصر مشکوك و مسلح که درپایتخت پراکنده شده بودند ،تهران جداً درمعرض خطر قرار میگرفت وممکن بود اوضاع بصورت وخیم وجبران ناپذیری درآید.

سرلشکرزاهدی درعین حال که روزها با سران ایلات مشغول مذاکره بود با کمال دقت ومهارت شبها مشغول مستحکم ساختن سربازخانه ها ونقاط دفاعی شهر بود که درصورت حمله وهجوم عشایر بتواند بخوبی از شیراز دفاع کند.

چون مذاکرات بین طرفین بجائی نرسید ازاینروستونی مأمور سرکوبی قوای عشایر گردید وستون مزبور پس اززدوخوردهائی که دربین راه نمود با پشتیبانی نیروی هوائی تلفات سنگینی بعشایر وارد آورد ورابطه تهران وشیراز را که بکلی قطع شده بود مجدداً برقرار کرد.

سران ایلات وعشایر چون موقعیت خودرا بسیاروخیم دیدند ناچار تقاضای متارکه جنگ کردند ودرنتیجه مذاکرات بین طرفین آغاز شد وباشرائط مساعدی غائله جنوب باموفقیت پایان یافت.

جلسه سری

در روزهای سخت ودشواری که عموم محافل ومقامات داخلی وخارجی از حل قضیه آذربایجان مأیوس شده وشکایت ایران بشورای امنیت نیز بجائی نرسید تنها مرجعی که شب و روز بفکر حل این معمای بغرنج وبازگشت آذربایجان بایران بود اعلیحضرت همایونی بشمار میرفت.

شاهنشاه تصمیم خودرا درباره آذربایجان گرفت وازاینرو فرمانداد که اطلاعات دقیقی دربارهٔ وضع فرقهٔ دموکرات وقوای مسلح آنها تهیه وباطلاع شاهنشاه رسانده شود.

ستاد ارتش نیز اطلاعات لازم را تهیه نمودو گزارشی بشرح ذیل به پیشگاه شاهانه تقدیم کرد:

« در تشکیلات کنونی آذربایجان جز وحشت و اضطراب چیزی نیست، آنچه درطهران نقل میشود ، عموماً دروغ و بی‌اساس وتنها منظور ازآن تولید ترس و وحشت است .

این تاریخ هنوزمتجاسرین درآذربایجان و کردستان عمل خاصی ننموده اند چه ، باآنکه ۷۰۰ افسرتهیه کرده و کادری بوجود آورده اند ، ولی چون این افسران ومتصدیان امر در آذربایجان از ناصالح ترین عناصر کشورهستند خاصه افسران فراری که عهده دار مشاغل عمده اند اغلب افراد ناصالح واستفاده طلب میباشند ، لذا سازمانی که بدست آنها ایجاد شده کوچکترین ارزشی ندارد .

این سازمان فعلادرحدود ده هزارنفرافراد دراختیاردارد که ترتیب استقرار آنها بشرح زیرمیباشد .

ولی علائم وآثارزیادی دردست است که پس ازمدتی ممکن است این سازمان وضع بهتری پیدا کند وخطرات عظیمی را بشرح زیر برای کشورایجاد نماید :

۱ - ورود مهاجرین که روز بروزرو بتکثیرمیرود قطعاً بااین روش درآینده همه اموربدست آنها خواهد افتاد وکلیه شئون حیاتی وسیاسی این منطقه را در دست خواهند گرفت .

۲- تهیه کادرافسران ودرجه داران بسرعت ادامه دارد وتاکنون ۶۰۰ نفر نیز برای تحصیل در رشته های نظامی، خاصه هواپیمائی بخارج فرستاده شده‌اند.

۳ - حمل سلاح ولوازم مختلف بآذربایجان روبفزونیست وطبق گزارش های واصله ۵ هزارمسلسل وسلاح های خود کار وصد هزار تفنگ ومهمات بسیار بآن منطقه وارد شده است .

باتوجه بمقتضیات مذکور قطعی است که اگرافراد مدبر وفعال تری دراین منطقه گردآیند وکادر قابل اعتمادی ایجاد نمایند ووسائل وسلاحهای مذکور را بکاراندازند، مشکلات بزرگ ومخاطرات عظیمی بوجودخواهدآمد، چه صراحتاً باید گفت منظورازاقدامات متجاسرین تنها تحصیل خود مختاری آذربایجان نیست

بلکه مراد آنان اشغال کلیه ایران و رسوخ در سراسر کشور میباشد و مسلماً این نهضت ساختگی درحال کنونی خود متوقف نمیماند وبمحض آنکه موفق بتهیه سازمان کامل و پیش بردن نقشه خود شود ، شروع بتهدیدایران خواهد کرد .

امروزازبین بردن این سازمان آسان است وبسرعت میتوان دراین باب اقدام کرد، ولی در سال آتیه این عمل غیرمقدوروباهزاران اشکال مصادف خواهدبود . لذا ارتش وظیفه خود میداندبعرض رساند که موقع عمل فرارسیده است وهر لحظه قصوروسستی ویاعدم توجه وسهل انگاری لطمه شدید بکشوروا ستقلال میهن وارد خواهد ساخت وبزرگترین مسئولیت رابرای زمامداران عالی مقام کشوردر تاریخ ایجاد خواهد کرد .»

پس ازمطالعه گزارش فوق شاهنشاه فرمان داد که جلسه سری دردفترسلطنتی مرکب ازنخست وزیر، وزیرجنگ ورئیس ستاد ارتش تشکیل گردد واعلیحضرت همایونی اظهارداشت :

« بنابرآنچه برمن مسلم است ، دسته ای ازماجراجویان باایجاد وحشت واضطراب میخواهند یکی ازنواحی حاصلخیز وثروتمندایران راتصاحب کنند و باتهدید وفشاربرحکومت مرکزی تمام متصدیان اموررابقبول درخواستهای خود وادارنمایند. واگراین روش ادامه یابد وازآن جلوگیری نشود ،قطعاً مسبب آثار سوئی درسراسر کشورخواهد گشت ورشته نظم راازهم خواهد گسیخت واستقلال کشوررامتزلزل خواهد ساخت .

لذابنابروظیفهٔ مهمی که برعهده من است ، باتصویب وتصدیق گزارش ستادارتش دستورمیدهم که بلافاصله اقدامات اساسی وفوری برای نجات آذربایجان وسراسر مناطق شمالی شروع وریشهٔ فساد برکنده شود .»

پس ازپایان جلسه سری درکاخ سلطنتی ، ستادارتش بانهایت دقت مشغول تهیه مقدمات امر گردید .

درتاریخ ۲ مهرماه سرهنگ هاشمی بفرماندهی لشکرسه پادگان قزوین منصوب شد وبلافاصله ستونی بطرف قزوین عزیمت کرد وازآنجا بسوی زنجان حرکت نمود

بطوری وارد شهر شد که متجاسرین غافلگیر گردیده عده زیادی ازافراد فدائی و فرقه دمکرات دستگیر شدند.

استقبال اهالی ستمکشیده زنجان از سربازان بحدی گرم وصمیمانه بود که بوصف نمیگنجد.

قوای فدائی که منتظر یك چنین حمله ناگهانی نبود، چون خود را در مقابل عمل انجام یافته دید درصدد دفاع برآمد.

باین جهت غلام یحیی فرمانده قوای مسلح متجاسرین بی درنگ در دامنهٔ قافلانکوه مشغول ساختن سنگر ومراکز دفاعی گردیدو کلیه پلهای بین راه را مین گذاری نموده وارتفاعات قافلانکوه را اشغال کرده آماده دفاع شد.

فرمان شاهنشاه

حرکت قوا بسوی آذربایجان

پس از نجات زنجان اعلیحضرت همایونی برای رهائی آذربایجان نیز دستور لازم را صادر کرد. آنگاه درروز ۱۵ آذرماه برای آنکه شخصا اوضاع و احوال زنجان ووضع نظامی واستراتژیکی آذربایجان را بررسی کند باهواپیما ازتهران بزنجان پرواز کرد واز آنجا نیز بخط اول جبهه عزیمت نمود و خطوط دفاعی متجاسرین را بازدید کرد و پس از صدور دستورهای لازم، فرمانی باین شرح صادر کرد،

افسران، درجه داران ارتش

«شما که امروز در کردستان - زنجان ونواحی گیلان برای آزادی میهن گرامی وعزیز گرد آمده و گوش بفرمان منتظر اطلاع ازساعت عمل میباشید، باید بدانید ایران عزیز قرون متمادی است که باعظمت وسربلندی دردنیای قدیم وجدید شناخته شده است وبا آنکه ملل و کشورهای بسیار درطول این مدت براثر سیراوضاع جهان از بین رفته واز صحنه تاریخ حذف شده اند، ولی نام ایران عزیز ما که کهن ترین کشورهای جهان است همیشه پابرجا وهمیشه باقدرت واهمیت باقیمانده است. تصور نکنید که این کشوردچار حملات وتجاوزات نشده، سراسر تاریخ پرافتخار ما از تجاوزات

اقوام خارجی یاعناصری که تحت فریب خارجی برای نقض استقلال آن عمل کرده‌اند حکایت میکند. ولی تصور میکنم در تمام طول تاریخ، هیچگاه چنین پیش آمد شومی که در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ دامنگیر میهن عزیز شده و در نتیجه مشتی ماجراجوی بی وطن منطقه مهم و سرسبزی چون آذربایجان یعنی روح ایران را از زمام میهن جدا ساخته‌اند، رخ نداده است و روی افکار پلید و نظریات شومی که جز از بین رفتن استقلال وعظمت باستانی چیز دیگری نیست، با آن عمل و اقدام مبادرت نموده‌اند. وظیفه جوانان کشور و فرد فرد ملت وخاصه قوای تأمینیه کشور است که این لکه بدنامی را از دامان کشور بزدایند و این بدبختی را باطرزی مطلوب و اسلوبی پسندیده از تاریخ پرافتخار کشور خود پاك نمایند. شما و همه افراد ملت ایران باید بدانید که اگر ما فوراً و با تمام قوا برای نجات کشور اقدام نکنیم و این لکه بدنامی را از دامان میهن نزدائیم، با کارهائیکه در جریان است و با طرح و نقشه ایکه مشتی وطن فروش برای ایران عزیز تهیه و آماده کرده‌اند، درآتیه، عمل بسیار دشوار و تقریباً غیر ممکن خواهد بود. پس بر ما است که بدون اتلاف وقت و پیش از آنکه نقشه های شوم در آن منطقه کاملا صورت عمل بخود گیرد، این منطقه زرخیز را از چنك اهریمنان ماجراجو نجات داده و وظیفه میهنی خود را انجام دهیم.

برای همین منظور مقرر میداریم که قوای تأمینیه بطرف آذربایجان عزیز حرکت و هر نوع مقاومت وایستادگی را بکلی درهم شکنند و هم میهنان عزیز را از زیر یوغ استبداد خلاصی بخشند و ماجراجویان را محو و نابود سازند و پرچم شیر و خورشید را در تمام نقاط این سرزمین باهتزاز در آورند و گردغم و بیچارگی را از ناصیه هم میهنان عزیز که در مدت یکسال اخیر منتهای بدبختی و مذلت را دارا بوده اند پاك نمایند.

نیل باین مقصود واجرای این وظیفه مهم جز بافداکاری شما امکان پذیر نیست. ونام کسانی که در این اردوکشی و برای نجات میهن عمل خواهند کرد همیشه در تاریخ پرافتخار کشور باقی خواهد ماند.

من دائماً مراقب اعمال شما هستم واز نزدیك شجاعت وشهامت شما وافراد تحت امر شمارا ملاحظه خواهم کرد و اشخاص فداکار مورد توجه خاص و نوازش مخصوص خواهند بود».

پس از صدور فرمان شاهانه ، عملیات برضد قوای متجاسرین ازروز ۱۸ آذر ۱۳۲۵ آغاز شد واعلیحضرت همایونی چندین بار باهواپیما وضع عملیات را ملاحظه نمود و پس ازبازگشت بتهران روزها وشبها تاساعت ۳ بعداز نیمه شب اطلاعات وگزارشهای واصله ازآذربایجان رامطالعه مینمود ودستورهای لازم راصادرمیکرد

حرکت قوای نظامی بدین ترتیب انجام گرفت :

یك ستون از زنجان بطرف تبریز

یك ستون از کردستان

یك ستون از رشت به آستارا

ازطرف دیگرقوای رشید ومیهن پرست عشایرنیزازهمه طرف دست بحمله بر ضد فرقه دموکرات زده وازپشت سرآنها رامورد حمله قرار میدادند .

شماره قوای مسلح فرقه دموکرات جمعاً هیجده هزار نفر بود ، و نیروی نظامی که مبادرت بحمله بآذربایجان کرد جمعاً هشت هزار نفر میشد وبااینحال درظرف دوازده روزمقاومت کلیه افرادفدائی را درهم شکست وبساط حکومت یکساله فرقه‌دموکرات رابکلی متلاشی ساخت. قوای‌نظامی پس‌از زدوخوردهائی که درنزدیکی پل دختر ودامنه های قافلانکوه باقوای فدائی نمود ، روز ۲۰ آذر ماه وارد شهر میانه گردید .

وضع روحی دموکراتها ازحمله قوای نظامی بهیچوجه خوب نبود واین موضوع ازگزارش ذیل بخوبی مستفاد میشود :

«گزارش غلام یحیی ازمیانه ، خیلی‌خیلی فوری .

آقای پیشه وری ، درنتیجه زدوخورد شدیدی که ازساعت ۳۰-٦ امروزصبح تا غروب ادامه داشته، عده‌ای ازنوروزآباد کلیجه وآبادی افشار که‌دردامنه قافلانکوه

هست عقب نشسته ، فدائیان ازطیاره وتانك وتوپ میترسند وروحیهٔخود را باخته سنگرهایشان راترك میکنند . دشمن نیزازجناحین تجاوز میکند . برای اجتناب ازمحاصره مجبور شدیم اطراف قزل اوزن راتخلیه نموده وپل های شوسه وراه آهن واقعه روی قزل اوزن راخراب وجبههٔخودرا کوتاه کنیم.

در پاسخ گزارش فوق ، پیشه‌وری وپناهیان ازتبریز پاسخی باین شرح صادر کردند :

۱- همین امشب باید بوسیله افرادزبده بدشمن درنقاط مختلف حمله شود که دشمن شب راکاملا ناراحت وفردا صبح ازحمله عاجز باشد .

۲- عملیات امروز جبهه میانه رضایت بخش نیست ، جداً بافراد اجازه ندهید عقب بنشینند. هر درجه دار یا سرباز فدائی که عقب نشینی کند بدون اجازه تیرباران گردد .

۳- استفاده افراد ازبطریهای ضدتانك ضروری است ، آنهارا بطور قطع وادار کنید تانکها را ازکاربیندازند .

٤- تخریبات باید همین امشب عملی شود ونتیجه را گزارش دهید .

۵- نتیجه عملیات امروز وتلفات وضایعات را گزارش دهید . پیشه وری — پناهیان .

روز ۲۲ آذر ماه قوای نظامی واردشهر تبریز گردید .

درتبریز پیش ازآنکه نیروی نظامی برسد اهالی غیور ومیهن پرست جنگ رابرصدمتجاسرین آغاز کرده وتلفات شدیدی بآنهاوارد ساختند .

پس از ورود قوای نظامی باقیمانده نیروی متجاسرین نیزبکلی متلاشی شدو تبریز پس ازیکسال اسارت وزجرومصیبت ازچنگ بیگانه پرستان آزاد گردید شهرهای اردبیل ، مراغه ، مرند ، جلفا ، ماکو ، خوی ، شاهپور ، سراب ، رضائیه نیز یکی پس ازدیگری آزادشدند وپس ازآن سایرشهر هااز چنگ متجاسرین بدر آمدند .

در بعضی از نقاط مانند آستارا زدوخورد هائی بین اهالی شهرومتجاسرین رو یداد که موجب قتل عده‌ای از مردم بیگناه شد، مخصوصاً در آستارا فدائیان چون از همه جا ناامید شدند مبادرت بآتش زدن شهر کرد، و بدین ترتیب آتش خشم و کینه‌توزی خودرا خاموش ساختند.

حکومت یکساله فرقه دموکرات در آذربایجان تنها نتیجه‌ای که ببار آورد قتل وغارت عده‌ای از اهالی بیگناه بود، چنانکه در عرض این یکسال درحدود ۱۵۰۰ نفر ازمردم آذربایجان بدست جنایتکار فرقه دموکرات قربانی شدند و هزاران خانواده ماتم‌زده و داغدار گردیدند.

پس از نجات آذربایجان که تنها مسبب آن شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاه جوانبخت ایران بود، بنابفرمان شاهانه روز ۲۱ آذر بنام «روز ارتش» نامیده شد و مقرر گردید هرساله دراین روز در کلیه نقاط کشور ایران مراسم سان ورژه ارتش صورت گیرد.

مسافرت شاهنشاه بآذربایجان

پس از نجات آذربایجان، بقیهٔ نیروهای بیگانه طبق پیمان سه گانه ایران را تخلیه کردند واوضاع عادی تاحدی در کشور برقرار گردید.

در این موقع اعلیحضرت شاهنشاه برای بهبود اوضاع دستورهای مؤکدی صادر نموده وضمناً برای بازدید وضع آذربایجان وتسکین آلام اهالی آن استان که در عرض یکسال متحمل شدیدترین محرومیت هاشده بودند، در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶ بطرف آذربایجان عزیمت کرد.

استقبال اهالی شاهدوست ومیهن پرست آذربایجان ازاعلیحضرت همایونی بحدی گرم وصمیمانه و بی شائبه بود که هیچکس نظیر آنرا ندیده بود.

در سراسر خط سیر شاهنشاه گوسفندها قربانی کرده ودر شهرهای بزرك و کوچك ، حتی دهستانها و قصبات طاق نصرتها برپا کردند.

حتی در برخی نقاط پیرزنان و پیرمردان که دارائی وهستی شان درعرض یکسال

حکومت متجاسرین بر باد رفته بود وچیزی نداشتند نثار مقدم شاهنشاه کنند دست کودکان خودرا گرفته و میخواستند آنهارا در راه ناجی خود قربانی نمایند .



یک نمونه از احساسات اهالی شاهپرست آذربایجان نسبت به پهلوی دوم

شدت احساسات وعلاقه مردم نسبت بشهریار جوان خود بحدی بود که چندین بار از چشمان شاهنشاه اشک سرازیر شد و آنوقت متوجه گردید که زحمات شبانه‌روزی و بیخوابیها و تلاشهای وی در راه نجات آذربایجان بیهوده نبوده ، ومردم حقشناس مهد زردشت نجات دهنده خود را ازجان ودل دوست میدارند وحتی میخواهند فرزندان خود را در راه او قربانی کنند .

مسافرت شاهنشاه بانگلستان

روز ۲۲ تیر برحسب وقتیکه قبلا تعیین شده بود عموم آقایان نمایندگان مجلس درکاخ سعدآباد بحضور اعلیحضرت همایونی رسیده و شاهنشاه خطاب به نمایندگان چنین اظهار داشت :

«منظور از ملاقات من امروز بیان مطلبی بود که خواستم باطلاع آقایان نمایندگان برسانم و آن تصمیمی است که برای مسافرت گرفته‌ام و در حقیقت اگر تصور میکردم این مسافرت ممکن است برای مملکت مفید نباشد هرگز باین خیال نمیافتادم.

علاقه من اینست که در غیبت من در کارها بیشتر سعی و مراقبت شود و مایلم که در غیاب من در حسن تشخیص و وطن پرستی که در آقایان سراغ دارم در تصویب لوایح مفید که بحال ملت و طبقات زحمتکش کشور مفید باشد توجه بخصوص خواهند کرد شاید من در اینمدت هفت سال سلطنت امتحان خود را داده باشم که در مقابل مسائل مهم مملکت آنی قرار نداشته و ندارم و پیوسته وظایف خویش را در مقابل ملت ومیهن انجام داده ام و همانطور که گفتم حالا اطمینان میدهم که اگر تصور آنرا نمیکردم که این مسافرت بنفع ایران نیست هرگز بدان مبادرت نمیشد وضمناً خواستم باطلاع آقایان برسانم که این مسافرت جنبه سیاسی و رسمی را ندارد بلکه مسافرتی است خصوصی»

روز ۲۴ تیر ماه از طرف اعلیحضرت همایونی فرمانی در خصوص تشکیل شورای سلطنتی خطاب به آقای هژیر نخست وزیر صادر گردید و در این فرمان متذکر شد:

«برای اینکه درمدت مسافرت ودوری ما از کشور رئوس مسائل و معضلات امور مورد توجه ومطالعه مخصوص واقع گردد مقرر میداریم در اینمدت یك شورای عالی تشکیل شود که مرکب باشد اولا از برادران کامکار ما والاحضرتان شاهپور علیرضا و شاهپور غلامرضا و شاهپور عبدالرضا و ثانیاً ازخود آن جناب وجناب حکمت رئیس مجلس شورایملی وجناب ابراهیم حکیمی وجناب محمد ساعد وجناب سید محمد صادق طباطبائی وتیمسار سپهبد امیر احمدی وزیر جنگ و جناب سمیعی رئیس کل تشریفات دربار شاهنشاهی»

ساعت ۵ بعداز نیمه‌شب ۲۷ تیر اعلیحضرت همایونی از فرودگاه مهرآباد با هواپیمای (دوك آف کلوستر) برادر پادشاه انگلستان که برای مسافرت شاه بتهران آمده بود بجانب لندن پرواز کرد.

ملتزمین رکاب عبارت بودند از آقایان محمود جم وزیر دربار، هرمز پیر نیا رئیس تشریفات، حسینعلی قراگوزلو آجودان سویل، سرتیپ دکتر ایادی طبیب مخصوص، سرتیپ حجازی و سرهنگ انصاری آجودان های مخصوص و دکتر مصباح زاده مدیر روزنامه کیهان و محمدعلی مسعودی سردبیر روزنامه اطلاعات.

هواپیمای اعلیحضرت و ملتزمین غروب این روز وارد جزیره مالت شد.

شاهنشاه شب را در آن جزیره بسر برده و فردا ببازدید مؤسسات شهر پرداخت و ساعت ۱۱ و نیم صبح ۲۹ تیر بسوی لندن پرواز کردند.

هواپیما پس از عبور از کشورهای بین راه ساعت ۳/۲۵ دقیقه بعد از ظهر بوقت لندن وارد فرودگاه (بررتهلت) لندن شد.

در فرودگاه والاحضرت (دوك اف کلوستر) برادر پادشاه انگلستان و معاون وزارت خارجه و فرماندهان نیروهای زمینی و هوائی و دریائی و سفیر کبیر و اعضاء سفارتخانه ایران حضور داشتند و مراسم استقبال بعمل آمد.

اعلیحضرت پس از عبور از جلو گارد احترام باتفاق والاحضرت دوك کلوستر بطرف کاخ سلطنتی بوکینگهام حرکت کرد.

درمدخل کاخ اعلیحضرت ژرژ خیر مقدم گفته و درمعیت پادشاه انگلیس از جلو گارد احترام گذشت.

در سرسرای قصر ملکه و شاهزاده خانم الیزابت و سایر خانواده های سلطنتی با اعلیحضرت آشنا شده و پس از صرف چای پادشاه بقصر مخصوصی که برای اقامت اعلیحضرت آماده شده بود راهنمائی شد.

ساعت ۸ و ربع باتفاق پادشاه و ملکه و شاهزاده خانمها بتآتر رفت و بعد از پایان نمایش شام را مهمان پادشاه و ملکه بود.

صبح ۳۰ تیرماه برای بازدید هواپیماهای «وامپایرجت» رفته و پس از بازدید کلیهٔ قسمت های این ایستگاه و صرف ناهار بلندن بازگشته و شب را در مهمانی پادشاه انگلستان شرکت نمود در این مهمانی بغیر از اعضاء سلطنتی ملکه ماری مادر پادشاه



درضیافتیکه پادشاه انگلستان بافتخار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ترتیب داد

انگلیس ، مستر اتلی نخست‌وزیر ، مستر بوین وزیر امورخارجه و مستر چرچیل حضورداشتند.

نهار ۳۱ تیرنیزمهمان شاهنشاه و ملکه بود بعدازظهر ازمجلس عوام دیدن کرده وعصردرگاردن پاردتی پارتی کاخ بوکینگهام که باحضورخانواده سلطنتی و هیئت دولت ورجال ونمایندگان سیاسی برپابود شرکت نمود.

پس از پایان مراسم گاردن پارتی بکاخ مخصوص رفته ودر این وقت پادشاه و ملکه در کاخ حضور یافته ومراسم خداحافظی بعمل آمد واعلیحضرت همایونی در قبال اهداء نشان وحمایل ویکتوریا ازطرف پادشاه انگلیس نشان پهلوی را به پادشاه انگلیس داد.

اعلیحضرت پس ازسه روز اقامت در کاخ بوکینگهام بسفارت کبرای ایران رفته ودر آنجا اقامت گزیدند.

صبح اول مرداد بمرکز فرماندهی نیروی هوائی انگلستان رفته و پس ازبازدید قسمت‌های مختلف برای حضور در ضیافتی که بافتخارایشان ازطرف شهردار لندن برپاشده بود بشهرداری لندن رفت.

شب نیز درعمارت داونینگ استریت شماره ده مهمان نخست وزیر انگلستان بود

روزدوم مرداد آزمایشگاههای معروف نفت در «سن بری» را بازدید کرده و ناهاررا دربریتینگ‌هوز، اداره مرکزی شرکت نفت ایران و انگلیس صرف نمود.

روزسوم مرداد دانشگاه «اکسفورد» ودانشکده «ایتن» رادیدن نمود وفردای آن روز بندرتاریخی «پرتسموت» وتأسیسات نظامی ودریائی انگلستان را تماشاو نهار رابادریاسالار ویلسن در کشتی معروف ویکتوری صرف کرد.

روز پنجم مرداددرمراسم اسب دوانی که در نزدیکی لندن ترتیب داده شده بود شرکت جسته وشامرا مهمان لرد لوئی مونت باتن نایب‌السلطنه سابق هندوستان بود.

روز ششم مرداد به «للورت» مرکز نیروی توپخانه انگلستان رفته و نمونه‌های تانک‌هائیکه درزمان جنگ ساخته شده بود دیدن کرد.

روز هفتم مرداد درمراسم گشایش مسابقه‌های المپیک شرکت نموده و شب را آقای سفیر کبیر ایران ضیافتی در مهمانخانه «کلاریج» داد که در آن جمعی ازاعضاء خانواده سلطنتی ورجال انگلستان دعوت داشتند.

فردای این روز پادشاه برای دیدن کارخانه‌های معروف هواپیماسازی بریستول به آنشهر رفته و شب ازطرف «هربرت موریسن» یکی ازاعضاء کابینه انگلستان ضیافتی بشام بافتخار اعلیحضرت همایونی داده که پادشاه مدتی با بوین وزیر خارجه انگلستان دراین مجلس ضیافت صحبت نمود.

عزیمت بفرانسه

روز یکشنبه دهم مرداد اعلیحضرت بکاخ بکینگهام رفته و برای خداحافظی دفتر پادشاه وملکه انگلستان را امضاء نمود و پس ازبازدید موزه «بریتیش موزیم» بفرودگاه «نورتهلت» عزیمت ودرحالیکه لردمونتباتن در فرودگاه حضور داشت مراسم خداحافظی بعمل آمد.

اعلیحضرت باهواپیمای برادر پادشاه انگلستان که باآن واردلندن شده بود بسوی پاریس پرواز کرد وساعت ۱۲/۵ وارد فرودگاه پاریس شد.

درفرودگاه «لوبورژه» پاریس مسیو آندره ماری نخست‌وزیر وسایر وزیران فرانسه وسفیر کبیرایران واعضاء سفارت حضورداشتند.

شاهنشاه ازفرودگاه بسوی هتل «گرین بون» محل اقامت حرکت کردوعصر این روز دسته گلی برسرقبرسرباز گمنام گذاشته ودرساعت ۵ بعدازظهر در ضیافت نخست‌وزیر فرانسه شرکت نمود.

صبح یازدهم مرداد ازنمایشگاه آثار ایران درپاریس دیدن کردوظهر نخستین ملاقات را بامسیو ونسان اوریل رئیس جمهورفرانسه نموده وناهاررا با رئیس جمهور صرف کرد وچای را مهمان مسیودوگل شهردارپاریس وشام را دروزارت امورخارجه صرف نمود.

صبح روز سه‌شنبه دوازدهم مرداد پادشاه بمقبره ناپلئون که در بنای یاد بود «انوالید» است رفته وپس ازاینکه درسرقبرپیشوای فقید فرانسویان چندثانیه بحال

احترام ایستاد بعد موزه ناپلئون را بازدید نمود در این موزه لباسها و اسباب و اثاثیه شخصی و یك تختخواب سفری و یك میز کوچك و دو صندلی وجود داشت.

آنگاه موزه (لوور) را که حافظ گنجینه های گرانبها از آثار یونان - ایران رم - مصر و آسور میباشد دیدن نموده و پس از اینکه در سفارت ایران ایرانیان مقیم پاریس را ملاقات کرد بسوی ورسای حرکت نمود.

ورسای که یکی از نقاط زیبای حومه پاریس است شاهد حوادث مهم تاریخ فرانسه میباشد.

سلاطین فرانسه در این شهر قصور و پارك های مفصلی برپا نموده و این نقطه از زمان سلطنت لوئی چهاردهم تا شروع انقلاب کبیر فرانسه مقر سلاطین بود. شاهکار های هنری عالم از تابلوهای نقاشی، ظروف چینی و مبل و میز و اثاثیه و قالی های نفیس ایرانی موزه ای در این قصور تشکیل داده است این شهر هنگام محاصره پاریس از طرف پروسها اشغال شد و در اطاق آئینه زیبای آن پروسها امپراطور خود را بر تخت نشاندند در همین اطاق آئینه، عهدنامه صلح ورسای در سال ۱۹۱۹ امضاء شد.

اعلیحضرت همایونی پس از بازگشت از ورسای آموزشگاه هواپیمائی فرانسه را بازدید و شب را آقای سهیلی سفیر کبیر ایران در فرانسه مجلس ضیافتی برپا کرد که در آن رئیس جمهوری فرانسه و نخست وزیر و سایر شخصیتها حضور داشتند.

روز ٤ شنبه ۱۳ مرداد ضیافت رسمی با حضور رئیس جمهور فرانسه برپا بود که اعلیحضرت در خصوص مناسبات دوستی بین دو کشور شعری از حافظ خواند.

درخت دوستی بنشان که کام دل ببار آرد

درخت دشمنی بر کن که رنج بیشمار آرد

رئیس جمهوری فرانسه در پاسخ اظهار داشت:

(درخت دوستی ما از قدیم کاشته شده و روابط فرهنگی که ما بین دو کشور داریم مؤید این دوستی قدیم است).

در این ضیافت رئیس جمهوری فرانسه نشان پهلوی از شاهنشاه ایران گرفته و شاهنشاه ایران نشان عالی صلیب جنگ با نخل را از رئیس جمهوری دریافت داشت.

شاهنشاه در همین روز مدرسه نظام فرانسه «سن سیر» را بازدید کرد و روز پنج‌شنبه ۱۴ مرداد بسوی «دوویل» محل پیاده شدن نیروهای متفقین رفته و پس از یکروز اقامت در آنجا روز شنبه بپاریس بازگشت و بعد از اینکه از مسجد مسلمانان ایران در پاریس بازدید کرد بمناسبت عید فطر پیامی وسیله رادیو بمسلمانان جهان فرستاد.

ناهار این روز مهمان مسیو اداوارد هریو بود و عصر به «نیس» جنوب فرانسه عزیمت کرد و پس از سه روز اقامت در این شهر روز ۱۹ مرداد بسوی کشور سوئیس پرواز نمود.

حرکت به سوئیس

اعلیحضرت ساعت ۱ بعد از ظهر ۱۹ مرداد وارد فرودگاه برن شده و بکاخ «لون» محل اقامت رهسپار شد و در ساعت ۱۶ در مهمانی مراسم آشنائی که از طرف رئیس شورای کشورهای متحده سوئیس در عمارت ریاست جمهوری داده شده بود حضور یافت.

کشور سوئیس مملکتی است فدراتیو که از عده‌ای از کشورهای کوچك تشکیل شده و رئیس شورای کشورهای متحده سمت ریاست جمهوری را دارد.

هنگام ورود بکاخ شیپورچی‌های کاخ ریاست جمهور آهنك مخصوصی را نواختند و چندین آتشبار توپخانه شلیك کرد و گارد نظامی مراسم احترام را بجای آورد و پس از اینکه کلیه وزیران سوئیس از طرف مسیو ایکوسلو رئیس شورای متحده معرفی شدند بیاناتی بین اعلیحضرت و رئیس شورا مبادله گردید.

شب نیز از طرف رئیس شورای متحده شام مجللی بافتخار شاهنشاه ایران در کاخ (وایت ویل) داده شد

اعلیحضرت همایونی در مدت اقامت در سوئیس آزمایشگاه هواپیماهای جنگی سوئیس در اوسرن و کارخانه‌های مسلسل سازی شهر «تون» را بازدید کرد و چندروز در شهر «رول» در کنار دریاچه ژنو که سابق دوران تحصیل را در این شهر میگذرانده اقامت نموده و روز ۲۷ مرداد از فرودگاه ژنو بسوی ایتالیا پرواز کرد.



پهلوی دوم محمد رضا شاه در ایتالیا

عزیمت با یتالیا

در فرودگاه رم سنیور لویژی اینودی رئیس جمهوری ایتالیا و آلسیدو دو گاسپری، نخست وزیر و هیئت دولت و نمایندگان سیاسی خارجی و نمایندگان مجلس و سناتورها حضور داشتند.

پس از آنکه گارد نظامی مراسم احترام را بجای آورد اعلیحضرت همایونی باتفاق رئیس جمهور ایتالیا سوار اتومبیل روباز شده و از خیابانهای معروف رم که در دو طرف آن نیروی پلیس و جمعیت کثیری گرد آمده بودند گذشته و وارد عمارت معروف «کرنیال» شد. شب در ضیافت شام رئیس جمهوری شرکت کرده و ناهار ۲۸ مرداد مهمان دو گاسپری نخست وزیر بود.

روز ۲۹ مرداد بسمت «کاستل گاندولفو» حرکت و پاپ پی دوازدهم را در کاخ ییلاقی ملاقات نمود، و آنگاه بشهر رم بازگشت:

روز ۳۰ مرداد بسمت فلورانس عزیمت و روز جمعه پنجم شهریور مستقیماً بطرف ایران پرواز و وارد فرودگاه مهرآباد شد.

رئیس جمهوری ایتالیا در موقع اقامت در رم نشان صلیب جنگی ایتالیا و نشان عالی خلبانی را بشاهنشاه داد.

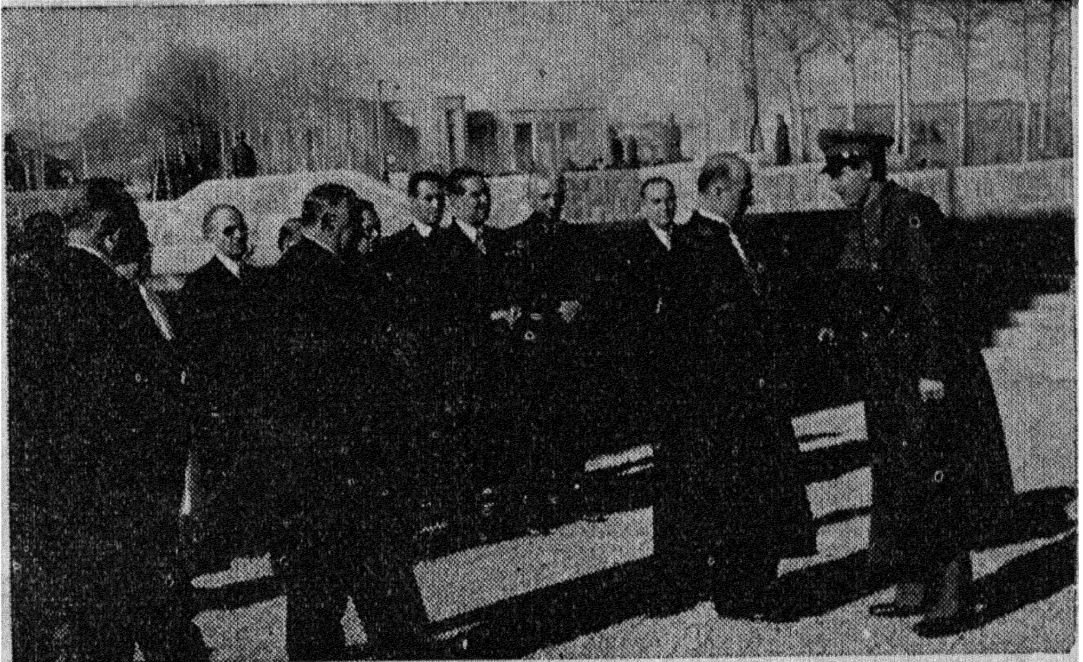
واقعه پانزدهم بهمن

سوء قصد نسبت باعلیحضرت همایونی

پس از بازگشت اعلیحضرت همایونی از مسافرت اروپا دستورهائی درباره اصلاح امور کشور دادند. ولیکن بدبختانه حکومت وقت در گوش خود پنبه گذاشته و قادر به اجرای اوامر شاهانه نبود.

یک چند از بازگشت اعلیحضرت سپری شد تا آنکه روز ۱۵ بهمن فرا رسید. روزهای پانزده بهمن همه ساله در دانشگاه جشن فرهنگی باشکوهی در حضور شاهنشاه برپا میگردید و دانشجویان فارغ التحصیل از دست شاهنشاه گواهینامه ها و جوائز خود را دریافت میکردند.

روز ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ نیز مانند سالهای گذشته اعلیحضرت برای شرکت در جشن دانشگاه از کاخ سلطنتی حرکت نمود.



والاحضرت شاهپورغلامرضا با رجال در انتظار موکب ملوکانه در دانشگاه

هنگامیکه اعلیحضرت بطرف پله های در ورودی دانشکده حقوق متوجه شد ناگهان صدای تیری بلند شد. بلب بالای شاهنشاه خورد اعلیحضرت سرخود را پائین آورد از لب و بینی شاه خون بیرون میزد در اینموقع تیرهای دیگری بطرف شاهنشاه شلیك شد اعلیحضرت دست خود را جلوی صورت گرفت.

شاه باوجود جراحتی که بایشان وارد شده بود خونسرد بنظر میرسید، ضارب قیافه یك مرد سبع و دیوانه را داشت اسلحه بدست ایستاده بود آدم متوسط القامه‌ای بود و کت قهوه‌ای بتن داشت شاهنشاه بقیافه وحشت انگیز ضارب نگاه میکرد.

پنج تیر از طرف او شلیك شد و در این وقت سرهنگ دفتری اعلیحضرت همایونی را بطرف اتومبیل هدایت نمود ولی شاهنشاه هنوز مایل نبود وارد اتومبیل شود، مأمورین پلیس مانع از خروج اتومبیلهای رؤسای دربار و وزیران بودند.

اعلیحضرت همایونی به بیمارستان ارتش در یوسف آباد رفت. در بیمارستان

عده ای جمع بودند . دکتر اقبال ویك پزشك نظامی مژده سلامتی شاهنشاه را دادند .

وقتی تیراندازی چون صاعقه‌ای صدا کرد هیچکس انتظار چنین عمل را نسبت به شاهنشاهی که ملت پروراست ودر قلب مردم‌جای دارد نداشت ،همه‌مات ومبهوت بودند .



پس از اصابت تیر اعلیحضرت شاهنشاه بادستمال مانع خونریزی میشوند

وقتی تیرهای اول صدا کرد اعلیحضرت ساکت بودوقتی تیرچهارم دررفت و به‌لبشان خورد شاهنشاه فقط آهسته گفت: (آه) اعلیحضرت در این وقت دورخود پیچ خورد که ناگاه تیرپنجم بپشت ایشان خالی شد هنگامی که‌شاهنشاه بطرف اتومبیل میرفت سرخود را بر گردانیده بطرف صحنه وسوء قصد نگاه میکرد مثل این بود که نمیخواست داخل اتومبیل شود پس‌از آنکه‌ضارب پنج تیراز طپانچه خود خالی کرد اسلحه را بطرف سر شاه پرتاب کرد دراین‌حال‌دو دستش قدری بالا بود شاید میخواست تسلیم شود هنوز هیچکس بطرف او نرفته بود دراین وقت فریادی از گوشه‌ای شنیده شد دکتر برسانید معطل چه هستید اورا بگیرید اطراف اورا مواظب باشید

دراین موقع بود که چند تیر بطرف ضارب خالی شد مثل این بود که از چند طرف بضارب تیراندازی میکنند سربازهای گارد جلو دویدند در این لحظه ضارب روی زمین افتاده بود اثاثیه جیبش راجستجو کردند بعد یکی هم باو نزدیك شد دست ضارب را بلند کرد وقتی دست اورا ول کرد دست اوسست وبیحال افتاد .

در بیمارستان معلوم شد تیری که بپشت خورده یك خراش سطحی ایجاد کرده است در عرض راه به بیمارستان اعلیحضرت خیلی خونسرد بود و وقتی اتومبیل از خیابان ها میگذشت مردم که صدای تیرها را شنیده اتومبیل شاهنشاه را میدیدند تعجب میکردند سرعت سیر اتومبیل مانع از این بود که مردم سرراه داخل اتومبیل وچهره خون آلود شاهنشاه را ببینند .

در بیمارستان اعلیحضرت صورت خود را در اختیار دکتر نجف زاده گذاشت دکتر لب را شستوشو داد و بعد درحدود ده بخیه بلب زد یکی از گلوله ها خراشی در پشت شاهنشاه در حدود کتف چپ ایجاد کرده بود این خراش ده سانتیمتر طول داشت .

اعلیحضرت هنگامی که بخیه ها زده میشد هیچگونه احساس دردی نمیکرد .

درهمین موقع بود که علیاحضرت ملکه مادر باطاق عمل رفت. تأثر ایشان بحدی بود که در نخستین نظر باعلیحضرت همایونی حالتی نظیر ضعف بایشان دست داد. علیا حضرت را باطاق دیگری بردند. والاحضرت شمس و والاحضرت اشرف و والاحضرت علیرضا وحمید رضا پهلوی نیز به بیمارستان رسیدند .

پس از آنکه عمل باتمام رسید اعلیحضرت همایونی پرسید علیا حضرت کجا تشریف دارند ؟

هنگامی که شاهنشاه خود را برای خروج از بیمارستان آماده میکرد موها یشان را مرتب نمودند و کلاهی را که از کاخ برایشان آورده بودند بسر گذاشتند. معالجه لب شاهنشاه درحدود ده روز و پشت ایشان شش روز طول کشید .

براثر وقوع این حادثه غیرمترقبه همان روز حکومت نظامی اعلام گردید و عده ای از مظنونین دستگیر شدند. درخلال این احوال تحقیقات مبسوطی در اطراف



شاه رئوف ومهربان وطن پرست وملت نواز ایران در بستر ، پیامی بملت فرستاده و اهالی را
بمیهن دوستی و فعالیت دعوت میفرمایند

هویت ضارب بعمل آمد و معلوم شد که مشارالیه یکی از اعضاء فعال حزب توده بوده و از مدتی پیش اندیشه سوء قصد را در سر داشت ولی فرصت مناسب برای انجام این منظور بدست نیاورده بود .

وقتی تحقیقات مأمورین بمرحلهٔ نهائی رسید و فعالیت تجزیه‌طلبانه حزب توده از بدو تشکیل تا آن تاریخ مورد مطالعه قرار گرفت معلوم شد که حزب توده باانجام این نقشهٔ شوم و خانمان برباد ده میخواست نقشهٔ استعمار ایران را عملی سازد و یك قوم تاریخی را ببردگی به بیگانگان بفروشد .

از اینرو پس از آنکه جریان باستحضار مجلس شورای ملی رسید و عموم نمایندگان از این حادثه ناگوار اظهار تأسف و تأثر کردند تصویب نمودند که حزب توده در سراسر کشور منحل شود .

بدین ترتیب حزب توده که درهفت سال فعالیت و کوشش عجیبی در تجزیه کشور و تیرگی روابط ایران باهمسایگان شمالی و جنوبی بخرج داد منحل گردید وعده‌ای از سران آن خود را مخفی کرده و گروهی بکنج زندان افتادند در این موقع اعلیحضرت همایونی تصمیم گرفتند تحولی در کشور ایجاد نمایند لذا :

مجلس مؤسسان

در تاریخ پنجم اسفند ۱۳۲۷ ساعت ۷ عصر بنا بدعوت از طرف دربار نمایندگان منتخب فراکسیون‌های مجلس بحضور ملوکانه شرفیاب شدند . اعلیحضرت همایونی اظهار فرمودند :

« مقصود از ملاقات امشب آقایان برای اطلاع از مطلب لازمی بود که خواستم استحضار حاصل نمایند . »

« البته آقایان بخوبی استحضار دارند که وضع فعلی کشور متاسفانه فوق العاده درهم ریخته و شیرازه امور از هم گسیخته شده است فقر و فلاکت و بدبختی و بیماری مملکت را فرا گرفته و هیچ کار مفیدی در دستگاه‌های مؤثر کشور انجام نمیشود . مثلا پنج سال است که بودجه مملکت از تصویب مجلس نگذشته و هیچ

گونه تعدیلی هم در زندگی اجتماعی طبقات حاصل نشده و تمام این جریانات بکلی برخلاف میل وعقیده و سلیقهٔ من میباشد وتاکنون هم درموارد عدیده این مطالب را متذکر شده ام .»

«علت واقعی این آشفتگی هم این است که مشروطیت و دمکراسی ایران شباهت بهیچکدام ازمشروطیت‌های دنیاندارد و بتصدیق مجاهدین صدرمشروطیت که عده‌ئی ازآنان دراین جلسه شرکت دارند وقانون اساسی هم بقلم آنها تدوین یافته این نقص مشروطیت ما در آن موقع جنبهٔ عمد داشته والا تردید نیست که تاتوازن بین قوای عاملهٔ مشروطیت نباشدغیراز فساد چیزی عاید کشور نخواهد شد.»

«همانطور که من ولا بد همه‌مخالف اختیارات مطلق قوهٔ مجریه هستیم ومعترفیم که قوهٔ مجریه را باید قوهٔ مقننه نظارت و کنترل نماید ، وبخصوص این قوه بودجه مملکتی را بادقت رسیدگی وتصویب کند، همانطور هم رئیس مملکت باید بتواند اگر خدای ناکرده قوهٔ مقننه در راه اشتباه باشد وبن بستی ایجاد شود ، باتجدید انتخابات اشکال رارفع نموده وبهرصورت عقیدهٔ جدید مردم را درك نماید .»

«پس مثل تمام ممالك دموکراتیك ومترقی دنیا که الزاماً توازن بین قوا هست ماهم باید طریقی رااتخاذ کنیم که آنها پس ازسالیان دراز تجربه اتخاذ نموده‌اند.»

«بازتکرارمیکنم که در کشور ما متأسفانه مشروطیت حقیقی بمفهوم واقعی آن آنطوریکه در تمام ممالك متمدن راقیه موجود است وجود ندارد ، و عموم افراد کشور بتساوی ازمفاهیم واقعی آزادی ومشروطیت بهره‌مند نمیباشند.»

«باحق تجدیدانتخابات درصورت تشخیص رئیس مملکت ، ملت بهترمیتواند درسرنوشت خود نظارت نماید وهم اینکه انتخابات خیلی صحیح تروآزادتر انجام خواهد گرفت .»

«من که حاضر هستم در هرموقعی جان خود را فدای مملکت نمایم بهیچ روی قبول نمیکنم که نام من ملعبهٔ عده‌ای ازاشخاص غافل بشود که از نقص مشروطیت

فعلی سوء استفاده نموده و اوضاع را آشفته کرده و آیندهٔ کشور را بتباهی سوق دهند .»

«باتوجه بمراتب فوق ومشورت بارجال صدرمشروطیت مصمم شده‌ام که تشکیل مجلس مؤسسان بدهم واز این دعوت دومقصود دارم . یکی اینکه چون هرقانونی بتناسب پیشرفت زمان وبوجود آمدن وضعیت های تازه احتیاج بپاره‌ای اصلاحات پیدا میکند تابامقتضیات زمان تطبیق نماید وراه این اصلاح متأسفانه در قانون اساسی ما پیش بینی نشده است .»

«بنابراین مقصوداول یافتن راهی است که بتوان بوسیلهٔ آن اصلاحات لازمه رابنفع کشورواجتماع درموقع خوددرقانون اساسی بعمل آورد .»

«ثانیاً اصلاح اصل چهل وهشت متمم قانون اساسی . ضمناً اگرمجلس شورای ملی تاموقع تشکیل مجلس مؤسسان موفق نشود که نظامنامهٔ مجلس سناو قانون جدید انتخابات که باتوجه باصول آزادی ودمکراسی تنظیم یافته ومدت انتخابات رادرسراسر کشور بیك ماه محدود می نماید تصویب کند ایندوموضوع نیزازطرف مجلس مؤسسان مورد مطالعه قرارخواهد گرفت .

«این بود مطالبی که میخواستم بآقایان اطلاع دهم»

پس ازآن آقایان حکیمی (حکیم الملك) ومستشارالدوله صادق نیزدرتأیید فرمایشات ملوکانه بیاناتی اظهارداشته وجلسه خاتمه یافت که اوامر شاهانه راباطلاع سایر اعضاء فراکسیونها برسانند .

روزیکشنبه هفتم اسفند جلسهٔ فراکسیونها درمجلس تشکیل ونمایندگان موافقت خودرااظهارنمودند وآقای ساعد نخست وزیر باتفاق چند نفرازوزراء در مجلس حضوریافته موافقت دولت رانیزاعلام داشت .

ساعت شش عصرآقای سردار فاخرحکمت رئیس مجلس شورایملی بحضور ملوکانه شرفیاب وموافقت مجلس رابعرض رسانید .

سه شنبه دوازدهم اسفندآقای نخست وزیردرمجلس حضور یافته وچنین اظهارداشت :

۰آقایان نمایندگان محترم :

اطر آقایان محترم مستحضراست که قانون اساسی ومتمم آن مصوب ۱۳۲۴ و۱۳۲۵ هجری قمری متجاوزازچهل سال است که درمعرض آزمایش میباشد . تجدید نظروتکمیل آن همیشه درمدنظردولتهای وقت بوده است .

بطوریکه آقایان استحضار کامل دارند این موضوع مهم،مورد توجه خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی واقع ودرانجام منویات ملوکانه اوامرمؤکدی شرف صدوریافته است .

دولت این جانب جریان مذاکرات جلساتی را کـه راجع باین موضوع تشکیل یافته بود ضمن عریضه‌ئی به پیشگاه مبارك تقدیم داشته که عین آن برای اطلاع آقایان نمایندگان محترم قرائت میشود .

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

نظر باینکه درجلسهٔ چهارم اسفند ماه ۱۳۲۷ درموقع شرفیابی رئیس مجلس شورایملی وچاکروهیئت وزیران وعده‌ئی ازرجال معتمد کشور تصمیم مبارك ملوکانه رامشعربردعوت وتشکیل مجلس مؤسسان برای تکمیل قانون اساسی ومتمم آن اظهار فرمودند ، وآقایان ودولت نیزاینموضوع رامطابق مصالح کشور تشخیص دادند .

درجلسه پنجم اسفندماه ۱۳۲۷ همین تصمیم مبارك رارئیس مجلس شورایملی وچاکروعده‌ئی ازرجال معتمد کشورونمایندگان فراکسیونهای مجلس شورایملی، اتحادملی ،آزادی ، دموکرات ایران ، اتفاق ملی وترقی وعده‌ئی ازمنفردین این موضوع رالازم دانسته وموافقت نمودند ، لذاصدورفرمان مبارك ملوکانه را در موارد ذیل برای دعوت مجلس مؤسسان استدعا مینماید :

۱ ــ تجدید نظروتکمیل اصل ٤۷ قانون اساسی .

۲ ــ تنظیم وتصویب اصل جدیدی بمنظورتعیین طرحی برای تجدید نظردر اصول قانون اساسی ومتمم آن .

۳ - تجدید نظر در اصل ٤٤ قانون اساسی در صورتیکه تا موقع تشکیل مجلس مؤسسان نظامنامه مجلس سنا از تصویب مجلس نگذشته باشد .

نظامنامهٔ انتخابات مجلس مؤسسان بضمیمه از لحاظ مبارك میگذرد

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پس از ملاحظهٔ عریضهٔ دولت ضمن دستخط مبارك دولت را مأمور تشکیل مجلس مؤسسان فرموده‌اند .

عین فرمان مبارك برای استحضار آقایان قرائت میشود

جناب محمد ساعد نخست وزیر

شرحی که در تاریخ نهم اسفند ماه ۱۳۲۷ راجع بتشکیل مجلس مؤسسان معروض داشته بودید بضمیمهٔ نظامنامهٔ مربوطهٔ بآن ملاحظه شد .

بموجب این دستخط امر و مقرر میداریم که دولت در تشکیل مجلس مؤسسان اقدام نماید .

کاخ مرمر ۹ اسفند ماه ۱۳۲۷

نطق افتتاحیه

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

در مجلس مؤسسان

بنام خداوند متعال مجلس مؤسسان را افتتاح می‌نمائیم .

در این هنگام که ملت ایران به نیت اصلاح و تکمیل قانون اساسی نمایندگان برگزیده خود را باین مجمع گسیل داشته است لازم میدانیم آقایان نمایندگان را باهمیت و سنگینی وظیفه‌ای که بر دوش آنها است و عظمت مسئولیتی که در برابر خدا و خلق دارند متوجه سازیم و خدمت خطیری را که برعهدهٔ ایشان محول شده است خاطر نشان کنیم تا با استحضار به تأییدات خداوندی و اصول مقدس و لایتغیر دین مبین اسلام و شریعت مطهر حضرت خیرالانام بانجام این خدمت ملی قیام نمایند .

اگرچه آقایان نمایندگان بعلل و موجباتی که باعث انعقاد این مجلس گردیده کاملا واقف هستند و همچنین معایب و مفاسدی را که در امور کشور مستولی

شده است برأی العین می بینند معهذا بر سبیل تذکار که خود موجب انتباه و اصلاح است لازم میدانیم خاطرنشان نمائیم که اگر اوضاع کشور را مخصوصا در سالهای اخیر مورد بررسی قرار دهیم با کمال تأسف باید اذعان کنیم که این توجه بر خاطرات



اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی در موقع افتتاح مجلس مؤسسان

گذشته جز تأثر و آزردگی خاطر از آشفتگی اوضاع و اختلال عجیب امور که گاهی رنگ افراط و زمانی جنبهٔ تفریط داشته نتیجهٔ دیگری نخواهد داشت .

مقامات مسئول کشور که علت غائی وجود آنها تمهید رفاه و سعادت ملت است بواسطهٔ نواقص موجود متأسفانه در این مدت نتوانسته اند درك این مقصود را بنمایند و در طریق این منظور مقدس گام مؤثری بردارند .

علت العلل بروز این معایب همان عدم رعایت اصل تعادل قوای ثلاثهٔ کشور است که برخلاف اصول معمول در تمام دمکراسی های جهان در قانون اساسی ما که تحت تأثیر اوضاع زمان ونگرانیهای موجود در آن موقع تدوین یافته ، این اصل مسلم بطوریکه شاید مورد رعایت قرار نگرفته وعدم توازن وهماهنگی در قوای سه گانهٔ کشور بوجود آمده است .

درنتیجهٔ این عدم توازن هیچوقت قوهٔ مجریه نتوانسته است که با اتکاء بقوهٔ مقننه عمر و دوامی داشته واوقات گرانبهای کشوررا صرف اصلاح امورجامعه نماید چنانکه قوهٔ مقننه هم نتوانسته است که بر وظیفهٔ اصلی خود قیام کرده بودجهٔ کشور را درمواقعی که طبق قانون اساسی مقرر است تصویب و نظارت کامل خود را در دخل و خرج مملکت اعمال ، ولوایح مفیدی را که از طرف دولت پیشنهاد میگردد تصویب نماید . »

متأسفانه قوهٔ قضائیه نیز از تأثیر سوء این جریان نامطلوب بر کنار نبوده وبا کمال ملال باید اذعان کنیم که اساس عدالت وبنیان قضاوت صحیح که باعث ایجاد اعتماد واطمینان درجامعه است هنوز بکیفیت مطلوب موجود نیست .

ادامهٔ چنین وضعیت نامطلوب البته اساس هستی واستقلال کشور کهنسال و پرافتخار مارا دچار خطر مینمود وبرای افراد مملکت وبالاخص برای شخص ما که افتخار ریاست آنرا داریم دغدغهٔ خاطر ونگرانی بسیار ایجاد میکرد .

تمام این وضعیت مارا وادار بر آن نمود که برای چاره اندیشی ونجات مملکت وتأمین سعادت ملت دراین موقع که جهان دقایق حساس تاریخ خودرا طی مینماید ملت را به تشکیل مجلس مؤسسان دعوت نمائیم .

اکنون انجام این وظیفه مهم را که ضامن سعادت واستقلال کشور است بدست شما برگزیدگان ملت میسپاریم .

امیدواریم که درانجام این وظیفهٔ خطیر خدای متعال را شاهد وناظر اعمال و افکار خود قرارداده وتکلیف اجتماعی خویش را باحسن وجه انجام دهید .

آقایان نمایندگان باید اوضاع حساس جهان را درنظر بگیرید وبیاد آورید

که مملکتی، پایدار وسعادتمند خواهد بود که بامقتضیات زمان وتمدن مترقی هم آهنگ باشد وتحول دنیاپسند ومطلوب را در کلیه کشورساری وجاری سازد.

بنیان اساس کشور رابرروی قوانین متین استوار وبرقرار نمائید که ضامن اصول ترقی وعدالت اجتماعی باشد وازاین پس هم قوهٔ مقننه وهم قوهٔ مجریه بتوانند بافراغت خاطر درضمن مبارزهٔ خستگی ناپذیر باعوامل فساد ونادرستی در راه تأمین سعادت ایران وایرانیان بوسیلهٔ ایجاد کارهای مولد ثروت وبکارانداختن منابع طبیعی وخداداد کشور که برطبق قوانین جدید اجتماعی بطورعادلانه تری بین افرادتوزیع شده وموجب ترقی سطح زندگی عموم گردد قدمهای سریع بردارند واصول مسلم سعادت اجتماعی را که عدالت صحیح ومعیشت کافی از قبیل خوراك و لباس ومسکن برای همه وفرهنك عمومی وبهداشت میباشدجهت عموم افراد کشور تأمین نمایند تابادرك مفاهیم حقیقی و واقعی دمکراسی ، کشوری آباد وآزاد بوجودآورند که بتوانند مانند گذشته پرافتخار خود دعوی همسری با سایرملل مترقی جهان نماید.

رجاء واثق داریم که باتأییدات خداوندمتعال وتوجهات ملل خواهیدتوانست وظیفهٔ ملی خودرا باسربلندی وافتخارانجام داده درمقابل تاریخ نامی نیك وذکری جاوید باقی گذارید.

در خاتمه توفیق شمارا درحسن انجام وظیفهٔ محوله ازدرگاه باری تعالی مسئلت می نمائیم.



پس ازبازگشت موکب ملوکانه مجلس مؤسسان بریاست سنی آقای حکیمی ومنشیگری آقایان اسدالله علم،امیدسالار ، اعظمی وشمس صدری تشکیل گردید.

آقای حکیمی ابتدا نطقی ایراد ودرضمن آن پس ازشکر گذاری ازخداوند که بایشان وچندنفردیگر توفیق عنایت فرموده که درتصویب قانون اساسی چهل وسه سال قبل وهم درتکمیل کنونی آن شرکت نمایند وطلب مغفرت برای بانیان اظهار داشت :

« آرزومندم همانطوریکه این مجلس نشانه وحدت ملی ایرانیان است عموم هموطنان از این پس جز جادهٔ اتحاد واتفاق وهمکاری واقعی راهی اختیار نکنند که سعادت در این رویه است .

پس از آن اقدام بانتخابات شعب ششگانه شد (برای هر شعبه ٤٥ نفر) وآقایان امام جمعه وحکیمی ویمین اسفندیاری واکبر مسعود ومنصورورفیع بریاست شعب ششگانه انتخاب شدند .

بعد از تنفس طبق پیشنهادآقای منصورآقای سید محمد صادق طباطبائی با کثریت ۲۰٤ رأی از ۲۳٤ نفرعدهٔ حاضر بریاست مجلس مؤسسان انتخاب گردید و بمقام ریاست قرار گرفته ابتدا ازآقای حکیمی وحضار تشکر نموده وبعد ختم جلسه را اعلام داشت

جلسهٔ دوم

ساعت پنج ونیم روز شنبه سوم اردیبهشت جلسه رسمی مجلس مؤسسان تشکیل وصورت جلسه پس ازتذکراصلاحی دونفرازنمایندگان (ابوالقاسم امینی ورضوی) تصویب گردید

آقای طباطبائی رئیس مجلس نطقی بیان داشته از آقایان حکیمی وسایر نمایندگان اظهار تشکر نمودند وبیان داشتند « کوشش درتعظیم قیام وحراست قانون اساسی که میثاق ملی است نیزضروری والزامی میباشد وتوجه واحساسات عمومی نیزدر هر مجاهده ایکه در راه حفظ واحترام قانون اساسی باشد هواخواه وطرفدارماخواهد بود ودر چنین موقع که جهان باسرعت بی نظیری در راه ترقی وتکامل پیش میرود هر گونه تحیروتردید وتوقف برای یك ملت خطرناك ترین حالتی است که بتصور آید .

برمالازم است که ازجریانات نامطلوب گذشته پند گرفته ودرمقابل خدا و میهن وظایف وجدانی خویش را دقیقاً انجام دهیم واستفاده ازآثارعظیمهٔ این قانون را امری جدی ساخته حرمت حریم وحفظ مقام آن را برای همیشه بربلندترین پایه استحکام وعظمت قرار دهیم .

بدون توجه وتمایل بهر نظر خصوصی وظیفهٔ عمومی وبزرگی که برعهدهٔ ما موکول شده بافکر عمیق ومآل اندیشی ومساعی جدی تنها با استفاده وعلاقه به مصلحت مملکت وملت بپایان رسانیده و دراثر حسن عمل وظیفهٔ خدمتگذاری را ادا ورضا وخشنودی خداوند متعال وتوجه او لیای اطهار خدارا اجر و مزد خویش سازیم وبا وجدانی آسوده وآرام ازدنیا برویم

پس ازنطق آقای رئیس نظامنامهٔ مجلس مؤسسان باقیام وقعود بتصویب رسید و بعد شروع بانتخاب دونفر نواب شد که بالنتیجه آقایان بیات با ۱۴۶ رأی وحسن علی کمال هدایت با ۱۲۹ رأی بنیابت انتخاب گردیدند

پس ازآن اقدام بانتخاب چهار نفر منشی شد که بالنتیجه آقایان فولادوند با ۱۳۵ رأی واحمد دهقان با ۱۲۶ رأی بمنشیگری انتخاب شدند وچون دونفر دیگر اکثریت نداشتند انتخاب بقیهٔ هیئت بجلسهٔ بعد موکول گردید

جلسهٔ سوم

روز یکشنبه چهارم اردیبهشت ساعت پنج وچهل وپنج دقیقه عصر تشکیل وآقایان پالیزی وافخمی وپناه ایزدی بکارپردازی وآقایان دکتر مجتهدی وصدر زاده بمنشیگری انتخاب شدند

جلسهٔ چهارم

در ۸ اردیبهشت تشکیل ، پس ازآنکه گزارش کمیسیونها راجع بصحت انتخابات اغلب شهرستانها قرائت شد ، آقای نخست وزیر توصیه کردند که حق انحلال مجلس شورا باعلیحضرت داده شود .

جلسهٔ پنجم

روز شنبه ۱۰ اردیبهشت تشکیل وشعب کمیسیون ها برای مطالعه انتخاب وپس از اجتماع ، آقایان امام جمعه رابریاست وسید عبدالمهدی طباطبائی را بنیابت ریاست برگزیدند

جلسهٔ ششم

در ۱۵ اردیبهشت تشکیل آقای عماد تربتی بعنوان مخالف باگزارش کمیسیونها صحبت بسیار منطقی ومفصلی کردند . بعد آقای کشاورز صدر بعنوان موافق نطقی

ایراد و پس از آن آقای نراقی بعنوان مخالف اظهارداشتند ، گزارش کمیسیون حقوق مجلس شورای ملی را تضییع کرده است ،

جلسهٔ هفتم

روز شنبه ۱۷ اردیبهشت تشکیل و اصل الحاقی بمتمم قانون اساسی با اکثر ۲۳۰ رأی تصویب شد .



اعضای کمیسیون مطالعه مجلس مؤسسان

اصل الحاقی بمتمم قانون اساسی

« درهرموقعی که مجلس شورای ملی و مجلس سنا هریك جداگانه خواه مستقلا و خواه نظر بپیشنهاد دولت لزوم تجدید نظر دریك یا چند اصل معین از قانون اساسی یا متمم آنرا باکثریت دوثلث کلیهٔ اعضاء خود تصویب نمایند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز نظر مجلسین را تأیید فرمایند ، فرمان همایونی برای تشکیل مجلس مؤسسان و انتخاب اعضاء آن صادرمیشود » .

«مجلس مؤسسان مرکب خواهد بود از عده ئی که مساوی باشد با مجموع عدهٔ قانونی اعضاء مجلس شورای ملی و مجلس سنا - انتخابات مجلس مؤسسان طبق قانونی که بتصویب مجلسین خواهد رسید بعمل خواهد آمد. اختیارات مجلسین مزبور محدود خواهد بود بتجدید نظر در همان اصل یا اصول بخصوصی که مورد رأی مجلسین و تأیید اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوده است. تصمیمات مجلس مؤسسان با کثریت دو ثلث آراء کلیهٔ اعضاء اتخاذ و پس از موافقت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معتبر و مجری خواهد بود.»

«این اصل شامل هیچیك از اصول قانون اساسی و متمم آن که مربوط بدین مقدس اسلام و مذهب رسمی کشور که طریقهٔ حقهٔ جعفریهٔ اثنی عشریه میباشد و احکام آن و یا مربوط بسلطنت مشروطهٔ ایران است نمیگردد و اصول مزبور الی الابد غیر قابل تغییر و تفسیر است.»

«در مورد اصول ۴ و ۵ و ۶ و ۷ قانون اساسی و تفسیر مربوط باصل هفتم و همچنین اصل هشتم قانون اساسی و اصل ۴۹ متمم آن با توجه بسابقه و قوانینی که نسبت ببعضی از اصول وضع شده است، یکبار مجلس شورای ملی و مجلس سنا که پس از تصویب این اصل منعقد خواهند شد بلا فاصله پس از رسمیت یافتن مجلسین در اصول مزبور تجدید نظر خواهند نمود و برای این منظور مجلس واحدی تحت ریاست رئیس مجلس سنا تشکیل داده و اصلاحات لازم را با کثریت دو ثلث آراء کلیهٔ اعضاء مجلسین بعمل خواهند آورد تا پس از آنکه از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تأئید گردید، بصحهٔ ملوکانه موشح شده معتبر و مجری خواهد بود



جلسه هشتم روز یکشنبه ۱۸ اردیبهشت تشکیل و اصل چهل و هشتم قانون اساسی را بوضع زیر تغییر داد. در واقع مهمترین جلسات مجلس مؤسسان همین جلسه بود زیرا منظور و مقصود از تشکیل این مجلس تغییر اصل چهل و هشتم قانون اساسی بود که در این جلسه عملی شد

اصل چهل و هشتم

«اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میتواند هریك از مجلسین شورای ملی و مجلس سنارا جدا گانه ویاهردومجلس رادرآن واحد منحل نماید».

«درهرمورد که مجلسین یایکی ازآنهابموجب فرمان همایونی منحل میگردد باید درهمان فرمان انحلال، علت انحلال ذکرشده وامربتجدید انتخاب نیزبشود».

«انتخابات جدید درظرف یکماه ازتاریخ صدور فرمان شروع شده ومجلس یامجلسین جدید درظرف سه ماه‌ازتاریخ مزبوربايد منعقد گردد».

«مجلس جدید که پس‌ازانحلال تشکیل میشود برای یکدورهٔ جدیدخواهد بود نه‌برای بقیهٔ دورهٔ مجلس‌منحل شده ، مجلس یامجلسین‌جدید رانمیتوان مجدداً برای همان علت منحل نمود».

«هر گاه درمورد طرح یالایحهٔ قانونی که دودفعه ازمجلسی به‌مجلس‌دیگر رجوع شده است، بین مجلس سنا ومجلس شورای ملی توافق نظرحاصل نشود ، کمیسیون مختلطی‌مرکب‌ازاعضای مجلسین‌که‌بعدهٔ مساوی‌ازطرف هریك‌ازمجلسین انتخاب میشودتشکیل ودرمورد اختلاف رسیدگی کرده گزارش خودرا به‌مجلسین تقدیم مینماید. هرگاه‌مجلس سناومجلس‌شورای‌ملی گزارشی‌را که کمیسیون‌مختلط داده است تصویب‌نمودند ، قانون مزبوربرای‌توشیح صحهٔ ملوکانه‌ارسال میشود».

«درصورتیکه مجلسین درگزارش کمیسیون مختلط نیز توافق نظرحاصل نکردند مورد اختلاف بعرض‌ملوکانه میرسد هرگاه اعلیحضرت‌همایون شاهنشاهی نظرمجلس‌شورای ملی راتصویب فرمودند امربااجرامیدهند والاموضوع تاشش‌ماه مسکوت مانده وعندالاقتضاممکن است بعد ازانقضای این مدت بعنوان طرح یا لایحهٔ جدیدی دریکی ازمجلسین مطرح شود».

«اصل۴۸ وهریك ازاصول‌دیگرقانون اساسی مورخ ۱۴ ذیقعدةالحرام ۱۳۲۴ قمری ومتمم آن که مخالف مقررات این اصل است نسخ میشود».

آخرین جلسهٔ مؤسسان

مجلس مؤسسان آخرین جلسهٔ خودرادرساعت شش‌ودوازده دقیقهٔ عصر ۲۰ اردیبهشت تشکیل داد .

آقای نخست وزیرپس ازتقدیرازخدمات نمایندگان وتصویب اصل۴۸ قانون اساسی آنهارابآینده امیدوارساخت .

پس ازآن آقای سید محمد صادق طباطبائی ازاینکه خدمات نمایندگان مورد توجه‌ملت واعلیحضرت‌واقع شده،ابرازامیدواری وخوشوقتی نمودودرساعت شش وسه ربع مجلس مؤسسان پایان یافت .

ساعت ۵ ونیم بعدازظهرروز ۲۱ اردیبهشت آقایان نمایندگان مجلس‌مؤسسان درکاخ مرمربحضورملوکانه شرفیاب،آقای سید محمد صادق طباطبائی متن‌اصل الحاقی واصل۴۸ قانون اساسی راکه باخط زیبائی نوشته شده وتزئین گردیده بود ، تقدیم داشت .

پس ازآن اعلیحضرت همایونی بیاناتی ایراد نمودند ودرخاتمه سوگند یاد کردند نسبت بحفظ قانون‌اساسی واجرای‌آن وفادارباشند .

هنگامیکه برای صرف‌چائی بتالارتشریف‌فرماشدند بآقای‌وزیرداد گستری دستوردادند که بمیمنت این روز، پیشنهاد عفومدیران جراید غیرتوده‌ئی‌رانهیه و تقدیم دارد .

مجلس ساعت هفت ونیم خاتمه یافت .

مسافرت شاهنشاه بامریکا

روز یکشنبه ۲۲ آبان ۱۳۲۸ اعلامیه‌ای ازطرف وزارت دربارشاهنشاهی انتشاریافت دائر براینکه روز۲۵ آبانماه شاهنشاه ایران‌وارد واشنگتن‌خواهدشد اعلامیه‌مزبورچنین حاکی‌بود :

موکب مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی برحسب دعوت رسمی حضرت رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکاچنانکه باطلاع عموم اهالی رسیده‌است

روز ۱۶ نوامبر مطابق با ۲۵ آبانماه ۱۳۲۸ بواشنگتن ورود خواهند فرمود وحداکثر مدت مسافرت شاهانه چهل روز خواهد بود .

روز سه شنبه ۲۴ آبان ۱۳۲۸ اعلیحضرت همایونی با هواپیمای مخصوص پرزیدنت ترومن تهران را ترک نمود و پیش از پرواز پیام ذیل را خطاب بملت ایران ایراد کرد .

ملت عزیزم

درراه انجام وظایفی که مسئولیت خطیر سلطنت برعهده‌ام محول داشته بار دیگر خاک میهن عزیز را ترک میکنم . برای من که شبانه‌روز افکار و مجاهدتم متوجه سعادت وخیر شماست این مفارقت سخت خواهد گذشت ولی امیدوارم در پرتو لطف پروردگار بخوبی بر گذار شود و بتوانم درآینده نزدیکی باز از همینجا درود بآن ملت عزیز بفرستم .

میدانم که دراین سفرهم مانند سایراوقات افکار خیر شما بامن خواهد بود احساسات بی ریا وصادقانه شما همواره مورد تقدیر من بوده است وامیدوارم بتوانم درآینده هم گامهای مؤثر برای رفاه وسعادت شما بردارم

خدای بزرک حافظ ایران ویار و یاور شما باشد

بعد از ظهر روز ۲۵ آبان اعلیحضرت همایونی وارد فرودگاه واشنگتن گردید و مورد استقبال بی نظیر قرار گرفت .
پرزیدنت ترومن رئیس جمهوری کشورهای متحده باین قرار بشاهنشاه ایران خیرمقدم گفت :

اعلیحضرتا :

با کمال مسرت اولین مسافرت آن شاهنشاه را بامریکا خیرمقدم میگویم . من درنهایت اشتیاق منتظر ملاقات اعلیحضرت بودم وامیدوارم که درمدت اقامت خوداز نزدیک باوضاع کشورما آشنا گردید .

همچنین امیدوارم که ما نیز از حضور آن اعلیحضرت استفاده واطلاعات بیشتری

درباره عظمت و فرهنگ موروثی ایرانیان و شجاعت و دوراندیشی ایران کنونی که برهبری آن وجود معظم بامسائل و مشکلات دنیای جدید مبارزه مینماید کسب نمائیم.

دو کشور ما هنگام جنگ برعلیه فاشیسم متحد بودند. دوستی باسابقه‌ای که درآنروزهای پرآشوب مارا بهم نزدیك ساخت در این سالهای بعداز جنگ بمراتب افزونتر گردیده است.

مسافرت آن اعلیحضرت بکشور ما عالیترین نشانهٔ آنست و من اطمینان دارم که درسالهای آتیه این نزدیکی بیشتر و این رشته مودت محکمتر خواهد گردید. ازاینکه شاهنشاه این راه دور و دراز را برای بودن باما طی کرده‌اند سپاسگزارم و من ازجانب ملت امریکا بآن اعلیحضرت خیر مقدم میگویم.

اعلیحضرت همایونی درپاسخ پرزیدنت ترومن اظهار داشت:

آقای رئیس جمهوری

ازاینکه نخستین بار درخاك امریکا و درپایتخت کشورهای متحده درحضور رئیس آن دولت ملی قدم گذاشته‌ام دستخوش احساسات عمیقه‌ای گشتم. یکی ازآرزو های دیرین من دیدن کشورهای متحده امریکا بود، هنگامیکه جنابعالی لطفاً دعوت کردید که بعنوان میهمان جنابعالی و دولت امریکا باین کشور بیایم اجابت آن دعوت را با کمال مسرت پذیرفتم.

من دراین کشور نقاط مختلف را بایداز نزدیك ببینم و چیزهای مختلف بیاموزم اماحتی پیش از ورود من باین کشور دوستی ممالك متحده امریکا را نسبت بایران دیده و ازآن اطلاع داشتم. دولت و ملت ایران این مودت را نسبت بامریکا بحد کمال دارد و امیدوارم مسافرت من وسیله استحکام وتشیید رشته های الفت و مودت بین دو کشور خواهد برد. ازخیر مقدم بسیار ملاطفت آمیزی که اظهار فرمودید سپاسگزاری میکنم و بانهایت اشتیاق منتظرم آنچه را که دراین بزرگترین کشور های دموکراسی جهان آزاد آرزومند دیدن آنها هستم مشاهده نمایم.

تقدیم کلید شهر واشنگتن بشهریار ایران

پس از اینکه شاهنشاه ایران درمیان ابراز احساسات شدید صدها هزار نفر اهالی واشنگتن از فرودگاه بطرف کاخ «بلرهوس» حرکت نمود در برابر شهرداری واشنگتن از طرف مقامات شهرداری خیر مقدم عرض شدو «راسل یانك» کلید شهر واشنگتن را بشاهنشاه تقدیم کرد. اعلیحضرت دراینموقع اظهار داشت:

آقای شهردار

ازخیر مقدمی که از جانب اعضاء انجمن شهرواهالی ناحیهٔ کلمبیا ایراد گردید نهایت امتنان رادارم. ورود بایالات متحدهٔ امریکا ازراه پایتخت تاریخی آن که مملو از آثار مهمان نوازی است حقیقتاً توفیقی است.

خیابانهای عریض، مناظر زیبا و بناهای باشکوه، واشنگتن رادرمیان پایتخت های ممالك جهان ممتاز ساخته است. شنیده بودم که واشنگتن یکی از دلپذیرترین شهرهای امریکا برای کاروزندگی است پس از دیدن آن من نیز باین حقیقت پی بردم مشاهدات اولیه من گواهی میدهد که آنچه درباره واشنگتن ادعامیکنند اغراق نیست.

آقای شهردار از کلید این شهر که بمن تفویض گردید متشکرم وامیدوارم که درروزهای آینده از این امتیاز استفاده نمایم و واشنگتن وشهرهای آنرا بهتر بشناسم بودن در این شهر اسباب مسرت خاطر من است.

دراین موقع غریو شادی و فریادهای زنده باد شاه ازده ها هزار نفر اهالی بآسمان بلند شد:

درشب اول ورود اعلیحضرت همایونی بواشنگتن، رئیس جمهوری امریکا درمهمانخانه مجلل «کارلتون» ضیافتی برپا نمود. پس از پایان شام پرزیدنت ترومن نطق مختصری بشرح زیر ایراد کرد:

اعلیحضرت شاهنشاه جوان و کاردان ایران عقیده دارند که دول جهان بایستی تعهدات و قرارداد های خود رامحترم شمرده وطبق مقررات و مواد آن رفتار کنند،

بهمین علت دولت ایران و امریکا همواره تعهدات بین المللی خودرا کاملا رعایت کرده اند . درصورتیکه دولت بسیار بزرگی هم هست که قراردادهای بین المللی را محترم نشمرده و تعهدات خودرا انجام نمیدهد .



اعلیحضرت شاه : ریك مهمانی مجلل و رسمی که بنگاه خاورمیانه ترتیب داده بود

ایران کشور باستانی بزرگی است که تاریخ پرافتخاری داشته وامروز نیز این کشور ازلحاظ تجدد ، مدارج ترقی را پیموده وآینده درخشانی در پیش دارد .

اگرایران دروازه‌های خودرا بروی ما باز نمیکرد واجازه نمیداد که ما بروسها کمك کنیم جای شکی نیست که بار سنگین جنگ بالاخره تنها بدوش امریکا می افتاد .

سپس رئیس جمهوری امریکا روی خودرا باعلیحضرت همایون شاهنشاهی کرده اظهارداشتند :

کلیه اولیاء امور دولت امریکاامشب دراین محل حضوردارند .اعضای کابینه، کارمندان کمیته‌های روابط خارجی‌وقوه مقننه کشورهمه‌اینجاهستند.
اعلیحضرت‌در حضورخود کسانی رامشاهده میکنند که ماشین‌های حاکمه آمریکارا میچرخانند .

من امیدوارم که درمدت اقامت‌اعلیحضرت‌در آمریکابر شما خوش بگذرد و همه ما ازصمیم دل میخواهیم موجبات‌راحتی وخوشی شمارا فراهم‌آوریم وهرگونه اطلاعی که خواسته‌باشید‌باکمال میل دراختیارتان بگذاریم.

شما درامریکابا هرکس که‌مایل باشید میتوانید ملاقات کنید و هرکجا که بخواهید میتوانید تشریف‌ببرید ، افراد‌پلیس مزاحم اعلیحضرت‌نخواهند بودمگر اینکه‌خودشمامایل باشید . اگرمایل بحفاظت مأمورین پلیس باشید‌بفرمائید‌فوراً برایتان فراهم‌خواهدشد ولی بدون دستورومیل شماهیچکس‌برای این کارگماشته نخواهدشد .

ما با کلیه توانائی خود سعی خواهیم کرد وسائل خوشی‌وراحتی‌وآسایش شمارادر کلیه شهرهای‌بزرك امریکافراهم آوریم ومن امیدوارم که فرصت‌خواهد بود اعلیحضرت هرنقطه‌ای ازامریکارا که‌مایل‌باشند مشاهده کنند .

شاهنشاه‌ایران در پاسخ‌ترومن نطق پرمغزی ایراد کرد که‌موردستایش‌عموم حضار که ازبرجسته‌ترین‌رجال‌امریکابودند قرارگرفت.

شهریارایران چنین گفت :

آقای‌رئیس‌جمهوری

آمدن ازکهنسال‌ترین کشورهای جهان به‌یکی از جوانترین ممالك گیتی یك‌نمو انتقالی‌است که‌ناگزیردردل مرد‌مسافرتأثیر سنگین‌خواهدنمودووقتی‌این انتقال با سرعت پرواز امروزی انجام گردد حقیقت این‌نکته آشکار میگردد .
میگویند زمان بسرعت میگذرد ووقتیکه من در طیاره مخصوص جنابعالی باین کشورآمدم بازمان وحرکت سریع‌آن پروازمیکردم‌اندکی بیش از شصت‌ساعت ازآن زمان نمیگذرد که من درپایتخت کشورخود که درتلال مرتفعی قرارگرفته

و کوههای بلند وعظیمی که اینك دراثراولین برف زمستانی سرسپید کرده اندآنرا احاطه کرده است ، بودم وامشب بدعوت ملاطفت آمیزجنابعالی درواشنگتن در کناررود پتوماك که غالباً شرح آنـرا خوانده وپوشیده نمیدارم که قلباً آرزومند مشاهده آن بودم ، بسرمیبرم .

اینك این آرزو صورت وقوع یافته است . من برای شرح مسرت عظیمی که ازآمدن باین کشوردرمن ایجاد شده کلمات وافی دراختیار ندارم وهمچنین نمی توانم دربرابراظهارات کریمانه ای که نسبت بمن و کشورعزیزمن فرمودید پاسخ کافی داده باشم .

آقای رئیس جمهوری

مصالح جمیله جنابعالی درراه صلح وآزادی در تمام کشورهای دمو کراسی جهان اثرعمیق بخشیده وتأثیرآن درایران که بزرگترین آرزویش این است که بتوانندبدون ترس ازیك جنگ دیگر بمسائل داخلی خود توجه نمایدازهمه جابیشتر بوده است . پس بطوریقین اززبان قاطبهٔ ملت ایران است که من از کوشش های خستگی ناپذیرجنابعالی درراه صلح جهانی سپاسگزاری مینمایم .

من دریکی ازدشوارترین ادوار تاریخ کشورایران بارمسئولیت کشور را بدوش گرفتم و باعلم واطلاع کامل بروظیفه‌ای که‌داشتم تعهد چنین مسئولیت خطیری را پذیرفتم این وظیفه دو گانه آن بود که درمناسبات خارجی ایران برای استقرار صلح وامنیت کوشش کنم وباهمان شدت وحرارت بهبوداوضاع اجتماعی واقتصادی داخلی کشورسعی ومجاهدت نمایم .

درمناسبات خارجی کمال مطلوب من وجود مناسبات وفادارانه خالی از تجاوزیعنی مناسبات فرهنگی واقتصادی باهمسایگان وتمام ملل گیتی درپرتومنشور ملل متحد است .

من صمیمانه آرزومندازدیاد مناسبات دوستانه‌ای که‌بین ایران و کشورهای متحد امریکاموجوداست می باشم ، ایران نیازمند دوستی امریکاست .

برای من موجب رضایت بسیاراست که‌می بینم ارزش دوستی ایران نسبت

بکشور بزرگ شما که هیچوقت کاهش نگرفته بمردم آن پوشیده و نهفته نیست.
ما از آنچه که در گذشته انجام پذیر گشته امتنان داریم و همین طور از آنچه برای
آینده در نظر است و امیدی که برای تشریك مساعی بیشتر موجود است سپاسگزار
میباشم. اگر ایران از مساعدت فنی ومادی کشورهای متحد امریکا برخوردار شود
ایران نیز همانطور که در گذشته کرده است، در تزئین بنای سعادت و رفاه جهان
وافزایش بهای فرهنك وتمدن باختر سهم خویش را انجام خواهد داد.

امروز بعد از ظهر که همراه جنابعالی با اتومبیل از خیابانهای واشنگتن عبور
می کردم احساس کردم که روح پیشوایان بزرگی مانند واشنگتن - جفرسون -
لینکلن - ویلسن وروزولت بامن نزدیك ومحشورند. امشب که مهمان جنابعالی
هستم میدانم که در کمال آسایش خواهم خفت زیرا که در خانه دوستان هستم وخانهٔ
دوست جای آسایش است.

مصاحبه روزنامه نگاران آمریکائی

باشاهنشاه ایران

روز ۲٦ آبان ۱۳۲۸ اعلیحضرت همایونی از کاخ
« بلرهاوس » بکاخ « پراسکپت هاوس » رفت و در
آنجا خبرنگاران جراید امریکا را برای اولین بار
بحضور پذیرفت.
مذاکراتی که بین شاهنشاه ایران وروزنامه نگاران
امریکائی صورت گرفت بسیار جالب بود. قسمتی از
مصاحبه مزبور بقرار ذیل انجام یافت:

یکی از مخبرین تقاضا کرد که اعلیحضرت همایونی صراحتاً عقیدهٔ خود را
دربارهٔ چیزهائی که تا کنون در امریکا مشاهده کرده اند چه خوب وچه بد ابراز بدارند.

شاهنشاه اظهار داشت: « تا کنون در این کشور چیزهای بدی مشاهده نکرده‌ام
چیزیکه درمن تأثیر فراوانی بخشیده است رفاه وآسایش ملت امریکا است. مردم
این کشور صورت بشاش وخندانی دارند ولباسهای آبرومندی میپوشند. از سیمای

آنها آثار خوشحالی ورضایت ومهمان نوازی ودوستی هویدا است من اطمینان دارم که مردم امریکا فوق العاده سعادتمند بوده واز زندگی خود راضی هستند .

یکی دیگر از خبرنگاران سئوال کرد که آیا بعقیدهٔ شاهنشاه لازم است که قرار دادی مشابه پیمان آتلانتیك شمالی با کشور های خاور میانه منعقد شود ؛ اعلیحضرت همایونی گفت :

« من تصور میکنم که فعلا زود است دربارهٔ انعقاد یك چنین پیمانی فکر بکنیم چیزیکه مورد علاقهٔ شدید من است اصلاح امور اقتصادی و بهبود اوضاع ایران میباشد » سئوال شد که آیا در روابط ومناسبات ایران با شوروی بهبود حاصل شده است . اعلیحضرت اظهار داشت :

« اخیراً در روابط بین دو کشور بهبود نسبتاً محسوسی حاصل شده است و ما همواره مایلیم که با همسایگان خود روابط حسنه داشته باشیم ولی این روابط باید همیشه براساس احترام متقابل ومحترم شمردن استقلال یکدیگر استوار باشد .

اگر ملل جهان حقیقتاً طبق مقررات منشور ملل متحد رفتار میکردند در روابط بین کلیهٔ کشورهای جهان بپایه‌های صمیمانه تر ودوستانه تری مستقر می شد سئوال شد که آیا بعقیدهٔ شاهنشاه ایران خطر احتمالی حملهٔ شوروی بخاك ایران مرتفع شده است یا نه ؛ اعلیحضرت گفت :

« من تصور نمیکنم که دلیلی برای خطر حمله بایران وجود داشته باشد . »

سپس شاهنشاه ایران دربارهٔ برنامه هفت ساله بیاناتی کرد ومتذکر شد که « این برنامهٔ مفصل ازهم اکنون شروع شده ومهندسین شرکت (مشاورین ماوراء بحار) که از شرکت های بسیار بزرگ ومشهور امریکا میباشد در این راه بما کمك میکنند وتاکنون کارهای بسیار مهم ومؤثری انجام داده اند . »

اینك طرح ریزی پایان یافته وجزئیات کار مهیا میباشد واکنون دو یا سه ماده ازمواد این برنامه بموقع اجرا گذاشته شده است .

اعلیحضرت همایونی ضمناً اضافه کرد . « من بسیار مایل هستم که شرکت‌های

بزرگ امریکائی سرمایه‌های خودرا در ایران بکار بیاندازند ودر اجرای برنامهٔ هفت ساله وبهره برداری ازمنابع طبیعی وثروت دست نخوردهٔ ایران شرکت جویند. من بشما اطمینان میدهم که این کار بنفع طرفین تمام خواهد شد . من امیدوارم که هیچ چیز مانع ادامه اجرای برنامهٔ هفت ساله ایران نشود .»

خبرنگاران سئوال کردند که آیا شاهنشاه ایران ضمن مسافرت بامریکا هواپیمای «ایندیپندنس» را شخصاً رانده اند؟

اعلیحضرت همایونی باین سئوال جواب منفی دادولی خاطر نشان ساخت که رانندگی این نوع هواپیما رابخوبی میدانند .

شاهنشاه ضمناً اظهار داشت : «من امیدوارم که فرصت شود درامریکا قدری تنیس بازی کنم .»

اعلیحضرت همایونی درجواب سئوال یکی دیگر ازخبرنگاران گفت : « من اشتیاق دارم باطرق آبیاری امریکا آشنا شوم واگروقت باشد سد «پالدور» وسدهای بزرگ « تنسی ولی» راازنزدیك ببینم .»

سئوال شد که آیا اعلیحضرت همایونی میل دارند راجع بازدیاد کمك نظامی امریکا بایران با رئیس جمهوری مذاکره کنند؟ شاهنشاه اظهار داشت : البته من این کمك رافقط برای کشور خودم نمیخواهم ولی ایران برای حفظ صلح و امنیت بین المللی ومخصوصاً رفاه وآسایش وامنیت بین المللی ومخصوصاً رفاه وآسایش وامنیت خاور میانه اهمیت زیادی دارد .

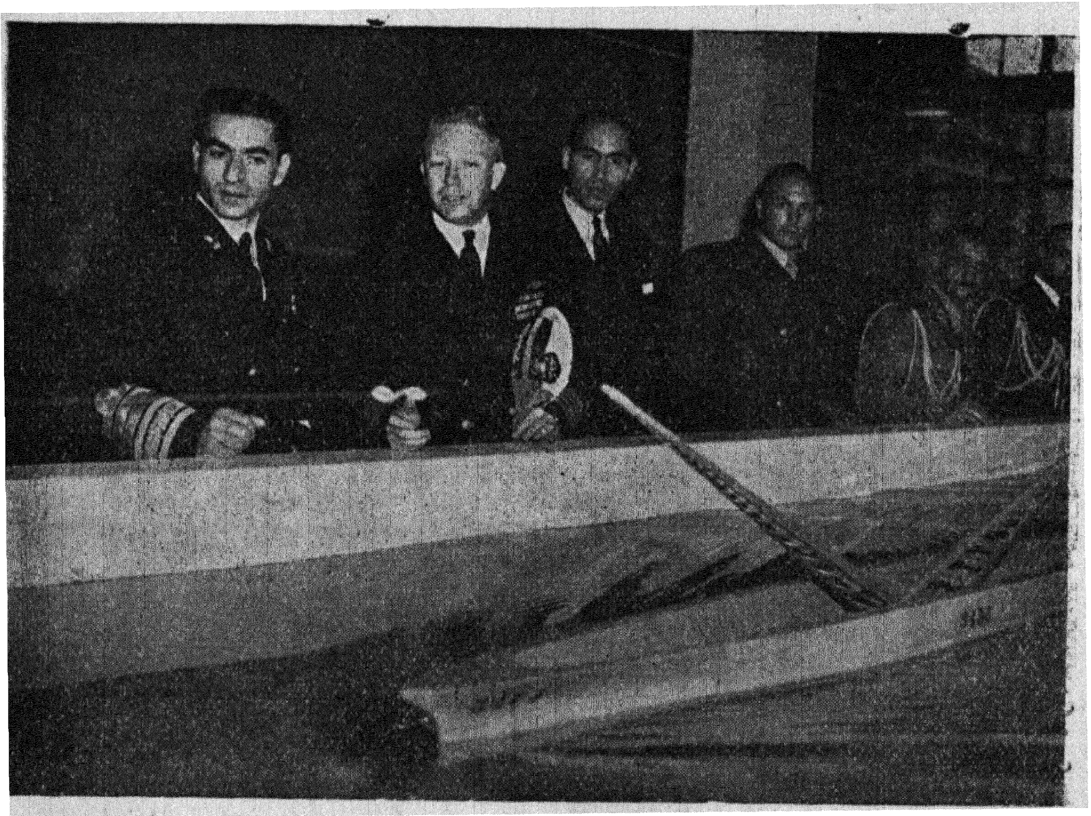
باید بگویم که مادر طی جنگ اخیر با کمال میل ورغبت بخاطر صلح وآزادی مبالغ هنگفتی پول صرف کرده‌ایم وملت ایران هم در این راه فداکاری وسعی و کوشش زیادی بخرج داده است .

مانمیخواهیم که امریکا کمکی را که مابا کمال میل وافتخار بمتفقین کرده‌ایم جبران کندولی همینقدر بخاطر داشته باشید که امنیت ورفاه وآسایش کشور مابرای استقرار آزادی وحفظ اصول دمکراسی که اینقدر برای ملل صلح دوست وآزادیخواه عزیز وگرامی است فوق العاده اهمیت دارد .

بعقیدهٔ من دفاع از ایران برای کلیهٔ ملل جهان و بخصوص برای امنیت کشور های خاورمیانه دارای اهمیت فراوان است.

من با کمال اشتیاق منتظر ملاقات باسران ارتش شما میباشم زیرا همانطوریکه میدانید دولت کشورهای متحد امریکا تصمیم گرفته است مستقیماً بایران کمك نظامی بدهد.»

مخبرین سؤال کردند که عقیدهٔ اعلیحضرت همایونی در بارهٔ روزنامه نگاران امریکائی چیست.



پهلوی دوم در موقع بازدید مؤسسات نیروی دریائی امریکا

شاهنشاه اظهار داشت: «آقایان نمایندگان تأثیر عمیق و خوبی در من بخشیده اند.»

مصاحبه اعلیحضرت همایونی باروزنامه نگاران امریکائی حسن اثر عجیبی درمحافل مطبوعاتی امریکا بخشید.

زیرا هیچکس انتظار نداشت که شاهنشاه جوان سی ساله ایران تا این حد دارای صفات و سجایای عالی بوده و واقف بامور بین المللی و سیاسی باشد.

ولی وقتی ملت امریکا سیاست و تدبیر و صفات برجسته شهریار ایران را مشاهده کرد همگی او را ستایش نموده و ملت ایران را بداشتن یک چنین پادشاهی یک ملت خوشبخت دانستند.

در مجلس ضیافت وزیر خارجه امریکا

اعلیحضرت همایونی بلافاصله پس از پایان جلسه مطبوعاتی باهمراهان بطرف «آناپولیس» عزیمت فرمودند تا در ضیافت ناهاری که دانشگاه نیروی دریائی امریکا ترتیب داده بود حضور یابند در این ضیافت «دریاسالار استرلینگ هالووی» نطقی ایراد کرد و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ضمن بیانات مختصری اظهار داشت:

«شما شغل شریفی دارید و دانشکده نیروی دریائی عالیترین فضائل بشری یعنی وظیفه شرافت و وفاداری را با فراد می‌آموزد.»

شب آن روز اعلیحضرت در مجلس ضیافتی که از طرف آچسن وزیر امور خارجه کشورهای متحده امریکا برپا بود بیانات زیر را ایراد نمود:

آقای وزیر. جنابعالی هم در آنچه اکنون با کمال محبت راجع بکشور من اظهار کردید وهم برای فراهم کردن وسایل این محفل عالی برای من موجب کمال مسرت را فراهم ساخته‌اید.

مهمان نوازی جنابعالی و بانو آچسن مورد قدرشناسی قلبی من میباشد و بر مراتب این قدرشناسی از این نظر میافزاید که از همان روز که مقام مهم وزارت امور خارجه را تکفل کرده‌اید و حتی قبل از آن اطلاعات سیاسی شما نسبت بمسائل گیتی مورد توجه کشور من و شخص من بوده است.

آقای وزیر. نطق جامع و روشنی که در هنگام افتتاح دورهٔ فعلی سازمان ملل

متحد در لیك ساکس ایراد کردید مخصوصاً در من مؤثر گشت. اطمینان داشته باشید که ملت ایران میداند چطور از لیاقت مردانی مانند شما که بحل مسائل مربوط بدورهٔ جنگ و زمان بعد از جنگ که هر یك با صلح جهانی ارتباط داشته اقدام کرده اند تقدیر نماید.

چند هفته بعد روز آغاز سال ششم اعلامیهٔ تهران که اول دسامبر ۱۹۴۳ امضاء شد خواهد رسید.

هیچ ایرانی نمیتواند فراموش کند که در ۱۹۴۳ که سال جنگ و خونریزی و هرج و مرج بود پرزیدنت روزولت بایران آمد و پیشوائی نیرومندانه او در جنگ و علاقه تزلزل ناپذیر او باستقرار صلح پایداریکه بر مبنای آزادی و دمکراسی مستقر باشد مورد بزرگترین تحسین و احترام قرار گرفت.

آقای روزولت یکی از سه نفر امضاء کنندهٔ اعلامیه تهران بوده که در آن تصدیق شده است که جنگ اشکالات مخصوصی برای کشور ایران تولید کرده و نیز در همان اعلامیه وعدهٔ مساعدت اقتصادی مؤکداً تصریح گردیده است.

در اعلامیه مزبور که مستر چرچیل و ژنرالیسم استالین نیز آنرا امضاء کردند ذکر شده است که سه دولت امضاء کننده در میل به نگاهداری استقلال و خودمختاری و تمامیت ارضی ایران موافقت کامل دارند.

گذشته از آن اعلامیه مزبور از ایران انتظار داشت که با سایر ملل صلحدوست جهان در برقرار ساختن صلح بین المللی و امنیت و رفاه بعد از جنگ موافق اصول منشور اتلانتیك و منشور فعلی سازمان ملل متحد شرکت نماید.

با توجه بنکات فوق نظر امریکا روشن میشود ما ایرانیها هم آنروز و هم امروز میدانستیم و میدانیم که دولت امریکا دوست بزرگ و نیرومند ماست و مایه مسرت من است که اطلاع یافته ایم که روش ایران درمیان امریکائیها بدون قدر نگریسته نمی شود. سهمی که ایران در تمدن مغرب زمین در چندین هزار سال داشت مایه سرافرازی من است.

ایرانیها در مسائل مربوط به تشکیلات مملکت، بنای راههای بزرگ سراسری پرورش اسب و تکمیل وسائل ارتباط، درمیان سایر کشورهای جهان پیشقدم بوده و در این امور خدمت ایران بتمدن جهان با خدمتی که قوه و بخار واتومبیل بدنیای امروز کرده هم سنگ و قابل مقایسه است.

آقای وزیر. دستگاه چاپار یکه پیشقدمان آبادی غرب امریکا فراهم ساختند از یکدستگاه کهنسال ایرانی اقتباس شده است.

یونانی ها وسیله ارتباط پستی خویش را بوسیله بریدهائی فراهم میکردند که اول میدویدند و وقتی خسته میشدند راه منزل مقصود را باندم طی مینمودند و این ایران بود که روش چاپار را عوض کرده استفاده از اسب را در مسافات متعدد بدنیا آموخت.

در فواصل ۱۵ و ۲۲ میلی اسبهای تازه نفس در نقاط معین حاضر بوده اند که پیک را از نقطه ای بنقطه دیگر میرساند و درمدت کمی بمحل مقصود میرسید و این امر چندین هزار سال پیش در ایران معمول ومتداول بود.

اینجا هنگام آن نیست که دربارهٔ خدمات ایران بمذاهب و فلسفه و علوم و ریاضیات وادبیات وطب و صنایع ظریفه بتفصیل گفتگو شود.

یکی از بزرگترین خدمات ایران همان توجه مردم آن بصلح است وعلاقه و تاکید بصلح از سطور منظومه های پهلوانی سیچکد وادبیات از آن لبریز است این فکر که دنیا یکی است وحیات هر فرد جزو ارجمندی از هستی مطلق جهان بزرگ است از فکرهای ویژه سرزمین ماست.

مدت سه هزار سال حیات ملی ایران با همه خطراتی که دراوقات مختلف با آن روبرو بوده محفوظ مانده وعزم ما اینست که امروز با کمال سربلندی استقلال خود را در مقابل هر تهدیدی که از هر سرچشمه ای تراوش کند با هر قیمتی که شده نگاه داریم.

ایران سهم خویش را در سازمان ملل متحد برای پیشرفت امنیت بین المللی که

برای ماآنقدرضروراست انجام داده است .

جهان وقتی دررفاه وآسایش خواهد بود که صلح وصفا درآن مستقرباشد.
روزیکه با اجرای نقشهٔهفت ساله ومساعدت امریکا میزان تولید بیشترشودوسطح
زندگی ایران بالاتررودآن روزما خدمت دیگری بصلح جهانی انجام داده‌ایم

آقای وزیر. دیوان شعرای ایران در کشورهای متحدامریکا مشهور و مورد
احترام است امشب‌من بیانات خودرا بادوبیت‌ازاشعار یکنفرامریکائی «لانك‌فلو»
پایان میدهم که گفت:

آغاز کردن کار، هنری است بزرگ اما پایان دادن آن هنری بزرگتراست.
چه بسا قصیده غرا که سخنان زائد لطف وزیبائی‌آنرا ازمیان برده است.
ازاین نظراست که‌وقتی میگوییم ایران وامریکادوستند حق کلام موجزرا
اداکرده‌ایم .»

اچسن وزیرخارجه امریکا درپاسخ بیانات شاهنشاه نطقی ایرادکردوضمن
آن چنین گفت :

«تاکنون هیچ کشوری‌مانند ایران‌یك چنین برنامه‌اصلاحی جالب‌وخوبی
تنظیم نکرده وبموقع اجرا نگذاشته است .

دولت ایران برنامه هفت‌ساله‌خودرابدون‌مساعدت خارجی‌طرح کرده‌ودر
این برنامه درمرحله اول ببالابردن سطح زندگی افراد ملت‌توجه نموده‌است.»

شاهنشاه ایران‌درسومین روز اقامت خود در واشنگتن
۱۸ نوامبر دسته گل بزرگی بر مزار جرج واشنگتن
اولین رئیس جمهوری امریکا که بنام «پدر» امریکا
مشهور است گذاشت و پس از آن آرامگاه ملی
«آرلنگتن» را بازدید نمود و دسته گل بزرگ دیگری
برآرامگاه سرباز گمنام نهاد .

سپس شاهنشاه بکاخ‌سفید حضوریافت و با رئیس جمهوری
ملاقات کرد . پس از آن اعلیحضرت ناهار را در
ضیافت باشگاه نویسندگان ماوراء بحار صرف‌نمود و
بیاناتی درآنجا بشرح زیر ایراد کرد :



اعلیحضرت همایونی دسته گل بزرگی بر آرامگاه جرج واشنگتن گذاشت

آقای رئیس:

موجب نهایت مسرت و افتخار من است که پس از ورود بامریکا باین زودی برای صرف ناهار با چنین گروهی از نمایندگان و روزنامه نویسان امریکائی دعوت شده‌ام.

شنیده‌ام که شمارا روزنامه نویسان پرکاری مینامند، این صفت کاملا بجا و مناسب است زیرا با قضاوت از مقدار کاریکه درباره امور داخلی و ملی انجام میدهید و من در این دو روز و دو شب از موقع ورود بواشنگتن فرصت مطالعه آنرا از نزدیك داشته‌ام شما باید تمام روز و قسمت عمده از شب را کار کنید.

منهم کار میکنم و امیدوارم مرا یك پادشاه کاری بدانند. از قرار معلوم قبل از ورود من بعضی از نویسندگان، بی شك بعلت عدم اطلاع نه بعمد، مرا یك سلطان مقتدر شرقی توصیف کرده‌اند.

من درست نمیدانم که این عبارت بچه نحو تفسیرمیشود ولی خیال میکنم تصویری که در مخیله اشخاص بوجود میآید عبارت از عمامه ای که با یاقوت وزمرد زینت یافته وجقه‌ای برآن قرارداده شده باشد ولی خانمها و آقایان یاقوت و زمردیکه ایران دارد بعنوان گنجینه‌های ملی درصندوقهای بانك محفوظ است .

شما مرا در لباس عادی و لباس کارمی بینید که برای پادشاهی که بامسائل امروزه دنیا روبرواست مناسب است .

درایران این مسائل همان مسائلی است که بایك حکومت مشروطه آزادیخواه امروزی درپیش دارد .

قانون اساسی ما ازروی قوانین اساسی مغرب زمین تنظیم گشته‌واز بسیاری جهات بی‌شباهت بقانون اساسی شما نیست .

درایران مانند این مملکت اصلاحات بوسیله عملیات قانونی انجام میباید.

مقام سلطنت دارای اختیارات دیکتاتوری واستبدادی نیست واگرهم‌دارای چنین اختیاری بود کسیکه فعلا عهده‌داراین مقام است ازآن استفاده نمیکرد.

شما مارا مردم یك کشور کوچك وسرزمین دورافتاده‌ای میدانید که‌ازحیث مسافت وعقایدازبسیاری ازافکار و مؤسسات مغرب زمین دوراست من اذعان دارم مسافت میان ما زیاداست ولی ازحیث مساحت کشورفعلی ایران ازمجموع مساحت فرانسه واسپانی و پرتقال وایتالیا وسویس وباز یك بزرگتراست وامارا جع بعقاید ومؤسسات کشورما، حتی استادانی هستند که بایدبهترازاین مطلع باشند که‌وقتی در باره ایران مطلبی می‌نویسند می گویند اگرجنك ماراتون بشکست منتهی شده بود تمدن دچار سرنوشت پریشانی میگردید .

من سعی نمیکنم امروز بعد ازظهر وقایع جنگی که ۴۳۱ سال قبل‌ازمیلاد واقعشده دوباره تکرار کنم . برای ما این تاریخ زیاددور نیست .

قسمت عمده‌ای ازتاریخ اولیه‌مارا درکتاب مقدس میتوان یافت وهمچنین قصد ندارم درباره خدمات ایران بتمدن مغرب زمین کنفرانس بدهم ولی در هر حال یکی از خدمات ایران ممکنست اینجا درواشنگتن شایان توجه‌باشدواین خدمت درتشکیلات دولتی است .

ایران اولین کشوری بود که یك امپراطوری بزرك ایجاد کرد از چین تا لیبی واز دانوب تا رود سند بسط داشت پس از ایجاد این امپراطوری ایرانیان مجبور به ادارهٔ آن بودند ، در آن موقع ایران به (۳۰) ایالت که هر کدام تحت نظر یك فرماندار اداره میشد تقسیم شده بود .

این تشکیلات که در آنموقع بوجود آمد ، برای کشور های مغرب مانند امپراطوری رم وبوسیله رومی‌ها برای ملل دیگر مورد سرمشق قرار گرفت .

تعادلی که میان حکومت مرکزی وحکومت ایالات برقرار بود از بعضی جهات شباهت زیادی به تشکیلات حکومتی امریکا دارد .

برای اداره این امپراطوری ایران بدستگاه مواصلات نیازمند بود و بدین منظور شاهراه‌ها وجاده‌ها احداث گردید که نقاط سوق الجیشی وحکومت نشین ایالات را بیکدیگر متصل میکرد .

البته همه این اقدامات دوهزار وپانصد سال پیش صورت گفت ولی از زندگی و علاقه شما امریکائیان ، آنقدر که فاصله زمان عظیم بنظر میآید دور نیست ونیز از زندگی وعلاقمندی ایران جدید هم دور نیست وباوجود گذشت زمان وحوادث و اتفاقات بیشمار ایران پس از هزارها سال هنوز یك ملت مستقل باقیمانده است .

ما این استقلال را عزیز و گرانبها میدانیم و قصد داریم آنرا حفظ کنیم . بستگی خدمات ما بمغرب زمین از قرنها پیش شروع میشود ولی کلمه استقلال معنی ومفهوم جدید دارد .

روابط ما بامغرب زمین که هنوز در مرحله جدید وپرتوسعه میباشد براساس احساسات وملاحظات عملی منافع متقابل قرار دارد .

برای ایران استقلال چه معنی دارد ؟ البته همان معنی را دارد که همه ملل دیگر آنرا درك میکنند .

مللی که بمیراث فرهنگی خود مباهات میکنند و آرزوی ارتقاء سطح زندگی مردم خودرا دارند وهمچنین بایجاد جامعه صلح طلب بین المللی خدمت مینمایند .

ولی ایران تاراج مهاجمین و کبر و غرور آنهائیکه امید تسلط بر ما را داشته‌اند داده است .

کسانیکه قصد استهلاك ما را داشتند خود در فرهنگ و تمدن ایران مستهلك شدند .

ایرانی قبل از همه چیز فردی است که دارای حس استقلال شخصی شدید می باشد .

تحت پیشوائی رهبران دلیر ایرانیان سه مرتبه اثر تسلط خارجی را ازمیان برداشته و کشور خودرا آزاد و باافتخار ساختند .

آن روحیه‌ای که میدانست چگونه با تهاجم یونان و عرب و مغول روبرو شود هنوز مانند یك عامل قوی وجود دارد .

من تکرار میکنم که ما قصد داریم استقلال خودرا حفظ کنیم برای انجام اینکار احتیاج بوسائل دفاعی کامل داریم ولی نه برای تهدید همسایگان که همه عضو سازمان ملل متحد هستند و آرزو داریم باآنها در صلح و صفا بسر بریم بلکه برای تضمین نظم ثابت بین المللی درخاورمیانه اهمیت سوق الجیشی ایران برای حضاری مانند شما در این مجلس محتاج بتأکید ازطرف من نیست .

برای ایران استقلال یعنی صلح . حکومت وملتی که من نماینده آن هستم چیزی نمیخواهند بجز آنکه باموردا خلی خود بپردازند و این امور برای ما توسعه و استفاده ازمنابع ملی و ایجاد وسائل جدید و توسعه وسائل موجود در تولید صنعتی و حمل ونقل و مواصلات و آبیاری و تعلیم و تربیت و بهداشت وامور بیشمار دیگری ازاین قبیل می باشد .

همهٔ اینها دربرنامه هفت ساله عمران و آبادی ما بکمك مهندسین و شرکتهای امریکائی که برای اینکار استخدام شده بودند گنجانیده شده است .

این برنامه امری است که انتظار داریم درمراحل اولیه خود ما خرج و هزینه آن را تامین کنیم ما انتظار کمك فنی و مالی ازامریکا داریم و امیدواریم باایجاد تضمین های لازم جلب علاقه سرمایه داران امریکائی را بایران بکنیم وعقیده دارم که ایران

محیط مساعدی برای انجام فکر عالی مادهٔ چهارم برنامه پرزیدنت ترومن می باشد.

من وارد جزئیات نمیشوم. اساس پیشرفت ایران مانند همه ممالك دیگر باید صلح باشد سراسر ادبیات بزرك ووسیع مملو از اشاره باهمیت است.

فوائد آن در آثار صنعتی مانشان داده شده ودر اصول فلسفی که قسمتی از اصول اخلاقی ملی ما را تشکیل میدهد مجسم گشته . عشق بصلح از احساسات زنده در قلوب همه ایرانیان است.

خانمها و آقایان . روابط دوستانه ما با امریکا از دیر زمان وجود داشته و امیدوارم که اکنون از هر موقع دیگر این روابط نزدیکتر ودوستانه تر شود فوق العاده خوشوقت می شوم که اعضاء این سازمان روزنامه نگاری که امروز در این مجلس حضور دارند از کشور من دیدن کنند.

من پیشنهاد نمیکنم که کلیه اعضاء باشگاه نویسندگان ماوراء بحار و باشگاه مطبوعات مالی و باشگاه مطبوعات زنان همه باهم بملاقات ودیدن ما بیایند تا وقتی مهمانخانه های جدید در تهران ساخته نشده برای این کار آماده نیستیم ولی بهیچوجه حاضر نیستیم مطبوعات امریکا را از خدمات مشترك شما در آن واحد محروم کنیم.

هروقت میتوانید بدیدن ما بیائید مسافرت از طریق هوا در ٤٨ ساعت انجام میگیرد شما خود را درمیان دوستان خود خواهید یافت. هرچه میکنیم بشما نشان میدهیم و آنچه لازم است انجام شود بشما خواهیم گفت.

ایرانی بجز فرش وقالی وباغاتش وبقول ترجمه ادوارد فیتزجرالد کتاب در زیر سایه درخت ، چیزهای زیاد تری دارد.

ما مانند شما مردم زحمتکشی هستیم ومانند شما خواستار چیزی نیستیم بجز آنکه از وحشت ودهشت جنگ دیگری مصون ودر امان باشیم.

ضیافت بافتخار رئیس جمهور امریکا

در ساعت پانزده آن روز اچسن وزیر خارجه وعده ای از مقامات عالیرتبه وزارت امور خارجه در کاخ اختصاصی بحضور شاهنشاه باریافتند.

سپس اعلیحضرت از موزه هنرهای زیبا دیدن نمود و بعد
بمقر وزارت دفاع امریکا رفت و با فرماندهان ارتش
امریکا ملاقات ومذاکره نمود .
شب آنروز اعلیحضرت در هتل «شورهم» بافتخار
پرزیدنت ترومن وخانم اوضیافتی داد که هفتصد نفر
از رجال و بزرگان امریکا و ایران با بانوان خود
حضور داشتند . در سر میز شام اعلیحضرت چنین
فرمود :

امشب اگر قدرتی که افسانه ها وشعرا بسلاطین مشرق نسبت میدهند در
من بود باین خیال می‌افتادم که‌لااقل برای چند لحظه شما را بسیر و سیاحت
بایران ببرم .

ولی‌من یك‌پادشاه امروزه‌هستم که قدرت سحرواعجاز ندارم اگر چه گاهی
داشتن‌آنرا آرزو میکنم .

تصورات‌راجع بایران که‌ازتخیلات شاعرانه سرچشمه گرفته‌ومتأسفانه‌فیلم‌
های امریکائی درتقویت‌آن سهیم بوده‌اند متکی بحقیقت‌نیست‌زیرا ایران سرزمین
کاروکوشش است که‌زندگی مردم‌آن اززمین‌وصنایع آن تأمین‌میشودوازاینجهت
باممالك‌متحده امریکا بهیچوجه فرقی‌ندارد.

امشب‌شما درواشنگتن‌مهمان ایران‌هستیدوحضورشما برای کشور باستانی
ایران که من‌نماینده‌آن‌هستم موجب بسی‌افتخاراست.

آقای‌رئیس‌جمهور مطمئن‌هستم که‌خصائل حمیده‌وصمیمیت وشجاعت شمادر
هیچ کجا مانندایران اثرعمیقی نگذارده‌است. درایران برای‌فرداحترام مخصوصی
قائل‌هستند.

وقتی رئیس کشوری‌قابلیت‌رهبری‌در راه‌صلح را که سرنوشت عالم بآن
بستگی‌دارد ازخودنشان میدهد بعزت‌و احترام درقلوب مردم ایران جای‌میگیرد
واین‌درست مقامی‌است که شما احرازکرده‌اید. ازینرو مقدم شمادرسر این سفره
ایرانی گرامی‌است وحضورخانم محترم ودختر نازنین‌شما آن‌را سه‌چندان گرامی
میسازد

امروز صبح افتخار داشتم که تاج گلی برسر مزار واشنگتن نثار کنم برای من ایستادن درمقابل آرامگاه یکی از برجسته‌ترین سیاستمداران وسربازان دنیا که ثبات او درمقابل ناملایمات و ایمان او بپیروزی نهائی برای استقلال، در دنیای پرآشوب شایان اهمیت بسیاراست فیض بزرگی بود.

ماهم در ایران برای شخصیت‌های گذشته احترام قائل هستیم. ایران در تاریخ خود سه بار بزانو درآمد و هر سه بار برهبری پیشوایان بزرگی که در تاریخ از آنان یاد شده برخاست واستقلال خودرا بدست آورد.

هردفعه ایران با این حوادث مقابله کرد و خون ونفوذ خارجی را در تمدن و وفرهنگ عمیق خود مستهلك نمود وهرمرتبه ملت ایران با روح قوی و نیرومندی، میراث فرهنگی وتاریخی خود، دعوت پیشوایش را اجابت کرد و آزادی ملت خود را بدست آورد.

عقل ودرایت وبردباری وشکیبائی آنان سرمشقی است که مارا در اینروزگار سخت هدایت میکند.

ایران همچنین بحمایت وپشتیبانی دوستان خود اتکا دارد. درمدت کوتاهی که دراین کشور بوده‌ام ازدوستی امریکا برای ایران شواهد جدید وفراوانی بدست آورده‌ام.

ایران نیز درطی ۲۵ قرن تاریخ خود خدمات برجسته‌ای بفرهنگ وتمدن مغرب زمین انجام داده است وبجرئت میتوان گفت که مودت ودوستی خودرا برای امریکا بمنصه ظهور رسانیده است ودرآتیه هم در راه مشترك صلح وآسایش دو کشور، همین دوستی را نشان خواهد داد.

ازاین نظر افتخار ومسرت دارم که بنام ملت ایران سلامتی رئیس جمهور ممالك متحده امریکارا آرزومند باشم.

پرزیدنت ترومن درجواب شاهنشاه چنین گفت:

اعلیحضرتا، حضار محترم، ازاظهار لطف آن اعلیحضرت بی‌اندازه مشعوفم و

ازصمیم قلب امیدوارم که من شایسته این همه مهر و مرحمت باشم. همچنین امیدوارم که دوستی دیرین ما در آتیه نیز ادامه داشته و استوارتر ازهمیشه باشد من بتاریخ علاقمندم و کاملا مسبوقم که ایران بزرگ شما مهد تمدن باختر بوده و قوانین امپراتوری عظیم ایران شالودهٔ قوانین کتاب مقدس یعنی قوانین کنونی ما بوده است.

ازهمان دقیقه اول که شاهنشاه را در فرودگاه واشنگتن ملاقات کردم اشتیاق آن اعلیحضرت برای آسایش ملت خودشان بی اندازه در من مؤثر واقع شد.

اعلیحضرت واجد صفاتی هستند که زمانی اجدادشان را فرمانفرمای خاورمیانه ساخته بود.

امروز هنگامی که باشاهنشاه راجع بتاریخ صحبت میکردیم ازتاریخ کشور عالیقدر ایران نیز سخن بمیان آمد ومیتوانم بجرأت بگویم که اعلیحضرت شاه از اطلاعاتی که چند نفر ما درباره تاریخ کشورشان داشتیم تعجب فرمودند. من از صمیم قلب امیدوارم که مسافرت اعلیحضرت در این کشور که جوان ترین دموکراسی های بزرگ است مطابق میلشان باشد. همچنین امیدوارم که ما میتوانیم از این ببعد بیشتر بیکدیگر کمك کنیم.

ماحتی المقدور سعی خواهیم کرد که شاهنشاه ایران از این مسافرت کاملا محظوظ گردند و یقین دارم که هیچیك ازما در موقع لزوم ازهمکاری با ایشان دریغ نخواهد داشت.

اعلیحضرت در آخرین روز اقامت خود در واشنگتن از یکی از بیمارستان های ارتش امریکا دیدن کرد. آنگاه در سفارت کبرای ایران در واشنگتن حضور یافت و در آنجا ایرانیان مقیم امریکا بحضور پادشاه کامکار خود بار یافتند.

بعداز ظهر آنروز اعلیحضرت در مسابقه فوتبالی که بین دانشگاه «جرج واشنگتن» و «جرج تان» روی داد حضور یافت وریاست افتخاری تیم جرج واشنگتن را قبول کرد.

این مسابقه با پیروزی تیمی که شاهنشاه ریاست افتخاری آنرا داشت پایان

بیافت و بازیکنان مجسمه برنزی بسیار زیبائی که یك فوتبالیست امریکائی را در حال زدن توپ نشان میداد باعلیحضرت هدیه نمودند .

ورود به نیویورك

مصاحبه مطبوعاتی

روز یکشنبه ۲۹ آبان اعلیحضرت با قطار مخصوص از واشنگتن بنیویورك عزیمت کرد اهالی نیویورك از شاهنشاه ایران استقبال بی نظیری کردند. خیابان های نیویورك پر از تماشاچی بود مقامات رسمی امریکا در حفظ نظم و استقبال از شاهنشاه نهایت کوشش را بعمل آوردند .

اعلیحضرت پس از ورود بنیویورك اولین جلسهٔ مطبوعاتی را در مهمانخانه والدرف آستوریا تشکیل داد .

در این جلسه شاهنشاه ایران پرزیدنت ترومن را مورد تحسین و تمجید قرار داد و برنامه هائی که ترومن برای رفاه و آسایش ملت خود تنظیم کرده و بموقع اجرا گذاشته اند فوق العاده جالب توجه و مستوجب قدردانی است .

دربارهٔ اوضاع ایران شاهنشاه اظهار داشت که در وهلهٔ اول باید بموضوع آبیاری و بامور کشاورزی عطف توجه شود .

اعلیحضرت خاطر نشان ساخت که در ایران اصول ملوك الطوایفی اجرا نمیشود و کشاورزان ایران غلام مالکین نیستند بلکه قسمتی از محصول زمین بآن ها تعلق دارد .

سعی من این است که با تاسیس شرکت های تعاونی فلاحتی و با استفاده از ماشین آلات جدید کشاورزی، بر میزان محصولات و نتیجهٔ کار کشاورزان بیفزائیم تا با شرایطی که هم اکنون بین کشاورزان و مالکین درمورد تقسیم محصول مرسوم است عایدات

کشاورزان افزایش یافته رفاه و آسایش برزگران تضمین وتأمین گرددودهقانان ایران بتوانندزندگی راحت وآبرومندی داشته باشند.

شاهنشاه ضمناً گفت برنامه‌ای درنظردارند بموقع اجراء بگذارند که طبق آن مالکین بزرگ و کسانی که علاقهٔ زیادی باملاك خود ندارند آبادیها واراضی خودرا بدولت بفروشند تا اینکه کشاورزان ایران بتوانند دراملاك شخصی خودمشغول کشاورزی شوند.

اعلیحضرت همایونی اظهارداشت که طبق این برنامه هریك از کشاورزان پس از خریداری زمین میتوانند قرض خودرا درمدت ۲۰ تا ۲۵ سال مستهلك سازند.

یکی ازخبرنگاران سئوال کرد که آیا این برنامه باصول کمونیستی شباهت دارد.

شاهنشاه پاسخ داد بعقیدهٔ من این نوع معامله، خیلی محافظه کارانه است.

اعلیحضرت ضمناً اعلام داشت که درایران برنامهٔ مفصل وبزرگی بنام برنامهٔ هفت ساله شروع شده است که بمنظور بالا بردن سطح زندگی اهالی وبهبودوضع بهداشت وامورتعلیم وتربیت کشوربموقع اجراء گذاشته شده است ولی برای اینکه این برنامه بنحورضایت بخشی اجراء شود ملت ایران به ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ دولار احتیاج دارد.

شاهنشاه گفت من اطمینان دارم که ایران قادرخواهدبود برای اجرای این برنامه ازخارج کمك دریافت داردزیرا همین دیروز یکی از سرمایه‌داران امریکا پیشنهادخوبی بمن داد.

تاکنون کشورایران مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰۰ دولار ازبانك صادرات و واردات امریکا درمقابل عایدات نفت ایران وام دریافت کرده که بمصرف اجرای بعضی از مواد برنامهٔ هفت ساله خواهدرسید.

اعلیحضرت همچنین متذکرشد: ایران احتیاج مبرمی بماشینهای سنگین و کارخانه‌های ذوب آهن ولوکوموتیو وتوسعهٔ کارخانه‌های فعلی ومصالح کافی برای

ساختمان سدهای بزرگ و لوازم و ماشینهای کشاورزی منجمله تراکتور دارد.

مهمترین شرکت امریکائی «مشاورین ماوراء بحار» در طی دو سال گذشته خدمات شایان تقدیری درمورد برنامه هفت سالهٔ ایران انجام دادند.

درباره روابط ایران بااتحاد جماهیر شوروی شاهنشاه خاطرنشان ساخت که لااقل از لحاظ امور بازرگانی درروابط میان دو کشور بهبود محسوس حاصل شده است بطوریکه دولت شوروی موافقت کرده است مقدار ۱۰۰۰۰۰ تن گندم در مقابل دریافت پول بایران بفروشد.

اعلیحضرت ضمناً گفت که ایران علاوه بر شوروی ،از کشورهای دیگر نیز گندم خریداری کرده است.

سؤال شد که آیا از لحاظ دیگر نیز تغییراتی درروابط بین ایران و شوروی حاصل شده است؛

اعلیحضرت در جواب اظهارداشت بعقیدهٔ من وقتیکه اوضاع سیاسی بین المللی اصلاح شود درروابط سیاسی ایران و شوروی نیز بهبودی حاصل خواهد شد ولی مثلا مذاکراتی که دربارهٔ انعقاد یك قرارداد بازرگانی بین دو کشور شروع شده بود اکنون درحال رکود مانده است.

بعد شاهنشاه بشوخی اظهارداشت که این مذاکرات گوئی تحت تأثیر دوای خواب آوری واقع شده است.

دربارهٔ سازمان ملل متحد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی متذکر شد: این مؤسسه بین المللی تنها مایهٔ امید بشر باستقرار صلح وامنیت بین المللی است واگر اوضاع اقتصادی ایران تثبیت و اصلاح شود کشور ایران نیز بنوبهٔ خود بصلح و امنیت بین المللی خدمات مهمی انجام خواهد داد.

دربارهٔ مستر ترومن اعلیحضرت اظهارداشت : رئیس جمهوری امریکا شخص دلباز وصمیمی ومهربانی است . ما ایرانیان بمستر ترومن بنظر تحسین و تکریم مینگریم زیرا بعقیدهٔ من رئیس جمهوری امریکا بمنظور استقرار وحفظ صلح وامنیت

بین المللی خدمت میکند وهمهٔما بصلح بیش ازچیزهای دیگراحتیاج داریم.

پس از پایان جلسهٔ مطبوعاتی اعلیحضرت در مجلس ضیافتی که آقای انتظام رئیس هیئت نمایندگی ایران درسازمان ملل متحد تشکیل داده بود وعده زیادی از رجال سیاسی در آن شرکت داشتند حضور یافت وپس ازپایان ضیافت اعلیحضرت و همراهان در تآتر «ردیوستی» حضور بهمرسانیدند.



پادشاه ایران در میدان شهرداری نیویورک

درود مردم نیویورک بشاهنشاه ایران

روز دوشنبه مراسم باشکوهی در شهرداری نیویورک برپا گردید وطی آن «ویلیام اودوایر» شهردار نیویورک بپاس خدمات اعلیحضرت همایونی بصلح

جهان وبهبود اوضاع کشور ایران از طرف اهالی
نیویورك تصدیق نامه‌ای بشاهنشاه ایران تقدیم
کرد که بربالای سطور آن اینجمله دیده میشد:
«بپاس خدمات برجسته وبی نظیر»
ابتدا «ویلیام ادوایر» شهردار نطقی بشرح زیر
ایراد کرد:

مردم نیویورك واولیای امور این ایالت نهایت افتخار رادارند که بپادشاه جوان یك کشور کهنسال درود وتهنیت عرض کنند.

شاهنشاه عظیم الشأن ایران وارث تخت وتاجی است که ازدوران باستانی به یادگار مانده است.

کشوریکه این شاهنشاه عظیم الشان درآن سلطنت میفرمایند ششهزار سال سابقه تمدن دارد و امروز جمعیت این کشور هیجده مایون تن است. ایران هرچند کشور کهنسالی است ولی بامسائل ومشکلات نوینی مواجه شده است.

ایران درجنگ جهانی دوم دوشادوش ما جنگیدو پس از پایان جنگ نیز طرفدار کشورهای دموکراتیك باختری بوده است. هنگامی که جنگ بپایان رسید شاهنشاه ایران دربرابر خود مشکلات عظیمی یافتند زیرا شیرازه اقتصادیات مملکت براثر اشغال قوای خارجی وهجوم ده هزار تن ازآوارگان گرسنه وبیمار خارجی، ازهم گسیخته شده وشاهنشاه ازهرطرف باهرج ومرج سیاسی مواجه بود ولی صبرو استقامت و شهامت عالی وبی نظیر شاهنشاه برای بدست آوردن اختیارات قانونی جهت اصلاحات اساسی در کشورموجب جلب محبت ووفاداری ملت ایران گردید.

امنیت وآزادی ایران برای ماحائزاهمیت است. شاهنشاه ایران بنابدعوت مسترترومن رئیس جمهوری که بخوبی همکاری ایران را بامتفقین برعلیه دول محور بخاطر دارد واز سجایای عالی شاهنشاه که کلیه ثروت شخصی خویش را برای رهائی ملت خود ازقحطی و گرسنگی ازدست داده اند (کف زدن شدید حضار) نیك آگاه است، باینجا تشریف فرما شده‌اند. کشور این شاهنشاه عظیم الشأن ازلحاظ اینکه محل انعقاد بزرگترین کنفرانسهای تاریخی بود درخاطر دولت ما

نقش بسته وخود شاهنشاه در سراسر جهان بدوستی وطرفداری ملل آزاد اشتهار دارند وذات مبارکشان مظهر تجدد درآسیا است وواسطهٔ دوران باستانی باآینده میباشند.

نثار دسته گل بآرامگاه روزولت

روز سه شنبه اول آذر اعلیحضرت ازروزنامه معروف « ایونینک نیوارك دیدن کرد. بعد در دانشگاه پرینستون حضوریافت ودرآنجا نطق های دوستانه‌ای ایراد شد. پس از آن خبرنگاران روز نامه « دیلی پرینستونیان » را بحضور پذیرفت.

شب آنروز شاهنشاه درمجلس ضیافت باشکوهیکه از طرف انجمن ایران در نیویورك بافتخار شهریار ایران برپاشده بود حضور یافت.

روز چهارشنبه ۲ آذر اعلیحضرت ازدانشگاه نظامی « وست پوئیت » بازدید کرد، پس از آن درمجلس ضیافت بنگاه خاور نزدیك حضور بهمرسانید سپس به « انجمن آسیا » رفت ودرآنجا نطق هائی ایراد شد.

روز پنجشنبه، روز شکر گزاری ملت امریکا و تعطیل عمومی بود. دراینروز اعلیحضرت بمنزل مرحوم فرانکلین روزولت درهاید پارك رفت و دسته گل بسیار بزرك وزیبائی بر آرامگاه آن فقید نهاد. سپس شاهنشاه ناهار را با خانم روزولت و پسرش الیوت روزولت صرف نمود.

شاهنشاه پس ازبازدید باغ زیبای هاید پارك شام را دریك مجلس غیر رسمی که درآن عده ای از مشاهیرادبی ونویسندگان ومؤلفین وهنرپیشگان نامی امریکا حضور داشتند صرف کرد وبلافاصله بضیافت مجللی که ازطرف ایرانیان مقیم نیویورك بافتخار شاهنشاه در مهمانخانه والدورف آستوریا برپاشده بود حضور یافت.

دراین مجلس که متجاوز از ۱۰۰۰ نفر شرکت داشتند بحضور شاهنشاه خیرمقدم گفته شد.

اهداء دکترای افتخاری دانشگاه میشیگان بشاهنشاه ایران

روز ۵ آذر اعلیحضرت دانشگاه میشیگان را بازدید کرد دراین بازدید ابتدا استادان بحضور شاهنشاه معرفی شدند و سپس اعلیحضرت در حالیکه لباس استادی دانشگاه را برتن داشت در تالار کنفرانس دانشگاه حضور یافت

دراینجا رئیس دانشگاه و پس از آن پروفسور کامرون مستشرق معروف امریکائی نطقهائی ایراد کردند ،

پروفسور کامرون درضمن نطق خود گفت:

اعلیحضرتا از طرف استادان و دانشجویان دانشگاه میشیگان بشما خیر مقدم عرض نموده و ازشما که دیدن این دانشگاه را جزو برنامه مسافرت خود قرارداده اید تشکرمیکنم .

این دانشگاه که ازطرف مردم تأسیس شده واداره میشود قدمهای بزرگی در راه بسط فرهنگ وروشن نمودن سوابق فرهنگی کشورهای جهان برداشته است و مخصوصاً بفرهنگ کشور شما خدمات شایانی نموده است. مااهمیت مسافرت شما رابامریکا تشخیص میدهیم .شما دراینجا تعلیم وتربیت در امریکا را ازنزدیک می بینید.

این دانشگاه وارث معلوماتی است که بشر ازقرون گذشته ازخود باقی گذاشته است واین ارث را حفظ خواهد کرد.

علاقه ماتنها منحصر بایران باستان نیست بلکه بایران کنونی هم علاقمند هستیم من وروداعلیحضرت را که نماینده یك کشور باستانی هستند خوش آمد می گویم.

پس از آنکه یکی دیگر از استادان دانشگاه از خدمات درخشان ایران بفرهنگ و تمدن جهان سخن راند رئیس دانشگاه دانشنامه دکترای افتخاری در حقوق مدنی را باعلیحضرت همایونی تقدیم کرد آنگاه شاهنشاه چنین اظهار داشت :

آقایان اعضای هیئت‌مدیره دانشگاه .

با اعطای درجه دکترای حقوق افتخار بزرگی نصیب من کرده‌اید. من از مدتها پیش واقف بعظمت و اشتهار دانشگاه میشیگان بوده‌ام .اصل و منشاء این دانشگاه تقریباً ازاوایل تأسیس جمهوری امریکا آغازمیگردد.

ما درایران اصل‌ومنشاء راخوب قدرمیشناسیم زیرا فرهنگ خودما یکی از فرهنگهای باستانی است.

مامعتقدیم اصل ومنشاء عالی‌واصل‌وگوهری که تمدن‌را بوجودآورده‌مفهوم حیاتی وبسیارمهم‌دارد . زیرادردنیای پرآشوب کنونی که براساس احترام به‌ارزش ومنزلت مقام‌بشری واصول‌ومعتقدات عالی‌اخلاقی‌است ،سنن باستانی‌مارا حیات ونیرو می‌بخشد وسرچشمه‌الهامات برای‌ما میشود .اصول وسنن‌عالی درآنموقع که‌مسیرما ازهرطرف باهرج‌ومرج‌وآشوب وبی‌نظمی‌احاطه شده‌تکیه‌گاه‌استوار وخوبی‌برای‌ما خواهدبود .

سنن‌شما دراین دانشگاه ازهمان‌اصول وسنن‌عالی‌است بنابراین من این درجه‌دکتری را باافتخار مخصوصی می‌پذیرم وازاینکه این درجه بعنوان اینکه نمایندهٔ‌ایران می‌باشم بمن‌اعطاء شده‌است، مفتخرم .

بی‌شك‌همه میدانید ایران تااین اواخردراقتباس ازاصول‌وروش فرهنگی باختر کند وبطئی‌بوده‌است‌ولی‌باختر هیچگاه‌چنین نبوده‌وچنین‌تردیدی‌رابخود راه‌نداده‌است زیرا ازهمان قرون اولیه باختریهااز‌فرهنك ایران‌وسایر کشورهای خاورمیانه آنچه‌راکه‌منطبق‌بااحتیاجات‌خود می‌یافتنداقتباس کرده‌اند البته در این دانشگاه گستاخی خواهد بود که‌دراین موضوع بیش از این شرح و بسط داده شود.

مسافرت شاهنشاه بشهر های مختلف امریکا

روز ٦ آذر اعلیحضرت باهواپیما بطرف شهردیتون پرواز کردواز پایگاه هوائی عظیم اینشهر دیدن نمود، ازطرف افسران نیروی هوائی ضیافتی بافتخار شاهنشاه داده شد ونطقهائی ایراد گردید.

روز دوشنبه ۷ آذر اعلیحضرت بفورت ناکس رفت.

در فورت ناکس که یکی از بزرگترین پایگاههای نظامی امریکا محسوب میشود از شاهنشاه ایران پذیرائی رسمی و درعین حال بسیار گرمی بعمل آمد.

بمجرد ورود موکب همایونی باین پایگاه با ۲۱ شلیك آتش بار مراسم احترام نظامی بعمل آمد و سپس از طرف ژنرال ویلیام لیوسی ضیافت ناهار باشکوهی بافتخار مقدم ملوکانه بر پا شد وپس از آن اعلیحضرت عملیات نظامی واحد های موتوریزه این پایگاه را که با جدیدترین اسلحه ومهمات مجهز میباشند مشاهده کرد.

روز سه شنبه ۸ آذر اعلیحضرت با هواپیما از فورت ناکس بفرودگاه «وینسلو» واز آنجا با اتومبیل بگراند کانیون عزیمت کرد.

در روزچهار شنبه ۹ آذر اعلیحضرت از سد هوور و سایر مؤسسات آبیاری «کلرادو» واز شهر «لاس وگاس» که نمونه ای از شهر های باختری امریکاست دیدن کرد و بعد به فینیکس مرکز ایالت آریزونا رفت.

در فینیکس گروهی ازپاکستانیها واعراب کشاورز بحضور شاهنشاه باریافتند.

روز ۱۲ آذر شاهنشاه از پایگاه دریائی «سان دیه گو» وناو هواپیما بر «ولی فورج» بازدید کرد، عصر آنروز شاهنشاه بطرف لوس آنجلس عزیمت نمود.

روز یکشنبه ۱۳ آذر اعلیحضرت نقاط مختلف شهر لوس آنجلس را دیدن نمود.

روز دوشنبه ۱۴ آذر کارخانه هواپیما سازی «لاکهید» ضیافت ناهاری بافتخار اعلیحضرت برپا کرد. شاهنشاه سپس قسمت های مختلف کارخانه را بازدید نمود.

اعلیحضرت در طی اقامت خود در شهر لوس آنجلس به باشگاه ایران وامریکا رفت و دکتر جردن مؤسس ورئیس سابق کالج البرز را بحضور پذیرفت.

باین ترتیب برنامهٔ رسمی مسافرت اعلیحضرت همایونی بامریکا پایان یافت.

پس از پایان برنامه رسمی ،اعلیحضرت درحدود چهارهفته بطورغیررسمی در کشورهای متحده امریکا اقامت نمود و پس از چندروز استراحت در «سان والی» بشهر «سانفرانسیسکو» عزیمت نمود ، در این شهر هفتاد نفر از ایرانیان مقیم سانفرانسیسکو به پیشگاه شاهنشاه باریافتند.

روز یکشنبه ۲۷ آذر اعلیحضرت از سانفرانسیسکو مجدداً بسوی نیویورك عزیمت نمود.

شاهنشاه در دانشگاه کلمبیا

خیر مقدم ژنرال آیزنهاور به شهریار ایران

اعلیحضرت عصر روز دوشنبه ۲۸ آذر در مجلس ضیافت باشکوهی که از طرف «ژنرال آیزنهاور» رئیس دانشگاه کلمبیا بافتخار شاهنشاه در باشگاه استادان دانشگاه برپا شده بود حضور یافت.

دراین مجلس متجاوز از ۱۵۰ نفر ازمشاهیر واشخاص برجسته نیویورك که در رشته های مختلف از قبیل تعلیم وتربیت ، صنعت ، فرهنك وهنر ازاستادان بزرك امریکا محسوب میشوند حضور داشتند.

ژنرال آیزن‌هاور پس از عرض خیر مقدم حضار را به پیشگاه ملوکانه معرفی کرده اظهار داشت:

اعلیحضرتا ، اشخاصیکه در این مجلس شرف حضور دارند از برجسته‌ترین و مشهورترین افراد اینکشور هستند که از طبقات مختلف از قبیل صاحبان صنایع بزرك ، مهندسین، ناشرین کتب وجراید، وکلای دادگستری، پزشگان و استادان برجسته دعوت شده اندو در این محل حضور یافته‌اند که مراتب احترام و تکریم خود را بیك شخصیت بسیار برجسته و بیك مهمان عزیز و بزرگوار که وظایف و مسئولیتهای طاقت فرسائی بردوش دارد ابراز بدارند .

اعلیحضرتا همه ما که در اینجا شرف حضور داریم باتاریخ پرافتخار ایران آشنا هستیم و از مساعی و عزم خستگی ناپذیر آن اعلیحضرت کاملا با اطلاعیم .

اخیرا دانشگاه کلمبیا علاقه شدیدی نسبت بکشورهای خاور نزدیك پیدا کرده ودر این خصوص دانشمندان این دانشکده مشغول تحقیقات عمیقی شده ومؤسسه جدیدی افتتاح نموده‌اند .



اعلیحضرت طی اقامت خود درنیویورك خانه ایران را که مقر رسمی بعضی از مؤسسات وانجمنهای ایرانی شهر نیویورك خواهد بود افتتاح کرد . همچنین بضیافت با شکوهی که شرکت مشاورین ماوراء بحار برپا کرده بود حضور یافت ودرباره پیشرفت کار برنامه هفت ساله بامهندسین شرکت مزبور وارد مشورت گردید ودستورهای لازم برای تسریع کار برنامه هفت ساله صادر نمود .

آنگاه عده‌ای از پزشگان عالیمقام امریکا از شاهنشاه معاینه پزشکی کردند و صحت و سلامت کامل شاهنشاه را تأیید نمودند .

پیام شاهنشاه از امریکا بملت ایران

اعلیحضرت قبل از ترك کشور امریکا پیامی خطاب بملت ایران بوسیله صدای امریکا ایراد نمود که متن آن از اینقرار است :

ملت عزیزم اگرچه شش هفته است که ازمیهن عزیزدور بوده‌ام ولی در تمام مدت مسافرت خوددر امریکاهیچگاه از فکر ایران وسعادت شما دور نبوده‌ام ودرهر حال همه وقت با شما بوده‌ام.

مشاهده پیشرفت‌ها وترقیات شگرف امریکا که در نتیجه پشتکار و سعی و جدیت مردم این کشور بوجود آمده درمن تأثیر زیادی نموده ایمان مرا به پیشرفت مردم کشور خود بیشتر ومحکمتر ساخت ومطمئنم که ماهم باسعی وکوشش بتوانیم در کلیه شئون اجتماعی پیشرفت کرده وبااستفاده از اصول علمی موفق شویم سطح زندگی افرادملت را بطورمحسوسی بالا بریم.

هدف ما همانطوریکه قبلا بارها تذکرداده‌ام تأمین امنیت وبهداشت وفرهنگ وحداقل مایحتاج زندگی برای کلیه افراد ملت است

امیدوارم خداوندمتعال که همیشه حافظ ایران عزیز بوده ما رادرراه فراهم آوردن رفاه ملت موفق سازد.

اعلامیه مشترك شاهنشاه ایران ورئیس جمهوری امریکا

روز نهم دی هنگامیکه اعلیحضرت کشور امریکا را ترك مینمود درتهران وواشنگتن دریك موقع اعلامیه مشترك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و حضرت رئیس جمهوری کشور های متحدهٔ امریکا انتشار یافت اینك متن اعلامیه :

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران پس از شش هفته اقامت درممالك متحدهٔ امریکا امروز نیویورك را بقصد عزیمت بکشور ایران ترك فرمودند.

درضمن مراسم تودیع اعلیحضرت همایونی اعلام فرموده‌اند که مسافرتشان موجب تحکیم مناسبات دوستی دیرین ایران وامریکا گردیده است واظهارخوشوقتی فرموده‌اند ازاینکه ازطرف حضرت رئیس جمهوری بمسافرت بآن کشوردعوت شده ومهمان معظم له بوده‌اندوفرصت یافته‌اند که بارئیس مملکت و مأمورین عالیرتبهٔ

کشور های متحدهٔ امریکا آشنائی پیدا کنند همچنان اعلیحضرت همایونی از مهمان، نوازی شایانی که بعمل آمده است قدردانی فرموده و از محبت و علاقه‌ای که ملت امریکا نسبت بذات ملوکانه ابراز داشته است ابراز مسرت فرموده‌اند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بطوری که حضرت رئیس جمهوری نیز در یکی از نطق های خود اظهار فرمودند بهرجا که اراده فرمودند مسافرت و با هر کس در هرموضوعی که مقتضی دانستند مذاکره و بحث نموده‌اند و این رویه وسیله شد که نسبت براه و رسم زندگی و کارهای بزرگی که در این کشور صورت گرفته است از نزدیك شناسائی حاصل فرمایند.

بعد از اقامت کوتاه در واشنگتن ذات مبارك ملوکانه مسافرتی نیز به نیویورك، دیترویت، فورت نکس، گراند کانیون، سد هوور، فونینکس (اریزونا)، لس آنجلس، سان دیگو، سن والی و سانفرانسیسکو فرمودند.

درجریان این سیاحت که متضمن مسافرت های فرعی عدیده‌ای نیز بود عده‌ای از بنگاههای فرهنگی، کشاورزی و صنعتی و همچنین مؤسسات نظامی و نیروی دریائی و هوائی را بازدید و بسیاری از رؤسای مؤسسات کشوری و فرهنگی و صنعتی و نمایندگان کلیهٔ شعب زندگی امریکائی افتخار ملاقات ذات ملوکانه را حاصل کردند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در واشنگتن باحضرت رئیس جمهور و آقای وزیر امور خارجه و مأمورین عالیرتبهٔ کشور های متحدهٔ امریکا در محیط بسیار صمیمانه وصادقانه مذاکراتی بعمل آوردند و تبادل نظری که صورت گرفت برای ایجاد تفاهم متقابل در مسائل مورد علاقهٔ دو کشور فوق العاده مفید واقع شد.

در تعقیب این مذاکرات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و حضرت رئیس جمهوری مصمم گردیدند که اعلامیه مشترك ذیل را درباره روابط بین دو کشور صادر فرمایند.

متن اعلامیه

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران وحضرت رئیس جمهور و کشورهای متحدهٔ امریکا روابط بین دو کشور و مسائلی که هردو مشترکا باآن مواجه هستند مورد بررسی قرارداده ودرخلال این مذاکرات بنتایج زیر رسیدند:

۱ ـ اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران وحضرت رئیس جمهور کشورهای متحدهٔ امریکا معتقدند که سازمان مالی متحد بهترین وسیله برای تأمین جهانی توأم باصلح و صفامی باشد و بنابراین هردو کشورعزم تزلزل ناپذیرخودرادرپشتیبانی ازسازمان مزبوروهمکاری نزدیك خودراباآن ومؤسسات وابستهٔ بآن کماکان ادامه خواهند داد.

۲ـ از آنجاکه تهدید صلح وامنیت بین المللی درجهان مستقیماً به کشور های متحدهٔ امریکا متوجه میباشد وبهمین جهت دراول دسامبر۱۹۴۳ هنگامیکه پرزیدنت روزولت فقیدومسترچرچیل نخست وزیروقت انگستان ومارشال استالین اعلامیهٔ سه گانه رادرتهران امضاء کردنددولت امریکاتمایل خودرابرای حفظ استقلال وتمامیت ایران صریحاً بیان نمودوعلاقهٔ شدید کشورهای متحدهٔ امریکا نسبت باین امربعداًدراعلامیه های مربوط به سیاست خارجی امریکا کراراً تأئید گردیدا بنك نیزدولت امریکا مصمم است که این سیاست راکماکان ادامه دهد.

۳ ـ ازآنجاکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران معتقدند وحضرت رئیس جمهورنیز بانظرملوکانه موافقت دارند که توانائی هر کشوری برای حفظ استقلال خویش بستگی باوضع اقتصادی سالم ومقرون برفاه دارد بهمین علت دولت ایران برطبق تعلیمات اعلیحضرت همایون شاهنشاه درسال ۱۹۴۶ اقداماتی بمنظورتهیه برنامهٔ هفت ساله برای پیشرفت اوضاع اقتصادی واجتماعی کشوربعمل آوردواینك برنامه مزبورکه بصورت قانون درآمده باتمام وسایلی که دولت در دست دارد بمورد اجرا گذارده شده است.

حضرت رئیس جمهورامریکابه‌اهمیت این برنامه درپیشرفت اوضاع اقتصادی ایران توجه دارند وعلیهذادولت امریکا درخواست های دولت ایران رااز بانك بین المللی ترمیم وتوسعه برای اخذ وامهای موجه اقتصادی تأییدوپشتیبانی خواهد نمود.

بعلاوه بشرط اقدام مساعد کنگره درمـورد اصل چهار ترومن دولت امریکا حاضراست که بموجب مقررات اصل مزبورتوسعهٔ اقتصادیات ایران راتسهیل نموده

هرگونه کمک فنی و مشورتی که دراصل چهار مقرر است مبذول دارد ونیز دولت امریکامخصوصاً متوجه‌است باینکه بکارافتادن دائم‌التزاید سرمایه‌های خصوصی امریکائی درایران مطلوب می‌باشدو دولت ایران تدابیری را که برای تشویق به کارانداختن این گونه سرمایه ها اتخاذ شودمورد مطالعه قرارخواهدداد .

٤- ازآنجاکه سیاست کشورهای متحدهٔ امریکااین است که درهر موردی که کمك وی ممکن است مؤثرواقع شود ملل آزادجهان را درهر کجا که هستند در حفظ آزادی خود مساعدت نماید درنتیجهٔ اجازه اخیر کنگره و برای اجابت تقاضای دولت ایران دولت امریکاهمواره حاضراست که بعضی کمك‌های نظامی را که برای ایران ضروری باشد مبذول دارد تابدان وسیله ملت ایران که هم خودزاوقف اجرای مقاصدواصول منشورملل متحدنموده بتوانندتدابیرمؤثری برای دفاع ازخود و بمنظور پشتیبانی ازاصول ومقاصدمزبوراتخاذ نمایدونیز کشورهای متحده امریکااحتیاجات دفاعی ایران را که مربوط بمساعدتهای خارجی بیشتری میشود وممکن است مورد توجه دولت امریکا قرارگیرد کماکان درنظر خواهد داشت .

بزرگترین مردان سیاسی ونظامی دنیا در ایران

از شهریور ۱۳۲۰ که آتش جنگ بین‌المللی دوم بایران نیزسرایت کرد، و دروازه‌های این کشور بروی کشورهای متحد گشوده شد، جمعی از برجسته‌ترین رجال سیاسی ونظامی دنیا بایران آمدند واز کشورما دیدن کردند وپس ازچندی ایران را ترك گفتند .

درآن ایام تیره وتار که سرنوشت ایران بدست حوادث سپرده شده بود ، اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی بانهایت دقت ومراقبت اوضاع ایران ودنیا رااز نظر میگذراندند وهرچند گاه یکبار که مردان بزرگ سیاسی دنیا به پیشگاه شاهانه میرفتند ازموقعیت استفاده نموده ودرمورد لزوم دربارهٔ حفظ استقلال وتمامیت ارضی ایران باآنها صحبت میکردند .

اکنون مختصری درباره این مردان عالیقدر مطالبی ذکر میکنم :

نخستین مسافر بزرگ خارجی که بایران آمد

دوک اوف گلوستر برادر پادشاه انگلستان بود

دوک گلوستر روز یکشنبه بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۲۱ باهواپیما وارد تهران شد وچهار روز درتهران ماند وفردای روز ورود خود پیامی بمطبوعات ایران که قسمتی از آن چنین بود « زیبائی و عظمت وسابقه تاریخی ایران درتمام دنیای متمدن مورد احترام عموم قرار گرفته و اغراق نیست اگر بگوئیم که مخصوصاً انگلستان بدین حقیقت توجه کامل دارد . درحال حاضرخط آهن وخطوط ارتباطی کمك بسیار گرانبهائی در حصول پیروزی نهائی از طرف ملتهای آزاد جهان که ایران نیزمقام پرافتخاری را درمیان آنها احراز کرده است بشمار میرود » .

شب همانروز والاحضرت دوك اوف گلوستر درمجلس ضیافتی که از طرف اعلیحضرت همایونی بافتخار ایشان داده شده درپاسخ شاهنشاه چنین گفت :

« کشورتاریخی وزیبای ایران همیشه توجه دانشمندان وسیاحان بریتانیارا بخود معطوف داشته حتی بعضی ازآنها حیات خودرا وقف خدمت به آثار بزرك ادبیات وهنر های زیبای ایران کرده اند .

اکنون مات ایران باهمسایگان بزرگ خود شوروی وانگلستان دارای حقوق متساوی است ومن باینجا آمده ام که بدوستان ومتفقین ایرانی خودمان درود بگویم ودر پایان نطق پس ازخواندن شعرمعروف حافظ :

صبروظفر هردودوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید

چنین گفت : مهمان نوازی ایرانیان حتی ازآغاز تاریخ معروف عموم بوده ومن ازکشور زیبای شما و دوستانیکه دراینجا پیدا کرده ام خاطرات فراموش نشدنی همراه خواهم برد » .

دومین مسافر بزرگ خارجی

دومین مسافر بزرگ خارجی که بایران آمد یك انگلیسی یعنی وینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان بود. وی که ازمدتی پیش فعالیت عجیب خودرا درسرتاسر جهان برای (پیروزی) آغاز کرده بودودر تمام مدت جنگ (روح پیروزی) بشمارمیرفت همراه ژنرال ویول وهریمن نماینده روزولت وکادوکان ورئیس ستاد نیروهای انگلیس وبسیاری از مردان سیاسی ونظامی انگلستان بایران آمد روز چهارشنبه بیست ویکم مرداد ۱۳۲۱ وارد تهران شد وشب را نیز در پایتختایران بسر برد روز بعد بحضور اعلیحضرت پادشاه ایران باریافت وباایشان نهارخورد وسپس بمسکو رفت.

این نخستین ملاقاتی بود که بین مستر چرچیل واستالین صورت میگرفت ولی آخرین آنها نبود زیرا بعدها خود چرچیل گفت که من مثل آوازه خوان دوره گردی دائماً اینطرف وآنطرف رفتم ولی همیشه فقط یك آواز خواندم. چرچیل این سفررا از راه قاهره وبغداد وتهران بوسیله هواپیما انجام داده بودو خبر مسافرت اووقتی انتشاریافت که وی پس ازمراجعت ازراه تهران وقاهره وراه افریقا به لندن رسیده بود.

دراین مسافرت برای اینکه نقل وانتقال آقای نخست وزیرانگلستان مخفی بماند چرچیل (حقه) های عجیبی ازخود ابداع میکرد مثلادر تهران مسافت بین فرودگاه وعمارت ییلاقی سفارت انگلیس رادر قلهك بایك اتومبیل کرایه‌ای وبطور ناشناس طی کرده وقطعاً راننده اتومبیل که بادیدن او وسیگار برگ معروفش فقط فکر کرده بود که (مسافر قاچاق پولداری) بتورش خورده استهنوزهم نمیداند که آن روز برای چند دقیقه سرنوشت بزرگترین مرد جنگ، وشاید سرنوشت خود جنگ دردست او بود.

سومین مرد بزرگ دنیا در ایران ویلکی قاصد دموکراسی

کمتر سفری باندازه سفر (ویندل ویلکی) نماینده مخصوص روزولت درتهران مورد توجه قرار گرفت. ویلکی که نخستین سیاستمدار بزرگ امریکائی بود که

بایران میآمدهم ازلحاظ مقام وهم ازلحاظ شخصیت خویش اهمیت فوق العاده داشت
وی چنانکه همه میدانند رقیب انتخاباتی مستر روزولت درسال ۱۹٤۰ بود و پس از
شکست اودر شخصیت نیرومندش رخنه‌ای وارد نکرد وشاید اگر تاسال ۱۹٤٤
زنده مانده بود شانس بزرگی برای احراز موفقیت درانتخابات ریاست جمهوری
امریکا داشت .

ویندل ویلکی که سیاستمداری آزادمنش و صریح اللهجه وفعال و بسیار
اجتماعی وبی تکلف بود درپائیز ۱۳۲۱ حاضر شد بعنوان نماینده مخصوص روزولت
بدورجهان مسافرت کند وهمه جا را ازنزدیك ببیند ونتیجه مطالعات خود را در
کشورهای متفق به روزولت گزارش دهد .

دراین سفرویلکی انگلستان ، شوروی ، چین وممالك عرض راه منجمله ایران
را دید واز نزدیك همه جارا رسیدگی کرد وسپس گزارش بسیارمفصل به‌روزولت
داد که از بسیاری جهات پایه کار روزولت قرارگرفت . ویلکی روز بیست وسوم
شهریور ۱۳۲۱ باهواپیما وارد تهران شدو همان شب بوسیله رادیوتهران بملت ایران
چنین پیام‌داد :

من برای اعلیحضرت پادشاه وملت ایران درود ملت ورئیس جمهوری کشورهای
متحده امریکا را همراه آورده‌ام .

یکباردیگر ویلکی دررادیوتهران چنین گفت :

کشورایران که بیش از پنجاه قرن تمدن جهان را مرهون عالیترین آثار
هنری خودساخته یعنی بیش‌از یونان تمدن عالی داشته وبعدازسقوط یونان وروم
شرقی وغربی نیز همچنان بسیر تکاملی خود وایجادسبك‌های بدیع ادامه داده آن
قدرت اخلاقی ونیروی اراده‌را دارد که پس‌ازحصول پیروزی بدون دخالت دول
بزرگ آزادانه بحیات خود ادامه‌دهد .

ویندل ویلکی قبل از عزیمت خودازتهران بااعلیحضرت شاهنشاه درهواپیمای
چهارموتوره خود (گولیور) نشست ومدتی هواپیمابرفرازتهران گردش کرد ، این

نخستین پرواز شاهنشاه بربالای تهران بود اعلیحضرت هنگام فرود آمدن ازهواپیما


مولوتف

بویلکی اظهار داشتند (اولین کمکی که از طرف کشور های متحد امریکا میشود باید از راهی صورت گیرد که آقای ویلکی آمده اند یعنی از هوا) روز بعد ویلکی از تهران بسوی مسکو پرواز کردو بعد ازباز گشت بامریکا کتاب بسیار معروفی بنام (یکدنیا) نوشت که درآن ایرانیان رامردمی هوشمند ومستعد نامیده ولی از وضع بهداشت ایران وبطور کلی کشورهای خاورمیانه ونزدیك جداً انتقاد کرده بود .

چهارمین مرد بزرك دنیا در ایران


ایدن

ازچهارم آبان تا پانزدهم آذر ۱۳۲۲ روزولت ، استالین ، چرچیل وچهار وزرای خارجه دولتهای شوروی امریکا انگلستان فرانسه به تهران وارد شدند که جریان مذاکرات را قبلا در کنفرانس تهران شرح داده‌ایم .

پنجمین مرد بزرك دنیا در ایران

روز یکشنبه پنجم آذر۱۳۲۳ ژنرال دوگل رئیس حکومت موقتی فرانسه

همراه ژرژ بیدو وزیر خارجه این دولت وعده‌ای از همراهانش به تهران آمد تا از این راه بمسکو برود .

دوگل هنگام ورود از طرف نمایندگان ایران و فرانسه آزاد و شوروی و انگلستان مورد استقبال قرار گرفت و با احترامات نظامی بسفارت فرانسه رفت و طی نطقی که برای فرانسویان ایراد کرد از ورود خود بایران اظهار خوشوقتی نمود ساعت شش همانروز با اعلیحضرت شاهنشاه ایران در کاخ مرمر ملاقات کرد و شاهنشاه مدتی با او بمذاکره پرداختند روز بعد دوگل و همراهانش از تهران بسوی مسکو پرواز کردند و ۱۷ روز بعد هنگام بازگشت یك شب درتهران باز ماندند .

ششمین مرد بزرك دنیا در ایران دکتر ادوارد بنش

یکی از بزرگترین میهمانان خارجی ایران که مورد علاقه و استقبال کلیهٔ محافل پایتخت قرار گرفت دکتر ادوارد بنش رئیس جمهور فقید چکوسلواکی بود این مرد بزرگ دوبار بایران آمد و هردوبار مورد استقبال رسمی قرار گرفت یکی در ششم دیماه ۱۳۲۲ یکماه پس از کنفرانس تهران وبار دیگر در ۲۴ اسفند ۱۳۲۳ که ازراه مسکو برای عقد پیمان با کمیته نجات ملی چکوسلواکی از تهران گذشت هنگام ورود او بایران اعلیحضرت شاهنشاه وزیر امور خارجه ایران و رؤسای نظامی و کشوری در فرودگاه از او استقبال کردند فردای آنروز بنش با اعلیحضرت همایونی ناهار صرف کرد وعصر باتفاق ایشان بدانشگاه تهران رفت ودر آنجا از طرف دانشگاه تهران سمت دکترای افتخاری دانشگاه بدو داده شد شب درمراسم شام رسمی که از طرف شاهنشاه بافتخار او داده شد ضمن نطق مهیجی چنین گفت : « من قبلا بوسیله کتابها باوضاع ایران آشنائی داشتم وهمیشه تمدن باستانی این سرزمین مورد علاقه و تحسین من بود اکنون مشاهده میکنم که کشور شما درحال حاضر نیز برای ترقیات بیشتری کاملا مستعد است ومیتواند بیش از اینها ترقیات وتمدن خودرا ادامه دهد، سفردوم دکتر

بنش دراسفند ۱۳۲۳ صورت گرفت دراین سفر بنش هنگام بازگشت از مسکو با خانمش و۲۸ تن وزراء اعضاء دولت چکوسلواکی همراه بود



دکتر ادوارد بنش رئیس جمهور چکوسلواکی درحضوراعلیحضرت شاه و ملکه فوزیه

هفتمین مرد بزرگ دنیا در ایران

درآن هنگام که خبرپایان جنگ در تهران انتشار می یافت وجشنهای پیروزی در پایتخت ایران برقرار میشد یك میهمان عالیقدر که در همه جای دنیا به (یك فرانسوی بزرگ) مشهور بود وارد ایران شد. این شخص ادوارد هریو سیاستمدار ونویسنده وخطیب معروف فرانسوی بود که پس از چندین سال اسارت در دست آلمانها بدست روسها آزاد شده بود وازراه تهران بفرانسه بازمی گشت. هریو در تهران مورد پرهیجان ترین استقبال هائی قرار گرفت که در چندین سال نسبت به میهمانان بزرگ خارجی بعمل آمده بود. هریو شش روز در تهران ماند ودراینمدت بامطبوعات ومجلس وهیئت دولت ومردم تماس گرفت.

دو سردار بزرگ دنیا در ایران

در این هنگام نیز دو نفر از سرداران بزرگ دنیا ژنرال ویول و ژنرال کانرو نیز بتهران آمدند و پس از انجام کارهای نظامی مراجعت نمودند.

لیاقت علیخان نخست وزیر پاکستان در ایران

روز بیست و چهارار دیبهشت ۱۳۲۸ لیاقت علیخان نخست وزیر پاکستان با بانو بتهران وارد شدند. اکرم‌الله خان معاون وزارتخارجه و غضنفر علیخان سفیر کبیر پاکستان در تهران و چند نفر دیگر همراه ایشان بودند.



لیاقت علیخان باتفاق شاهنشاه ایران از دانشکده افسری بازدید مینمایند

لیاقت علیخان نخست وزیر پاکستان روز اول اکتبر ۱۸۹۵ در شهر کرنال واقع در ایالت پنجاب متولد گردید وی تحصیلات خودرا در دانشکده علوم اکسفرد در رشته حقوق گذرانیده و در ۱۹۲۶ عضو شورای مقننه ایالات هند شد و پس از آن معاون

همان شورا و در ۱۹٤۰ بنمایندگی مجلس مقننه مرکزی انتخاب گردید در ماه اوت ۱۹٤۷ که دولت پاکستان تأسیس گردید او بسمت نخست‌وزیری پاکستان برگزیده شده .

لیاقت‌علیخان پس‌ازورود بتهران درمیان ابراز احساسات اهالی درکاخ ییلاقی وزارت امور خارجه اقامت نمود آنگاه درکاخ سلطنتی بحضور شاهنشاه باریافت روز بعدهنگام بازدید اعلیحضرت همایونی ازدانشکده افسری لیاقت‌علیخان نیز همراه شاهنشاه بود درتمام مدت اقامت لیاقت‌علیخان درپایتخت ایران پذیرائی گرمی از ایشان بعمل آمد وبدین ترتیب دوستی ایران وپاکستان بیش از پیش تحکیم و تقویت یافت .

والاحضرت نایب‌السلطنه عراق

روزبیست‌وچهارم خرداد ۱۳۲۸ ساعت ده‌صبح والاحضرت امیر عبدالاله نایب‌السلطنه و لیعهد کشورعراق باهواپیما وارد تهران گردید.

نظر باینکه اعلیحضرت‌همایونی ازمشارالیه رسماً دعوت کرده بود تشریفات کاملی درطول مسیر والاحضرت بعمل آمد اعلیحضرت همایونی شخصاً بفرودگاه مهرآباد برای استقبال حضوریافته فرودگاه وجاده فرودگاه بشهر باپرچمهای ملی ایران‌وعراق تزیین گردیده‌بود عراقیهای مقیم تهران‌نیز طاق نصرتی در چهارراه پهلوی برپا ساخته بودند درطول مسیر جمع کثیری از اهالی تهران بتماشا و ابراز احساسات ایستاده‌بودند درمدت اقامت والاحضرت برنامهٔ مخصوصی که قبلا ازطرف دربار تنظیم ومنتشر گردیده بود اجرا شد.

والاحضرت درمدت اقامت خودازموزه ایران باستان و گنجینه قرآن و جواهرات بانك ملی وکارخانه های تسلیحات ارتش ومجلس شورای ملی ومدرسهٔ عالی سپهسالار وپادگان لشکردوم بازدید بعمل آورد ومانور مفصلی بوسیله افراد لشکراول درحضور مشارالیه داده شد.

درمدت اقامت مشارالیه درایران تلگراف مشترکی ازطرف وزرای خارجه دو



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت ملك عبدالاله
در میهمانی صاحبقرانیه

کشور بدو لتین افغانستان و پاکستان مخابره گردید و از تیرگی روابط بین آن دو کشور
اظهار نگرانی نمودند و نیز اعلامیه مشترکی بامضای وزرای خارجه مبنی بر حسن تفاهم
کامل راجع بامور مورد علاقه دو کشور ایران و عراق و لزوم همکاری در مسائل بین المللی

وتحکیم روابط بین خود انتشار داده و موافقت نمودند که نمایندگیهای خود را بدرجه سفارت کبری ترقی دهند از طرف والاحضرت نشانها و هدایائی بافسران ارتش و شهربانی ومیزبانان اعطا گردید.

اعلامیه مشترك وزرای امور خارجه ایران و عراق

تشریف فرمائی والاحضرت ولیعهد ونایب السلطنه معظم عراق بایران فرصت بنمایندگان دولتین ایران وعراق داد که مسائل مشترك مورد علاقه بین دو مملکت دوست وهمسایه را مورد تبادل نظر قرار دهند این تبادل نظر در محیط حسن تفاهم کامل وتمایل صمیمانه درهمکاری صورت گرفت و اتفاق کامل در طرق حل کلیه قضایای معوقه حاصل گردید وتصمیمات قطعی درلزوم همکاری دو کشور درمسائل بین المللی برای تأمین صلح دراین قسمت ازعالم برطبق مبادی واصول عدالت وآزادی براساس نص و روح منشور ملل متفق موافقت حاصل شد ودرتأیید تمایل مشترك درتقویت وتحکیم روابط بین دو کشور اتفاق حاصل شد که نمایندگیهای خودرا دربغداد وتهران بدرجه سفارت کبری ترقی دهند.

دکتر فاضل جمالی وزیر امور خارجه عراق

علی اصغر حکمت وزیر امور خارجه ایران

ملك عبدالله پادشاه کشور هاشمی اردن

روز پنجشنبه ششم مرداد ۱۳۲۸ چندین هواپیما باستقبال ملك عبدالله پادشاه ماوراء اردن پرواز نموده واعلیحضرت همایونی نیز بفرودگاه تشریف بردند مراسم استقبال باشکوه تمام و بیست ویك تیر توپ شلیك بعمل آمد طول خط سیر و فرودگاه تزیین گردیده وشهرداری تهران دو طاق نصرت یکی درمیدان بیست وچهار اسفند و دیگری درسر پل تجریش برپا کرده بود وازطرف دربار کاخ صاحبقرانیه برای محل پذیرائی ازمشارالیه اختصاص داده شده بود.

درسر شام رسمی که بافتخار وی ازطرف اعلیحضرت همایونی درکاخ سعدآباد

داده شد نطقهای مودت آمیزی از طرف دو پادشاه ایراد گردید و اعلیحضرت ملك عبدالله از مهمان نوازی شاهنشاه ابراز تشکر نمود.



اعلیحضرت ملك عبدالله و اعلیحضرت شاهنشاهی در ضیافت صاحبقرانیه

اعلیحضرت ملك عبدالله در مدت اقامت خود در تهران از موزه ایران باستان و گنجینه قرآن دیدن نموده و در مسجد شاه نماز جماعت ادا کرد و همچنین از مجلس شورایملی و مسجد سپهسالار و دانشگاه تهران و جواهرات سلطنتی در بانک ملی و آموزشگاه پرستاری والاحضرت اشرف پهلوی و مؤسسات کشاورزی کرج دیدن نموده و باخبرنگاران جرائد در کاخ صاحبقرانیه مصاحبه بعمل آورد و در طی آن پس از اظهار تشکر از دعوت شاهانه و تمجید از خدمات اعلیحضرت فقید اظهار داشت (ترس از وقوع ظلم و تجاوز است که ما را بهمدیگر نزدیك خواهد کرد).

در روز ۱۲ مرداد اعلیحضرت ملك عبداله بمازندران عزیمت کرد و در هتل

را صرف شام نموده و با قطار سلطنتی مراجعت کرد و همچنین با هواپیما بزیارت مشهد مقدس مشرف گردیده و پس از زیارت حرم مطهر از مقبره شیخ بهائی و موزه آستانه و کتابخانه وغیره بازدید بعمل آورد ساعت پنج و نیم صبح هفدهم تیرماه پس ازمراسم تودیع با والاحضرت شاهپور علیرضا و دیگر مشایعین با هواپیما بکشور خود مراجعت نمود و بلافاصله پس از ورود تلگراف تشکرآمیزی بحضور ملوکانه مخابره نمود در مدت اقامت مشارالیه اعلامیه مشترکی از طرف وزرای خارجه مبنی بر مراتب مودت و تحکیم علاقه بین دو کشور و همکاری صمیمانه فرهنگی و سیاسی منتشر گردید.

و نیز اعلیحضرت ملك عبداله در ۲۶ تیرماه چهار رأس مادیان و یك اسب عربی اصیل با نماینده مخصوصی اعزام و بحضور ملوکانه تقدیم داشتند.

اعلیحضرت پادشاه افغانستان

صبح هفدهم مهر ۱۳۲۸ اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان که برای معالجهٔ چشم عازم فرانسه بودند وارد ایران شدند.

فرودگاه مهرآباد با پرچمهای ایران و افغانستان تزیین گردیده بود و والاحضرت شاهپور علیرضا و آقایان نخست وزیر، وزیر دربار، وزیر امور خارجه، وزیر راه و جمعی از رجال برای استقبال حاضر شده بودند.

ملتزمین اعلیحضرت محمد ظاهرشاه عبارت بودند از والاحضرت محمد نادرجان فرزند ایشان آقایان محمد نعیم خان سفیر آن دولت در واشنگتن، نجیب اله خان سفیر دهلی محمد عمرخان وزیر جنگ و یك پزشك فرانسوی و چند نفر دیگر. ضمناً آقای انصاری سفیر کبیر ایران در افغانستان نیز همراهی کرده بودند در طول خط سیر موکب ایشان گارد احترام گذاشته شده بود و از طرف اهالی تهران ابراز احساسات محبت آمیز شد، پس از ورود بکاخ صاحبقرانیه و قدری استراحت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه بدیدار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بکاخ مرمر تشریف برده و نهار را نیز دو پادشاه با هم صرف کردند. شب ذات شاهانه بکاخ صاحبقرانیه برای بازدید اعلیحضرت

بپادشاه افغانستان تشریف فرما وشام صرف فرمودند. جمعی ازرجال و وزیران نیز افتخارشرکت درشام را داشتند .



اعلیحضرت محمد ظاهرشاه واعلیحضرت همایون شاهنشاهی

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه صبح روز ۲۸/۷/۱۸ با احترامات شایسته بفرودگاه مهرآباد تشریف فرما وپس ازمراسم تودیع صمیمانه با والاحضرت شاهپورعلیرضا و آقایان نخست وزیر، وزیرامورخارجه، وزیردربار، وزیرراه و سایرمشایعین ساعت شش وربع با هواپیما تهران را ترک گفتند .

تشکیل مجلس سنا

قانون اساسی ایران در بدو مشروطیت وجود مجلس سنا را لازم شمرد ولی طی چهل و چندسال که از عمر مشروطیت میگذرد این قسمت از قانون اساسی بمورد اجرا در نیامد ولی از طرف اعلیحضرت همایونی اینموضوع مورد توجه قرار گرفت و آئین نامه انتخابات مجلس سنا در ۱۴ اردیبهشت ۲۸ تصویب و در تاریخ ۲۵ خرداد فرمان همایونی بشرح زیر انتشار یافت :

باتائیدات خداوند متعال

ما

محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

محل صحه مبارك

نظر باصل چهل و سوم واصل چهل و پنجم قانون اساسی و قانون انتخابات مجلس سنا مورخ چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ بنابر پیشنهاد جناب محمد ساعد نخست وزیر مقرر میفرمائیم که وزارت کشور در تهیه مقدمات دورهٔ اول مجلس سنا اقدام نمایند.

بتاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۲۸

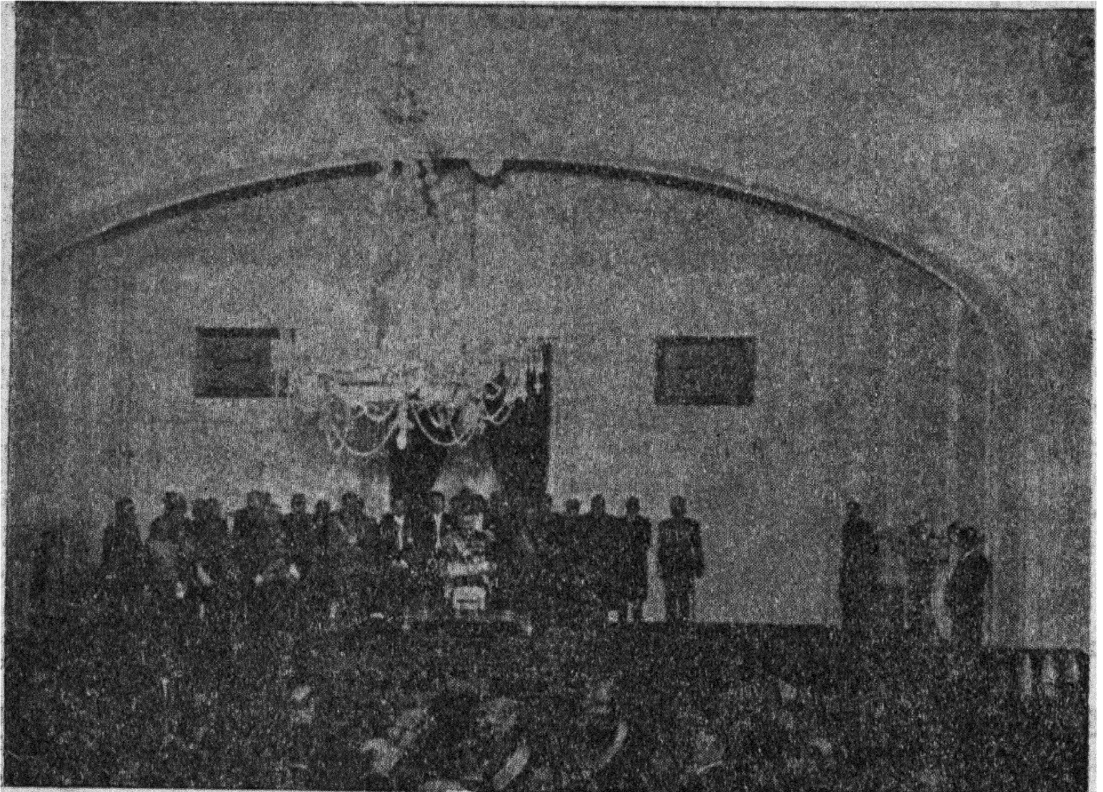
پس از صدور فرمان شاهانه انتخابات مجلس سنا و مجلس شورا یملی بعمل آمد و پس از پایان انتخابات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در تاریخ بیستم بهمن ۱۳۲۸ دورهٔ اول مجلس سنا و دورهٔ شانزدهم مجلس شورا یملی را افتتاح نموده و ضمن نطق خود چنین فرمودند:

بیانات شاهنشاه

هنگام افتتاح مجلسین

بیاری خداوند متعال و با کمال مسرت خاطر برای اولین بار در تاریخ مشروطیت ایران دوره اول سنا و شانزدهمین دوره مجلس شورا یملی را افتتاح مینمائیم.

چنانکه آقایان نمایندگان بخوبی واقفهستند جنگ جهانی و عوامل ناشیه از
آن دراین هشت سال اخیر مارا بمصائب بیشماوی مواجه نمود که هریك از آنها
ممکن بود کشورمارا بسخت ترین مهالك سوق دهد ودر سنوات مذکورتمام مساعی



اعلیحضرت همایونی هنگام نطق افتتاحیه مجلسین سناوشورایملی

مابمبارزه باین مشکلات ورفع ودفع مخاطرات مصروف بوده است. اضافه برمصائب
نامبرده مشکل مهم دیگری که چرخهای مملکت رااز گردش بازمیداشت ومانع ازاین
میشد که درسایه حکومت مشروطه راه ترقی وتعالی را به پیمایدنواقص موجوده در
قانون اساسی ایران بود که بهیچ روی شباهتی باقوانین مشابه بهمشروطیت های سلطنتی
دنیانداشت، که خوشبختانه مطابق مصلحت وبطریقی که درتمام ممالك مشروطه دنیا
معمول ومتداول است نواقص عمده آن نیزمرتفع گردیدوچنداصل دیگر که محتاج
به تجدیدنظر میباشدرفع نواقص آنهارا مجلس مؤسسان بعهده مجلسین مقررداشته

که انتظار میرود ببهترین وجه انجام پذیرد. بتحقیق میتوان گفت این اقدامات بنیان مشروطیت ایران را مستحکم نموده و کشور را از خطر هرج و مرج داخلی و فرمانروائی طبقات ممتازه که عکس العمل طبیعی آن سوق کشور بسوی حکومت مطلقه بوده نجات بخشیده است و همچنین با تجدید نظر و تکمیل قانون انتخابات و تطبیق آن با اصول متداوله در سایر ممالک راقیه که مورد کمال توجه میباشد یقین داریم زمینهٔ پیشرفت امور از هر حیث مهیا خواهد گردید. حال که بیاری حضرت باریتعالی این موانع برطرف شده و تازه فرصت بدست آمده است که بکارهای اساسی کشور و دردهای اجتماعی خود بپردازیم باید با صرف همت و بذل مجاهدت در تمهید موجبات سعادت و رفاه ملت کوشید.

روش ما در سیاست خارجی تشیید و تحکیم روابط دوستانه بر اساس احترام متقابل با همسایگان و کلیه کشورهای جهان میباشد و کمافی السابق کشور ما باصول و مقررات منشور سازمان ملل متحد که آنرا تنها حافظ و ضامن صلح جهانی میدانیم پابند و علاقمند است.

در سیاست داخلی هرچند کراراً بیان کرده‌ایم ولی باز بطور اجمال و اختصار تذکر میدهیم که دولت ما ساعی خواهد بود در مرحله اول اقدام مؤثر در استخراج منابع ثروت مملکت و توزیع آن بنحو عادلانه‌تری با رعایت اصول عدالت اجتماعی فیمابین عموم مردم بعمل آورد و نسبت برفاه طبقه کارگر و کشاورز توجه مخصوص مبذول گردد تا بدین ترتیب کشور ما در ردیف سایر ممالک مترقی قرار گیرد و منظور اساسی و نهائی ما که بکرات گوشزد کرده‌ایم و عبارت از تأمین پنج اصل خوراک - پوشاک - مسکن - بهداشت و فرهنگ است برای همه تحقق پذیرد. البته در اجرای این مرام و همچنین در پائین آوردن هزینه زندگی دولت ما بموقع لوایح لازم را بمجلس پیشنهاد خواهد نمود.

خوشبختانه فعلا بهترین وسیله‌ایکه برای درک این هدف در دسترس ما قرار گرفته همان اجرای برنامه هفت ساله میباشد که با مطالعه و دقت بسیار بوسیله متخصصین

تدوین و تنظیم یافته و ناگزیر این برنامه که شالوده اصلاحات کشور در کلیهٔ شئون اجتماعی است باید حتماً عملی گردد.

کشور ما دارای تاریخی بس کهن میباشد که در آن دوره های سختی و محنت فراوان دیده میشود که از جمله آن دورهٔ ۸ ساله اخیر از شهریور ۱۳۲۰ تا این زمان است ولی حال میتوانیم عنوان کنیم که با تفضلات الهی و با شروع باجرای این برنامه و اندکی صبر و بردباری دوران رنج و محنت سپری خواهد شد و بالاخره تمدن باستانی و حس وطن پرستی و شهامت ملت ما که همیشه بر مشکلات زمان فائق و غالب آمده در این راه نیز پیروز و سربلند خواهد گردید و ثمرات نجات بخش و آثار نیکوی آن حتی قبل از پایان هفت سال که در برابر تاریخ چندین هزار سالهٔ ما در حکم قطره در مقابل دریاست بمنصه ظهور و بروز خواهد رسید.

قسمت دیگر توجه دقیق ما معطوف بجهاد با اهریمن فساد و تأمین و استقرار عدالت اجتماعی در کلیهٔ شئون کشور خواهد بود و در این مبارزه خستگی ناپذیر دقیقه ئی از پای نخواهیم نشست تا اینکه بحول و قوهٔ الهی ریشهٔ فساد را از بیخ و بن بر کنده و نهال صلاح و رفاه را بجای آن در جامعه غرس نمائیم.

قسمت دیگر از هدفهای دولت ما رعایت این اصل خواهد بود که کار مردم تا حدی که اساس مرکزیت را در کشور رخنه دار ننماید بخود آنها بیشتر سپرده شود تا موجبات عمران و آبادی استانها بهتر فراهم گردد.

در قسمت قوای تأمینیه خوشبختانه باید بگوئیم ارتش صلح خواه ما بنحو مرتب و مطمئن رو به پیشرفت و تکامل میرود و امنیت کشور بهتر استقرار می یابد و یقین داریم ملت عزیز ما برای قدرت و عظمت روز افزون این ارتش که حافظ استقلال و تمامیت کشور است از بذل هیچگونه کمک مضایقت نخواهد داشت.

راجع بسازمانهای خیریه هم بر شالوده استوار گامهای مؤثری برداشته شده که موجب خوشنودی خاطر ماست و البته سعی خواهد شد این تشکیلات روز بروز وسیع تر و مفیدتر و دارای وضعیت ممتازتری گردد.

در کلیه مراحل مذکور دولت ما قدمهای مثبت ومفید وجسورانه برخواهد داشت ودرراه پیشرفت این مرام که یقین داریم مورد تصدیق وتایید آقایان نمایندگان نیز میباشد بدیهی است مجلسین ازتوحید مساعی بادولت مضایقت نخواهند نمود.

درخاتمه لازم میدانیم اوقات دقیق تاریخ جهان و کشورعزیزمان را بآقایان گوشزد نمائیم وخاطرنشان کنیم که جز باتفاق ووحدت کلمه و سعی و عمل طریقه دیگری برای نیل بترقی وتعالی نخواهد بود.

ازخداوند متعال مسئلت داریم که کشورمارا پیوسته در کنف حمایت خود مصون وآقایان نمایندگان را درانجام وظایف قانونی قرین موفقیت فرماید.

مسافرت شاهنشاه بپاکستان

ساعت هفت و هفت دقیقه روز چهارشنبه ۱۰ اسفند ماه ۱۳۲۸ اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی، بنابدعوت دولت پاکستان با هواپیما از تهران بطرف کراچی پرواز نمود.

شاهنشاه دراین مسافرت تاریخی که به پرجمعیت ترین کشوراسلامی نمود سعی بسیار برای تحکیم روابط دوستانه دو کشور بعمل آورد ومخصوصاً شخصیت بارز شهریار ایران اثرعمیقی درقلوب کلیه افراد کشور پاکستانی نمود.

هواپیمای اعلیحضرت همایونی درحالیکه شخصاً آنراهدایت میکرد، سه ساعت وبیست دقیقه بعدازظهر بوقت کراچی درفرودگاه پایتخت پاکستان برزمین نشست.

دراین موقع بیست و یك تیرتوپ باحترام ورود اعلیحضرت همایونی شلیك گردید.

مردمیکه درفرودگاه کراچی درانتظار شاهنشاه ایران بودند نخست نمیدانستند که شهریار ایران خودهواپیمای خویش راازایران تاپاکستان هدایت کرده است.

دراینموقع خواجه ناظم الدین فرمانروای کل پاکستان و لیاقت علیخان نخست وزیروجمعی ازرجال عالیقدرآن کشورباستقبال شاهنشاه رفتند وخواجه ناظم الدین بااعلیحضرت همایونی خیرمقدم گفت ومطالبی باین شرح ایراد نمود:

اعلیحضرتا افتخار دارم که ورود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را در نخستین مسافرت بسرزمین پاکستان تبریك بگویم پاکستان مظهر علاقمندی مسلمین این قاره به آزادی است و علامت پیروزی مشترك ملل اسلامی نیز میباشد .

پاکستان از بدو پیدایش خود سعی داشته است که بهترین روابط دوستانه را میان کشورهای اسلامی ایجاد نماید تا در اثر تشریك مساعی نه تنها موفق گردند که رفاه ملت های خویش را تأمین نمایند بلکه در مجامع بین المللی نیز کلام نافذی داشته باشند ایران که قرنها با ملت آن نزدیکترین روابط اجتماعی فرهنگی و کیشی را داشته ایم زودتر از هر کشور دیگر این نظر ما را مساعد تلقی نمود .

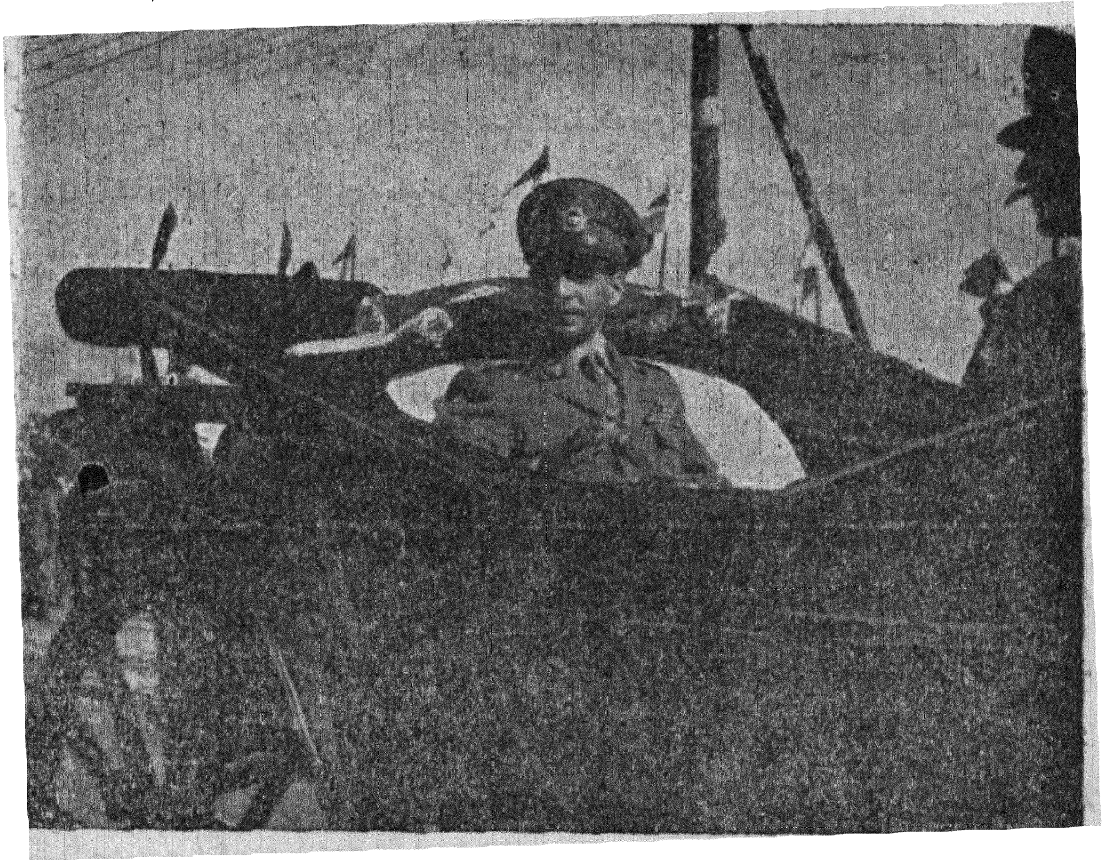
مردم پاکستان نسبت به برادران ایرانی خود علاقه و محبت بسیار دارند و برای احساسات دوستانه و حسن تفاهم مشترك که ملت ایران در هر موقع نسبت به آنها ابراز داشته اند ارزش زیادی قائل میباشند .

خبر مسافرت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بپاکستان قلب تمام پاکستانی ها را مسرور ساخته یقین داشته باشید در هر نقطه که موکب ملوکانه بآنجا مطابق برنامه تشریف فرما خواهند گردید بهترین احساسات همکاری نثار مقدم مبارك خواهد بود امیدوارم که اقامت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در پاکستان همه جا با خوشی و مسرت توأم بوده و این مسافرت ملوکانه موجب تقویت و تشیید روابط دوستانه که بین دو کشور موجود است بوده باشد .

در پاسخ خواجه ناظم الدین اعلیحضرت همایونی بیاناتی باین شرح ایراد فرمودند : جناب آقای حکمران کل ، از همان تاریخی که پاکستان آزاد و مستقل قدم در جرگه کشورهای جهان گذارد آرزوی قلبی من این بود که این کشور بزرگ را که علاوه بر هم کیشی و همجواری علائق بیشماری آنرا اختصاصاً بکشور باستانی من مربوط ساخته از نزدیك مشاهده و دست قائدین توانا و بانیان استقلال آنرا بفشارم .

خوشوقتم که امروز با ورود به پایتخت زیبای کشور شما آرزوی دیرینم بمرحله عمل میرسد .

من دعوت دولت پاکستان را از صمیم قلب قبول کرده و باینجا آمده‌ام تا به حضور خود درمیان شما ترجمان بهترین احساسات صمیمانه ملت ایران نسبت ببرادران پاکستانی خود بوده باشم .



پهلوی دوم محمدرضاشاه بوسیله کالسکهٔ مخصوص وارد پایتخت پاکستان میشوند

جناب آقای حکمران کل اجازه بدهید از تبریکاتی که بمناسبت ورود من به پاکستان فرمودید تشکرات خودرا بیان نمایم .

آنگاه اعلیحضرت همایونی باخواجه ناظم الدین دراتومبیلی قرار گرفته و بطرف مقر فرمانروای کل رهسپار شدند .

جمعیتی که درانتظار ورود شاهنشاه ایران بودند کمترازصد هزار نبود . استقبال پاکستانیها بحدی گرم وصمیمانه بود که تا آنوقت نظیر چنین احساساتی در کشور پاکستان نظیر نداشت .

درفاصله فرودگاه تاشهر که ۱۳میل بود درهمه‌جا اهالی مقدم شاهنشاه‌را با نهایت گرمی استقبال نمودند.

اعلیحضرت درمقر فرمانروای کل پاکستان اقامت گزیدند. روز بعد رژه قوای زمینی‌ودریائی‌وهوائی پاکستان باشکوه‌خاصی دربرابرشاهنشاه انجام گردید.

اعلیحضرت همایونی دسته گلی بر سرمزار محمدعلی جناح گذارد. دربین راه اهالی کراچی دسته‌های گل نثار مقدم شاهنشاه نمودند.

شاهنشاه ایران پس‌ازچندروز اقامت‌در کراچی باهواپیما بپاکستان شرقی



شاه موقع عزیمت بمنزل حاکم

پرواز کرده و در ایالت بنگال از شهرهای بزرگ آن استان دیدن نموده و ضمنا یکروز برای شکار ببر بجنگلهای انبوه بنگال رفت.

پس از آن از پاکستان شرقی باهواپیما بشهر تاریخی لاهور عزیمت کرده ودر آنجا نیز مورد استقبال بی نظیر اهالی قرار گرفت.

روز بعد اعلیحضرت همایونی بناها و آثار تاریخی این شهررا تماشا کرد ودر مجالس ضیافتی که بافتخار شاهنشاه برپاشده بود حضور یافت.

همچنین نیروهای متمرکز در شهر لاهور نیز رژه باشکوهی در حضور اعلیحضرت دادند.

شاهنشاه پس از آن بایالت شمال غربی و شهر پیشاور رفته ودر آنجا سران ایلات وعشایر مناطق مرزی را بحضور پذیرفتند.

آنگاه اعلیحضرت از شهرهای دیگر پاکستان در ایالت بلوچستان وایالت سند ومراکز صنعتی و کشاورزی آن نقاط دیدن نمود و پس از آن بکراچی مراجعت کرد

در کراچی باردیگر مجالس باشکوهی بافتخار شاهنشاه ترتیب داده شدودر آخرین روز اقامت در پاکستان درمجلس مؤسسان پاکستان حضور یافته ونطقی باین شرح ایراد کردند:

همانطور که پایه‌های حکومت پاکستان برروی آمال وآرزوی ملت پاکستان مستقر شده است ملت ایران نیز باتحمل مشقات وزحمات جنگ گذشته در راه تعالی و ترقی خود گام برمیدارد.

حواث جنگ بکشور ایران ضربات بسیار شدیدوارد آورد لیکن باتحمل مشقات وزحمات جنگ گذشته درراه تعالی وترقی خود گام برمیدارد حوادث جنك بکشور ایران ضربات بسیار شدیدی وارد آورد لیکن با تحمل مشقات این پنجساله پس از جنگ ماتوانستیم برموانع ومشکلات بسیارزیادغالب آمده ودررفع نواقص بکوشیم

ایران صمیمانه کوشیده است دراین جهان پرآشوب با همه اقوام وخصوصا همسایگان روابط صمیمانه‌ئی برقرار نماید وازاین شیوه پسندیده بسیار مفتخر است

اگراختلافاتی مابادیگران پیدا کرده‌ایم بهترین راه‌مذاکرات رامستقیم وباتوسل
به سازمان ملل متفق تشخیص داده ایم.

احترام بسازمان ملل‌متحد پایه سیاست ماماست و کمال‌امیدواری‌داریم که



شاهنشاه ایران ایروی دریائی پاکستان را بازدید میکند

این یگانه مرکزصلح جهانی میتواند به‌بقاء صلح جهان کمك کند حفظ صلح در
خاورمیانه یگانه‌وظیفهٔ رؤسای کشورهای‌آن‌است وسزاوار‌است‌منتهای کوشش‌را
دراین راه ابرازدارند.

آقایان اعضای‌مجلس مؤسسان بخوبی میدانند که‌مردم‌جهان‌دچار شدائد بسیار
شده‌اند واختلافات موجودمیان ملل نیزظاهراً بعلت‌انحطاط اوضاع‌اقتصادی‌وفقر

مادی است. مخصوصاً دول بزرگ باید دست مساعدت بسوی دول کوچك دراز کنند
واز طرف دیگر هم دولت‌ها سعی نمایند عدالت اجتماعی را مستقر سازند وبا استثمار
یك طبقهٔ خاص از طبقات دیگر مبارزه نمایند مساواتی را که دین مبین اسلام پیش بینی



پهلوی دوم موقع صرف غذا در ترن مخصوص

نموده واحکام دین اسلام را که روی اصل تساوی قرار گرفته وهیچ مزیتی را جز
فضیلت وتقوی برای کسی قائل نیست تعمیم دهند وبا این ترتیب مسلماً قدرت ملی
آنها زیاد خواهد شد وروزگاری پیش خواهد آمد که ملل مسلمان روزگار را
بخوشی سرآورده نقش تاریخی خود را ایفاء نمایند.

من بملت پاکستان تبریك میگویم ومساعی جمیله‌ای را که برای تنظیم امور اداری وبسط ارتش ورفاه عمومی نموده است صمیمانه تبریك می گویم وعقیده دارم که درنتیجه استقامت توفیق کامل درراه اجرای نقشه‌های اصلاحی حاصل خواهد نمود.

بامداد روز بعد اعلیحضرت همایونی درحالیکه خواجه ناظم الدین فرمانروای کل ولیاقت علیخان نخست وزیر وهیئت دولت ورجال سیاسی ونظامی وگروه انبوهی ازاهالی کراچی ازشاهنشاه بدرقه کرده بودند از فرودگاه کراچی بطرف طهران عزیمت کردند.

ملکه ثریا

وقایع غم‌انگیزی که درخلال سالهای ۱۳۲٤ ببعددرایران رویداد، ومنجر به تجزیه آذربایجان و کردستان ، وانقلاب درصفحات جنوب، وتحریکات مداوم درصفحات غرب وخوزستان شد، وحتی نسبت بجان شاهنشاه سوء قصد بعمل آمد، اگرچه همهٔ آنها براثر فداکاری و از خودگذشتگی اعلیحضرت همایونی و وطن پرستان ایرانی نقش برآب گردید ، اما اثرات خود را در وجود شاهنشاه باقی گذارد .

پادشاه جوانبخت ما ، در حالیکه بیش ازسی بهار ازعمر او نمیگذشت ، براثر تحمل اینهمه رنج ومرارت و ناکامی خیلی زود شکسته شد - موهای سپید یکی پس از دیگری برسر شاه نمودار گشت وچین‌های متعددی برپیشانی و گوشهٔ چشم اعلیحضرت پدیدار شد .

یك افسردگی واندوه نامرئی برقلب شاه سایه افکنده ، وغالباً اعلیحضرت را بافکار دورودرازی میبرد - این تغییرحالت شاه برای کسانیکه به رهبر ملت و مملکت علاقمند بودند سخت ناگوار مینمود ، ونمیتوانستند شاهنشاه را اینگونه مغموم وافسرده خاطر ببینند .

غالب اوقات اعضاء خاندان سلطنتی متوجه این ملالت خاطر شده ، و از کسالت و خستگی شاه ناراحت ونگران میشدند ، بطوریکه بارها علیاحضرت ملکه پهلوی و والاحضرت شاهدخت شمس و اشرف پهلوی خواهران نیکوکار اعلیحضرت دربارهٔ ایجاد سرگرمی برای شاهنشاه بایکدیگر مشورت میکردند و ازاعلیحضرت میخواستند همسری برای خود انتخاب کنند تا شریك غم ها ومرارتهای شاه شده و کسالت خاطراعلیحضرت را بامهربانیهای خویش دورسازد .

درخارج نیزمردم باحالتی آمیخته باانتظارپیوسته ازیکدیگر میپرسیدند

«شاه کی ازدواج خواهد کرد؟» و «ولیعهد ایران چه کسی خواهد بود؟»

این سئوالها روز بروز بیشتر میشد، ودر محافل و مجامع همه در اطراف این موضوع بحث میکردند وقتی خواهران مهربان شاه ملاحظه کردند که این امر در اجتماعات و مطبوعات و میان تودهٔ مردم نیز مورد بحث قرار دارد بیش از پیش علاقمندی خودرا نسبت باینموضوع نشانداده و برای یافتن همسری که شایستهٔ برادر تاجدارشان باشد مشغول تکاپو شدند.

دامنه این قضیه ازمحافل و مجامع داخلی بخارج کشور سرایت کردو روز-نامه‌ها و مجلات خارجی نیزدربارهٔ ازدواج شاهنشاه ایران داستانها و سرگذشت های عجیب و غریب نقل کردند - بطوریکه هریك ازآنها دختریکی ازپادشاهان و رؤسای جمهوری ورجال عالیقدر کشورهای مختلف‌را برای شهریار ایران نامزد مینمودند.

هنگامیکه اعلیحضرت همایونی بسفر تاریخی خود بامریکا رفت، در آنجا نمایندگان مطبوعات ضمن مصاحبه‌هائی که باشاهنشاه میکردند درباره ازدواج اعلیحضرت نیز ازمعظم له سئوالاتی مینمودند وذات همایونی نیز پاسخ مقتضی بآنها میدادند - پس‌ازچندی این نکته فاش شد که برخلاف کلیهٔ شایعات دربارهٔ ازدواج شاهنشاه بادختریکی ازپادشاهان یازمامداران کشورهای خارجی معظم‌له تصمیم دارندبا یکدختر پاکنهادکه خون پاك ایرانی درعروق اوجریان داشته باشد پیوندزناشوئی به‌بندند.

موضوع ازدواج شاهنشاه پس ازمدتی جزو مسائل روز شدو روزنامه‌ها و مجلات داخلی باکنجکاوی بسیار در اطراف اینموضوع به‌بحث پرداخته وهریك بتصورخود حدسیاتی دربارهٔ نامزد شاهنشاه‌زده وباآب‌وتاب بسیار پیشگوئیهای عجیب‌وغریبی دراین باب میکردند.

کم کم کاربجائی کشید که‌دختران بسیاری ازطبقات مختلف، ازخانواده‌های درجه‌اول وهمچنین طبقات‌متوسط داوطلبی‌خودرا برای ازدواج باشاهنشاه در

مجلات اعلام نموده ومراتب آرزومندی خودرا برای خدمتگذاری درآستان چنین شهریارمحبوبی ابراز داشتند

درخلال این احوال یکروز والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی که بیش‌از دیگران برای انتخاب همسربرازنده‌ای جهت برادر تاجدارخویش تلاش میکرد، دریك مهمانی خانوادگی، عکس دوشیزهٔ زیبائی‌را درآلبوم بانوفروغ ظفر، خواهر ایلخان بختیاری سناتور مشاهده کردند.

این عکس باآنکه سالها پیش برداشته شده بود معهذا چنان توجه شاهدخت شمس‌را جلب کرد که مدتی دربارهٔ آن با بانوفروغ ظفر بگفتگو پرداخت وسرانجام والاحضرت پی برد که این دوشیزه زیبا «ثریا» نام دارد، و اکنون برای تکمیل تحصیلات خود دراروپا مشغول دانش‌اندزی میباشد.

مدتی ازین ماجرا گذشت تاآنکه یکروز اعلیحضرت همایونی تصمیم خودرا دربارهٔ انتخاب همسری باعضاء خاندان سلطنتی ابرازداشتند. درآن لحظه خاطرات گذشته درذهن والاحضرت شمس بیدارشد وهماندم تصویر زیبای دختری که چندی پیش عکس اورا دیده بودند دربرابر دیدگان اومجسم گردید- والاحضرت ماجرا را بابرادرتاجدارخود درمیان نهاد وآنگاه یك قطعه عکس آن دختر زیبارا نیزاز نظرشاه گذراندند. - بعد والاحضرت بخانم فروغ ظفر دستور دادند که یك قطعه عکس تازهٔ ثریارا نیزفوراً ازاروپا باهواپیما بخواهند. یك هفته بعد آخرین عکس اونیز بتهران رسید وپس‌ازآنکه آنرا برای ملاحظه شاه تقدیم کردند اعلیحضرت صاحب عکس‌را پسندید.

پس‌ازآن تحقیقات دربارهٔ خصوصیات صاحب عکس وخانوادهٔ اوآغاز شد ودر این مورد نیزتحقیقات ازهرجهت رضایتبخش بود - در اینموقع والاحضرت شمس تصمیم گرفت که از نزدیك دوشیزه ثریا را به‌بیند واطلاعات خودرا دربارهٔ وی تکمیل کند - ازین‌رو چندروزبعد هواپیمائی که حامل خواهر پادشاه ایران بود آسمان زیبای کشور را ترك گفت وبسوی دیارغرب بپرواز درآمد.

دراین هنگام دوشیزه ثریا دوراز پدرومادرخود که درزوریخ بسرمیبردند، درلندن مشغول تحصیل بوده اودریك محیط آرام بکسب علم‌ودانش اشتغال‌داشت وبهیچوجه نمیدانست گردش گردون وقلم تقدیرچه سرنوشتی برای‌اوتعیین کرده وستارهٔ اقبالش چگونه لحظه بلحظه بزرگترودرخشان‌ترمیشود.

درخلال این‌احوال جریان قضایا ازتهران بطوراختصارباطلاع پدرومادر دوشیزه ثریاکه در زوریخ اقامت داشتند رسانده شد ، و آنان نیزطی نسامه‌ای دخترشان راازاین امرآگاه ساختند وضمناً باو گفتند که منتظروالاحضرت شمس خواهرشاهنشاه ایران باشد.

درآن لحظات حساس وهیجان انگیز، قلب پاك و بی‌آلایش‌آن دوشیزه نیك‌نهاد دچارچه‌شوروشعف ومواجه‌باهیجانی گردید، اینموضوعیست که نمیتوان آنطورکه شایسته است درپیرامون آن قلمفرسائی کرد. اماهمینقدر میتوانگفت که اوبخوبی چهرهٔ زیبای سعادت ونیکبختی را میدید که بسوی وی نزدیکشده وسراسر وجودش را درهاله‌ای ازنورقرارداده ووی را باخود بآسمانها میبرد .

چند روزبعد والاحضرت شاهدخت شمس درکناردوشیزه ثریا درلندن‌بسر میبرد درحالیکه‌بانگاهی‌آمیخته به تحسین وی را مینگریست، واورا ازهرجهت شایستهٔ تصاحب مقام ملکه ایران میدید.

یك هفته بعد والاحضرت شمس ودوشیزه ثریا ازروی دریای مانش گذشته ووارد شهرزیبای پاریس شدند ـ در پاریس آقای خلیل اسفندیاری بختیاری پدر دوشیزه ثریا بآنها ملحق گشت وضمناً آگاه شدکه دخترزیبای او مورد پسند خاطرخواهرشاهنشاه قرارگرفته است .

چیزی طول نکشید که والاحضرت‌شمس‌وعروس‌آینده ایران باتفاق‌پدرش باهواپیما ، جبال پربرف آلپ ، و دریای نیلگون مدیترانه را زیرپا گذاشته و بسوی سرزمین باستانی‌ایران رهسپار گردیدند.

باآنکه درتمام این احوال نهایت دقت دربارهٔ اختفاء این امر بعمل‌آمده بود ، باوجوداین چشمان کنجکاوی که‌هرروز وهرقدم خواهر پادشاه‌ایران‌را در

نقاط مختلف اروپا تعقیب میکردند از این ماجرای دلچسب وجذاب آگاه شدند
این چشمها متعلق بخبرنگاران مطبوعات اروپائی بودند که بانهایت صبر وحوصله
وهوشیاری آنقدر این جریان را مثل سایه دنبال کردندتاسرانجام ازاین راز مهم
آگاه شده وجسته وگریخته مطالبی درباره ملکهٔ آیندهٔ ایران در صفحات روزنامه
ها ومجلات منعکس کردند.

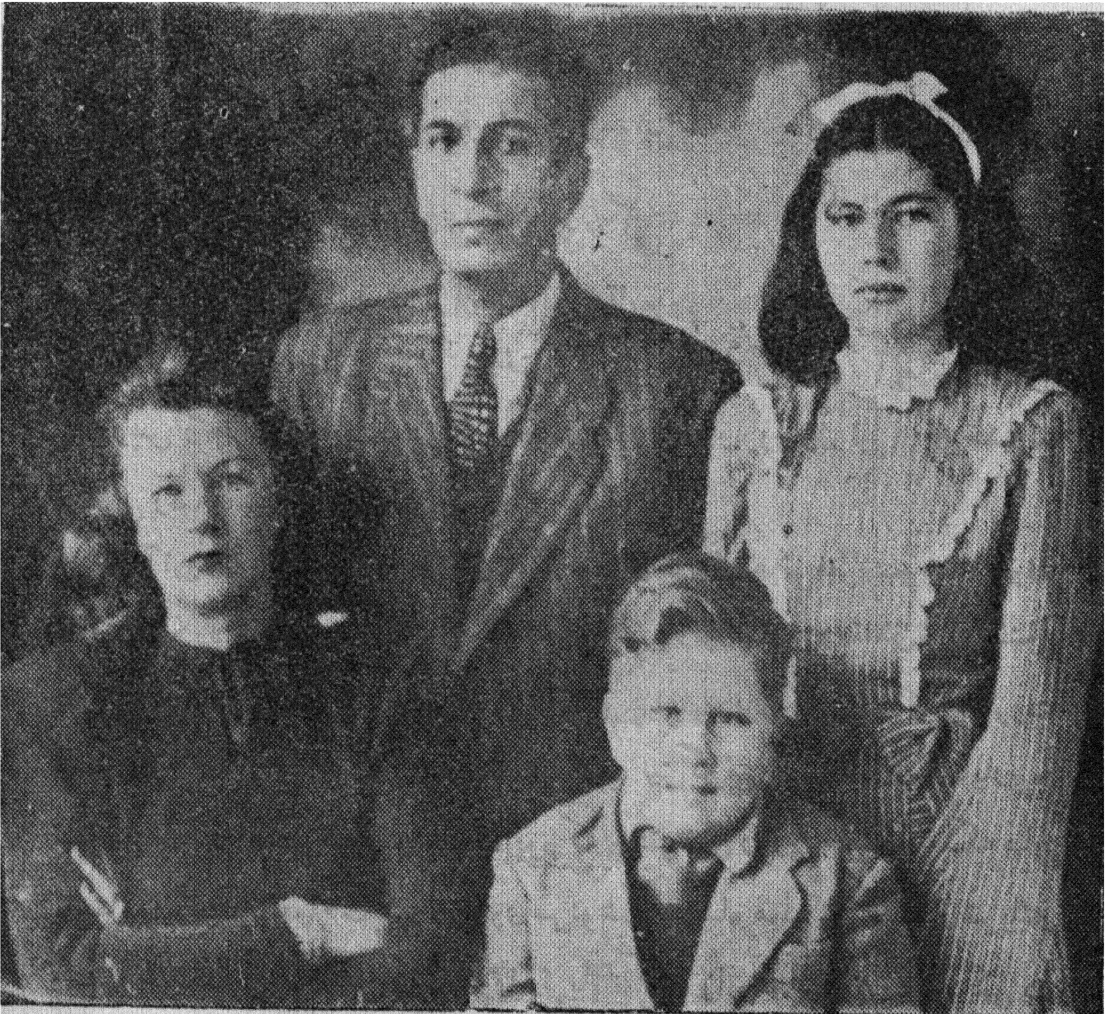


دوشیزه ثریا در انگلستان بی خبر از آینده خود مشغول تحصیل بود

عروس ایران

دوروز بعد دوشیزه ثریاباسیمائی محبوب که گاه‌گاه از شدت آزرم سرخ میشد ،دربرابر شاهنشاهی بزرگ که وارث تاج‌وتخت سلاطین اعصار کهن بود قرار داشت‌وبا یکدیگر سخن میگفتند ـ همانروز اعضاء خاندان سلطنتی و بعد درباریان وسپس ملت ایران آگاه شدکه دوشیزه ثریا اسفندیاری عروس آینده ایران وهمسرآینده شهریار محبوب اوخواهندبود.

مراسم نامزدی اعلیحضرت‌همایونی بادوشیزه ثریا . در محیطی بسیارساده



پدر و مادر و برادر ثریا در یک عکس خانوادگی

ولی آمیخته بامحبت وصفا در میان افراد خاندان جلیل سلطنتی انجام یافت، روز بعد مردم ایران که بااشتیاقی زائدالوصف درانتظاردیدارملکه آیندهٔ خود بودند تصویر زیبای اورا که مظهرپاکی و صفا ومتانت و زیبائی بشمار میرفت در کنار نامزد تاجدارخود درصفحات جراید ومجلات تماشا کردند بدین ترتیب در روزهای **پائیز که گرد زرین خزان کوه ودشت را در زیر صفحه‌ای ازطلا پوشانده بود شاهنشاه باانتخاب ملکه‌ای زیبا ، بهاررا برای مردم ایران ارمغان آورد.**

هنگامیکه مراسم نامزدی اعلیحضرت همایونی با دوشیزه ثریا انجام میگرفت ، مادر و برادر کوچك ملکهٔ آیندهٔ ایران در تهران حضور نداشته و هنوز از خوشبختی بزرگی که نصیب ثریا شده بود آگاه نبودند.

اما چند روز بعد آنهانیز این خبر مسرت بخش را شنیدند و همراندم بانو « اوا » مادر و « بیژن » برادر عروس ایران ازسویس بسوی ایران رهسپار گردیدند .

دوران کودکی

بیست وپنج سال پیش ازآنکه این وقایع رویدهد ، دریکی ازشهر های آلمان یکجوان محصل ایرانی بادختریکی ازبازرگانان مشهور آلمانی ازدواج کردوپس از چندسال میوهٔ این عشق ومحبت ظاهر شد ، و روزاول تیر ۱۳۱۱ خداوند دختری زیبا بآنان عنایت فرمود .

آنروز این زن وشوهرمهربان ، که هردوازخانواده‌هائی معروف وبنام بودند تصور نمیکردند که روزی دخترآنان ملکه یکی ازبزرگترین ومتمدن‌ترین کشور های تاریخی جهان شود . اماقلم تقدیر گوئی برپیشانی اوبزرگی وجلال وجبروت وسعادت وافتخار را رقم زده . وفرشتهٔ عالم‌غیب نیز گوئی به « خلیل اسفندیاری » و بانو « اوا » پدر ومادر طفل الهام کرده بود که دخترشان روزی جایگاه ملکه های باستانی ایران را تصاحب کرده ، ودر سرنوشت پادشاه مملکتی کهنسال شریك وسهیم خواهد بود - ازاین رونام اورا « ثریا » نهادند واز همانروزهای کودکی در پرورش وتعلیم وتربیتش همت گماشتند .

دوشیزه ثریا دردامان پرمهر ومحبت پدرومادر ، و سپس در دبستان بهشت
آئین اصفهان تحت تعلیم قرار گرفت - دوران کودکی ثریا آمیخته باتحصیل در



ثریا در طفولیت

خانه ودبستان وبازی باهمبازیهای خردسال خود بود - باآنکه وی طفلی خرد سال
بیش نبود معهذا متانت وسنگینی ووقار او همه را دچار بهت و حیرت ساخت .
زیرا ازدختر کوچکی که نخستین سالهای عمرخودرا میگذراند هیچ انتظار نمی
رفت که تااین درجه رئوف ومهربان ومتین وسنگین وبلند نظر باشد . گوئی از

همان اوان پنجهٔ تقدیرویرا برای روزهای پرافتخار آینده ، آنطور ترتیب میکرد تامورد اعجاب وتحسین و تمجیدآیندگان شود .

اما دوران اقامت پدرومادرثریا درایران چندان بطول نیانجامید وپس ازچند



ثریا درسن پنج سالگی موقعیکه درکودکستان مشغول تحصیل بود

سال باردیگررخت سفر بربستند و بسوی دیار باخترهسپارشدند درسویس ثریای کوچك دریك مدرسه شبانه‌روزی بتحصیل مشغول شدودرآنجاجز کتاب وپاکی و صفا باچیزی سروکار نداشت درمواقع فراغت وروزهای تعطیل بدامنه های جبال آلپ

میشتافت و در آنجا ببازی اسکی که مورد علاقه فراوان او بود میپرداخت.

پس از آنکه تحصیلات خود را در سویس بپایان رساند وعلاوه بر زبان فارسی بزبانهای فرانسه و آلمانی نیز کاملا آشنا شد، برای ادامه تحصیلات کشور زیبای سویس را پشت سر گذاشت و از آنجا بلندن رفت.



آخرین عکس ثریا در سویس با مادر و برادر خود

درلندن نیز او فارغ از همهٔ همهمه‌ها وجوش وخروشها بدانش اندوزی اشتغال داشت ومشغول آموختن زبان انگلیسی بود که ناگهان از کرانه های دوردست

خاور زمین، پیک خجسته خصالی نمودارشد وخواهر شاهنشاه ایران ازدامنه‌های جبال البرز بکرانه‌های اقیانوس اطلس شتافت، واورا که سرگرم تحصیل بودبسوی



ثریا در انگلستان با همکلاسان خود نفر دوم از راست

سرنوشت سعادت وپرافتخاری که درانتظارش بود هدایت کرد .

دودمان ملکه

درمیان اقوام دلیرورشید ومیهن پرست ایرانی که قرنهای متمادی در راه

استقلال وعظمت ایران فداکاریها کرده و گروهی از بهترین جوانان خود را طی سالیان درازبقربانی دادند ایل بختیاری ارزش واهمیت خاصی دارد .

سوابق تاریخی ایل بختیاری بحدی درخشان و شایان توجه است که تا ابد افراد این قوم دلیر میتوانند برخویشتن ببالند .

درآنروزهائیکه شاه اسمعیل صفوی پادشاه دلیر ونامدار صفویه بادشمنان ایران سرگرم پیکاربود ، جنگجویان بختیاری درکلیهٔ نبردها و زدوخورد های خونین آن پادشاه سلحشور شرکت داشته ،ومخصوصاً درجنگها ئیکه بین قوای ایران باارتش عثمانی صورت گرفت رشادتهای بی نظیری ازخود نشاندادند.

هنگامیکه شاه عباس کبیر بر اورنگ شاهنشاهی نشست ، بار دیگر جنگاوران بختیاری درپیکار باعثمانیها و ازبکها شرکت جسته و سخت ترین و مهلك ترین ضربات را برپیکر قشون عثمانی وهمچنین قوای نیمه وحشی ازبکها وارد ساختند.

پس ازآنکه نوبت سلطنت به نادرشاه افشار رسیدواین فاتح بزرگ مشرق زمین که مورخین غرب باو «ناپلئون شرق» لقب داده اند باردیگر ایران را بعظمت دیرین رساند ، جوانان شمشیرزن ایرانی ازیکسو تاسواحل رود «گنگ» و از سوی دیگر تادریای سیاه باحریفان قوی پنجهٔ خود مصاف میدادند وآنانرااز پای درمیآوردند ، درهمه احوال سپاهیان بختیاری از مؤثرترین و مهمترین ارکان موفقیت اودر پیکارها بشمارمیرفتند، بطوریکه جانبازی جوانان بختیاری درنبرد «قندهار» وسایردژهای تاریخی افغانستان که تحت فرماندهی «صید مراد» بختیاری صورت گرفت و منجر بفتح قندهار گردید هیچگاه در تاریخ ایران فراموش نمیشود .

درنبرد تاریخی «کرنال» در هندوستان نیز جوانان سلحشوربختیاری با بزرگترین قوای جنگجوی آنعهد چنان دست وپنجه نرم کردند که سرانجام دروازهٔ هند رابروی سپاه ایران گشودند وآنانرا تادهلی و کرانه های رود گنگ هدایت نمودند .

سالها بعدموقعیکه کریمخان زندبسلطنت رسید «**علیمراد خان بختیاری**» یکی از دلیران ورادمردان ایرانی نبردهای خونینی درخاور و باختر ایران کرد، و بسیاری ازدشمنان ایران را درخاك وخون غوطه‌ورساخت .

باز پس ازچندی هنگامیکه نبرد برای تصرف شهرهرات آغاز شد ، ونزدیك بوداین شهرتاریخی بدست سربازان ایرانی فتح شود . وانگلیسها برای عقیم گذاردن نقشهٔ ایرانیها قوای خودرا در بندر بوشهر ومحمره پیاده کردند ازطرف ناصرالدین شاه «حسینقلی خان ایلخانی بختیاری» مأمور شد که بانیرو های انگلیسی بجنگ و ستیز بپردازد ودرنتیجه درپیکار خونینی که درمحمره رویدادضربتهای مدحشی بقوای دشمن وارد ساخت وخود درحالیکه مشغول بزدوخورد بود ، بر اثر انفجار یك خمپاره بشدت زخمی گردید .

در اغتشاشات بزرگی که مدتی بعد در کردستان رویداد، و «شیخ عبیدالله کرد» علیه حکومت مرکزی قیام کرد ازطرف ناصرالدین شاه بار دیگر یکی از فرزندان رشید بختیاری بنام «اسفندیارخان سردار اسعد» مأمور شد که باجمعی ازجنگجویان رشید خودغائله را دفع کند.

اسفندیارخان نیز بطرف کردستان عزیمت کرد ودرآنجا باشجاعت و کیاست وتدبیر خاصی طاغیان را سرکوب نمود وآتش هرج و مرج و شورش را خاموش ساخت .

در دوران انقلاب مشروطیت ایران که جمعی از رشیدترین ومیهن پرست‌ترین فرزندان این مرزو بوم در راه آزادی ایران قیام کردند ، مردانی مانند «حاج علیقلیخان سرداراسعد» و «امیرمجاهد» وسایرخوانین بختیاری نیزخدمات درخشانی درراه مشروطیت ایران انجام دادند که شرح فداکاریها وجانبازیهای آنان در راه استقلال و آزادی این مرزو بوم در تاریخ قرن اخیر بطور مشروح مسطور است .

براثرفداکاری وجانفشانی همین افرادبود که شهرتهران پس ازنبردی خونین بدست مجاهدین بختیاری فتح شد وقوای استبداد درآذربایجان وفیروز کوه و

ساوه و رامین شکست خورد و بنای مشروطیت و آزادی ایران استوار گردید.

با بیان مطالب فوق مراتب میهن پرستی و شاه دوستی و از خود گذشتگی ایل شجاع بختیاری که همواره درراه استقلال ایران جانفشانی کرده اند معلوم میشود.
آقای خلیل اسفندیاری پدر دوشیزه ثریا نیز از اعضاء همین دودمان و فرزند اسفندیارخان سردار اسعد همانکسیکه بساط یاغیگریهای شیخ عبیدالله کرد را نابود ساخت، و نوهٔ حسینقلی خان ایلخانی بختیاری همانمردیکه چشم زخم شدیدی بقوای انگلیس در محمره وارد نمود و خود براثر انفجار یك خمپاره بشدت زخمی گردید میباشد.

بیماری ملکه

دوشیزه ثریا اسفندیاری نامزد اعلیحضرت همایونی در میان افراد خاندان سلطنتی از همان روزهای نخست مورد توجه کلیهٔ اعضاء خانوادهٔ شاهی قرار گرفت. زیرا وی دارای صفات و سجایائی بود که بی اختیار عموم را مجذوب اخلاق و صفات عالی خود مینمود.

عروس آیندهٔ ایران محبت و علاقهٔ فوق العاده ای نسبت بشاهزاده خانم شهناز داشت - این مهر و علاقهٔ زائدالوصف ازدوران کودکی، از همان روزهائی که در مدرسهٔ بهشت آئین و سپس درمدرسهٔ شبانه روزی زوریخ بسر میبرد آغاز شد و همیشه قطعه عکس زیبائی از شهناز کوچك که یك خندهٔ فناناپذیر ودائمی چهرهٔ محبوب و کودکانهٔ اورا نشاط و طراوت می بخشید درمیان کتابها و دفترهای دختریکه بعدها ملکهٔ ایران میشد مشاهده میگردید.

وقتی خبر نامزدی اعلیحضرت همایونی بادوشیزه ثریا اسفندیاری منتشر گردید، این مهر و محبت بمنتها درجه شدت رسید و عروس آینده ایران خودرا برای درآغوش گرفتن دختر خردسالی که ازدوران کودکی مهر اورا دردل میپروراند آماده کرد.

روز ۵ آبان، دوشیزه ثریا اسفندیاری برای زیارت آرامگاه پدر همسر

تاجدار خود، و کسیکه ایجاد کنندهٔ ایران نوین و سردودمان خاندان پهلوی بود بآرامگاه رضاشاه کبیر رفت.

در یك محیط آرام و پرهیجان که گوئی روح شاهنشاه فقید شاهد و ناظر ضربانات قلب و التهابات درونی نوعروس زیبای خود بود، دوشیزه ثریا تاج گلی نثار تربت پاك آن شاهنشاه ورادمرد بزرگ کرد.

دوروز بعد یعنی روز ۷ آبان آثار بیماری درملکه آیندهٔ ایران نمودار گردید. پس از آنکه دوشیزه ثریا مورد معاینه دقیق قرار گرفت معلوم شد که بیماری «پاراتیفوئید» وجود عروس آینده ایران را سخت رنجه ساخته واورا بشدت از پای درآورده است.

اما معالجات دقیق ومراقبت هائی که از طرف پزشکان دربار بعمل آمد این بیماری خیلی زود مرتفع شد ومقدمات مراسم عقد ازطرف دربار شاهنشاهی فراهم گردید. اما پیش از آنکه این امر صورت گیرد بار دیگر دوشیزه ثریا بر اثر ضعف مزاج ونقاهتی که براثر بیماری قبلی باو دست داده بود مبتلا بسرما خوردگی گردید.

مقارن این احوال نخستین سفیر امپراطور «هیلاسلاسی» پادشاه حبشه بدربار ایران باریافت، و روز ۲۵ دیماه شیری را که امپراطور حبشه بشاهنشاه ایران هدیه کرده بود بآستان اعلیحضرت تقدیم نمود.

دراین اثنا بیماری ثریا مرتفع گردید وچند بار باتفاق شاهنشاه باهواپیما درآسمان ایران بپرواز درآمد.

اعلیحضرت همایونی بهوانوردی علاقه ای بسیاردارد ـ روزنامه‌ها ومجلات خارجی هنگامیکه شاهنشاه ایران بسفر تاریخی خود باروپا وامریکا رفت مقالات مبسوطی دربارهٔ علاقه ومهارت اعلیحضرت همایونی بهوا نوردی انتشار دادند. مجلهٔ «پاری ماچ» چاپ پاریس مقارن همین ایام طی مقاله‌ای که دراین باره نوشت چنین متذکر شد:

« شاهنشاه ایران دلباخته هوا نوردی است. بزرگترین تفریح و تفرج»

«پادشاه جوان وشجاع وورزش دوست ایران آنستکه با هواپیمای خود ، باسرعت «بسیار از سینه ابرها واز فراز کوههای بلند وشامخ و پرجبروت ایران پرواز کند و «تا میتواند بیشتر در آسمان نیلگون و فرح انگیز ایران اوج بگیرد»

«ولی هروقت پادشاه ایران باهواپیما به پرواز درمیآید ملکه پهلوی مادر «شاه بیش ازهمه نگران ومضطرب میشود تا موقعیکه شاه ازسفر باز نگردد و از «هواپیما فرود نیاید قلبش آرام نمیگیرد . این نگرانی ملکهٔ پهلوی بیجهت نیست «زیرا دوسال قبل هنگامیکه شاهنشاه برای زدن نخستین کلنگ ساختمان «یك تونل در اصفهان بپرواز درآمد ، هواپیمای او که یك طیارهٔ مشقی کوچك نظامی «بود وچندان اوج نگرفته بود برزمین افتاد . دراین هواپیما علاوه برشاه، یك «افسر ارشد ارتش ایران نیز سوار بود .»

«وقتی هواپیمای شاه بزمین افتاد بدون آنکه هیچگونه آسیبی بسرنشینان «آن وارد آید ، اعلیحضرت باچالاکی خاصی ازهواپیما بیرون جست و نزدآن «افسر ارشد رفت- اگرچه اوهم آسیبی ندیده بود اما براثرترس رنك ازچهره اش «پریده وسخت متوحش شده بود . اما پس ازآنکه شاه را سلامت دید ازاضطراب «خاطرش کاسته شد.»

« شاهنشاه ایران در سفری که بانگلستان کرد . در آنجا نیز سوار یك «هواپیمای جدید ازنوع «جت» گردید وخودش هواپیما را بپرواز درآورد وبانهایت «مهارت وزبردستی آنرا هدایت کرد .»

«پس ازآنکه خواست فرود آید بخلبان هواپیما گفت : پس از سوار شدن «دراین هواپیما، سایرهواپیماها بنظر انسان مانند اتومبیل میآید .»

«شاهنشاه ایران هنوز مانند گذشته بهوانوردی ذوق وعلاقهٔ وافردارد چنانکه «پس ازمراسم نامزدی با ملکه ثریا، چندبار با همسرخود در آسمان تهران بپرواز «درآمد وازفراز ابرها تهران وسایر مناظر زیبای کشورخویش را به ملکهٔ ایران «نشانداد .»

ملکه هزار و یکشب

پس از آنکه بیماری دوشیزه ثریا اسفندیاری مرتفع شد از طرف وزارت دربار شاهنشاهی مقدمات عقد و عروسی اعلیحضرت همایونی با نامزدش فراهم گردید.

بعد از ظهر روز شنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۲۹ بود که مراسم عقد کنان در یکی از اطاقهای کاخ مرمر که مظهر نموداری از هنرهای ظریفه و یادگاری از ذوق و سلیقه ایرانیان عهد کهن است انجام یافت.

در این مراسم کلیه آداب و رسوم باستانی ایران رعایت شد و در محیطی بسیار ساده و در عین حال باشکوه و پر عظمت مراسم عقد صورت گرفت.

قبل از موعد مقرر در سراسر خط سیر ملکه ایران از اقامتگاه موقت تا کاخ مرمر، مأمورین شهربانی در دو طرف خیابانها صف کشیده و دهها هزار نفر از اهالی تهران و شهرستانها که برای تماشای این جشن فرخنده اجتماع کرده بودند، با نظم و ترتیب خاصی در پیاده‌روها ابراز احساسات میکردند.

ساعت چهار بعد از ظهر هیئت دولت، رؤسای مجلس سنا و شورای ملی، و دادستان کل کشور، وسفرای کبار و وزرای مختار، و وزیر دربار شاهنشاهی، و خانواده عروس بالباس تمام رسمی باتفاق بانوان خود در کاخ مرمر حضور یافتند.

یکربع بعد وزیر دربار و رئیس تشریفات سلطنتی و رئیس کل شهربانی، و شهردار و استاندار تهران، با بانوان خود باقامتگاه موقتی ملکه ایران رفتند.

دو دقیقه بعد والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی که همسری چنین برازنده برای برادر تاجدار خود انتخاب کرده بود، با اتومبیل مخصوص سلطنتی درحالی که یك اسواران نیزه دار درجلو، ویك اسواران نیزه دار در عقب آن قرار داشتند بمحل مزبور رفت، و پس از چند دقیقه باتفاق نوعروس ایران در اتومبیل سلطنتی جایگرفته و بطرف کاخ مرمر حرکت نمودند

در دو طرف خیابانها غریو خوشحالی مردم وصدای کف زدنهای پی در پی و



ملکه پهلوی ملکه ایران ثریا را درآغوش گرفته می بوسد

فریاد«زنده باد شاهنشاه»و«زنده باد ملکه ایران»درآسمان تهران موج میزد و قلبها را لبریز ازسرورو شادی میکرد.

هنگامیکه ملکه ایران بکاخ مرمر وارد شد، هیئت دولت درمدخل کاخ از او استقبال کردند و عروس دربار باطاقی که وسائل اجرای عقددر آن مهیا شده بود، راهنمائی گردید.

دراین اطاق اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، وملکه پهلوی انتظار ورود عروس راداشتند وپس ازآنکه ملکهٔ ایران وارد اطاق مخصوص گردید ملکهٔ پهلوی عروس خود را درآغوش گرفت و او را بوسید. آنگاه مراسم اجرای عقد در حضور افراد خاندان سلطنتی وخویشان نزدیك ملکه و شهود بعمل آمد، وگواهان عقد یعنی نخست وزیرورئیس مجلس سنا از طرف شاهنشاه و رئیس مجلس شورای ملی ووزیردربار از طرف ملکه، با قلمهای طلائی دفتر مخصوص ازدواج راامضاء کردند وآنگاه قلمهای زرین برسم یادگار بایشان اعطا گردید.

درحین اجرای مراسم عقد ازطرف ملکهٔ پهلوی نقلهای مروارید وسکه‌های طلا برسرو روی عروس وداماد نثار گردید.

پس از اجرای عقد شاهنشاه باتفاق ملکه وارد تالار آینه شدند ودر آنجا مدعوین را که درانتظار دیدارعروس وداماد بودند وبا کف زدنهای شدید مقدم شاه وملکه را استقبال کردند مورد عنایت و تفقدخویش قراردادند، دراینموقع دوشیزهٔ خردسالی ازطرف شهرتهران دسته گلی به علیاحضرت ملکه ایران تقدیم کرد.

آنگاه جعبه‌های شیرینی مخصوص، که تاج زرینی برروی آنها نصب شده بود، بعنوان یادگار بهریك ازمدعوین داده شد.

بدین ترتیب مراسم عقد کنان باشکوهی فراوان پایان یافت وجشن عروسی درکاخ تاریخی گلستان آغاز گشت.

باآنکه هوای تهران درآنروز بسیار سرد بود، وبرف شدیدی سراسر تهران را درزیر پرده سفیدی مستور کرده بود، باوجود این دهها هزارتن ازمردم شاهدوست ایران درطول خط سیر شاه وملکه اجتماع نموده بودند.

درسراسرخیابانهای خط سیر اعلیحضرت همایونی وملکه ایران افراد نظامی و پلیس صف کشیده، واتومبیلهای مدعوین ازوسط خط زنجیر مأمورین انتظامی گذشته و بطرف کاخ گلستان رهسپار بودند.



اعلیحضرت شاه با ملکه ثریا پس ازجریان عقد

کاخ گلستان نیز که شاهدوقایع وحوادث‌مهم تاریخی بود، آنشب شکوه و عظمت خاصی یافت وسراسرآن غرق‌در نور وروشنائی بود.

تالار آینه، وتالارموزه، وتالارعاج، وتالاربرلیان که ببهترین وجهی تزئین یافته‌بود افسانه‌های هزار ویکشب را بخاطر میآورد.

پس‌ازآنکه کلیه مدعوین‌در کاخ گلستان حضوریافتند: مقارن ساعت هشت بعدازظهر خاندان‌سلطنتی وارد کاخ سلطنتی‌شدند وبکربع بعدشاهنشاه باملکه درحالیکه اسکورت مخصوص‌سلطنتی در التزام‌رکاب بود ازکاخ‌مرمربطرف کاخ گلستان حرکت کردند.

ابراز احساسات وشوروشعفی که ازطرف اهالی شاهدوست ومیهن پرست ابرازشد، بی‌نظیر و بی‌سابقه بود- حتی‌یك‌لحظه فریادهای‌زنده‌بادشاه، وزنده‌باد ملکه‌قطع نمیگردید.

بدین‌ترتیب‌شاهنشاه وملکه‌ایران درحالیکه‌برقلوب افرادمملکت حکومت میکردند، واردکاخ گلستان شدند ویکسر بطرف تالار آئینه رهسپار گشتند.

همانده مراسم آتشبازی باشکوهی انجام شدوباغ گلستان درمیان دریائی ازنور غرق گردید.

پس ازآن‌شاه‌وملکه ازتالار آئینه، به‌تالارموزه که‌درآنجا مدعوین اجتماع کرده‌بودند وهرآن درانتظار بسرمیبردند نزول اجلال فرمودند.

هنگامیکه‌شاه‌وملکه واردتالارموزه شدند،همانده فریادها وغریوها و کف زدنهای مدعوین بآسمان بلند گردید. دراین لحظه تالارموزه عظمت‌خاصی‌داشت. زیرا در اینجا یادگارهای بسیار گرانبهائی از سلاطین بزرگ ایران مانند شاه اسمعیل‌صفوی،وشاه‌عباس کبیر، وشاه صفی، و نادرشاه افشار، وکریمخان‌زند، و آغامحمدخان قاجار، وفتحعلیشاه، ومحمدشاه، وناصرالدین‌شاه، ومظفرالدین‌شاه وهمچنین آثار نفیسی که ازطرف ناپلئون‌بناپارت،وپطرکبیر، وسایر امپراطوران وپادشاهان‌غرب بسلاطین ایران اهدا شده‌بود دیده میشد.

گوئی روح این پادشاهان و امپراطوران بزرگ در آن لحظه تاریخی در آنجا اجتماع کرده، و ناظر این فروشکوه بودند.

پس از آن مراسم پذیرائی وصرف شام درتالار عاج، که بردیوارهای آن تابلوها و آثار نفیس هنرمندان واستادان بزرگ نصب شده بود در پیشگاه شاهنشاه و ملکه ایران وافراد خاندان سلطنتی بعمل آمد.

مشهورترین خوانندگان ونوازندگان ایرانی، جذاب‌ترین و شورانگیزترین آهنگهارا که درآن بشاه وملکه شادباش میگفتند خوانده ونواختند.

بدین ترتیب جشن عروسی شاهنشاه درکاخ گلستان تا پاسی از نیمه‌شب گذشته، درمیان شوروهیجان زائدالوصف مدعوین دوام داشت وخاطرات آنشب باشکوه تاریخی برقلوب افراد شاه‌دوست ومیهن پرست نقش بست.

هدایای سلاطین و دولتهای خارجی

پس از ازدواج شاهنشاه یک سری تمبرهای زیبا، بالوان مختلف بافتخار عروسی شاهنشاه باملکه ثریا درسراسر ایران منتشر گردید.

درخلال این احوال ازطرف پادشاهان، و رؤسای جمهوری، و زمامداران کشورهای مختلف، وهمچنین ازطرف مردم شاهدوست ایران هدایای نفیس و گرانبها به پیشگاه شاهنشاه وملکه ثریا تقدیم شد.

ازطرف پرزیدنت ترومن رئیس جمهوری کشورهای متحد امریکا، یک گلدان بزرگ کریستال، که ازشاهکارهای صنعت وهنربشمارمیرود، وتصاویرزیبائی که از یک سلسله داستانها وافسانه‌های قدیمی امریکا حکایت میکند برروی آن نقش شده و بهمین جهت به «جام افسانه ای» معروف گردیده به پیشگاه شهریار ایران تقدیم گردید.

ازجانب اعلیحضرت ژرژ ششم پادشاه انگلستان، یک جفت گلدان نفیس بزرگ که ازاشیاء بسیار گرانبهای کاخ بوکینگهام، ویادگار دوران سلطنت ملکه الیزابت محسوب میشد باعلیحضرت همایونی تقدیم شد.

ملکه هلندیك گلدان بزرگ چینی بارتفاع یکمتر که تصویر تاج سلطنتی برنگ طلا دریك سمت ، وتصویر شیروخورشید ایران درسمت دیگر آن نقش گردیده وتهیه آن ماههای متمادی بطول انجامیده بهشاهنشاه ایران اهدا شد .

ازطرف دولت فرانسه سه مجسمه زیبا و بی نظیر ، متعلق به ۲۵۰ سال پیش که یکی از افسانه های یونان کهن را نمودار میساخت ، و با نهایت ظرافت ودقت ساخته شده به پیشگاه شهریار ایران تقدیم گردید .

دولت شوروی یك جفت گلدان بسیار نفیس که از قطعات سنگهای رنگارنگ ساخته شده ، و ببهرین وجهی صیقلی گردیده و جلا یافته به پیشگاه شاهنشاه اهدا شد .

دولت اطریش یك پیانوی عالی و فوق العاده گرانبها و یکدوره کامل از سمفونیهای بتهوون آهنگ سازنامی آلمانی ، ویك تفنك شکاری بی نظیر باعلیحضرت همایونی تقدیم نمود .

دولت پاکستان دو گلدان بزرگ ، ویك آباژور کاربزرگترین هنرمندان پاکستان ، ویکجفت شمعدان نفیس ، ویك گردن بند گوهرنشان الماس ، و یك جعبه زرین که برروی آن قطعات زمرد و یاقوت نصب گردیده بشاه و ملکه ایران اهدا نمود .

رئیس جمهوری اندونزی یکدست سرویس چای خوری نقره ، که بوسیله مشهورترین هنرمندان آن کشور ساخته شده ، وباوضع بدیعی روی آن سیاه قلم کار شده ، بدربار ایران ارسال کرد .

اعلیحضرت پادشاه افغانستان یك جعبه توالت که کلیه اشیاء آن ازنقره است و بادقت ومهارت بسیار توسط هنرمندان افغانی ساخته شده بمناسبت ازدواج اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بهملکه ثریا تقدیم شد .

ازطرف حضرت والا آقاخان محلاتی وبیگم آقاخان یك جعبه بزرگ طلا که برروی آن یك شیروخورشید باتاج سلطنتی نصب گردیده ، وهمچنین یك

کیف دستی زنانهٔ زرین، که روی آن دانه های درشت الماس وزمرد چشم راخیره میکند به پیشگاه شاهنشاه وملکه ایران اهدا گشت.

شهرداری تهران نیز جعبه‌ای زرین، که برروی آن عکس اعلیحضرت و ملکه بامینانقش گردیده، واطراف آن قطعات جواهر نصب شده، وبالای سر شاه وملکه تاجی ازطلا ونیمتاجی ازالماس تعبیه گردیده به پیشگاه شاهانه تقدیم شد.

از طرف بانك ملی ایران یکدست سرویس کامل غذا خوری از طلا، ویك جفت شمعدان پنج شاخه گرانبها ویك سینی زرین، ودوظرف بزرگ ازمینای سبز رنگ بافتخار عروسی شاهنشاه تهیه وتقدیم گشت.

خاندان بختیاری یك قاب بزرگ طلا، که عکس شاه وملکه برروی آن نصب شده، وبالای سرآن تاج شاهی و پرچم ایران از الماس و زمرد و یاقوت دیده میشود به پیشگاه اعلیحضرت همایونی اهدا نمودند.

دکتر گریدی سفیر کبیر امریکا درایران یك شمشیر قدیمی که روی جلد آن با قطعات طلا نقش ونگار شده تقدیم کرد.

اهالی اصفهان برای تهیه هدیه‌ای گرانبها ابتکار بدیع وجالبی بکاربرده، و خوابی را که ملکه ثریا دیده ومشاهده کرده بود که خورشید ازآسمان فرودآمده وبه او نزدیك میشود، تا آنکه دست ویرا گرفته و باخود بآسمان برد موضوع تهیه هدیه‌ای برای شاهنشاه نمودند، ودرنتیجه یك هنرمند زبردست اصفهانی قابی از طلا ومینا بوجودآورد که دورنمائی ازشهر اصفهان رانشان میدهد، وملکه ثریا با جامهٔ سپید ازمیان دختران وهمشاگردیهای دوران مدرسه خود برخاسته، وقرص خورشید در حالیکه تصویر شاهنشاه در وسط آن نقش گردیده، برچهره واندام ملکه ثریا نورمیپاشد.

یکی دیگر ازهدایای جالب وبینظیر که نمایندهٔ روح شاهدوست ومیهن پرست گروهی از اهالی این آب وخاك است هدیه‌ایست که ازطرف مسلولین آسایشگاه بوعلی به پیشگاه شاهنشاه تقدیم گردید.

این هدیه عبارت از گلاب پاشی است بشکل قلب ، که در وسط آن تصویر شاه و ملکه ایران نصب شده ، وبالای سر شاه وملکه تاج شاهی و پرچم ایران دیده میشود .

وقتیکه شاهنشاه هدیه مسلولین آسایشگاه بوعلی را آنهم بشکل قلب که نموداری از قلوب دردمند ولی پر عاطفه ساکنین این مرز و بوم است ملاحظه کردند غبار اندوه و ملال خاطر بر پیشانیشان نقش بست و در حالیکه از احساسات پاك آنان تمجید مینمودند فرمودند « من هیچگاه از فکر آنان بر کنار نبوده و نخواهم بود » .

چراغ خاندان سلطنتی

پس از آنکه مراسم عقد وعروسی اعلیحضرت همایونی باملکه ثریا پایان یافت ، نوعروس ایران بکاخ اختصاصی رفت ودرآنجا زندگی تازهٔ خودرادر کنار شاهنشاه جوانبخت ایران آغاز کرد .

ازاین پس دیگراوضاع بکلی عوض شد. آن غم واندوه وآن چنین های کوچکی که غالب اوقات درچهرهٔ اعلیحضرت دیده میشد، جای خودرا به نشاط وخوشحالی داد، ملکه ثریا ازهمان نخستین روزهای نامزدی، جای خودرادر قلوب افراد خاندان سلطنتی باز کرده بود ، اکنون وجود علیاحضرت ملکه ثریا همواره مایهٔ تسلی شاه میباشد - درهمه جاآثار نشاط وشادمانی نمودار است، هنگامیکه اعلیحضرت همایونی براثر مشکلات اوضاع وانجام وظایف خطیر سلطنت از کار های روزانه خسته میشوند ، وجود علیاحضرت ملکه ثریا غم واندوه رااز وجود شاه میزداید ومحیط کاخ سلطنتی راحرارت وروشنی میبخشد .

علیاحضرت ملکهٔ پهلوی ووالاحضرت شاهدخت هانیز نهایت محبت وعلاقه رانسبت بملکه ثریادارند - این امرهنگامی خوب نمودارشد که ازطرف علیا حضرت ملکه پهلوی وهمچنین والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ، ووالاحضرت



پهلوی دوم و علیاحضرت ملکه ثریا درضیافتیکه والاحضرت
اشرف ترتیب داده بود

شاهدخت اشرف پهلوی ، پس ازمراسم عقد وعروسی مهمانیهای باشکوهی بعنوان پاگشاداده شد .

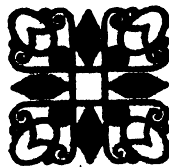
دراین مهمانیها آثارمحبت وصمیمیت زائدالوصفی در کلیه افراد خاندان جلیل سلطنتی نسبت بنوعروس دربارمشاهده میشد . دراین جشن های با شکوه تنها قلوب شاه وملکه وسایرمدعوین آمیخته باخرشی وشادی نبود، بلکه فقرا ومستمندان نیزدراین سروروخوشحالیها سهیم بودند .

شاهنشاه ملت نواز که همیشه بفکر مردم هستند، دراین روزهای شادمانی مردم بینوا ومستمندرا فراموش نکرده و فرمان دادند که هزاران نفرازمردم تنگدست وبینوارا اطعام کنند .

بدین ترتیب ورود ملکه ثریادرمیان خاندان سلطنتی ایران درحکم چراغ فروزانی که علاوه برخانواده سلطنتی، محیط اطراف واجتماع ایران رانیزازبرکت وجود خویش روشنی میبخشید علیاحضرت ملکه پهلوی ثریارامانند یك فرزند ، وخواهران شاه نیزاورامثل یك خواهرعزیزدوست میدارند - ملکه ثریانیزآنچنان که شایسه وسزاواراست آنهارادوست داردوبآنان احترام میگذارد .

روح مهربان ورئوف علیاحضرت ملکه ثریا، درمدتی کوتاه قلب همه را تسخیر کرده وهمه راوادارباحترام وعلاقهٔ زائدالوصفی نسبت باونموده است .

علیاحضرت ملکه ثریا، برای شاهنشاه همسری باوفا، وبرای والاحضرت شهناز مادری مهربان ، وبرای ملت ایران ملکه‌ای عزیزومحبوب بشمارمیرود .



ماجرای نفت

اکنونکه ماجرای زندگی علیاحضرت ملکه ثریا ، وجریان عقد وعروسی علیاحضرت باشاهنشاه شرح داده شد ، برای آنکه حوادث سیاسی ایران ازاواخر سال ۱۳۲۹ ببعد که منجر بملی شدن صنعت نفت گردید تشریح شود بار دیگر بعقب برمیگردیم وبطوراختصاردراطراف اینموضوع سخن میگوئیم .

درمهر ماه سال ۱۳۲۶ ، پس ازآنکه غائله آذربایجان خاموش شدوقوام السلطنه نخست وزیروقت موافقتنامه‌ئی برای واگذاری امتیازنفت شمال بشوروی با سادچیکف سفیر کبیرشوروی بامضاء رساند ، مجلس شورای ملی چون این موافقت نامه را برخلاف مصلحت مملکت میدانست باآن مخالفت کرده و درضمن برای استیفای حقوق ملت ایران ازمنابع نفت کشورازجمله نفت جنوب قانونی گذراند که طبق آن دولت ایران مکلف گردید دراین باره اقدام نماید .

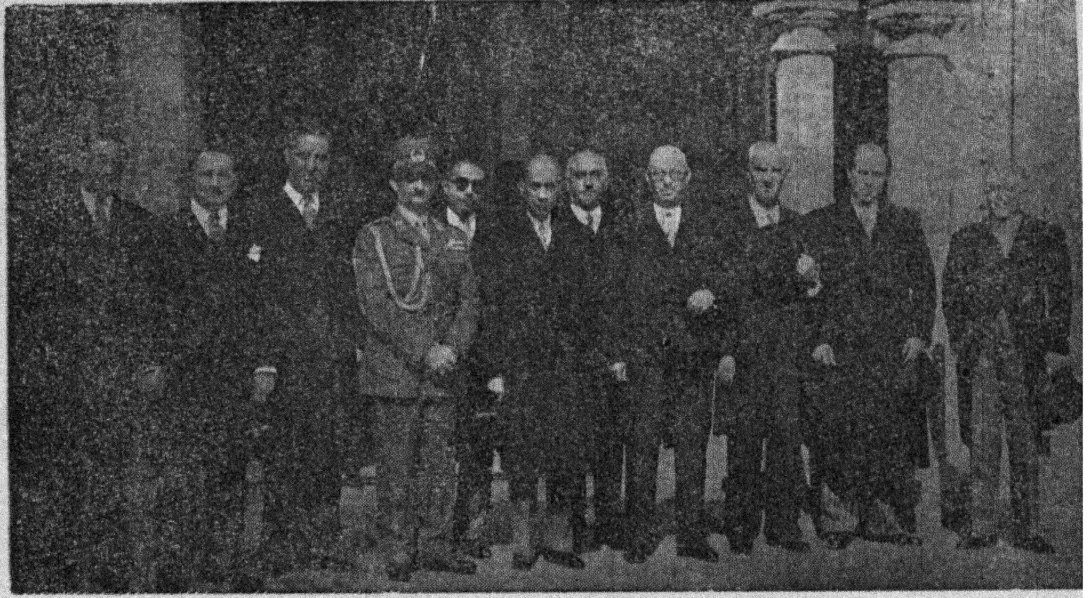
دولت بریتانیا وهمچنین رؤسای شرکت نفت ایران و انگلیس در لندن برای آنکه درمقابل کارانجام یافته‌ئی قرار نگیرند ، پیشدستی کرده وخودلایحه‌ای دراین باره تهیهٔ نمودند که در زمان نخست وزیری ساعد بدولت ایران تسلیم کردند .

این لایحه پس ازآنکه مدتی تحت مطالعه قرارداشت ، بالاخره بامضاء ساعد و « گس » نماینده کمپانی سابق رسید و بقرارداد الحاقی « گس - ساعد » یا « گس گلشائیان » وزیردارائی وقت معروف شد .

هنگامیکه قرارداد الحاقی مزبور برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم گردید ، زمزمه هائی ازطرف بعضی ازنمایندگان در اطراف این لایحه بلند شد ، زیرا این لایحه را بنفع ملت ایران تشخیص نمیدادند وقتی منصورالملک مأمور تشکیل کابینه گردید ، زمزمه هائی که دربارهٔ قرارداد الحاقی بلند شده بود ، بیشتر گشت بطوریکه مطبوعات وبرخی ازاحزاب بانتقادازاین قراردادپرداختند

وعده‌ئی از نمایندگان نیز در مجلس شورای ملی و مجلس سنا ، "مخالفت" خود را با آن ابراز داشتند.

در نتیجه هنگامیکه برخی از نمایندگان نظر رئیس دولت را در بارهٔ این



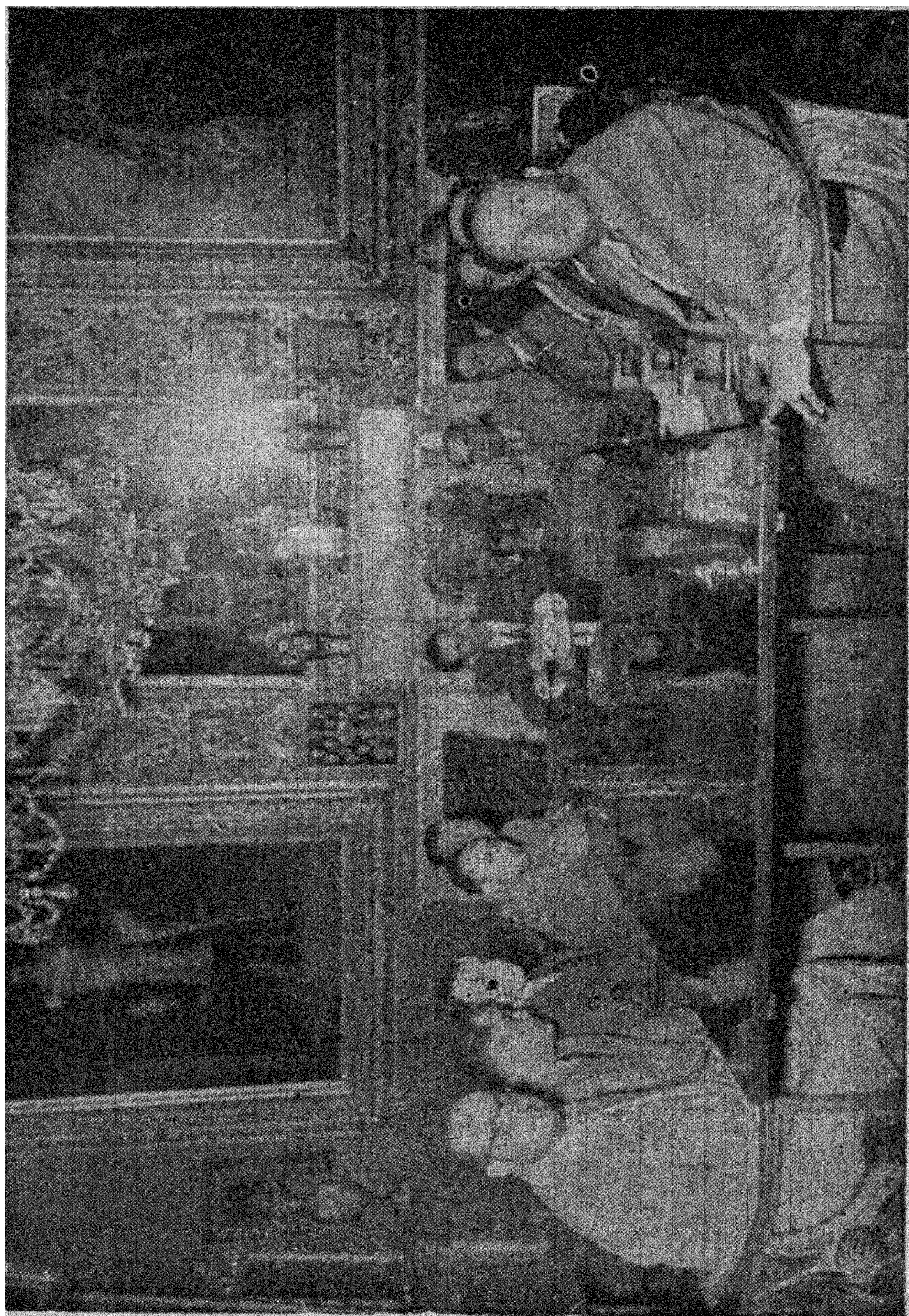
جناب آقای منصور نخست وزیر با اعضای کابینه

لایحه خواستند منصورالملك عقیده شخصی خود را در این باب اظهار نداشت ، و معلوم بود که قلباً با مواد این لایحه موافقت ندارد .

نزدیکی با شوروی

در تیرماه سال ۱۳۲۹ پس از آنکه کابینه منصور سقوط کرد و سپهبد رزم آرا درمیان جنجال و هیاهوی بی‌نظیری مامور تشکیل کابینه گردید ، نغمه‌های مخالف درباره قرارداد الحاقی « ساعد ـ گس » رو بافزایش نهاد .

در خلال این احوال رزم آرا برای آنکه همسایه شمالی را از جنك اعصاب با ایران بازدارد خود را بآن دولت نزدیك کرد ، و پس از مذاکراتی که در تهران و مسکو بین نمایندگان دو کشور صورت گرفت ، درمهر ماه سال ۱۳۲۹ یك قرارداد تجارتی بین ایران و شوروی بوسیله رزم آرا نخست وزیر و سادچیکف سفیر کبیر



سپهبد رزم آرا با هیئت دولت

شوروی بامضاء رسید ، وضمناً مقرر گردید که اختلافات مالی ومرزی دو کشور نیز بوسیله کمیسیونهای دوجانبه مرکب از نمایندگان دو دولت حل و فصل شود.

استرداد لایحه

دراین گیرودار که موضوع قرارداد الحاقی نیز درمجلس شورایملی مورد بحث بود، بار دیگر ازطرف نمایندگان اقلیت که رهبرآنها دکترمحمد مصدق بود این قرار داد مورد حمله قرار گرفت وضمناً ازدولت خواسته شد که توضیحاتی در اطراف آن بدهد.

درنتیجه روزسه شنبه‌دی‌ماه ۱۳۲۹ فروهروزیردارائی وقت، نطق مبسوطی دراطراف قرارداد الحاقی، ساعد۔گس، ایراد کرد وتوضیحات مفصلی دراین باره داد. بیانات وزیردارائی درمیان جنجال وهیاهوی شدید نمایندگان مخالف بپایان رسید، ولی اعتراضات نمایندگان درباب این لایحه همچنان ادامه یافت بطوریکه جلسه بشدت متشنج شدوناچار وزیر دارائی لایحه نفت را ازمجلس مسترد داشت.

با اینحال نمایندگان مخالف وزیر دارائی را مورد استیضاح قراردادند و مخالفت شدید خودرا نیز باقرار دادالحاقی ابرازداشتند.

علت استرداد لایحه نفت ازطرف وزیردارائی این بود که دولت اظهار میداشت اکنون که مجلس شورای ملی و نمایندگان ملت قرارداد الحاقی را کافی برای استیفای حقوق ملت ایران نمیدانند، دولت لایحه مزبور رامسترد میداردتاطبق قانون مهرماه ۱۳۲٦ درصدد استیفای حقوق ملت ازنفت جنوب برآید.

تظاهرات مردم

ازاین پس اختلاف نظریکه بین مجلس و دولت ایجاد شده بود روز بروز شدت مییافت تاآنجاکه وزیردارائی مجبوربکناره گیری ازکار گردید. جلسات مجلس نیزوضع عادی خودرا ازدست داد وپس از آنکه نمایندگان مجلس چند جلسه خصوصی و سری تشکیل دادندقرار شد کمیسیونی مرکب ازاعضاء فراکسیون

های پارلمانی ، ومنفردین ، وچندتن ازاعضاء ، کمیسیون نفت تشکیل گردد تاطرح جدیدی برای حل مسئله نفت تهیه وتنظیم نمایند .



کمیسیون مختلط نفت

جلسات بعد مجلس شورایملی نیزهمچنان با تشنج همراه بود . درخارج از مجلس نیزدانشجویان واصناف بتظاهرات پرداخته ومخالفت شدید خود راباقرارداد

الحاقی ابراز میداشتند دراین اثناء در کمیسیون نفت و فراکسیونهای مجلس و مخصوصاً بین نمایندگان اقلیت روز بروز فکر ملی شدن صنعت نفت تقویت میشد. بطوریکه پس ازچندی این فکر مطبوعات ومردم نیز سرایت کرد ، و احزاب و دسته های سیاسی واصناف ودانش آموزان ضمن تظاهراتی که درخیابانها ومیدانهای پایتخت مینمودند، تقاضای لغو قرارداد ۱۹۳۳ وملی شدن صنعت نفت رادرسراسر کشور میکردند

اشتباه دیپلماسی انگلستان

چون جریان این جنبش و نهضت جدید در ایران بخارج کشور ازجمله انگلستان رسید ، اولیای امورآن کشورمخصوصاً روسای کمپانی سابق متوجه گردیدند که اگراین وضع ادامه یابد ، بعید نیست که بزودی دست آنها ازمنابع گرانبهای نفت ایران کوتاه شود ، ازاین رومعاون وزارت امورخارجه انگلیس ضمن بیاناتی که درپارلمان آن کشورایراد کرد اظهار داشت که دولت انگلیس با هر گونه تغییری درقرارداد ۱۹۳۳ مخالفت، ولایحه الحاقی ۱۹۴۹ که بین دولت ساعد و گس بامضاءرسیده قرارداد عادلانه ئی میباشدپس ازآن سفیر کبیرانگلیس نیزضمن ملاقاتی که با رزم آرا کرد متن اظهارات معاون وزارت خارجه انگلیس را باطلاع اورساندوضمناً متذکر شد که«دولت بریتانیا زیربار لغو قرارداد ۱۹۳۳ وملی شدن صنعت نفت نمیرود!.»

این بیانات دوراز حزم واحتیاط، بیش ازپیش آتش خشم نمایندگان ملت ومردم رابرافروخت، بطوریکه درهمه مجامع نسبت باین اظهارات ابرازتنفر کردند. وضمناً متذکر شدند«شرکت نفت، یك شرکت سادهٔ تجارتی نیست، بلکه یکدستگاه جاسوسی است که در کلیه امور وشئون کشور دخالت میکند و مجری منویات وسیاست استعمارطلبانه دولت انگلیس است،وحمایت معاون وزارت خارجه بریتانیا از کمپانی سابق نیزدلیل گویا وبارزی براین مدعاست».

تقسیم املاك موقوفه پهلوی

دراین هنگام چون روز بروز، فضای سیاسی ایران بیشتر مه آلود و تیره میگردید، دامنهٔ اختلافات ومناقشات وسعت مییافت ، اعلیحضرت همایونی هیئت دولت، وسپس هیئت رئیسه مجلس را احضار کردند، ودستورهای اکید در بارهٔ رفع اختلافات. واصلاح وضع مملکت، وپایان دودستگی و نفاق دادند، وضمنا تأکید کردند که برای بهبود زندگی مردم، باید قدمهای اساسی برداشته شود و یك تحول اساسی درحیات اجتماعی ملت ایجاد گردد که در سایه آن همه افراد بتوانند براحتی معاش روزانه خودرا تأمین کنند .

شاهنشاه همچنین برای بالا رفتن سطح زندگی مردم وپائین آمدن هزینه زندگی ، و تأمین رفاه آسایش طبقات کشاورز و کارگر مطالب جامع و مفیدی اظهارداشتند ، بعلاوه درباره لزوم تعدیل ثروت نیز بیاناتی ایراد کردند که مورد توجه عموم قرار گرفت . آنگاه اعلیحضرت همایونی برای آنکه خود دراین راه پیشقدم شوند ، مقررداشتند کلیه املاك موقوفه پهلوی که تعدادآن به چهارهزار قریه وآبادی میرسید بین کشاورزان وروستائیان هردهکده تقسیم گردد .

شاهنشاه برای اجرای این منظور فرمانی بشرح زیر صادر کردند :

فرمان تقسیم املاك

جناب جلال شادمان

نظر بعلاقه خاص و عقیده راسخی که همواره بتأمین آسایش و رفاه حال زارعین ورعایاداشته وداریم ،ومیل قلبی ما این بوده است که املاك مزروعی اعلیحضرت شاهنشاه فقید پدر بزرگوارمان که بر طبق قانون بما منتقل شده است به تملك خودزارعین هرحوزه درآید، وهرچندعوایداملاك مزبور تااین تاریخ مطابق فرمان مورخ ٣ اسفند ماه -١٣٢٨ بمصرف امورخیریه میرسید وازاین حیث رضایت خاطر مانیز فراهم بوده است، لیکن چون واگذاری این املاك باقساط طویل المدة و مالك بودن زارعین بیشتر بخیروصلاح کشور تشخیص داده میشود ، بموجب این

دستخط مقرر میداریم که املاك مزروعی که بما انتقال یافته ، باقساط طویل المدت بزارعین واگذار شود ،وبرای اجرای اینمنظور هیئتی از اشخاص بصیر و مطلع دعوت نمائید که وسایل اجرای این امررا فراهم سازند وجوه حاصل از فروش این املاك بایجاد منابع تولیدی و تأسیس شرکت های مفید بحال کشاورزان اختصاص خواهد یافت . این منابع تولیدی وقف ، ودرآمد آن طبق فرمان مورخ ۳ اسفند ۱۳۲۸ بمصرف خواهد رسید .

کاخ مرمر ۷ بهمن ماه ۱۳۲۹

محمد رضا پهلوی

انتشار این فرمان ،در کلیه محافل داخلی و خارجی با اهمیت بسیار تلقی گردید زیرا این اقدام شاهانه در تاریخ ایران بیسابقه بود از این رو مطبوعات داخلی و خارجی بتفصیل در پیرامون آن قلمرسائی کردند و اقدام شهریار ایران را ستودند .

پس از آن روز ۲۳ بهمن ۱۳۲۹ ، جشن ازدواج شاهنشاه و علیا حضرت ملکه ثریا ، درمحیط بسیار گرم وصمیمانه ئی انجام یافت ، که جریان آن بتفصیل گذشت ، واینموضوع تاحدی موجب آرامش اوضاع گردید ، ولی بعدازچند روز باردیگر مسئله نفت در رأس کلیه مسائل سیاسی قرارگرفت ، و اجتماعات واحزاب و نمایندگان پارلمان ببحث دراطراف لغو قرارداد ۱۹۳۳ وملی کردن صنعت نفت پرداختند

ترور رزم آرا

تظاهرات و ابراز احساساتی که از طرف کلیه طبقات در پیرامون قطع ید بیگانگان درتهران وشهرستانها صورت میگرفت ،بحدی شدید بود که تا آنزمان سابقه ونظیر نداشت این ابراز احساسات در بعضی مواقع چنان با تعصب شدید ملی ومذهبی توأم بود که موجب بهت وحیرت گردید وهمین تعصب شدید ملی بود که موجب قتل رزم آرا شد

جریان قتل رزم آرا که درآخرین روزهای سال ۱۳۲۹ انجام یافت ، و در کلیه محافل داخلی وخارجی باحیرت وتعجب زائدالوصفی مواجه گردید، بطور خلاصه ازاینقرار بود:

روز چهار شنبه ۱۶ اسفندماه بمناسبت وفات آیت الله فیض مجلس ختمی برپا بود . مقارن ساعت ۱۱ بامداد درحالیکه امیر اسدالله علم وزیر کارنیز همراه او بود، برای حضور درمجلس ختم بمسجد شاه رفت .

هنگامیکه رزم آرا وارد صحن مسجدشاه گردید ، با اینکه همیشه چند نفر کارآگاه درپیرامون او قرارداشتند واز جان وی محافظت میکردند ، معهذا جوان ناشناسی ازپشت سر اورامورد حمله قرارداده وباشلیك سه گلوله پی در پی رزم آرا را ازپای درآورد.

گلوله ها یکی بمغز ،ودوتای دیگر به پشت وریه او اصابت کردند ،از این رو رزم آرا پس از چند ثانیه جان داد. بلا فاصله مأمورین ضارب اورا دستگیر کردند. پس از تحقیقاتی که ازوی بعمل آمد معلوم شد نام او خلیل طهماسبیان و حرفه اش نجاری واز اعضاء فدائیان اسلام است خلیل طهماسبیان درباره علت مبادرت باین عمل اظهارداشت که چون بنظروی سپهبد رزم آرا ازراهی که ملت انتخاب کرده بود منحرف گردید ،وبرای استیفای حقوق ملت ایران هیچگونه اقدامی ننمود ،وبنفع بیگانگان وعلیه مصالح ایران ودین اسلام اقداماتی میکرد ،ازاین رو از سه ماه پیش تصمیم بقتل او گرفتم ،و پیوسته در تعقیب او بودم تا بالاخره ازحضور وی در مسجدشاه اطلاع یافتم ودرنتیجه اورا درآنجا بقتل رساندم .

تصویب ملی شدن صنعت نفت وروی کارآمدن علاء

پس از ترور رزم آرا آرامش وسکوت آمیخته باضطراب درمحافل سیاسی راه یافت ، ومخصوصاً این حادثه درمحافل خارجی بااعجاب و شگفتی بسیارتلقی گردید، بطوریکه واقعه مزبوررا بعنوان زنگ خطری برای دولتهای استعمارطلب غرب،وپیش درآمدی برای حوادث آینده محسوب داشتند.

پس از قتل رزم آرا کمیسیون نفت مجلس شورایملی که تلاش خود را



جناب آقای حسین علاء نخست وزیر

برای حل مسئله نفت بکار برده و طرح ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور را تنظیم

نموده بود بمجلس داد ، وسرانجام روز پنجشنبه ۲۴ اسفند مجلس شورایملی باتفاق آراء ملی شدن صنعت نفت را دریك محیط پرهیجان وشورانگیز تصویب کرد .

پس از آن درروز سه شنبه ۲۹ اسفند ماه نیز مجلس سنا باتفاق آرا بملی شدن صنعت نفت رأی داد .

انعکاس ملی شدن نفت ایران

پس از آنکه خبرملی شدن نفت ایران ، در کشورهای جهان منعکس گردید کلیه محافل بین المللی متوجه حوادث ایران شدند ، بعلاوه این موضوع در کشور های خاور میانه نیز انعکاس عمیق بخشید ، بطوریکه در عراق تظاهراتی علیه شرکتهای انگلیسی بظهور پیوست و حتی طرح ملی شدن نفت آن کشور تنظیم شد جریانات و حوادثی که درایران وسایر ممالك خاور میانه درشرف وقوع بود دولت انگلیس را وادار کرد که دست بعملیات تهدید آمیزی بزند تامانع بروز این حوادث شود ازاینرو مبادرت باعزام چند کشتی جنگی بآبهای خلیج فارس نمود .

با اینحال درایران تظاهرات مردم علیه انگلستان روز بروز شدت میبافت . و قدرت جبهه ملی هر دم بیشتر میگشت ، بطوریکه دامنه تظاهرات ضد استعماری حتی بدورترین شهرستانهای ایران هم سرایت کرد .

تهران بصورت یك مرکز مهم بین المللی مطبوعات درآمد ، وخبرنگاران ازهمه کشورها حتی ازجبههٔ جنگ کره بتهران روی آوردند ، وپس ازمشاهده اوضاع این سامان ایران را « منطقهٔ گرم » نام نهادند .

يك مانور تازه

دراینموقع شرکت سابق نفت ، برای متشنج ساختن اوضاع ایران ودر نتیجه دگرگون کردن حوادث این کشوردست بحیلهٔ جدیدی زد ، بدین معنی که بدون مقدمه مزایا واضافات کارگران مؤسسات نفت جنوب را قطع کرد .

این امر موجب گردید که ظرف دوسه روز دوازده هزارتن ازکارگران اعتصاب

کرده ودست ازکار کشیدند . بدنبال این عده دسته دسته کارگران سایر مناطق نفت خیز نیز بآنها پیوستند ، بطوریکه روزبروز اوضاع « سرزمین طلای سیاه » یا خوزستان بیشتررو بوخامت مینهاد .

در تعقیب این جریانات دولت بریتانیا برای آنکه دولت وملت ایران را از ادامهٔ نهضت ضدانگلیسی بازدارد ، طی یادداشتی نگرانی شدید خود را ازاوضاع مناطق نفت خیز و همچنین تصمیمات مجلسین ایران دائربملی کردن صنعت نفت ابرازداشت .

دم شیر را لگد نکنید

روز ۱۱ فروردین ماه (امانوئل شینول) وزیر دفاع انگلستان ضمن نطقی که درلندن ایراد کرد ، بطور کنایه آمیز ملت ایران را مخاطب قرار داده اظهار داشت « دم شیررا لگدنکنید ، زیرا ممکنست روزی مواجه با عکس العمل شدیدی شوید!... »

براثر وخامت حوادث ایران، عده ئی ازافراطیون انگلیس ازجمله گروهی از محافظه کاران پیشنهاد کردند که بااعزام نیروی نظامی وآغازعملیات جنگی مانع وسعت یافتن نهضت ضد انگلیسی وضد استعماری درایران شوند . این بارموجب گردید که(مك کی) معاون وزارت امورخارجه امریکا ازواشنگتن بلندن عزیمت کرد تا درباره جریاناتی که درایران روی میداد بمذاکره وتبادل نظر پردازد . ولی چون وخامت اوضاع همچنان ادامه داشت ، درسازمان ملل متحد نیز جریانات سیاسی ایران مورد مذاکره قرار گرفت ، وپیشنهادشد که اگرنمایندگان امریکاوانگلیس نتوانستند ازادامه این وضع جلوگیری کنند ، بلافاصله « تریگوه لی » دبیر کل سازمان ملل متحد بایران مسافرت نماید وترتیبی برای پایان دادن تشنج دراین کشور بدهد .

پاسخ ایران بیادداشت انگلیس

چون دراواخر اسفندماه دولت بریتانیا یادداشتی برای دولت ایران فرستاده وضمن آن ازتصمیمات مجلسین ایران دائربر ملی کردن صنعت نفت ابراز نگرانی

کرده بود ازاین رو دولت علاء روز ۱۸ فروردین پاسخ یادداشت دولت انگلیس را برای آن کشور ارسال داشت وضمن آن متذکر شد که: «طرف معامله با ایران شرکت نفت است وتاکنون از طرف شرکت راجع باین موضوع سئوالی نشده ، ولی چون دولت انگلیس خواسته است اطلاعی ازاینموضوع بدست آورد ازاین رو متذکر میشود که چون شرکت نفت بدعاوی ایران توجهی نکرد ، وطرح قرارداد الحاقی را حداکثر گذشت خود قلمداد نمود ، بدین جهت ملت ومجلسین ایران صنعت نفت را در سراسر کشورملی کردند ، واکنون کمیسیون نفت طریق عملی ساختن اینموضوع رامطالعه میکند وبااین وضع عجالتاً دولت هیچ وظیفه ئی ندارد جز آنکه منتظر نتیجه مطالعه وتصمیم کمیسیون نفت باشد»

درهمین موقع متن مصاحبه علاء نخست وزیر با (کینگز بوری اسمیت) مدیر خبرگزاری (اینترنشنال نیوز سرویس درار وپا) در کلیه مطبوعات غربی منتشر گردید علاء ضمن این مصاحبه پیامی بملت امریکا فرستاد ودر آن باین نکته اشاره کرد که مسئله ایران ممکنست برای دنیا گران تمام شود ، ازاین رو خوبست بتقاضاهای یك ملت محروم که حق مسلم خود را میخواهد توجه بعمل آید .

کنفرانس واشنگتن

روز ۲۰ فروردین در واشنگتن ، کنفرانسی مرکب از نمایندگان امریکا و انگلیس تشکیل گردید وشروع بمذاکره وتبادل نظر درباره نفت ایران کردند.

چون این کنفرانس ، بدون اطلاع دولت ایران ، و بدون شرکت نماینده این کشور تشکیل شده بود ازاین رو دولت ایران رسماً بتشکیل این کنفرانس اعتراض کرد ، وتصمیمات آن را کان لم یکن اعلام نمود.

زدو خورد خونین

اعتصابی که براثر تحریکات شرکت نفت درمناطق نفت خیز روی داده بود روز پنجشنبه ۲۲ فروردین ماه درآبادان ، بندرمعشور رو بشدت نهاد ، وتظاهرات دامنه داری دراین روز از طرف کارگران علیه کارگردانان شرکت نفت صورت

گرفت بطوریکه مأمورین انتظامی مجبور بمداخله شدند وچون آرام ساختن آنان ممکن نگردیداز این روتماسی بین مأمورین وکارگران رویدادو بالنتیجه کاربزدو خوردوتیراندازی کشید. دراین جریانات عده‌ئی از کارگران وچند ملاح انگلیسی وایتالیائی بقتل رسیدند وعده ئی نیز زخمی وبازداشت شدند.

درتحقیقاتی که ازطرف مقامات انتظامی بعمل آمد گفته‌شد که‌این جریانات براثرزمینه سازیهای شرکت نفت صورت گرفت تاپس‌ازآنکه‌کار بزدوخورد کشید وعده‌ئی‌ازاتباع خارجی دراین ماجرابقتل رسیدند، قوای مسلح انگلیسی‌ببهانهٔ قتل اتباع آن کشوربتواند درامورداخلی‌ایران مداخله کند، ومانع تسلط ملیون برمناطق نفت خیزشود.

بهرحال اینحادثه موجب رعب ووحشت کارشناسان وکارمندان انگلیس درخوزستان گردید، بطوریکه بلافاصله‌عده زیادی ازخانواده‌های انگلیسی براثر وخامت اوضاع‌ایران‌از این کشور خارج شدند - روز۲۵ فروردین نیزدراصفهان براثرابراز همدردی کارگران آنشهرنسبت بکارگران آبادان وبندر معشور تظاهراتی صورت گرفت‌وبراثرمداخله‌مأمورین انتظامی‌یك کارگرویک پاسبان بقتل رسیدند.



سپهبد شاه‌بختی مأمور فوق‌العاده و استاندار خوزستان

۳۰۰۰۰ کارگردرحال‌اعتصاب

در اینموقع قریب سی هزار کارگردرمناطق نفت‌خیزدرحال اعتصاب بودند

این جریانات موجب گردید که‌خبرنگاران خارجی‌خبرهای

هیجان انگیزی راجع بحوادث ایران بمراکزخود مخابره کنند وضمناً باین نکته اشاره نمایند که ، اصل ملی شدن نفت درایران امری اجتناب ناپذیراست ،

بالاخره برای خاتمه دادن باین اوضاع و تشنجات از طرف دولت سپهبد شاه بختی باستانداری خوزستان و فرماندهی کل نیروهای جنوب منصوب گردید وهیئتی نیز از تهران برای رسیدگی موضوع بآبادان رفت .



سرتیپ کمال فرماندار نظامی آبادان

استاندارجدید و هیئت اعزامی پس از مذاکراتی که با رؤسای کمپانی نفت در خرمشهر کردند شرکت بنا چار اعتصاب کارگران را قانونی دانست و با قسمتی از تقاضاهای آنان موافقت کرد .

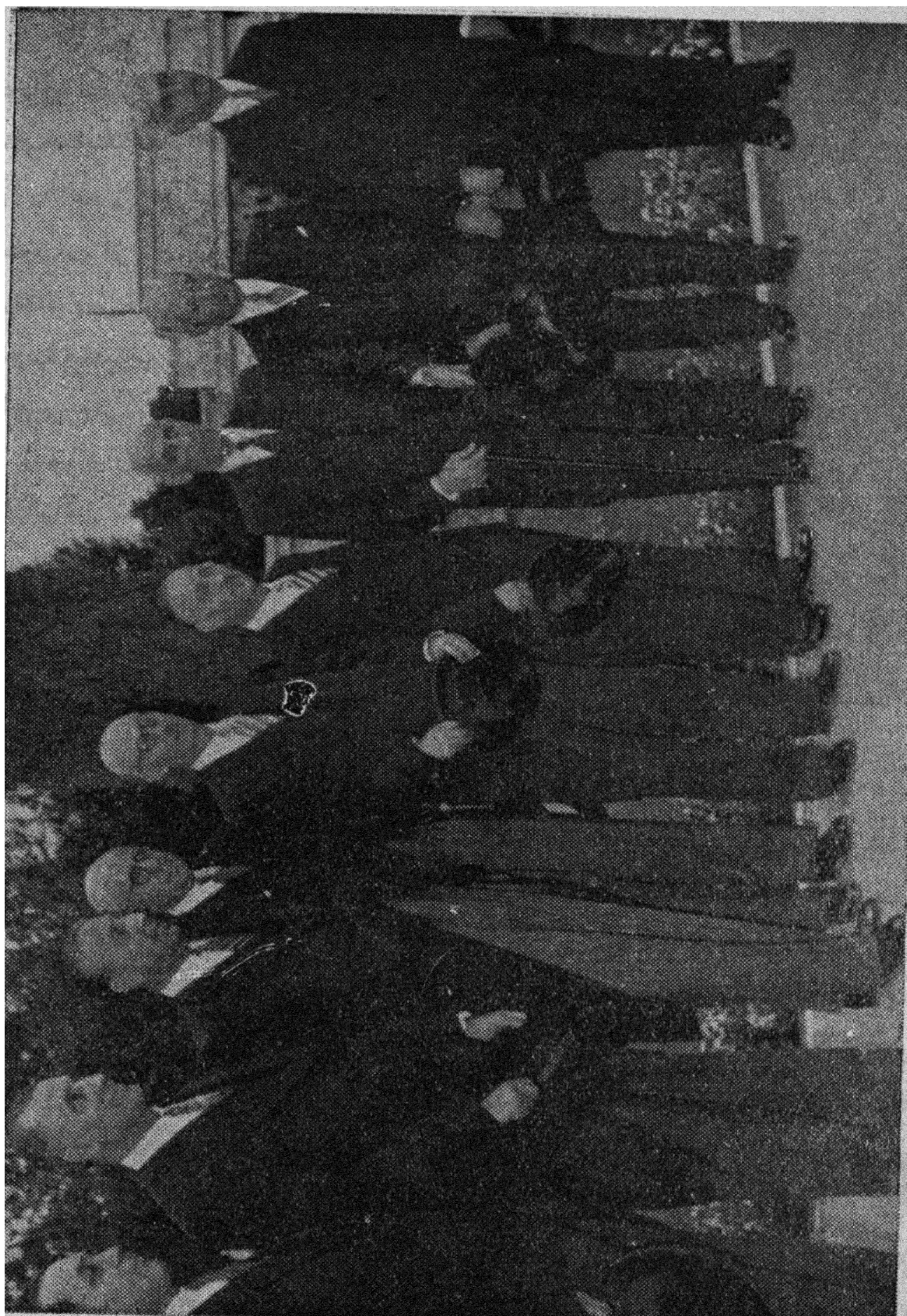
دراینموقع درتهران نیزدمونستراسیونهائی ازطرف دانشجویان و دانش آموزان مدارس داده شد وبراثرمداخله مأمورین زدوخوردی رویداد که طی آن عده ئی زخمی شدند.

بلافاصله روز ٤ اردیبهشت در رشت نیز تظاهرات خونینی صورت گرفت و شیشه وپنجره بسیاری ازمغازه ها وعمارات واتومبیل ها شکسته شد وقریب شصت نفربشدت زخمی گردیدند.

یکروز بعد یعنی روز ۵ اردیبهشت ماه انبارومخزن بزرگ مهمات در محمدیه شیرازبطرزعجیب واسرارآمیزی منفجر گردید وموجب رعب ووحشت شدیداهالی شد وباآنکه تحقیقات زیادی دراین موردصورت گرفت معهذا معلوم نشد که چگونه این انبارمهمات منفجر شده است ،

نخست وزیری دکتر مصدق

بالاخره براثرتشنج وضع کشورو نامساعد بودن اوضاع روز ٦ اردیبهشت علاء نخست وزیر استعفا داد وروز شنبه ۷ اردیبهشت مجلس شورایملی بزمامداری



دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر با هیئت دولت

دکتر مصدق رهبر جبهه ملی اظهار تمایل کرد، و بالاخره روز ۸ اردیبهشت پس از آنکه دکتر مصدق بحضور شاهنشاه شرفیاب شد، فرمان نخست وزیری او توشیح گردید

بلافاصله ملاقاتهائی از طرف سفرای انگلیس و امریکا در تهران با دکتر مصدق صورت گرفت روز ۹ اردیبهشت ماه نیز قانون طرز اجرای اصل ملی شدن نفت بتصویب مجلسین شورا و سنا رسید، و یکروز بعد اعلیحضرت همایونی قانون ملی شدن صنعت نفت، و قانون طرز اجرای ملی شدن نفت را توشیح کردند.

توشیح این دو قانون از طرف شاهنشاه، کلیه امید های دولت بریتانیا را نقش برآب کرد و مسلم گردید که اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران امری اجتناب ناپذیر است.

رد اعتراضات انگلستان

در اینهنگام شرکت نفت نامه اعتراض آمیزی درباره تصمیم مجلسین ایران فرستاد که بآن جواب رد داده شد. پس از آن (هربرت مرریسن) وزیر خارجه انگلیس پیامی برای دولت ایران ارسال داشت که بازبآن نیز پاسخ داده شده ضمن آن علل ملی شدن صنعت نفت ذکر گردید.

در جلسه روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه مجلس پنج نفر بعنوان اعضای کمیسیون مختلط نفت انتخاب شدند و برای خلع ید از کمپانی نفت مشغول شور و تبادل نظر گردیدند در اینهنگام روابط ایران و بریتانیا وارد بحرانی ترین مراحل خود گردید.

بطوریکه دستگاه تبلیغاتی انگلستان در صدد برآمد جنگ سرد شدیدی راعلیه ایران آغاز کند.

چهار هزار چترباز

بدنبال خبرهای تند و تحریك آمیز و مطالب زننده ئی که در مطبوعات و رادیو های انگلستان علیه ایران منتشر گردید، روز ۲٤ اردیبهشت رادیوها و خبرگزاری های خارجی اطلاع دادند که چهار هزار چترباز برای عملیات نظامی علیه ایران بحال آماده باش درآمده اند.

دوروزبعد خبردیگری منتشرشد دائر براینکه هنگ چتربازانگلیسی برای عملیات نظامی احتمالی باکلیه وسائل وتجهیزات از انگلستان بسوی جزیرهٔ قبرس عزیمت کرد .

خبرهای بعدی نیزحکایت ازتقویت نیروهای زمینی بریتانیادرعراق میکرد بعلاوه چند واحد ازنیروی دریائی بریتانیادرمدیترانه واقیانوس هندبسوی آبهای ایران حرکت نمودند .

چون این عملیات تهدیدآمیز نیز به نتیجه نرسید ، ازاین روروز ۲۷ اردیبهشت ماه دولت انگلیس تذکاریه‌ئی منتشرساخت وضمن آن اعلام کرد که حاضر است هیئتی رابرای مذاکره وانعقاد یك قرارداد جدید که منافع ایران رادربرداشته باشد بتهران اعزام دارد .

دولت امریکانیز بیانیه‌ئی منتشر ساخت ومتذکر گردید که چون دولت امریکا تشخیص داده است دولتین ایران و انگلیس در مورد مسئله نفت دارای اشتراك منافع هستند ،ازاین روباید بطریق دوستانه و مذاکرات دوجانبه اینموضوع را حل کنند . مقارن این احوال وزارت دارائی ، پیشنهادی را که ازطرف شرکت نفت دائربارجارع قضیه بحکمیت رسیده بود رد کرد واعلام نمود که ملی کردن صنعت نفت قابل ارجاع بحکمیت نیست .

جنگ سرد

چون انگلستان ازاین اقدامات هم نتیجه مطلوب بدست نیاورد باردیگر جنگ سردوجنگ تبلیغاتی شدیدی راعلیه ایران آغازنمود .

ازجمله کشورهای مشترك المنافع بریتانیاطی اعلامیه‌ئی که منتشر کردند پشتیبانی خودرا ازانگلستان ابرازداشته وآمادگی خویش‌را برای هرگونه عملیاتی اعلام نمودند .

جلسات فوق‌العاده هیئت وزیران بریتانیانیز پی درپی درلندن تشکیل میشد ودرباره اتخاذ روش جدیدی برای حل قضیه نفت ایران بمذاکره میپرداختند

دراینموقع مطبوعات انگلیسی ورادیولندن برای آنکه محافل ایرانی را دچاررعب و وحشت سازند متفقاًدست بمانور جدیدی زده ومتذکر شدند که‌چون



خطر کمونیسم وتسلط شوروی برایران روزبروز این کشور رابیشترتهدید میکند ازاین‌رولازمست ازطرف انگلستان که درایران دارای منافع زیاد میباشد برای

جلوگیری ازاین پیش آمد اقدام لازم وفوری بعمل آید وقوای نظامی دراین کشور پیاده شود تا تأ سیسات نفت را ازخطرات احمالی حفظ کند .

اعلام جهاد

این امر موجب گردید که تظاهرات زیادی درتهران علیه این تبلیغات صورت گرفت وآیت اله کاشانی درمصاحبه مطبوعاتی که باحضور کلیه خبرنگاران خارجی درایران تشکیل داد متذکر شد که «اگر انگلستان بخواهد باقوای نظامی بایران حمله ورشود ، وی اعلام جهاد خواهد کرد ».

بااینحال تهدیدات دستگاههای تبلیغاتی انگلستان همچنان ادامه داشت و دولتهای غربی نیز هماهنگی خود را با آندولت ابراز داشتند . ازجمله سفارت امریکا درتهران طی بیانیه ئی که روز ۳۰ اردیبهشت منتشرساخت متذکر گردید که « دولت امریکا بالغو یك جانبه قرار داد ، واقداماتی که جنبه ضبط وتوقیف اموال شرکتی راداشته باشد مخالف است ».

شکایت بدیوان لاهه

چون هیچیك ازاین اقدامات نتیجه ئی نبخشید ودولت ایران دست ازملی شدن صنعت نفت برنداشت ، روز ۶ خرداد شرکت سابق وهمچنین دولت بریتانیا متفقاً عرضحالی علیه ایران بدیوان بین المللی دادگستری لاهه دادند و طی آن تقاضا کردند که دیوان حکمی برای حکمیت درقضیه ایران تعیین نماید .

بااینحال دولت بریتانیا آرام ننشست وباردیگر بدست وپاافتاد که دولتهای غربی راوادار بمحاصره اقتصادی ایران کند

میسیون جکسن

دراواسط خردادماه ، درحینی که شکایت انگلستان وشرکت سابق در دیوان لاهه جریان خودرا طی میکرد . یك هیئت انگلیسی تحت ریاست «جکسن» بایران آمد وبامقامات ایرانی واردمذاکره گردید .

این هیئت پس ازفعالیتهائی که درتهران کرد ، بدون آنکه هیچگونه نتیجه ئی

آز اقدامات خود بگیرد تصمیم ببازگشت گرفت و درنتیجه دراواخر خردادماه میسیون دوازده نفره جکسن بلندن باز گشت در اینموقع از طرف دولت یك هیئت مدیره موقت برای سرپرستی تأسیسات نفت جنوب تعیین گردید ، ویك هیئت نظارت نیز انتخاب شد ، وبلا فاصله این هردوهیئت بطرف آبادان عزیمت کردند ومقدمات عملیات اجرائی رابرای کوتاه کردن دست شرکت سابق از تأسیسات نفت آغاز نمودند .

«مهمان» یا «صاحبخانه»

مدیران شرکت سابق در خوزستان ، بعنوان اینکه این دوهیئت مهمان ما هستند از آنان پذیرائی کردند ، وحال آنکه نمایندگان اعزامی ایران بعنوان صاحبخانه بآنجا وارد شدندوتأسیسات نفت را زیرنظر گرفتند .

چون کنسول انگلیس درخرمشهر در اقدامات وعملیات هیئت اعزامی کار شکنی میکرد ازاین رو دولت ایران تقاضای احضار وتغییر اورا نمودو (دریك) رئیس شرکت نفت در آبادان نیز که تلاش هایش برای جلوگیری از اقدامات هیئت مدیره موقت به نتیجه نرسید، وازطرفی یك کوران بسیار شدید از طرف اهالی آبادان و خرمشهر علیه او ایجاد گردید ، از بیم جان به بصره فرار کرد .



دریک

این جریانات موجب شد که بدستور مقامات انگلیسی یك رزمناو بنام ماریتپوس در دویست متری آبادان لنگر انداخت، وهواپیماهای شکاری وجنگی انگلیسی برفراز آبادان ومناطق مرزی بپرواز در آمدند .

در اینموقع پیامی ازطرف دکترمصدق برای رئیس جمهوری امریکا ارسال

گردید و بار دیگر از ملت امریکا تقاضای کمک ومساعدت شد

تقویت نیروهای انگلیس درعراق

درخلال این احوال چون از طرف عده‌ئی ازنمایندگان حزب محافظه‌کار وهمچنین چند تن ازاعضاء مجلس‌لردها اعزام نیرو بایران وشروع عملیات نظامی علیه این کشور پیشنهاد شده بود، قوای انگلیس در بصره وکرکوك و اربیل تقویت یافت و پرواز هواپیماهای جنگی بریتانیا برفراز خاك ایران بیشتر شد.

از این رودولت ایران یادداشت اعتراضیه‌ئی برای دولت عراق فرستادوضمن آن از اینکه آن دولت پایگاهها و فرودگاههای خودرا برای استفاده نیروهای نظامی انگلیس و تهدید استقلال وحاکمیت ایران، در اختیار انگلستان گذارده گله کرد.

پاسخ بدیوان لاهه

دراین هنگام عملیات خلع‌ید درآبادان شروع شد وکارمندان انگلیسی شرکت نفت شروع بتخلیه اینشهر نمودند.

روز ۸ تیرنیزوزارت امورخارجه ایران پاسخ خود رادررد شکایت انگلیس برای دیوان لاهه ارسال داشت ومتذکرشد که اولا شکایت شرکت سابق ودولت بریتانیا ازایران اساساً بی‌اساس است. ثانیاً دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت رسیدگی باینموضوع را ندارد.

با اینحال دیوان لاهه روز ۱۴ تیررأی خود راصادر کرد وتوصیه نمودعملیات اجرائی ایران متوقف شود واقداماتی بعمل نیاید که گردش صناعت نفت ایران را متوقف سازد.

نامه ترومن

روز ۱۷ تیرماه ترومن رئیس‌جمهوری امریکا پیامی برای نخست وزیرایران فرستاد و پس‌ازتوصیه درباره تجدید مذاکره برای‌حل مسئله نفت آورل هاریمن

نماینده شخصی خود را برای مشاوره جهت یافتن راه حلی برای اینموضوع بدولت ایران معرفی کرد.

دو روز بعد یعنی روز ۱۹ تیر نخست وزیر پاسخ ترومن را ارسال داشت وطی آن متذکر شد که دولت وملت ایران بشرطیکه حق مسلم ملی ما طبق قوانین ملی شدن نفت مورد موافقت قرار گیرد حاضر است بلافاصله برای حل اختلافات وارد مذاکره شود وضمن آن موافقت خود را با آمدن هاریمن بایران اعلام داشت.

روز ۲۳ تیر ماه هاریمن وارد فرودگاه مهرآباد گردید وروز ۲۵ تیر بحضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب شد ونامهٔ ترومن را بشاهنشاه که در آن بحل مسئله نفت اظهار امید شده بود باعلیحضرت تقدیم کرد.

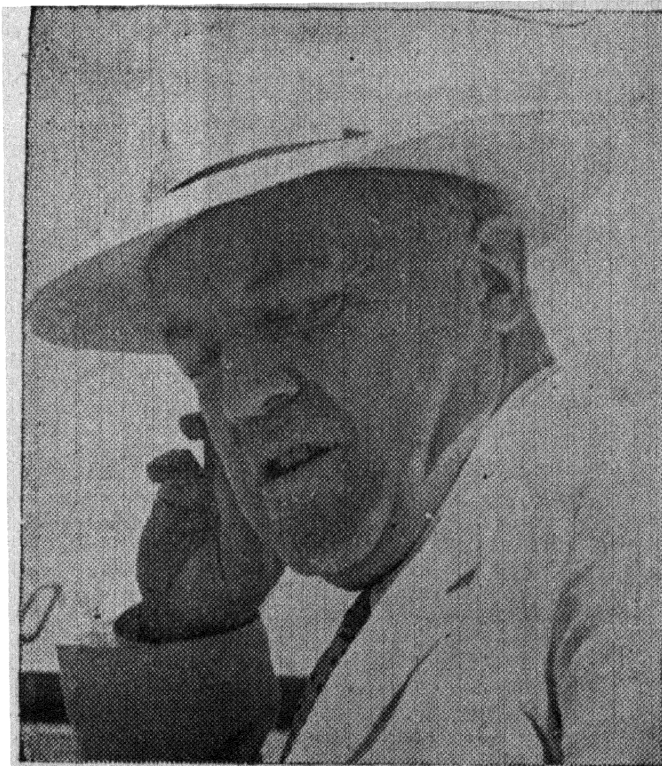


هاریمن

شرایط تجدید مذاکره.

درخلال این احوال هاریمن مذاکرات خود را با دولت ایران آغاز نمود و شرایط تجدید مذاکره راخواستار شد. دولت ایران اعلام نمود درصورتی باتجدید مذاکره حاضراست که اولا دولت بریتانیا ملی شدن صنعت نفت ایران را برسمیت بشناسد ثانیاً دولت ایران فقط بانمایندگان شرکت سابق (نه دولت بریتانیا) بمذاکره پردازد.

درنتیجه عصر جمعه ٤ مرداد هاریمن و شپرد سفیر کبیرانگلیس بلندن رفتند وشرایط تجدید مذاکره رابآن دولت اعلام داشتند. پس ازمذاکراتی که درکابینه بریتانیا صورت گرفت وچندین جلسه بطول انجامید، دولت انگلیس روز ۷ مرداد ملی شدن صنعت نفت را برسمیت شناخت و (استوکس) مهردار سلطنتی رابعنوان رئیس هیئت نمایندگی شرکت سابق برای تجدید مذاکرات بدولت ایران معرفی نمود روز ۸ مرداد هاریمن از مسافرت چهار روزه خود بازگشت و روز ۱۲ مرداد نیز استوکس باهیئتی وارد تهران گردید.



استوکس

پیشنهاد های استوکس

استوکس به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شد وچندین بارنیز با نخست وزیر ملاقات کرد و پیشنهاد های خود را داده سپس باتفاق هاریمن بآبادان رفتندوازتأسیسات نفت جنوب بازدید کردندوباردیگر بتهران مراجعت نمودند.

دراین موقع چون پیشنهاد های استوکس مخالف قانون ملی شدن صنعت

نفت بود از طرف ایران رد گردید، با اینحال استوکس وهاریمن بفعالیت خود برای یافتن راه حل ادامه دادند وچون کلیهٔ تلاشهای آنها بنتیجهٔ میرسید که شرکت سابق مجدداً فعالیت خود را در آبادان تجدید کند، از این رو مورد موافقت ایران قرار نگرفت وبالنتیجه روز ۳۱ مرداد استوکس با همراهان تهران را بعزم لندن ترک گفت .

اعزام کشتی های جنگی

بلافاصله جلسه فوق العاده کابینه انگلیس تشکیل گردیدو بازچندین کشتی جنگی بریتانیا در برابر آبادان لنگر انداخته ، وجنگ اعصاب بوسیله رادیوها ومطبوعات انگلستان علیه ایران شروع شد .

مقارن نیمه شهریور ماه دولت ایران اولین اولتیماتومی برای پایان کار کارشناسان انگلیسی تهیه کرد و آنرا برای هاریمن بواشنگتن فرستاد تا بدولت انگلیس تسلیم نماید ولی هاریمن از انجام این مأموریت خود داری کرد . دولت بریتانیا برای آنکه دولت ایران را در فشار ومضیقهٔ اقتصادی قراردهد قرارداد پولی خود را با ایران لغو کرد واین امر بلافاصله مورد اعتراض ایران قرار گرفت .

دراینموقع هیئت مدیره موقت درخرمشهر آبادان و بندر معشور همچنان بکار خود ادامه میداد، ولی بقیه کارشناسان انگلیسی با وجود موافقت دولت ایران برای ادامهٔ کار آنها، معهذا هنوز روش خود را روشن نکرده بودند .

اولتیماتوم ایران

باینجهت روز ۲ مهرماه از طرف نخست وزیر ابلاغیه ئی خطاب بهیئت مدیره موقت درخرمشهر صادر شد وضمن آن متذکر گردید که چون کارشناسان انگلیسی حاضر بادامه خدمت درشرکت ملی نفت نشدند باید ازروز ٤ مهرماه ظرف هفت روزخاك ایران را تخلیه کنند . وقتی این خبر باطلاع دولت بریتانیا رسید ، بلافاصله وزرای خارجه ودفاع انگلستان که بواشنگتن رفته بودند تلگرافی بلندن احضار شدند، و جلسه فوق العاده کابینه انگلیس تشکیل گردید .

چون وخامت اوضاع دراین لحظه بمنتها درجه شدت رسیده بود، رادیوها

وآژانسهای خارجی پی‌درپی ازاعزام نیروی انگلیس بطرف مرزغربی وسواحل جنوبی ایران سخن میگفتند ، از اینروازطرف دولت نیروهای موتوریزه وقوای پیاده وهواپیما وچندین آتشبار ضد هوائی بجنوب فرستاده شد و نیروی مزبور درمرزعراق وساحل آبادان وخرمشهربحال آماده باش درآمد .

خروج آخرین دسته کارشناسان

روز ٦ مهرماه خبرگزاریهای خارجی اطلاع دادند که دولت انگلیس در نظردارد ازایران بشورای امنیت شکایت کند ، وازفروش نفت ایران نیز درسراسر گیتی جلوگیری نماید . دراینموقع چشم کلیه محافل بین‌المللی متوجه ایران و حوادث شگرفی بود که‌دراین کشورجریان‌داشت. درنیویورك اعلام شد که(ایران خطرناکترین وقابل انفجارترین نقطهٔ دنیاست) .

درتهران نیز برای شرکت ایران درشورای امنیت اقداماتی صورت گرفت و سپس اعلام شد که دکترمصدق شخصاً برای رد عرضحال انگلستان باتفاق هیئتی به‌نیویورك خواهد رفت‌چون به ضرب‌الاجل‌وپایان اتمام حجت دولت‌ایران بیش ازدو روز باقی‌نمانده بود، روز چهارشنبه ۱۰ مهرو پنجشنبه ۱۱ مهرماه آخرین دسته کار شناسان انگلیسی خاك ایران را تـرك گفته وبوسیله کشتی جنگی موریشس آبهای ساحلی‌ایران راترك گفتند.



سرلشگر زاهدی

پایان موفقیت‌آمیزامرخلع ید ، صرفنظر ازبیداری وهشیاری نیروهای‌انتظامی وهیئت مدیره‌موقت ، مرهون زحمات و کوششهای سرلشگرزاهدی وزیر کشور بود که در آنروزهای حساس وخطرناك وباوجودآنهمه تحریکات خارجی نگذاشت زحمات ملت‌ایران بربادرود ، وسرانجام براثر کاردانی یکمرد سیاسی‌یعنی دکترمصدق

وشهامت وازخود گذشتگی یکمرد نظامی یعنی سرلشگر زاهدی اینکار با موفقیت بی‌نظیری پایان یافت .

بسوی شورای امنیت

عصرروز ۱۰ مهرماه دکتر مصدق به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شد ومدت



دکتر مصدق پس ازاخذ تعلیمات لازم ازشاه بسوی امریکا حرکت میکند

سه ساعت جریان مسافرت خودرا بشورای امنیت برای اعلیحضرت همایونی تشریح

کرد ، و ازطرف شاهنشاه نیز دستور ها و تعالیم لازم بدکتر مصدق داده شد .

بامداد روز یکشنبه ۱۶ مهرماه نخست‌وزیر باتفاق همراهان بسوی نیویورك پرواز کرد و پس‌از دوروز وارد نیویورك شد ودربیمارستان آنشهر بستری گردید. سپس درجلسات شورای‌امنیت حضوریافت ودرروزهای ۲۲و۲۳ و۲۴مهرماه‌دربرابر نمایندگان ملل، محرومیت‌های‌ملت‌ایران وتجاوزات شرکت‌سابق‌را برای آنان تشریح نمود وازحقانیت ملت‌ایران‌دفاع کرد .

بالاخره شورای امنیت پس‌ازاظهارات نمایندگان دو کشور، درجلسه روز ۲۶مهرماه بنابه پیشنهاد نماینده فرانسه،اعلام نمود که عرضحال دولت انگلستان را تااعلام‌رأی دادگاه لاهه مسکوت‌خواهد گذاشت.

دراینهنگام شاهنشاه که بانهایت‌دقت مراقب‌اوضاع بود وجریانات سیاسی کشورومبارزه ملت‌ایران‌را بایك‌کمپانی استعماری بزرگ‌اززیرنظر میگذرانند ، وقتی از نتیجه رأی شورای امنیت اطلاع یافت بلافاصله تلگرافی برای دکترمصدق مخابره کرد و طی آن موفقیت نخست وزیر خودرا در شورای‌امنیت تبریك گفت.

فعالیت در واشنگتن

دکترمصدق پس‌ازخاتمه کارشورای امنیت ، ازنیویورك به فیلادلفی رفت ودرتالاراستقلال آنشهرنطقی‌ایراد کرد، سپس‌بواشنگتن عزیمت نمود وبا ترومن ملاقات کرد .

آنگاه طی‌چندین هفته اقامت خود درواشنگتن با آچسن وزیرخارجه و مك‌کی معاون وزارت خارجه امریکا وسایرشخصیت های‌آن کشور برای بجریان افتادن نفت ایران بمذاکره پرداخت. ولی بدون آنکه هیچگونه نتیجه‌ئی ازاین مذاکرات عایدشود ، عازم‌بازگشت بایران گردید.

دراین‌موقع خبررسیدپالایشگاههای نفت آبادان که ازرمان اخراج کارشناسان انگلیسی‌ازکارافتاده بود براثرسعی‌و کوشش مهندسین‌وکارگران ایرانی

مجدداً بکار افتاد و (مشعل آبادان باردیگر روشن گردید) این موفقیت مهندسین ایرانی درامریکا و انگلستان با شگفتی بسیار تلقی گردید، زیرا دستگاههای تبلیغاتی شرکت سابق تاآنوقت چنین شایع کرده بودند که اگر کارشناسان انگلیس خاك ایران را ترك کنند، دیگر کسی نیست که تأسیسات عظیم نفت را بکار اندازد وحال آنکه با بکار افتادن دستگاه شماره ۷۰ بیهوده و یاوه بودن این تبلیغات بخوبی ثابت گردید.

مراجعت بمصر و ایران

دکتر مصدق در آخرین روزهای اقامت خود در واشنگتن از دولت امریکا تقاضای وام کرد، ولی این تقاضا بر اثر کارشکنی و مداخلات انگلستان از طرف دولت امریکا مورد موافقت قرار نگرفت و در نتیجه روز ۲۶ آبان هیئت اعزامی ایران امریکا را ترك گفتند.

چون قبل از عزیمت هیئت نمایندگی ایران نحاس پاشا نخست وزیر مصر از دکتر مصدق دعوت کرده بود که هنگام بازگشت از امریکا مسافرتی هم بمصر نماید، از این رو نخست وزیر روز ۲۸ آبان وارد قاهره شد و سه روز در آن کشور اقامت نمود و مورد پذیرائی شایان توجهی قرار گرفت.

آنگاه روز جمعه اول آذر از مصر بسوی ایران پرواز کرد و دو روز بعد گزارش مسافرت خود را بشورای امنیت، بمجلس شورایملی داد. ازاین پس تا مدتی موضوع نفت چه در ایران وچه درمحافل بین المللی تقریباً مسکوت ماند، ودولت وقت خود راصرف تهیه مقدمات انتخابات دوره هفدهم قانون گذاری کرد.

روز شنبه ۱۰ دیماه ۱۳۲۰، هیئتی ازطرف بانك بین المللی وارد ایران شدند، و پس از اینکه مدت چندروز با اولیای امور دولت ایران در باره مسئله نفت وارد مذاکره گردیدند، بخوزستان مسافرت کرده و ازتأسیسات نفت جنوب بازدید نمودند.

مذاکرات هیئت نمایندگی بانك بین المللی تاروز ۲۲ دیماه بطول انجامید وچون اعضاء هیئت دارای اختیارات کافی نبودند قرارشد بامریکا بازگردند وپس ازمدت کوتاهی معاون بانك بین المللی برای ادامه مذاکرات بایران بیاید.

تعطیل کنسولگریها

در روزهائیکه هیئت مزبور در ایران اقامت داشتند، باردیگر مناسبات ایران وانگلیس تیره شد وازطرف وزارت امور خارجه روز ۱۸ دیماه یادداشت

اعتراضیه‌ای برای سفارت انگلیس فرستاده شد وضمن آن نسبت بمداخلات مامورین انگلیسی در امور داخلی ایران اعتراض بعمل آمد .

بدنبال این نامه ، سه روز بعد یك نامه و یك یادداشت دیگر برای سفارت کبرای انگلیس ارسال شد ، واعلام گردید که کلیه کنسولگریهای بریتانیا در شهرستانهای ایران باید تا روز ۳۰ دیماه منحل شود .

این امر سروصدای زیادی درمحافل سیاسی خارجی برپا کرد ، ومطبوعات گیتی این موضوع را باحروف درشت در نخستین صفحات خود منتشر نمودند .

درخلال این احوال سفارت انگلیس در نامه جوابیه خود منکر مداخلات مأمورین کنسولگریها در امور داخلی ایران گردید .وزارت امورخارجه برای اثبات این مدعا اسنادی دائر بر مداخله مأمورین انگلیس بسفارت بریتانیا فرستاد و نسخه‌هائی از آنرا نیز در مطبوعات منتشر ساخت .

هیئت نمایندگی بانک بین المللی

روز ۲۱ بهمن ماه ۱۳۳۰ گارنر معاون بانك بین المللی باعده‌ئی ازاعضاء بانك برای ادامهٔ مذاکرات درباب نفت بایران آمدند و با اولیای دولت وارد مذاکره شدند . پس از آن دوتن از اعضاء بانك مأموریت یافتند که پیشنهاد ها و شرایط دولت ایران را برای حل مسئله نفت باخود بلندن ببرند و پس از تبادل نظر با مقامات مسئول انگلستان مجدداً بایران باز گردند .

اینکار انجام شد و نمایندگان مزبور پس ازشورومذاکره با مقامات شرکت سابق درلندن ، بتهران مراجعت کردند ، ولی مذاکرات هیئت پس ازآنکه مدت پنج هفته بطول انجامید ، بدون اخذ هیچگونه نتیجه تهران را ترك گفتند .

گارنر.

مسافرت شاه و ملکه بشیراز

از این پس تا اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ هیچگونه اتفاق فوق العاده ئی روی نداد جز آنکه روز ۷ اردیبهشت دوره ۱۷ قانونگزاری بوسیله اعلیحضرت همایونی افتتاح شد.



اعلیحضرت شاه و علیا حضرت ملکه ثریا موقع رژه در تخت جمشید
آقایان علاء سرلشکر عمیدی انصاری استاندار حضور دارند

پس ازافتتاح مجلس شورایملی .اعلیحضرت همایونی وعلیاحضرت ملکه ثریا برای گشایش آرامگاه سعدی ولوله کشی شیراز، وهمچنین مشاهده آثارتاریخی ایران درتخت جمشید وپازارگاد بسوی شیرازعزیمت کردند. مسافرت شاهنشاه وملکه ثریا بصفحات جنوب بااستقبال بی نظیراهالی شاهدوست ومیهن پرست فارس مواجه گردید.

شاه وملکه آرامگاه سعدی شاعرشیرین سخن راافتتاح کردند، وبعد لوله کشی شهرشیرازرا که بهمت نمازی یکی ازبازرگانان مشهورونیك سرشت ایرانی انجام یافته بود افتتاح نمودند، وآنگاه ازآثارتاریخی تخت جمشید وپازارگاد بازدید کرده سپس بتهران بازگشتند

« بایرود » درتهران

دراین هنگام مجلس هفدهم شروع بکار کرد، ولی درهمان نخستین جلسات مجلس صحنه کارزاروجدال بین نمایندگان مخالف وموافق دولت گردید.

چون مسئله نفت هنوز همچنان لاینحل مانده بودقرارشد بایرود معاون وزارت امور خارجه ورئیس اداره خاورمیانه امریکابایران مسافرت کند وازنزدیك بااولیای امور دولت ایران دراین باره مذاکره نماید. اینکارانجام شدوروز ۲٤ اردیبهشت ماه بایرودوارد تهران گردیدو بلافاصله بحضوراعلیحضرت همایونی شرفیاب گردید وبعد با نخست وزیرملاقات کردوپس ازدو روزاقامت، تهران رابمقصد بغداد ترك گفت.

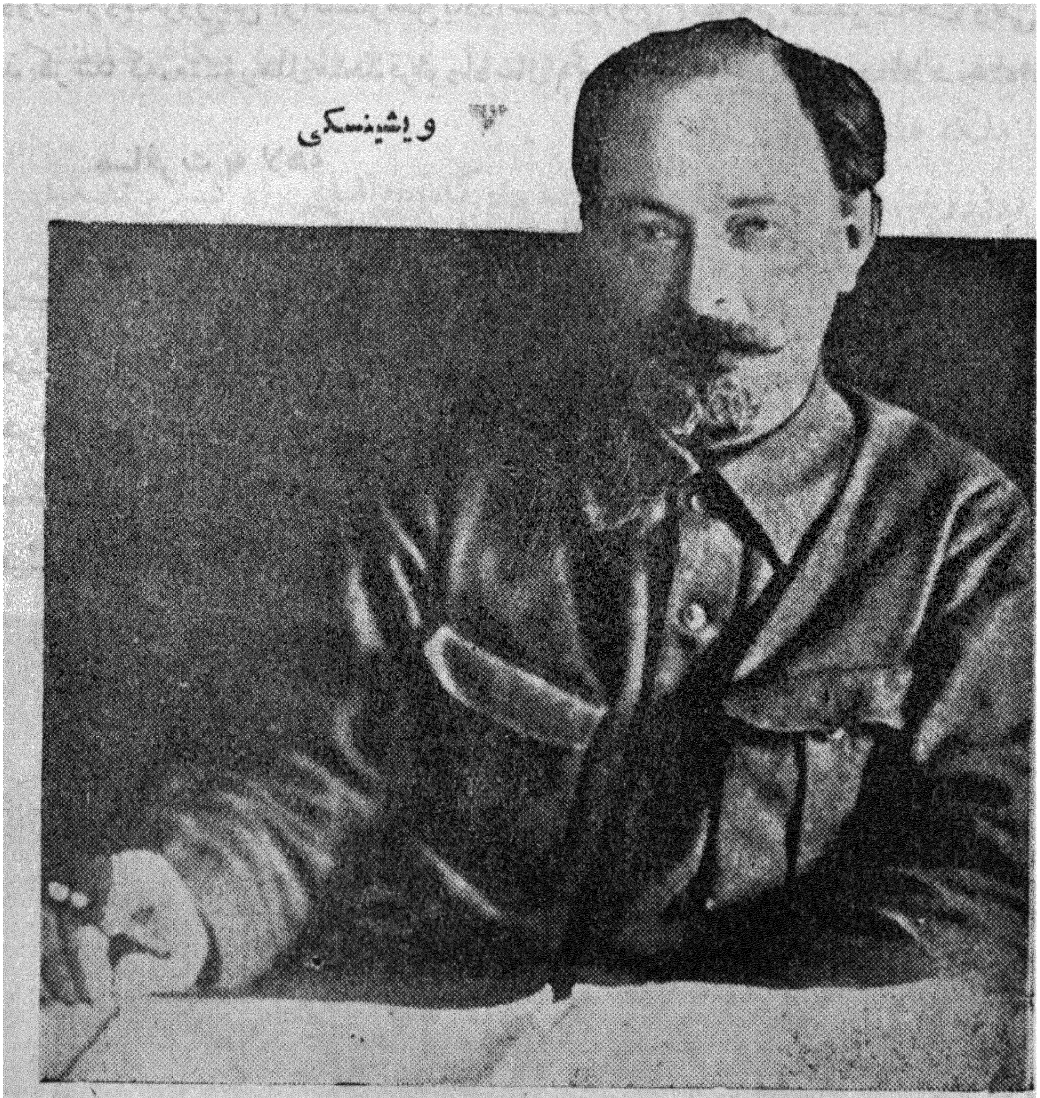


بایرود معاون وزارت امورخارجه

یادداشت اعتراض شوروی

موضوعی که درنخستین روزهای خرداد ماه، باردیگرتوجه محافل بین المللی

رابجانب ایران معطوف داشت، یادداشت اعتراض دولت شوروی بایران بود.
روز۳خرداد ۱۳۳۱ ، ویشینسکی، وزیرامور خارجه شوروی یادداشت اعتراضی



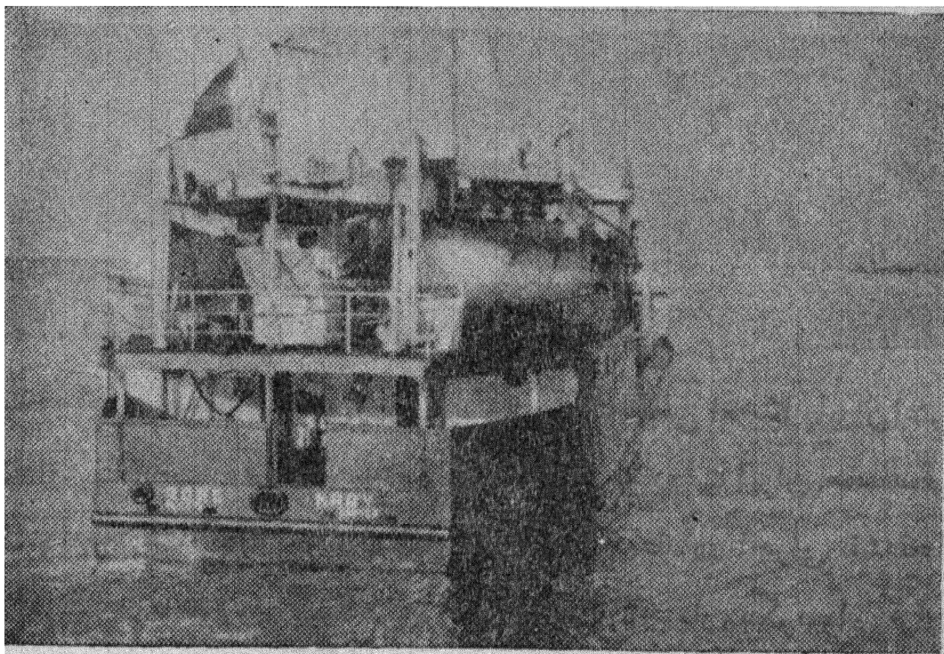
بسفارت ایران درمسکو فرستاد، ودر آن نسبت بکمك نظامی امریکا بایران اعتراض نمود، ومتذکر شد که «قبول کمك نظامی امریکا ازطرف دولت ایران، مخالف قرارداد سال ۱۹۲۱ است وایران باقبول این کمك نظامی، علناً در اجرای نقشه تجاوزکارانه امریکا علیه شوروی کمك کرده است» وپس ازآن باردیگر بمواد قرار داد ۱۹۲۱ اشاره نمود. این یادداشت اعتراض آمیز که ازآن بوی خطر استشمام میشد ومخصوصاً استناد بقرارداد سال ۱۹۲۱ موجب گردید که محافل سیاسی غرب با

دقت فوق العاده‌ئی این جریانات راازنظر بگذرانند . ضمناً وزارت امورخارجه امریکا برای آنکه فکرهر گونه تجاوزرا ازمخیلهٔ اولیای امورشوروی نسبت به ایران دورسازد یکروزپس ازانتشارمتن یادداشت شوروی ، بیانه‌ئی منتشرساخت وطی آن متذکر شد که «منشورملل متحد قرارداد سال ۱۹۲۱ را ازدرجهٔ اعتبار ساقط ساخته است»

مسافرت به لاهه

چون در این هنگام دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه ، خود را برای رسیدگی بشکایت انگلیس علیه ایران آماده میکرد ، از این‌رو دکتر مصدق هیئتی را برای‌عزیمت به لاهه انتخاب نمود وروز ٦ خرداد به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شد ، ومدت‌دوساعت در باره مطالبی که باید در دیوان لاهه گفته شود توضیحاتی باعلیحضرت همایونی‌داد . سپس‌روز چهارشنبه ۷ خرداد باتفاق اعضاء هیئت نمایندگی ایران بسوی لاهه عزیمت کرد .

در این هنگام اطلاع رسید که نخستین کشتی ایتالیائی بنام «روزماری» از



کشتی روزماری

طرف شرکت «اپیم» که نخستین شرکت خریدار نفت ایران بود، در کرانه بندر معشور لنگرانداخت ومشغول بارگیری نفت شد. بهرحال روزجمعه ۹ خردادماه دکترمصدق بانخست‌وزیر هلندملاقات کرد وروز ۱۴ خرداد نیز بکاخ سلطنتی ژولیانا ملکه هلندباریافت.

روزدوشنبه ۱۹خرداد نخستین جلسه دادگاه بین‌المللی دادگستری تشکیل یافت، ودکترمصدق ضمن دفاعیکه ازحقانیت ایران کرد، شکایت دولت انگلیس را ردنمود وسپس خطاب بقضات دادگاه گفت «شمانباید ملت کوچکی را که برای احقاق حق خودقیام کرده، ازحق خودمحروم کنید»

بعدپروفسور «هانری رولن» حقوقدان مشهوروو کیل مدافع ایران آغازبسخن کرد ودریك بحث جامع حقوقی، با ۹دلیل عدم‌صلاحیت دادگاه‌را برای رسیدگی باختلاف ایران وانگلیس اعلام کرد، ومتذکر شد که «ادعای دولت انگلیس مخالف کلیه قوانین بین المللیست، ودر این ماجرا حق مسلم باملت ایران است»

سپس دادستان کل انگلستان بنمایندگی ازطرف آن کشور بیانات مبسوطی ایراد کرد و باظهارات نماینده ایران پاسخ‌داد، وسعی کرداقدام دولت ایران‌را درملی کردن صنعت نفت، بعنوان مصادره اعلام‌نماید.

پروفسوررولن

جنجال روزماری

درروزهائیکه دیوان‌لاهه باختلافات ایران وانگلیس رسیدگی میکرد، کشتی نفتکش‌روزماری، پس‌ازبارگیری قریب هفتصدتن نفت بسوی ایتالیا بازگشت ولی‌ازهمان روز نخست اعلام شد که روزماری درودریا مفقود گردید، وهیچگونه خبری ازاودردست نیست.

بیسیم‌ها وکشتیها و هواپیماها پی درپی سعی میکردند که اطلاعی از این کشتی کوچك نفتکش بدست آورند ، ولی هیچگونه خبری ازآن بدست نیامد. اینموضوع جنجال بزرگی در مطبوعات غربی برپا کرد ، بطوریکه اکثر روزنامه های جهان ماجرای گمشدن اسرار آمیز نفتکش روزماری را درآبهای بین خلیج فارس ودریای عمان واقیانوس هند مورد بحث وتفسیر های گوناگون قراردادند.

سرانجام روز ۲۸ خرداد خبررسید که نفتکش روزماری براثر تبانی بامقامات انگلیسی درساحل بندرعدن لنگر انداخته ، ومحموله آن بدستورداد گاه مستمراتی عدن توقیف شده است.

مراجعت از لاهه بایران

دراین موقع دادگاه لاهه اعلام کرد که رأی خود را در باره صلاحیت یا عدم صلاحیت دادگاه برای رسیدگی بشکایت بریتانیاعلیه ایران تاچندهفته دیگر اعلام خواهد کرد ، و با این وضع چون اقامت هیئت نمایندگی ایران بیش از این درآنجا لازم بنظرنمیرسید ، لذا نخست وزیربا همراهان خود ازهلند بسوی ایران مراجعت کرده وروز سه شنبه‌سوم تیر وارد تهران گردیدند .

بلافاصله نخست‌وزیربه پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شد ودر یك جلسه طولانی جزئیات جریان دادگاه ومذاکرات طرفین را باطلاع اعلیحضرت همایونی رساند.

درخلال این احوال چون اوضاع اقتصادی ایران روز بروز وخیم ترمیشد و از حل مسئله‌نفت نیز ، با وجودمسافرت‌هیئت‌های نمایندگی متعدد هیچگونه خبری نبود ، زمزمه های مخالفت آمیز علیه دکتر مصدق وروش شدید او درحل مسئله نفت آغاز گردید ، و این زمزمه های مخالف از مجلس بمطبوعات ، و از مطبوعات باجتماعات ومردم نیزسرایت کرد .

تهدید باستعفا

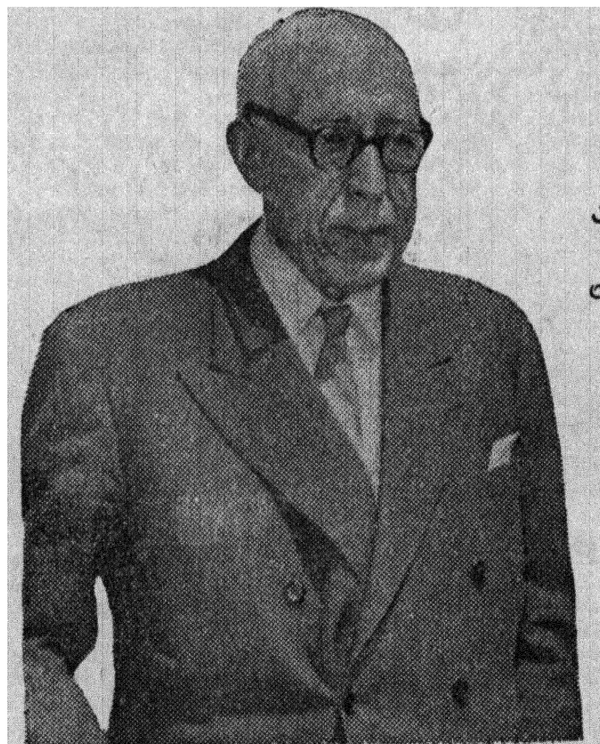
دکتر مصدق که میخواست باقدرت و اختیارات تام بکار خودادامه دهد، پس از تشکیل مجلس هفدهم چون طبق قانون میبایستی استعفای دولت را بمجلس

تقدیم کند تامجلس نظرخویش رادرباره دولت جدید ابرازدارد، از نمایندگان خواست که زودتر مجلس راتشکیل دهند و درصورتیکه بادامه نخست وزیری او علاقمند هستند به دولت وی رأی تمایل دهند. ولی چون مجلس تشکیل نگردید، روز ۱۲ تیرماه نامه‌ئی به پیشگاه شاهنشاه تقدیم کرد ودرآن متذکرشد که اگر مجلس شورایملی تا روز ۱۷ تیر آماده بکار نشود استعفاخواهد داد.

روز ۱٤ تیر نیز بحضور شاهنشاه شرفیاب شد وخواست استعفای خودرا تقدیم کند ولی اعلیحضرت همایونی بااستعفای مشارالیه موافقت نکردومجلسین هم بلافاصله بتجدید زمامداری دکترمصدق اظهارتمایل کردند ودرنتیجه روز ۱۹ تیر باردیگر فرمان نخست وزیری دکترمصدق ازطرف اعلیحضرت همایونی موشح گردید.

حوادث سی ام تیر

دراین هنگام ضمن ملاقاتهائی که عده‌ئی از نمایندگان عضوجبهه ملی با دکترمصدق کردند، نخست وزیر بآنها اظهارداشت که برای ادامه زمامداری باید با قدرت بیشتری بکارخودادامه دهدازاین رومایلست ازطرف مجلس شورایملی اختیاراتی برای مدت شش ماه باوداده شود، و بعلاوه فرماندهی کل قوانیز بعهده او واگذار گردد.

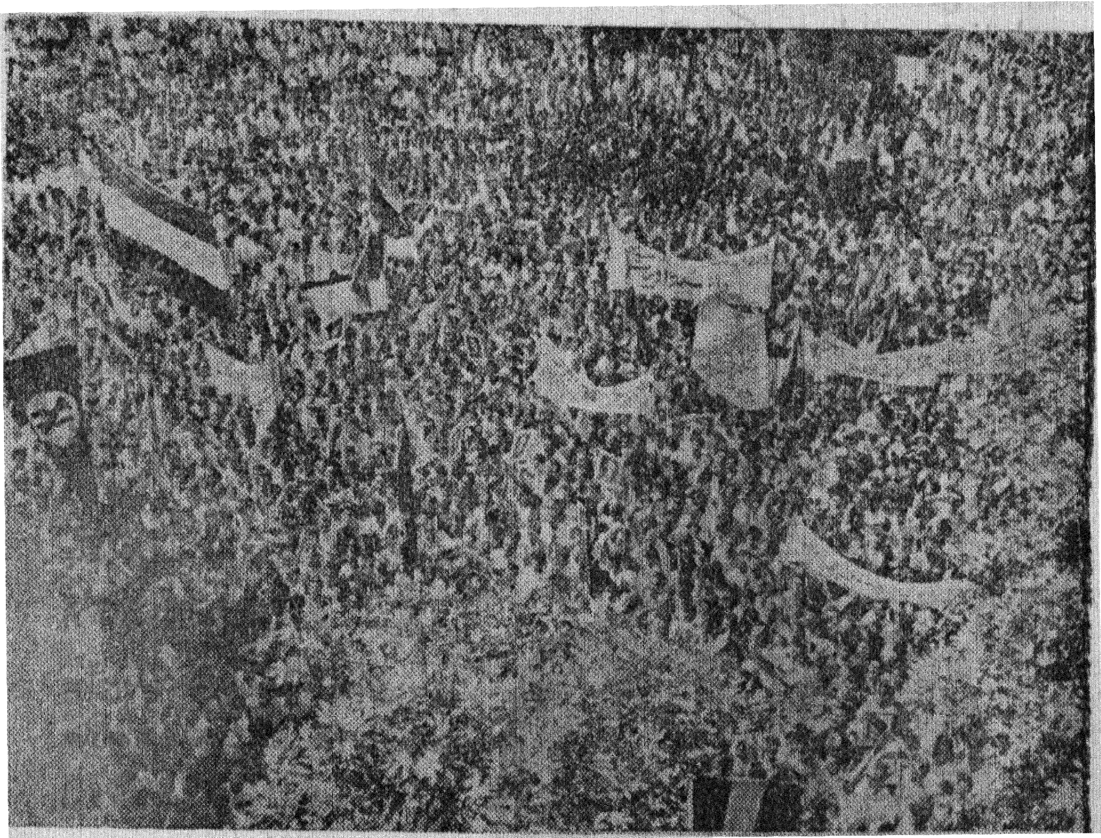


قوام السلطنه پس ازدریافت فرمان نخست وزیری

این دو موضوع از نظر عده‌ئی از نمایندگان مخالف قانون اساسی بود لذا عدم موافقت خودرا با این امر اعلام داشتند. ازاین روروز ۲۵ تیردکتر مصدق به پیشگاه شاه شرفیاب شد و استعفاء خودراازمقام نخست وزیری تقدیم کرد.

روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه مجلس شورایملی برای تعیین نخست وزیر آینده تشکیل جلسه داد وبنخست وزیری قوام السلطنه اظهارتمایل کرد ، ودر نتیجه روز ۲۷ تیر فرمان نخست وزیری اوازطرف اعلیحضرت همایونی صادر گردید.

طرفداران دکترمصدق ازروزشنبه ۲۸ تیرماه شروع بتظاهراتی علیه دولت جدید کردند ودر نتیجه درخیابانهای پایتخت زدوخوردهائی بین آنان ومأمورین انتظامی رویداد که عده زخمی و گروهی بازداشت شدند .



توده ایها مشغول میتینگ برعلیه قوام السلطنه هستند

درآبادان واهواز نیزکارگران مؤسسات نفت علیه دولت جدید تظاهراتی کردند ودراین اثناء نمایندگان جبهه ملی مردم پایتخت را برای دادن میتینگ در روز دو شنبه ۳۰ تیر دعوت نمودند ضمناً این روز را تعطیل عمومی اعلام کردند. قیافه پایتخت ازبامداد روز ۳۰ تیر بکلی تغییر یافت ، ودر کلیه خیابانهای مرکزی شهر زد و خورد های شدیدی بین تظاهر کنندگان مخصوصاً توده ها و مامورین

انتظامی رویداد وصدای شلیك گلوله از ساعت ۸ بامداد تا دو ساعت بعد ازظهر بلا انقطاع بگوش میرسید . سر انجام شدت تشنج اوضاع موجب گردید که ساعت پنج بعد ازظهر قوام السلطنه استعفاء داد .

درحوادث ۳۰تیر نقش‌اساسی راافراد حزب‌توده بعهده داشتند که هر دم آتش انقلاب رابیشتردامن میزدند .



سرلشگر گرزن

پس‌از استعفاء قوام دکترمصدق مجدداً مأمور تشکیل کابینه گردید ،وچون جمعی‌از فرماندهان ورؤسای قسمتهای انتظامی‌مانند سرلشگر کوپال رئیس‌شهربانی وسرلشکر علوی‌مقدم فرماندار نظامی سرلشگر گرزن رئیس ستادارتش مورداتهام‌قرار گرفته بودند ازکاربر کنار شدند ،وحال‌آنکه این‌اشخاص جزانجام وظیفه وجلوگیری ازانقلاب‌وغارت شهر وقتل زنان ومردان وکودکان بیگناه هیچگونه گناهی نداشتند .



سرلشگرعلوی مقدم



سرلشگر کوپال

رأی دیوان لاهه

روز سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۳۱ دادگاه لاهه رأی خودرا صادر کرد و اعلام داشت که صلاحیت رسیدگی بشکایت انگلیس واختلاف دو کشور را ندارد .

جریان دادگاه لاهه که به پیروزی ملت ایران وشکست انگلستان تمام شد غوغای بزرگی درمحافل داخلی وخارجی برپا کرد وموجب گردید که تظاهرات زیادی درتهران وشهرستانها بعمل آمد .

روز ۲ مرداد دکترمصدق به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شد ومدت سه ساعت مشغول مذاکره بود . دراین مذاکرات باردیگر دکترمصدق ازاختیارات بیشتری برای اداره امور مملکت سخن گفت و تقاضا کرد که پست وزارت جنگ نیزباو واگذار شود .

اعلیحضرت همایونی برای آنکه این امرموجب اختلاف وتشنج دیگری نشود باتقاضای اوموافقت کرد ودرنتیجه روز ۴ مرداد دکترمصدق کابینه خود را به پیشگاه شاه معرفی کرد .

مقارن این احوال قهرمانان ایرانی که در مسابقات المپیاد فنلاند شرکت کرده بودند به پیروزیهای بزرگی نائل آمدند. ازجمله تیم‌های کشتی ووزنه برداری موفقیتهای درخشانی بدست آوردند که موجب تمجیدجهانیان گردید .

اختیارات ششماهه

روزیکشنبه ۱۲ مرداد ، مجلس شورای ملی که ظاهراً قوام السلطنه رامسبب حوادث ۳۰ تیرشناخته بود رأی بضبط اموال قوام داد وموافقت کرد که وی تحت تعقیب قرارگرفته ومحاکمه شود .

درجلسه روز ۲۰ مرداد نیزمجلس بااعطاء اختیارات ششماهه بدکتر مصدق موافقت کردوبدین ترتیب وی دارای چنان قدرتی شد که تاآنوقت هیچ دولتی موفق بکسب اینهمه امتیاز نائل نشده بود ، وبااینجهت هم انتظار داشتند که وی بتواند علاوه برحل مسئله نفت قدمهای بلندی درراه اصلاح مملکت بردارد .ولی متأسفانه بطوریکه بعداً شرح خواهیم داد اشتباهاتی که دکترمصدق دراداره امور مملکت

مرتکب شد ، مخصوصاً عملیات اطرافیان بدو مشکوك وی را براهی کشاند که نزدیك بود استقلال وآزادی ایران بیکباره محوونابود گردد، و ایران نیزدر شمار یکی ازجمهوریهای پشت پرده آهنین قرار گیرد .

این باغ خانه شماست

روزسه شنبه ۲۱ خرداد، اعلیحضرت همایونی بدنبال تقسیم املاك سلطنتی بکشاورزان ودهاقین، اسناد مالکیت ۱۱ قریه دیگرازدهات ورامین را بین روستائیان آن سامان تقسیم کردند .

دراین روز کشاورزان که بکاخ سلطنتی سعدآباد رفته بودند ، مورد تفقد و عنایت فوق العاده شاهنشاه قرار گرفتند بطوریکه اشك شوق از چشمان همه آنها جاری شد . شاهنشاه پس از تقسیم اسناد مالکیت بین روستائیان با مهربانی خاصی بآنان گفت (این باغ هم خانه شماست)

تفقدوعنایات شاهانه چنان در روستائیان اثر کرد که جمعی بدست و پای شاه افتادند وبدان بوسه زدندوآمادگی خودرا برای هر گونه فداکاری اعلام داشتند و بدین ترتیب اعلیحضرت روز بروز محبوبیت بیشتری دربین مردم کسب کرده و توانستند قلوب افراد ملت خودرا تسخیر نمایند .

روز ۲۲ مرداد نیزاسنادمالکیت هفتصد کشاورز دیگراز قراء ورامین بین آنان تقسیم گردید.

بازنشسته کردن افسران

دراینموقع دکترمصدق که علاوه برنخست وزیری مقام وزارت دفاع ملی را نیزعهده‌دار بود ، براثرعدم آشنائی بوضع ارتش و گزارشهای خلاف واقع مغرضین دست بیك سلسله عملیاتی زد کهموجب متلاشی شدن ارتش گردید . از جمله روز اول شهریور ماه یك سپهبدوچهار سرلشکر وده سرتیپ را که سالیان دراز تجربه اندوخته ،ودرمیدانهای جنگ فداکاریها کرده ، ومبالغ گزافی ازبودجه مملکت صرف تربیت آنهاشده بود تادرچنین روزی بوطن خودخدمت کنند ، ازکاربرکنار و بازنشسته کرد .

این امر انعکاس نامطلوبی در محافل مختلف مخصوصاً درمیان افسران ارتش بخشید، بطوریکه یك عدم رضایت عمومی در بین آنان نسبت باین جریانات پدیدار گردید بطوریکه روز بروز از محبوبیت دکتر مصدق در بین افسران کاسته میشد.

پیام مشترك ترومن و چرچیل

مقارن این احوال (آلتون جونز) رئیس کمپانی نفت (سیتیز سرویس) امریکا برای معامله نفت با ایران و بازدید تأسیسات نفت این کشور بایران آمد و مشغول فعالیت شد، ولی فعالیتهای او بدون آنکه هیچگونه نتیجه مثبتی را ببار آورد خاتمه یافت و وی بامریکا مراجعت کرد

روز شنبه ۸ شهریور ۱۳۳۱، پیام مشترکی از طرف ترومن رئیس جمهوری امریکا و چرچیل نخست وزیر انگلستان برای دولت ایران رسید. نخست وزیر به حضور شاهنشاه رفت و مدتی در پیرامون پیام مشترك توضیحاتی داد و سپس کمیسیونی برای رسیدگی باین پیشنهاد تشکیل گردید، و چون چنین تشخیص داده شد که انگلیس و امریکا با این پیشنهاد درصدد احیای قرارداد ۱۹۳۳ و تجدید فعالیت شرکت سابق در ایران هستند از این رو پیشنهاد فوق از طرف دولت ایران رد گردید.

چون از این امر هم نتیجه‌ئی حاصل نشد، دولت ایران درصدد برآمد برای



مستر جونز

بهبود وضع اقتصادیات خود که روز بروز وخیم‌تر میشد، از دکتر شاخت عالم اقتصادی معروف آلمان استفاده کند، از این رو طبق دعوتیکه از وی بعمل آمد دکتر شاخت

روز۱۸ شهریور بایران آمد و پس ازآنکه نظریات خود را بدولت تسلیم کرد روز ۲۳ شهریورماه خاك ایران را ترك گفت .

تهدید بقطع رابطه سیاسی

پس ازآن دولت ایران برای آنکه مذاکرات نفت را مسدود نکرده باشد پیشنهادهای متقابلی درجواب پیام مشترك چرچیل و ترومن تهیه کرد و روز ۲۵ شهریور تسلیم انگلیس وامریکا نمود .

دراین پیشنهاد باین نکته اشاره شده بود که اگر دولت انگلیس به فشارها وتضیقات خود ادامه داده وایران راهمچنان درمحاصره اقتصادی نگهدارد ومانع فروش نفت این کشورشود ، دولت ایران ناچار با انگلستان قطع رابطه سیاسی خواهد کرد

موضوع قطع رابطه سیاسی باانگلستان درلندن وواشنگتن ، همچنین در سایر کشورها انعکاس عمیقی بخشید ودولت امریکا را وادار کرد که برای جلوگیری ازوقوع این حادثه بتلاش افتد ، تامبادا خللی درارکان جبهه دفاعی خاورمیانه رویدهد ومشکلاتی ازاین حیث برای بلوك غربی ایجاد شود .

ازاین پس یادداشتهای متعددی بین ایران ازیکطرف و انگلیس و امریکا ازطرف دیگر مبادله شد که در آن هریك ازطرفین درباره پیشنهادهای خود توضیحاتی دادند ، ولی هیچیك ازآنها نظر طرف مقابل را نپذیرفت وبا آنکه دولت ایران پیشنهاد نمود که شرکت سابق نمایندگان تام الاختیار خودرا برای تجدید مذاکره بایران اعزام دارد ، معهذا این پیشنهاد هم مورد موافقت دولت انگلیس قرار نگرفت.

شایعه کودتا

حادثه غیر منتظره ئی که دراین هنگام رویداد موضوع دستگیری سر لشکر حجازی وچند نفر دیگر باتهام شرکت دریك نقشه کودتا بود .

طبق اعلامیه ئی که دولت روز ۲۱ مهرماه منتشر کرد ، متذکر شد که سر لشکر حجازی وچند نفر دیگر بمعیت سر لشکر زاهدی بنفع یك سفارتخانه خارجی فعالیت

نموده ودرصدد کردتا بوده‌اند ازاین‌رو سرلشکر حجازی و سایر افراد بازداشت شدند ولی سرلشکر زاهدی چون سناتور بوده از مصونیت سیاسی استفاده میکرد نتوانستند وی را باز داشت نمایند .



سرلشکر حجازی

روز بعد سرلشکر زاهدی که درآغاز نخست‌وزیری دکتر مصدق در نخستین کابینه‌او وزیر کشور بود اعلامیه‌ئی دررد اتهامات دولت منتشر کرد و مطالبی درهمین باب در مجلس سنا ایراد کرد که انعکاس فوق‌العاده‌ئی در کلیه محافل بخشید .

سرلشکر زاهدی ضمن اظهارات خود درجلسه روز ۲۳ مهر مجلس سنا بخدمات خود دردورهٔ ریاست شهربانی اشاره کردو توضیح داد که چگونه درمحیط نامساعد توانست آزادی انتخابات را تأمین کندو دکتر مصدق و یارانش را در انتخابات دوره شانزدهم بمجلس شورای ملی بفرستد .

سپس دردورهٔ نخست وزیری رزم آرا تاپای جان ازجبهه ملی تقویت کند ودر دورهٔ وزارت کشورخود برای تأمین استقلال و حاکمیت ایران وقطع نفوذ بیگانگان فداکاری نماید ، تاخلع یداز شرکت سابق بدون‌وقوع هیچگونه عواقب وخیم انجام یابد . سرلشکر زاهدی سپس متذکر شد که براثراختلاف نظری که باد کترمصدق دراداره امور کشوروتامین امنیت عمومی پیدا کرده بود از عضویت کابینه استعفاداد .

سپس بخدمات گذشته خوداز چهل سال پیش ببعد اشاره کردواز جنگهائی، که درآذربایجان علیه سمیتقو ، ودرتر کمن صحراعلیه ترکمانان ودرخوزستان علیه خزعل سلطان بی تاج و تخت آنسامان کرده بود ،وهمچنین به سه سال اسارت خود درچنگ انگلیس ها دردوران جنگ بین المللی دوم یاد نمود و متذکر شد پس از اینهمه فداکاریها،اکنون دکترمصدق چون خودرا دراداره مملکت عاجز می بیند، وازطرفی کاندیدای نخست وزیری هستم ،میخواهد باتهام فعالیت بنفع بیگانگان وشرکت در کودتا مرا ازمیدان مبارزه و صحنه سیاست خارج سازد.

این اظهارات لطمهٔ دیگری بود که بمحبوبیت و وجاهت دکترمصدق وارد ساخت، و این نکته را آشکارنمود که روزبروزاز شماره طرفداران و یاران مصدق کم میگردد.

قطع رابطه سیاسی با انگلیس

روز ٢٤ مهرماه دکترمصدق ضمن گزارشی که برای تقدیم بمجلس شورایملی تهیه کرد، ولی بعلت عدم تشکیل مجلس آنرا بوسیله رادیو منتشر ساخت، قطع رابطه سیاسی باانگلستان را اعلام نمود، وضمناً ازملت ایران دعوت کرد که بیش از پیش مراقب اوضاع باشند. وقتی این خبر در محافل بین المللی منتشر گردید سرو صدای زیادی ایجاد نمودو باردیگر حوادث ایران مورد توجه جهانیان قرار گرفت. در اینموقع دولت ایران ازدولت سوئد خواستار شد که حافظ منافع ایران درانگلستان شود، ودولت بریتانیا نیزازدولت سویس خواست که منافع آنکشوررادرایران حفظ کند، وبدین ترتیب روابط سیاسی ایران وانگلیس پس از ٩٣ سال بکلی قطع گردید.

کنگره پزشکی ایران

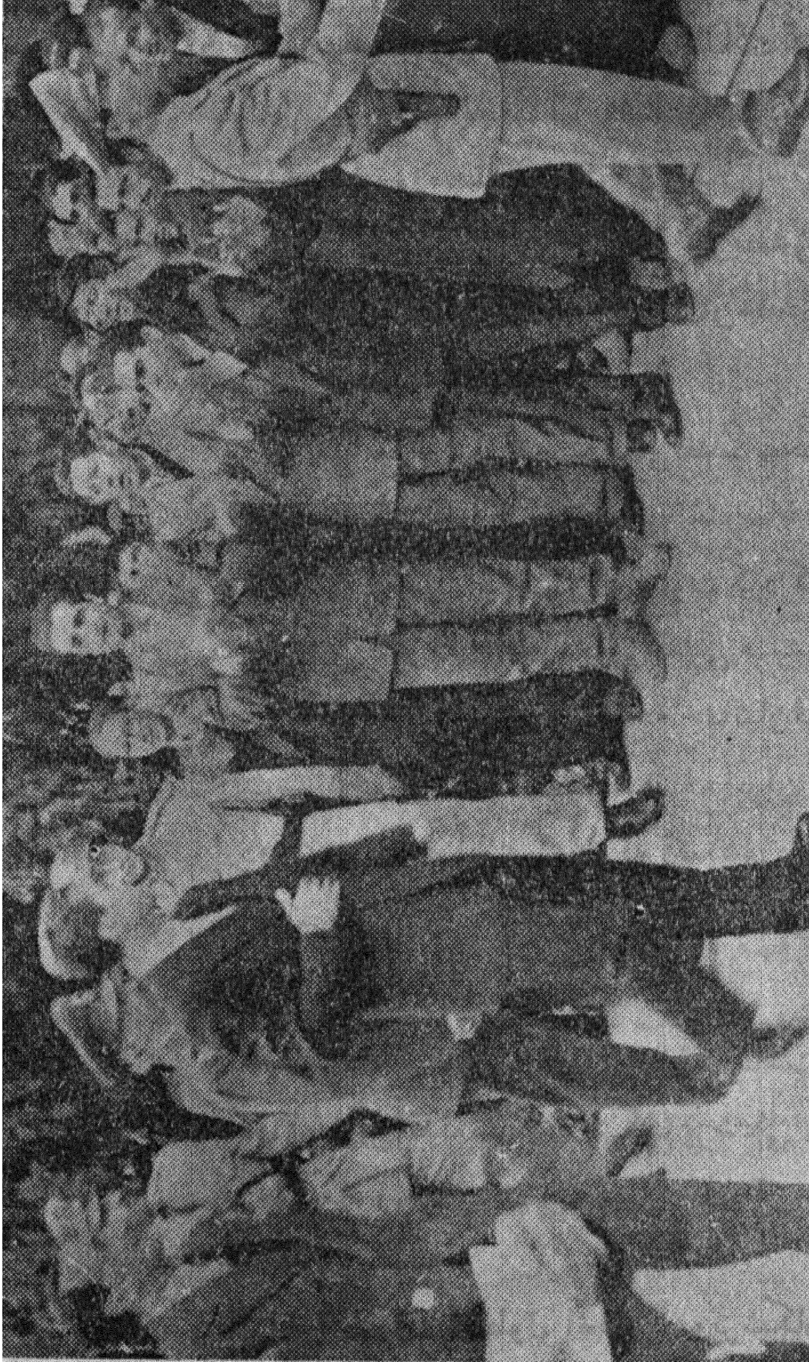
مقارن این احوال اقدامی که تاکنون درایران سابقه نداشت برای تامین بهداشت عمومی کشور بعمل آمد این اقدام تشکیل کنگره پزشکی در رامسر بود که باشرکت ١٥٠ پزشک عالیمقام انجام یافت ونخستین جلسه آن بوسیله علیا ـ حضرت ملکه ثریا افتتاح شد.

کنگره پزشکی ایران فقط دو روزبطول انجامید، وپزشکان واستادان عالیمقام تصمیم گرفتند برای مذاکره در اطراف مطالعات وتجربیات پزشکی وتأمین.

بهداشت کشورهرچند گاه یکبار دورهم جمع شوندودراینباره باهم تبادل نظر نمایند.

انحلال موقت مجلس سنا

روزاول آبان نمایندگان مجلس دورایملی ماده واحده‌ئی تصویب کردند



زارعین در موقع دریافت اسناد مالکیت خود از دست شاهنشاه ایران از احساسات زیاده
و باینوسیله از مراحم پدر تاجدار خود اظهار قدردانی میکنند

که طبق آن دورهٔ نمایندگی مجلس سنا از شش سال بدو سال تقلیل یافت. و بدنبال آن درهای مجلس بروی عموم سناتورها بسته شده دولت نیز که منتظر یکچنین اقدامی بود تا بمخالفت عده‌ئی از سناتورها خاتمه دهد وسایل اینکار را فراهم نمود و بدین ترتیب بفعالیت مجلس سنا موقتاً خاتمه داده شد.

روز ۳ آبانماه باردیگر اسناد مالکیت ۱۰۷ قطعه زمین از اراضی رودهن و محمدآباد کرج توسط شاهنشاه بین کشاورزان این دو ناحیه تقسیم گردید.



گوت

مقارن این احوال چون اوضاع اقتصادی کشور روز بروز بیشتر رو بوخامت مینهاد از اینرو بنا بدعوت دولت ایران (کامیل گوت) کار شناس مشهور اقتصادی باتفاق دو تن از همکاران خود برای سروصورت دادن باوضاع اقتصادی ایران وارد تهران گردید.

مسافرت بخوزستان

ازحوادث مهم آذر ماه ۱۳۳۱ مسافرت اعلیحضرت همایونی و علیا حضرت ملکه بخوزستان بود که باردیگر محبوبیت شاهنشاه را بین عموم طبقات کشور و ساکنین شهرستانهای ایران نشانداد.

روز ه آذرماه اعلیحضرت همایونی و علیا حضرت ملکه باعده‌ای از وزیران برای بازدید شهرهای خوزستان ومخصوصاً مناطق نفت خیز باقطار سلطنتی بطرف جنوب عزیمت کردند.

دربین راه ساکنین دهات وقراء وقصبات وهمچنین اهالی شهرستانها با وضع

بیسابقه‌ئی ازشاه وملکه استقبال کردند .در آبادان و خرمشهر و اهواز کارگران مناطق نفت‌خیز باچنان گرمی بیسابقه‌ئی از شاهنشاه استقبال نمودند که‌تا آنوقت نظیرآن مشاهده نشده بود.

مسافرت شاه‌وملکه مدت‌هفت‌روز بطول انجامید و روز ۱۲ آذرماه بتهران مراجعت کردند.

درخلال این احوال اختلافاتی که بین‌دولت وعده‌ئی‌ازنمایندگان‌مجلس رویداده بود روزبروز شدت‌می‌یافت ، بعلاوه‌دودستگی تازه‌ئی‌نیز بین‌اعضاء‌جبهه ملی پدیدارگردید.

اختیارات یکساله

دریك چنین اوضاع نامساعدی بود که دکترمصدق‌طی‌نامه‌ئی که بمجلس شورایملی‌نوشت‌و توسط وزیرداراِئی کابینه‌قرائت گردید،ازمجلس‌تقاضای‌یکساله اختیارات کرد .

اینموضوع موجب‌شد که‌مکی دبیروعضوفعال جبهه‌ملی‌ازنمایندگی‌مجلس استعفا دادوجمعی‌دیگرازاعضاء جبهه‌ملی‌ونمایندگان‌مبرزمجلس‌مانندحائری‌زاده ودکتربقائی شدیداً باآن مخالفت‌کردند و حتی آیت‌الله کاشانی رئیس مجلس شورایملی‌نیز طی‌نامه‌ئی که‌بمجلس نوشت‌اختیارات‌رامخالف‌قانون‌اساسی‌دانست واعطاء‌آنرا بدولت شدیداً منع کرد .

بااینحال براثرزمینه سازیهائی که طرفداران دولت‌درمجلس‌نمودند،واعطاء اختیارات را برای‌حل‌مسئله نفت‌لازم شمردند،ودرجلسه‌روز۲۹دیماه‌مجلس،لایحه اختیارات یکساله‌را تصویب کرد،تصویب‌اختیارات یکساله‌شکافی‌را که‌بین‌دولت ومجلس‌ایجادشده‌بود بیشتر کرد وروز بروز برد‌امنه‌اختلافات افزود و چون ادامه این وضع بحال مملکت زیانبخش بود، ازاین رو بر اثر میانجیگری عده‌ئی از نمایندگان وملاقاتهای پی‌درپی ،سرانجام روز۷بهمن‌ماه‌رئیس‌دولت‌ورئیس‌مجلس که‌مدتها ازملاقات باهم‌امتناع داشتند بایکدیگر ملاقات کردندوسپس اعلامیه‌ئی

منتشر ساخته وطی آن متذکر شدند که اختلافات رفع شده است ولی بر خلاف مفاد اعلامیه ریشهٔ اختلافات همچنان باقی بود، وچنانکه خواهیم دید پس از چندی بار دیگر بنهایت شدت رسید.

بطوریکه سابقاً گفتیم پس از آنکه کشتی نفتکش روزماری، درساحل عدن توقیف شد تا مدتی دیگر هیچیك از کشتیهای نفتکش موفق نشدند برای حمل نفت ایران بکرانه‌های آبادان بیایند، ولی بالاخره یکی ازنفتکش های شرکت (سوپر) ایتالیا بنام (میریلا) باین وضع خاتمه داد وخود را بساحل ایران رساند وپس ازبارگیری نفت، روز ۳۰ دیماه ساحل آبادان را ترك گفت.

خاتمه قرارداد شیلات

مقارن این احوال چون مدت امتیاز شیلات خاتمه مییافت، روز ۷ بهمن ماه سادچیکف سفیر کبیر شوروی نامه‌ئی از طرف دولت متبوع خود بدولت ایران تسلیم کردوضمن آن درخواست نمود که یا قرارداد شیلات برای مدتی دیگر تجدید شود ویا انحصار فروش محصول شیلات برای مدت ده سال بشوروی داده شود.

این پیشنهاد درجلسه سری مجلس شورایملی که روز ۹ بهمن ماه تشکیل گردید رد شد ودر نتیجه عصر همانروز دولت ایران طی نامه‌ئی که درپاسخ پیشنهاد شوروی تنظیم نمود متذکر شد که چون قرارداد ۱۹۲۷ شیلات خاتمه یافته است ازاین رو درصورتیکه دولت شوروی پیشنهادی راجع بخرید محصولات شیلات دارد پیشنهاد مزبور بمجلس فرستاده خواهد شد.

بدین ترتیب دولت ایران عدم موافقت خود را باتجدید قرارداد، وهمچنین فروش انحصاری شیلات بشوروی اعلام داشت و روز یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ مدت امتیاز شیلات شمال بکلی پایان یافت، واداره امور شیلات بدست مأمورین ایرانی افتاد.

زلزله طرود

روز ۲۳ بهمن ماه خبر وحشت انگیزی راجع بوقوع زلزله هولناکی در

قریه(طرود) وچندین دهکده‌ازقراء شاهرود رسید که موجب بهت وحیرت‌وتاثر عموم گردید .

این‌خبرحاکی بود که‌براثرزلزله شدیدی که دراین نواحی رویداده کلیه خانه های دهاقین‌وروستائیان ویران گردیده‌و گروه انبوهی ازساکنین این‌نقاط تلف شده‌اند .

سه روز بعد یعنی روز۲٦ بهمن ماه اعلیحضرت همایونی با هواپیما برای بازدید مناطق زلزله زده به طرود عزیمت کردند ومعلوم شد که دراین قریه‌حتی یك خانه سالم باقی نمانده است ومجموع تلفـات در این دهکده وقراء اطراف بیش ازپانصد نفراست اعلیحضرت همایونی برای کمك بزلزله‌زدگان وتهیه جا و مسکن ونگهداری ازاطفال بیخانمان که پدران ومادران خود را براثرزلزله از دست داده بودند،دستورهای اکید دادندوسپس بتهران مراجعت کردند .

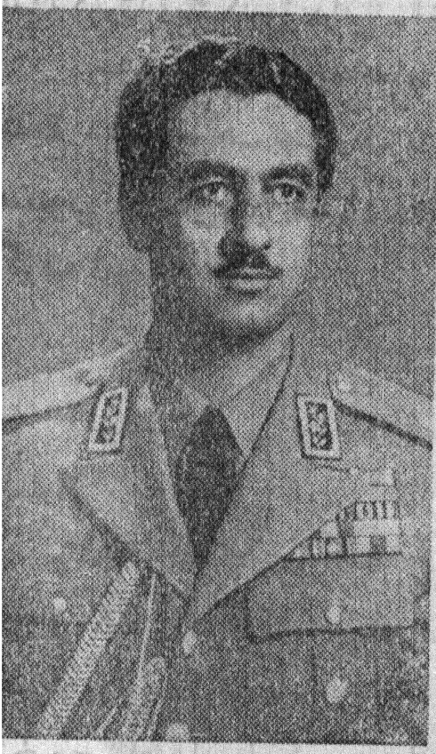
وقایع بختیاری

یکی ازحوادث‌مهمی که درزمستان سال ۱۳۳۱ رویداد ومورد توجه عموم گردید زد وخورد در کوههای‌بختیاری‌بین عده‌ئی ازافراد ایل بختیاری بریاست (ابوالقاسم بختیار) وجمعی‌ازنظامیان بود که منجربکشته شدن گروهی ازافراد طرفین گردید .

ابوالقاسم بختیار که از مأمورین دولت شکایتهائی داشت هنگامیکه بـا افراد مسلح خود بطرف املاك موروثی‌خویش میرفت باعده‌ئی ازافراد نظامی برخورد کردودرنتیجه زدوخوردی بین‌آنان وقوع‌یافت که منجربکشته شدن یك افسروهشت سرباز گردید .

پس‌ازآن نیز زدو خورد های دیگری بین طرفین رویداد که موجب عقب نشینی‌افراد ابوالقاسم‌شد. ولی‌چون هوای سرد زمستان و کوههای پربرف‌ومناطق صعب‌العبورمانع عملیات نظامی گردید، باینجهت حوادث بختیاری تامدت‌مدیدی بطول‌انجامید، وباآنکه هیئتی‌ازتهران برای ختم غائله‌بختیاری بآنسامان‌عزیمت

کردند چون بین طرفین توافق نشد، ازاین روچهارستون نظامی ازچهار طرف



فرمانده ستون اعزامی ومأمور دستگیری سران غائله بختیاری

افراد مسلح ابـوالقاسم را محاصره کردند و سرانجام براثروخامت اوضاع افرادابوالقاسم بختیاری یك‌یك تسلیم گردیدند وخود اونیز حاضربه تسلیم شد واورا برای محاکمه بتهران آوردند وپس ازچندماه که رسیدگی باین امر بطول انجامید سرانجام وی به سه ماه حبس محکوم گردید .

روز ۲۵ بهمن مـاه نفتکش میریلا در حالیکه حلقه محاصره انگلستان را شکسته بود به بندرونیزرسید، ودرمیان هلهله شادی وشوروشعف‌اهالی وایرانیان محل درساحل بندرلنگرانداخت .

بلافاصله از طرف نمایندگان شرکت سابق بدادگاه و نیز شکایت شد و تقاضای توقیف محموله‌نفتکش میریلارانمودند. دادگاه ونیز برای رسیدگی باین دعوا مشغول رسیدگی‌شد وطرفین دعوا نیزخود را برای روزمحاکمه‌آماده کردند .

مقدمات حادثه ۹ اسفند

دراین هنگام علاوه برتیرگی روابط دولت ومجلس، بین دولت و دربار نیز اختلافاتی پدیدارگردید که دامنه آن روز بروز وسعت می‌یافت . اینموضوع موجب شدکه دکترمصدق‌روزه اسفند ماه به‌پیشگاه اعلیحضرت باریافت ومدت چهارساعت درحضورشاهنشاه مطالب خود را بیان نمود و ازکارشکنی عده‌ئی‌از افراد که چگونگی عملیات‌آنها برهیچکس معلوم‌نبود شکایتهائی کرد.

یکروز بعدیعنی‌روز۶ اسفنددولت که‌هرآن‌منتظرفرصت‌بود، سرلشکرزاهدی

را که پس ازانحلال مجلس سنا دیگراز مصونیت بر خوردار نبود ، باتهام طرح نقشه کودتا دستگیروزندانی ساخت .

سه روز بعد یعنی بامداد روز شنبه ۹ اسفند ماه ناگهان خبری در تهران شایع شد که موجب بهت وحیرت عموم گردید. این خبرحاکی بود که اعلیحضرت همایونی بساتفاق علیا حضرت ملکه بدون مقدمه تصمیم بمسافرت بخارج کشور گرفته اند ....

حوادث ۹ اسفند

نیمه‌شب‌روز ۸ اسفند درکانون افسران بازنشسته ، جوش و خروش فوق‌العاده‌ئی برپابود .

زیرا طبق‌اطلاعی که بافسران مزبور رسیده‌بود ، شاهنشاه تصمیم داشت باتفاق ملکه برای‌مدتی خاك‌ایران‌را ترك‌نموده ، و بخارج کشور مسافرت‌نماید. افسران بازنشسته تصمیم گرفتندبا کمك‌مردم‌شاهدوست ووطن‌پرست‌بهرقیمت‌شده ازخروج شاهنشاه جلوگیری بعمل آورند.

ازاین رو بلمداد روزبعد ، افسران مزبورشروع بفعالیت نموده ودرحالیکه بچند دسته تقسیم‌شده‌بودند ،ماجرای‌تصمیم‌ناگهانی شاه رادائر بمسافرت‌بخارج کشور ،باطلاع نمایندگان مجلس شورای‌ملی، بازرگان‌واصناف،آیت‌الله کاشانی رئیس‌مجلس ، آیت‌الله بهبهانی،احزاب شاهدوست رساندند .

ساعت ۱۱ بامداد روز۹ اسفند دسته‌های‌متعددی ازبازار ونقاط مختلف‌شهر درحالیکه شعارهائی برله‌شاه میدادند ، درخیابانها براه‌افتاده‌وبسوی کاخ‌سلطنتی عزیمت کردند آیت‌الله بهبهانی وعده‌ئی ازنمایندگان‌مجلس‌وجمع کثیری‌ازافراد ارتش نیز بکاخ اختصاصی رفتند تا شاهنشاه را از مسافرت بازدارند .آیت‌الله کاشانی‌نیز ضمن نامه‌ئی که‌بحضور شاهنشاه تقدیم کرد تقاضانمود که‌اعلیحضرت‌در اینموقع‌حساس ازمسافرت منصرف‌شوند

شاه‌ازمسافرت‌منصرف‌گردید

ولی‌اعلیحضرت همایونی درتصمیم‌خود راسخ‌بود . با اینحال مقارن ساعت

سه بعدازظهر جمعیت در پیرامون کاخ سلطنتی اجتماع نمودند و چنان تظاهرات پرشوری کردند که اعلیحضرت نتوانستند تصمیم خودرا بمورداجرا بگذارند ، و سرانجام برائر پافشاری و اصرار بیسابقهٔ مردم وابراز احساسات آنان اعلیحضرت بوسیله میکروفونی که درداخل کاخ سلطنتی بود خطاب بمردم اعلامداشتند که ازمسافرت بخارج کشورچشم پوشیده اند .



شاه با فرستادن پیام مخصوص انصراف خود را ازمسافرت اعلام نمود

بشنیدن این خبر فریادهای شور انگیز جمعیت بآسمان بلند شد وفریاد «زنده بادشاه» درفضای خیابانهای کاخ وپهلوی وسپه وپاستور وحشمت الدوله طنین اندازگردید .

حمله بخانه دکترمصدق

دراینموقع جمعیتی که دربرابر کاخ سلطنتی ازدحام کرده بودند، بطرف

خانه دکتر مصدق براه افتادند ، وچون وی را مسبب تصمیم عزیمت اعلیحضرت به خارج کشور میدانستند شروع بتظاهرات شدیدی علیه او کردند.

ازدحام مردم در نزدیکی خانه نخست وزیر لحظه بلحظه بیشتر میشد ، دراین اثنا رئیس شهربانی و فرماندار نظامی تهران بجای آنکه مردم عصبانی را باملاطفت آرام کنند ، باسلحه متوسل شده وباشلیك گلوله بآنها پاسخ دادند.

اینموضوع موجب خشم وعصبانیت بیشتر مردم گردید بطوریکه بار دیگر بسوی خانه دکتر مصدق حمله ور شدند و باوجود خطر عظیمی که آنهارا تهدید میکرد بخانه شماره ۱۰۹ حمله ور گردیده وبایك اتومبیل جیپ درآهن خانه نخست وزیررا از بن کندند و شیشه ها و پنجره های آنرا شکستند.

دراین گیرودار براثر شلیك سربازان ومحافظین خانه نخست وزیر چندتن از مردم بیگناه کشته وزخمی شدند وچون وضع هرلحظه بیشتر رو بوخامت مینهاد و جان دکتر مصدق جداً درمعرض خطر بود ، بناچار بوسیله نردبان خانه خود را ترك گفت و باپیژاما بستاد ارتش رفت . و پس از آن از آنجا بمجلس شورای ملی رفت وضمن بیان توضیحاتی دراطراف مسافرت شاهنشاه اظهار داشت که «من نه نخست وزیر مردم هستم نه نخست وزیر مجلس»

این بیان موجب خشم وغضب نمایندگان شد ، ازجمله حائری زاده درحالیکه دکتر مصدق را «نخست وزیر یاغی» لقب داده بود گفت «شما که خودرا نخست وزیر مجلس نمیدانید پس چرا ازترس مردم بمجلس پناه آورده اید»

گزارش هیئت هشت نفری

پس ازخاتمه حوادث ۹ اسفند مأمورین دولت ۲۲ نفر ازامراء وافسران ارشد ارتش ورجال را بازداشت کردند ، وبدینطریق بار دیگر زمینه را برای حکومت مطلقه فراهم ساختند.

روز ۱۴ اسفند خبر رسید که استالین پیشوای شوروی پس از یك سکته چند روزه درگذشت و (گئورکی مالنکف) بجای او نخست وزیر شوروی شده است این خبر درمحافل داخلی مورد توجه فوق العاده قرار گرفت ، زیرا بروز

یک چنین حادثه و تغییرمهمی در کشور همسایه شمالی بدون شک در سیاست خارجی ایران تأثیر زیادی داشت. در خلال این احوال تیرگی روابط دولت و دربار همچنان باقی بود وچون دولت میخواست دست دربار را بکلی از سیاست مملکت کوتاه سازد ، بوسیله طرفداران خود کوشید که اختیارات بیشتری بدست آورد و نقشه خویش را جامه عمل پوشاند.

درنتیجه یک هیئت هشت نفری از نمایندگان مجلس شورایملی تعیین شدند که برای التیام روابط دولت ودربار شروع باقدامات نمایند .هیئت مزبور پس از آنکه باشاهنشاه ونخست وزیر ملاقاتهائی کردند، گزارشی تهیه نمودند که بگزارش هیئت هشت نفری معروف شد

دراین گزارش باستناد این ماده از قانون اساسی که مقام سلطنت ازمسئولیت مبراست اختیارات مقام سلطنت را درامور سیاسی مملکتی محدود ساختند ودکتر مصدق هم باستناد همین گزارش درصدد برآمد که فرماندهی کل قوارا ازشاهنشاه سلب نموده و اینمقام را خود بعهده گیرد تابدینوسیله ارتش را که همواره آمادهٔ فداکاری وجانبازی درراه شاه بود، درزیر سیطره ونفوذ خود در آورد.

رأی دادگاه و نیز

روز ۲۰ اسفندماه ۱۳۳۱ دادگاه ونیز شکایت شرکت سابق را علیه ایران رد کرد وبنفع ایران رأی داد. این خبر که پیروزی بزرگ دیگری برای ملت ایران بود موجب سروصدای تازه‌ای شد ودولت که هردم مترصد یکچنین حوادثی بود تا از آن استفاده نماید، شروع بیک سلسله تبلیغات دامنه‌دار بنفع خویش کرد.

روز ۲۶ اسفندماه نیز سرلشگر زاهدی که قبل ازوقایع ۹ اسفندماه بازداشت شده بود آزاد گردید.

شدت اختلافات دولت ودربار

اختلافات دولت ودربار درآغاز سال ۱۳۳۲ باردیگر روبشدت نهاد بطوریکه سخنگوی دولت درمصاحبه‌ئی که باخبرنگاران داخلی وخارجی نمود مطالبی

علیه دربار اظهارداشت .وزیر دربار نیز درمصاحبه‌ایکه خبرنگاران خارجی روز ۱۹ فروردین ماه بااو کردند توضیحاتی دادومطالب خلاف‌واقعی را که سخنگوی دولت درباره‌علت‌اختلافات ذکر کرده بود رسماً تکذیب نمود. اینموضوع باردیگر جنجال بزرگی برپاساخت،ودولت‌راوادارنمود که بحملات تازه‌ئی علیه‌دربار بپردازد

ادامه‌این مناقشات‌موجب گردید که‌دولت باوجود وخامت اوضاع‌اقتصادی نتواند کوچکترین قدمی درراه رفاه‌وآسایش مردم بردارد ، بعلاوه موجب‌شد که افراد حزب منحله توده وستون پنجم اجنبی که هرآن مترصد چنین فرصتی بودند بانهایت گستاخی بمقدسات ملی‌توهین‌نموده ، ودست بعملیاتی‌زدند که‌قدم بقدم ایران‌را بسراشیب سقوط نزدیك میساخت وعموم‌افراد وطن‌پرست را نسبت باین‌اوضاع تأثرانگیز خشمگین‌مینمود.

شکایت بدادگاه توکیو

روزجمعه ۲۱ فروردین اولین‌نفتکش‌ژاپنی بنام(نیسیومارو) از طرف شرکت (ایده‌میستو) ژاپن درآبادان‌لنگر انداخت و پس از بارگیری نفت بطرف ژاپن حرکت کرد .

هنوز نفتکش‌مزبور بآبهای ژاپن نرسیده بود که نماینده شرکت سابق ، همانگونه که ازشرکت ایتالیائی (سوپور) ونفتکش (میریلا) بدادگاه‌ونیز شکایت کرده بودهمانطورهم‌ازشرکت (ایده‌میستو)ونفتکش(نیسیومارو) به‌دادگاه‌توکیو شکایت‌نمود وتقاضای توقیف محمولهٔ‌نفتکش‌نیسیومارورا کرد ولی دادگاه‌توکیو پس از رسیدگی‌باین امر شکایت‌شرکت‌سابق را واردندانست وروز ۲۷ اردیبهشت ماه بنفع‌ایران‌وشرکت ایده‌میستو رأی‌داد.

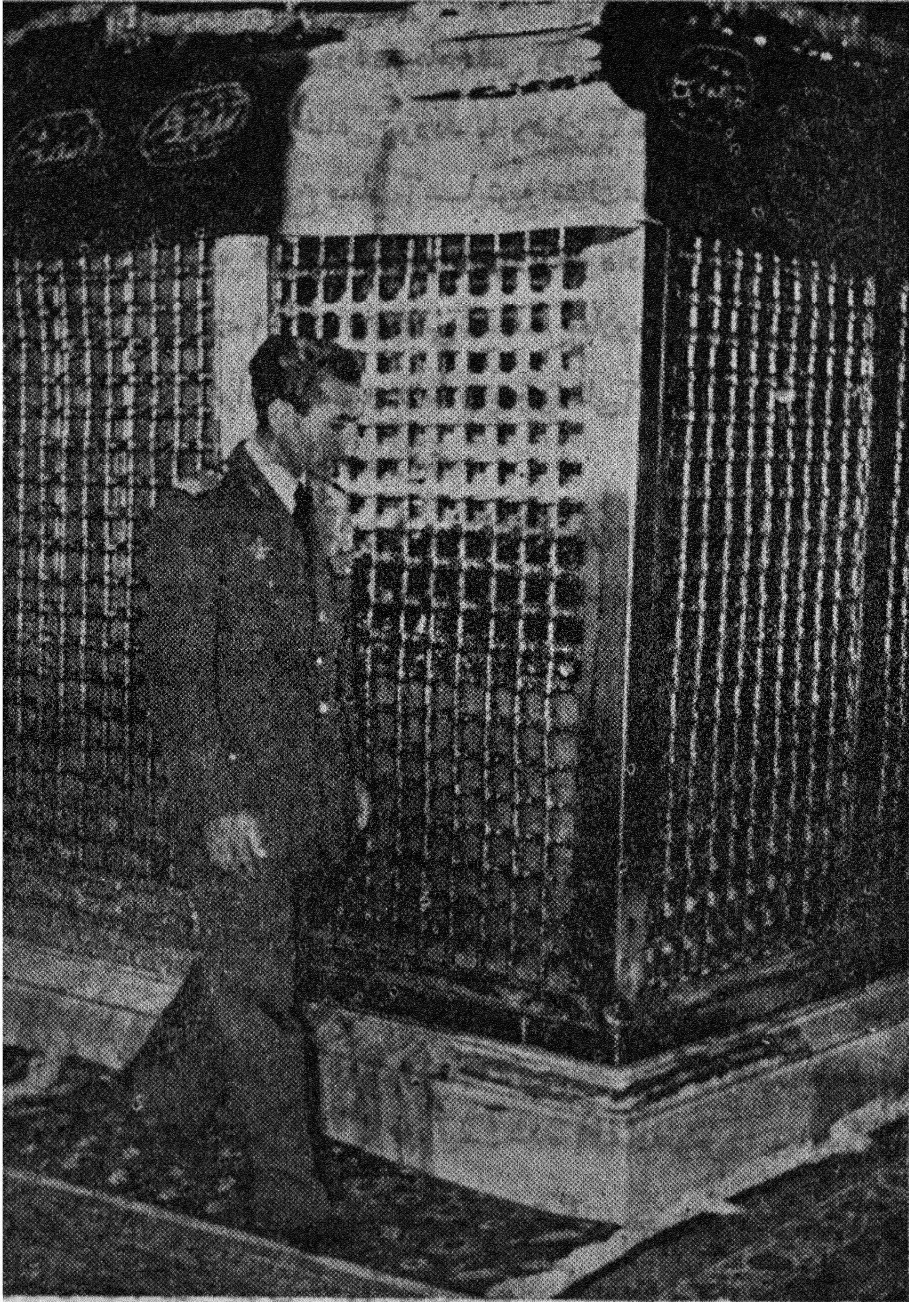
رأی‌دادگاه ژاپن، پس‌ازحکم‌دیوان‌بین‌المللی‌لاهه،و دادگاه‌ونیز، سومین پیروزی ایران در محاکم بین‌المللی‌بود که‌موجب شادمانی ملت‌ایران گردید

اغتشاش‌وناامنی

دراینموقع دولت‌وطرفداران‌اودر مجلس‌بار دیگر بتلاش‌افتادندتا گزارش هیئت هشت‌نفری راداتربرمحدودساختن اختیارات‌مقام‌سلطنت‌در مجلس بتصویب

جرسانند، ولی این تلاشها به نتیجه نرسید و مجلس زیر بار تصویب این گزارش نرفت .

روز ٢٤ فروردین اعلیحضرت همایونی باهواپیما بمشهد مقدس عزیمت کرده و پس از زیارت مرقد مطهر حضرت رضا (ع) مجدداً بتهران مراجعت نمود.



شاهنشاه در موقع زیارت مرقد مطهر حضرت رضا (ع)

دراین هنگام فراکسیون نهضت ملی که اعضاء آن از نمایندگان طرفدار دولت بودند، مجلس را تهدید کردند که اگر گزارش هیئت هشت نفری بتصویب نرسد دسته جمعی استعفا خواهند داد ولی مجلس بازهم زیر بار این تهدید نرفت. بناچار طرفداران دولت بتکاپو افتاده و به ترتیب دادن متینگی در میدان بهارستان پرداختند.

دراینموقع که اختلاف دولت بامجلس و دربار لحظه بلحظه بیشتر میشد، کسانیکه مترصد یکچنین اوضاعی بودند تا دست بآشوب وهرج ومرج بزنند، از موقعیت استفاده کرده وشروع بسلب آسایش وامنیت عمومی نمودند. از جمله در روزهای ۲۶و۲۷ فروردین ماه اغتشاش در شیراز روی داد که طی آن عده کثیری از مردم وهمچنین ۵ افسر و۱۰ پاسبان زخمی شدند. بعلاوه محل اداره اصل چهار ترومن دراین شهر مورد حمله قرار گرفت ودرها و پنجره های آن خورد گردید و کلیه اثاثیه این مؤسسه و چند مؤسسه دیگر بغارت رفت.

روز ۲۷ فروردین ماه دردزفول نیز بین مخالفین وموافقین دولت زدوخوردی رویداد که طی آن چهارنفر مقتول و ٥٤ نفر مجروح شدند.

قتل افشار طوس

درحینی که درشهرستانها تشنج شدیدی حکمفرما بود، در تهران هم وضع کاملا غیرعادی بود ودر بیشتر محافل جسته و گریخته صحبت از (کودتا) میشد.

دراین اثنا ناگهان خبرهیجان انگیزی منتشر گردید دائر براینکه ساعت ۹ بعدازظهر روز ۳۱ فروردین ماه سرتیپ افشار طوس رئیس شهربانی مفقود شده است.

اینواقعه که ضعف وناتوانی دولت را در حفظ نظم و امنیت مملکت کاملا نشان میداد دولت را برآن داشت که بهرقیمت شده افشارطوس را بیابد.

برای انجام اینمنظور پانصد پلیس و کارآگاه بجستجو پرداختند، وبعلاوه پنجاه هزار تومان جایزه برای کسی تعیین کردند که محل افشارطوس را بمامورین دولت نشان دهد. ولی کلیه این تدابیر بنتیجه نرسید ومأمورین همچنان درتعقیب

این قضیه بودند وضمناً عده‌ئی از امرای بازنشسته ارتش و چند تن غیرنظامی را باتهام شرکت در ربودن افشارطوس بازداشت وزندانی کردند.

سرانجام روز ۶ اردیبهشت ماه جسد بیجان افشارطوس درحالیکه اورا خفه نموده بودند، در تپه‌های (تلو) واقع درنزدیکی لشگرك تهران کشف شد.

ماجرای مفقودشدن وسپس بقتل رسیدن افشارطوس برای مردم بصورت معمای بزرگی درآمد. زیرا ازیکطرف مأمورین دولت مصدق اظهار میداشتند که چندتن افرادغیرنظامی وعده‌ئی ازافسران بازنشسته ارتش که دستگیر گردیدند اورا بقتل رسانده‌اند، ازطرف دیگر جریانات پشت پرده، واوراق و اسنادی که از جیب افشارطوس بدست آمد، وسپس قتل اسرارآمیز ذبیح پورکارآگاه مخصوص اودرنزدیکی کرج خلاف این امررا ثابت میکرد، وشایعهٔ کودتای افشارطوس را بیشتر برسرزبانها میانداخت بدینترتیب بالاخره معلوم نشد که در پشت پرده قتل افشارطوس چه جریانات سیاسی وجود داشته‌است.

تحصن سرلشگر زاهدی درمجلس

چون امنیت عمومی دراین هنگام بکلی سلب شده بودومخصوصاً مخالفین دولت بهیچوجه تأمین نداشتند، ازاین رو روز ۱۴ اردیبهشت ماه سرلشگرزاهدی در مجلس شورایملی متحصن گردید واظهارداشت تا از طرف دولت رسماً باو تأمین داده نشود، بتحصن خود درمجلس ادامه خواهد داد.

دراینموقع براثر فشار واصرار دولت که تقاضای واگذاری املاك پهلوی و نظارت برسازمان شاهنشاهی‌را داشت اعلیحضرت همایونی برای جلوگیری ازتشنج بیشتری درمملکت بااین درخواست موافقت کرد.

بااینحال بهانه‌جوئیهای دولت برسر مسائل مختلف همچنان ادامه داشت.

اقلیت مجلس شورایملی دراینهنگام شدیداً علیه‌دولت مبارزه میکرد وپی‌درپی اعلامیه‌هائی درمخالفت بادولت صادرمینمود. اعلیحضرت همایونی برای اینکه دولت‌وظایف خودرا بخوبی انجام دهد وهر روزدرپی بهانه‌تازه‌ئی نگردد، مدت چندهفته برامسر عزیمت کردندتا ازجریانات سیاسی بدور باشند.

مقدمات رفراندوم

دکترمصدق چون دراجرای نقشهٔ خود دائر به تصویب گزارش هیئت هشت نفری موفق نگردید ، واقلیت مجلس ومنفردین را مخالف این نقشه دید، اعلام کرد که چون گزارش هیئت هشت نفری ازطرف مجلس تصویب نشده ومخالفین دولت پیوسته کارشکنی میکنند ازاین رو دولت برای ابقاء یاانحلال مجلس هفدهم رفراندوم خواهد کرد .

اینکارهم باآنکه کاملا بیسابقه بود، معهذا اقلیت مجلس رامرعوب نساخت و زیربار تصویب گزارش مذکور نرفتند .

درخلال این احوال جلسات مجلس شورای ملی پیوسته باتشنجات بسیار شدید همراه بود، بطوریکه صحنه مجلس بصورت میدان مناقشه ومشاجره بین طرفداران ومخالفین دولت درآمد، ودرهمین موقع یعنی اواسط تیرماه بود که دولت مورد استیضاح قرار گرفت .

استعفاء نمایندگان مجلس

روز۲۳ تیرماه اعلام شد که دولت بهیچوجه حاضر نیست از رفراندوم صرفنظر کند ودرنتیجه عصر همانروز نمایندگان فراکسیون نهضت ملی (فراکسیون طرفدار دولت) بطوردسته جمعی استعفا دادند، و پس ازآنها بتدریج عده ئی دیگر از نمایندگان نیزاستعفاء خودرا نوشتند .

بدین ترتیب مجلس هفدهم عملا ازکارافتاد .

دراینموقع چون اعلام شد که بمناسبت تصادف با نخستین سال انقلاب ۳۰ تیر، طرفداران دولت درنظردارند دربرابر عمارت بهارستان میتینگی بدهند وبیم آن میرفت که علیه سرلشگرزاهدی توطعهٔ صورت گیرد ازاین روبنا برخواهش واصرار وکلا خصوصاً رئیس مجلس دکترمعظمی روز۲۹ تیرسرلشگرزاهدی عمارت بهارستان راترك گفت .

روز ه مرداد دکترمصدق پیامی خطاب بملت ایران صادر کرد، وطی آن

پس ازاشاره بخدمات خود متذکرشد که برای ابقاء یاانحلال مجلس ،وهمچنین ادامه زمامداری یابرکناری خودمراجعه بآراء عمومی مینماید دراین هنگام حزب توده فعالیت خودرا بمنتهادرجه شدت رساند تاازدولتی که علناً ازآنها پشتیبانی میکرد حمایت نماید ومجلس ۱۷ منحل شود وددرانتخابات دوره ۱۸ آنهابتوانند نمایندگان خودرا بمرکزقانون گزاری بفرستند .

نمایندگان اقلیت مجلس علیه نخست وزیروهیئت دولت بمناسبت تهیه مقدمات رفراندوم اعلام جرم کردندوطی اعلامیه ایکه صادرنمودند رفراندوم راتحریم کردند

رفراندوم در تهران و شهرستانها

بالاخره روز دوشنبه ۱۲ مرداد ماه در حالیکه این روز از طرف دولت تعطیل عمومی اعلام شده بود ،رفراندوم درتهران انجام یافت .

درشهرستانها نیزروز۱۹ مرداد ماه رفراندوم صورت گرفت ونتیجهٔ آنهم بالطبع انحلال مجلس هفدهم وادامه زمامداری دکترمصدق بود .

روز۲۳ مرداد ماه دکترمصدق نتیجه رفراندوم رابعرض شاهنشاه رساند و تقاضاکرد که فرمان انتخابات دوره ۱۸ راصادرنمایند .

ولی اعلیحضرت که مملکت رادرآستانه سقوط واضمحلال میدیدندبیش از این صبروتحمل راجائزندانسته ویکروزقبل ،یعنی روز۲۲ مرداد ماه فرمان عزل دکترمصدق ونخست وزیری سرلشگرزاهدی راصادر کردند .

شایعه کودتا

اعلیحضرت همایونی وعلیاحضرت ملکه ثریادراین هنگام دررامسر بسرمیبردند

نیمه شب شنبه ۲۴ مردادماه سرهنگ نصیری فرمانده گارد سلطنتی فرمان عزل دکترمصدق رادرخانه شماره ۱۰۹ باو ابلاغ کرد .

ولی دکترمصدق که نمیخواست باین آسانیهاازکارکناره گیری کند ،فرمان راناديده انگاشت وبلافاصله دستورداد سرهنگ نصیری وچندتن دیگرازافسران رابازداشت نمودند .

بامدادروزیکشنبه ۲۵ مرداد طی‌اعلامیه‌ای که ازطرف دولت‌صادرشد خبر یك کودتای‌نظامی درنیمه‌شب گذشته‌باطلاع عموم‌رسید، وسپس دستورانحلال گارد سلطنتی داده شد وافراد گـارد سلطنتی خلع سلاح شدند ، بعلاوه هیئتی نیزبرای ضبط کاخ‌های سلطنتی مأمور گـردیدند همچنین عده‌ئی از رؤسای دربـارشاهنشاهی‌و فرماندهان‌ارتش بازداشت‌شدند ، درهمین روزفرمان انحلال مجلس‌هفدهم بوسیله خود دکترمصدق صادر گردید .



سرهنگ نصیری پس ازابلاغ عزل دکتر مصدق بوسیلهٔ ستاد‌ارتش دستگیروزندانی شد

عزیمت شاه بخارج کشور

روزیـکشنبه‌ه۲مردادماه‌وقتی باعلیحضرت همایونی‌دررامسراطلاع رسید که‌دکترمصدق فرمان عزل رابصورت کودتای نظامی جلوه گـر ساخته و بدین ترتیب در صدداست که افکارعمومی‌راتهییج ساخته وطرفداران‌خود راوادار بانقلاب نماید،وبدون شك‌شاهدوستان وعلاقمندان بمقام سلطنت هم که‌شماره آنان بمراتب بیش‌ازدسته مخالف بودآرام ننشسته وعلیه دولتی ها قیام کرده و کار بخونریـزی مدهشی کشیده میشدازاین‌رو برای جلوگیری ازیك‌چنین‌حوادث‌وحشتناك تصمیم گرفتندموقتاً بخارج کشور عزیمت نمایند ودر نتیجه روز ۲۵ مرداد باتفاق‌علیاحضرت ملکه‌با هواپیما بسوی‌بغداد عزیمت کردند وساعت دو بعد ازظهر درفرودگاه بغداد فرودآمدند و سپس برم عزیمت کردند .

عصرهمانروزازطرف نمایندگان سابق فراکسیون نهضت ملی وطرفداران دولت میتینگی در میدان بهارستان‌داده شد، وضمن‌آن شدیدترین حملات برژیم

سلطنتی و خاندان سلطنت بعمل آمد وناطقین از هیچگونه حمله ونا سزا نسبت بمقدسات مملکت خودداری نکردند.

مقدمات تغییر رژیم

روزدوشنبه ۲۶ وسه شنبه ۲۷ مرداد تاریك ترین وپرآشوب ترین روزهای تاریخ ایران بود .

چه دراین ایام اخلالگران وآشوب طلبان تحت هدایت افراد حزب توده برکلیه امور وشئون اجتماعی مسلط شده وشروع بغارت و چپاول اموال مردم ، و ضرب وجرح ، ودست درازی بنوامیس افراد کشور کردند.

بعلاوه دسته های متعددی از افراد حزب توده در خیابانهای پایتخت براه افتاده و شروع بکندن و خرد کردن مجسمه های اعلیحضرت فقید واعلیحضرت شاهنشاه نمودند، ودراین راه ازهیچگونه هتك احترام خودداری نکردند .

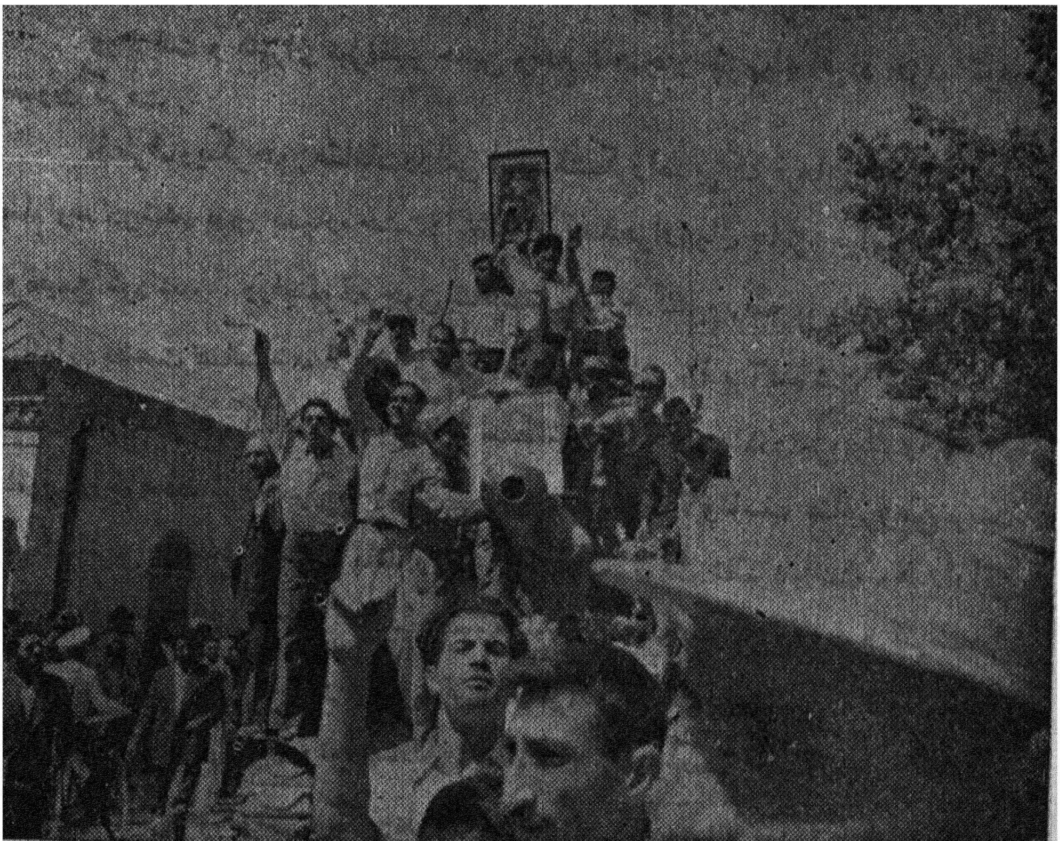
در رشت و شیراز نیزنظیر همین وضع ناهنجار بوسیله افراد حزب توده صورت گرفت .

ازطرف دیگر چون مقامات دولتی ازسرلشگرزاهدی که فرمان نخست وزیری بنام او صادر شده بود، بسیاروحشت داشتند، یکصدهزارریال جایزه برای دستگیری اوتعیین کردند... دراینموقع چون شاهنشاه بخارج کشوررفته بودند، اینموضوع بهانه‌ای بدست عناصرضدملی داد و مقامات مؤثردولتی را برآنداشت که مقدمات تغییررژیم را فراهم کنند ویك شورای سلطنتی تشکیل دهند ونیز بایك رفراندوم ثانوی رژیم سلطنتی‌را برژیم جمهوری تبدیل نمایند تأثروتاسف عناصروطن پرست نسبت باین اوضاع ناهنجار باندازه‌ئی بود که تاآنوقت نظیرنداشت . همه ازاین رجاله‌بازی وهرج ومرج وآشوب خسته‌شدند . سه‌سال وعده ووعید دکترمصدق باآنهمه تحمل محرومیت وسختی ومشقت سرانجام بدانجا کشید که نسبت بهیچ چیزمردم حتی جان‌ومال ونوامیسشان ابقاء نشده بود،وجمعی ازبدنام‌ترین‌اشخاص برمقدرات آنان حکومت میکردند ومصدق را هم که خیال خدمتگزاری داشت ازراه راست منحرف ساختند .

ازاینرو مردم با غیرت وحمیت تصمیم گرفتند که برای گسیختن زنجیرهای بدنامی وحلقه های اسارت وبدبختی آماده فداکاری وجانبازی شوند .

انقلاب ۲۸ مرداد

بامداد روزچهارشنبه ۲۸مرداد ، تهران قیافه منقلب وغیرعادی بخود گرفته بود . مردم جنوب شهر ، که حمیت و مردانگی ، شاهدوستی و وطنپرستی را از پدران خود درصدرمشروطیت بارث برده بودند ، درحالیکه هریك چوبی دردست داشته و درخیابانهای تهران حرکت میکردند با چهره های خشمگین مخالفت خود را با حکومت مصدق اعلام میداشتند . از میدان امین السلطان ، از بازار، ازخیابانهای جنوبی وغربی شهر نیز دسته های دیگری براه افتاده و پی در پی علیه حکومت دکترمصدق شعارمیدادند .



اجتماع افراد نظامی وشهربانی وملیون روز ۲۸ مرداد

سربازان گارد سلطنتی که از چهار روز قبل خلع سلاح شده بودند سایر همقطاران و سربازان را با خود همراه کرده و در کامیونهای نظامی و غیرنظامی علیه دکترمصدق تظاهرات مینمودند . عده زیادی از پاسبانان نیز بآنها پیوسته ودر این تظاهرات وطن پرستانه شرکت میجستند . در اینموقع عده زیادی از افسران شاهدوست و میهن پرست نیز با افراد خود بانقلابیون پیوسته و درهای سربازخانه ها را بروی قوای انقلابی گشودند وخود با افراد مسلح برای اشغال مراکزحساس پایتخت وادارات دولتی ازجمله ستادارتش وشهربانی براه افتادند.

زاهدی درمیان انقلابیون

انقلاب تهران لحظه بلحظه شدیدتر ودامنه دارترمیشد ، تا آنجا که دهاهزار نفر ازمردم پایتخت، کسبه ، اصناف ،سرباز ، پاسبان ، افسر، کارمند و پیشه ور دراین قیام ملی شرکت جستند وهرجا بافسران و سربازان و پاسبانانی که برای دولت مصدق خدمت میکردند میرسیدند ، آنها رانیز باخود همراه نموده وبسایر مراکز حساس میرفتند .

مقارن دوساعت بعداز ظهر رادیوتهران توسط نیروی انقلابی اشغال شدو صدای آنان بوسیله دستگاههای فرستنده باقصی نقاط کشور پخش شد. این نیروی عظیم درهمه جا بوسیله سرلشکرزاهدی که ازچندروزقبل مقدمات این انقلاب بزرگ ملی را تهیه دیده بودهدایت میشد وخود اونیزدرحالیکه سواریکی از تانکهای نظامی شده بود با انقلابیون بطرف مرکز شهرپیش میرفت.

مردم نیزاین سربازرشیدووطن پرست را که درتاریکترین ادوارتاریخ ایران برای حفظ استقلال وتمامیت ارضی وحق حاکمیت ملی قیام کرده بود برسردست بلند کرده واورا بعمارت شهربانی بردند .

سرلشگر زاهدی که ازروز ۲۲ مرداد بفرمان شاه نخست وزیر واقعی کشور بود عمارت شهربانی را مرکز ستادخویش قرارداد ، واز آنجا نیروهای انقلابی را که درسراسرشهر پراکنده شده بودند، هدایت مینمود .

انقلابیون پیروز شدند

دراینموقع تقریباً کلیه قوای تحت اختیار مامورین دکترمصدق قلع وقمع



سرلشگر زاهدی نخست وزیر درعمارت شهربانی امورات کشوررا اداره می نماید

شدند . جز عدهٔ معدودی ازمحافظین خانه اوو خیابان کاخ که باتوپ ومسلسل بسوی مردم شلیك میکردند .

انقلابیون برای خاتمه دادن باین قتل و کشتار بخانه دکترمصدق حمله‌ور گردیده، وآنجارا با گلوله‌های توپ ویران کردند . در این گیرودار دکترمصدق وچندتن از یارانش که جان خویش‌را بشدت درمعرض خطر میدیدند بانردبان از

خانه شماره ۱۰۹ فرار کرده ودرزیرزمین یکی ازخانه‌های مجاورمخفی گردیدند، ولی سرانجام روز بعدتوسط مأمورین انتظامی دستگیرشده به باشگاه افسران منتقل گردیدند. ساعت هشت بعداز ظهرروز ۲۸ مرداد ، آتش انقلاب ببهای خون عده‌ئی ازبراد مردان کشور ، و فداکاری وجانبازی گروهی ازافسران وسربازان وپاسبانان ومردم باغیرت وحمیت مملکت خاموش گشت، وکابوس عظیمی که استقلال وآزادی مملکت رابشدت تهدید میکرد ازپای درآمد. براثراین انقلاب خونین ٤٦ نفر از سربازان ومردم رشید پایتخت بشهادت رسیدند و ۵۸ نفر بشدت مجروح گردیدند.

بازگشت شاهنشاه وملکه بایران

پس‌ازآنکه سرلشگرزاهدی نخست وزیر برکلیه دستگاههای دولتی مسلط گردید، محل کارخودرا ازشهربانی بوزارت امورخارجه تغییرداد . در اینموقع ازکلیهٔ شهرستانها فرماندهان لشگرها ورجال ومعاریف محل ضمن تلگرافهائیکه بنخست وزیرمخابره کردند وفاداری خودرا نسبت بشاهنشاه و حکومت انقلابی زاهدی اعلام داشتند.



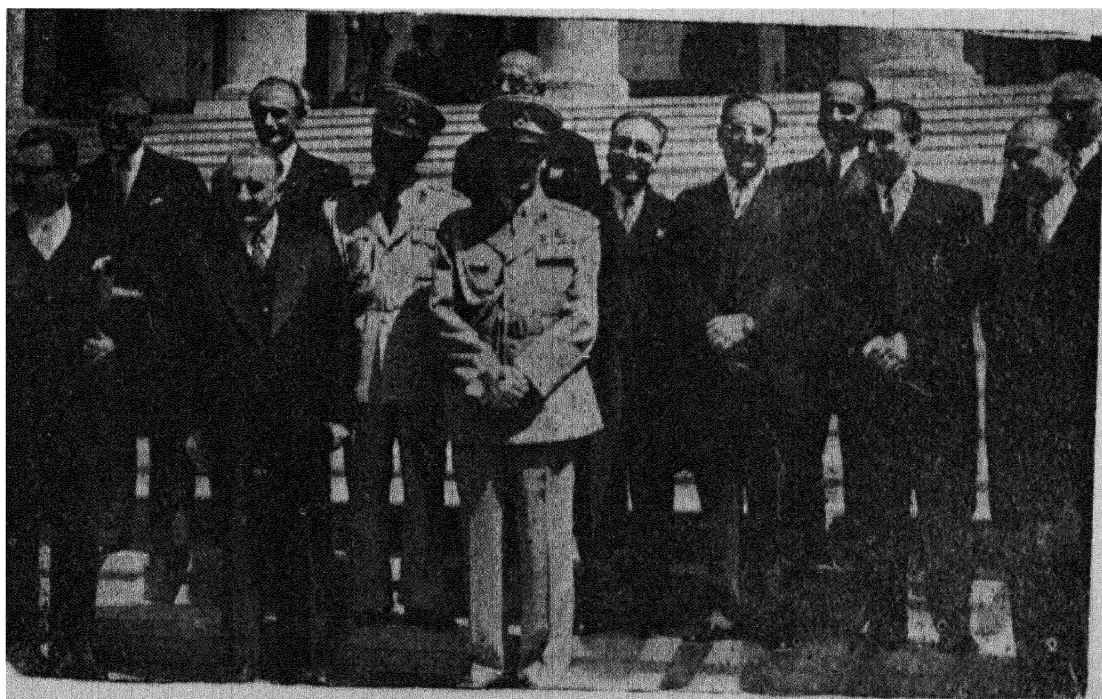
شاهنشاه موقع ورود به فرودگاه تهران

روز شنبه ۳۱ مرداد ماه اعلیحضرت همایونی که از رم ببغداد آمده بودند ، ازاینشهر بسوی خاك میهن عزیمت کرده ووارد تهران شدند . در فرودگاه مهرآباد سرلشکر زاهدی بداخل هواپیمای شاه شد ودست شاهنشاه رابوسید .

اعلیحضرت همایونی نیزروی نخست وزیر رشید خویش رابوسید ، وآنگاه درحالیکه مستقبلین ومردم پایتخت فریاد شادی برمیکشیدند بسوی شهر عزیمت کردند

روز اول شهریورماه سرلشکر زاهدی اعضاء کابینه خود را در کاخ سعد آباد بحضور شاهنشاه معرفی نمود . چند روز بعد اعلیحضرت همایونی بپاس خدمات و فداکاریهائیکه سرلشکر زاهدی کرده بود ، اورا بدرجه سپهبدی مفتخر کردند .

روز ۵ ۱ شهریورماه علیاحضرت ملکه ثریا نیز که تا آنوقت دررم اقامت داشتند



اعضای کابینه سپهبد زاهدی نخست وزیر

باهواپیما بخاك میهن باز گشتند ، واز کلیه شهرستانهای کشور تلگرافهای تبریك ازطرف قاطبهٔ اهالی بمناسبت مراجعت شاه وملکه بدربار شاهنشاهی مخابره گردید.

تأمین امنیت کشور

درخلال این احوال دولت بالاترین کوشش خودرا صرف تامین امنیت کشور که درآخرین روزهای مرداد ماه بمنتهادرجهٔ وخامت رسیده بود، کرد. مامورین انتظامی بانهایت قدرت سران حزب توده ، وعناصراخلالگررا که موجب هرج و مرج وآشفتگی ورعب ووحشت مردم شده ، وازهیچگونه اعمال ناروا خودداری نمیکردند دستگیر نموده ،ودرزندانها وبازداشت گاههای پایتخت و قلعه فلك الافلاك وجزیره خارك زندانی ساختند .

بدین ترتیب درمدت کوتاهی ،دست آشوبگران درتهران و کلیه شهرستانها ازکاربرکنار گردید ، و مردم توانستند از امنیت وآزادی که بزرگترین اساس مشروطیت است برخوردارشوند .

بلافاصله ازطرف مردم شاهدوست ومیهن پرست ؛ اقدام بجبران خرابیها و ویرانیهای این عناصر خائن ومزدوربعمل آمد ، ومجسمه های اعلیحضرت فقید و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی راکه خیانتکاران درمیدانهای شهرخورد کرده یا بزیرانداخته بودند ، مجدداً درمیان شوروشعف عمومی نصب کردند .

۴۵ ملیون دلار

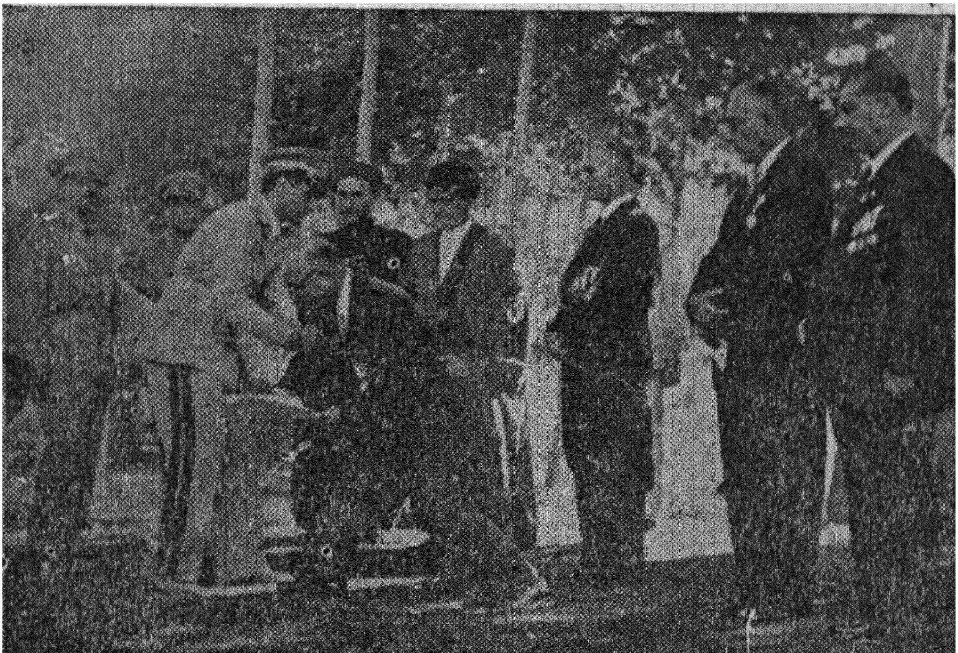
چون دراینموقع وضع اقتصادی کشوربمنتهادرجهٔ وخامت رسیده ، وامور تجاری واقتصادی مملکت بکلی فلج شده بود ، ازاین رودولت بلافاصله بامقامات دولت امریکا وارد مذاکره شد ، ودرنتیجه کاری راکه دولت سابق طی دوسال ونیم نتوانسته بود انجام دهد ، دولت جدید توانست عرض چند روزانجام دهد و مبلغ ٤٥ ملیون دلاربرای اصلاح وضع اقتصادی وهزینه‌های ضروری کشورازدولت امریکا بگیرد .

بعلاوه یك شورایعالی اقتصادی مرکب ازرجال برجسته اقتصادی کشور تشکیل گردید و شروع باصلاح خرابیهای گذشته،وسرصورت دادن بامور بازرگانی واقتصادی کشور نمودند .

درحینی که دولت مشغول اصلاحات داخلی بود ، نمایندگان غیرمستعفی مجلس شورایملی نیز مجدداً درعمارت بهارستان اجتماع کرده وجلساتی تشکیل دادند ، ولی چون انتخابات دورهٔ هفدهم درزمان دکترمصدق ناقص بود و فقط درنیمی ازشهرستانهای کشورانتخابات صورت گرفت ، وبعلاوه پیش ازرفراندوم عده‌ئی ازنمایندگان نیزاستعفاداده‌بودند ،ازاین روباچند نفربقیه تشکیل جلسات علنی ورسمی مجلس شورایملی امکان پذیرنگردید

وفاداری ایلات وعشایر

روش دولت سابق درتضعیف حس شاهدوستی ومیهن پرستی ، وتوسعه هرج ومرج موجب شدکه عشایروطن پرست مملکت که همواره پشتیبان استقلال وحق حاکمیت مملکت بوده‌وطی قرون متمادی حافظ مرزهای کشوربشمارمیرفتند



روسای ایلات وعشایردرحضور شاهنشاه

روی ازدولت سابق برگردانده وحتی درصدد برآمدند که بصورت دسته های مسلح برای واژگون ساختن دولت مرکزی بتهران عزیمت کنند .

ولی پس‌ازانقلاب ۲۸ مرداد وروی کارآمدن دولت سپهبد زاهدی ، رؤسای

ایلات وعشایر کشوردسته دسته‌ازشهرستانهاومناطق مرزی ونواحی‌ایل‌نشین بسوی تهران عزیمت کرده وبه پیشگاه شاهنشاه وبعد بحضور نخست وزیر رفته ومراتب وفاداری خودرانسبت بشاه ودولت ابرازداشتند .

اعلیحضرت همایونی نیزعموم آنهارا باعطاء نشان ومدال لیاقت وافتخارمفتخر نمودند ، وبدین ترتیب احساسات وعواطف صدها هزارافرادفداکارایلات وعشایر که درزمان دولت مصدق، براثرمیدان‌یافتن توده‌ئیهاوعمال بیگانه سخت جریحه دارشده بود ، براثرتفقد وعنایت شاهنشاه‌ترمیم گردید وعموم آنان آمادگی‌خود رابرای جانبازی درراه شاه ومیهن اعلام داشتند .

تجدید روابطه سیاسی باانگلیس

براثر قطع روابط سیاسی‌ایران وانگلیس دردوران‌حکومت دکترمصدق، وضع وخیم اقتصادی مملکت بیش ازپیش روبوخامت نهاد ، بعلاوه چون دیگر هیچگونه ارتباطی بین دولت ایران ودولت انگلیس وجـود نداشت ازاین رو مذاکرات نفت نیزبرای مدت غیرمعلومی در بوته اجمال ماند .

دولت سپهبد زاهدی برای آنکه هرچه زودتربمسئله نفت سروصورت داده واین موضوع‌را که بصورت یك مسئله بغرنج بین المللی در آمده بود بنفع ملت ایران حل وفصل کند ، درصـدد برآمد نخست برای تجدید رابطه سیاسی بـا انگلستان ،بنحوی که به پرستیژملت‌ایران کوچکترین‌لطمه‌ئی وارد نیایداقدام کند ، ازاین روپس ازمذاکراتی که دراطراف این مسئله صورت گـرفت طرفین علاقمندی‌خودراباتجدید روابط سیاسی بایکدیگراعلام داشتند.

این اقدام دولت ایران درمحافل بین المللی نیزانعکاس نیکوئی بخشید بطوریکه مفسرین‌سیاسی پیش بینی کردند که باروش‌سیاسی دولت جدید ،امید بسیارمیرود که مسئله نفت نیزبنحودلخواه حل گردد .

تونل کوهرنك ازسه قرن پیش

ساختمان سد کوهرنك اززمان شاه عباس کبیرمورد توجه ساکنین کشور

بود ،زیرامسئله کمی آب وخشکسالی درمرکزایران یکی ازمشکلات بزرگی بود که جلگه اصفهان راهمواره تهدید میکرد .

ازاین روسه قرن پیش بنابفرمان شاه عباس درارتفاع ۲۱۵۰ متری ،عده ئی ازکارگران شروع به بریدن کوه نمودند ودرحدود ۵۰۰ متراز کوه راحفر کردند، ولی براثرمرگ شاه عباس اینکارناتمام ماند وسالیان درازهیچکس آنرادنبال ننمود .

تااینکه دردوران سلطنت اعلیحضرت فقید چند بار تصمیم بالحاق آب کوهرنگ به زاینده رود گرفته شد ، ولی براثرمشکلات مالی این نقشه بمرحله عمل درنیامد پس ازآن درسال ۱۳۲۶ برای ساختمان تونل وسد کوهرنگ مطالعاتی ازطرف مهندسین شرکت آلکساندرگیب صورت گرفت. نخستین اقدام برای انجام این منظورایجادساختمانی بطول ۹۲ کیلومتربود که شهراصفهان رابه کوهرنگ متصل میساخت .

درروز ۷ مهر ۱۳۲۷ شاهنشاه برای مشاهده سد کوهرنگ بآن محل عزیمت نمودند وپس ازآنکه مدخل تونل ومحل سدهارابازدید کردند بااسب بقله کوه رفته ودرآنجاجریان کوه بری زمان شاه عباس رامشاهده نمودند . سپس بمخرج کوهرنگ رفته وبوسیله دینامیت نخستین قسمت مخرج تونل رامنفجرساختند .

بعدازپنجسال

عملیات حفرتونل وسد سازی مدت پنج سال یعنی از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ بطول انجامید تااینکه سرانجام در ۲۶ مهرماه تونل وسد کوهرنگ بدست شاهنشاه افتتاح شد تونل کوهرنگ ۲۸۰۰ مترطول دارد .آب کارون پس ازعبورازتونل مزبور وارد (سرسره سقوط آب) که ۶۵ مترارتفاع دارد میشود وازآنجابپائین میریزد ، وپس ازآنکه به آب (چهل گرد) پیوست ۹۲ کیلومتر راه راطی نموده وبه زاینده رود میریزد .

تونل کوهرنگ درفصل بهارحداکثرسي مترمکعب درثانیه (معادل ۲۱۷۵ سنگ) آب داخل زاینده رود مینماید

برا ثر حفر تونل کوهرنك طبق اظهار کارشناسان ، سالی سیصدو شصت میلیون مترمکعب آب بدره زاینده رود میریزد وبااین مقدار آب کشاورزان اصفهان می توانند کلیه غلات وخوار بار مورد احتیاج سکنه مرکزی ایران را تأمین نموده و بعلاوه درحدود بیست هزارتن مازاد محصولات کشاورزی راصادر نمایند بهرحال باافتتاح سدو تونل کوهرنك در ۲٦ مهرماه بدست اعلیحضرت همایونی ، یك قدم بسیار بزرگ برای اصلاح امور کشاورزی وعمران و آبادی کشور برداشته شد که بدون شك تأثیر مهمی درزندگی صدها هزار نفر از ساکنین نواحی مرکزی ایران خواهد داشت .



دینس رایت

انحلال مجلسین و تجدید انتخابات

روز ۳۰ آذرماه چهارده تن کارمند سفارت انگلیس تحت سرپرستی (دنیس رایت) کاردار آن سفارت وارد تهران شدند و روز پنجشنبه ۲۹ بهمن ماه نیز (سرراجر استیونس) وارد تهران گردید و روز ٦ اسفند ماه استوارنامه های خود را به پیشگاه شاهنشاه تقدیم کرد .

بطوریکه گفته شد چون تعداد نمایندگان مجلس شورایملی برای تشکیل جلسات رسمی مجلس کافی نبود، ازاین رو روز ۲۸ آذرماه اعلیحضرت همایونی فرمان انحلال مجلسین سنا و شورا را صادر کردند و برای تشکیل مجدد مجلسین نیز اوامر لازم صادر نموده بالنتیجه روز پنجشنبه ۲٤ دیماه دستور شروع انتخابات سنا و روز ۱۸ اسفند ماه انتخابات مجلس شورایملی در تهران صادر گردید . در شهرستانها نیز

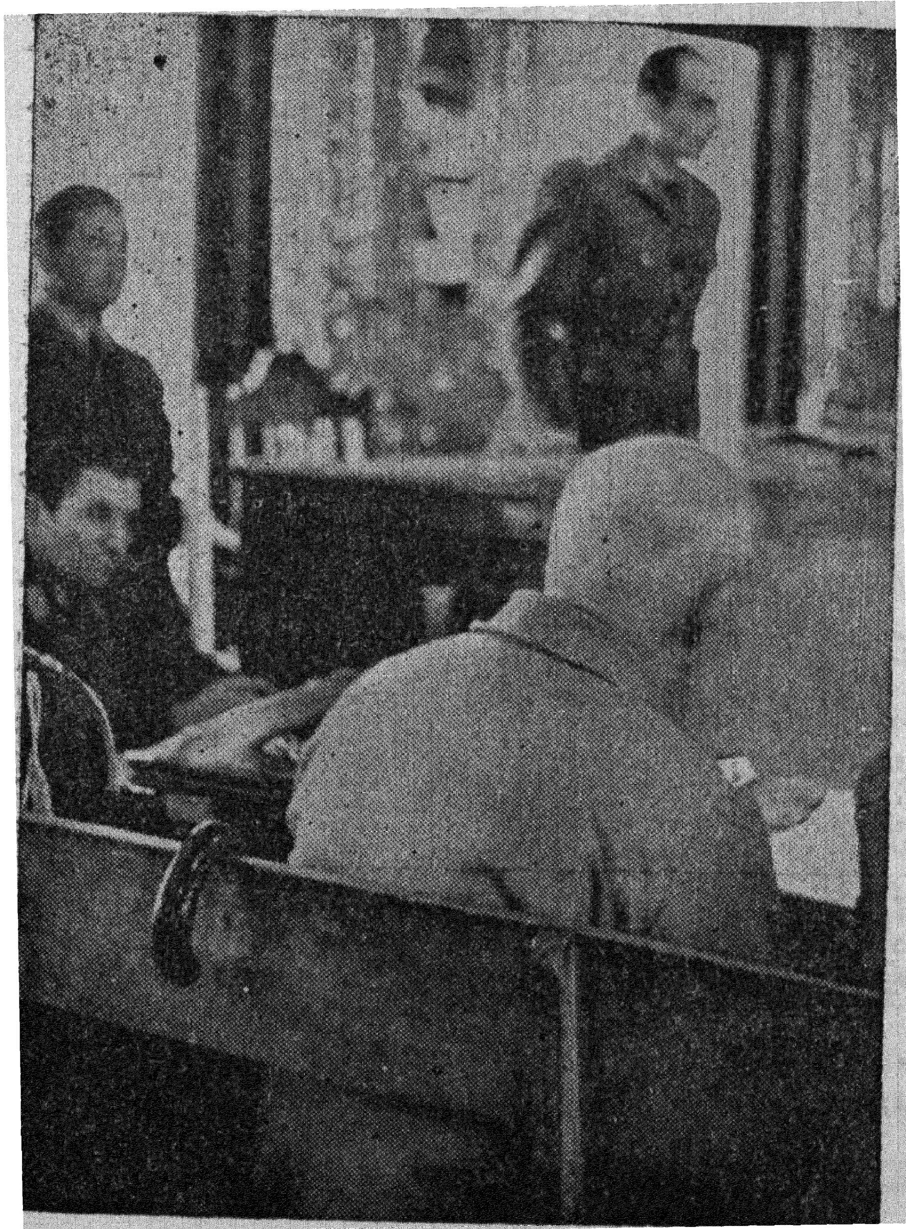


سرراجر استیونس

انتخابات باسرعت و نظم وترتیب خاصی انجام یافت و در نتیجه روز پنجشنبه ۲۷ اسفند ماه دومین دورهٔ مجلس سنا وهجدهمین دورهٔ مجلس شورایملی از طرف اعلیحضرت همایونی افتتاح گردید ، وبدین ترتیب این رکن بزرگ مشروطیت ومرکز قانونگزاری که درزمان دولت مصدق بکلی فلج شده واختیارات مجلسین راخود قبضه کرده بود ، مجدداً مشغول کار وفعالیت گردید

محاکمه دکتر مصدق

دکتر مصدق که براثر تبلیغات وسیع ودامنه دار وتحریک احساسات مردم



موقعیکه دادستان ارتش نوار ضبط صدای قاطعی را پخش میکند دکتر مصدق فریاد میزند که بخدا من از این مطالب بیخبرم

توانسته بود محیط بسیار مساعدی برای انجام خدمات بزرگی در راه مملکت بوجود آورد ، ولی نتوانسته بود از این فرصت بسیار مناسب بنفع ملت استفاده کند و ایران را بسرعت بسراشیب سقوط وپشت پرده آهنین هدایت میکرد ، خشم وغضب فوق العادهٔ مردم را نسبت بخود جلب کرد از همین رو روز ۲۸ مرداد ، ملت ایران با یك قیام دلیرانه حکومت اورا واژگون ساختند ودولت ملی سپهبد زاهدی راروی کار آوردند . پس از آن حکومت انقلابی زاهدی برای آنکه باعمال دولت سابق وخیانت های عناصر مشکوك وتبهکار رسیدگی کند مقدمات محاکمه دکتر مصدق وسرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش اورا که مجری دستورات او بود فراهم نمود ، واوایل آذر ماه محاکمه دکتر مصدق وسرتیپ ریاحی در تالار آینه کاخ سلطنت آباد فراهم گردید.

محاکمه دکتر مصدق تا روز ۳۰ آذر ماه در دادگاه نظامی همچنان ادامه داشت و سرانجام پس از رسیدگی باعمال او وسرتیپ ریاحی چون اعلیحضرت همایونی نسبت بآنچه که مربوط بخود معظم له بود صرفنظر کرد ، از این رو دادگاه دکتر مصدق را بسه سال حبس مجرد وسرتیپ ریاحی را بدو سال حبس تأدیبی محکوم ساخت .



نیکسون معاون رئیس جمهوری امریکا

بلافاصله دکتر مصدق از دادگاه فرجام خواست ، و مقرر شد که مجدداً در دادگاه تجدید نظر به پرونده اورسیدگی شود .

شخصیت های خارجی در ایران

پس از رویکار آمدن دولت انقلابی سپهبد زاهدی ، جمعی از شخصیت های برجسته بین المللی مسافرت هائی بایران کردند وبرای استقرار روابط دوستانه و توسعه مناسبات بازرگانی و اقتصادی و حل مسئله نفت مذاکراتی بااولیای اموردولت ایران نمودند .

که اکنون بطور اختصار از آنان یاد میشود

روز ۱۸ آذرماه (نیکسون) معاون رئیس جمهوری امریکا و رئیس مجلس سنای آنکشور وارد تهران گردیده با اعلیحضرت همایونی و نخست وزیر ملاقاتهائی نمود.

نیکسون هنگام ملاقات باسپهبد زاهدی پیامی را که ژنرال آیزنهاور رئیس جمهوری امریکا برای نخست وزیر فرستاده و طی آن بتحکیم روابط دوستی بین دو کشور اشاره نموده بود باو تسلیم نمود و سپهبد زاهدی نیز پیام متقابلی در همین زمینه



هوور کارشناس مشهور نفت درحضور نخست وزیر

برای رئیس جمهوری امریکا فرستاد.

روز ۲۹ آذر ماه نیز سر ظفرالله خان وزیر خارجه پاکستان وارد تهران شد و به پیشگاه شاهنشاه و سپس بحضور نخست وزیر رفت و راجع بتحکیم روابط دوستی دو کشور مذاکراتی نمود و روز ۱۸ دیماه از ایران عزیمت کرد

دراین هنگام ازطرف دولت امریکا(هوور) کارشناس مشهور نفت ومشاور وزارت امورخارجه آن کشور، برای تجدید مذاکرات نفت بین ایران و انگلیس، مسافرتهائی بتهران ولندن کرد وزمینه رابرای آغازمذاکرات فراهم ساخت.

همچنین(ریبر) کارشناس نفتی دیگرامریکانیزبرای مشاوره در امرنفت از طرف دولت ایران دعوت شدتابانمایندگان کمیسیون نفت ایران در مذاکرات آینده همکاری کند.


مستر ریبر

بر اثرمذاکرات هوور با اولیای شرکت سابق ودولت انگلیس، مقرر گردید که نفت ایران بوسیله هشت شرکت بزرگ نفت انگلیسی وامریکائی وهلندی و فرانسوی ببازار های جهان ارسال شود برای انجام این منظور بیست نفر از نمایندگان کنسر سیوم نفت بنمایندگی از طرف هشت کمپانی با هواپیما وارد آبادان شدند وازپالایشگاه و سایر تأسیسات نفت جنوب بازدید کردندودرحالیکه اعتراف نمودند مهندسین ایرانی بخوبی توانسته اند تأسیسات نفت رانگهداری کنند، بلندن مراجعت کردند تاگزارش مشاهدات خود را بمراکزخودتسلیم نمایندتاهیئت دیگری برای مذاکره نهائی جهت حل مسئله نفت در فروردین ماه ۱۳۳۳ بسوی ایران عزیمت کند.

روز ۲۶ بهمن ماه نیزدکتر شاخت کارشناس مشهور بانکی واقتصادی آلمان وارد تهران گردید وپس ازتماس با کار شناسان اقتصادی ایران، طرح ها و پروژه هائی برای بهبود وضع مالی و ارزواصلاح امور بانکی واقتصادی کشور تهیه و بدولت ایران تسلیم کرد.

درخلال این احوال چون مقرر شده بود که جشن هزارمین سال تولد ابن سینا فیلسوف وطبیب مشهورایرانی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۳ درتهران و

همدان انجام یابد ، از این رو از هشتاد ویك تن ازدانشمندان ومستشرقین معروف



دکتر شاخت
کارشناس اقتصادی
معروف آلمان

بین المللی دعوت بعمل آمد که برای شرکت در جشن هـزارهٔ ابن سینابـایران
عزیمت نمایند .

اقدامات اصلاحی

خرابیهائی که درزمان دولت سابق رویداده بود ، بحدی بود که مدتها وقت

لازم داشت تااین ویرانیهاوآشفتگی وهرج ومرج اصلاح گردد ، ولی بنابفرمان اعلیحضرت همایونی ، دولت باسرعت بی نظیری درصدد ترمیم خرابیهای گذشته برآمد ، وقدمهائی درباه تأمین رفاه وآسایش عمومی و استفاده ازعناصرخدمت گزارمملکت برآمد که ایك بطوراختصارازآنهاسخن گفته میشود :

درنیمه آذرماه دولت برای بهبودزندگی طبقات مستمند دستورداد که هرچه زودترشروع بساختمان پانصد دستگاه خانه های ارزان قیمت نمایند ، وبلافاصله مقدمات کاربرای انجام این منظورفراهم شد وساختمان خانه هـای ارزان قیمت آغاز گردید.

انجمن خیریه ثریاپهلوی نیزکه تحت ریاست عالیه علیاحضرت ملکه بتازگی شروع باقدامات خیرخواهانه وملی بنفع طبقات مستمند کرده بود روز ۲۳ بهمن ماه شروع بکار نمودوعلیاحضرت ملکه ثریاطی پیامی که دراین روزخطاب بکلیه بانوان کشورایراد نمود،آنانرادعوت بشرکت درکارهای نیك وعام المنفعه کردند وضمناًدستورداد ندکه ازطرف انجمن ده هزار دست لباس بین دانش آموزان بی بضاعت تقسیم شوددرخلال این احوال چون عده زیادی از لایق ترین وشایسته ترین افسران ارتش ازطرف دولت سابق ازکاربرکنارشده یا بازنشسته بودند ، دولت سپهبد زاهدی درصدد برآمد ازوجودآنان دردستگاههای مختلف استفاده کند ، ازاین رواحکام صادره ازطرف دولت سابق رالغونمود ومجدداً این افراد رابخدمت دعوت کرد .

همچنین چون اغلب قوانین صادره ازطرف دکترمصدق که طبق قـانون اختیارات مبادرت بوضع آنها نموده بود ، بهیچوجه با عدالت وفق نمیداد ویـا بنفع مملکت نبود لغو گردید وقوانین سابق بجای آنهامورداستفاده قرار گرفت برای بهبودوضع کارمندان دولت نیز که اغلب آنها درنهایت عسرت وتنگدستی بسرمیبردند ودولت سابق بواسطه ضعف بودجه وخرابـی وضع اقتصادی مملکت نتوانسته بود حقوق حقة آنهارا بپردازد، ازطرف دولت جدید مقرر گردید که کلیه اضافات و ترفیعات آنان درآغاز سال ۱۳۳۳ پرداخته شود ، چون برای اصلاح

کارگران تاآن تاریخ هیچگونه اقدام مؤثری بعمل نیامده بود ، برای تأمین رفاه وآسایش این طبقه نیزمقرر گردید که یك ملیون وهفتصد هزارمترازاراضی فرح آباد وونك بین کارگران تقسیم شود ، وکلیه رانندگان وکارکنان اتوبوسها وکافه رستورانها وگرمابه هابیمه شوند ، بعلاوه برای خاتمه دادن بوضع اتوبوسرانی شهری مقرر گردید که اتوبوسها بصورت شرکت اداره شوند ووسایل رفاه و آسایش کارگران آنهاازهرجهت تامین شود .

درخلال این احوال ازطرف اعلیحضرت همایونی مجدداً دستورهای لازم برای تقسیم املاك سلطنتی بین کشاورزان وروستائیان صادرگردید ، و بالنتیجه هیئتی ازتهران بمشهدعزیمت کردند ویازده هزارهکتاراراضی قریه (فریمان) بین ۶۳۰ خانوار ازروستائیان آنمحل تقسیم گردید .

روز۱۴ بهمن ماه نیزاسناد مالکیت ۱۲۰ نفر اززارعیای قریه (خانلق) از دهات شهریاردرکاخ مرمربدست شاهنشاه بین روستائیان قریه مزبور توزیع شد.

ازاینها گذشته ازطرف دولت اقداماتی نیزبرای آبادانی دشت مغان وایجاد دهات نمونه درآن سامان صورت گرفت ، همچنین طرح ایجاد یك شهر صنعتی در کرج تهیه وتنظیم شد تاپس ازتهیه مقدمات آن هرچه زودترشروع شود .

نتیجه دو سال ونیم تلاش و فداکاری

قیامی که ملت ایران در آخرین روز های سال ۱۳۲۹ برای ملی کردن صنعت نفت واحقاق حقوق از دست رفته خود کرد ، در تاریخ میهن ماکمتر نظیر دارد . زیرا هموطنان مادر شرایط بسیار سخت ودشواری بدین کارمبادرت ورزیدند که شاید برای ملل دیگر یك چنین جنبش دلیرانه ئی امکان پذیر نبود .

متأسفانه این قیام ملی که موجب ایجاب و شگفتی ملتهای زنده دنیا گردید، پس از چندی براثر سوء نیت وخیانت عده‌ای از اطرافیان دکترمصدق و اشتباه خوداو از جهت اصلی ، ومسیر اولیه منحرف گردیدودرنتیجه اثرات زیان بخشی از خویش بجای نهاد که جبران آن بااین آسانیها ممکن نیست وقتی بکارنامه

عملیات این دوسال ونیم نگاه میکنیم ، تنها دوچیز نظر مارا جلب میکند .

یکی جنبش مردانه احساسات پاك وبی شائبه هموطنان ما که قدرت معنوی ملت ایران را درصحنهٔ مبارزات بین المللی نشانداد و اکنون از آن جز یأس و بدبینی چیزی باقی نمانده ، دیگر زیان عظیم مالی که بنیهٔ اقتصادی کشور را بکلی ضعیف ساخت ، وچرخهای فعاله کشوررا از گردش باز داشت ،وموجب شد که شکاف عمیقی در خزانه مملکت بوجود آید ، و کشور را بآستانه افلاس وورشکستگی سرنگون سازد .

طبق آمار دقیق که از طرف متخصصین بیطرف منتشر گردیده و بهیچوجه درصحت آن تردیدی نیست ، دراین دوسال قریب ششصد میلیون دلار بخزانه مملکت زیان وارد آمد، بعلاوه دوسال ونیم وقت مملکت تلف گردید ، وخونهای بسیار درراه هیچ وپوچ برزمین ریخته شد ، وفقروبی چیزی روزبروز بیشتر گردید و دودستگی ونقار واختلاف بین افراد مملکت ریشه دوانید ، وگروه بسیاری از مردم شرافتمند ازهستی ساقط گردیدند ، ودرعوض عده ئی ازعناصر گمراه وخائن وبی شخصیت صاحب ثروتهای فراوان شدند ، وافراد ماجراجو وآشوب طلب ورجاله جانشین رجال نیکنام مملکت گردیدندو برمقدرات مردم حکومت کردند ،وریشه ایمان ودین ومعتقدات مذهبی راسست ساخته ونسبت بمقدسات ملی همه گونه اهانت را روا داشتند .

بدین ترتیب دوسال ونیم حکومت دکتر مصدق علاوه برآنکه بنفع مملکت تمام نشد ، موجب گردید مردم نسبت باوضاع چنان بدبین شدند که دیگر کسی حاضر نیست باین آسانی وقت وعمروهستی خودرا در راه وعده ووعید این و آن فدا ساخته ، ودست بعمل مثبت بزرگی بزنند .

باآنکه دراین مدت اعلیحضرت همایونی ، برای بارور شدن درخت نهضت ملی ایران همه گونه گذشت وفداکاری را نموده ، وصبرو بردباری عجیبی ازخود نشاندادند ،دولت سابق کار را بجائی کشاند که نزدیك بود رژیم مشروطهٔ سلطنتی

بکلی ازاین کشوررخت بربندد ، ومملکتی که مدت ۲۵۰۰ سال بااصول سلطنتی وپادشاهی اداره میشد ، بصورت یك مستعمرهٔ سرخ درآید .

بنابراین اگر دکتر مصدق سوء نیت نداشته لااقل مردی منحرف وخطاکار است که براثر اشتباهاتی که مرتکب گردید ، زیان بزرگی بملت و مملکت وارد آورد که سالها وقت لازمست تازیانهای حاصله ازدوران حکومت اوجبران گردد .

علیاحضرت ملکه پهلوی

روز ششم اردی بهشت ماه سال ۱۲۷۸ درخانوادهٔ مرحوم تیمورخان میرپنج دختری پابعرصه وجود نهاد که نام اورا تاج الملوك نهادند .

تاج الملوك دوران کودکی رادردامان پراز مهرومحبت پدرو مادر گذراند وچون مادروپدرعلاقه بسیاربشعائر دینی ومذهبی داشتند دخترخودرانیز تشویق بفراگرفتن اصول دینی ومذهبی نمودند .

دردوران کودکی همانطورکه درآنزمان مرسوم بود معلم خصوصی برای تعلیم تاج الملوك تعیین گردید ومشارالیها بآموختن کلام الله مجید و شرعیات و ادبیات فارسی پرداخت .

صفات وسجایای عالی تاج الملوك وحس رحم وشفقت وزیردست نوازی و نوع پروری او ازهمان اوان توجه عموم اطرافیان راجلب کرد وهمه اورا وادار بتکریم و تمجید نموده بود .

چندی بعد درتاریخ ۱۵ رجب سال ۱۲۹۴ شمسی رضاخان پهلوی یکی از صاحبمنصبان جوان ورشید که اغلب اوقات عمرخودرا در جنگها گذرانده بود از تاج الملوك خواستگاری کرد و تیمور خان میرپنج که مراتب شجاعت و ازخود گذشتگی این صاحبمنصب جوان ودلیر را شنیده بود باکمال میل ورغبت دختر گرانمایهٔ خود را بعقد ازدواج او آورد .

تاج الملوك درتمام ایامی که رضاخان پهلوی درراه خدمت بمیهن مشغول بودو درصحراها وکوهها درراه حفظ استقلال ایران جانبازی میکرد ، صمیمانه ترین یار و یاور همسر شجاع وفداکارخودبود . درعین حال به پرورش وتعلیم فرزندان خود



علیاحضرت ملکه ایران (پهلوی)

اشتغال داشت . اطفال رضاخان پهلوی وبانوتاج الملوك تاقبل ازسلطنت به ترتیب عبارت بودنداز:

شمس پهلوی، محمدرضا پهلوی ، اشرف پهلوی ، علیرضا پهلوی.

پس از آنکه رضا خان پهلوی بمقام سردار سپهی و وزارت جنگ و بعد بریاست وزراء وبالاخره بسلطنت ایران رسیدوبانو تاج الملوك ملكه ایران گردید، همواره صفات وسجایای عالی گذشته راحفظ نمودوحتی بواسطه مقام و موقعیت خاص خود بیش ازپیش بکمك ومساعدت مردم بینوا ومستمند مبادرت ورزید.

علیاحضرت ملکه هنگامیکه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی درنخستین سال های سلطنت ،سخت گرفتارمهام امورمملکت بود ،او بانهایت صمیمیت ودلسوزی بشاهنشاه بزرگ ایران کمك میکرد وفرزندان او را در دامن پرمهر ومحبت خود ببهترین وجهی تربیت می نمود وروح ایمان وخداپرستی وردل های پاك وبی آلایش آنان می دمید.

درسال ۱۳۱٤ که اعلیحضرت رضاشاه نهضت بانوان را درایران عملی ساخت، نخستین زنی که چادر ازسربرداشت وسرمشق طبقهٔ زنان این کشور گردید، علیا حضرت ملکه پهلوی بود.

هنگامیکه والاحضرت محمدرضا شاه پهلوی ولیعهد ایران درسویس بکسب علم ودانش مشغول بود ، بطور غیررسمی مسافرتی بآن کشور کرد واز فرزند والا گهرخود دیدن نمود.

پس ازآن نیزچندبار دیگر مسافرتهائی بکشورهای اروپا کرد. علیا حضرت ملکه ایران همواره ازدور ونزدیك مراقب اعمال فرزندان خود بود،وهمیشه در کارها آنهارا راهنمائی می نمود.

پس از شهریور ۱۳۲۰ که اعلیحضرت رضاشاه پهلوی مجبور بجلای وطن گردید علیاحضرت ملکه شاهنشاه راتامرز بدرقه نمود وازآنجا بنابدستوراعلیحضرت رضا شاه، چون شاهنشاه جوانبخت ایران تنها بود،ملکهٔ ایران مجدداً بتهران باز گشت.

درآنروزهای سخت ودشوار ومحنت زا که غم واندوه ازهمه طرف برای ملت می بارید و پادشاه بیست ودوساله ایران یکه وتنها مواجه بابزرگ ترین حوادث ووقایع مهم تاریخ شده بود ، علیاحضرت ملکه تنها یار و غمخوار فرزند تاجدار خود بود.

درسالهای قحطی وگرسنگی که طبقه بی چیز کشور غرق در بدبختی و بیچارگی بودند و قوای بیگانه خوار بار و آذوقه آنهارا بخارج کشور حمل مینمودند،علیاحضرت ملکه مادر بارأفت و مهربانی ودلسوزی خاصی بآنها کمك میکردندوغالباً بطور ناشناس بخانه‌های مستمندان و بینوایان رفته‌واز آلام آنها آگاه می شدند ودررفع بدبختیشان میکوشیدند.

نورخداپرستی وایمان بمبدأ وعلاقه بمبانی دینی چنان قلب وروح علیاحضرت را روشن کرده بود که گوئی خداوندا اورا برای تسکین غم ورنج دردمندان فرستاده بود. هنوزهم صفات وسجایای عالی وبرجسته علیاحضرت ملکه مادر مورد تکریم و احترام عموم می باشد.

همین صفات وخصائل عالی بود که سبب گردید شاهنشاه ایران فرزندوالاتبار ایشان یکی از مهربانترین و باعاطفه‌ترین پادشاهان تاریخ کشورایران شوندو باز همین روحیهٔ عالی بود که سبب شدوالاحضرت شاهدخت شمس پهلوی و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بزرگترین زنان نیکوکار تاریخ جهان بشماروند و هریك ریاست عالیه بزرگترین ومهمترین سازمانهای خیریهٔ ایران رابعهده گیرند.

علیاحضرت ملکه بغیر ازمسافرتهائی که باروپا کرده‌اند،غالب اوقات بعتبات عالیات وهمچنین بزیارت حضرت امام رضا(ع) وحضرت معصومه علیهاسلام میروندو روح وقلب خودرا ازیارت بقاع ائمهٔ اطهار تسکین می بخشند.

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

روز ٦ آبان سال ١٢٩٦ شمسی بود که در خانوادهٔ رضاخان پهلوی دختری دیده بجهان گشود.

این کودک نوزاد که بعدها یکی از بزرگترین و مهربانترین و نوع دوست ترین شاهزاده خانمهای ایران گردید دوران طفولیت را در دامان پرازمهر و محبت مادر خود گذراند ودرعین حال که درخانه پدری ، نزد معامین بتعلیم وآموختن دروس مقدماتی مشغول بود ، زبانهای فرانسه و انگلیسی رانیزآموخت پس ازآنکه تحصیلات مقدماتی را بپایان رساند، مشغول مطالعه کتب تاریخی و ادبی ایران گردیدوازخرمن دانش خوشه ها جمع کرد . ضمناً درمواقع بی کاری به آموختن موسیقی پرداخت ودر مدت کوتاهی نواختن هارپ و پیانو را فرا گرفت .



شاهدخت شمس در طفولیت

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی دارای روحی حساس وطبعی مهربان میباشد قلب حساس وباعاطفهٔ وممتلی ازحس بشر دوستی ونوع پروری است .

والاحضرت شاهدخت پس ازآنکه زبانهای خارجی را بخوبی فرا گرفت ، آثار نویسندگان ودانشمندان مغرب زمین راموردمطالعه قرارداد وبا فکارمردان علم ودانش باختر آشنا گردید .

اولین ازدواج

یکروز هنگامیکه اعلیحضرت فقید در کاخ مرمر باعلیاحضرت ملکه پهلوی مشغول صحبت بودند، رشته کلام بوالاحضرت شاهدخت شمس و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی کشیده شد.

اعلیحضرت اظهارداشتند اکنونکه بچها بسن رشد رسیده اند بی‌مناسبت نیست که برای ازدواج آنها، در بین جوانان باشخصیت ولایق مملکت دونفر برای آنان درنظر گرفته شود.

اینموضوع چندروز بعددر دربار شاهنشاهی باطلاع درباریان رسید، و پس از مدت کوتاهی عکس عده‌ئی ازجوانان تحصیل کرده وفرزندان رجال کشور تهیه شدوازنظر اعلیحضرت همایونی وعلیاحضرت ملکه گذشت، ودر نتیجه بین آنهافریدون جم وعلی قوام بیش‌از سایرین موردتوجه شاهنشاه قرار گرفت درآن موقع این دونفردرانگلستان وفرانسه مشغول تحصیل بودند. بلافاصله تلگرافی بآنان اطلاع داده‌شد که بایران عزیمت نمایند وپس‌ازآن مراسم عقد دراسفندماه ۱۳۱۵ بعمل آمد.

آنگاه آقایان فریدون جم وعلی قوام وارد دانشکده افسری شدند و پس از خاتمه خدمت در دانشکده افسری در مهر ماه ۱۳۱۶ مراسم عروسی والاحضرت شمس باآقای فریدون جم و والاحضرت اشرف باآقای علی قوام درپیشگاه رضاشاه کبیر انجام یافت.

فریدون جم درسال ۱۲۹۳ درتهران متولد گردید. تحصیلات مقدماتی رادر تهران وتحصیلات متوسطه رادرپاریس بپایان رساند. ضمنا دانشکده (سن سیر) فرانسه ودانشکده افسری ایران ودانشگاه جنگ انگلستان راطی نمود.

فریدون جم فرزند آقای محمودجم (مدیرالملک) است که چندین باربمقام وزارت وسفارت ونخست وزیری رسید مادراونیز بانوملک الزمان نواب از خانواده نواب هندی (حسینقلیخان نواب) وزیرخارجه وسفیر ایران درآلمان پس ازجنگ بین المللی اول میباشد.

این وصلت تا مهرماه سال ۱۳۲۳ دوام داشت



والاحضرت شاهدخت شمس فریدون جم علی قوام
در روز عروسی

پس از فوت شاه فقید با اجازه اعلیحضرت همایونی والاحضرت شمس و آقای فریدون جم بعلت عدم توافق اخلاقی با موافقت هم بطور دوستانه با یکدیگر متارکه نمودند.

والاحضرت شاهدخت مورد توجه خاص اعلیحضرت رضاشاه کبیر وعلیاحضرت ملکه بود، و پس از آنکه حادثه شوم شهریور ۱۳۲۰ رویداد، او با پدر تاجدار خود سوار کشتی شد و در دل اقیانوس و در میان امواج کوه پیکر همواره یگانه مونس وهمدم اعلیحضرت رضاشاه بود.

در روزهای سخت ودشواری که سردودمان خاندان پهلوی درجزیرهٔ دورافتادهٔ
آتش زای موریس بسر میبرد ، والاحضرت شاهدخت بامهربانیهای خود قلب دردمند



والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

شاهنشارا تسلی میبخشید ... یادداشتهای والاحضرت دربارهٔ اعلیحضرت رضاشاه هنگام جلای وطن ،و اقامت درجزیرهٔ موریس و جنوب افریقاو تشریح آلام شاهنشاه بزرك ایران که در مطبوعات ایران بطبع رسیده ،ومادرضمن سرگذشت رضاشاه از آنها استفاده کرده ایم نمایندهٔ روح حساس و باعاطفه این شاهزاده خانم عالیقدر ایرانیست .

در آن روزهائی که والاحضرت شاهدخت بطور موقت بنا بامر پدر تاجدار خود بایران مراجعت کرد ، اثرات تنهائی وغم واندوه اعلیحضرت رضاشاه بحدی گردید که مایهٔ وحشت واضطراب همراهیان شاهنشاه شد ،واین خود نشانه شدت علاقه وانس اعلیحضرت نسبت به نخستین فرزند دلبند خود میباشد .

پس از آنکه اعلیحضرت رضاشاه ،در دیار غربت چشم از جهان پوشید والاحضرت مسافرتی باروپا و امریکا کرد ومطالعات عمیقی دراوضاع بزرگترین و مترقی ترین کشور های جهان بعمل آورد ، وضمناً درآنجا معلومات واطلاعات خود را تکمیل کرد وزبان ایتالیائی را نیز فرا گرفت ، ومطالعات بیشتری در موسیقی علمی بین المللی که مورد علاقهٔ خاص والاحضرت بود بعمل آورد .

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی در سال ١٣٢٤ با آقای مهرداد پهلبد ازدواج کرد و اکنون صاحب دو فرزند است بنام نواب والا شهباز و نواب والا شهیار .

آقای پهلبد یکی ازجوانان تحصیل کرده و ازخانواده های نجیب و قدیمی ایران میباشد که در سال ١٢٩٦ درتهران متولد گردیده وتحصیلات دورهٔ ابتدائی ومتوسطه رادر تهران بپایان رسانید وآنگاه وارد دانشکده فنی شد وپس ازخاتمه دورهٔ دانشکده برای تکمیل تحصیلات باروپا و امریکا مسافرت نمود ویکی از مهندسین رشته ساختمان گردید .

آقای پهلبد بزبانهای فرانسه وانگلیسی آشنائی کامل دارد وازطرف والاحضرت شاهدخت درجمعیت شیروخورشید سرخ ایران سمت نماینده مخصوص ریاست عالیه را دارد. والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی تمام لحظات زندگی عمر خود را بیش ازهرچیز بدو چیز مصروف میدارد . یکی امور خیریه ومساعدت به بینوایان ومستمندان

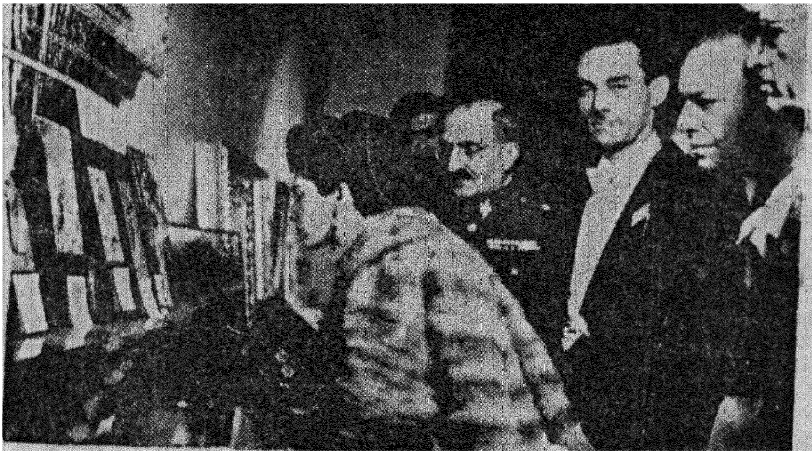
و دیگری مطالعه ، والاحضرت شاهدخت از زمانیکه ریاست عالیه جمعیت شیروخورشید سرخ ایران را بعهده گرفت تشکیلات این سازمان خیریه را بمراتب وسیع‌تر از سابق کرد و دامنهٔ فعالیت آنرا بیشتر نمود .



آقای "پهلبد" با دو فرزند خرد شهیار و شهباز

بطوریکه اغلب اوقات هنگام بروز حوادث ناگوار جمعیت شیروخورشید سرخ بیاری آسیب‌دیدگان میشتابد، چنانکه تا کنون بهنگام بروز زلزله وجریان سیل وحریق وحوادث ناگوار دیگر درشهرهای مختلف ، جمعیت شیروخورشید سرخ کمك های بسیار گرانبهائی بمردم آسیب دیده نموده .

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی علاوه برریاست جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران ، ریاست افتخاری موسیقی کشور ، وریاست افتخاری انجمن هنرمندان



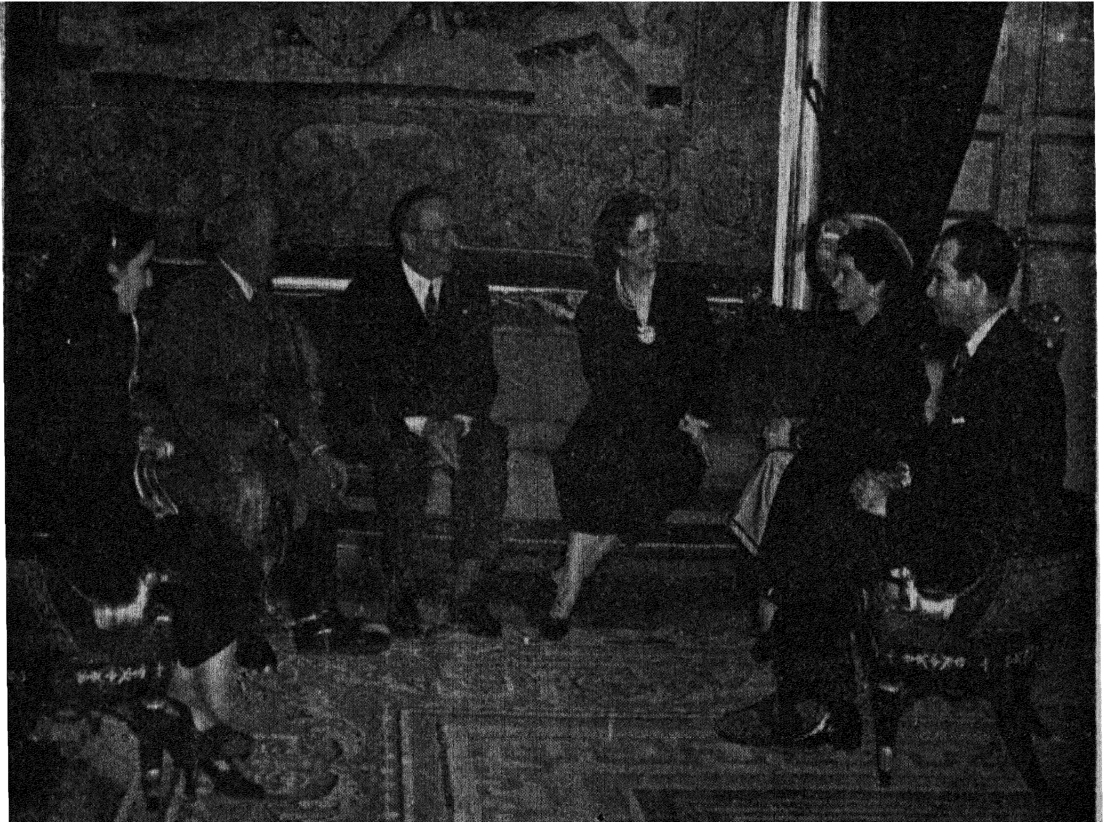
والاحضرت شاهدخت از تابلوهای نفیس بازدید و تیمسار سرتیپ معیری توضیحات لازم بعرض میرساند

ایران را بعهده دارد ، ودراثر زحمات وخدماتی که در راه کمك بآسیب دیدگان وتوسعه تشکیلات شیروخورشیدسرخ انجام داد بدریافت نشان عالی صلیب سرخ سوئد موفق گردید .

همچنین بنگاه نیکوکاری تحت ریاست والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی دراسفند ماه ۱۳۲۱ تشکیل گردید ، والاحضرت برای تأمین مخارج اولیه این بنگاه مبلغ یك میلیون ریال ازدارائی شخصی اهداء نمود ودرنتیجه اولین قدمی که این بنگاه بمنظورفوق برداشت . تأسیس بیمارستان کودکان بود که تاآن تاریخ در ایران سابقه نداشت . بتدریج بر اثر مساعدتهای اعلیحضرت همایونی تشکیلات بیمارستان مزبور وسعت یافت ودرنتیجه گروه انبوهی از کودکان بینوا

که همه ساله براثرابتلاء به بیماریهای گوناگون تلف می شدند ، ازچنگال مرگ ، نجات یافته وجوانان برومندی برای کشور بار میآیند .

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی چندی پیش مسافرتی باروپا وامریکا کرد، وازمؤسسات خیریه وصلیب سرخ کشورهای خارجی دیدن نمودودرمراجعت ملاقاتی باژنرال فرانکو رئیس دولت وزمامدارا سپانیاودختراو کرد .



آقای پهلبدوالاحضرت شمس همسرژنرال فرانکو رئیس تشریفات فرانکو ژنرال فرانکو دختر فرانکو

والاحضرت شاهدخت امروزه مورداحترام قاطبهٔ اهالی کشور میباشند . و عموم ایرانیان ایشان را بواسطه صفات و سجایای عالی و احساسات بشر دوستی میستایند و از صمیم قلب بایشان احترام میگذارند .



جناب آقای پهلبد همسر والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سپیده دم روز ٤ آبان سال ۱۲۹۸، هنگامیکه خورشید ازافق خاور طلوع



والاحضرت اشرف در طفولیت

میکرد، درخانوادۀ پهلوی نیز دوستارۀ درخشان طلوع نمودند ودیدگان پدر ومادروافراد خانوادۀ خود را روشنی بخشیدند.

گوئی پنجۀ تقدیر برای این دو کودک نوزاد که توأمان پابجهان نهاده بودند سرنوشت مشابهی تعیین کرده و آنها را برای تغییرات شگرفی در زندگی یك ملت کهنسال مأمور کرده بود.

درآنموقع هیچکس تصور نمیکرد که این پسرو دخترروزی نقش مهمی درتاریخ ایران ایفا کرده وتحولات عظیمی دراوضاع زندگی پانزده میلیون ایرانی ایجاد خواهند نمود و ازخدمات خود نام خویشتن را در جهان بلند آوازه خواهند ساخت.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی از دوران کودکی آثار هوش و فراست در چهره‌اش نمودار بود و بیش ازسایر کودکان



والاحضرت اشرف با برادر تاجدارش پهلوی دوم و شاهدخت شمس پهلوی و شاهپور علیرضا

تلاش میکرد و ببازیهای گوناگون می پرداخت والاحضرت تحصیلات مقدماتی خود را درخانه فرا گرفت و به زبانهای خارجی و ادبیات و تاریخ ایران و جهان آشنا شد.

ازدواج

بطوریکه قبلا گفته شد ، پس از آنکه اعلیحضرت فقید و علیاحضرت ملکه پهلوی تصمیم گرفتند که والاحضرت شاهدخت ها ازدواج نمایند ، در بین عکسهائی که از فرزندان رجال کشور به پیشگاه شاهنشاه آورده شد آقای علی قوام را



والاحضرت شاهدخت اشرف درجشن همسری با علی قوام

برای ازدواج باوالاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بهتراز دیگران تشخیص دادند.

ازاین رو پس ازآنکه تلگرافی آقای علی قوام بتهران دعوت شد ، مراسم عقدایشان باوالاحضرت اشرف دراسفند ماه ۱۳۱۵ ومراسم عروسی پس ازخاتمه خدمت دردانشکده افسری درمهر۱۳۱٦ انجام یافت .

زندگی زناشوئی والاحضرت اشرف باآقای قوام نیزدیری نپائید ،وچون اختلاف سلیقه درزندگی یکدیگرمشاهده کردندازاین رودرسال ۱۳۲۲ ،هنگامیکه اعلیحضرت فقید دورازخاک وطن درژهانسبورگ بسرمیبردند ، والاحضرت اشرف مسافرتی بمصروازآنجابه ژهانسبورگ کردند وپس ازجلب موافقت اعلیحضرت فقید درباره جدائی از آقای علی قوام بتهران مراجعت کرد ، وسپس بایکدیگر متارکه نمودند.

آقای علی قوام فرزند قوام الملك شیرازی ازرجال مشهورومتنفذایرانست که درسال ۱۲۹٤ درشیرازمتولد گردید .تحصیلات ابتدائی ومتوسطه اونیزدر شیرازانجام یافت . بعد برای ادامهٔ تحصیل بانگلستان عزیمت نمودودردانشکده اکسفوردلندن بتحصیل پرداخت . سپس بتهران آمد وپس از انجام مراسم عقد باوالاحضرت اشرف دوره دانشکده افسری ودانشگاه جنگ رانیز با موفقیت بپایان رساند .

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیزازاوان طفولیت علاقه خاصی بامور خیریه وتأمین رفاه وآسایش مردم داشت . اعلیحضرت رضاشاه کبیربهمین جهت علاقهٔ خاصی نسبت بوالاحضرت داشت ودرعکسهائیکه چه درزمان سلطنت وچه قبل ازآن برداشته شده ،همواره آثارمحبت شاهنشاه نسبت بوالاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نمودارا ست .

هنگامیکه اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی زمام امور کشوررابدست گرفت والاحضرت برای کمك به برادرتاجدارخود قدم پیش نهاد وازطرف اعلیحضرت همایونی به‌نیابت ریاست عالیه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی منصوب گردید.

انجمن خیریه و آموزشگاه پرستاری بهمت شاهدخت اشرف پهلوی تأسیس شد. والاحضرت درپیشرفت کاروتوسعه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی مجاهدت بخرج داد بطوریکه این سازمان امروزه بزرگترین خدمت را به بینوایان وطبقهٔ بی چیز کشور مینماید .



والاحضرت همیشه اوقات با رأفت و مهربانی اطفال یتیم و مستمند را خشنود و خرسند می نماید

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در فروردین ماه سال ۱۳۲۶ شمسی بفرمان اعلیحضرت همایونی تشکیل یافت وهدفهای عمده آن بشرح ذیل تعیین گردید:

۱ ـ تأمین بهداشت عمومی .

۲ ـ مبارزه باتکدی وولگردی .

۳ ـ تعمیم آموزش و پرورش .

٤ ـ اقدام بسایرامور اجتماعی

سازمان شاهنشاهی اکنون تقریبا درسراسر نقاط کشور درمانگاههای متعدد

ایجاد نموده و بمعالجه بیماران می پردازد . یکی از مؤسسات بسیار سودمند سازمان کانون کار و آموزش است که در دوسال اول تأسیس خود بیش از شش هزار نفر گدا وولگرد را در پایتخت جمع آوری نموده و پس از معالجه اغلب آنها بتعلیم و تربیت این گروه بدبخت وبینوا پرداخت.

ازصدر مشروطیت تا کنون این نخستین بار بود که چنین مؤسسه بزرگ خیریه اجتماعی تشکیل گردید و بجمع آوری گدایان که در کوچه‌ها و خیابانها پراکنده بودند ومایهٔ ننگ ملی بشمار میرفتند مبادرت ورزید .

برنامه کار کانون آموزش علاوه برخواندن و نوشتن آموختن یك یا دوصنعت ازقبیل نجاری، آهنگری ،حلبی سازی ، توربافی ، نقاشی ، کفش‌دوزی، نساجی زیلو بافی و قسمتهای دیگر میباشد .

اقداماتی که تا کنون سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بعمل آورده عبارت است از :

١ - ازمحل درآمد روز سازمان درسال ۱۳۲۷ سالانه بیکهزار تن نوآموز دبستان و ماهانه بسیصدوده تن دانش آموز دبیرستان و یکصدو بیست و پنج تن دانشجوی پزشکی ودانش‌سرای عالی در سراسر کشور از آغاز مهرماه ۱۳۲۸ کمك هزینه تحصیلی پرداخته شده است .

۲ سه‌هزارو پانصدتن زن و مرد و کودك مستمند و عاجز و ولگرد تهران در کانون کاروآموزش سازمان نگهداری می شود ودرآموزشگاه وکارگاههای آنجا درس میخوانندو کارمیکنند .

۳ - آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی ، بزرگترین آموزشگاه نوع خوددر خاورمیانه‌میباشد با بیمارستان مجهز یکصد تختخوابی و وسائلی که‌دارد ، هرسال درحدود شصت پرستار کارآزموده وزبردست بجامعه تحویل میدهد .

٤- هرماه درحدود یکصدهزارتن ازمستمندان بیمار به ۱۰۵ درمانگاه سازمان در تمام نقاط کشور ، از کرانه رودارس تا ساحل خلیج فارس مراجعه میکنند و برایگان معاینه ومعالجه میشوند .

٥ - پنج شعبه کمك بمادران و کودکان در پنج نقطه تهران هر ماه بامور معیشت بالغ بریکهزار خانواده بینوا رسیدگی و آنهارا یاوری میکند.

٦- دوهزار و پانصد تن دانش آموز دختر و پسر بی بضاعت هر سال لباس عید خودرا از سازمان شاهنشاهی دریافت میدارند.

٧-همه ماهه کمکهای مؤثر و مستمر بعدهٔ از بنگاههای خیریه و در مواقع ضروری مساعدتهای مالی مؤثر بآسیب دیدگان حوادث و سوانح ، نقاط مختلف کشور بعمل می آید.

٨- همه ساله در زمستان کمکهائی بخانواده های مستمند می شود .

٩ -مبارزه با مالاریا در بلوچستان بوسیله گرد پاشی با د - د - ت انجام گرفت و مؤثر واقع شد.

١٠- مبارزه با تراخم در دزفول از لحاظ اصلاحات شهری و درمان مبتلایان بوسیله هیئتهای اعزامی ادامه دارد.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی درسال ١٣٢٥ مسافرتی بکشور اتحاد جماهیر شوروی نمود ودر آنجا سازمانهای بهداشتی آنکشور را دید.

درسال ١٣٢٦ در کنفرانس زنان که در شهر فیلادلفی امریکا منعقد گردیده حضور یافت ودرباره ایران ،مخصوصاً پیشرفتهائی که نصیب زنان ایرانی شده است سخنرانی مؤثری ایراد کرد ضمناً با پرزیدنت ترومن رئیس جمهوری امریکا ملاقات نمود.

والاحضرت شاهدخت اشرف باتفاق خواهر خود والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی مسافرتی بهندوستان کردند و نمونهٔ بارزی از پیشرفت بانوان در ایران بودند.

والاحضرت اشرف پهلوی درمسافرتی که برای بازدید مؤسسات خیریه و امور اجتماعی وصلیب سرخ امریکا به آنکشور نمود ،دربین راه بترکیه رفت و در آنجا باجمعی از رجال برجسته کشور همسایه ملاقات نمود.

پس از آنکه وارد امریکا شد و با رئیس جمهوری و سایر رجال عالیقدر آنازونی ملاقات کرد روزنامه های امریکا مطالب مبسوطی دربارهٔ روحیات وخصائص

این شاهزاده خانم زیبای ایرانی انتشار دادند و از صفات و اخلاق و سجایای برجسته او ستایش نمودند.

والاحضرت پس از پایان مسافرت خود در امریکا بسوی انگلستان عزیمت کرد و در آنجا یکروز مهمان پادشاه و ملکه انگلستان و والاحضرت الیزابت بود

والا حضرت شاهدخت مدتی با خانوادهٔ سلطنتی انگلیس بسر بردند و شاه و ملکه انگلیس از وطن پرستی و برد باری شاهنشاه ایران ستایش کردند و مخصوصاً جرج پادشاه انگلیس گفت، والاحضرت برادر رشیدی دارید، شما را بداشتن چنین برادر و پادشاهی تبریك میگوئیم».

والاحضرت پس از بازدید آثار تاریخی انگلستان بسوی فرانسه عزیمت کرد و در آنکشور با رئیس جمهوری و وزیر امور خارجه فرانسه ملاقات نمود و مهمانیهای مجللی بافتخار ایشان داده شد. آنگاه از راه ایتالیا و ترکیه بسوی ایران عزیمت کرد.



والا حضرت اشرف در انگلستان

والاحضرت هنگامیکه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی در جنوب افریقا اقامت داشت

مسافرتی نیز بآن سامان کرد و اعلیحضرت پدرخودرا درآنجا دیدار دیدو نیز از کشور فراعنه و سرزمین اهرام دیدن کرد.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی باغلب نقاط ایران نیز مسافرت کرده واز نزدیک وضع زندگی طبقه مستمند و بینوارا دیده و ازآنها دلجوئی نموده ولی بزرگترین مسافرت مشارالیها در داخلهٔ کشور، مسافرتی بود که والاحضرت پس از نجات آذربایجان بزنجان واز آنجا بگیلان کردو مورد استقبال باشکوه و بی نظیر اهالی قرار گرفت.



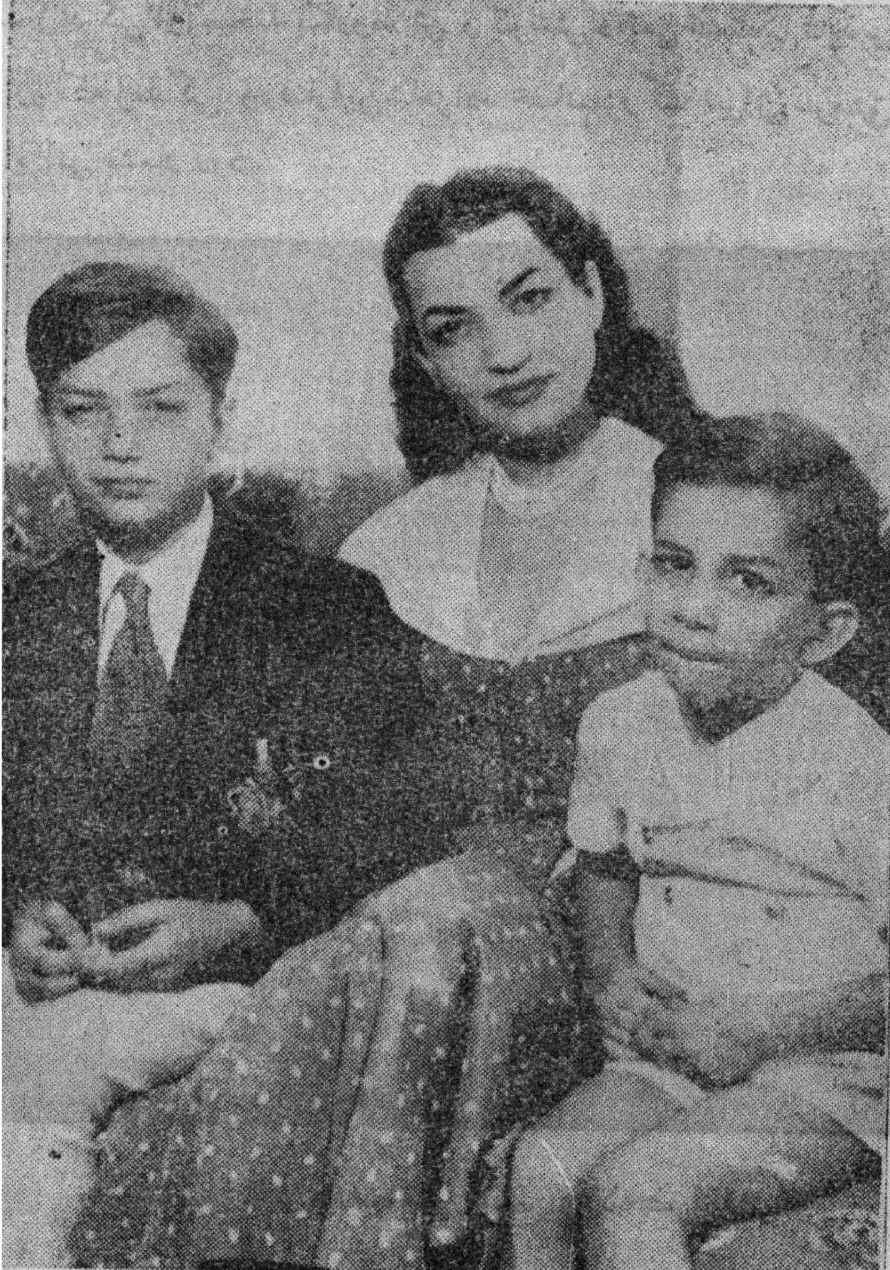
والاحضرت شاهدخت اشرف با آقای احمد شفیق

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی چون تمام اوقات خود را صرف رسیدگی بامور خیریه و امور اجتماعی مینماید، باینجهت کمتر فرصت و مجال آنرا دارد که بامور شخصی خود پردازد و بدین ترتیب تمام عمر وحیات او صرف خدمت بمردم گردیده است.

والاحضرت شاهدخت درسال ۱۳۲۲ با آقای احمد شفیق که یکی از جوانان لایق و کاردان و تحصیل کرده است ازدواج نمود.

آقای احمد شفیق اکنون بازرس عالی وزارت راه را بعهده داردو بزبان های انگلیسی، فرانسه، عربی، فارسی آشنائی داردو لیاقت و کاردانی مشارالیه مورد تکریم و تمجید نزدیکان ایشان میباشد.

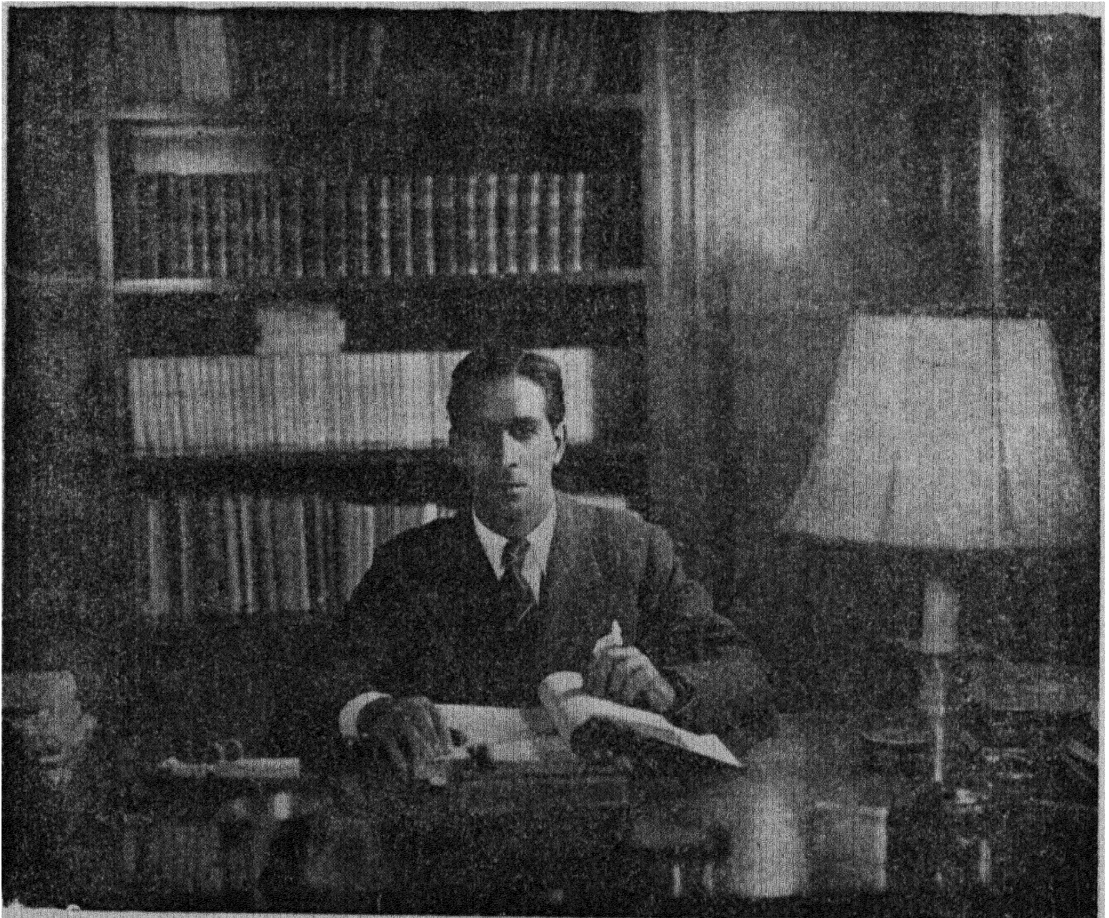
والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی اکنون دارای دو فرزند است که اولی نواب والا شهرام فعلا در سویس مشغول تحصیل و بیش از ١٤ سال ندارد و دومی نواب والا شهریار نه ساله که در تهران نزد شاهدخت بسر میبرد. خدمت بزرگ و



والاحضرت شاهدخت با دو فرزند خود شهرام و شهریار

برجسته والاحضرت سبب گردید که ازطرف مجامع مهم خیریه بین‌المللی از طرف کشورسویس نشان (نایتینگل) و همچنین ازطرف دولت اتحاد جماهیر شوروی دونشان بنام (صلیب سرخ) ونشان بزرگ مملکتی (سرخ) بایشان اهدا گردید.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نمونهٔ بارزیك زن بر جسته عالم زنان میباشد زندگی اوآمیخته بکاروتلاش وکوشش دائمی خستگی ناپذیراست و جای آن دارد که زندگی ورفتاراین شاهزاده خانم بزرگ ایرانی سرمشق برای کلیه زنان ایرانی بشمار رود.



جناب آقای احمد شفیق همسر والاحضرت اشرف

والاحضرت شاهپور علیرضا

در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۰۱ ، درآن دورانی که شرق وغرب ، وشمال وجنوب ایران درآتش هرج ومرج ونـاامنی میسوخت ، وسردارسپه باسینه گشاده درمیدان های جنك مشغول قلع وقمع دشمنان استقلال و آزادی ایران بود ، کودکی پا بعرصهٔ وجود گذاشت که مایهٔ سرور وشادمانی خاندان جلیل پهلوی گردید

شاهپور علیرضا پهلوی ، پسردوم اعلیحضرت رضاشاه کبیروعلیا حضرت ملکه مادر ، از دوران کودکی دارای شخصیت ونبوغ فکری خاصی بود ، و مخصوصاً در ادواری که به تحصیل اشتغال داشت همواره مورد توجه دبیران واستادان خویش قرار داشت و شخصیت بارز وهوش و استعداد فوق العاده خود را بهمهٔ دانش آموزان نشانداد .

والاحضرت شاهپور علیرضا در دبستان نظام تا کلاس چهارم ابتدائی مشغول تحصیل بود ، وآنگاه برای ادامهٔ تحصیلات خود در ۱۳ شهریورماه ۱۳۱۰ عازم اروپا گردید ومدت پنجسال در «لوزان» مشغول تحصیل بود .

درمدت اقامت خود در سویس والاحضرت استعداد وقریحهٔ سرشار خود رادر کلیهٔ فنون باستادان ودانش آموزان بیگانه نشانداد وموجبات تحسین وتمجید عموم را فراهم ساخت ، بعلاوه درورزشهای گوناگون نیز ابراز علاقهٔ بسیار کرد و در اغلب آنها مهارت کامل یافت .

در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۵ بـایران بازگشت وتاسال ۱۳۱۸ در دبیرستان نظام بتحصیل اشتغال داشت ، ودر شهریورماه این سال باموفقیت کامل دورهٔ دبیرستان را بپایان رساند ووارد دانشکده افسری شد .

چون استعداد وهوش فوق العاده والاحضرت مورد توجه عموم استادان واقع گردید ، ودر کلیهٔ دورس موفق بـاخذ نمرات عالی شد ، ازاینرو وزارت فرهنگ بپاس موفقیت های ایشـان یك قطعه نشان عملی درجه اول باین شاهزاده عالیقدر تقدیم کرد .

درشهریورماه ۱۳۱۸ پس ازورود بدانشکده افسری باکمال جدیت مشغول

فرا گرفتن تعلیمات نظامی شد و بدون آنکه کوچکترین رحجانی با سایر دانشجویان برای خویش قائل شود ، دوش بدوش آنها فنون مختلف نظامی را آموخت وبا دقت وپشتکار وانضباط کامل ازکلیهٔ مقررات پیروی نمود ، بطوریکه علاقمندی ایشان برعایت مقررات وحفظ انضباط سبب شدکه عموم ازرویه مشارالیه درانجام تکالیف نظامی ستایش نموده واو را نمونهٔ بارزیك سرباز واقعی و از خود گذشته دانستند .

درشهرماه ۱۳۲۰ درهمان دورانی که ایران در آستانه یکی از بزرگترین تحولات تاریخی قرارداشت ،ودرمرزهای ایران جوش وخروش عجیبی برپا بودو نیروهای دول بیگانه آماده حمله و هجوم بخاك ایران بودند ، در همان هنگام والاحضرت دانشکدهٔ افسری را باموفقیت کامل وبی نظیری بپایان رساند، و از طرف پدر تاجدار خودبدرجهٔ ستوان دومی مفتخرشدوبدریافت یك قطعه نشان درجه یك افتخار نائل گردید .

درافریقای جنوبی

سوم شهریورماه ۱۳۲۰ فرارسید. مرزهای ایران مورد تجاوز نیروهای انبوه ومجهزدو کشوربزرك ونیرومند جهان گردید، وباآنکه سربازان غیورایرانی برای هرگونه جانبازی آماده بودند معهذا بنا بفرمان اعلیحضرت فقید که همیشه آرزومند سعادت ملت ایران بودند از مقاومت دست کشیدند تا جوانان و مردانی که سالها برای تربیت آنها زحمت کشیده شده بود، وشهرهای آبادیکه یك عمر برای آبادی آنها تلاش بعمل آمد از بین نروند و ایران بگورستان ویرانه‌ای مبدل نشود .

پس ازورود قوای بیگانه بخاك ایران وغیرعادی شدن اوضاع کشوروعهدشکنی دولت‌های بزرگی که خودرا همواره مدافع استقلال وآزادی ملل کوچك معرفی میکردند، روز ۲۳ شهریور ۱۳۲۰ اعلیحضرت رضاشاه کبیربا افراد خاندان جلیل پهلوی خاك ایران راترك کردند، والاحضرت شاهپورعلیرضا نیزدرالتزام رکاب پدر تاجدار خود بود.

والاحضرت در آن روزهای تیره و تار که ایران تاریکترین دوران حیات خود را طی میکرد، و دنیا نیز در شراره های جنك عالمسوز میسوخت، مدتی در افریقای جنوبی و پس از آن بقاهره عزیمت کرد و سرانجام در ۱۱ دیماه ۱۳۲۳ یعنی سه سال پس از ترك خاك میهن برای تکمیل تحصیلات نظامی از قاهره بطرف فرانسه رهسپار گردید.

یك سردار ایرانی در جبهه غرب

در آن روزهائیکه خونین ترین پیکارهای تاریخ در دشتهای وسیع روسیه جریان داشت، و نیروهای قهار آلمان در یك جبههٔ دوهزار کیلومتری شب و روز مشغول جنك و ستیز بودند، ناگهان هزاران کشتی و هواپیمای جنگی از دریای مانش گذشته و دیوار آتلانتیك را شکافته، و رسماً جبههٔ دوم را در باختر اروپا ایجاد کردند.

درهمین هنگام که اروپا وارد صحنهٔ جدیدی از تاریخ خود میشد، و بزرگترین پیکارها در زمین و دریا و هوا بین نیروهای آلمان و قوای متفقین در مغرب فرانسه جریان داشت. والاحضرت شاهپور علیرضا در ستاد ارتش یکم فرانسه، که تحت فرمان ژنرال «دولاتردوتاسینی» بود مشغول کار شد، و تحت نظر مستقیم ژنرال مزبور که از افسران بزرك و عالیقدر فرانسه بشمار میرفت مشغول آموختن تعلیمات نظامی گردید و پس از طی دانشکده تکمیلی «روفاك» که در آن هنگام در پشت جبههٔ ارتش یکم فرانسه تشکیل شده بود، در لشکر چهار کوهستانی مراکش رسماً مشغول خدمت شد و وارد صحنه های خونین جنك عالمگیر گردید.

آنگاه در لشکر یك پیاده و پس از آن در لشکر پنج موتوریزه ارتش یکم، و سپس در ستاد سپاههای اول و دوم مشغول بکار شد و در تمام میدانهای جنك و عملیاتی که بوسیله ارتش های فرانسه و امریکا در مشرق فرانسه و در سواحل رود «رن» و داخل خاك آلمان صورت گرفت و بالاخره منجر بحمله متفقین ببرلن شد شرکت داشت، و تمام صحنه های بزرگترین پیکارهای جهان را بچشم دید و تجربیات نظامی کافی اندوخت بطوریکه تا کنون برای هیچیك از افراد ایرانی این موفقیت بزرك سابقه نداشته است.

والاحضرت از کلیهٔ مشاهدات خود درجبهه های جنك یادداشتهای بسیار گرانبهائی تهیه کرد که هم از لحاظ نظامی وهم از نظر تاریخی بی نظیر است .

شهامت واز خود گذشتگی وفداکاری والاحضرت درصحنه‌های خونین جنك سبب شد که یکی از بزرگترین ژنرالهای فرانسوی ژنرال «دولاتردوتاسینی» بانظر اعجاب وشگفتی به نبوغ نظامی ایشان نگریسته ونظر همکاران وافسران عالیقدر فرانسوی را باستعداد فوق العاده این شاهزادهٔ ایرانی درمسائل نظامی جلب کرد.

ژنرال مزبوریکروز بافسران ارشد فرانسوی گفت :

«پرنس علیرضای پهلوی یکی ازسرداران بزرك جنك اخیراست که لیاقت و استعداد نظامی خود را درجبهه‌های جنك بخوبی نشانداده وبرای میهن خود غنیمت بزرگی بشمار میرود.»

والاحضرت پس از پایان جنك درواحدهای جدیدالتاسیس و دوائرتدارکاتی ارتش فرانسه مشغول مطالعه و بررسی گردید وبا افسران داوطلب در دورهٔ ششم ستاد دانشگاه جنگ فرانسه درآلمان اشغال شده وهمچنین در سواحل جنوبی فرانسه مشغول کارآموزی گردیده ودرواحدها وستادهای مختلف دومارسی وشربورك بتکمیل اطلاعات نظامی پرداخت.

پس ازطی عالیترین مدارج نظامی چه درصحنه های پیکار، وچه دربزرگترین دانشگاهها ومؤسسات دنیا در ۱۹ فروردین ۱۳۲٦ برای دیدن خاك میهن عزیز به ایران باز گشت .

امتیازات ونشانها

هنگامیکه والاحضرت شاهپور علیرضا بایران مراجعت کرد باسرمایهٔ گرانبهای معنوی خود تصمیم بخدمت درراه میهن عزیز گرفت ، همان میهنی که باجبار و براثر اوضاع جنگ شش سال مجبور بدوری از آن گردید .

امتیازاتی که والاحضرت درفنون ومسائل نظامی نوین مخصوصاً پیاده نظام وواحد های مکانیزه وموتوریزه گردیدواطلاعات ومعلومات علمی خودرا باتجربیات وسیعی در میدانهای جنگ آمیخته ونتیجه بسیار گرانبهائی از آن بدست آورد .



والاحضرت شاهپور علیرضا

والاحضرت ازطرف برادرتاجداروکامکار خود بعنوان "بازرس عالی ارتش وبازرس ویژه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درتشکیلات نظامی منصوب گردیدو تاکنون نیز این سمت‌را دارامیباشد .

نشانها و امتیازاتی که والاحضرت تاکنون بدست آورده است عبارت است از:

نشان علمی درجه یك ازوزارت فرهنگ	درتاریخ اول شهریور ۱۳۱۸
نشان افتخاردرجه یك	« « « ۱۳۲۰
نشان لیاقت درجه دوازنوع اول	« « فروردین ۱۳۲۸
آجودانی مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی	« ۲٤ خرداد ۱۳۲۷
نشان حسین بن علی باحمایل	« در ۱۳۲۸

نشان اخیر یعنی نشان حسین بن علی باحمایل که عالیترین نشان مخصوص خاندان سلطنتی کشورهاشمی اردن است ، هنگام مسافرت ملك عبدالله پادشاه ماوراء اردن بایران ازطرف ملك عبدالله بوالاحضرت داده شد .

والاحضرت علاوه برمشاغل نظامی وبازرسی عالی ارتش ، ریاست باشگاه شکار ایران وریاست عالی شورای فرهنگ ارتش را نیز بعهده دارد ومخصوصاً خدمات گرانبهائی بپیشرفت وتوسعه فرهنگ ارتش بعمل آورد .

صفات وسجایا

والاحضرت شاهپور علیرضا گذشته از مراتب عالی نظامی یکی ازشاهزادگان نیکنفس ودلسوز ایران بشمارمیرود ، چنانکه درمسافرتهائی که اخیراً بصفحات خراسان وآذربایجان بمنظور کمك بآسیب دیدگان دره‌جز و مغان وسایرنواحی این دواستان کرد ، ضمن تلاشهای شبانه روزی خود دراین راه بحدی برای رفاه و آسایش آوارگان وبینوایان ابرازعلاقه نمود که حس تقدیر وستایش عموم رانسبت باحساسات وعواطف عالی خود جلب کرد ومخصوصاً این ابرازعلاقمندی درروحیه اهالی وعشایر مناطق مزبور تأثیر بسیار بخشید .

والاحضرت بزبانهای انگلیسی وفرانسه تسلط کامل دارد واین دوزبان را مانند زبان مادری خود خوب میدانند ازکارهای روزانه والاحضرت اینستکه مرتبا از ازآخرین نظریات نظامی وعقاید سرداران بزرگ جهان وتحولاتی که درارتشهای

مترقی جهان بوی میدهد اطلاعاتی کسب کرده و در اطراف آنها بمطالعه میپردازد .

ورزش یکی از چیزهائیست که مورد نهایت علاقه والاحضرت است ومخصوصاً در اسب سواری و کوه پیمائی و تیراندازی مهارت کامل دارد .

شاید بتوان گفت والاحضرت در تیراندازی کم نظیر و در این راه شهرت جهانی دارد بطوریکه ممکن نیست حتی یك تیر مشارالیه بخطا برود و بهدف اصابت نکند.

علاقمندی والاحضرت را بشکار اغلب ایرانیان میدانند و این علاقه از دوران کودکی در ایشان وجود داشته است .

والاحضرت تا کنون چندین پلنگ شکار کرده و بارهاست بشکار حیوانات درندهٔ دیگر رفته وهمواره موجب تحسین و تمجید عموم قرار گرفته است.

صفات عالی سربازی ، انضباط فکری و معنوی ، ارادهٔ متین و عزم راسخ ، فعالیت و تلاش دائمی والاحضرت در اجرای منویات شاهانه در راه ترقی و پیشرفت کشور ، بازرسیهای دقیق از اوضاع نظامی ، مراقبت در بالا رفتن سطح فرهنگ ارتش ، توجه فوق العاده درباره آموزشهای نظامی ، همه وهمه از شخصیت برجسته والاحضرت حکایت میکند و اورا نمونهٔ بارز شاه دوستی و میهن پرستی و سرمشق بزرگی برای عموم افراد قرار میدهد.

لیاقت و کاردانی وشجاعت و کفایت والاحضرت بحدیست که هرکس در نخستین برخورد متوجه آن میشود و بدیهیست که شاهزاده ای با اینهمه صفات و سجایای عالی و با یك چنین معلومات و تجربیات نظامی که یکی از فرماندهان جنگ بزرگ عالمگیر اورا بعنوان یکی از سرداران بزرگ میشناسد ، وجود بسیار گرانبهائی برای این کشور محسوب میشود و بدون شك در آینده خواهد توانست خدمات بسیار سودمندی بمیهن و هم میهنان خویش بکند.

ملکه توران

ملکه توران ، فرزند عیسی مجدالسلطنه (امیر سلیمانی) روز ۱۵ بهمن ۱۲۸۳ در تهران چشم بجهان گشود .

وقتی توران بدنیا آمد ، مادرش منزه الدوله جذابیت و گیرندگی خاصی

درچهره کودکانه دختر کوچك خوداحساس کرد ، بطوریکه روز بروز برمهر و علاقه‌اش افزوده میشد .

در ششمین روز تولد او ، هنگامیکه افراد فامیل ازجمله پدر بزرگش مجدالدوله برای نامگذاری جمع شدنداورا «ملکه توران» نام نهادند .

گوئی پنجه تقدیر نیزازاوان کودکی برپیشانی او چنین رقم زده بود که بهنگام بزرگی همسر شاهنشاه ایران خواهد شد، چنانکه این امر سالهابعد جامهٔ عمل پوشید .

ملکه توران از پنج سالگی تحت تعلیم معلمین خانگی قرار گرفت،واین کارتادهسالگی ادامه داشت .

از این پس پدرومادرش اورا برای تحصیل بدبیرستان ناموس فرستادند و ملکه تاکلاس چهارم متوسطه دراین دبیرستان بتحصیل اشتغال داشت .

در عید قربان

دراین هنگام اعلیحضرت فقید که درآنموقع وزیر جنگ بود درصدد برآمد با دختر یکی‌از رجال مملکت ازدواج کند ،برای انجام این امر صورتی شامل ۱۸۰ نفر از ازدختران معاریف‌ومشاهیر کشوررا برای وزیرجنگ آوردند وضمناً توضیح دادندمجدالدوله که یکی‌ازرجال درجه‌اول دربار احمد شاه بودنوه‌زیبائی دارد که بیش از دیگران شایسته همسری حضرت اشرف میباشد .

وزیر جنگ نیزمترصد فرصت بود تاآنکه‌روزعید قربان ،هنگامیکه کلیه وزراء ورجال ومعاریف مملکت برای سلام به پیشگاه احمد شاه رفته بودند، وزیرجنگ مجدالدوله را از میان جمعیت بکناری کشیدو شوخی کنان گفت آقای مجدالدوله ،عیدی مارا درعید قربان نمیدهید؟ مجدالدوله گفت :اگرچیزی که شایستگی حضرت اشرف راداشته باشد سراغ‌دارید بفرمائید تا باکمال‌میل تقدیم کنم .

وزیر جنگ لبخندزنان گفت : بمن‌خبرداده‌اند که شما نوه بسیارزیبائی

دارید ،ومن خواستم موافقت کنید که اورا بهمسری خود انتخاب کنم .

مجدالدوله با این پیشنهاد موافقت کرد ،وروز بعد خواهر وزن برادر وزیر جنك بخانه مجدالدوله رفتندو رسماً ملکه توران را برای سردار سپه خواستگاری کردند .

عقد وعروسی

خانوادهٔ عروس بـا کمال میل این پیشنهاد را پذیرفتند ، ودر نتیجه روز عید



ملکه توران

غدیر مراسم عقد کنان درحالیکه ملکهٔ توران هفده سال ووزیر جنگ چهل وهفت سال داشت بعمل میآید .

میگویند پس ازانجام مراسم عقد، وزیر جنگ که تاآنوقت عروس راندیده بود باندرون رفت ودرآنجا زن جوان و زیبائی رادید ، مجدالدوله زن جوان را به سردارسپه معرفی کردو گفت : عروس خودرا بشما معرفی میکنم .

وزیرجنگ که تصور کرد این زن زیبا ملکه توران است بعلامت احترام در برابر اوسری فرود آورد ودستش را بوسید . دراینموقع مجدالدوله که متوجه اشتباه وزیرجنگ شد اظهارداشت : گویا حضرت اشرف اشتباه کرده اند ، ایشان عروس بنده، ومادرهمسر سرکارهستند . بعد ملکهٔ توران را پیش خواند واورا باسردارسپه آشنا ساخت بهرحال پس ازعقد کنان ، مراسم عروسی نیزهفت روز بعدانجام یافت ویکسال بعدصاحب فرزندی شدند که اوراغلامرضا نام نهادند .

هنوز بیش ازیکسال ازازدواج وزیرجنگ باملکه توران نگذشته بود ، که اختلافات سیاسی وخانوادگی ، مخصوصاً انتساب ملکه توران بخانوادهٔ قاجار، پرده ضخیمی بین آنان حائل کرد ، ودرنتیجه ازدواجی که باآن گرمی وعلاقمندی انجام یافته بود بکدورت ودلتنگی منتهی گردید .

مسافرت بخارج از کشور

این تیرگی روابط ازآن تاریخ تاروزیکه حوادث شهریور ۱۳۲۰ رویداد ، وسپس اعلیحضرت فقید درژهانسبورك وفات یافت همچنان ادامه داشت

هنگامیکه جنازهٔ رضاشاه کبیر ازژهانسبورگ بمصرحمل گردید ، چون والاحضرت شاهپورها قصدعزیمت بامریکاراداشتند ، بااجازه وموافقت اعلیحضرت همایونی ملکه توران بمصرمسافرت نمود ، وپس ازدیداروالاحضرت شاهپورغلامرضا فرزندخود ، مسافرتی باروپا کرد وسپس بایران مراجعت نمود . ازآن تاریخ به بعد ملکه توران درملك مورثی خود (علی آباد) مشغول فلاحت وانجام امورخیریه است وبعلاوه دبستان مختلط شش کلاسه ئی درآنمحل ایجاد نموده که گروهی ازاطفال

روستائیان درآنجامشغول تحصیلند. همچنین یک مسجد ویک درمانگاه نیز بخرج



ملکه توران با فرزندش شاهپور غلامرضا در مصر

خود درآنمحل ایجاد نموده است که هم‌اکنون مورد استفاده عموم است .

ملکه‌توران علاوه بر مسافرتهائی که باغلب شهرهای کشور نموده ، بمصرو مکه و ترکیه و کشورهای اروپاو پنج بارهم بعتبات مسافرت کرده‌است ملکه‌توران که درزندگی خود ازداشتن دخترمحروم بود آرزومنداست که روزی صاحب یك نوه ودخترزیبا ازفرزند خود والاحضرت شاهپور غلامرضا شود وخویشتن راباو سرگرم سازد .

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی

روز شنبه ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۰۲ بود که والاحضرت شاهپور غلامرضا پنجمین فرزندرضاشاه پهلوی از والاحضرت توران درشهرتهران پابجهان گذاشت والاحضرت شاهپورغلامرضامانند سایر افراد خاندان سلطنتی دوران طفولیت رادرخانه و سپس در دبستان و بعد دردبیرستان نظام بتحصیل اشتغال ورزید.

درخلال این احوال مسافرتی بسویس کرد ودوسال درآن کشور اقامت نمود ودر این مدت درهمان دانشکده‌ای که اعلیحضرت همایونی



والاحضرت شاهپورغلامرضا در طفولیت

تحصیل کرده بود، بتحصیل اشتغال ورزید ، وآنگاه بایران مراجعت کرد .

والاحضرت شاهپور غلامرضا درتهران بقیه تحصیلات مقدماتی نظام را در دبیرستان نظام بپایان رساند که ناگهان واقعه شوم سوم شهریور روی داد .

هنگامیکه اعلیحضرت رضاشاه از سلطنت کناره گرفت وازایران خارج گشت والاحضرت نیز باتفاق سایر برادران خود درالتزام پدر خویش راه دیار غربت را در پیش گرفت ومدت شش ماه درجزیرهٔ موریس اقامت داشت ، پس از آن مدت دو سال و نیم در



والاحضرت شاهپور غلامرضا در دبستان نظام

افریقای جنوبی بسر برد، وپس ازچندی که سردودمان خاندان پهلوی در ژهانسبورگ درگذشت وجنازهٔ اوبمصر حمل شد، والاحضرت نیزبمصررفت، وپس ازمدتی اقامت درآندیار، بسوی امریکا عزیمت نمود.

والاحضرت مدت سیزده ماه درامریکا اقامت داشت ودراین مدت دردانشکده «پرینستن» بتحصیل اشتغال داشت. ضمناً ازنزدیك شاهدوناظر ترقیات وپیشرفتهای کشوربزرگی مانندامریکا بود. والاحضرت ازدوران کودکی علاقهٔ وافری بمطالعه تاریخ داشت. ازینرو درهمان روزهائی که در امریکا بسر میبرد و در دانشکده مشغول تحصیل بود، اوقات فراغت خودرا صرف مطالعه تاریخ میکرد، بطوریکه امروزه مطالعات والاحضرت درتاریخ ایران وتاریخ جهان بسیارعمیق ووسیع میباشد.

پس ازچندی که والاحضرت عازم ایران گردید، تصمیم گرفت در آنروزهای سخت ودشوار که برادر تاجدارش یکه وتنها درایران برای حفظ استقلال این آب و خاك در برابر نیروهای بیگانه مشغول تلاش بود، اونیز تاآنجا که میتواند بمیهن عزیز خدمت کند، ومنویات شاهنشاه را بمورداجرا گذارد. ازاین رو درآن ایام سخت ودشوار که کلیهٔ برادران اودر کشورهای اروپا و امریکا مشغول تحصیل بودند، وی در ایران ببرادر تاجدارخود کمك میکرد و اوامر او را بمورد اجرادر میآورد.



والاحضرت شاهپور غلامرضا
در دانشکده افسری

درمسافرتی که اعلیحضرت همایونی برای بازدیدفارس ورسیدگی باوضاع آن سامان و رفع مشکلات مردم آندیار کرد، والاحضرت نیزدرملازمت شاهنشاه بشیراز عزیمت نمود و آثارتاریخی وبقایای تمدن ایران کهن را در تخت جمشید مشاهده کرد.

والاحضرت دنبالهٔ تحصیلات خودرا دردانشکده افسری ادامه داده وارد رستهٔ

سوار شد و در آنجا مانند یك سرباز خدمت کرد تا آنکه بدرجه افسری نائل گردید وسپس برای خدمت در راه میهن و اجرای اوامر برادر تاجدار خویش آماده گشت.

تلخ ترین و دردناك ترین خاطرهٔ والاحضرت شاهپور غلامرضا، مربوط بدوران نیست که در جزیرهٔ دور افتاده موریس، و در جنوب افریقا شاهد و ناظر رنج و تعب اعلیحضرت پدر خود بود و میدید که چگونه شاهنشاه بزرگ ایران از دوری وطن و هم میهنان خویش رنج میکشد، و پس از یکعمر خدمت و فداکاری، در دوران کهولت و پیری در دیار غربت دور از فرزندان و عزیزان خویش بسر میبرد.

هنوز هم وقتی والاحضرت چشمش بعکس پدر میافتد، سخت متاثر میگردد و مدتها بفکر فرو میرود و خاطرات تلخ گذشته را بخاطر میآورد.

هنوز والاحضرت آخرین آرزوی رضاشاه را فراموش نمیکند که میل داشت همیشه در گوشه‌ای از خاك ایران، یا در یکی از ممالك نزدیك ایران زندگی کند، تا کسانی را که از ایران میآیند به بیند و احوال وطن را از آنان بپرسد، و خاك میهن را از سر و روی آنان بزداید، و بر چهرهٔ مردانه خویش بمالد.

والاحضرت بشکار و ورزشهای گوناگون علاقه زیادی دارد و غالباً بهنگام فراغت بکارهای ورزشی میپردازد.

هر وقت هم که از ورزش و شکار خسته شد مشغول مطالعه میشود و بیش از هر چیز بمطالعه کتب تاریخ اشتغال میورزد.

والاحضرت شاهپور غلامرضا دارای نشانهای افتخار درجه یك، نشان پهلوی نشان لیاقت درجه ۳ و نشان عالی افغانستان میباشد.

همسر والاحضرت شاهپور غلامرضا، هما اعلم دختر دکتر اعلم یکی از پزشکان عالیقدر و رجال و دانشمندان بزرگ مملکت است.

هما نیز مانند همسر خود علاقه وافری بتاریخ دارد و در تمام دوران تحصیلی در بین کلیه شاگردان از حیث علاقه بتاریخ و ادبیات بین همه شاخص بود بطوریکه هنوز هم بهترین و عزیزترین کتابهائی که در کتابخانه کوچك او مشاهده میشود، کتب تاریخ میباشد.

هما اعلم تحصیلات ابتدائی خودرا در دبستان ایرج، وبعد در دبیرستان - انوشیروان دادگر گذراند.



قبل از جریان عقد اعلیحضرت همایون شاهنشاه علیاحضرت ملکه پهلوی و الاحضرت شاهدخت شمس ملکه توران جناب آقای پهابد مشاهده میشود

پس از آن در خانه بتکمیل معلومات خود پرداخت ومخصوصاً در تاریخ وادبیات وزبانهای انگلیسی وفرانسه اطلاعات خویش را کامل نمود. کارهای دستی هماو ذوق وسلیقه سرشار او دراینکار شاید کمتر نظیر داشته باشد.

دربین کتابهای او، تاریخ ادبیات ایران بقلم پروفسور «ادوارد برون» وتاریخ ایران باستان، بیش ازهمه مورد علاقه والاحضرت هماست.

هما درعین حال که بآثار دانشمندان وشعرا وسخنسرایان بزرگ ایران علاقة بسیار دارد، معهذا این شعر ابن یمین خیلی مورد توجه وعلاقه او است.

مرد باید که هرکجا باشد	عزت خویش را نگهدارد
خود پسندی وابلهی نکند	هرچه کبرومنی است بگذارد

بطریقی رود که مردم را — سر موئی ز خود نیازارد
همه کس را زخویش به داند — هیچکس را حقیر نشمارد
سرو زر در طلب ننهد آنکه — تامگر دوستی بدست آرد

والاحضرت شاهپور غلامرضا باداشتن چنین همسری دانا و کاردان و دلسوز و مهربان ، بانهایت دلگرمی بکارهای خویش مشغول میباشدو والاحضرت درعین حال



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درجشن عروسی والاحضرت شاهپور غلامرضا با هما اعلم شرکت فرمودند

که غالباً مأموریت‌ها و دستورهای برادر تاجدار خودرا بمورد اجرا میگذارد، ریاست باشگاه سوارکاران ، وریاست عالیه باشگاه هواپیمائی و بازرسی مخصوص ارتش را از طرف اعلیحضرت همایونی بعهده دارد، و برای پیشرفت امور مزبور مساعی و کوشش فوق العاده ای ابراز میدارد . فعلا این ازدواج ثمرهٔ بوجود آورده که شمع کاخ والاحضرت بنام نواب والا (مهرناز و بهمن) میباشد .

والاحضرت عصمت

در سال ۱۳۰۲ هنگامیکه اعلیحضرت فقید، سمت وزیر جنگ داشت یکروز ضمن مذاکره باسرهنگ پاشاخان اظهار داشت که شنیده‌ام همسر شما خواهر شایسته‌ئی دارد ومن تصمیم بازدواج بااو گرفته‌ام. میل دارم شمادراین مورد اقدام نمائید .



والاحضرت عصمت بعد ازدواج

سرلشکر خدایارخان و سرهنگ پاشاخان بلافاصله با خواهرهمسرخرد دوشیزه بانوعصمت دولتشاهی شاهزاده مجلل دراین باره مذاکره نمودند و پس ازتهیه مقدمات امر مراسم عقد و عروسی درمنزل ابتهاج السلطنه مادربزرگ دوشیزه عصمت دولتشاهی



والاحضرت عصمت درمصر

انجام یافت . والاحضرت عصمت دختر مرحوم غلامعلی مجلل الدوله کرمانشاهی که از رجال و معاریف زمان قاجاریه و حاکم و والی بسیاری از شهرها بود، در سال ۱۲۸٤ از بانو مبتهج الدوله متولد گردید و در سال ۱۳۰۲ با سردار سپه ازدواج نمود، و از اعلیحضرت فقید صاحب پنج فرزند گردید که به ترتیب عبارتند از :

والاحضرت شاهپور عبدالرضا ، والاحضرت شاهدخت فاطمه ، شاهپور احمد رضا ، شاهپور محمود رضا . شاهپور حمید رضا که پس از وفات اعلیحضرت فقید، والاحضرت عصمت مسافرتی بمصر کرد و چون فرزندان ایشان قصد عزیمت بامریکا را داشتند در آنجا از آنان دیدن کرد ، و بعد بفلسطین و سوریه و لبنان رفت ، آنگاه بعتبات مسافرت نمود و بعداً بایران مراجعت کرد .

والاحضرت عصمت به گل و موسیقی بسیار علاقمند است ، مشارالیها اکنون در ویلای شخصی خود در شمیران اقامت دارد و بزندگی خانوادگی خویش ادامه میدهد.

والاحضرت شاهپور عبدالرضا

روز ۹ مهر ماه ۱۳۰۳ شمسی بود که والاحضرت شاهپور عبدالرضا در تهران پا بعرصهٔ وجود نهاد .

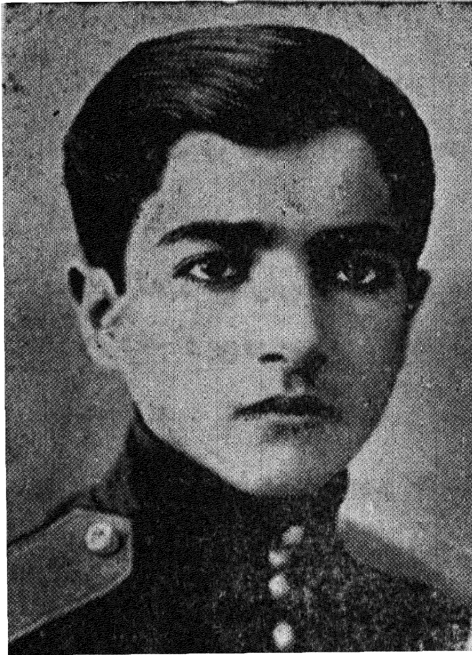
آنهنگام پدر بزرگوارش ریاست وزرائی و فرماندهی کل قوا را داشت و ملت ایران این سردار بزرگ را بعنوان ناجی خود میشناخت .

تولد شاهپور عبدالرضا مایهٔ شادی و مسرت کلیه افراد خاندان پهلوی گردید و همه تولد این مولود جدید را بفال نیک گرفتند ، زیرا یکسال پس از بجهان آمدن او بود که سردار سپه بپاس خدمات و فداکاریهایش برتخت شاهنشاهی ایران تکیه زد و تاج کیانی را بر تارک خویش نهاد .

والاحضرت شاهپور عبدالرضا چهارمین فرزند اعلیحضرت رضاشاه کبیر است که از دوران طفولیت تحت نظر مربیان دانشمند بکسب علم و دانش پرداخت و علاوه بر تحصیل در کاخ سلطنتی ، در دبستان نظام نیز دوش بدوش سایر نوباوگان مشغول آموزش و پرورش و فرا گرفتن فضل و کمال گردید.

دوران کودکی

همانطور که پدر تاجدارش ازدوران کودکی لباس سربازی در برداشت و سرانجام باهمان لباس میهن خودرا از اضمحلال وانحطاط قطعی نجات داد ، او نیز مانند سایر برادران خرد با همان لباس پرافتخار سربازی بتحصیل مشغول شد .



والاحضرت شاهپور عبدالرضا
موقع تحصیل در دبستان نظام

والاحضرت در تمام مدتی که در دبستان نظام بتحصیل اشتغال داشت ، ازهوش وذکاوت خرد مایهٔ بهت وشگفتی استادان خود بود و چیزیکه بیش ازهمه توجه مربیان اورا جلب کرد متانت و وقار بیش از حدی بود که بهیچوجه با سنین کودکی آن شاهزاده وفق نمیداد .

پس ازآنکه دورهٔ دبستان نظام را بپایان رساند ، مانند سایر برادران خود برای ادامهٔ تحصیل بطرف سویس عزیمت کرد . درآنجا مدت دوسال بتحصیل اشتغال داشت وبا پشتکار فوق العاده خود مورد تحسین پرفسور های سویسی قرار گرفت .

والاحضرت درضمن تحصیل با آنکه کودك خردسالی بیش نبود ، معهذا توجه خاصی بکشور سویس که نمونهٔ بزرگ تمدن عصر جدید وکانون صلح و آرامش ومظهر انسانیت ومدنیت جدید بشری بود مبذول میداشت . بطوری که خاطرات سویس وترقیات وپیشرفتها واوضاع اجتماعی آنکشور هیچگاه ازخاطر والاحضرت محو نمیشود .

هنگامیکه از کار تحصیل فراغت می یافت باسایر همسالان خود ببازی فوتبال و باسکتبال وتنیس میپرداخت ومخصوصاً ببازی اسکی در کوههای پر برف سویس و دردامنه های زیبا ودل انگیز آلپ شوق وعلاقهٔ خاصی داشت .

والاحضرت شاهپورعبدالرضا پس از دو سال اقامت در سویس بایران مراجعت کرد وچون اعلیحضرت رضاشاه کبیرعلاقمند بود کلیهٔ فرزندانش قبل از هرچیز برای میهن خود یك سرباز واقعی و فداکار باشند ، از اینرو وارد دبیرستان نظام گردید

از تهران به ژهانسبورك

والاحضرت دورهٔ دبیرستان را با کمال موفقیت طی کرد ودرخردادماه سال ۱۳۲۰ ازدبیرستان نظام فارغ التحصیل شد ، در آنموقع اوضاع ایران غیر عادی بود واغلب اوقات رادیوهای خارجی تك مضرابی برخلاف استقلال و آزادی منافع ایران میزدند کم کم این وضع شدت یافت وابرهای تیره و تاری درافق سیاسی ایران نمودار گردید نیروهای متفقین درمرزهای شمالی وغربی وجنوبی ایران فعالیت میکردند وپی در پی قوای نظامی اسلحه و مهمات زیادی درمرز های ایران مستقر میساختند .

با آنکه معلوم بود حوادث فوق العاده ای در شرف وقوع است و ایران وارد یکی ازمراحل حساس ومهم تاریخ خود میگردد ، معهذا والاحضرت شاهپور عبدالرضا خودرا برای ورود بدانشکده افسری وتکمیل تحصیلات نظامی آماده میکرد .

ولی گوئی سرنوشت وتقدیر با این امر موافق نبود ، زیرا سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ نیروهای بیگانه ازچندین طرف بمرزهای ایران هجوم آوردند و درنتیجه والاحضرت مجبور گردید همراه این طوفان مهیبی که استقلال ایران رازیرو زبر کرده بود ، باپدرخود خاك میهن را ترك کرده و جزیره « موریس » و ازآنجا بافریقای جنوبی برود .

خاطرات والاحضرت شاهپورعبدالرضا در موریس وژوهانسبورك ازدردناك ترین خاطره های دوران حیاتش محسوب میشود ، زیرا درخلال این اوضاع بود که والاحضرت ناظرتأثر شدید پدرتاجدارخرد درباره دوری ازمیهن واشغال کشور بدست نیرو های بیگانه وناقص ماندن اصلاحات وترقیات ایران بود .

روزها تنها سرگرمی والاحضرت این بود که باسایر افراد خاندان سلطنتی در کنار اعلیحضرت رضاشاه بآرزوها وایده‌آلهای پدر تاجدار خرد گوش میدادند واز فداکاری هاوجانبازیها وخاطرات دوران جوانی اعلیحضرت در جنگها وزدو خوردهای خونین آگاه میشدند وضمناً اندرزهای مشفقانه معظم‌له‌را برای خدمت بمیهن بگوش هوش میسپردند.

ازهمان هنگام والاحضرت تصمیم گرفت، بمحض آنکه جنگ پایان یافت و اوضاع سیاسی ایجاب نمود بایران عزیز مراجعت کرده ونقشه‌های اصلاحی اعلیحضرت رضاشاه راکه ناتمام مانده بود تحت نظر برادر تاجدار خود بپایان رساند . این یگانه آرزویش بود که همواره خاطر اورا بخود مشغول میداشت.

در برابر نقشهٔ ایران

والاحضرت هنگامیکه درشهر ژوهانسبورك اقامت داشت روزها بیشتر اوقات درمقابل نقشهٔ ایران قرار گرفته وبصحاری وسیع ولم‌یزرع وکوههای عظیم آن خیره میشد .

فکر میکرد آیا ممکن است روزی فرارسد که این صحراهای خشك وسوزان بکشتزارهای وسیع وخرم مبدل شود ، وآیا ممکن است روزی این کوههای عظیم بکر ودست نخورده که ثروتهائی بیکران درسینهٔ خود پنهان کرده‌اند ، کانون کار وفعالیت شود وایران را یك کشور ثروتمند وغنی نماید؟..

اگرچه اوهزاران کیلومتر ازخاك میهن بدور بود ودرآنسوی دریاوصحاری وسیع وجنگلهای انبوه دراین اندیشه‌ها غوطه‌میخورد ولی روح وقلبش درایران بود روزها بیشتر اوقات بمطالعه کتب وآثاردانشمندان ونویسندگان بزرگ جهان میپرداخت ومخصوصاً بتاریخ ایران وتحولات بزرگی که دراین کشور رویداده علاقهٔ خاصی ابراز میداشت.

والاحضرت درخلال سطور تاریخ میدید که ایران بارها دستخوش هجوم ها،

جنگها، خونریزیها وانقلابات وتحولات عظیم گردیده، ولی باهمهٔ این احوال همواره باسرافرازی وافتخار اززیر توده‌های انبوه رنجها وناکامیها ومشقتهای طاقت فرسا سرراست کرده وبار دیگر بحیات سیاسی خودادامه داده است.

بنابراین جای تردید نبود که ایران نیز بار دیگر اززیر شراره های دومین جنگ عالمسوز سرراست خواهد کرد واستقلال وآزادی خویش را بدست خواهد آورد. این اندیشه بزرگترین داروئی بود که زخم درون والاحضرت را التیام میداد واورا بآینده‌ای امیدبخش وسعادت آمیز امیدوار وخوشنود میکرد. ازاینرو اوقات فراغت خودرا غالبا صرف ورزشهای گوناگون مخصوصاً بازی چوگان و شکار حیوانات وحشی درجنگلهای انبوه افریقا مینمود.

در همین اوان بزرگترین ودردناکترین فاجعه حیات خاندان سلطنتی پیش آمد وآن مرگ اعلیحضرت رضاشاه کبیر بود که دوراز خاک میهن برای همیشه جهان را بدرود گفت.

مسافرت بامریکا

مرگ پدر برای این شاهزادهٔ جوان حادثه‌ای تحمل ناپذیر بود، ولی باهمهٔ این احوال بابردباری وشکیبائی خاصی این فاجعه عظیم را تحمل کرد، اما دیگر اقامت خودرا درآن دیار امری غیرقابل تحمل دیدار ازاین رو باموافقت برادرتاجدارش تصمیم گرفت برای تکمیل تحصیلات خود بامریکا یااروپا برود.

اروپا درآن ایام درآتش جنگ میسوخت ونیروهای متفقین ازشرق وغرب وجنوب واز آسمان وزمین بمب وگلوله وآتش برسر قوای آلمان میریختند ونیروهای هیتلر لحظه بلحظه بیشتر بخاک آلمان عقب می نشستند. ازاین رو والاحضرت تصمیم گرفت بامریکا برود و بدین ترتیب در اوائل سال ١٩٤٥ وارد دانشگاه معروف «هاروارد» درنزدیکی شهر «بوستون» شد.

والاحضرت باآنکه فرزند یکی ازبزرگترین شاهنشاهان مشرق زمین وبرادر شاهنشاه دموکرات وجوان وعدالت پرور ایران بود، بدون آنکه کوچکترین تظاهری

کند، مثل یك دانشجوی عادی بکسب دانش اشتغال ورزید و مطالعات عمیقی در رشته اقتصاد بعمل آورد و بالاخره درژوئن سال ۱۹٤۷ پس ازدوسال دررشتهٔ پولیتکل اکونومی، فارغ التحصیل گردید .

آنگاه ازمؤسسات صنعتی و اقتصادی امریکا دیدن کرد، وآنچه را که در کتابها خوانده بود از نزدیك مشاهده نمود و در اواخر سال ۱۳۲٦ از راه اروپا بایران بازگشت .

شخصیت برجسته وتحصیلات عالی ومطالعات عمیق و کفایت ولیاقت این شاهزادهٔ دانشمند که وجودش برای کشورغنیمتی بزرك بود، حکم میکرد کسه از اطلاعات سرشارو گرانبهایش استفاده شود .

ازاینرو ازطرف اعلیحضرت همایونی بنمایندگی مخصوص شاهنشاه در سازمان برنامه هفت ساله منصوب گردید .

نقشه های اصلاحی

والاحضرت برای پیشرفت کاربرنامه ها پروژه ها و نقشه های گرانبهائی طرح کرد و برای مشاهده وضع وطرز کارمؤسسات صنعتی و کارخانه ها اغلب آنهارا بازدید نمود ودستورها وتعالیم سودمندی برای بهبود وضع صنایع داخلی وتقویت بنیهٔ اقتصادی کشورداد .

والاحضرت شاهپورعبدالرضا درآذرماه ۱۳۲۷ مجدداً مسافرتی بامریکا کرد تاضمن آن مطالعات تازه ای درباره توسعه وتقویت کارخانه های ایران وپیشرفت صنایع داخلی، واجرای برنامه هفت ساله بعمل آورد .

هنگامیکه والاحضرت بایران مراجعت کرد باردیگر باتجربیات واندوخته های گرانبهائی که ازامریکا آورده بود شروع بکار نمود وبرای پیشرفت کارسازمان برنامه اقدامات سودمندی بعمل آورد وضمناً نخستین سنك کارخانه کاغذسازی ایران را بدست خویش کار گذاشت .

خدمت وظیفه دردانشکده افسری :

درسال ۱۳۲۹ والاحضرت بدانشکده افسری جهت انجام خدمت مقدس سربازی وارد و به درجه ستوان دومی نائل گردید

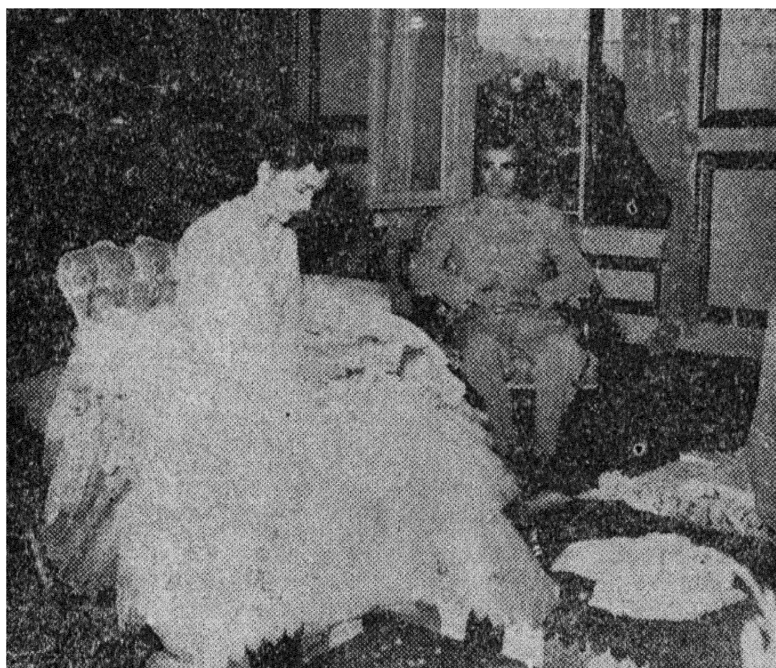


والاحضرت شاهپور عبدالرضا پس ازخاتمه تحصیل دانشکده افسری

ازدواج

والاحضرت مدتها درجستجو بود تا همسری که لیاقت ومقام همسری ایشان

را داشته باشد انتخاب و ازغم تنهائی برهاید تصادفاً در یك مهمانی والاحضرت خانم پری سیما را ملاقات و ازاو خواستگاری نمود بلا فاصله درتاریخ ۱۱ مرداد



والاحضرت شاهپورعبدالرضا درمراسم عقد با بانو پری سیما

۱۳۲۹ مراسم عقد و عزوسی با حضور و اجازه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی انجام گردید.

خانم پری سیما دختر آقای ابراهیم زند و مادر ایشان بانو اعلم الملوك می باشد در ۱۷ تیر ۱۳۰۶ درتهران متولد واز دبیرستان فیروزبهرام موفق به اخذ دیپلم گردیده و به زبانهای فرانسه وانگلیسی آشنائی دارد و بیشتر اوقات خود را صرف موسیقی ومطالعه کتاب می نمایند والاحضرت شاهپور عبدالرضا دارای یك فرزند بنام کامیار می باشد.

صفات وسجایای والاحضرت شاهپورعبدالرضا باندازه‌ای این شاهزادهٔ جوان را محبوب القلوب ومورد علاقه وتوجه عموم قرارداده است که دراغلب محافل ازشخصیت بارزومحاسن اخلاقی اوصحبت میشود. هوش وذکاوت ومتانت وادب او در همه جا

ضرب المثل است و کسانیکه حتی یکبار باوالاحضرت روبرو شده اند بی اختیار تحت تأثیر شخصیت بارز اوقرار گرفته وازصمیم قلب حس احترام وتکریم نسبت باین



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی وعلیاحضرت ملکه پهلوی پس از جریان عقد قصد خروج دارند.

شاهزادهٔ مؤدب ومتین وموقر درخود احساس نموده اند.

والاحضرت علاوه بر سرپرستی سازمان برنامه، ریاست عالی باشگاه چوگان را که یکی ازقدیمی ترین ورزشهای ایران باستان است بعهده دارد.

وجود والاحضرت عبدالرضا که جوانی دانشمند و فهمیده و لایق است برای مملکت ازهرجهت مغتنم است . زیرا معظم له یکی از بزرگترین کارشناسان اقتصادی کشور بشمار میرود وعموم اهل فن انتظاردارند که درآینده خدمات بسیار گرانبهائی بمیهن وهممیهنان عزیز خودانجام دهد و آن آرزوئی را که هنگام اقامت درژهانسبورك موقع دیدن نقشه ایران درسرداشت ، طی سال های آینده بمرحلهٔ عمل گذارد



والاحضرت شاهپورعبدالرضا دراطاق مخصوص به امورسازمان برنامه رسیدگی می نماید

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی

سال ۱۳۰۹ بود که چهارمین دختر اعلیحضرت رضاشاه پهلوی در تهران، پا بعرصهٔ وجود نهاد. والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی تحصیلات ابتدائی را علاوه بر خانه در یکی از دبستانها، وتحصیلات متوسطه را دردبیرستان انوشیروان دادگر بپایان رساند. والاحضرت شاهدخت دردوران کودکی، دختری محجوب وخوش قلب وبامحبت بود ومخصوصاً سادگی اودر لباس ورفتار محبوبیت زیادی برای وی کسب کرد و موردمحبت دوستان ونزدیکانش گردید.

هنوز بیش از یازده سال نداشت که ناگهان آتش خانمانسوز جنگ بایران نیز سرایت کرده ودرروزسوم شهریورماه ۱۳۲۰ قوای بیگانه ازشمال وجنوب وغرب بایران هجوم آوردند.

هنگامیکه اعلیحضرت رضا شاه خاك ایران را برای همیشه ترك میکرد، والاحضرت شاهدخت فاطمه نیز همراه سایر افراد خاندان سلطنتی بجزیرهٔ موریس رفت و مدت چهارماه درآن جزیرهٔ آتش‌زا وسوزان بسر برد، تاآنکه براثر اصرار اعلیحضرت پدرش بایران بازگشت

والاحضرت شاهدخت مدت سه سال در ایران اقامت داشت ودراینمدت بتکمیل تحصیلات خود مشغول بود، آنگاه دردورانی که جنك هنوز بانهایت شدت جریان داشت، ازتهران بسوی بیروت عزیمت کرد ومدت چهارماه درآن شهر بود.

در این موقع خبر وفات اعلیحضرت پدرش درژهانسبورگ رسید، واین خبر اثر عمیقی درقلب والاحضرت بخشید بطوریکه نتوانست در دیار غربت این خبر دردناك را تحمل کند، ازاینرو بایران بازگشت، ومدتی درتهران درمیان خاندان سلطنتی بسر میبرد وپس ازآنکه تااندازه‌ای تأثرات روحی او تسکین یافت، والاحضرت شاهدخت برای ادامهٔ تحصیلات باتفاق والاحضرت شاهپور عبدالرضا ووالاحضرت شاهپور محمود رضا، بسوی امریکا عزیمت کرد.

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی دریکی ازدبیرستانهای نزدیك واشنگتن

مدت دوسال بتحصیل اشتغال داشت ودرعرض این مدت هوش وقریحهٔ سرشار خود را باستادان امریکائی نشانداد.

زبان انگلیسی را بخوبی فرا گرفت. آنگاه بکالج «کانورس» درایالت «کارولین



والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی

جنوبی، رفت و پس از آن در تابستان ۱۳۲۷ برای استفاده از تعطیل تابستان بتهران آمد

این هنگام مقارن عزیمت والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی از تهران بهندوستان بود، از اینرو شاهدخت فاطمه پهلوی نیز با والاحضرت اشرف پهلوی بسوی هندوستان عزیمت کرد ومدتی نیز از شهرها و آثار تاریخی و رجال ممالک هندوستان و پاکستان دیدن نمود.

پس از آنکه شاهدخت از سفر هندوستان بازگشت، باردیگر باتفاق برادر خود شاهپور محمود رضا برای ادامهٔ تحصیلات بامریکا مسافرت نمود، و پس از چندی که اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی از طرف مستر ترومن رئیس جمهوری امریکا بآنکشور دعوت شد.

والاحضرت شاهدخت نیز برادر تاجدار خود را درا تازونی ملاقات کرد، و پس از پایان مسافرت شاهنشاه، او نیز باتفاق اعلیحضرت همایونی از امریکا بایتالیا پرواز نمود ومدتی در رم اقامت کرد.

ازدواج

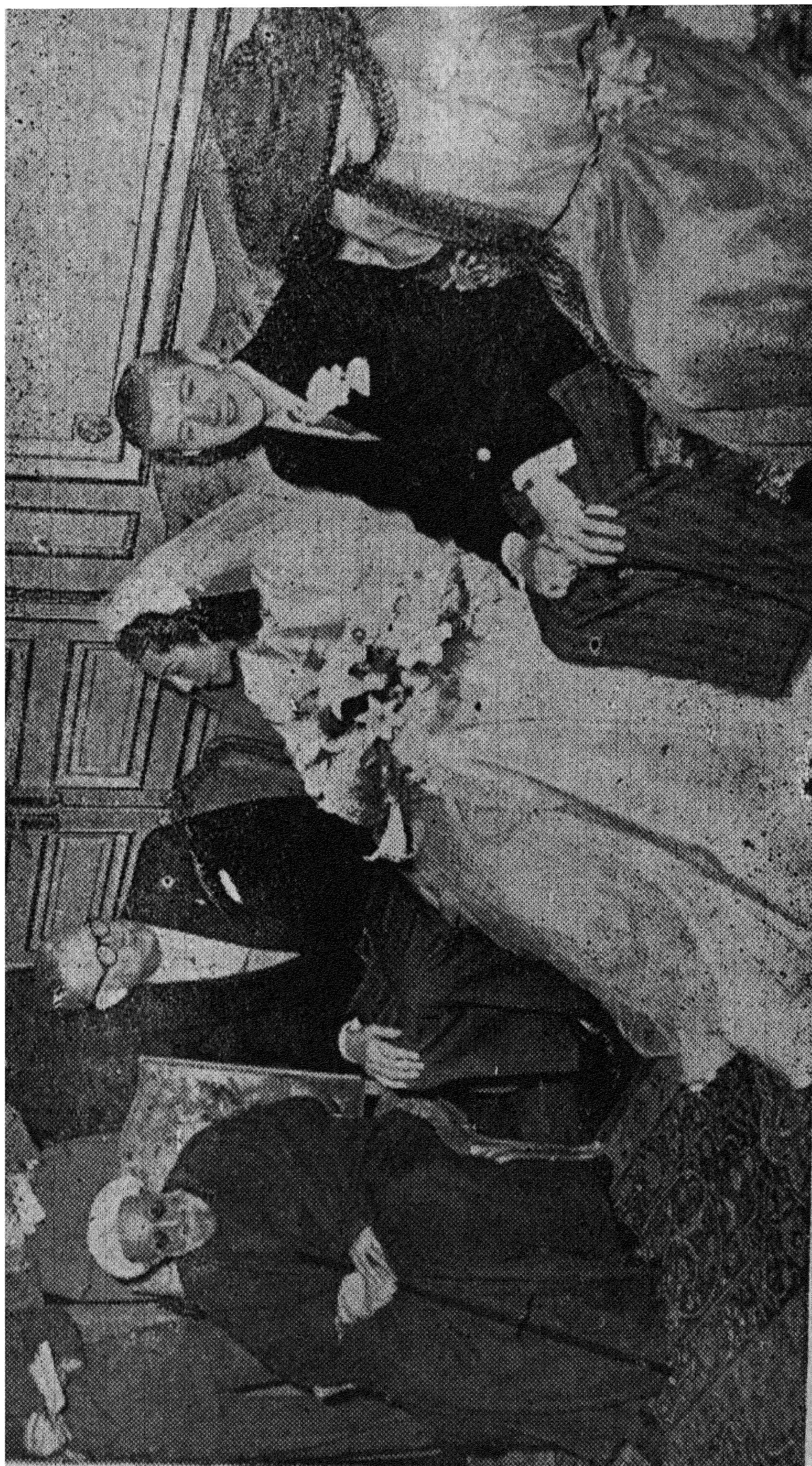
والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی درسال ۱۳۲۷ برای دیدار برادر خود مسافرتی به امریکا کرد ومدتی در آن کشور اقامت نمود. در اینموقع با یک جوان امریکائی بنام مستر هیلیر آشنا گردید.

هیلیر فرزند دکتر هیلیر یکی از پزشکان وجراحان مشهور امریکاست که تحصیلات خود را در رشته ادبیات بپایان رسانیده و بنگارش کتابی اشتغال داشت.

آشنائی مستر هیلیر باوالاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی منجر بعلاقه بیشتری بین طرفین گردید تاآنجا که تصمیم بازدواج گرفتند ودر نتیجه مراسم زناشوئی بین آنان انجام یافت.

هنگامیکه این ماجرا باطلاع اعلیحضرت همایونی رسید چون مستر هیلیر پیرو مذهب مسیح بود شاهنشاه عدم رضایت خود را نسبت باین ازدواج اظهار داشتند وقتی والاحضرت فاطمه وآقای هیلیر از اینموضوع آگاه گردیدند از عدم رضایت

شاهنشاه ناراحت شده وتصمیم گرفتندموجبات رضایت خاطراعلیحضرت همایونی
رافراهم سازند.



آقای امام شیرازی در پاریس مراسم مذهبی ازدواج والاحضرت فاطمه
و آقای هیلمر را انجام میدهد

پول برای انجام این منظور بپاریس عزیمت کردند و آقای هیلیر در مسجد مسلمانان پاریس نزد آیت الله شیرازی بدین حنیف اسلام مشرف شد و نام (علی) را برای خود انتخاب کرد. پس از آن مراسم ازدواج والا حضرت و آقای علی هیلیر طبق آئین مقدس اسلام در بهار سال ۱۳۲۸ در پاریس بوسیله آیت الله شیرازی انجام یافت.

در این مراسم شخصیت های مشهور و متعددی از رجال خارجی و داخلی از جمله آقاخان محلاتی و ریتاهیورث ستاره مشهور هالیوود و عروس سابق آقاخان نیز حضور داشتند.



پس از جریان عقد رسمی آقای سهیلی سفیر کبیر ایران مجلس ضیافتی بمناسبت این ازدواج ترتیب داد
در آن که آقاخان محلاتی و عروسش ریتاهیورث شرکت داشتند

پس از خاتمه ازدواج والا حضرت فاطمه و آقای علی هیلیر بایران مسافرت کردند و بحضور اعلیحضرت همایونی

شرفیاب شدند. سپس درمراسم عقد وعروسی شاهنشاه باعلیاحضرت ملکه ثریادر زمستان سال ۱۳۲۹ حضوریافتند. والاحضرت فاطمه چندین بار باتفاق همسرخود بکشورهای مختلف اروپاوامریکامسافرت کرد واکنون دارای دو فرزندیکی بنام کیوان دوساله ودیگری رعنا ششماهه است که‌هردودرامریکامتولد شده‌اند



والاحضرت شاهدخت فاطمه با کیوان در ۲ سالگی

آقای علی هیلیرهمسروالاحضرت فاطمه پهلوی‌همانطور که گفته شد فرزند یکی ازجراحان مشهور امریکاست، مشارالیه درسال ۱۹۲۵ درتکزاس متولد گردیده وموفق باخذ دیپلم ادبیات ازاونیورسیته کالیفرنیاشده است.

والاحضرت شاهپور احمد رضا

والاحضرت شاهپوراحمد رضا، روز ۵ مهر ۱۳۰۴ درتهران چشم بجهان گشود

مادر والاحضرت شاهپوراحمد رضا، والاحضرت عصمت در پرورش و تربیت فرزند خود در دوران طفولیت سعی ومجاهدت بسیار نمود، وپس ازچندی شاهزاده خردسال دردبستان نظام بتحصیل اشتغال ورزید.

والاحضرت دردوران تحصیلی مورد علاقهٔ رفقای دبستانی خویش بود، وهمه او را بواسطه مهربانی وسادگی ورحم وشفقت دوست میداشتند.

پس ازاتمام دورهٔ دبستان برای ادامهٔ تحصیلات دردبیرستان نظام مشغول تحصیل شد ولی دراین اوان ناگهان حادثه شوم شهریورر ویداد و والاحضرت درالتزام رکاب پدرخویش اعلیحضرت بجزیره موریس رفت.

مدتی درجزیره موریس وبعد درجنوب افریقا اقامت داشت، وخاطرات تلخی از دوران غربت و دوری از وطن دراو باقی ماند.

پس ازآنکه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی درژهانسبورگ دیده ازجهان فروبست او باتفاق سایر افراد خاندان سلطنتی از طریق قاهره بتهران باز گشت ودرروز های تاریك ومحنت زای ایران شریك درد وغم هممیهنان خود بود.

در فروردین سال ۱۳۲۵ بادوشیزه سیمین تاج بهرامی ازدواج کرد وازاو صاحب دوفرزند یکی بنام نواب والا شاهرخ و دیگری موسوم به نواب والا شهلا گردید.

سیمین تاج پهلوی که دختر دکتر بهرامی ازپزشکان عالیقدر و از رجال معروف وباشخصیت کشور است، تحت تعالیم عالیه وتربیت پدر ومادر گردان خود طوری تربیت شده که امروزه مورد احترام عموم میباشد.

سیمین تاج تحصیلات اولیه رادرتهران وبعددراروپابپایان رسانده وبزبانهای فرانسه وانگلیسی آشنائی داردوبهترین یار وغمخواروشریك زندگی والاحضرت شاهپور احمد رضا میباشد.

درسال ۱۳۲۷ والاحضرت باهمسر و فرزندان خود مسافرتی بپاریس کرد ومدتی در کشورهای اروپا بمطالعه مشغول بود.

والاحضرت شاهپور احمد رضا دارای نشانهای حسین بن علی از اعلیحضرت ملك عبداله پادشاه ماوراء اردن ونشان عالی افغان وهمچنین نشان پهلوی میباشد .

والا حضرت اوقات فراغت خود را بامور ورزشی و مطالعه در تاریخ ایران باستان وتاریخ عمومی جهان میپردازد وباسب سواری نیز بسیار علاقمنداست .

والاحضرت ازطرف اعلیحضرت همایونی ریاست عالیه ورزشهای زمستانی کشور راعهده دار میباشد .



والاحضرت شاهپور احمد رضا وسیمین تاج بهرامی پس از جریان عقد

والاحضرت شاهپور محمود رضا

یکسال پس از تاجگذاری اعلیحضرت رضاشاه پهلوی یعنی در روز ۱۲ آبان سال ۱۳۰۵ والاحضرت شاهپور محمودرضا از والاحضرت عصمت پا بجهان نهاد.

شاهپور دوران کودکی را مانند سایر برادران خود نخست در کاخ سلطنتی وبعد دردبستان و دبیرستان نظام بتحصیل اشتغال ورزید وهنوز تحصیلات او در دبیرستان نظام بپایان نرسیده بود که واقعه سوم شهریور ۱۳۲۰ روبداد و اونیز بهمراه سردودمان پهلوی راه اقیانوس را در پیش گرفت وبجزیره موریس رفت.

پس از مدتی اقامت درآن جزیره بهدوربان وسپس به ژهانسبورك رفت تا آنکه چراغ عمر پدرش خاموش گشت ودرنتیجه ازجنوب افریقا بقاهره وازقاهره بتهران مراجعت نمود وپس ازچندی برای تکمیل تحصیلات خود باتفاق والاحضرت شاهپورعبدالرضا وشاهدخت فاطمه پهلوی بسوی امریکا پرواز کرد.

والاحضرت شاهپورمحمودرضا یك چند در آموزشگاههای بزرگ آن کشور مشغول تحصیل بود وبعد وارددانشگاه کالیفرنیا شد ودر تابستان ۱۳۲۷ برای استفاده از تعطیلات تابستان باتفاق خواهر خود بایران بازگشت.

آنگاه مجدداً باتفاق والاحضرت شاهدخت فاطمه بامریکا رفت و بادامهٔ تحصیلات خودمشغول گردید تاآنکه اعلیحضرت همایونی بنابدعوت رئیس جمهوری امریکا بآن کشور پرواز نمودودرآنجا برادر تاجدار خودرا ملاقات کرد و در اغلب بازدیدهای رسمی ومسافرت بشهر ها باشاهنشاه ایران همراه بود.

والاحضرت شاهپور محمود رضا هوشی سرشارواستعدادی فوق العاده دارد بطوریکه اولیای دانشگاه و استادان امریکائی از ذوق و قریحه او بار ها ستایش کرده اند.

والاحضرت تنها یك آرزو دارد وآن اینستکه هرچه زودتر دوران تحصیلش بپایان رسیده وبرای خدمت بمیهن وهم میهنان خود بایران باز گردد.



والاحضرت شاهپور محمود رضا در کاخ سعد آباد

والاحضرت شاهپور حمیدرضا

آخرین فرزند اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، والاحضرت شاهپور حمید رضا میباشد که در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۱۱ ازوالاحضرت عصمت پابجهان نهاد.
والاحضرت حمیدرضا نیزدرسرنوشت سایربرادران وخواهران خود شریك بودو دوران کودکی را در دبستان ودبیرستان نظام گذراند، ولی هنوز تحصیلات مقدماتی اوبپایان نرسیده بود که طوفان سوم شهریور وزیدن گرفت ودر نتیجه او



والاحضرت شاهپور حمید رضا پهلوی

نیز باتفاق سایر برادران خود بجزیرهٔ موریس در جنوب افریقا رفت.

والاحضرت که از کلیه برادران وخواهران خود کوچکتر بود، بس از تنها در دیار غربت رنج بردو تحمل غم واندوه جانفرسا نمود

سرانجام پس ازچندی اقامت در آنسامان بایران بازگشت ودر کاخ سلطنتی بتحصیل اشتغال ورزید.

ازدواج

دربهمن ماه سال ۱۳۲۹ والاحضرت عصمت مادر والاحضرت حمید رضا از آقای ابوالفتح دولتشاهی عموی خود ملاقات میکند و ضمن مذاکره باو اظهار میدارد که درنظردارم برای والاحضرت حمیدرضا همسری انتخاب کنم.



دوشیزه مینو دولتشاهی با مادرش پریرخ و پدرخود آقای دولتشاهی

هنگامیکه آقای دولتشاهی سئوال میکند چه کسی را برای والاحضرت درنظر گرفته‌اند والاحضرت عصمت میگویند که دوشیزه مینو دولتشاهی توجه ایشان را جلب کرده است.

آقای دولتشاهی که پی برد دخترایشان مورد توجه والاحضرت‌عصمت قرار گرفته است اظهارداشت که من افتخارمیکنم دختراینجانب با خاندان سلطنتی وفرزند رضا شاه کبیروبرادر شاهنشاه ازدواج نماید.

پس ازمذاکراتی که دراطراف این امرصورت گرفت مراتب باطلاع اعلیحضرت همایونی رسید وپس ازآنکه شاهنشاه با این ازدواج موافقت فرمودندمراسم عقد دراسفندماه ۱۳۲۹ ومراسم عروسی درخردادماه ۱۳۳۰ درکاخ والاحضرت شاهپور عبدالرضا درپیشگاه شاهنشاه انجام‌یافت.



والاحضرت شاهپورحمیدرضا پس ازمراسم عقد انگشتر بدست همسرخود میکند

مینودولتشاهی فرزند بانوپریرخ وآقای ابوالفتح دولتشاهی نماینده‌مجلس شورایملی است که درسال ۱۳۱۲ درتهران متولدگردید و تحصیلات خود را تا حدود سیکل دوم متوسطه درتهران بپایان رساند. بانو مینودولتشاهی بموسیقی علاقه زیادی دارد وپیانورا بخوبی مینوازد تاکنون دوسفریکی به‌اروپا ودیگری بامریکا کرده است .والاحضرت شاهپورحمیدرضا از بانو مینو دولتشاهی دختری دارد بنام‌نواب‌والا نیلوفر که موجب سرورو شادمانی پدرومادرخود میباشد .

والاحضرت شاهپورحمیدرضا در روزقیام ملی۲۸مرداد مانند یك‌سربازملی درجریان شرکت‌نمود وپس از سقوط دولت بباشگاه افسران رفته و به سپهبد-زاهدی تبریك گفت.



والاحضرت شاهپورحمیدرضا بامینو پهلوی درجشن‌عروسی

بانو همدم السلطنه

درسال ۱۲۸۱ ، یك پسرعمو بادخترعموی خود ازدواج میکنند، و از ثمرهٔ این عشق وازدواج دختری بجهان میآید که اورا (فاطمه) نام مینهند.

این پسرعمو ودختر عمو ، رضاخان و(تاجماه) بودند که یکدیگررا بمنتها درجه دوست میداشتند. وفرزند خود فاطمه همدم السلطنه رانیزدرآغوش پرمهرو محبت خویش پرورش میدادند.

ولی دوران زندگی آنها در کنار هم دیری نپائید ، وتاجماه درحالیکه دختر کوچکش بیش از ششماه نداشت بر اثریك بیماری ناگهانی بدرود زندگی گفت رضاخان بناچار فرزندخود همدم السلطنه را بپسر عمو و برادر تاجماه سرهنگ ابوالقاسمخان مهاجرسپرد تابه تربیت او همت گمارد و خود وارد خدمات نظامی و



والاحضرت فاطمه (همدم السلطنه)

اردو کشی های متعدد در نقاط مختلف کشور بود مدتی بعد سرهنگ ابوالقاسمخان مهاجر وفات یافت ، وهمدم السلطنه که دائی خود را نیز از دست داده بود ، نزد پدرخود رضاخان که در کرمانشاه اقامت داشت میرود.



سیمین دخت اتابای

پس ازآن بتهران آمد و در سال ۱۳۰۳ بفرمان پدر خود سردارسپه بانایب سرهنگ دکترهادی آتابای ازدواج کرد.

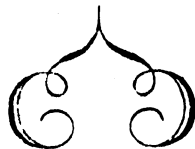
والا حضرت همدم السلطنه از همسر خود صاحب یك دختر و دو پسر بنام سیمین دخت و امیر رضا و سیروس گردید . پس ازوفات اعلیحضرت فقید والاحضرت همدم السلطنه



سیروس و امیررضا اتابای

با همسر خودمتار که نمودو به تربیت فرزندان خویش پرداخت .

والاحضرت باغلب کشور های اروپاوامریکامسافرت کرد وعلاقه بسیار ببرادر تاجدار خوداعلیحضرت همایونی دارد .



تقسیم یکصدوسی ملیون املاک سلطنتی بین ۳۵۶۹ خانوار و ۱۷۸۴۵ نفر اززارعین

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از روزیکه برتخت سلطنت جلوس کردند ، همواره درنظرداشتند که قدمهای مؤثری در راه بهبود زندگی طبقات زحمتکش مملکت بردارند، وشکاف عمیقی را که درحیات آنها ایجاد گردیده ، بطرزنیکوئی ازبین ببرند .



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی وعلیاحضرت ملکه ثریا موقع ورود به بندرشاه برای تقسیم املاک

برای انجام این منظور گذشته از عطایای ملوکانه وایجاد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ،وجمعیت شیرو خورشید سرخ که دامنه فعالیت خود را بسراسر نقاط کشور ، حتی دور افتاده ترین قصبات و قراء مملکت بسط دادند، ومدارس ابتدائی ودرمانگاههای متعدد درآن نقاط بوجود آوردند ، تدابیر دیگری نیز برای

اصلاح وضع مردم مستمند اتخاذ نمودند که یکی از مؤثرترین آنها تقسیم املاک سلطنتی بین کشاورزان است.

روزیکه شاهنشاه تصمیم به تقسیم املاک سلطنتی گرفتند، گروهی از رجال مملکت با نظری آمیخته باعجاب باین تصمیم میگریستند، زیرا بقول روزنامه نیویورک تایمز (اقدام اعلیحضرت شاهنشاه ایران برای تقسیم املاک فصل و تحویل جدیدی



یکی از زارعین گنبد قابوس قبل از دریافت سند مالکیت خود به خاك افتاده پای شاه را می بوسد ولیکن اعلیحضرت همایونی او را از این عمل منع میفرمایند

درتاریخ کشورهای مشرق‌زمین ایجاد نموده، وسرمشقی‌است برای‌سایر فرمانروایان ممالك‌آسیا که‌برای بهبودزندگی ملت‌های خود روش‌شاهنشاه ایران را پیشه‌خویش سازند)

بهرحال هنگامیکه‌اعلیحضرت‌همایونی تصمیم‌بتقسیم‌املاك سلطنتی گرفتند، بسیاری‌ازملاکین مخالف‌این امربودند،زیرا ازاین‌امرمیترسیدند که‌مسئله‌تحدید مالکیت لطمه‌ئی‌بوضع آنها وارد آورد،ولی‌اعلیحضرت‌همایونی بدون‌توجه بنگرانی کسانیکه بقول‌خودشان صاحب املاك بوسعت‌سویس‌وبلژیك وهلند بودند و در مقابل‌آنها عده‌ئی حتی جابرای نشستن خودوزن و فرزندانشان رانداشتند، فکر تقسیم املاك سلطنتی‌را بمرحله عمل‌درآوردند.

املاك سلطنتی که‌از اعلیحضرت‌فقید‌باعلیحضرت همایونی بارث‌رسیده‌بود درشمار بهترین ومرغوب ترین املاك بشماررفته ومیرود، ازاین‌رووا گذاری‌آنها بکشاورزانی که‌درسخترین شرایط ،دراراضی‌غیرمستعدباموروفلاحت‌میپرداختند، نعمت غیرمترقبه‌ئی بشمارمیرود.

نتیجهٔ‌مهمی که‌تقسیم‌املاك‌درروحیه کشاورزان دارد، اینستکه اولا میلیونها کشاورز مملکت‌را که‌بیشتر آنان‌دارای فرزندونوه‌ونتیجه‌هستند و تا بحال همه آنان برای استفاده مالکین واربابان‌خودزحمت‌میکشیدندا کنون باتقسیم‌املاك به‌آب‌وخاك‌خود علاقمندمیشوند،واین علاقمندی‌را بفرزندان‌خودنیز بارث‌میدهند وچون اطمینان‌دارند که‌هرقدر زحمت بکشندوکار کنندنتیجه‌آن‌عاید خودشان میشود ازاین‌روبرای آبادی وعمران املاك خویش نهایت سعی‌وکوشش را بکار میبرند ودرنتیجه‌وضع کشاورزی مملکت بنحوقابل‌توجهی تغییرخواهد کرد .

نکته‌ئی‌را که‌نبایدازنظردورداشت‌زحمت‌وکوششهای کسانیست که‌دراجرای اوامرومنویات ملوکانه برای تقسیم املاك سلطنتی‌نهایت سعی‌وکوشش‌را بکاربردند ازآنجمله آقایان جلال شادمان ،اسدالله‌علم، آموزگار، بهبهانیان‌میباشند.

آمار املاك تقسیم شده بشرح زیر است



ورامین	۹۳۴	خانوار
رودهن	۱۲۷	«
محمد آباد	۳۸	«
تاکستان	۱۶۰۰	«
خانلوق	۱۲۰	«
فریمان	۵۲۰	«
گنبد قابوس	۲۳۰	«
جمع	۳۵۶۹	



پایان

اکنون که کتاب تاریخ هفتاد ساله خاندان پهلوی پایان یافت لازم میداند نکاتی چند بعنوان یادآوری باطلاع خوانندگان گرامی برساند.

تهیه مدارك وجمع آوری و نگارش مطالب این کتاب باوجود تمام مشکلاتی که درسر راه بود بحمداله با موفقیت انجام یافت وامید است این خدمت ناچیز نگارنده که همواره آنرا جزو وظائف ملی خود دانسته ومیداند نزد ارباب خرد مورد قبول واقع شود واگر لغزشی در مطالب آن مشاهده شد بادیده اغماض نگرند. زیرا تنها نیت نگارنده از نگارش این کتاب روشن شدن بخشی از تاریخ ایران بود که در عرض هفتاد و چهار سال گذشته در این کشور رویداد ومنجر بتحولات عظیم در اوضاع سیاسی ونظامی واجتماعی واقتصادی و فرهنگی این سرزمین گردید وهمچنین سبب شد که حکومت دویست ساله قاجاریه در ایران منقرض ویك سلسله ایرانی نژاد بنام سلسله پهلوی تشکیل گردد.

برای تهیه مطالب تاریخی واسناد ومدارك این کتاب علاوه بر استفاده از تاریخ های منتشره در ربع قرن اخیر از اغلب روزنامه ها ومطبوعات ایران که حوادث روز

منتشر میکردند وهمچنین ازمطبوعات ومجلات خارجی که درباره اوضاع ایران اظهار عقیده مینمودند و وقایع این سامان رادرج میکردند استفاده بعمل آمده است.

این نکته نیز ناگفته نماند که عده‌ای از رجال سیاسی و نظامی و مردان برجسته ونامی کشور که خود دراغلب حوادث و وقایع منتشره دراین کتاب شاهد و ناظر امور بودند مطالب بسیار گرانبهائی در دسترس نگارنده گذاشتند که مطالب واطلاعات مزبور مورد استفاده قرار گرفت وا گرچه سزاوار بود نام این خدمتگذاران میهن و رجال نامی دراین کتاب ذکر شود و ازراهنمائی‌های سودمندی که کرده‌اند سپاس گزاری بعمل آید ولی چون طبع بلند شان عاری از خودنمائی وخویشتن کامکی بود ازاینرو بنابدرخواست آنان ازذکر نامشان خودداری شد و فقط بهمین وسیله سپاس بی پایان خودرا ازمساعدتهایشان ابراز میدارد.

درخاتمه امیداست تاریخ دودمان پهلوی که شامل جنگها و زدوخوردها و فداکاریها ومبارزه‌های پایان ناپذیر و خدمات گرانبهای دوتن ازبرجسته ترین پادشاهان این مرزوبوم یعنی پهلوی اول ودوم است که ایران را ازانقراض واضمحلال قطعی نجات دادند مورد توجه دانش پژوهان وهمچنین نسل‌های آینده قرار گیردو آنچنان که سزاوار است ازتاریخ پرکشمکش حیات سردودمان خاندان پهلوی و فرزند تاجدار والاتبار او مطلع شوند وقدر زحمات ات وفداکاریهای آنانرا برای اعتلای نام وعظمت ایران بدانند.





دکتر جعفر شاهید مؤلف و ناشر کتاب